

إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)

انتشارات انصار امام مهدي (ع)

الجواب المنير عبر الأثير

(الجزء الخامس)

پاسخهای روشنگر بر بستر امواج

(جلد پنجم)

سید احمد الحسن

تحقیق اللجنة العلمية لأنصار الإمام المهدي (ع)
گردآوری و تنظیم: هیأت علمی انصار امام مهدي (ع)

نام کتاب	پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد ۵)
نویسنده	احمد الحسن (ع)
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (ع)
نوبت انتشار عربی	اول
تاریخ انتشار عربی	۱۴۳۲ق - ۲۰۱۱م
نوبت انتشار ترجمه	دوم
تاریخ انتشار ترجمه	۱۳۹۴
کد کتاب	۱۳۴/۲
ویرایش ترجمه	دوم
دوزبانه‌سازی	امیر فهیمی انصاری

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (ع) يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي:

www.almahdyoon.org

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن (ع) به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.co/ir

فهرست

- پیش‌گفتار..... ۸
- بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه‌السلام..... ۱۸
- محور اول: پرسش‌های اعتقادی..... ۱۸
- پرسش ۴۰۳: فرق بین قرآن و کتاب..... ۱۸
- پرسش ۴۰۴: امام مجهول در روایات کیست؟..... ۱۹
- پرسش ۴۰۵: انذار دهنده در آیات قرآنی و تفسیر آیه « إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُزْقَانًا »..... ۲۱
- پرسش ۴۰۶: آیا خدا همه جا موجود است؟..... ۲۶
- پرسش ۴۰۷: نیازمند به دعاها و ذکرها..... ۲۷
- پرسش ۴۰۸: سوالاتی در مورد معراج و اسراء پیامبر(ص)..... ۲۹
- پرسش ۴۰۹: آیا امام حسین(ع) در زمان امام مهدی(ع) دوباره آفریده میشود؟..... ۳۱
- پرسش ۴۱۰: آیاتی برای از بین بردن سحر و جادو..... ۳۳
- پرسش ۴۱۱: درخواست دعا برای بهبود نابینایی..... ۳۶
- پرسش ۴۱۲: خداوند شبیه عیسی(ع) را برای مصلوب شدن او با چه چیزی جبران کرد؟..... ۳۷
- پرسش ۴۱۳: درخواست دعا برای محافظت از شر شیطانهای جن و انس..... ۳۹
- پرسش ۴۱۴: آیا در هنگام به قدرت رسیدن یمانی توبه برداشته میشود؟..... ۴۰
- پرسش ۴۱۵: آیا گفتن (رمضان) بدون پیشوند قرار دادن (شهر = ماه) صحیح است؟..... ۴۲
- پرسش ۴۱۶: معنی آیه (... قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ...)..... ۴۴
- پرسش ۴۱۷: سوالهایی در مورد توحید..... ۴۵
- پرسش ۴۱۸: معنی نقطه در سخن امام علی(ع) در حدیث (قران در سوره فاتحه است)..... ۵۰
- پرسش ۴۱۹: معنی آمرزش برای بهشتیان در آیه (وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ)..... ۵۱
- پرسش ۴۲۰: این فرستاده که در آیه (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ : من فرستادهای امین برای شما هستم) کیست؟..... ۵۳
- پرسش ۴۲۱: معنی آیه (مُشْتَبِهًا وَغَيْرِ مُتَشَابِهٍ: همانند و غیر همانند)..... ۵۶
- پرسش ۴۲۲: سوالاتی در مورد محاسبه و خداوند و کسانی که هلاک نمیشوند..... ۵۸
- پرسش ۴۲۳: معنی آیه (مَنْ كَانَ يُظُنُّ أَنْ لَّنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ) چیست؟..... ۶۷
- پرسش ۴۲۴: تفسیر آیه (مَّ اِرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ)..... ۷۰
- پرسش ۴۲۵: چرا خداوند در برخی آیات با صیغه جمع سخن گفته است؟..... ۷۳
- پرسش ۴۲۶: سوالاتی در مورد پیامبری که در آیه (إِذْ قَالُوا لَنَبِيِّ لِهْم) آمده است..... ۷۵

- محور دوم : سؤالات فقهی..... ۷۹**
- پرسش ۴۲۷: حکم اهدای اسپرم به همسرنازای برادر..... ۷۹
- پرسش ۴۲۸: نظر پدر در امر ازدواج دخترش..... ۸۰
- پرسش ۴۲۹: حکم قمه زنی در عزاداری ها..... ۸۱
- پرسش ۴۳۰: حکم ازدواج سیده با غیر سید..... ۸۲
- پرسش ۴۳۱: وضوگرفتن قبل از قرائت قرآن..... ۸۳
- پرسش ۴۳۲: خمس زمان غیبت کبری..... ۸۴
- پرسش ۴۳۳: ویژگی نماز صحیح و گروههای گمراه چیست؟..... ۸۵
- پرسش ۴۳۴: مداوا شدن زن نزد پزشک مرد..... ۸۷
- پرسش ۴۳۵: سوالی در مورد ازدواج..... ۸۸
- پرسش ۴۳۶: سوالی در مورد نماز شفع و وتر..... ۹۱
- پرسش ۴۳۷: معامله قسطی جائز است؟..... ۹۳
- پرسش ۴۳۸: حکم فردی که نمی تواند در عرفه در وقت شرعی که از سمت امام معصوم تعیین شده حضور پیدا کند..... ۹۴
- پرسش ۴۳۹: سوالاتی در مورد ازدواج با زنی با اعتقاد متفاوت..... ۹۵
- پرسش ۴۴۰: فروش سیدی با محتوای فیلم خارجی..... ۹۷
- پرسش ۴۴۱: احکام خمس اموال ذخیره و هدیه..... ۹۹
- پرسش ۴۴۲: سوالی در مورد امامت نماز جمعه..... ۱۰۱
- پرسش ۴۴۳: سوالاتی در مورد فرزند شبهه..... ۱۰۲
- پرسش ۴۴۴: حکم استفاده از آبهای مصرفی تصفیه شده..... ۱۰۸
- پرسش ۴۴۵: حکم استفاده از گیاه ماریجوانا..... ۱۰۹
- پرسش ۴۴۶: حکم بستن لولههای رحم..... ۱۱۰
- پرسش ۴۴۷: احکام طهارت و نماز کسی که سکه مغزی کرده است؟..... ۱۱۰
- پرسش ۴۴۸: پرداخت بدهی به شخصی که در قید حیات نیست..... ۱۱۳
- پرسش ۴۴۹: حکم تراشیدن ریش برای تقیه..... ۱۱۴
- محور سوم : جواب های متفرقه..... ۱۱۶**
- پرسش ۴۵۰: چه حکمتی در جهر و اخفات در نماز است؟..... ۱۱۶
- پرسش ۴۵۱: درخواست آموزش..... ۱۱۷
- پرسش ۴۵۲: حکم کار در ارتش..... ۱۱۹

- پرسش ۴۵۳: آفریده‌هایی در سیاره‌های دیگر غیر از زمین..... ۱۲۱
- پرسش ۴۵۴: درخواست دعا ۱۲۳
- پرسش ۴۵۵: درخواست دعا برای موفقیت..... ۱۲۶
- پرسش ۴۵۶: درخواست دعا ۱۲۸
- پرسش ۴۵۷: آیا اسلام عشق را حرام کرده است؟ ۱۲۹
- پرسش ۴۵۸: درخواست دعا برای شفا یافتن ۱۳۴
- پرسش ۴۵۹: درخواست حرز یا دعا ۱۳۶
- پرسش ۴۶۰: معنی فرموده‌ی امام علی(ع) در حدیث(.. و اذا نقس في الناقوس..). ۱۳۸
- پرسش ۴۶۱: درخواست مشورت برای ازدواج ۱۴۰
- پرسش ۴۶۲: سوالی در مورد تبلیغ و رؤیت یمانی ۱۴۲
- پرسش ۴۶۳: آیا خدا همه جا موجود است؟ ۱۴۳
- پرسش ۴۶۴: درس خواندن یا ازدواج برای دختر مناسب است؟ ۱۴۵
- پرسش ۴۶۵: سوالات فقهی و معنی آیهی (زَبَّ أَشْرَخُ لِي صَدْرِي)..... ۱۴۷
- پرسش ۴۶۶: چند سوال در مورد روایات..... ۱۵۷
- پرسش ۴۶۷: درخواست دعا برای فرزند بیمار ۱۶۳
- پرسش ۴۶۸: سوالی در مورد روح..... ۱۶۴
- پرسش ۴۶۹: ادامه دادن در حوزه علمیه و تدریس در آن ۱۶۶
- پرسش ۴۷۰: درخواست مشورت برای ادامه درس خواندن ۱۶۸
- پرسش ۴۷۱: چند سوال در مورد خلقت و جهان..... ۱۷۱
- پرسش ۴۷۲: منظور از (عزائم الجان) چیست؟..... ۱۷۷
- پرسش ۴۷۳: درمان برخی از بیماریها و کابوسها..... ۱۷۸
- پرسش ۴۷۴: چند سوال عقائدی ۱۸۰
- محور چهارم: تأویل رؤیا ۱۸۸**
- پرسش ۴۷۵: خوابی در حرم امام حسین (ع)..... ۱۸۸
- پرسش ۴۷۶: خواب دیدن امام مهدی(ع)..... ۱۹۱
- پرسش ۴۷۷: خواب دیدن وارد شدن به مسجد سنی..... ۱۹۳
- پرسش ۴۷۸: شنیدن منادی، صدا می‌زند: ای مردم، زهراء را یاری دهید..... ۱۹۵
- پرسش ۴۷۹: خواب دیدن به دو درختی که منفجر شدند..... ۱۹۸

- پرسش ۴۸۰: خواب دیدن زیارت امام حسین (ع) ۲۰۱
- پرسش ۴۸۱: خواب دیدن که صدایی که به تکرار میگوید (امام احمدالحسن الیمانی) ۲۰۴
- پرسش ۴۸۲: خواب دیدن ظهور امام مهدی (ع) ۲۰۷
- پرسش ۴۸۳: خواب دیدن زن بارداری به پسری به نام عبدالرحمن ۲۱۱
- پرسش ۴۸۴: خواب دیدن به آنفولانزای خوکی ۲۱۳
- پرسش ۴۸۵: خواب دیدن جوانی که اذان میگوید ۲۱۴
- پرسش ۴۸۶: خواب دیدن خواندن آیه الکرسی ۲۱۵
- پرسش ۴۸۷: خواب دیدن فرمانده ارتشی و درجه پنج ستاره و تاج ۲۱۷
- پرسش ۴۸۸: خواب دیدن حضرت زهرا(ع) ۲۱۸
- پرسش ۴۸۹: خواب دیدن آنچه حضرت موسی(ع) به قومش گفت ۲۲۰
- پرسش ۴۹۰: خواب دیدن فلجی که از برکه آب خارج میشود ۲۲۳
- پرسش ۴۹۱: خواب دیدن ماه گرفتگی و پنهان شدن آن ۲۲۵
- پرسش ۴۹۲: خواب دیدن امام خمینی(رحمه الله) در حال استغاثه به حضرت زهرا(ع) ۲۲۶
- پرسش ۴۹۳: خواب دیدن مردن بعد از اتمام دوره لیسانس ۲۲۸
- پرسش ۴۹۴: خواب دیدن زنی که میگوید: سید احمد در بین شماست ۲۳۷
- پرسش ۴۹۵: خواب دیدن زن حائض ۲۳۹
- پرسش ۴۹۶: خواب دیدن امام مهدی(ع) ۲۴۰
- پرسش ۴۹۷: خواب دیدن حضرت عیسی(ع) ۲۴۳
- پرسش ۴۹۸: خواب دیدن سجده کردن ۲۴۵
- پرسش ۴۹۹: خواب دیدن آسمانی که روشن میشود ۲۴۶
- پرسش ۵۰۰: خواب دیدن پیامبر(ص) در حالی که برای احمد شهادت میدهد ۲۴۸
- پرسش ۵۰۱: خواب دیدن به فرمان خداوند، باید همسرم را سر ببرم ۲۴۹
- پرسش ۵۰۲: خواب دیدن اینکه سید احمد الحسن(ع) وصی است ۲۵۰
- پرسش ۵۰۳: خواب دیدن امام حسین(ع) است ۲۵۱
- پرسش ۵۰۴: خواب دیدن حضرت رقیه(ع) که عبا خود را به زنی میدهد ۲۵۳
- قسمت دوم: پاسخ‌های أنصار امام مهدی(ع) ۲۵۵**
- پرسش ۵۰۵: صاحب یاسین کیست؟ ۲۵۵
- پرسش ۵۰۶: خواب دیدن امام کاظم(ع) ۲۵۶

- پرسش ۵۰۷: نظر شما در مورد بن لادن و گروه‌های جنگجو..... ۲۵۷
- پرسش ۵۰۸: اسم ظاهر و باطن شما چیست؟..... ۲۶۰
- پرسش ۵۰۹: چرایی عدم حضور امام مهدی(ص) و سوالی درباره انتخابات..... ۲۶۱
- پرسش ۵۱۰: ازدواج موقت..... ۲۶۴
- پرسش ۵۱۱: آیا امام ازدواج کرده است؟..... ۲۷۳
- پرسش ۵۱۲: تعامل با بدگویان به سیداحمد الحسن(ع)..... ۲۸۳
- پرسش ۵۱۳: حکم حلال و حرام بودن سرکه و مرغ وارداتی..... ۲۸۸
- پرسش ۵۱۴: خطاب به مدعی احمد..... ۲۹۰
- پرسش ۵۱۵: آیا تایید کننده عرب یا وهابیت هستید؟..... ۲۹۱
- پرسش ۵۱۶: چرا امام علی(ع) برای خلافت بعد از پیامبر نجنگید؟..... ۲۹۴
- پرسش ۵۱۷: چند سوال از روایات..... ۲۹۷
- پرسش ۵۱۸: آیا امام مهدی(ع) در علم فقه و قرآن از همه مردم داناتر است؟..... ۳۸۰
- پرسش ۵۱۹: مطلب جدیدی نیوردی..... ۳۸۸
- پرسش ۵۲۰: آیا خشم الهی فقط بر عراق است؟..... ۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً
 قال تعالى: ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾^(۱)، يوماً بعد يوم يرفع
 الله سبحانه بفضله ومنه عن بصائرنا طين المادة، لنعود ونبصر كما أراد لنا الله عز وجل أن نبصر،
 وأن نرى من آياته الكبرى التي تجلى بها لخلقه معرّفاناً نفسه لهم تفضلاً منه تعالى وإنعاماً
 وإكراماً.

خداوند متعال فرمود: (قسم به خورشید و نورش، قسم به ماه وقتی بعد از خورشید بیاید، قسم به روز وقتی
 خورشید را روشن گرداند)^(۲)، روز به روز خداوند سبحان با فضل و منتش از چشمان ما گل ماده را می‌زداید، تا
 بازگردیم و همان‌طور که خداوند عزوجل برای ما اراده کرده، ببینیم، و آیات بزرگی که به واسطه آن برای
 آفریدگانش تجلی کرده را مشاهده کنیم و به واسطه آن خداوند، خودش را برای آنان معرفی می‌کند، و به آنان
 تفضّل می‌کند و نعمت و گرم می‌بخشد.

ومن تلك الآيات العظيمة وجود حجة الله جل وعلا بين ظهرانينا وبين لنا كما قال الله تعالى:
 ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو
 عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾^(۳)، نعم والله قد جاءنا من الله نور وكتاب
 مبين، فلم يكن يدور بخلد الناس أن تكون الرؤى أو ما يصطلحون عليه بـ (الأحلام) ميداناً
 معرفياً يستبين منه الحق وينفى عنه خبث الباطل وأدرانه، ويكشف عن حقيقة لطالما بقيت طي
 الكتمان والخفاء مفادها أن النفس الإنسانية هي وعاء لكلمات الله سبحانه ولذلك خلقها الله
 جلت قدرته.

یکی از آن آیات بزرگ، وجود حجت خداوند -جل و علا- در بین ما که مسائل را برای ما روشن می‌سازد،
 همان‌طور که خداوند متعال فرمود: (ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که بسیاری از چیزهایی از
 کتاب (آسمانی خود) را که پوشیده می‌داشتید برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری (خطاهای شما) در می‌گذرد.
 قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشن‌گر آمده است)^(۴)، بله به خدا قسم برای ما از سوی خداوند

۱- الشمس: ۱-۳.

۲- شمس: ۳-۱.

۳- المائدة: ۱۵.

۴- مائدة: ۱۵.

نور و کتاب آشکار آمده است، و به ذهن مردم نمی‌رسید که رؤیا یا چیزی که به اصطلاح به آن خوابها می‌گویند، وسیله شناختی باشد که از طریق آن حق آشکار می‌شود و بدی و خُبث باطن را از آن نفی می‌کند و از حقیقتی پرده بر می‌دارد که پنهان و مخفی بوده، و آن این که نفس انسان ظرفی برای کلمات خداوند سبحان است، و به خاطر همین خداوند بزرگ، او را آفریده است.

وهذه النفس الوعاء يكون تلقيها بحسب تطهرها وإخلاصها ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾^(١)، ولعل تلقي كلمات الله سبحانه في الملكوت، العالم الذي لم يعص الله سبحانه فيه طرفة عين، هو دليل كرم المعطي وتفضله الابتداء، وكذلك هو بيان للناس أنهم كلهم مشروع أنبياء ورسول لله سبحانه ولكنهم للأسف حظهم ضيعوا وربهم أغضبوا.

این نفس ظرفی است و ریزش در این ظرف به حسب پاکی و اخلاص آن است (فردی که نفسش را پاک نموده، رستگار می‌شود)^(٢)، ریزش کلمات خداوند سبحان در ملکوت است، عالمی که در آن به اندازه یک چشم به هم زدن از خداوند عصیان نشده است، و آن بر شروع بخشش عطاکننده و فضل او دلالت می‌کند، و هم‌چنین آن بیانی برای مردم مبنی بر این که همه آنان در مشروع پیامبران و فرستادگان خداوند سبحان هستند، ولی متأسفانه آنان بهره خود را از بین بردند و پروردگارشان را به خشم آوردند.

اليوم في هذه الدعوة المباركة أعيد لملكوت الله سبحانه اعتباره الذي أضاعه الناس بالانغماس في عالم المادة حتى بلغ طينها الأذان والأعين فطمست للأسف وحرمت سماع الحق من الحق هكذا من دون واسطة، ومن دون أن يفتح الباب لفلان و فلان ليشكك بناقل الخبر، أو بمتن الخبر، فهذا الخبر لم تتناقله الرجال، بل هو نزل من عند الله سبحانه مباشرة في الوعاء الذي أعده الله سبحانه محلاً لذلك.

امروزه در این دعوت مبارک، اعتبار ملکوت خداوند بازگشته است، چیزی که مردم آن را به سبب فرو رفتن در عالم ماده از بین بردند، به طوری که گِل آن وارد گوش‌ها و چشمان شده و متأسفانه بسته شدند، و از شنیدن حق از خداوند حق و بدون واسطه، محروم گشتند، و بدون این که درب برای فلانی یا فلانی باز بشود تا به ناقل خبر یا متن خبر شک کنند، و این خبری است که افرادی آن را نقل نکردند، بلکه به صورت مستقیم در ظرفی که خداوند سبحان آن را مکانی برای این مسائل قرار داده از سوی خداوند سبحان فرستاده شده است.

١- الشمس: ٩.

٢- شمس: ٩.

وليس غريباً أن يكون القتال في هذه الدعوة المباركة ميدانه إثبات الرؤيا بوصفها سبيلاً إلهياً للهداية لا يمكن نكرانه إلا جهلاً أو جحوداً، ولا يمر بخلد القارئ أن وصف القتال هو دعوة للعنف، بل على العكس تماماً هو دعوة حقيقية للسلام الحقيقي، لأن معنى القتال هنا هو القتال الحقيقي مع الأنا الحجاب الظلماني في النفس الإنسانية الذي يعمل على تشكيكها بنور الله سبحانه وحبسها في هذا العالم المادي الذي هو عدم قابل للوجود، أي هو بالنتيجة عالم عدمي وليس حقيقياً وإن كان له حظ في الوجود فهو بتقومه بنور الله سبحانه، وإنما كان هذا العالم للامتحان لا غير، والعوالم الحقيقية هي تلك العوالم التي تقترب من النور الحق.

دور از ذهن نیست که در این دعوت مبارک جنگ برای اثبات رؤیا به عنوان یک طریق الهی برای هدایت است که نمی‌توان آن را انکار کرد، مگر از روی نادانی و لجابت، و به ذهن خواننده خُطور نکند که معنای جنگ در این جا، دعوت به عاف است، بلکه کاملاً برعکس است، و آن همان دعوت حقیقی به اسلام حقیقی است، چون معنای جنگ در این جا همان جنگ حقیقی با مَنیّت که آن یک حجاب ظلمانی در نفس انسانی که به نور خداوند سبحان تشکیک وارد می‌کند و آن را در عالم مادی حبس می‌کند، ماده‌ای که عدم قابل وجود است، یعنی در نتیجه عالمی است که عدم است و حقیقت نیست، هرچند بهره‌ای از وجود دارد و این بهره به واسطه نور خداوند سبحان استوار شده است، و این عالم فقط برای امتحان است، و عوالم حقیقی عوالمی هستند که به نور حق نزدیک می‌شوند.

والمملکوت هو عالم أقرب من عالم الدنيا إلى النور الحق، وهو عالم طاعة، وما يراه فيه العبد فهو حق من عند الحق ليس فيه تضليل أو تزييف أو خداع، ولذلك توجهت له سهام فقهاء آخر الزمان ومن ينعم بقولهم لتشكيك الناس بما يرون من حق في عالم المملکوت الذي فتحه الله سبحانه ببركة وجود وصي ورسول الإمام المهدي(ع)، ليس هذا حسب، وإنما بين اليماني(ع) وصي ورسول الإمام المهدي(ع) أن ما يأتي من المملکوت هو معرفة إلهية عظيمة تختزل لمن يرى في المملکوت ربما عمراً يفنيه في طلب تلك المعرفة وربما يحصل عليها أو قد لا يحصل، ولكن بعروج روحه إلى عالم المملکوت فقد تتلقى فيه تلك المعرفة بزمان قياسي جداً لا يتجاوز اللحظات، وسأدلل على ذلك بنقل جوهرة ملكوتية لأحد الأخوة الذين وفقهم الله سبحانه أن يتلقوا كلماته في عالم المملکوت، وسأنقل لكم تأويل قائم آل محمد ويمانهم(ع) لهذه الكلمات التي تلقاها الأخ الذي رأى في ملكوت الله سبحانه ما عجز عما يراد منه فأرسل سؤاله إلى قائم آل محمد ويمانهم(ع) قائلاً:

ملکوت عالمی است که از عالم دنیا به نور حق نزدیکتر است، و آن عالم اطاعت است، و آن چه بنده در آن می بیند همان حقی است که از نزد حق است و در آن گمراهی یا فریب دادن نیست، و به همین خاطر تیرهای فقهای آخرالزمان و افرادی که سخنان آن ها را می گویند، به آن متوجه است، تا مردم در حقی که در عالم ملکوت می بینند، تشکیک وارد کنند، عالمی که خداوند به برکت وجود وصی و فرستاده امام مهدی (ع) دربهای آن را باز نموده است فقط این نیست، و یمانی (ع) -وصی و فرستاده امام مهدی (ع)- روشن ساخت که آن چه از ملکوت می آید، شناخت الهی بزرگی است برای آن چه که فرد در ملکوت می بیند، و چه بسا در به دست آوردن این شناخت، عمر از بین برود، و شاید به دست بیاید یا به دست نیاید، ولی با بالارفتن روح او به عالم ملکوت، آن شناخت را به دست می آورد، در طول زمانی که از چند لحظه هم نمی گذرد، برای درک این مطلب گوهری ملکوتی را نقل می کنم و این رؤیای یکی از برادران است که خداوند سبحان او را موفق نموده است که کلمات او را در عالم ملکوت به دوش بکشد، و تأویل قائم آل محمد و یمانی آنان (ع) را در مورد این کلمات نقل می کنم، کلماتی که این برادر در ملکوت خداوند سبحان دیده است و منظور از آن را متوجه نشده است و سؤالش را به قائم آل محمد و یمانی آنان (ع) فرستاده است، سؤال این گونه است:

[السؤال / ۴۹۰: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

سیدی ومولای یابن رسول الله صلوات ربي عليك وعلى آبائك الطاهرين والمهديين من ولدك.

سیدی ومولای، رأیت رؤیا فی المنام عجزت عن تفسیرها وأخذ العبرة منها، فوجهت وجهی لكم سیدی لأفهم المقصود من رؤیای: وجدت یا سیدی أني مع مجموعة من الزملاء فی بعثة دراسية لبلد أجنبي، ولكن حين وصلنا لهذه البلدة وجدناها لا تروق لنا ونريد الخروج منها، فكان من معي من الإخوة مختلفين فی ما بينهم على الطريقة الأمثل وشرح سبب مناسب لمن أرسلنا لهذه البلد، فوجدت نفسي أقول لهم: اجمعوا أمرکم على قول واحد وقولوا بما قال نبي الله موسى لقومه.

فما كان قول نبي الله موسى لقومه المناسب لمثل حالنا هذا؟ وهل لهذا القول علاقة بقضية الإمام المهدي سلام الله عليه؟ وبماذا توجهني وتنصحي به في مثل هذه المواقف؟]

سؤال / ۴۹۰: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

آقا و مولای من، ای فرزند رسول الله، درود پروردگار من بر تو و پدران پاک و مهدیین از فرزندان. آقا و مولای من، رؤیایی دیدم که از تفسیر و گرفتن عبرت از آن ناتوان هستم، آقای من، به سمت شما رو آوردم تا مقصود از رؤیایم را بفهمم: آقای من، بنده و تعدادی از دانشجویان به سمت کشور خارجی برای تحصیل

علم رفتیم، ولی زمانی که به آن شهر رسیدیم متوجه شدیم که آن جا به درد ما نمی‌خورد، می‌خواستیم از آن بیرون برویم، برادرانی که با من بودند در مورد راه صحیح و شرح علت مناسب برای فردی که به این شهر فرستاده شدیم اختلاف داشتند، انگار به آنان می‌گفتم: سخن‌تان را یکی کنید و سخنی را بگویید که پیامبر خدا موسی به قومش فرمود.

سخن پیامبر خدا موسی به قومش که متناسب با این حال ما بود چیست؟ آیا این سخن با قضیه امام مهدی (ع) مرتبط است؟ درچنین جایگاهی چه نصیحتی به من می‌کنید؟

فجاءه الجواب كالآتي مع ملاحظة أنني سأترك ذلك الجواب الإلهي يتكلم عن نفسه من دون تعليق سائلاً المولى سبحانه أن يكون في تلك الرؤيا وفي تأويلها سبيل هداية للقارئ لمعرفة الحق وداعيه والعمل على نصرته، وجواب الإمام أحمد الحسن (ع) على الرؤيا هو الآتي:

پاسخ به این صورت آمد، و من این پاسخ الهی را رها می‌کنم تا خود در مورد آن سخن بگوید، بدون اینکه تعلیقی به آن بزنم، و از خدای سبحان می‌خواهم که در این رؤیا و در تاویل آن، راهی برای هدایت خواننده باشد تا حق و دعوت کننده آن را بشناسد و برای یاری آن عمل کند، پاسخ سید احمد الحسن در مورد رؤیا این چنین است:

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

اعلم وفقك الله أن صيحة جبرائيل (ع) تتبعها صيحة إبليس، وكل صيحة حق تتبعها صيحة باطل، فكما تسمع بدعوة الحق وداعي الحق لا بد أن تمر بالامتحان وتسمع من شياطين الإنس والجن الشبهات التي يريدون أن يغطوا بها الحق ويضلوا بها الخلق عن الصراط المستقيم، فهذه رؤياك تبين لك الرد المناسب على شيعة المراجع أو أعوانهم والمنتصرين لهم، الذين يوجبون تقليد غير المعصوم بأهوائهم ونصبوا لأنفسهم عجلاً وسامرياً وضلوا عن سواء السبيل، فالله يبين لك أن الرد المناسب عليهم عندما يدعونك إلى الابتعاد عن الحق هو ما قاله موسى (ع) لأشبهاهم: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ البقرة: ۵۴.

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

خدابه شما توفیق دهد، بدان که بعد از صیحه جبرئیل، صیحه ابلیس می‌آید، و بعد از هر صیحه حقی صیحه باطلی می‌آید، همان گونه که دعوت حق و دعوت کننده حق را می‌شنوی، باید در کنار آن امتحانی باشد و از شیاطین انسان و جن شبهاتی را می‌شنوید که می‌خواهند به واسطه آن حق را بیوشانند، و با آن مردم را از راه مستقیم دور کنند، و این رؤیای شما پاسخ مناسب به شیعه مراجع و یا یاوران و یاران آن هاست، افرادی که تقلید از غیر معصوم را با هواهای خود واجب کردند، و برای خودشان گوساله و سامری قرار دادند و از راه راست گمراه شدند، و خداوند برای شما بیان می‌کند که پاسخ مناسب به آنان وقتی شما را به دوری از حق دعوت می‌کنند، این سخن موسی (ع) به امثال این هاست: (چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما با (به پرستش) گرفتن گوساله، بر خود ستم کردید، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید، و خودتان را به قتل برسانید، که این کار) نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس (خدا) توبه شما را پذیرفت، که او توبه‌پذیر مهربان است^(۱).

بل وأيضاً قول موسى (ع) لقومه: ﴿يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾ المائدة: ۲۰، مناسباً لأن تنصحبهم به وتذكرهم بوصية رسول الله محمد (ص) إذ نصب فيهم الأئمة والمهديين (ع) ﴿إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾، فالمفروض أن تشكروا نعمة الله الكبرى عليكم وفيكم باتباع الحق والأخذ بوصية الرسول الكريم محمد، فالله قد آتاكم ما لم يؤتِ أحداً من العالمين، أنتم بالخصوص في هذه الأمة حيث جعل لكم قادة هم خيرة خلقه سبحانه، وهم محمد وآل محمد الأئمة والمهديون ﴿يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾.

هم‌چنین سخن موسی (ع) به قومش برای آنان مناسب است: (و یاد کن) زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را پادشاهانی ساخت، و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود، به شما داد^(۲). با آن می‌توانید آنان را نصیحت کنید و وصیت رسول الله محمد (ص) را به یادشان بیاورید، وصیتی که امامان و مهدیین (ع) در آن منصوب شده‌اند (زمانی که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی قرار داد)، واجب است که شما و در میان خود نعمت بزرگ خداوند به میمنت اتباع حق و تمسک جستن به وصیت رسول الله حضرت محمد (ص) شکر نمایید، و خداوند به شما چیزی داده که به فردی از جهانیان نداده است، بخصوص که شما در این امت وقتی که برای شما رهبرانی قرار داد که بهترین آفریدگان خداوند سبحان هستند و آنان محمد وآل محمد (ع) - امامان

۱- البقرة: ۵۴.

۲- المائدة: ۲۰.

ومهدیین - هستند، (ای قوم، نعمت خداوند بر شما را یاد کنید، وقتی در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی قرار داد، و به شما چیزی داد که به فردی از جهانیان نداده است).]

فهل تتدارك أمة تنتسب إلى محمد(ع) سيد الخلق تقصيرها الهائل بحق الكرم الإلهي العظيم إذ تفضل عليهم بظهور داعي الحق يمانى آل محمد(ع) وها هو يقول لهم كما قال موسى(ع) لقومه:

آیا اُمّتی که به حضرت محمد(ص) - اشرف کاینات - منتسب است، کوتاهی بزرگ خود را در حق بخشش بزرگ الهی جُبران می‌کند، وقتی که خداوند با ظهور دعوت کننده حق - یمانای آل محمد(ع) - به آنان تَفَضُّل نموده است، و او به آنان همان‌طور که موسی(ع) به قومش گفت، خطاب می‌کند:

(یا قوم اذکروا نعمة الله علیکم إذ جعل فیکم أنبیاء وجعلکم ملوکا و آتاکم ما لم یؤت أحداً من العالمین)، و موسی(ع) قائم آل ابراهیم(ع)، و أحمد(ع) قائم آل محمد(ع)، والغریب أن المسلمین یرددون الصلاة الإبراهیمیة - كما یصطلحون علیها - من دون أن یفقهوا سرها !!
(یا قَوْمِ اذْکُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ اِذْ جَعَلَ فِیْکُمْ اَنْبِیَاءً وَجَعَلَکُمْ مُلُوکًا وَاَتَاکُمْ مَّا لَمْ یُؤْتِ اَحَدًا مِّنْ الْعَالَمِیْنَ) موسی قائم آل ابراهیم(ع) است و أحمد(ع) قائم آل محمد(ع) است، و جالب است که مسلمانان صلوات ابراهیمی را زمزمه می‌کنند - همان‌طور که این نام را آنان به این صلوات می‌گویند - بدون این که راز آن را بدانند!

حتی بین سرها قائم آل محمد الإمام أحمد الحسن(ع) فی المتشابهات أنقله هنا للفائدة وللذکری امتثالاً لقوله تعالی: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱).

تا این که قائم آل محمد سید احمد الحسن(ع) راز آن را در متشابهات بیان کرده است، من آن را برای فایده و تذکر نقل می‌کنم، به خاطر امتثال سخن خداوند متعال: (تذکر بده، چون تذکر برای مؤمنین فایده دارد)^(۲).

وهذا السؤال وجواب الإمام أحمد الحسن(ع) له:

این سؤال و پاسخ سید احمد الحسن(ع) در مورد این مطلب است:

۱- الذاریات: ۵۵.

۲- ذاریات: ۵۵.

[سؤال / ١١٧: اللهم صلّ على محمد وآل محمد كما صليت على إبراهيم وآل إبراهيم، من المعلوم أنّ محمداً وآل محمد أفضل من إبراهيم وآل إبراهيم، فكيف يكون الطلب من الله أن يصلي على محمد وآل محمد كما صلّى على إبراهيم وآل إبراهيم(ع)، أليس المفروض أن تكون أفضل مما صلّى على إبراهيم وآل إبراهيم؟]

[سؤال / ١١٧: اللهم صلّ على محمد وآل محمد كما صليت على إبراهيم وآل إبراهيم "خدايا بر محمد و آل محمد درود بفرست، همان طور که بر ابراهيم و آل ابراهيم درود فرستادی، مشخص است که محمد و آل محمد از ابراهيم و آل ابراهيم افضل ترند، پس چگونه از خداوند درخواست می کنیم که همان طور که بر ابراهيم و آل ابراهيم(ع) درود فرستاده بر محمد و آل محمد(ع) درود بفرستد، آیا این گونه نیست که درود بر محمد و آل محمد از درود بر ابراهيم و آل ابراهيم(ع) با فضیلت تر باید باشد؟]

الجواب: الصلاة على محمد وآل محمد تعني الطلب من الله سبحانه وتعالى أن يفرج عن محمد وآل محمد ويظهر قائمهم، ولذلك قرنت بالصلاة على إبراهيم وآل إبراهيم؛ لأن الله سبحانه وتعالى عجل فرج إبراهيم وآل إبراهيم(ع) وأظهر قائمهم، وهو نبي الله موسى(ع).

پاسخ: درود بر محمد و آل محمد به معنای این است که از خداوند -سبحان و متعال - درخواست می شود که برای محمد و آل محمد(ع) گشایشی حاصل شود و قائم آنان را آشکار کند، به همین خاطر با درود بر ابراهيم و آل ابراهيم همراه شده است، چون خداوند سبحان و متعال در فرج ابراهيم و آل ابراهيم(ع) تعجیل نموده و قائم آنان را آشکار کرده است و او پیامبر خدا موسی(ع) بود.

فالطلب من الله بالصلاة على محمد وآل محمد كما صلى على إبراهيم وآل إبراهيم، يعني: يا الله أظهر قائم آل محمد(ع) كما أظهرت قائم آل إبراهيم(ع) وهو موسى(ع)، وكان بنو إسرائيل ينتظرون موسى(ع) كما ينتظر المسلمون الإمام المهدي(ع) الآن.

و درخواست از خداوند برای درود بر محمد و آل محمد(ع) همان طور که بر ابراهيم و آل ابراهيم(ع) درود فرستاده شده، به معنای این است که خداوند، قائم آل محمد(ع) را آشکار کن، همان طور که قائم آل ابراهيم(ع) را آشکار نمودی، و ایشان همان حضرت موسی(ع) بودند، بنی اسرائیل مُنتظر موسی(ع) بودند، همان طور که الان مسلمانان منتظر امام مهدی(ع) هستند.

والحمد لله حمداً كثيراً طيباً أن جعلنا من أهل زمن قائم آل محمد (ع) ووقفنا بمنه وفضله علينا لمعرفة الحق وداعيه، على أن معرفتنا بقدرنا لا بقدره سبحانه سائلين المولى عز وجل أن يثبتنا بالقول الثابت ويقبلنا في أهل ولايته إنه سميع مجيب دعوة الداعي إذا دعاه.

والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الأستاذ زكي الأنصاري

٦ / شهر رمضان المبارك / ١٤٣٢ هـ ق

الموافق ٦ / آب / ٢٠١١ م

ستایش بسیار و پاک مخصوص خداوند است، به خاطر این که ما را اهل زمان قائم آل محمد (ع) قرار داد، و با منت و فضل خود بر ما، به ما توفیق شناخت حق و دعوت کننده او قرار داد، شناخت ما به اندازه ماست، نه به اندازه خداوند سبحان، از مولای عزوجل می‌خواهیم که ما را با سخن ثابت استوار بدارد و ما را در نصرت اهل ولایتش قبول کند، اوست که شنونده و پاسخ دهنده دعای دعوت کننده - زمانی که او را می‌خواند - است...
والحمد لله وحده وحده وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

استاد زکی انصاری

٦ / ماه مبارک رمضان / ١٤٣٢ هـ ق

٦ / آوریل / ٢٠١١

الجواب المنير عبر الأثير

الجزء الخامس

پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج

جلد پنجم

وفيه قسمان:

که شامل دو بخش است:

القسم الأول: أجوبة السيد أحمد الحسن (ع).

وفيه محاور:

بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن (ع)

که شامل چهار محور است:

الأول: الأسئلة العقائدية.

اول: پرسش‌های عقایدی.

الثاني: الأجوبة الفقهية.

دوم: پاسخ‌های فقهی.

الثالث: الأجوبة المتفرقة.

سوم: پاسخ‌های متفرقه.

الرابع: تأويل الرؤى.

چهارم: تعبیر خواب.

القسم الثاني: أجوبة أنصار الإمام المهدي (ع).

بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام مهدی (ع)

القسم الأول

المحور الأول: الأسئلة العقائدية

بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

محور اول: پرسش‌های اعتقادی

پرسش ۴۰۳: فرق بین قرآن و کتاب

السؤال/۴۰۳: هل هنالك فرق بين القرآن والكتاب، وإن وجد فما هو؟؟

المرسل: محمد الموسوي - العراق

سؤال/۴۰۳: آیا فرقی بین قرآن و کتاب وجود دارد، اگر فرقی هست، آن فرق چیست؟؟

فرستنده: محمد موسوی-عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

القرآن والكتاب أكيد إنهما يختلفان، أما ما هو الاختلاف فهذا يحتاج أن تحدد أي كتاب وأي قرآن تريد أنت وفي أي مقام، وعموماً يمكن أن يكون نفس الموجود كتاب وقرآن، فهو كتاب نسبة إلى من كتبه وصدر عنه، وهو قرآن نسبة إلى من تلقاه وحصله وقرأه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة/ ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

قطعاً قرآن وکتاب با هم اختلاف دارند، اما این که آن اختلاف چیست، نیازمند به این است که روشن شود منظور شما کدام کتاب و کدام قرآن و در چه مقامی است، اما به صورت کلی همین قرآن موجود، می‌تواند کتاب و قرآن باشد. نسبت به کسی که آن را نوشته و از او صادر شده کتاب است، و نسبت به کسی که آن را دریافت کرده و تحصیل نموده و خوانده، قرآن است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٠٤: امام مجهول در روایات کیست؟

السؤال / ٤٠٤: الصلاة والسلام عليك يا بقية الله وعلى آبائك وأهل بيتك الطيبين الطاهرين.

السؤال أدناه ورد من الأخت الأنصارية طاهرة من أمريكا:

الترجمة: عن أبي عبد الله (عليهما السلام) أن أمير المؤمنين (ع) حدث عن أشياء تكون بعده إلى قيام القائم فقال الحسين: (يا أمير المؤمنين، متى يطهر الله الأرض من الظالمين؟ قال: لا يطهر الله الأرض من الظالمين حتى يسفك الدم الحرام. ثم ذكر أمر بني أمية وبني العباس في حديث طويل، وقال: إذا قام القائم بخراسان وغلب على أرض كوفان واملتان، وجاز جزيرة بني كاوان، وقام منا قائم بجيلان، وأجابته الأبر والديلم، وظهرت لولدي رايات الترك متفرقات في الأقطار والحرمات وكانوا بين هنات وهنات. إذا خربت البصرة، وقام أمير الامرة، فحكى (ع) حكاية طويلة. ثم قال: إذا جهزت الألوف، وصفت الصفوف، وقتل الكبش الخروف، هناك يقوم الآخر، ويثور الثائر، ويهلك الكافر، ثم يقوم القائم المأمول، والإمام المجهول، له الشرف والفضل، وهو من ولدك يا حسين، لا ابن مثله، يظهر بين الركنين في دريسين باليين، يظهر على الثقيلين، ولا يترك في الأرض الأذنين، طوبى لمن أدرك زمانه ولحق أوانه، وشهد أيامه).

سؤال / ٤٠٤: درود و سلام خداوند بر تو ای بقیه الله و بر پدرانت و بر اهل بیت پاکت.

سؤال زیر از سوی خواهر انصاری از آمریکا است:

از امام صادق (ع) که امیر المؤمنین (ع) از اتفاقاتی که بعد از او تا قیام قائم اتفاق می افتد سخن می گفتند که امام حسین (ع) عرض کردند: ای امیر المؤمنین، خداوند چه زمانی زمین را از ظالمان پاک می کند؟ فرمودند: "خداوند زمین را از ظالمان پاک نمی کند تا این که خون حرام ریخته شود. سپس امر بنی امیه و بنی عباس را در سخنی طولانی ذکر نمودند، و فرمودند: زمانی که قائم در خراسان قیام کند و بر زمین کوفان و ملتان غلبه نماید، و از جزیره بنی کاوان عبور کند، و قائمی از ما در گیلان قیام نماید، و آبر و دیلم او را اجابت کنند، و برای فرزندانم پرچم های ترک آشکار شود که در شهرها و مناطق مختلف پخش شده اند و بین این جا و آن جا هستند، وقتی بصره تخریب شود، و امیر امیران قیام کند، ایشان (ع) حکایت طولانی نقل کردند.

سپس فرمود: وقتی هزاران هزار نفر تجهیز شوند، و صفوف به صف شوند، و گوسفند نر کشته شود، آنجاست که آخرین به پا خیزد، و فتنه‌انگیز آشوب به پا کند، و کافر نابود گردد، سپس قائمی که در آرزویش هستند قیام کند که امام ناشناخته است، دارای شرف و فضیلت است و او از فرزندان توست ای حسین که هیچ فرزندی چون او نیست، میان دو رکن آشکار گردد، در دو جامه پوشیده و کهنه بر جنّ و انس پیروز شود و در زمین جایی را بدون کشت و زرع (بیهوده و عاقل و بی‌ثمر) رها نکند، خوشا به حال کسی که زمان او را درک کند و به دوره او برسد و روزگار او را مشاهده نماید."

أعلاه نص الرواية كاملاً كما وردت في بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۵، ووردت في غيبة النعماني: ص ۳۸۵.

مورد بالا خود نص روایت به صورت کامل است، همان‌طور که در بحارالانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۵ و در غیبت نعمانی: ص ۳۸۵ وارد شده است.

السؤال: أود أن اعرف من السيد أحمد (ع) ما يمكن أن يخبرني عن هذا الأمر كوني مندهشة من يكون هو الإمام المجهول. اذكرني في دعائك يا مولاي، جمعنا الله تحت رايك أمين يا رب العالمين.

المرسل: أبو هاشم

سؤال: اگر امکان دارد، دوست دارم از سید احمد (ع) بپرسم که مرا از این امر آگاه کند، که امام مجهول کیست؟ مولای من، مرا در دعایت یاد کن، خداوند ما را زیر پرچمت جمع نماید، آمین یا رب العالمین
فرستنده: أبو هاشم

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، صلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

وفتك الله لكل خير وجنبك كل شر.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، صلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.
خداوند توفیق هر خیری را به شما بدهد و از هر شری دور نماید.

الإمام المهدي (ع) محمد بن الحسن أكيد إنه ليس بمجهول بالنسبة لمن يدعون اتباعه، وكذا بالنسبة لمخالفيه، فالمراد بالإمام المجهول هو المهدي الأول من ولده، فهو مجهول بالنسبة للناس، فقد شاء الله أن لا يلتفت الناس إلى حقيقة النصوص الدالّة عليه سواء في التوراة أو الإنجيل أو القرآن أو الروايات حتى يظهر هو ويبين لهم النصوص والمراد منها.

قطعاً امام مهدي محمد بن حسن (ع) به نسبت کسانی که ادعای تبعیت از او را دارند، و هم‌چنین نسبت به مخالفین مجهول (و ناشناخته) نیست، پس منظور از امام مجهول مهدي اول از فرزندان است، و او نسبت به مردم ناشناخته است، و خواسته خداوند این بوده که مردم متوجه حقیقت نصوص دال بر او -چه در تورات یا انجیل یا قرآن یا روایات- نشوند تا این که او ظاهر شد و برای آن‌ها نصوص و منظور آن را روشن نمود.

وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوَفِّقَكُمْ لِلْعَمَلِ وَالْإِخْلَاصِ فِي سَبِيلِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَأَنْ يَسُدَّ خَطَاكُمْ.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ

از خداوند خواستارم که توفیق عمل و اخلاص در مسیرش را به شما دهد و اشتباه شما را بیوشاند. والسلام
علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٠٥: انذار دهنده در آیات قرآنی و تفسیر آیه « إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا »

السؤال / ٤٠٥: الصلاة والسلام عليك يا بقیة الله وعلی آبائك وأهل بیتك الطیبین الطاهرین.

ما هو تفسیر الآیات:

سؤال / ٤٠٥: درود و سلام خداوند بر تو ای بقیه الله و بر پدران و بر اهل بیت پاکت

تفسیر این آیات چیست؟

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾^(۱).

(و این کتاب مبارکی است که آن را نازل نمودیم، آنچه بین دستان‌تان (تورات و انجیل) است را تصدیق می‌نماید، تا به واسطه آن ام القری (مادر شهرها) و مردم حوالی آن را انذار کنی، و کسانی که به آخرت ایمان دارند به این قرآن ایمان دارند و آن‌ها بر نمازشان محافظت می‌کنند)^(۲).

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشَّرَهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾^(۳).

(همانا تو کسانی را می‌توانی انذار کنی که از ذکر تبعیت کنند و از خداوند رحمان به واسطه‌ی غیب بترسند، پس این فرد را به بخشش و اجری کریمانه بشارت ده)^(۴).

من هو المنذر في هذه الآيات، فنحن نستشهد بها في الاحتجاج على المخالفين؟؟

انذار دهنده در این آیات کیست، و ما می‌توانیم از این آیه را در احتجاج بر علیه مخالفین به عنوان شاهد استفاده کنیم؟؟

ما هو تفسیر الآیة: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^(۵).

تفسیر این آیه چیست؟ (ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوای الهی را پیشه کنید برای شما فرقان قرار می‌دهیم و گناهان‌تان را می‌پوشانیم و برای شما می‌آمرزیم و خداوند صاحب فضیلتی بزرگ است)^(۶).

وما هو تفسیر الآیة: ﴿قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ﴾^(۷).

۱- الأنعام: ۹۲.

۲- الأنعام: ۹۲.

۳- یس: ۱۱.

۴- یس: ۱۱.

۵- الأنفال: ۲۹.

۶- الأنفال: ۲۹.

۷- الأنبياء: ۶۳.

تفسير این آیه چیست: (بلکه بت بزرگ‌شان این کار را کرد، پس از او سؤال کنید اگر سخن می‌گوید)^(۱).

لا نشك في أن قول إبراهيم (ع) هو الصدق، ولكن ما هو تأويل فعلها كبيرهم؟؟
شکی نداریم در اینکه سخن حضرت ابراهیم (ع) صادقانه است، ولی تاویل اینکه بزرگ‌شان انجام داده، چیست؟؟

سامحني على التقصير في العمل، اذكرني في دعائك يا مولاي، جمعنا الله تحت رايك آمين يا رب العالمين.

المرسل: أبو هاشم

به خاطر کوتاهییم در عمل مرا ببخش، و مرا در دعایت یاد کن ای مولای من، خداوند ما را زیر پرچمت جمع نماید، آمین یا رب العالمین..

فرستنده: أبو هاشم

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، صلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

ج س ۱: المنذر هو محمد (ص)، وأيضاً حجة الله وخليفته في أرضه في كل زمان، فالقرآن حي لا يموت ولكل زمان منذر.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.
ج س ۱: مُنذر (هشدار دهنده) همان حضرت محمد (ص) است، و هم‌چنین حجت خدا و خلیفه او در زمین در هر زمان منذر می‌باشد، و قرآن زنده است و نمی‌میرد و برای هر زمان منذری است...

ج س ۲: قوله تعالى: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَاناً وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴾. تقوى الله سبحانه وتعالى تكون نتيجة

لا جتنب العبد كل ما لا يرضاه سبحانه وتعالى والتزام كل ما يحبه سبحانه وتعالى، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^(۱).

ج س ۲: فرمودند خداوند متعال: (ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوای الهی را پیشه کنید برای شما فرقان قرار می‌دهیم و گناهان‌تان را می‌پوشانیم و برای شما می‌آموزیم و خداوند صاحب فضیلتی بزرگ است). تقوای خداوند متعال، نتیجه اجتناب بنده از هر آن چیزی است که خداوند به آن رضایت نداشته و التزام به هر آن چیزی که خداوند آن را دوست دارد، (ای کسانی که ایمان آوردید روزه بر شما نوشته شده (واجب شده) است همان‌طور که بر گذشتگان شما واجب شده بود شاید تقوا پیشه کنید)^(۲).

وهذه التقوى تجعل الإنسان مراقباً لله سبحانه في كل تحركاته وسكناته، فهذا العبد ذاك لله سبحانه وتعالى، فكيف لا يذكره سبحانه وتعالى ويبيِّن له ويُعرفه كل ما يحتاجه للنجاة والخلاص؟! وبالتالي فيكون المتقي قد امتلك أداة التفريق بين الحق والباطل - وهي النور أو الفرقان -، فالمتقي يعرف الحق ويتبعه ويعرف الباطل فيجتنبه، فنتيجة التقوى هي درجة من درجات العصمة يمنّ الله بها على من يقدم لها ثمنها، وهو مراقبة الله وذكره على كل حال وفعل كل ما يرضاه واجتناب كل ما لا يرضاه.

و این تقوا موجب توجه انسان به این می‌شود که خداوند در همه حرکات و سکناتش مراقب وی هست، و این بنده خداوند را یاد می‌کند، پس چگونه خداوند او را یاد نکند و هر آن‌چه که او برای نجات و خلاصی نیاز دارد را برای او روشن نکرده و به او شناساند؟! در نتیجه فرد باتقوا صاحب وسیله‌ای برای شناخت حق از باطل می‌شود - و آن نور یا فرقان است - پس فرد باتقوا حق را شناخته و از آن تبعیت می‌کند و باطل را شناخته و از آن اجتناب می‌کند، پس در نتیجه تقوا درجه‌ای از درجات عصمت است که خداوند به هر کس که قیمت آن را عرضه کند می‌دهد، و قیمت آن، توجه انسان به خداوند و یاد او در هر حالی و انجام آن‌چه خدا به آن راضی است و اجتناب از آن‌چه خداوند به آن رضایت ندارد می‌باشد.

قال تعالى: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^(۳).

خداوند متعال می‌فرماید: (آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و هدایتی است برای پرهیزکاران)^(۴).

۱- البقرة: ۱۸۳.

۲- بقره: ۱۸۳.

۳- البقرة: ۲.

۴- بقره: ۲.

نعم هو هدى للمتقين؛ لأن المتقين عندهم أداة التمييز بين الحق والباطل عصمهم الله بها من الالتواء على حجة الله ومخالفته، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾، هذا الفرقان والنور يحتاجه الإنسان ما دام في هذه الحياة؛ لأنه في امتحان مستمر، فحتى وإن كان مؤمناً بحجة الله في زمانه فربما مات الحجة وابتلاه الله بحجة لاحق، وربما يضل السبيل إن لم يكن يملك هذا النور والفرقان.

بله أن هدايتي است برای متقین (پرهیزکاران)؛ زیرا متقیان وسیله‌ای برای شناخت حق از باطل دارند که خداوند به واسطه آن وسیله، آن‌ها را از سرپیچی و مخالفت از حجتش معصوم نگه داشته است (ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای شما فرقان قرار می‌دهد)، انسان تا زمانی که زندگی می‌کند به این فرقان و نور نیازمند است؛ زیرا او در امتحان همیشگی است، حتی اگر او به حجت خدا در زمانش ایمان داشته باشد زیرا شاید حجت بمیرد و خداوند او را به حجت بعدی امتحان کند، و شاید از مسیر گمراه شود اگر صاحب این نور و فرقان نباشد.

قال تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(١). فالإيمان بالرسول كما هو واضح ربما لا يكون كافياً للنجاة، خصوصاً إذا مات الرسول أو الحجة وجاء وصيه وفشل الإنسان في معرفته والالتحاق به، ولهذا بين الله سبحانه وتعالى أن هناك أداة تعصم الإنسان من الضلال، وهناك ثمن أيضاً لهذه الأداة، فثمنها كما هو واضح في الآيات هو التقوى، وهذه الأداة هي النور والفرقان الذي يميز به الإنسان بين الحق والباطل.

خداوند متعال می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آوردید تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان آورید تا دوسهم از رحمت‌اش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که بدان راه روید و شما را پیامرزد و خداوند آمرزنده مهربان است)^(٢). همان‌طور که معلوم است ایمان به رسول به تنهایی نمی‌تواند برای نجات کفایت بکند، بخصوص زمانی که رسول یا حجت بمیرد و وصی او بیاید و انسان در شناخت و ملحق شدن به ایشان شکست بخورد، به همین دلیل خداوند روشن نمودند که در این‌جا وسیله‌ای وجود دارد که انسان را از گمراهی نگه می‌دارد، و این وسیله قیمتی نیز دارد، و قیمت آن همان‌طور که در آیات معلوم است، تقواست، و این وسیله همان نور و فرقان است که انسان به واسطه‌ی آن حق را از باطل تشخیص می‌دهد.

١- الحديد: ٢٨.

٢- حديد: ٢٨.

وهذه الأداة هي عبارة عن وحي الله سبحانه وتعالى للمتقين، وتعريفهم بالحق والباطل، وأوضح صورة لهذا الوحي يعرفها كل الناس تقريباً هي الرؤى التي يراها الناس، فالمتقي يُعرّفه الله بالرؤيا طريق الحق وطريق الباطل، فلا يبقى إلا أن يؤمن بالغيب ويعمل به، والحقيقة أن المتقي لا بد أن يؤمن بالغيب ويعمل به؛ لأن صفة الإيمان بالغيب ملازمة له.

و این وسیله عبارت است از وحي خداوند متعال بر بندگان باتقوا، و شناساندن حق از باطل برای آنها، و روشن‌ترین شکل این وحي که همه تقريباً آن را می‌شناسند همان رؤیایی است که مردم می‌بینند، و خداوند راه حق را از باطل به واسطه رؤیا به متقی می‌شناساند، و فقط ایمان به غیب و عمل به آن باقی می‌ماند، و در حقیقت فرد باتقوا باید ایمان به غیب داشته باشد و به آن عمل کند، زیرا صفت ایمان به غیب مُلازمه اوست.

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴾^(۱).

أحمد الحسن - ذو القعدة / ۱۴۳۱ هـ

(آن کتاب هیچ شکی در آن نیست هدایتی برای متقین است* کسانی که ایمان به غیب دارند و نماز را اقامه می‌کنند و از آنچه که به آنها روزی دادیم انفاق می‌کنند)^(۲).

أحمد الحسن - ذو القعدة / ۱۴۳۱ هـ

پرسش ۴۰۶: آیا خدا همه جا موجود است؟

السؤال / ۴۰۶: هل يصح أن نقول إن الله (عزوجل) في كل مكان؟

المرسل: مسلم عامي

سؤال / ۴۰۶: آیا صحیح است که بگوییم خداوند در هر مکانی است؟

فرستنده: مسلم عامی

۱- البقرة: ۲- ۳.

۲- بقره: ۳- ۲.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
يصح أن نقول إن الله في كل مكان، ولكن ليس بمعنى أن المكان يحتويه سبحانه وتعالى، بل بمعنى أن المكان قائم وموجود به سبحانه وتعالى، فهو سبحانه من خلق وأوجد المكان ولا زال سبحانه يمد المكان بالوجود. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً.
صحيح است كه بگوئيم خداوند در هر مكاني است، ولي اين كلام به معنای اين نيست كه مكان محتوي او شده است، بلكه به اين معناست كه مكان قائم و موجود و پايدار به اوست، و اوست كه مكان را خلق و ايجاد نموده است و تا زماني كه خداوند باشد مكان وجود دارد. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٠٧: نیازمند به دعاها و ذکرها

السؤال / ٤٠٧: رجاء من السيد أحمد بن الحسن

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، اللهم صل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الأشراف وعجل فرجهم.

أنا أحد أنصار السيد اليماني بإذن الله ومحتاج إلى توصيات عرفانية وسلوكية من السيد، وبودي لو كانت هناك أدعية أو أوراد وأذكار يوصي بها السيد (حفظه الله ورعاه).

أعاني من مشكلة عسيرة وأود أن تنحل ببركة السيد اليماني.

المرسل: هاني

سؤال / ٤٠٧: از سيد احمد بن الحسن خواهش می کنم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، اللهم صل على محمد و آل محمد الطيبين الطاهرين الاشراف و عجل فرجهم

من به اذن خداوند، یکی از انصار سید یمانی هستم و نیازمند به سفارشات عرفانی و سلوکی از سید هستم، امیدوارم اگر دعا یا ورد یا ذکرى که سید -حفظه الله- به آن توصیه نموده وجود دارد، به بنده ارائه دهید. از مشکل سختی رنج می‌برم که امیدوارم به برکت سید یمانی حل شود.

فرستنده: هانی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. وفقكم الله لكل خير، هناك أدعية وآيات قرآنية وعبادات قد وجهت الأنصار لقراءتها والعمل بها والتقرب إلى الله بها، يمكنك أن تطلبها منهم، وهم إن شاء الله لن يقصروا في إيصالها لك، واعلم أن العمل هو أساس القرب من الله، فلا خير في علم بلا عمل، فعليك أن تبدأ بنفسك وتصلحها بالعمل بما أمر الله، وخير العمل الآن أن توصل الحق إلى الناس لتنقذهم من شباك إبليس (لعنه الله)، فلأن يهدي الله بك إنساناً خير لك من التصدق بمال الدنيا. وفقكم الله وسددكم ويسر أموركم لما يرضيه سبحانه وتعالى. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً. خداوند توفیق هر خیری را به شما بدهد، دعاها و آیات قرآنی و عباداتی وجود دارند که انصار را بر قرائت و عمل به آن و تقرب به سوی خدا به واسطه آنها توجیه کردم، که می‌توانید از انصار آنها را دریافت کنید و آنها ان شاء الله در رساندن آنها به شما کوتاهی نمی‌کنند، و بدان که اساس نزدیکی و تقرب به خداوند عمل است، و هیچ خیری در علم بدون عمل نیست، و بر توست که از خودت شروع کنی و آن را بر آنچه خدا بدان امر نموده، اصلاح نمایی، و بهترین عمل در این زمان، رساندن حق به مردم تا آنها را از دام ابلیس نجات دهید، و اگر خداوند بواسطه شما انسانی را هدایت کند برای شما از صدقه به مال تمام دنیا بهتر است. خداوند شما را موفق داشته و تسدید کند و امرتان را بر آنچه خداوند بدان راضی است آسان گرداند. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٠٨: سوالاتی در مورد معراج و اسراء پیامبر (ص)

السؤال / ٤٠٨: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته..

قال تعالى: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^(١).

١- كيف كان الإسراء، هل بالروح فقط أم الجسد والروح؟

٢- الإسراء هل هو متقدم على المعراج أو متأخر؟

٣- ما المقصود من المسجد الحرام والمسجد الأقصى؟

٤- البركة التي اختص بها المسجد الأقصى، وما المقصود بها والتي هي حوله؟

هذه مجموعة أسئلة سئل بها الإخوة الأنصار وكان السائل يطلب جواباً من وصي ورسول الإمام المهدي (ع)، علماً إن السائل من الأحمديّة. نسأل الله أن يمن علينا برضاه ورضاه وليه، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: حسن الجابري

سؤال / ٤٠٨: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته...

خداوند متعال می فرماید: (پاک و منزه است کسی که سیر داد بنده اش را شبی، از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که اطرافش را برکت دادیم تا آیات مان را به او نشان دهیم همانا او شنونده بیناست)^(٢).

١- اسراء چگونه بود، آیا فقط با روح بوده یا با جسد و روح بود؟

٢- آیا اسراء متقدم و یا متاخر از معراج بود؟

١- الإسراء: ١

٢- الإسراء: ١

۳- منظور از مسجد الحرام و مسجد الاقصی چیست؟

۴- منظور از برکت مخصوص به مسجد الاقصی و اطراف آن چیست؟

این مجموعه سؤالاتی است که از برادران انصار شده و سؤال کننده پاسخ سؤالات را از وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) می‌خواهد، قابل توجه است که سؤال کننده از فرقه احمدیه است. از خداوند می‌خواهم که رضایت خود و رضایت ولی‌اش را بر ما منت نهد، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: حسن جابری

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

ج۱: الإسراء بالروح والجسد معاً، والمعراج بالروح والجسد المثالي الذي يناسب كل سماء، قال تعالى: ﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾^(۱).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.

ج۱: اسراء با روح و جسد بود، و معراج با روح و جسد مثالی که مناسب هر آسمان بود، خداوند متعال فرمود: (در هر صورتی که اراده نمود ترکیب نمود)^(۲).

ج۲: المعراج حصل أكثر من مرة، فقد حصل المعراج قبل الإسراء وحصل بعده.

ج۲: معراج بیشتر از یک بار صورت گرفت، و معراج، قبل و بعد اسراء اتفاق افتاده است.

ج۳: المسجد الحرام هو الكعبة، والمسجد الأقصى هو بيت الرب أو بيت التقرب أو القران أو

هيكل سليمان(ع)، وسمي هيكل سليمان؛ لأن نبي الله سليمان هو الذي بناه.

ج۳: مسجد الحرام همان کعبه است، و مسجد الاقصی همان بیت الرب (خانه خدا) یا بیت التقرب (خانه نزدیکی) یا قربان یا هیکل سلیمان (ع) است، و هیکل سلیمان نامیده شد، چون پیغمبر خدا سلیمان همان کسی بود که آن را بنیان کرد.

۱- الانقطار: ۸.

۲- انقطار: ۸.

ج٤: البركة هي الفيض الإلهي النازل على أهل الأرض.
وفقكم الله لكل خير، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

ج٤: بركت همان فيض الهی است که بر اهل زمین نازل می شود.
خداوند توفیق انجام هر خیری بدهد، و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٠٩: آیا امام حسین (ع) در زمان امام مهدی (ع) دوباره آفریده می شود؟

السؤال / ٤٠٩: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل وسلم على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.
بعد أن توكلت على الله سبحانه وتعالى واتبعت الحق ونصرتك يا سيدي ومولاي رأيت نفسي
عند سماع القرآن الكريم غير ما كنت أسمع، فمثلاً بعد سماعي اليوم من تلاوة القرآن
الكريم لسورة يس وجدت نفسي أتأمل في الآيات التالية:

سؤال / ٤٠٩: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل وسلم على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.
بعد از این که بر خداوند توکل نمودم و از حق و یاری نمودن شما تبعیت نمودم، ای سید و مولایم، در هنگام
شنیدن قرائت قرآن خودم را خلاف آن حالتی که قبلاً می شنیدم یافتم، و مثلاً بعد از این که امروز هنگام
تلاوت قرآن کریم سوره یس را می خواندم، خود را متفکر در این آیات زیر دیدم:

﴿وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾^(١).

﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۖ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^(۱).

(و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت چه کسی استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که از بین رفته است)^(۲).

(آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، قادر نیست که مانند ایشان را بیافریند؟ بله او آفریدگاری آگاه است* فرمان او هرگاه چیزی را اراده کند، این است که به او بگوید: باش، پس می‌شود)^(۳).

وأقول في نفسي إن الله سبحانه وتعالى سوف يعيد خلق الحسين(ع) في زمن الإمام المهدي(ع) الذي يبين مظلوميته، وفي حينها من يقول كيف يكون الإمام الحسين(ع) موجود وهو ميت، هذا مع العلم أنني قد سمعت قبل أن أنصرك يا سيدي ومولاي أن الإمام المهدي(ع) في زمن ظهوره سوف يبين مظلومية أهل البيت(ع) بطريقة ما، فهل أنا وأعوذ من كلمة الأنا على صحة من هذا القول، أم على ضلال، أفيدونا نصركم الله؟؟

المرسلة: أم مصطفى

با خودم می‌گویم که خداوند امام حسین(ع) را دوباره در زمان امام مهدی(ع) می‌آفریند تا مظلومیت خود را معلوم کند، ولی در همین حال گفته می‌شود که چگونه امام حسین(ع) موجود خواهد بود در حالی که او مرده است؟ با این که قبل از ایمان آوردن به شما شنیده بودم که امام مهدی(ع) در زمان ظهورش مظلومیت اهل بیت(ع) را به طریقی روشن می‌کند، آیا من در این برداشت بر حق هستم یا بر گمراهی، به ما افاده (فایده) بفرمایید خداوند شما را یاری دهد؟؟؟

فرستنده: أم مصطفى

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

تدبر القرآن والتفكر في آيات الله والالتجاء إلى الله وأوليائه لفهم القرآن وملكوت السماوات والغيب أمور قد حث عليها الرسول محمد(ص) والأئمة(ع)، فعليكم بالتدبر والتفكر والالتجاء إلى الله وإلى أوليائه لفهم الحقائق، ولكن لا يعني هذا أن كل فهم عندكم هو حق؛ لأن النفس

۱- پيس: ۸۱ - ۸۲.

۲- پيس: ۷۸.

۳- پيس: ۸۱ - ۸۲.

والهوى والدنيا والشيطان قد تسبب لكم خطأ في فهم الحقيقة، فالمعرفة تحتاج إلى إخلاص لله سبحانه يعصم الإنسان من ورود الباطل عليه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.
تدبر نمودن در قرآن و تفكر در آيات الهى و پناه بردن به خداوند و اوليائش براى فهم قرآن و ملكوت آسمانها و غيب امورى هستند كه رسول خداوند حضرت محمد و ائمه (ع) بدانها توصيه نموده اند، و بر شما باد به تدبر و تفكر و پناه بردن به خدا و اوليائش براى فهم حقائق، ولى اين بدان معنا نيست كه هر فهمى در نزد شما همان حق است؛ زيرا هواى نفس و دنيا و شيطان باعث ايجاد خطاء در فهم حقيقت نزد شما مى شوند، و معرفت نياز به اخلاص براى خداوند متعال دارد تا انسان را از ورود در باطل ننگه دارد.

أما بالنسبة لقوله تعالى: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ فهو أيضاً ينطبق على الحسين (ع)، ولكن تدبري أيضاً قوله تعالى: ﴿يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ﴾ أي مثل الحسين (ع) وليس هو نفسه (ع) وفقكم الله لكل خير.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

أما به نسبت فرموده خداوند متعال: (آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، قادر نیست که مانند ایشان را بیافریند؟ بله او آفریدگاری آگاه است) و آن نیز بر امام حسین (ع) منطبق است، ولی در فرموده خداوند متعال: (مانند ایشان را بیافریند) یعنی مثل حسین (ع) نیز هم تدبر کن که او همان خود امام حسین (ع) نیست، خداوند شما را بر هر خیری موفق دارد.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤١٠: آیاتی برای از بین بردن سحر و جادو

السؤال / ٤١٠: السلام عليكم

أخي أحمد الحسن:

أرجو مساعدتي، عندي بعض من أهلي يحسدوني(كذا)، إخواني بالبيت، أقاربي من عائلة أمي وعائلة أبي، الوالد نفسه ما يتمنى لنا الخير، يعتبرنا قطعه أثاث ما يخلينا نطلع من البيت، أي أحد يتقدم لنا يرفض.

سؤال / ٤١٠: السلام عليكم

برادرم أحمد الحسن:

از شما کمک می‌خواهم، بعضی از اعضای خانواده‌ام مثل برادرانم در منزل و خویشاوندان مادرم و پدرم و خود پدرم بر من حسادت می‌ورزند، و برایم آرزوی خیر نمی‌کنند و با من همانند یک وسیله رفتار می‌کنند و نمی‌گذارند ما از منزل خارج شویم و هرکس برای خواستگاری ما پیش قدم می‌شود را رد می‌کنند.

طلبی بخصوص آیات آقرؤها كل يوم أو وضح لي أكثر الله يعطيك العافية، ممكن تعطيني شيء عن الحسد؛ لأنه حتى زوجة الوالد بعد عامله عمل للوالد (سحر) تخلیه يعذبنا وتمشيه على كيفها واحنا ما يسأل عنا، أخوي طالبتك بحق الزهراء أنك ترد علي لا تخليني انتظر كثير، وبحق النبي محمد(ص) والإمام علي(ع)، وبحق الحسن سلام الله عليه، وبحق الحسين غريب كربلاء(ع) إنك تساعدني الله يعافيك ويساعدك ويرزقك من حسناته.

المرسلة: ن هـ

خواستگی من این است که به من آیتی یاد بدهید که هر روز آن‌ها را بخوانم یا برایم بیشتر توضیح بدهید خداوند به شما سلامت عطا فرماید، امکان دارد به من چیزی در برابر حسادت بدهید، به خاطر این که همسر پدرم برای پدرم کاری کرده (جادو) که سبب می‌شود که پدرمان ما را اذیت کند و هر کاری که دوست دارد انجام می‌دهد و ما جرأت سؤال از وی نداریم، برادرم شما را به حق حضرت زهراء جواب مرا بدهید و نگذارید بیشتر انتظار بکشم و به حق حضرت محمد(ص) و امام علی و به حق امام حسن(ع) و به حق غریب کربلا حضرت امام حسین(ع) به من کمک کنید که خداوند به شما سلامتی دهد و یاری کند و از نیک‌هایش به شما ببخشاید...

فرستنده: ن هـ

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

للتخلص من الحسد والسحر خذي بعض الزعفران وضعيه في قليل من الماء على أن يكون لون السائل قريباً إلى الأحمر، واقرئي على هذا الماء سورة الفاتحة والتوحيد والفلق والناس والكافرون، واكتبي بغصن شجرة نظيف على ورقة بيضاء بالزعفران آية الكرسي وكهيعص وحمعسق ون والقلم وما يسطرون ويس وحم وألم وأر وسورة الفلق وسورة الناس، وبعد ذلك خذي هذه الورقة وضعيها في قليل من الماء (٣ لتر ماء) واغتسلي بالماء، واجمعي ما يفضل من الغسل وألقيه في مكان طاهر، وإن شاء الله يكون سبباً ببركة آيات الله لزوال السحر عن من يفعله، وبعد هذا اقرئي (سبحانه هو الله الواحد القهار) عشرة آلاف مرة في أقل من ثلاثة أيام، وكرري دائماً قراءة آية الكرسي وسورة الفلق لدفع الحسد وخصوصاً عند الفجر والغروب ليوفقك الله لمعرفة الحق والسير عليه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.
 برای رهایی از حسد و سحر، مقداری زعفران گرفته و آن را در کمی آب قرا بده تا این که رنگ آب، مایل به قرمز شود، و بر این آب سوره های فاتحه و توحید و فلق و ناس و کافرون را بخوان، و با شاخه درختی تمیز با زعفران، بر برگه ای سفید، آیه الكرسي و كهيعص و حمعسق و ن و القلم و مايسطرون و يس و حم و الم و الر و سوره فلق و سوره ناس را بنویس، و بعد از این، این برگه را در مقداری آب - ٣ لیتر آب - قرا بده و با آب غسل کن، و آب اضافی از غسل را جمع کرده و آن را در مکانی پاک بریز، و ان شاء الله این کار به برکت آيات الهی موجب از بین رفتن سحر از کسی که آن را انجام داده می شود، و بعد از این "سبحانه هو الله الواحد القهار" را ده هزار بار و در کمتر از سه روز قرائت کن، و همیشه آیه الكرسي و سوره فلق را برای دفع حسد قرائت کن، به خصوص هنگام فجر (صبح) و غروب، تا خداوند تو را برای شناخت حق و سیر در آن موفق دارد.
 و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ۴۱۱: درخواست دعا برای بهبود نابینایی

السؤال / ۴۱۱: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.
وبعد.. إلى سيدي ومولاي الإمام أحمد الحسن عليه وعلى آبائه السلام.
سيدي لدي طلب إذا كان ممكناً. وهو لديّ أخ أصغر مني ولديه عمى أو ضعف بصر منذ الصغر، وإنه الآن قد منّ الله عليه وآمن بدعوتكم المباركة بعد شهر رمضان المبارك، فأنا أطلب من سيدي أحمد الحسن (ع) إذا ممكن الدعاء له بالشفاء أو وجود وصفه دواء لشفائه، وأنت وآبائك أهل الكرم والجود فجودا على هذا المسكين بالشفاء. فأسألك بحق أمك الزهراء أن تدعو لنا بالثبات والممات على هذه الدعوة المباركة، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: ابن المطهر - النمسا

سؤال / ۴۱۱: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.
و بعد... به سيد و مولاي سيد احمد الحسن - بر او و پدراناش صلوات-
آقای من اگر امکانش هست درخواستی دارم. برادر کوچک‌تر از خود دارم و او از کودکی نابینا و یا ضعف بینایی داشته، و الان خدا بروی منت نهاده و بعد از ماه رمضان به دعوت مبارکه شما ایمان آورده، و من از آقایم احمد الحسن (ع) اگر امکان دارد، درخواست دعا یا دارویی برای شفاء او دارم، و شما و پدران اهل بزرگی و بخشش هستید پس بر این مسکین، با شفاء بخششی نما. از شما به حق مادرت زهرا (ع) مسألت دارم که برای ثبات و مرگ ما بر این دعوت مبارکه دعاء نمایی، والسلام عليكم رحمة الله وبركاته.

فرستنده: ابن المطهر - النمسا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

أسأل الله أن يمنّ عليه بالشفاء، وليقرأ آية الكرسي على التنزيل سبع مرات وهو يضع أطراف أصابعه على عينيه بعد صلاة الفجر ولأربعين يوماً، وأيضاً يقرأ على قدح ماء سورة الفاتحة والتوحيد والقدر والفلق والناس سبعين مرة، ومن ثم يغسل عينيه لسبعة أيام بهذا الماء، ولا يدع الفاضل من الماء يذهب إلى مكان غير طاهر وفقك الله.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.
از خداوند مسالت دارم تا با شفاء بر او منت نهد. و او آية الكرسي بر حسب تنزیل را هفت مرتبه درحالی که سرانگشتانش بر دو چشمش قرارداده بعد از نماز صبح به مدت چهل روز بخواند، و هم چنین بر ظرف آبی سوره فاتحه و توحید و قدر و فلق و ناس را هفتاد بار بخواند، و چشمانش را به مدت هفت روز با این آب بشوید، و نگذارد که پس مانده آب به مکانی غیر تمیز برود. خداوند شما را موفق دارد.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤١٢: خداوند شبیه عیسی (ع) را برای مصلوب شدن او با چه چیزی جبران کرد؟

السؤال / ٤١٢: بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
السلام والصلاة على يمانی آل محمد ورحمة الله وبرکاته.
سيدي، لقد عوّض الله الحسين عن صلبه بثلاثة الأمور المعروفة، فماذا عوّض الله سبحانه
شبيهه عيسى المسيح المصلوب (ع) من صلبه وقتله؟

المرسال: عارف - العراق

سؤال / ٤١٢: بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
السلام و الصلاة على يمانی آل محمد و رحمة الله و برکاته.
آقای من، خداوند عوض شهادت امام حسین (ع) سه امر معروف داد، و خداوند در عوض به صلیب کشیدن
و قتل شبه حضرت عیسی (ع) به جای حضرت عیسی (ع) چه داده است؟

فرستنده: عارف - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

الله يهب ويعطي، وعطاؤه دائماً ابتداءً وليس لأحد منته عليه ولا حتى عمل يحسب حقيقة له، بل الله من فضله يعاملنا هكذا، فنحن نعمل بحوله وقوته وتوفيقه وتسديده وعصمته، ومع هذا يوجب لنا الأجر ويعتبرنا محسنين، وهذا بفضل سبحانه، أما بالعدل فليس لنا من الأمر من شيء، اللهم إلا الاختيار، فمن اختار الله نجا، فالصلب فضل من الله ونعمة كبرى.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.

خداوند می‌دهد و می‌بخشد، و بخشش وی همیشه اول است و هیچ کس منتی بر او نداشته و حتی عملی وجود ندارد که به اندازه حقیقت او باشد، بلکه خداوند با فضلش با ما این گونه برخورد می‌کند، و ما به حول و قوت و توفیق و تسدید و عصمت او عمل می‌کنیم، ولی با این حال به ما اجر می‌دهد و ما را جزء نیکوکاران می‌شمارد، و این از فضل اوست، اما در عدل، ما هیچ چیزی از امر نداریم مگر اختیار، و هر کس که خدا را اختیار کند نجات پیدا می‌کند، و مصلوب شدن فضیلتی از جانب خدا و نعمتی بزرگ از اوست.

فبالنسبة لمن يعرف الله يعرف أن تفضل الله عليه أن يكلفه بعمل، هو أمر عظيم ونعمة عظيمة تحتاج إلى شكر هو عاجز عن أدائه، أما ماذا تفضل الله على المصلوب فقد تفضل عليه الله من قبل ومن بعد بنعم كبرى وأعظمها هي ما كانت خالصة لله وعملاً خالصاً لله كالصلب في سبيل الله.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

و به نسبت کسی که خدا را شناخته، می‌داند که خداوند بر او تفضل نموده که او را مکلف به عمل نموده است، و آن امری بزرگ و نعمتی بزرگ است که نیاز به شکری دارد که وی از اداء آن عاجز است، اما چه چیزی بر مصلوب تفضل نمود؟ و بر وی قبل و بعد با نعمت‌هایی بزرگ تفضل و بخشش نمود و بزرگترین نعمت این بود که عملش خالص برای خداوند بود و این عمل خالص همانند مصلوب شدن در راه خداست.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤١٣: درخواست دعا برای محافظت از شر شیطان‌های جن و انس

السؤال/٤١٣: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
السلام عليكم يا أهل بيت النبوة ومعدن الرسالة، السلام عليك يا بقية الله في أرضه، السلام عليك وعلى وصيك أحمد الحسن (ع).
سيدي ومولاي يمانى آل محمد (ع)، أرجو أن تعلمني والأنصار دعاء للحفظ من شر شياطين الأانس والجن، فقد كثر عددهم في هذه الفترة بالذات، وأسأل الله تعالى أن يوفق ويسهل للأبناء لقاءهم بأبيهم الإمام المهدي ووصيه (ع)، مكن الله لهم في الأرض.
اللهم صل على فاطمة وأبيها وبعلمها وبنيتها والسر المستودع فيها.

المرسل: أبو علي - الكويت

سؤال/٤١٣: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
سلام عليكم اي أهل بيت نبوت و معدن رسالت، سلام بر شما اي بقيه الله در زمينش، سلام بر شما و بر و صى شما أحمد الحسن (ع).
آقا و مولاي يمانى آل محمد (ع)، از شما برای خود و انصار تقاضای دعائی برای حفظ از شر شياطين انس و جن دارم، زیرا در این زمان تعدادشان زیاد شده، و از خداوند می‌خواهم که بر فرزندان آسان گرفته و آنها را موفق دارد تا با پدرشان امام مهدی (ع) و وصی اش - مكن الله لهم فى الارض - دیدار کنند.
اللهم صل على فاطمة و أبيها و بعلمها و بنيتها والسر المستودع فيها.

فرستنده: أبو علي - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين.

للحفظ من شياطين الإنس والجن قل عشر مرات بعد صلاة الصبح: (أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، إلهاً واحداً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.
برای حفاظت از شیاطین انس و جن ده بار بعد از نماز صبح بگو: (أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، إلهاً واحداً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً).

وأيضا ادعُ بهذا الدعاء: (يا عزيز العز في عزه، يا عزيز يا عزيز يا عزيز، أعزنا بعزك، وأيدنا بنصرك، وابعده عنا همزات الشياطين، وادفع عنا بدفعك، وامنع عنا بمنعك، واجعلنا من خيار خلقك، يا واحد يا أحد يا فرد يا صمد). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ

و هم چنین این دعاء را بخوان: (يا عزيز العز في عزه، يا عزيز يا عزيز يا عزيز، أعزنا بعزك، وأيدنا بنصرك، وابعده عنا همزات الشياطين، وادفع عنا بدفعك، وامنع عنا بمنعك، واجعلنا من خيار خلقك، يا واحد يا أحد يا فرد يا صمد). والسلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤١٤: آیا در هنگام به قدرت رسیدن یمانی توبه برداشته می شود؟

السؤال / ٤١٤: السلام عليكم ورحمة الله

باسم محمد وآل محمد، اللهم صل على محمد وآل محمد، وعجل فرجهم، والعن أعداءهم ومنكري فضائلهم والمشككين في مناقبهم.

هل التوبة ترفع في استتباب الأمر للسيد اليماني وقبل أن يسلم الراية للإمام الحجة(ع) ، أم يغلق باب التوبة عند ظهور راية اليماني ولا يقبل توبة من أراد التوبة؟

المرسل: أحمد الخاقاني - النرويج

سؤال / ٤١٤: السلام عليكم ورحمة الله

باسم محمد و آل محمد، اللهم صل على محمد و آل محمد، وعجل فرجهم، والعن أعداءهم ومنكرى فضائلهم والمشككين فى مناقبهم.

آيا توبه به هنگام برقرارى امر براى سيد يمانى وقبل از تسليم نمودن پرچم به امام حجت عليه السلام برداشته مى شود، يا هنگام ظهور پرچم يمانى، درب توبه بسته مى شود و توبه كسى كه اراده توبه دارد پذيرفته نمى شود؟

فرستنده: أحمد الخاقانى - نروز

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

التوبة تقبل في كل حال إلا عند نزول معجزة إلهية قاهرة لا تترك أي مجالٍ أو مساحةٍ للغيب؛ ليكون إيمان الإنسان مقبولاً عند الله، عندها ترفع التوبة ولا يقبل إيمان الإنسان وتوبته؛ لأنه إيمان مادي مئة بالمئة، كما هو الحال عند نزول عذاب الله سبحانه وتعالى بمن يكذبون الرسل، فلا يكون هناك زمن ترفع فيه التوبة عن كل الخلق إلا إن نزلت آيات ومعجزات قاهرة وشملتهم جميعهم، ورفعت مساحة الإيمان بالغيب عنهم جميعاً، أما عند نزول آيات قاهرة على جماعة معينة فقط فإن التوبة ترفع عنهم فقط، وكذا الآيات العامة ممكن أن تكون قاهرة بالنسبة لقوم وليس كذلك بالنسبة لآخرين بحسب ما لديهم من معلومات ومعرفة مسبقة قد وصلتهم من الله كحجة عليهم، فالمدار في قبول التوبة من عدمه هو بقاء مساحة ليكون الإيمان بالغيب، وتكون التوبة عن غيب وليس عن إعجاز مادي قاهر لا يترك أي مساحة للغيب.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.

توبه در هر حالى پذيرفته مى شود مگر هنگام نزول معجزه‌ى قاهر الهى كه فرصت يا مجالى براى غيب نمى گذارد؛ تا ايمان انسان نزد خداوند مقبول باشد، در اين هنگام توبه برداشته شده و ايمان و توبه انسان قبول نمى شود؛ زيرا اين ايمان، ايمانى صد در صد مادي است، همان طور كه احوال افرادى كه رسولان را تكذيب مى كنند اين گونه است، زمانى وجود ندارد كه توبه از همه آفريده‌ها برداشته شود، مگر زمانى كه آيات و معجزات قاهره (مجبور كننده) فرستاده شود و شامل همه آنان شود، و جاىگاه ايمان به غيب از همه آنان برداشته شود، اما زمانى كه آيات قاهر فقط بر جماعت معينى فرستاده شود، توبه فقط از آنان برداشته مى شود، هم‌چنين آيات عمومى ممكن است نسبت به گروهى قاهره باشد ولى نسبت به گروه ديگر، قاهر نباشد، به اين

خاطر که نزد آنان معلومات و شناخت قبلی از سوی خداوند به عنوان حجت به آنان رسیده است، ملاک در قبول توبه و عدم آن، باقی ماندن جایگاهی که ایمان به غیب باشد، و توبه به خاطر غیب باشد، و به خاطر معجزه مادی قاهره نباشد که جایگاهی برای غیب باقی نمی‌گذارد.

قال تعالی: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^(۱).

خداوند متعال می‌فرماید: (همانا فرستادگانمان را با بینات فرستادیم و همراه آن‌ها کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم بر قسط قیام کنند و آهن که در آن سختی شدید و منافی برای مردم است را نازل کردیم و تا خداوند بداند چه کسی او و رسولش را با غیب یاری می‌کند؟ همانا خداوند قوی با عزت است)^(۲).

ويمكنك أيضاً أن تقرأ تفصيلاً أكثر في كتاب الإضاءات الجزء الثالث، وأيضاً في تفسير آية من سورة يونس حول هذا الأمر وفقك الله. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ۱۴۳۰ هـ

و هم‌چنین می‌توانی برای توضیح بیشتر به کتاب روشن‌گری جلد سه و هم‌چنین تفسیر آیه‌ای از سوره یونس که در مورد این امر است را مطالعه نمایید، خداوند شما را موفق بدارد.
والسلام علیکم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ۱۴۳۰ هـ



پرسش ۴۱۵: آیا گفتن (رمضان) بدون پیشوند قرار دادن (شهر = ماه) صحیح است؟

السؤال / ۴۱۵: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد.

الإخوة الأعزاء العاملين مع السيد أحمد الحسن أرجوا لهم كل خير.

۱- الحديد: ۲۵.

۲- حديد: ۲۵.

كنت اقرأ في كتاب الجواب المنير الثالث ولاحظت وجود جملة (الصائم يتم صيامه في كل يوم من أيام رمضان ...).

سؤال / ٤١٥: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد و آل محمد.
برادران عزیزمی که با سید احمد الحسن همکاری می کنند برایشان هر خیری را آرزو می کنم.
هنگامی که کتاب جواب روشنگری جلد سه را می خواندم جمله "روزه دار روزه اش را در هر روز از روزهای رمضان تمام می کند..." را ملاحظه کردم.

وملاحظتي في قول السيد أحمد الحسن رمضان بدون إضافة كلمة شهر؛ لأنني وجدت بروايات أهل البيت (ع) أن رمضان اسم من أسماء الله وحرام علينا أن نقول رمضان أتى ورمضان ذهب، فأود منكم التوضيح، ووفقنا الله وإياكم بحق محمد وآل محمد.

المرسل: AbuMuhaame - فلسطين

و ملاحظه من در کلام سید احمد الحسن است که رمضان را بدون اضافه کلمه "شهر(ماه)" آورده است؛ زیرا در روایات اهل بیت (ع) یافتیم که رمضان اسمی از اسماء خداوند است و بر ما حرام است که بگوییم رمضان آمد و رمضان رفت، و دوست دارم توضیحش را از شما طلب کنم، خداوند ما و شما را به حق محمد و آل محمد توفیق دهد.

فرستنده: AbuMuhaame - فلسطين

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير، أيام رمضان هي بعينها شهر رمضان، فلا فرق بين قولك شهر رمضان أو أيام رمضان، فنحن نقول أيام الله ولكن لا نقول أتى الله ولا ذهب الله؛ لأن الذهاب والمجيء صفات الحادث، فتدبر الفرق وفقك الله لكل خير في الآخرة والدنيا. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند توفیق هر خیری را به شما بدهد، روزهای رمضان همان ماه (شهر) رمضان است، و فرقی بین گفتن ماه رمضان یا روزهای رمضان نیست، و ما می‌گوییم ایام الله و نمی‌گوییم خدا آمد یا خدا رفت؛ زیرا رفتن و آمدن از صفات حادث است، و در فرق این‌ها تدبیر کن خداوند شما را برای خیر در آخرت و دنیا توفیق دهد. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ



پرسش ۴۱۶: معنی آیه (... قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ...)

السؤال / ۴۱۶: فخذ أربعة من الطير فصرهن إليك.

کلمه فصرهن یذهب الجمیع إلى أنها قطعهن، وذهب أحدهم إلى أنها فصیرهن إليك بمعنی أحسن إليهن وأطعمهن وأسقيهن حتى يألفنك، وأن إحياء الموتى هنا إحياء قلوب، إنك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء إذا ولوا مدبرين، ومن باب لقد أسمعت لو ناديت حياً ولكن لا حياة لمن تنادي، لا من باب إحياء الأجساد التي ماتت، حيث أن الأجساد الميتة لا تبعث سوى يوم القيامة أو الرجعة، أما القلوب فالكثير منها ميتة بالفعل كما نعلم. والسؤال عن المعنى الصحيح؟؟

المرسل: أبو ذر شوقي - مصر

سؤال / ۴۱۶: چهار پرنده گرفته و آن‌ها را به سوی خودت بخوان.

همه می‌گویند منظور از کلمه "فصرهن" این است که آن را قطعه قطعه کن، و یکی از مفسرین می‌گوید: منظور از آن "فصیرهن الیک" به این معنا که به آن‌ها نیکی کن و غذا و آب بده تا با تو آلفت بگیرند، و منظور از زنده کردن مردگان در این جا زنده کردن دل‌هاست، "تو نمی‌توانی مردگان را به شنیدن وادار و به گران ندا دهی زمانی که پُشت می‌کنند" از باب اگر فرد زنده را صدا بزنی، می‌توانی او را به شنیدن واداری، ولی زندگی برای فردی که او را صدا می‌زنی نیست (چون مرده است)، و از باب زنده کردن اجساد بعد از مرگ نیست، چون جسدهای مرده، فقط در روز قیامت یا رجعت برانگیخته می‌شوند، اما دل‌ها بیشترشان همان‌طور که می‌دانیم، بالفعل مُرده‌اند، سؤال در مورد معنای صحیح است؟؟

فرستنده: أبو ذر شوقي - مصر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
قال تعالى: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْياً وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^(١)، الطيور كانت أربعة والجبال عشرة وفقك الله لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
خداوند متعال می فرماید: (و زمانی که ابراهیم گفت: پروردگارا به من نمایان نما که چگونه مردگان را زنده می کنی. فرمود: آیا ایمان نداری؟ عرض کرد: ایمان دارم ولی برای اطمینان قلب می خواهم. فرمود: پس چهار پرنده بگیر و آنها را به خود نزدیک کن سپس جزئی از هر کدام را بر کوهی قرار ده، سپس آنها را بخوان که به سمت تو می آیند و بدان که خداوند عزیز و با حکمت است)^(٢). پرندهگان چهار تا و کوهها ده کوه بودند. خداوند تو را بر هر خیری موفق بدارد.
والسلام عليكم و رحمت الله و برکاته..

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤١٧: سوال هایی در مورد توحید

السؤال / ٤١٧: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك أيها الوصي الرسول الإمام أحمد الحسن اليماني ورحمة الله وبركاته.
سيدي، روى علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النضر بن سويد، عن هشام بن الحكم، أنه سأل أبا عبد الله (ع) عن أسماء الله واشتقاقها، الله مما هو مشتق؟ قال: فقال لي: (يا هشام، الله مشتق

١- البقرة: ٢٦٠.

٢- بقره: ٢٦٠.

من إله، والإله يقتضي مألوهاً والاسم غير المسمى، فمن عبد الاسم دون المعنى فقد كفر ولم يعبد شيئاً، ومن عبد الله الاسم والمعنى فقد كفر وعبد اثنين، ومن عبد المعنى دون الاسم فذاك التوحيد، أفهمت يا هشام؟ قال: فقلت: زدني، قال: إن لله تسعة وتسعين اسماً فلو كان الاسم هو المسمى لكان كل اسم منها إلهاً، ولكن الله معنى يدل عليه بهذه الأسماء وكلها غيره. يا هشام، الخبز اسم للمأكل، والماء اسم للمشروب، والثوب اسم للملبوس، والنار اسم للمحرق، أفهمت يا هشام فهما تدفع به وتناضل به أعداءنا والمتخذين مع الله جل وعز غيره. قلت: نعم، قال: فقال: نفعك الله به وثبتك يا هشام. قال هشام: فهو الله ما قهرني أحد في التوحيد حتى قمت مقامي هذا^(۱).

سؤال / ۴۱۷: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عليكم ای وصی و رسول امام أحمد الحسن الیمانی و رحمة الله و بركاته.

مولایم: علی بن ابراهیم روایت نموده، از پدرش، از نصر بن سوید، از هشام بن حکم، که ایشان از امام صادق (ع) از اسماء الهی و اشتقاق آن، که الله از چه چیزی مشتق (گرفته) شده، سؤال نمود؟ گفت: حضرت به من فرمودند: (هشام بن حکم گوید از حضرت صادق راجع باسماء خدا و اشتقاق آنها پرسیدم که الله از چه مشتق است؟ فرمود: یا هشام از «الاه» و اله مألوهی (آنکه پرستش کنند) لازم دارد و نام غیر صاحب نام است، کسی که نام را بدون صاحب نام پرستد کافر است و چیزی نپرستیده، و هر که نام و صاحب نام را پرستد کافر است و دو چیز پرستیده و هر که صاحب نام را پرستد نه نام را این یگانه پرستی است، ای هشام فهمیدی، عرض کردم: بیشتر بفرمائید. فرمود: خدا را نود و نه نام است. اگر هر نامی همان صاحب نام باشد باید هر کدام از نامها معبودی باشند، ولی خدا خود معنائی است که این نامها بر او دلالت کنند و همه غیر خود او باشند، ای هشام کلمه خبز (نان) نامی است برای خوردنی و کلمه ماء (آب) نامی است برای آشامیدنی و کلمه ثوب (لباس) نامی است برای پوشیدنی و کلمه نار (آتش) نامی است برای سوزنده، ای هشام طوری فهمیدی که بتوانی دفاع کنی و در مبارزه با دشمنان ما و کسانی که همراه خدا چیز دیگری پرستند پیروز شوی، عرض کردم آری، فرمود: ای هشام خدایت بدان سود دهد و استوارت دارد. هشام گوید: از زمانی که از آن مجلس برخاستم تا امروز کسی در مباحثه توحید بر من غلبه نکرده است^(۲).

وعن أبي الحسن الرضا(ع): هو نفسه ونفسه هو، قدرته نافذة، فليس يحتاج أن يسمي نفسه، ولكنه اختار لنفسه أسماء لغيره يدعوه بها؛ لأنه إذا لم يوصف لم يعرف، عن أبي الحسن الرضا(ع): (هو نفسه ونفسه هو، قدرته نافذة، فليس يحتاج أن يسمي نفسه، ولكنه اختار

۱- الكافي: ج ۱ باب معاني الأسماء واشتقاقها ص ۸۷ ح ۲.

۲- كافي: ج ۱ باب معاني أسماء واشتقاق آنها ص ۸۷ ح ۲.

لنفسه أسماء لغيره يدعوه بها؛ لأنه إذا لم يدع باسمه لم يعرف، فأول ما اختار لنفسه العلي العظيم؛ لأنه أعلى الأشياء كلها، فمعناه الله، واسمه العلي العظيم هو أول أسمائه، علا على كل شيء، دع باسمه لم يعرف، فأول ما اختار لنفسه العلي العظيم؛ لأنه أعلى الأشياء كلها، فمعناه الله واسمه العلي العظيم هو أول أسمائه، علا على كل شيء^(١).

و از ابی الحسن رضا(ع): او خودش بود و خودش، قدرتش نافذ است، و نیازی به این که خود را بنامد ندارد، و اما برای خود، به خاطر (نیاز) دیگران اسمائی اختیار کرد که با آن او را بخوانند؛ زیرا او اگر وصف نشود شناخته نمی شود، از ابی الحسن رضا(ع): (او خودش بود و خودش، او قدرتش نفوذ داشت پس نیازی نداشت که خود را نام ببرد ولی برای خود نامهایی برگزید تا دیگران او را بآن نامها بخوانند، زیرا او اگر به نام خود خوانده نمی شد شناخته نمی شد و نخستین اسمی که برای خود برگزید: علی عظیم بود، زیرا او برتر از همه چیز است، معنای او الله است و اسم او علی عظیم است که اول نامهای اوست و برتر از همه چیز است)^(٢).

سیدی، أسألك سؤال خاضع متذلل أن تعرفني التوحيد (حقیقت) الذي أشار إليه جدك الإمام الهمام جعفر بن محمد الصادق (عليهما السلام) في هذا الحديث الشريف، هذا السؤال الأول.

آقای من، از شما مسالت دارم که حقیقت توحید که جدتان امام همام جعفر بن محمد صادق(ع) در این حدیث شریف اشاره فرمودند، را به من بشناسانی، این سؤال اول.

والسؤال الثاني: وعن أبي الحسن الرضا(ع): (هو نفسه ونفسه هو، قدرته نافذة، فليس يحتاج أن يسمي نفسه، ولكنه اختار لنفسه أسماء لغيره يدعوه بها؛ لأنه إذا لم يدع باسمه لم يعرف، فأول ما اختار لنفسه العلي العظيم؛ لأنه أعلى الأشياء كلها، فمعناه الله واسمه العلي العظيم هو أول أسمائه، علا على كل شيء).

و سؤال دوم: و أبی الحسن الرضا(ع) می فرماید: (او خودش بود و خودش، او قدرتش نفوذ داشت پس نیازی نداشت که خود را نام ببرد ولی برای خود نامهایی برگزید تا دیگران او را به آن نامها بخوانند، زیرا او اگر به نام خود خوانده نمی شد شناخته نمی شد و نخستین اسمی که برای خود برگزید: علی عظیم بود، زیرا او برتر از همه چیز است، معنای او الله است و اسم او علی عظیم است که اول نامهای اوست و برتر از همه چیز است).

١- الكافي: ج ١ ص ١١٣ ح ٢.

٢- كافي: ج ١ ص ١١٣ ح ٢.

راجياً من المولى اليماني العظيم بيان هذا الحديث بياناً يعرفني هذا الاسم الشريف معرفة حقيقية.

از مولایم یمانی بزرگوار درخواست دارم که این حدیث شریف را طوری بیان نمایند تا به معرفت حقیقی این اسم شریف دست پیدا کنم.

والسؤال الثالث: سيدي اليماني هل المعاد جسماني أم روحاني؟
والسلام عليك ورحمة الله وبركاته.

المرسل: عارف - العراق

و سؤال سوم: آقای من یمانی، آیا معاد جسمانی است یا روحانی؟
والسلام عليك و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: عارف - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
الأسئلة التي في التوحيد سيأتي جوابها في تفسير سورة التوحيد، وإن شاء الله سيتم نشره قريباً بفضل الله، وأسأل الله أن يمنّ عليك بالشفاء والعافية هو وليي وهو يتولى الصالحين، وأن يصلح جميع أحوالك.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
جواب سؤال‌هایی که در خصوص توحید است به زودی در تفسیر سوره توحید می‌آید، و ان شاء الله انتشارش به زودی به فضل خداوند انجام می‌گیرد، و از خداوند مسالت دارم که بر شما با شفاء و عافیت منت نهد که او یار من و یاری دهنده نیکوکاران است، و تمام احوالات شما را اصلاح فرماید.

واعلم أن الدنيا دار بلاء وامتحان، وهي أيام لا نكاد نذكر ما مضى من حياتنا فيها. حتى لو أن أحداً طلب منك أن تتكلم عن سنوات مضت من حياتك لن تتمكن أن تتحدث لأكثر من ساعة أو ساعات، فحياة تختزل بساعة أو ساعات حري أن لا يلتفت لها الإنسان، ﴿قَالَ كَمْ

لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ❖ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ ❖ قَالَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ❖ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١﴾.

و بدان که دنیا خانه بلاء و امتحان است، و آن روزهایی است که ما نمی‌توانیم مقداری از زندگی مان که گذشته را یاد کنیم. حتی اگر کسی از شما بخواهد که از سال‌هایی که بر تو گذشته سخن بگویی هرگز نمی‌توانی در مورد آن بیشتر از یک ساعت یا دو ساعت صحبت کنی، و سزاوار است، زندگی‌ای که لحظه یا لحظاتی بیش نیست انسان به آن توجه نکند، (خداوند فرمود: چه مدت به حساب سال‌ها در زمین به سر بردید؟* گویند: یک روز یا پاره‌ای از یک روز به سر بردیم، پس از حساب گران بپرس* گویند: جز اندکی درنگ نکردید، اگر به درستی می‌دانستید* آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریدیم و شما به نزد ما بازگردانده نمی‌شوید؟) (۲).

وفكك الله اكتب آية الكرسي بالزعفران في ورقة واحملها معك، وأيضاً اكتب سورة يس وسورة الواقعة بالزعفران في ورقة وضع الورقة في ماء حتى تنحل الكتابة في الماء واغتسل بالماء ولا تجعل الغسالة تذهب إلى مكان نجس بل اجمع الماء وارمه في مكان طاهر وأسأل الله تمام العافية.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

خداوند شما را توفیق دهد، آیه‌ی کرسی را با زعفران بر برگه‌ای بنویس و به همراه خود حمل کن، و هم‌چنین سوره یس و واقعه را با زعفران در برگه‌ای بنویس و برگه را در آبی قرار بده تا آب نوشته‌ها را حل کند و با آب غسل کن و اجازه مده که (غُساله) باقیمانده آب به مکان نجسی برود بلکه آب را جمع کن و در مکانی پاک بریز و از خداوند عافیت کامل را خواستارم.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



١- المؤمنون: ١١٢-١١٥.

٢- مؤمنون: ١١٥-١١٢.

پرسش ۴۱۸: معنی نقطه در سخن امام علی (ع) در حدیث (قرآن در سوره فاتحه است)

السؤال / ۴۱۸: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليك يا مولاي يمانی آل محمد وعلی إختی أنصار الله ورحمة الله وبركاته.

أما بعد ... عن أمير المؤمنين (ع) في تفسير القرآن الكريم: (القرآن في سورة الفاتحة، والفاتحة في البسملة، والبسملة في الباء، والباء في النقطة).

ومن حيث أن النقطة وضعت على الحروف في زمن الدولة الأموية. فالناس الذين شرح لهم أمير المؤمنين كيف فهموا معنى النقطة؟

المرسل: الشمري - الإمارات

سؤال / ۴۱۸: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليك يا مولاي يمانی آل محمد وعلی إختی أنصار الله ورحمة الله وبركاته.

أما بعد ... أمير المؤمنين (ع) در تفسير قرآن كريم می فرماید: (قرآن در سوره فاتحه، و فاتحه در بسمله و بسمله در حرف باء و باء در نطقه آن است)..

و از آن جا که نقطه در زمان دولت اموی بر حروف گذاشته شد. مردمی که امیر المؤمنین برای آن‌ها توضیح می‌داد چگونه معنای نقطه را فهمیدند؟

فرستنده: شمري - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

النقطة هي الأصل الذي تتشكل منه الحروف وفقك الله، وليس فقط النقط الموضوعه فوق

وأسفل الحروف. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهدين و سلم تسليماً.

نقطه همان اصل است که حروف از آن‌ها تشکیل شده خداوند به شما توفیق بدهد، و نقطه فقط آن چیزی که زیر یا روی حرف قرار می‌گیرد نیست.
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته..

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤١٩: معنی آموزش برای بهشتیان در آیه (وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ)

السؤال / ٤١٩: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾^(١) الآية القرآنية تتكلم عن الجنة ووعد الله للمتقين يذكر فيها ﴿وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ﴾ ما المقصود من هذه المغفرة إذا كانوا هم في الجنة أصلاً والخطاب لهم لكونهم متقين إذا دخلوا الجنة، فهل المغفرة قبل دخول الجنة أم بعدها؟ هذا ونسألکم الدعاء سيدي.

المرسل: ابن الطف - العراق

سؤال / ٤١٩: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (وصف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده (این است که) در آن نهرهایی است از آبی که نگندد، و نهرهایی از شیر که مزه اش دگرگون نشود، و نهرهایی از شراب که برای نوشندگان لذتی است، و نهرهایی از عسل خالص. و در آنجا هرگونه میوه‌ای برایشان هست، (از همه بالاتر) آموزشی از پروردگارشان. (آیا چنین کسی) مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود پس روده‌هایشان را از هم می‌پاشد؟)^(٢).

١- محمد: ١٥.

٢- محمد: ١٥.

آیهی قرآن از بهشت و وعده خدا که به متقین داده شده (آمزشی از پروردگارشان) سخن می‌گوید، مقصود از این مغفرت چیست اگر آن‌ها در بهشت هستند؟ و اگر آن‌ها وارد بهشت شدند مقصود از متقین که خطاب به آن‌ها شده چیست؟ آیا مغفرت قبل از ورود به بهشت است یا بعد از آن؟ همین و از شما مولایم تقاضای دعا دارم.

فرستنده: ابن الطف - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
قال تعالى: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ حَمْرٍ لَّذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَوًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيماً فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾. المتقون هم محمد وآل محمد وشيعتهم، وهم أهل الجنة والمغفرة.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند متعال می‌فرماید: (وصف بهشتی که به (مُتَّقُونَ) پرهیزکاران وعده داده شده (این است که) در آن نهرهایی است از آبی که ننگند، و نهرهایی از شیر که مزه اش دگرگون نشود، و نهرهایی از شراب که برای نوشندگان لذتی است، و نهرهایی از عسل خالص. و در آنجا هرگونه میوه‌ای برایشان هست، (از همه بالاتر) آمزشی از پروردگارشان. (آیا چنین کسی) مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود پس روده‌هایشان را از هم می‌پاشد؟). مُتَّقُونَ (پرهیزکاران) محمد و آل محمد (ع) و شیعیان‌شان هستند، و آن‌ها اهل بهشت و مغفرت‌اند.

والمغفرة مراتب، وكل منهم بحسب حاله، فمنهم من تكون مغفرتهم أن يستر الله ذنوبهم وإساءاتهم فينسيها الله حتى الملائكة الكاتبين وكل من عرف أو مرّت عليه ذنوبهم من عباده، بل وينسيهم هم أنفسهم ذنوبهم، فلا تكون ذنوبهم وإساءاتهم سبباً لتعكير نعيم الجنة الذي أنعم الله به عليهم.

مغفرت و بخشش مراتبی دارد، و هر یک از آن‌ها به حسب حال خود مرتبه‌ای دارند، مغفرت بعضی از آن‌ها این است که خداوند گناهان و بدی‌شان را ببوشاند و خداوند آن را حتی از فرشتگان نویسنده که می‌دانستند و

یا گناهان بندگان را مشاهده کرده را دچار فراموشی می‌کند، بلکه خود آن‌ها نیز گناهان خود را فراموش می‌کنند، و گناهان و بدی‌شان موجب تلخی نعمت‌های بهشت که بر آن‌ها داده شده، نمی‌شود.

ومنهم من هم أعلى مقاماً ومغفرتهم هي الفتح المبين ومغفرة الذنب الذي غفر لمحمد(ص)، أي مغفرة ذنب الأنا، ولكن بدرجة دون محمد(ص)، وقد بيّنت هذا الأمر في مواضع كثيرة، ويمكنك وفقك الله مراجعته في المتشابهات.

و بعضی از آن‌ها مقام بالاتری دارد و مغفرت‌اش همان فتح مبین و بخشش گناهی است که برای محمد(ص) بخشیده شد، یعنی مغفرت گناه انا (منیت)، و اما شخصی با درجه‌ای پایین‌تر از محمد(ص)، و این امر را در مواضع زیادی روشن نمودم، و می‌توانی به متشابهات مراجعه کنی خداوند شما را توفیق دهد.

قال تعالى مخاطباً محمداً(ص): ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ۖ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾^(١). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

خداوند متعال در خطاب به حضرت محمد(ص) می‌فرماید: (همانا ما برای تو فتح و گشایشی آشکار نمودیم* تا خداوند برای تو گناه گذشته و آینده‌ات را ببخشد و نعمتش را بر تو تمام نموده و تو را به راه حق و صراط مستقیم هدایت نماید)^(٢). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٢٠: این فرستاده که در آیه (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ : من فرستاده‌ای امین برای شما هستم) کیست؟

السؤال / ٤٢٠: بسم الله الرحمن الرحيم

١- الفتح: ١-٢.

٢- فتح: ١-٢.

السلام عليكم يا آل محمد ورحمة الله وبركاته، السلام على يمانی آل محمد (ص) وذريته الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته، السلام على أنصارك ورحمة الله وبركاته.

سيدي، لقد ورد في القرآن الكريم هذه الآيات المباركات:

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١﴾ أَنْ أَذُوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾^(۱).

سؤال / ۴۲۰: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم يا آل محمد ورحمة الله وبركاته، السلام على يمانی آل محمد (ع) وذريته الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته، السلام على أنصارك ورحمة الله وبركاته.

آقای من، در قرآن کریم این آیات مبارک وارد شده است:

(و همانا پیش از آن‌ها قوم فرعون را آزمایش نمودیم و فرستاده‌ای بزرگوار برای آن‌ها آمد* که بندگان خدا را به من تسلیم کنید، همانا من برای شما فرستاده‌ای امین هستم)^(۲).

من هو هذا الرسول، وما حدود عصمته حتى يقول: ﴿أَنْ أَذُوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾، وما هي الأمانة التي نسبها لنفسه، وهل يوجد قبلكم رسول من الإمام (ع)، وما هي حدود رسالته، هل كانت للحوزة خاصة أم للناس كافة؟ والحمد لله وحده.

المرسال: الشيخ إباد - إيران

این فرستاده کیست، و محدوده عصمت اش چگونه است بطوری که می‌فرماید: (که بندگان خدا را به من تسلیم کنید، همانا من برای شما پیامبری امین هستم)، و امانتی که به خود نسبت می‌دهد چیست، و آیا پیش از شما فرستاده‌ای از جانب امام بود، و محدوده رسالتش چگونه بود، آیا فقط برای حوزه یا برای همه مردم بود؟ و الحمد لله وحده.

فرستنده: شیخ إباد - ایران

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

۱- الدخان: ۱۷- ۱۸.

۲- دخان: ۱۸- ۱۷.

قال تعالى: ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١﴾ أَنْ أَذُوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿٢﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٣﴾ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٤﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُونِ ﴿٥﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَوَّلَاءَ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ﴿٦﴾ فَأَسْرِبِعَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٧﴾ وَاتْرُكُ الْبَحْرَ رَهْوَاً إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُعْرَقُونَ ﴿٨﴾﴾^(١).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.
 خداوند متعال می فرماید: (و همانا پیش از آن ها قوم فرعون را آزمایش نمودیم و فرستاده ای بزرگوار برای آن ها آمد* که بندگان خدا را به من تسلیم کنید، همانا من برای شما پیامبری امینم* و این که بر خدا گردن کشی نکنید که من برای شما حجتی آشکار آوردم* و همانا من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از اینکه سنگسارم کنید* و اگر به من ایمان نمی آورید، پس از من کناره گیرید* پس پروردگار خود را خواند که اینان مردمی گناهکارند* پس (گفتیم) بندگان مرا شبانه حرکت بده، که شما مورد تعقیب خواهید بود* و دریا را آرام پشت سر بگذار که آن ها سپاهی غرق شدنی هستند)^(٢).

الآيات تتكلم عن موسى (ع) وهذا واضح من المقدمة ﴿قَوْمَ فِرْعَوْنَ﴾ ومن النهاية ﴿إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُعْرَقُونَ﴾.

آیات از حضرت موسی (ع) سخن می گویند و این از مقدمه روشن است (قَوْمَ فِرْعَوْنَ) و از پایان اش (إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُعْرَقُونَ).

وقد ضربوا مثلاً لعل الناس في زمن رسول الله محمد (ص) وفي زمن القائم تتعظ بهم، فموسى (ع) أيضاً قائم وكانوا مبشرين به كقائم آل محمد.

و این مثل و تشبیه را زدند که مردم در زمان رسول خدا محمد (ص) و در زمان قائم از آنان پند گیرند، زیرا موسی (ع) نیز قائم بود و به او نیز همانند قائم آل محمد بشارت داده شده بود.

١- الدخان: ١٧ - ٢٤.

٢- دخان: ٢٤ - ١٧.

قال تعالى: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿۱﴾ وَنُفَعِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (۱). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

خداوند متعال می‌فرماید: (و می‌خواستیم بر کسانی که در زمین مُستضعف شدند مینت نهیم و آن‌ها را امام گردانیم و ایشان را وارثان زمین قرار دهیم* و در زمین تمکین‌شان دهیم و به فرعون و هامان و سپاه‌شان چیزی را که از آن حذر داشتند نشان دهیم) (۲). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۲۱: معنی آیه (مُشْتَبِهًا وَعَيْرَ مُتَشَابِهٍ: همانند و غیر همانند)

السؤال ۴۲۱: السلام عليكم آل محمد ورحمة الله وبركاته، السلام على يمانی آل محمد وعلى ذريتك الطيبين الطاهرين.

ورد في القرآن سيدي هذه الآية المباركة: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا كَثِيرًا وَمِمَّنْ النَّخْلُ وَمِمَّنْ النَّخْلُ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَعَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (۳). فما معنى أو تأويل هذه الكلمات من الآية: ﴿مُشْتَبِهًا وَعَيْرَ مُتَشَابِهٍ﴾، وإن الله سبحانه كان يتكلم عن الأشجار والنباتات ويقول مُشْتَبِهًا وَعَيْرَ مُتَشَابِهٍ فما عنى الله فيها، هل عنى نفس الموضوع، أم فيها آل محمد (ص). والحمد لله وحده.

المرسل: الشيخ إباد - إيران

سؤال ۴۲۱: السلام عليكم يا آل محمد ورحمة الله وبركاته، سلام بر يمانی آل محمد و بر فرزندان پاک و طاهرت.

۱- القصص: ۵-۶.

۲- قصص: ۶-۵.

۳- الإنعام: ۹۹.

مولای من در قرآن این آیات مبارک آمده است: (و اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد؛ پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم، و از آن (گیاه) جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن، دانه‌های مُتراکمی بر می‌آوریم. و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم. و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار - همانند و غیر همانند - خارج نمودیم. به میوه آن چون ثمر دَهْد و به (طرز) رسیدنش بنگرید. قطعاً در این‌ها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست)^(۱). معنی و یا تأویل این کلمات از آیه: (همانند و غیر همانند)، چیست در حالی که خداوند سبحان از درختان و گیاهان صحبت می‌کند و می‌فرماید مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ، و منظور خداوند چیست، آیا منظور همان موضوع است، یا منظور آن همان آل محمد (ص) هستند. و الحمد لله وحده.

فرستنده: شیخ ایاد - ایران

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
إذا نظرت إلى أوراق وأغصان شجرتي الزيتون والرمان فستجد بينهما شبيهاً ولكن ثمرهما
غير متشابه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
زمانی که به شاخه و برگ‌های درخت زیتون و انار نگاه کنید، بین آن‌ها شباهتی را می‌یابید ولی میوه‌ی
آن‌ها شبیه به هم نیست.

كذلك فإن الله يظهر من أوليائه علوم ينتفع بها عباده، فمع أن أولياء الله متشابهون ولكن
علومهم والثمار التي يظهرها الله منهم لا تكون متشابهة، وكمثال فأنت تجد أن الله أظهر
الدعاء على لسان زين العابدين علي بن الحسين (ع) وأظهر الفقه على لسان الصادق جعفر بن
محمد (ع). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

هم‌چنین خداوند علومی را از اولیائش ظاهر می‌کند تا بندگانش از آن سود ببرند، و با این که اولیاء خداوند
شبیه به هم هستند ولی میوه‌هایی که خداوند از آن‌ها ظاهر نموده شبیه نیست، مثلاً می‌بینید که خداوند دعاء

را بر زبان زین العابدین علی بن حسین (ع) ظاهر نمود، و فقه را بر زبان صادق جعفر بن محمد (ع). والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۲۲: سوالاتی در مورد محاسبه و خداوند و کسانی که هلاک نمی‌شوند.

السؤال / ۴۲۲: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام والصلاة على قائم آل محمد و إيمانهم الموعود أول المهديين وأول المؤمنين وزينة الأولين والآخريين سيدي ومولاي أحمد الحسن (ع).

سؤال / ۴۲۲: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و صلوات بر قائم آل محمد و ایمانی موعود، اول مهديين و اول مومنين و زينت اولين و آخريين، آقا و مولایم احمد الحسن (ع).

بسم الله الرحمن الرحيم ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^(۱).

بسم الله الرحمن الرحيم (خداوند هیچ نفسی را بیش از توانایی‌اش تکلیف نکرده است آنچه به دست آورد برای اوست و برعلیه اوست، پروردگارا بر ما زنجیر مَبْتَد همان‌طور که بر کسانی که پیش از ما بودند انداختی، پروردگارا آنچه ما طاقت‌اش را نداریم بر ما حمل مکن و از ما درگذر و ما را ببخش و به ما رحم کن تو سرور مایی، پس ما را بر قوم کافر پیروز گردان)^(۲).

سیدی، صدر هذه الآية ينفي التكليف بما هو خارج الوسع، وفي وسطها ضمن الدعاء الوارد

في الآية قوله تعالى: ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ فما هو مراده تعالى من قوله هذا؟؟

۱- البقرة: ۲۸۶

۲- بقره: ۲۸۶

آقای من، ابتدای آیه تکلیف خارج از توان را نفی می‌کند، و در وسطش این دعاء وارد می‌شود: (پروردگارا بر ما آنچه که توانش را نداریم، تحمیل مکن) و منظور خداوند از این کلام چیست؟؟

۲- ما تفسیر قوله تعالى: ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾، وهل الإنسان يؤاخذ على النسيان؟

۲- تفسیر فرموده خداوند متعال که می‌فرماید: (پروردگارا اگر ما فراموش کردیم یا خطاء نمودیم، ما را مواخذه مکن)، چیست و آیا انسان به خاطر فراموشی مواخذه می‌شود؟

۳- عن منصور بن حازم، قال: (قلت لأبي عبد الله (ع): إنَّ الله أجل وأكرم من أن يعرف بخلقه، بل الخلق يعرفون بالله، قال: صدقت). سيدي ما هو مراده (ع) من هذا الحديث؟

س ۳: منصور ابن حازم گوید به امام صادق (ع) عرض کردم خداوند بالا و والاتر از آن است که بوسیله خلقش شناخته شود بلکه این خلق او هستند که بوسیله او شناخته می‌شوند! فرمودند درست گفتی! مولای من (سید احمد الحسن ع) منظور و مفهوم این حدیث از امام صادق (ع) چیست؟

۴- سيدي من لطفك بين ما هو المراد من قول أمير المؤمنين: (رأته القلوب بحقائق الإيمان) الوارد في هذا الحديث: عن أبي عبد الله (ع)، قال: (جاء حبر إلى أمير المؤمنين (ع) فقال: يا أمير المؤمنين، هل رأيت ربك حين عبدته؟ فقال: ويلك ما كنت أعبد رباً لم أرمه، قال: وكيف رأيت؟ قال: ويلك لا تدركه العيون في مشاهدة الأبصار، ولكن رأته القلوب بحقائق الإيمان).

۴- آقای من به بزرگواری خودتان، مقصود این کلام امیر المؤمنین (ع) را برای ما بیان کنید: (قلبها با حقیقت ایمان او را می‌بینند).

در این حدیث آمده است که: اَبی عبد الله (ع) می‌فرماید: (عالمی خدمت امیر المؤمنین (ع) رسید و گفت ای امیر مؤمنان: پروردگارت را هنگام پرستش او دیده‌ئی! فرمود: وای بر تو! من آن نیستم که پروردگاری را که ندیده‌ام بپرستم، عرض کرد: چگونه او را دیده‌ای؟ فرمود: وای بر تو دیدگان هنگام نظر افکندن او را درک نکنند ولی دل‌ها با حقایق ایمان او را دیده‌اند).

۵- ﴿لَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^(۱). وجه الله الإمام(ع) حسب ما جاء عنكم أهل البيت، سیدی ما المقصود من قوله تعالى هالك؟ وبعبارة أخرى ما مراده تعالى من هالك الأشياء؟

۵- (با خداوند، الهی دیگر را مخوان، هیچ الهی غیر او نیست هر چیزی به غیر وجه او هلاک می‌شود، حکم برای اوست و به سوی او باز می‌گردند)^(۲) وجه خداوند همان امام علیه السلام است، با توجه به روایاتی که از شما اهل بیت علیه السلام آمده است، آقای من، منظور از هالك در کلام خداوند متعال چیست؟ و به عبارتی دیگر منظور خداوند از هلاکت اشیا چیست؟

۶- (یخرج المهدي من قرية يقال لها كريمة)^(۳). سیدی بجودك وكرمك بين لي رأيك الشريف في هذا الحديث وما المراد منه وفيه.

۶- (امام مهدی(ع) از روستایی به نام کرعه خارج می‌شود)^(۴). آقای من به بزرگواریتان نظر شریف‌تان را در مورد این حدیث بیان کنید.

۷- قد ورد في بعض الروايات وصف المهدي بأنه شاب موفق صلوات ربي عليه، فهل لي أن أسأل مولاي عن توضيح هذا الوصف؟

۷- در بعضی روایات وارد شده که مهدی به جوانی موفق توصیف شده است، و آیا می‌توانم از شما توضیح این وصف را مسألت کنم؟

۸- سیدی، قد بقيت على إيماني و يقيني بقيتة بل بقايا، فأرجوك أن تتفضل وتمن عليّ بمساعدة روحية تكمل بها إيماني وتجعل الحق والحقيقة في قرارة نفسي - مستقرة لا أحول عنها ولا أزول بمنك وجودك وحلمك عليّ، فهبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا سیدی، مع اعتذاري لسوء أدبي وجسارتي على سیدی، سیدی أتراني ما أتيتك إلا من حيث الآمال، أم علفت بأطراف حبالك إلا حين باعدتني ذنوبي عن دار الوصال، فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها، فواهاً لها لما سولت لها ظنونها ومناها، وتباً لها لجرأتها على سيدها ومولاها.

۱- القصص: ۸۸.

۲- قصص: ۸۸.

۳- کتاب كشف الغمة في معرفة الأئمة - للاربلي: ج ۳ ص ۲۴۱.

۴- کتاب كشف الغمة في معرفة الأئمة - اربلي: ج ۳ ص ۲۴۱.

٨- آقای من، بر ایمانم باقی ماندم و یقینم یک پس مانده‌های در آن مانده، امیدوارم که بر من تفضل و منت نمایید و مرا کمک روحی کنید که ایمانم با آن کامل شود و حق و حقیقت را در نفسم مستقر نمایید، که با منت و بخشش شما بر من از آن دست بردارم، ای آقای من، به لطف بخشش و نیکی بر من عطا کن، و به خاطر بی ادبی و جسارتم بر آقایم عذرخواهی می‌کنم، آقای من، آیا می‌نگری به خاطر آرزوها به سمت شما آمدم، یا به اطراف ریسمانت چنگ زدم مگر هنگامی که گناهانم مرا از سرزمین وصال دور کرده است، چه بد مرکبی از هوای نفس است که نفسم دارد، وای بر او چون گمان‌ها و آرزوها آن را زینت داده است، و وای بر آن به خاطر جراتش بر آقا و مولایم.

وأرجو من مولاي وأبي الرحيم الشفيق الرفيق اليماني أن يذكرني عند ربه، وأن يجعلني من باله وفي دعائه، وأن يغفر لي ظلمي وجرمي وإسرافي على نفسي—وتقصيري معه ومع أبيه الإمام المهدي (عليهما السلام). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ولدكم الجاهل

المرسل: الشيخ الحلي - العراق

و از مولا و پدر مهربانم یمانی خواهش دارم که مرا نزد پروردگارش یاد نماید، و مرا در دعایش بیاد آورد، و ستم و جرم و اسراف بر نفسم و کوتاهی با ایشان و با پدرش امام مهدی (علیهما السلام) را ببخشد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرزند جاهل شما

فرستنده: شیخ حلی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
ج س ١-٢: قال تعالى: ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(١).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

ج س ۱-۲: خداوند متعال می‌فرماید: (و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خداوند است و اگر آنچه درون‌تان است را آشکار نموده و یا مخفی نمایید، خداوند به واسطه آن، شما را محاسبه می‌کند پس برای هر که بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست)^(۱).

هذه الآيات كما هو واضح فيها أن الله يحاسب على ما يُضمر في الأنفس، أي إن أضر الإنسان شراً يحاسب عليه، فالله بيّن أن هذا الأمر ليس خارجاً عن قدرة الإنسان، أي إن الإنسان بحسب فطرته والقدرة المودعة فيه يمكنه أن يكون خيراً دائماً ولا يضر شراً، فهو يمكن بحسب فطرته أن يكون ممن فتح الله لهم، ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُّبِيناً﴾، فلا يكون للشيطان نصيب حقيقي فيه أو في نواياه وأفعاله، ولكن مع أن هذا الأمر في حدود قدرة الإنسان فإننا نجده خارجاً عن سعة وطاقة أكثر بني آدم، ليس بسبب نقص في فطرتهم فرضه الله عليهم، بل بسبب تقصير منهم هم أنفسهم، وبالتالي فالله يقول في الآية التي أتيت بها وفقك الله إن هذه المحاسبة التي تكون على ما في النفس من نوايا قد رفعت عن عامة الناس فلا يكلف الله الناس إلا بحسب وسعهم وطاقتهم التي عليها أكثرهم وإن كانوا مؤمنين، وهذا تخفيف عن الناس، ويعني أن الله يحاسبهم على قدرة هي في الحقيقة دون قدرتهم الحقيقية المودعة فيهم.

همان‌طور که از آیه روشن است، خداوند هر آن چه در نفس انسان پنهان است، محاسبه می‌کند، یعنی اگر انسان شری را پنهان کند آن را محاسبه می‌کند، و خداوند معلوم نموده که این مسئله از دایره توانایی انسان خارج نیست، یعنی انسان با توجه به فطرت و توانایی که در اوست، می‌تواند که خیر دائمی بوده و هیچ شری را پنهان نکند، و به واسطه فطرتش می‌تواند از کسانی باشد که خدا برای آن‌ها فتح نمود (همانا ما برای تو فتح و گشایشی آشکار نمودیم)، و برای شیطان بهره‌ی حقیقی در وی و یا در نیات و افعالش نخواهد داشت، ولی با این که این مسئله در دایره قدرت انسان است اما ما این را خارج از توان و طاقت بیشتر مردم می‌بینیم، و این به خاطر نقص در فطرت آن‌ها که خدا برایشان قرار داده نیست، بلکه به سبب تقصیر خود آن‌هاست، و در آخر خداوند در آیه‌ای که آوردی -وفقك الله- می‌فرماید: این محاسبه که بر نیت‌هایی که در نفس خواهد بود از بیشتر مردم برداشته شده، و خداوند مردم را مگر بر حسب توان و طاقتی که بیشتر مردم دارند مکلف می‌کند هرچند که مومن باشند و این تخفیفی برای مردم است، و به این معناست که خداوند در حقیقت آنان را بر قدرتی محاسبه می‌کند که کمتر از قدرتی است که در وجود آنان داده است.

قال تعالى: ﴿عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ أي يحاسب الله الإنسان على الشر الذي صدر منه بالفعل وليس فقط نواه، أي إنه سبحانه يحاسب الإنسان على الشر إذا نواه وصدور منه، ولا يحاسبه فقط على أنه نواه ولم يتمكن من إنفاذه، أو إنه فعل شراً دون نية الفعل المسبقة.

خداوند متعال می فرماید: (عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ) یعنی خداوند انسان را به خاطر شری که از وی صادر شده مورد محاسبه قرار می دهد و نه فقط نیت و قصد وی، یعنی خداوند انسان را نسبت به شری محاسبه می کند که نیت آن را داشته و از او صادر شده باشد، و نسبت به کاری که نیت آن را دارد ولی توانایی انجام آن را ندارد، مورد حساب قرار نمی دهد، یا این که کاری انجام دهد ولی قبلش نیت انجام دادن آن را ندارد..

﴿لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

(خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده به سود او، و آنچه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنانکه بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را بیخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن.)

فقوله تعالى: ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا... وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: يبين أن لكل إنسان وسع وقدرة هو حددها - أي الإنسان - بعمله وسعيه، فالمفروض به أن يطلب من الله أن يغفر له تقصيره ونسيانه - أي تركه وإغفاله - لأوامر الله.

و فرموده خداوند متعال که می فرماید: (پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر... و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن)، این روشن می کند که برای هر انسان توانایی و قدرتی است که خود انسان با عمل و سعی خودش آن را مشخص نموده است، بر اوست که از خداوند بخواهد که به خاطر کوتاهی و فراموشی او - یعنی ترک و غفلت او - نسبت به دستورات خدا درخواست بخشش نماید.

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾ وأيضاً يطلب أن يكون امتحانه بحدود وسعه وقدرته وإن كان دون السعة والقدرة المودعة في فطرته، وإن كان سبب ذلك تقصيره هو، فلو كلفه الله فوق حدوده أي خارج وسعه وقدرته - التي هي وبسبب تقصيره دون القدرة الحقيقية المودعة في

فطرته - سيفشل ويخسر كل شيء، وبالتالي يكون هذا الدعاء هو غاية الحكمة بالنسبة لمن خسر شيئاً ولا يريد أن يخسر كل شيء وهؤلاء هم معظم بنو آدم، ﴿وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

(پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر) هم‌چنین درخواست نماید که امتحانش به اندازه توانایی و قدرتش باشد، هرچند توانایی او پایین‌تر از توانایی و قدرتی که در فطرتش نهاده شده باشد، و هر چند علت آن کوتاهی خود اوست، و اگر خداوند بالاتر از حدودش او را تکلیف کند، همه چیز را یعنی خارج از توانایی و قدرت او - چیزی که به خاطر کوتاهی اوست، کمتر از قدرت حقیقی که در فطرت او نهاده شده است - شکست می‌خورد و همه چیز را از دست می‌دهد، در نتیجه این دعا به نسبت فردی که مقداری زیان دیده و می‌خواهد بیشتر زیان نکند که آن‌ها بیشتر فرزندان آدم هستند، نهایت حکمت است، (و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن).

ج س ۳: الله يُعَرِّفُ نَفْسَهُ بِخَلْقِهِ، وليس أن خلقه يُعَرِّفون به هذا هو معنى الحديث.

ج س ۳: خداوند خودش را به وسیله آفریدگانش می‌شناساند (معرفی می‌کند)، نه اینکه خلقش او را معرفی می‌کنند، این معنای حدیث است.

أي لو قلنا إن الله يُعَرِّفُ بِحَجِّهِ (ع)، وحجج الله هم المعروفون بالله، فالمراد هو أن الله عَرَّفَ نفسه لبقية خلقه بهم لا أنهم عَرَّفُوا به.

یعنی این که اگر گفتیم خداوند بوسیله حججش شناخته می‌شود و حجج الهی بوسیله خدا معرفی می‌شوند، مراد این است که خداوند بوسیله حججش خودش را به بقیه خلقش معرفی کرده (یعنی حجج الهی واسطه بودند برای یادآوری و معرفی خدا به خلقش) نه اینکه آنها (خودشان مستقلاً) خدا را معرفی کردند (پس معرفی‌کننده اصلی خود خداوند می‌باشد که خودش را بوسیله آنها معرفی می‌کند)

فهم وجه الله الذي واجه به خلقه، أي إنه هو الذي واجه خلقه بهم ليعرف لا أنهم من أنفسهم أو بأنفسهم يُعرفون بالله.

آنان وجه الله هستند که به واسطه آن‌ها با آفریده هایش روبرو شد، یعنی خداوند است که به وسیله آن‌ها با آفریده هایش روبه‌رو شد، تا شناخته شود، نه اینکه حجج الهی از پیش خودشان و بوسیله خودشان (مستقلاً)

خدا را معرفی کنند (یعنی آنها صرفاً واسطه هستند که خداوند بوسیله آنها خودش را معرفی می‌کند وگرنه خود آنها هم او جل و علا نمی‌شناختند که فرمود قبل از این که وحی شود ما کنت تدری ما الكتاب و لا الايمان!).

فإذا كان الأمر كذلك كانت حقيقة الأمر أنهم ليس لهم من الأمر من شيء فهو سبحانه أراد أن يُعرف فخلقهم وعَرَّفَ بهم وعَرَّفَ نفسه بهم.

پس در این صورت حقیقت امر این است که چیزی از امر (معرفت پروردگار) برای حجج الهی نیست (یعنی آنها مستقلاً کاره‌ای نیستند). پس خداوند سبحان خواست که شناخته شود پس آنها را (حجج الهی را) خلق کرد و آنها را (به خلقش) معرفی کرد و خودش را بواسطه و بوسیله آنها (به خلقش) معرفی کرد.

أما حقيقة هذه المعرفة وكيف تكون فستجده وما تقدم بتفصيل أكثر إن شاء الله في كتاب تفسير سورة التوحيد وهو في طريقه للنشر إن شاء الله.

اما حقیقت این معرفت را و این که کیفیتش چیست، ان شاء الله بتفصیل در کتاب تفسیر سوره توحید که در دست انتشار است، خواهید یافت.

ج س ٤: رؤيته سبحانه هي المعرفة، وقد تكلمت عنها سابقاً، ولكن إن شاء الله ستجد الأمر مفصلاً في تفسير سورة التوحيد، وبما أنه سينشر قريباً فلا داعي أن أعيد الكلام هنا خاصة أنه طويل وفقك الله.

ج س ٤: دیدن خداوند سبحان همان شناخت است، و در مورد آن قبلاً سخن گفتیم، ولی ان شاء الله این مسئله را به صورت مفصل در کتاب تفسیر سوره توحید خواهی یافت، و به این خاطر که به زودی منتشر می‌شود، دلیلی وجود ندارد که این جا سخن را تکرار کنم، چون طولانی است. خداوند به تو توفیق دهد.

ج س ٥: قال تعالى: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾^(١).

ج س ۵: خداوند متعال می‌فرماید: (و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است بیهوش در می‌افتد، مگر کسی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و به ناگاه آنان بر پای ایستاده می‌نگرند)^(۱).

الذین لا یهلکون هم من كانوا حقاً وجه الله الذي واجه به خلقه، كرامة لهم وكرامة للاسم الأعظم الذي حملوه في قلوبهم النيرة بنوره سبحانه وتعالى، فهؤلاء لا يهلكون ولا يفنون أبداً؛ لأنهم اختاروا الباقي سبحانه على أنفسهم، فطوبى لهم وحسن مآب، وهم وفقك الله ليسوا فقط محمد وآل محمد (ص) فالباب مفتوح - قبل وبعد مجيئهم (ص) - لكل إنسان ليكون وجه الله فلا تقصروا وتضيعوا حظكم، فالباب مفتوح والفرصة سانحة والخاسر من خسر نصيبه من هذا الفضل العظيم، طوبى لمن اختاروا ويختارون الله سبحانه على أنفسهم، أولئك هم المتقون حقاً.

افرادی که هلاک نمی‌شوند، کسانی هستند که واقعاً وجه الله هستند که با آنان با آفریدگانش رو به رو گردید، به خاطر کرامت آنان و کرامت اسم اعظمی که آن را در قلب‌های نورانی‌شان - به واسطه نور خداوند سبحان و متعال - حمل کردند، و آنان هستند که هلاک نمی‌شوند و اصلاً از بین نمی‌روند، چون آنان خداوند باقی سبحان را بر خودشان انتخاب نمودند، خوش به حال آنان و چه بازگشت خوبی! و آنان - خداوند شما را توفیق دهد - فقط محمد و آل محمد (ع) نیستند - قبل و بعد از آمدن آن‌ها (ع) - درب برای هر انسانی باز است تا وجه الله شود، کوتاهی نکنید و بهره (نصیب) خود را ضایع نکنید، و درب باز است و فرصت خوبی است، و زیان دیده فردی است که بهره‌اش را از این فضل بزرگ از دست بدهد، خوشا به حال افرادی که خداوند سبحان را بر خودشان اختیار و برتری دادند، آنان پرهیزگاران حقیقی هستند.

أسأل الله أن يوفقني لخدمتكم جميعاً، وأن يجعلكم من المتقين الذين لا يهلكون ولا يموتون، بل يبقون بقاء من اختاروه سبحانه وتعالى علواً كبيراً.

از خداوند می‌خواهم که مرا برای خدمت همه شما موفق نماید، و شما را جزو پرهیزگاران قرار دهد که هلاک نمی‌شوند و نمی‌میرند، بلکه آنان با باقی ماندن افرادی که خداوند سبحان و متعال و بزرگ را انتخاب کردند باقی می‌مانند.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿١٠٠﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٠١﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿١٠٢﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿١٠٣﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ لَا يَذُقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٠٥﴾ فَضَلًّا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿١٠٧﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ﴾^(١).

أحمد الحسن ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

(به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده (اند)، در بوستان‌ها و کنار چشمه‌سارها. پرنیان نازک و دیبای ستبر می‌پوشند (و) برابر هم نشسته‌اند. چنین (خواهد بود) و آن‌ها را با حوریان درشت چشم همسر می‌گردانیم. در آنجا هر میوه‌ای را (که بخواهند) آسوده خاطر می‌طلبند. در آنجا جز مرگِ نخستین، مرگ نخواهند چشید و (خدا) آن‌ها را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد. (این) بخششی است از جانب پروردگار تو. این است همان کامیابی بزرگ. در حقیقت، [قرآن] را بر زبان تو آسان گردانیدیم، امید که پند پذیرند. پس مراقب باش، زیرا که آنان هم مراقبند)^(٢).

أحمد الحسن ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٢٣: معنی آیه (مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَّن يَنْصُرَهُ اللَّهُ) چیست؟

السؤال / ٤٢٣: بسم الله الرحمن الرحيم، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.
السلام عليك سيدي ووالدي وولي نعمتي، أسأل الله أن يجعلني من خدامكم ومن أنصاركم
وممن رضيتم إيمانهم.

سؤال / ٤٢٣: بسم الله الرحمن الرحيم، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.
السلام عليك سيدي و والدي و ولي نعمتي، أسأل الله أن يجعلني من خدامكم و ممن أنصاركم و ممن رضيتم
إيمانهم.

١- الدخان: ٥١ - ٥٩.

٢- دخان: ٥٩ - ٥١.

لي سؤال لكن قبل مولاي استأذنك في أن تدعو لي أن استشهد على حبكم وولائتكم، وأن يجعلني أعمل بما تحبون وتأمرون.

سؤالی دارم ولی قبل از این که آن‌را بپرسم، از شما می‌خواهم که برایم دعا کنید تا در راه محبت و ولایت شما شهید شوم، و مرا به گونه‌ای که شما دوست دارید و امر می‌کنید قرار دهد.

سؤالی سیدی عن تفسیر الآیة الکریمة: قال الله تعالى: ﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ﴾^(۱).

آقای من سؤالم از تفسیر این آیه کریمه است: خداوند متعال می‌فرماید: (هرکس که گمان می‌کرد که خداوند، در دنیا و آخرت هرگز یاریش نخواهد کرد؛ پس سببی از آسمان قرار دهد، آنگاه آن را قطع کرده و بنگرد که آیا این نقشه خشم او را از بین می‌برد؟)^(۲).

وأرجو مولاي ألا أكون قد أثقلت عليكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: أمة

امیدوارم که سبب رنجش خاطر شما نشدم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: أمة

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

أسأل الله أن يوفقك لخير الآخرة والدين، وأن يجعلك ممن ينتصر بهم لدينه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

از خداوند می‌خواهم که شما را بر انجام خیر آخرت و دنیا توفیق دهد، و شما را از کسانی قرار دهد که به واسطه آن‌ها دین را یاری می‌نماید.

۱- الحج: ۱۵.

۲- حج: ۱۵.

قال تعالى: ﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ﴾.

خداوند متعال می فرماید: (آنکو می پندارد که هرگز یاریش نمی کند خدا در دنیا و آخرت پس بکشد ریسمانی بسوی آسمان پس ببرد پس بنگرد آیا می برد نیرنگ او آنچه را به خشم می آورد).

اللَّهُ سبحانه وتعالى يبعث الرسل، ويؤيدهم بملائكته وجنده في ملكوته وسماواته، وفي هذه الآية الله سبحانه وتعالى يبين للناس الذين يشكّون بالرسول أن هناك طريقاً لمعرفة الحق، وأن الرسول الذي أرسل إليهم حق، وهو أن يجعلوا الطريق بينهم وبين السماوات مفتوحاً، بالتوجه إلى الله لمعرفة الحق من عنده سبحانه وتعالى: ﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ﴾، عندها سيتمكن الإنسان بفضل الله عليه أن يميز الحق من الباطل، ويستطيع أن يرى بوضوح طريق الحق ليكون على بينة من أمره وهو يسير إلى الحق مع الحق بالحق، وعندها سيكون ما يراه في ملكوت السماوات سبباً لذهاب الشر الذي انطوت عليه نفسه لتمتلئ صفحة وجوده بالإيمان والخير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

خداوند سبحان فرستادگان را می فرستد، و آن ها را با فرشتگان و سربازان خویش در ملکوت و آسمان هایش یاری می دهد، و در این آیه خداوند سبحان برای مردمی که در فرستاده شک می کنند بیان می کند که راهی برای شناخت حق وجود دارد، به این که فرستاده ای که برای آن ها فرستاده شده حق است، و آن راه این است که راه بین خود و آسمان را با توجه، به سوی خدا برای شناخت حق از جانب او باز نگه دارند: (آنکو می پندارد که هرگز یاریش نمی کند خدا در دنیا و آخرت پس بکشد ریسمانی بسوی آسمان)، در این هنگام انسان می تواند با فضل خدا، بین حق و باطل تشخیص دهد، و به روشنی می تواند راه حق را ببیند و آنچه می گوید بر حجت و بینة می گوید درحالی که وی به سوی حق و به همراه حق صاحب حق حرکت می کند، و در این هنگام است که آنچه در ملکوت آسمان ها می بیند، سببی خواهد بود برای دور شدن شری که نفسش را فرا گرفته تا صفحه ی وجودش از ایمان و خیر پر شود. و السلام عليكم و رحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۲۴: تفسیر آیه (مَ اَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ)

السؤال / ۴۲۴: ما تفسیر الآیة الکریمة: ﴿مَ اَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾^(۱).

المرسل: أدهم الطائي - العراق

سؤال / ۴۲۴: تفسیر این آیه کریمه چیست: (باز دوباره چشم بگردان (و بنگر، ولی) چشم ناکام و خسته (از یافتن عیب) به سوی تو باز می‌گردد)^(۲).

فرستنده: أدهم طائي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

قال تعالى: ﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ❖ ثُمَّ اَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾^(۳).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند متعال می‌فرماید: (آنکه آفرید هفت آسمان تودرتو (یا پی‌درپی) نبینی در آفرینش خدای مهربان تفاوتی (کم و بیشی) پس بگشای دیده را آیا بینی شکافی را^(۳) پس برگردان دیده را دوبار بازگردد بسویت چشم سرافکننده حالی که آن است کند (یا خوار))^(۴)

في هذه الآيات الله سبحانه وتعالى يبين لعباده أنه خلق السماوات بنظام دقيق، وهناك قوانين إلهية تحكمها، ليلجها من كتب الله لهم ولوجها والعروج فيها، فلا خلل فيها يسمح لأحد أن يدخلها أو أن يسترق من أخبارها أو يتوصل لما فيها من الحكمة الإلهية ليخدع بها الناس، فلا عروج في السماوات إلا بسطان من الله وفق قانون الله سبحانه وتعالى الساري على كل عباده.

۱- الملك: ۴.

۲- الملك: ۴.

۳- الملك: ۳- ۴.

۴- الملك: ۳- ۴.

خداوند سبحان و متعال در این آیات، برای بندگانش بیان می‌کند که اوست که آسمان‌ها را با نظم و قانونی دقیق آفریده است، و قوانین الهی وجود دارد که بر آن نظام حکومت می‌کنند، تا فقط کسانی که خداوند برای آن‌ها مقدر کرده است بتوانند وارد آن شده و در آن به سمت بالا عروج کنند و نقصی در آن نیست که شخصی بتواند در آن داخل شود یا اخبار آن را بدزدد و یا حکمت الهی موجود در آن را وسیله‌ای برای فریب مردم قرار دهد، پس نمی‌توان به آسمان‌ها عروج کرد مگر با اجازه از خدا و وفق قانون او که بر بندگان جاری است.

أما السراق شياطين الإنس والجن فهناك رصد يمنعهم ولا يمكنهم أن يلجوا في ملكوت السموات، ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾^(١)، وهذا رد على من يدعون أن الشيطان يمكن أن يكون له نصيب في الأخبار القادمة من ملكوت السموات، (بقولهم إن رؤى المؤمنين المتواترة في إرشادهم إلى خليفة الله يمكن أن تكون من الشيطان)، وبالتالي جعلوا هذا سبباً لرد أخبار السماء التي ترد على عباد الله الذين يتوجهون إلى الله ليعرفوا الحق فالله سبحانه وتعالى هنا يرد على قطاع طريق الله من العلماء غير العاملين الذي وبسبب أنهم محرومون من ملكوت السموات - بما كسبت أيديهم - يحاولون إن أمكنهم حرمان كل الناس وإضلالهم أيضاً

اما برای سارقان شیاطین انس و جن، کمین و مانعی وجود دارد که مانع آن‌ها می‌شود و نمی‌توانند در ملکوت آسمان‌ها وارد شوند، (و همانا آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم و آن‌ها را مایه راندن شیاطین قرار دادیم، و برای آن‌ها عذابی دردناک آماده کرده‌ایم)^(٢)، و این آیه پاسخی است بر کسانی که ادعا دارند شیطان می‌تواند اخبار آینده را از ملکوت آسمان‌ها دریافت کند، (به کلام‌شان که می‌گویند: امکان دارد رؤیاهای متواتر مومنین در ارشاد به سمت خلیفه خدا، از شیطان باشد)، و در آخر این توجیه را سببی برای رد نمودن اخبار آسمان‌ها قرار دادند، اخباری که بر بندگان خدا که به سوبش توجه می‌نمایند تا حق را بشناسند، فرودآمده است، در اینجا خداوند پاسخ قطع کنندگان مسیر خدا از علمای غیر عاملی را می‌دهد، آن دسته که چون خود از ملکوت آسمان‌ها بی‌بهره‌اند - به دلیل آن‌چه خود کسب کردند - تلاش می‌کنند تا مردم را نیز محروم کرده و آن‌ها را نیز گمراه کنند.

ولهذا تجدهم يسفهن ملكوت السموات بكل ما يمكنهم ليغروا الناس ويمنعوهم من التوجه إلى ملكوت السموات ورؤية الحق من عند الله، وها أنتم ترونهم اليوم يستمتتون لتسفيه الرؤيا والكشف التي هي طريق الأنبياء ومطالع وحي الله سبحانه، وإنما بعث كل

١- الملك: ٥.

٢- الملك: ٥.

الأنبياء(ع) ليرشدوا الناس إلى الاستماع من ملكوت السماوات، وإنما حاربهم كل فقهاء الضلال على مر التاريخ بمحاولة تسفيه الملكوت والرؤى ويعينهم على ذلك جهل الناس

به همین دلیل آن‌ها را می‌بینی که با هر روشی که می‌توانند، رؤیا را کم ارزش جلوه می‌دهند تا مردم را گمراه کرده و مانع آن‌ها شوند که به ملکوت آسمان‌ها توجه کنند و حق را از جانب خدا ببینند، و شما امروزه آن‌ها را می‌بینید که خود را می‌کشند تا رؤیا و کشف را کم ارزش جلوه دهند، که این دو راه انبیاء بوده و مَطالِع وحی الهی هستند، و همانا همه انبیاء(ع) مبعوث شدند تا مردم را به شنیدن از ملکوت راهنمایی کنند، ولی همه فقهای گمراه در طول تاریخ با آن‌ها جنگیدند و ملکوت و رؤیا را کم ارزش جلوه دادند و جهل مردم نیز به آن‌ها کمک کرد.

فالناس مشغولون بالدنيا ويأتي الأنبياء فيطلبون منهم الانشغال بالملكوت؛ لينظروا في الملكوت، فيحاول فقهاء الضلال كما يفعلون اليوم أن يبقوا الناس كما هم، ويمنعونهم من التقدم خطوة ليستمعوا كلمات الله، وذلك بمحاولة تسفيه الملكوت والرؤى التي وللأسف يجهلها الناس مع أنها الطريق المفتوح لمعرفة الحق من الله ولسماع كلمات الله سبحانه، فالخاسر من خسر هذا السبيل الأعظم من سبل المعرفة، والعاثر من تبع فقهاء الضلال العميان الذين لا يكادون يرون أيديهم.

و مردم مشغول به دنیا هستند و انبیاء می‌آیند و از آن‌ها می‌خواهند که به ملکوت مشغول شوند، تا در ملکوت بنگرند، و فقهای گمراه تلاش می‌کنند همان گونه که الآن تلاش می‌کنند تا مردم را همان طور که هستند در دنیا باقی نگه دارند، و مانع آن‌ها می‌شوند که به جلو قدم بردارند تا کلمات الهی را بشنوند، و این به واسطه بی‌ارزش جلوه دادن ملکوت و رؤیاست، و متأسفانه مردم نیز نسبت به آن جاهل‌اند با این که آن راهی گشوده برای شناخت حق از جانب خدا و شنیدن کلمات الهی است، پس زیان کار کسی است که این مسیر بزرگ معرفتی را از دست دهد، گرفتار (و قربانی) کسی است که از فقهای کور و گمراه تبعیت کند آن‌هایی که حتی نمی‌توانند دستان خود را ببینند.

وفتكم الله لكل خير، وجعلكم من المبصرين وممن يستمعون كلمات الله سبحانه ويعونها. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

خداوند شما را برای هر خیری توفیق دهد، و شما را از بینایان و از کسانی که کلمات الله را می‌شنود و درک می‌کند، قرار دهد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٢٥: چرا خداوند در برخی آیات با صیغه جمع سخن گفته است؟

السؤال / ٤٢٥: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.

السلام علیکم ابي وإمامي ومولاي ورحمة الله وبركاته.

أولاً ما أعرف كيف أشكركم على قبولي ابنته لكم سيدي ومولاي وإمامي يا يمانی آل محمد، وأسألکم الدعاء لي أن أكون عند حسن ظنكم، أبي العزيز وأسأل الله عزوجل أن يوفقنا بلقياكم ويسددكم وينصرکم ويمكن لكم في الأرض.

سؤال / ٤٢٥: بسم الله الرحمن الرحيم

و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً.

سلام و رحمت و بركات خداوند بر شما ای پدرم و ای امام و مولای من.

آقا و مولا و امام ای یمانی آل محمد، در ابتدا نمی دانم چگونه از شما تشکر کنم که مرا به عنوان دخترتان پذیرفتید، و از شما طلب دعا می کنم که مایه خوشنامی شما باشم، پدر عزیزم از خداوند می خواهم که به من توفیق دیدار شما بدهد و شما را یاری و در زمین تمکین نماید.

في كثير من الآيات يتكلم الله (عزوجل) بصيغة الجمع، مثال:

- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^(١).

- ﴿إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ﴾^(٢).

١- القدر: ١

٢- البقرة: ٢٣

- ﴿وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾^(۱). وکثیر من الآيات.

خداوند در بسیاری از آیات با صیغه‌ی جمع سخن گفته است مانند:

- (همانا ما آن را در شب قدر نازل کردیم)^(۲).
- (اگر در آنچه که بر بنده‌مان نازل نمودیم شک دارید، پس سوره‌ای مانند آن بیاورید)^(۳).
- (و همانا ما شما را در زمین تمکین دادیم و برای شما در آن‌ها منزل گاه‌ها قرار دادیم ولی عده کمی شکر گذارند)^(۴). و آیات زیادی.

السؤال - إمامنا ومولانا - هو لماذا يتكلم الله سبحانه وتعالى بصيغة الجمع؟
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وأسأل الله أن يعجل فرجكم ويجعلني من
خدامكم ولا أعصي لكم أمراً طرفة عين يا الله يا كريم.

المرسلة: سعدية - المغرب

سؤال - ای امام و مولای ما - چرا خداوند سبحان با صغیه جمع سخن می‌گوید؟
و السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته، و از خداوند می‌خواهم که فرج شما را سریع‌تر نماید و مرا از خادمان
شما که حتی به اندازه یک چشم به هم زدن امر شما را نافرمانی نکند قرار دهد. یا الله یا کریم.

فرستنده: سعدیه - مغرب

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير وسدد خطاك وجعلك ممن ينتصر بهم الله لدينه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

۱- الأعراف: ۱۰.

۲- قدر: ۱.

۳- بقره: ۲۳.

۴- اعراف: ۱۰.

خداوند شما را بر انجام هر خیری توفیق دهد و خطاهایت را تسدید نماید و شما را از کسانی قرار دهد که به واسطه آنها دینش را یاری می‌کند.

اعلمي وفقك الله أن لله عمالاً يتفضل عليهم ويستخدمهم لأداء رسالاته إلى أنبيائه ورسوله، وما يشاء أن يكون في هذا العالم الجسماني، وعمال الله من خلقه سواء كانوا من الملائكة أم من البشر، الله سبحانه وتعالى يذكرهم ويقرنهم بنفسه - مع أنهم يعملون بحوله وقوته وبأمره - كرمًا وتفضلاً من عنده سبحانه وتعالى عليهم، ولأنه الكريم الذي يعطي الكثير بالقليل.

بدان -خداوند به شما توفیق دهد- که برای خداوند کارگزارانی است که خداوند بر آنها تفضل نموده و برای رساندن رسالتش به انبیاء و فرستادگان -و آن چه می‌خواهد در عالم جسمانی محقق شود- از آنها استفاده می‌کند، و کارگزاران او از خلقش هستند چه فرشتگان باشند و چه بشر، خداوند سبحان آنها را یاد نموده و آنها را قرین خود می‌کند -با این که آنها با حول و قوه و امرش عمل می‌کنند- به خاطر بخشش و بزرگواری از وی بر آنها، زیرا او کریمی است که جزای کم را زیاد قرار داده است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن ربیع الأول / ۱۴۳۱ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن ربیع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۲۶: سوالاتی در مورد پیامبری که در آیه (إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لِهُمْ) آمده است.

السؤال / ۴۲۶: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام على أهل بيت النبوة ومعدن الرسالات ومهبط الوحي والتنزيل، من أراد الله بدأ بكم، ورد في الآية الكريمة: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...﴾^(۱).

سؤال / ۴۲۶: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً.
سلام بر اهل بيت نبوت و معدن رسالت و مهبط -محل هبوط و نزول- وحی و تنزيل از اراده خداوند است که از شما شروع می‌کند، در آیه کریمه وارد شده که: (آیا بزرگان بنی اسرائیل را بعد از موسی ندیدی، زمانی که به پیامبرشان گفتند برای ما فرماندهای مبعوث کن تا در راه خدا بجنگیم)^(۲).

۱- من كان هذا النبي الكريم؟ اسمه وصفته وحاله؟

۲- لماذا لم يختار الله هذا النبي ليكون هو الملك؟

۳- هل كان ملك طالوت هو ملك عام لبني إسرائيل أم فقط لقيادة الجيش؟

۴- هل كان طالوت (ع) حجة على هذا النبي المذكور في الآية؟

المرسل: أبو يوسف - العراق

۱- این پیامبر بزرگوار که بود؟ اسم و صفت و حالت او چگونه است؟

۲- چرا خداوند این پیامبر را به عنوان پادشاه انتخاب نکرد؟

۳- آیا پادشاهی طالوت یک پادشاهی عمومی برای بنی اسرائیل یا فقط فرماندهی سپاهی بود؟

۴- آیا طالوت بر پیامبر ذکر شده در آیه حجت بود؟

فرستنده: أبو يوسف - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

ج س ۱ - ۲ - ۳ - ۴: النبي هو نبي الله صموئيل (إسماعيل) من ذرية يعقوب (ع)

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

۱- البقرة: ۲۴۶.

۲- بقره: ۲۴۶.

ج س ١ - ٢ - ٣ - ٤: پیامبر همان پیامبر خدا صموئیل (اسماعیل) از نسل یعقوب علیه السلام بود.

أما صفته وحاله؛ فهو مقارب لحالة إسماعيل بن نبي الله إبراهيم (ع)، حيث كانت أمه حنة عقيماً أيضاً كمثل سارة (ع) زوجة نبي الله إبراهيم (ع)، وقد نذرت له سبحانه، وكان يخدم في بيت الله كمثل مريم (ع)، وقد بعثه الله نبياً لبني إسرائيل

اما صفت و حالت او، همانند اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام بود، به گونه ای که مادرش نیز پیرزنی عقیم بود مثل ساره (ع) همسر ابراهیم نبی (ع)، و مادرش او را برای خداوند نذر کرده و همانند مریم (ع) در خانه خدا خدمت می کرد و خداوند او را به عنوان پیامبر برای بنی اسرائیل برانگیخت،

وكان في زمانه بنو إسرائيل متمردين على أمر الله سبحانه، وفي آخر أيام حياته عادوا وتابوا وظهر فيهم جيل صالح، وطلبوا منه أن يُعَيِّنَ عليهم ملكاً ليقاتلوا تحت رايته، فعَيَّنَ طالوت بأمر الله سبحانه وتعالى، وكان طالوت يأتمر بأمر نبي الله إسماعيل (ع)، وبعد أن انتصر طالوت وجيشه على جالوت وجيشه أمر الله نبي الله إسماعيل (ع) أن يُعَيِّنَ خليفته من بعده داود (ع)، الذي كان جندياً في جيش طالوت.

و در زمانش بنی اسرائیل از امر خداوند سبحان سرپیچی می کردند، ولی در آخرین روزهای زندگی اش، بازگشته و توبه کردند و نسلی صالح در میان شان به وجود آمد، و از او طلب کردند که برای آن ها فرمانده ای تعیین کند تا زیر پرچم اش بجنگند، و به امر خداوند، طالوت تعیین شد، و طالوت به امر پیامبر خدا اسماعیل عمل می کرد، و بعد از این که طالوت و سپاهش بر جالوت پیروز شدند، خداوند به اسماعیل نبی (ع) امر نمود که داود را به عنوان خلیفه بعد از خود برگزیند، داودی که سربازی در سپاه طالوت بود.

أما لماذا لم يكن نبي الله إسماعيل (ع) هو الملك، فهو كان نبياً وخليفة الله في أرضه وهو الملك المنصب من الله

اما چرا اسماعیل نبی (ع) پادشاه نبود، این است که او پیامبر و خلیفه ای در زمین بود و او حاکم منصوب از جانب خداوند بود.

ولكنهم أرادوا ملكاً يقاتلون تحت رايته ويقاتل معهم، لأنهم في ذلك الزمان كان الملك لا بد أن يخرج بالجيش ويقاتل بنفسه، في حين أن نبي الله إسماعيل (ع) كان شيخاً كبيراً في السن وفي آخر أيام حياته، ولهذا فهم طلبوا منه هو (ع) أن يعين عليهم ملكاً له القدرة على القتال.

ولی آن‌ها حاکمی می‌خواستند که زیر پرچم اش ب‌جنگند و به همراه آن‌ها ب‌جنگد، زیرا در آن زمان باید پادشاه با سپاه خارج شود و ب‌جنگد، در حالی که پیامبر خدا اسماعیل (ع) پیرمردی مُسنّ که در آخرین روزهای زندگی اش بود، و به همین دلیل آن‌ها از وی (ع) خواستند که برایشان فرمانده‌ای که توانایی جنگیدن دارد، تعیین کند.

وفتكم الله لكل خير وجعلكم من المبصرين وممن يستمعون كلمات الله سبحانه ويعونها.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

خداوند به شما برای هر خیری توفیق دهد و شما را از بینایان قرار دهد و از کسانی قرار دهد که کلمات الهی را می‌شنود و آن را درک می‌کند.
و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



المحور الثاني: الأجوبة الفقهية

محور دوم : سؤالات فقهی

پرسش ٤٢٧: حکم اهدای اسپرم به همسرنازای برادر

السؤال / ٤٢٧: سيدي، السلام عليكم.

هل يجوز لشخص أن يتبرع بحيامنه الى زوجة أخيه أو صديقه بالتلقيح الاصطناعي لعدم حصول الإنجاب عند أخيه أو صديقه وزوجته، وما حكم الولد الناتج عن هذه العملية؟

المرسل: سائل

سؤال / ٤٢٧: مولاي سلام عليكم.

أيا برای انسان جایز است که اسپرم خود را به همسر برادرش یا دوستش - به صورت تلقیح مصنوعی - بدهد، به این خاطر که برادرش یا همسر دوستش، دارای فرزند نمی‌شوند، و حکم فرزندی که این گونه به وجود می‌آید، چیست؟

فرستنده: سائل

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

الحكم الشرعي: إن هذا عمل غير جائز، وهو أن تحمل المرأة بماء رجل غير زوجها.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.

حکم شرعی: این عمل جائز نیست به این که خانمی به واسطه منی غیر از همسرش باردار شود.

أما حكم الطفلة التي تولدت نتيجة ما عملتم عن جهل وعدم معرفة بالحكم، فهو حكم الشبهة، فهي تنسب إلى صاحب الماء، فهو والدها وأبناؤه إختوتها وأمها هي من حملت بها، وأبناء من حملت بها يكونون إختوتها أيضاً.

اما حکم فرزندی که به خاطر کار شما به خاطر نادانی یا عدم شناخت حکم به وجود آمده حکم شُبّه می‌باشد، و این فرزند به صاحب منی مُنتسب می‌شود، و ایشان پدر اوست و فرزندان او، برادران و خواهران او می‌باشند، و مادرش همان کسی است که به او باردار بوده است، و هم‌چنین فرزندان این خانم (که فرزند در رَجْم او بوده است) برادران و خواهران او می‌باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ



پرسش ۴۲۸: نظر پدر در امر ازدواج دخترش

السؤال / ۴۲۸: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، والصلاة والسلام علی سیدنا محمد وآله الطیبین الطاهرین.

لدي مشكلة مع أهلي، ألا وهي أن شخصاً تقدم لخطبتي على سنة الله ورسوله لكنه ليس من المذهب الجعفري وهو سني، فرفضوه أهلي لهذا السبب، ولكن قلبي مطمئن لهذا الشخص غير أنه موالي لأهل بيت رسول الله وهو وأهله لا يفرقون بين المذهب الشيعي والسني، فهل والداي على صواب وأنا التي أتبع عاطفتي، أم عليهم النظر في هذا الموضوع ويكون من نصيبي بإذن الله؟! أتمنى أن يردّ على رسالتي بأسرع وقت، و لكم جزيل الشكر.

المرسل : Some One - الإمارات العربية

سؤال / ۴۲۸: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، والصلاة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین.

من با خانواده‌ام مشکلی دارم، به این خاطر که فردی بنا بر سنت خدا و پیامبرش به خواستگاری من آمده، ولی مذهب او (شیعه) جعفری نیست و سنی است، و به همین خاطر، خانواده من به او پاسخ ردّ داده‌اند، ولی

قلب من به این فرد اطمینان دارد، البته او دوست دار اهل بیت رسول الله (ص) می باشد، و خانواده او بین مذهب شیعی و سنی تفاوتی قائل نیستند، آیا پدر و مادرم، درست می گویند و من دنباله رو احساساتم هستم، آیا این که باید آن ها در مورد این موضوع تجدید نظر بدهند و به خواست خداوند این شخص نصیبم می شود؟؟! درخواست دارم که پاسخ نامه مرا خیلی زود بدهید، مُتَشکِرَم.

فرستنده : Some One - امارات عربی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

الأفضل لك في مسألة الزواج أن تتبعي رأي والدك وفقك الله لكل خير.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.

در مسئله ازدواج آنچه برای شما بهتر و افضل تر است این است که از نظر پدرت پیروی کنی، خداوند شما را برای انجام هر (کار) خیری موفق کند.

و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٢٩: حکم قمه زنی در عزاداری ها

السؤال / ٤٢٩: ما هو رأي السيد أحمد الحسن حول التطبير في العزاء؟

سؤال / ٤٢٩: نظر سيد احمد الحسن در مورد قمه زنی در عزاداری چیست؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

الأفضل تجنبه وفقكم الله، وإن لم يكن فيه ضرر معتبر بالجسم.

أحمد الحسن

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
أفضل (و بهتر) این است که از این کار دوری کنید - خدا شما را موفق کند، هر چند این کار ضرر قابل توجهی به جسم نمی زند.

أحمد الحسن



پرسش ۴۳۰: حکم ازدواج سیده با غیر سید

السؤال / ۴۳۰: هل زواج (النكاح) امرأة سيدة نسبها يرجع لرسول الله (ص) لرجل ليس بسيد
نسبه لا يرجع لرسول الله (ص) مسموح به حسب رأي السيد أحمد الحسن (ع)؟ مع بعض المصادر
الموثوقة رجاءً.

سؤال / ۴۳۰: بر حسب نظر سید احمد الحسن (ع)، آیا رواست که خانم سیده‌ای که نسل او به رسول
الله (ص) می‌رسد، با فردی که سید نیست و نسلش به رسول الله (ص) بر نمی‌گردد ازدواج کند؟ لطف کنید
منابع مؤثق را هم بفرمایید.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
يجوز.

أحمد الحسن

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
جایز است.

أحمد الحسن



پرسش ٤٣١: وضوگرفتن قبل از قرائت قرآن

السؤال / ٤٣١: السلام عليكم.

ما الدليل على الوضوء قبل قراءة القرآن؟

المرسل: الاستشراقي - العراق / البصرة

سؤال / ٤٣١: سلام عليكم.

دليل وضوگرفتن قبل از قرائت (و خواندن) قرآن چیست؟؟

فرستنده: استشراقي - عراق / بصره

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
بالنسبة لقراءة القرآن لا يشترط فيها الوضوء، ويمكنك أن تقرأ القرآن وإن لم تكن على طهارة، ولكن مس كتابة القرآن يشترط فيها الطهارة.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
قراءة قرآن، نیازی به وضو گرفتن ندارد، و می توانید بدون این که طهارت (و وضو) داشته باشید قرآن بخوانید، ولی لمس نوشته قرآن نیاز به طهارت (و وضو) دارد.

قال تعالى: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^(١)، فظاهر الآية في منع مس ألفاظ القرآن المكتوبة دون

طهارة.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ

خداوند متعال می‌فرماید: (دست بدان نسایند جز پاک‌شدگان)^(۱)، و ظاهر آیه ممنوع بودن لمس بدون طهارت (و وضو) الفاظ مکتوب قرآن، می‌باشد.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۳۲: خمس زمان غیبت کبری

السؤال / ۴۳۲: هل الخمس حلال للشيعة في زمن الغيبة الكبرى؟ مع مصادر موثوقة رجاءً.
والسلام.

المرسل: السيد عرفان كاظمي

السؤال / ۴۳۲: آیا خمس در زمان غیبت کبری برای شیعه حلال است؟ لطف بفرمایید منابع مؤثق را نیز بفرمایید.
والسلام.

فرستنده: سيد عرفان كاظمي

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
لا يحق لأحد أن يقبض الخمس الذي يخص الإمام (ع) إلا الإمام (ع) أو من أذن له الإمام (ع)، وهو (ع) لم يأذن لأحد أن يقبض الخمس نيابة عنه، فلا يحق لمن يدعون الفقه أن يقبضوا ما لاً خاصاً بالإمام ومن ثم يتصرفون به بعد ذلك بما يدعون أنه يرضيه، وما أدراهم هم بما فيه رضاه (ع)؟!

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

هیچ فردی حق ندارد خمسی که مخصوص امام است را بگیرد، فقط امام یا فردی که امام به او اجازه داده می‌تواند آن را بگیرند، و ایشان به هیچ شخصی اجازه ندادند که به نیابت ایشان خمس را بگیرند، و کسانی که ادعای فقاهاست می‌کنند، حق ندارد مالی که مخصوص امام است را بگیرد، و بعد از آن، اموال را در جایی که فکر می‌کنند امام راضی است، استفاده کنند، نمی‌دانم از کجا رضایت و خشنودی امام را می‌دانند؟؟!

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٣٣: ویژگی نماز صحیح و گروه‌های گمراه چیست؟

السؤال / ٤٣٣: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآله الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً كثيراً.

أخي الحبيب، شكرا لك الرد علی أسئلتی هی:

١- أريد أن اسأل إمام زمني وابن عمي السيد أحمد الحسن مكن الله له في الأرض كيف صفة الصلاة الصحيحة، وما هي الطوائف الضالّة، وما هي الأخطاء الحاصلة في الدين التي يجب أن أتجنبها؟؟

يعني أريد وصية منه شاملة كاملة لأمر دنياي وآخرتي بما أنه إمامي، والسلام أيها الكرام.

المرسل: البدر - العربية السعودية

سؤال / ٤٣٣: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد و آله الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً كثيراً.

برادر عزیزم، بابت جواب دادن به سؤالاتم تشکر می‌کنم، سؤالاتم عبارت اند از:

١- می‌خواهم از امام زمانم و پسر عمویم -سید احمد الحسن "مکن الله له فی الارض"- در مورد چگونگی نماز صحیح بپرسم، گروه‌های گمراه چه افرادی هستند؟ اشتباهاتی که در دین به وجود آمده و باید از آن دوری کنم چیستند؟؟

به عبارت دیگر، وصیتی می‌خواهم که تمام مسائل دنیوی و اخروی مرا در بر گیرد، به این خاطر که ایشان امامم هستند، و سلام بر (شما) ای کریمان.

فرستنده: بدر - عربستان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير وجنبك كل شر، الصلاة تجد وصفها في كتاب الشرائع وهو منشور،
فإن كان لديك سؤال في الصلاة لم تجد إجابته في الشرائع يمكنك إرسال سؤالك، وعندها إن
شاء الله سيأتيك الجواب.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را به انجام هر (کار) خیری موفق نماید و از هر بدی دور کند، توصیف چگونگی نماز را در کتاب
شرایع خواهید یافت که این کتاب چاپ شده است، و اگر در مورد نماز سؤالی دارید و پاسخ آن را در شرایع
نیافتید می‌توانید سؤالت را بفرستی، و ان شاء الله پاسخ آن را برایت ارسال می‌شود.

أما سؤالك عن ضلوا الطريق فاعلم زاد الله رشدك وهداك إن كل من تخلف عن خليفة الله
ولم يكن قد عدّ مع ملائكة الله الساجدين فهو محسوب حتماً على إبليس وجنده الذين رفضوا
خليفة الله، وقد قالها الصادق(ع): (إن الدين وأصل الدين هو رجل، وذلك الرجل هو اليقين وهو
الإيمان وهو إمام أمته وأهل زمانه، فمن عرفه عرف الله، ومن أنكره أنكر الله ودينه، ومن جهله
جهل الله ودينه وحدوده وشرائعه بغير ذلك الإمام كذلك جرى بأن معرفة الرجال دين الله
والمعرفة على وجهه معرفة ثابتة على بصيرة يعرف بها دين الله ويوصل بها إلى معرفة الله)^(۱).

اما سؤالت در مورد آن‌هایی که گمراه شدند، خداوند زُشد شما را بیشتر و شما را هدایت کند، بدان که هر
فردی که از (فرمان) خلیفه خداوند سربیزی نماید، و از کسانی که به همراه فرشتگان خداوند که سجده نموده
به حساب نیاید، قطعاً جزو ابلیس و سربازان وی که خلیفه الهی را رد نمودند به حساب آمده می‌آید که امام
صادق(ع) می‌فرماید: (همانا دین و اصل دین یک مرد است، و آن مرد همان یقین، و آن همان ایمان و وی
امام امت و مردم آن زمان می‌باشد، هر کس او را شناخت، خداوند را شناخت، و هر کس او را انکار نماید، خدا
و دین او را انکار نموده، و هر فردی که نسبت به وی نادانی داشته باشد، بدون آن امام نسبت به خداوند و دین
او و حد (و حدود) و شرایع (و احکام) او نادانی دارد، شناخت مردان، دین خداست، و شناخت به همان صورت،

شناخت ثابت و با بصیرت می باشد که به واسطه آن دین خدا شناخته می شود، و به واسطه آن به شناخت خدا رسیده می شود^(۱).

فاعرف خلفاء الله وتوجه بهم إلى الله كما أمر الله سبحانه وتعالى تنجو وتفلح إن شاء الله، وخير المعرفة هي معرفة خليفة الله؛ لأنها توصلك إلى معرفة الله وملكوت سماواته، وخير العمل هو هداية الناس إلى الحق، فلأن يهدي الله بك إنساناً إلى الحق خير لك من التصديق بمال الدنيا وفقك الله لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

خلفای الهی را بشناس و به واسطه آنها به خداوند توجه کن، همان طور که خداوند سبحان و متعال دستور داده که ان شاء الله نجات یافته و رستگار می شوی، و بهترین شناخت، شناخت خلیفه خداست، چون آن، شما را به شناخت خداوند و ملکوت آسمانها می رساند، و بهترین کار، هدایت نمودن مردم به سمت حق می باشد، که اگر خداوند، به واسطه تو، انسانی را هدایت نماید، برای از صدقه دادن تمام اموال دنیا بهتر است، خداوند تو را برای انجام هر (کار) خیری موفق نماید، و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٣٤: مداوا شدن زن نزد پزشک مرد

السؤال / ٤٣٤: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم يا أنصار الله ورحمة الله وبركاته.

ما حكم ذهاب المرأة للطبيب الرجل إذا لم تكن هناك امرأة في نفس الاختصاص؟؟
وفقكم الله لنصرة قائم آل محمد (ع).

المرسلات: نرجس - العراق

سؤال / ٤٣٤: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم یا أنصار الله و رحمة الله و برکاته.
موقعی که متخصص زن نباشد، حکم رفتن خانم، نزد پزشک مرد چیست؟ خدا شما را برای یاری قائم آل محمد (ع) موفق نماید.

فرستنده: نرجس - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
إذا كان يرافق العلاج أمر محرم مثل نظر الطبيب إلى ما لا يجوز النظر له من جسد المرأة أو مسه فلا يجوز إلا مع الاضطرار.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
اگر لازمه درمان، مسئله حرامی مثل نگاه کردن پزشک به چیزی که نگاه به آن جایز نیست، مانند نگاه به جسم خانم یا مسح آن - باشد، جایز نیست، ولی در صورت اضطرار جایز است.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۳۵: سوالی در مورد ازدواج

السؤال / ۴۳۵: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً
كثيراً.

سؤال / ۴۳۵: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

أرجو المغفرة والصفح من مولاي حجة الله علي وعلى خلقه الإمام أحمد الحسن (ع) ، واعتذر منك مولاي عن الإطالة في هذه الرسالة.

أمرزش و بخشش را از مولایم - حجت الله بر من و بر آفریده هایش سید احمد الحسن (ع) - می خواهم، و مولای من، و بابت طولانی بودن این نامه از شما عذر خواهی می کنم.

بالمختصر مولاي إني أعرف امرأة في البلد المقيم فيه، وهي مطلقة وذات خلق وتعيش وحيدة أهلها في هذا البلد الفاسد أهله بلد غربي، أعرفها منذ مدة طويلة والتقيتها اليوم متذمرة من العيش الذي تعيشه من وجود الوحوش المفترسة، رقت لحالها وحال العديد من نساء بلدي المقيمين هنا وأحسست من كلامها أنها تريد الزواج من شخص متقي كما أنها تعرف عقيدتي أني شيوعي فقط وهي مطلقة، وطلبت مني الزواج منها لسترها وحمايتها مع أنها أكبر مني سنًا بالشيء اليسير، فقلت لها إن أردت الزواج مرة ثانية لا أتزوج إلا بمؤمنة، وقالت إنها تحتاج مؤمن لترجع إلى الله، ولم أفاتها بالدعوة؛ لأنها أمية لا تعلم شيئاً، فقلت لها إن قدر الله وتزوجتك ولم تؤمني وتلتزمي انتهى كل شيء، فوافقت إنها تريد الرجوع إلى الله وإنها ملت هذه الحياة القذرة وتريد أن تتطهر كما أنها تعلم أني متزوج ولي أطفال، فقلت لها سأستخير الله وأرد عليها، فاستخرت الله تعالى على: هل أن هذه المرأة خير لي في آخرتي ودنياي، فخرجت الخيرة بالتوفيق والسعادة.

خلاصه (عرض كنم) مولای من، من خانمی را در شهری که زندگی می کنم، می شناسم، ایشان مطلقه است و صاحب اخلاق نیکوست، و در این شهر غربی که مردم آن فاسدند به تنهایی زندگی می کند، ایشان را مدت زیادی می شناسم، و امروز وی را در حالتی که از سختی زیادی که در زندگی اش متحمل شده ملاقات نمودم، سختی که به خاطر وجود انسان هایی که مثل حیوانات وحشی هستند، دلم به حال وی و سایر زنانی که در اینجا مقيم هستند سوخت و از سخنانش احساس کردم که می خواهد با فردی که پرهیزگار است، ازدواج کند، و ایشان می داند که بنده شیعه هستم و او مُطلقه است، و از من به خاطر حفظ آبروی حمایت از وی درخواست ازدواج نموده با این که از نظر سنی با اختلاف کمی از من بزرگ تر است، به او گفتم: اگر بخواهم دوباره ازدواج کنم، فقط با خانم مومن ازدواج می کنم، ایشان گفت: می خواهم بامومنی ازدواج کنم تا به سوی خدا بازگردم، و من هنوز مسئله دعوت را برایش مطرح نکردم، چون ایشان بی سواد بوده و چیزی نمی داند، به ایشان گفتم: اگر خداوند مُقدّر نمود و با تو ازدواج کردم ولی اگر ایمان نیاوری و مُلتزم نباشی،

همه چیز تمام می‌شود (و من از تو جدا می‌شوم) ایشان موافقت نمود (و گفت:) می‌خواهد به سوی خدا بازگردد و از این زندگی پر از کثافت خسته شده و می‌خواهد که پاک شود، همان‌طور که او می‌داند که من ازدواج کردم و فرزندان دارم، به او گفتم: استخاره می‌کنم و به وی جواب خواهم داد، و استخاره خدا نمودم به این که: آیا این خانم، در آخرت و دنیا برای من خوب است، که استخاره به همراه توفیق و سعادت آمد.

شيء آخر مولاي هو أن طريقة الزواج في هذا البلد تتم بين الزوجين في المسجد عبر شاهدين؛ لأن المسجد لأبناء السنة. انتهى.

مطلب دیگر این که، ازدواج در این شهر بدین صورت است که خانم و همسر باید به همراه دو شاهد در مسجد حضور پیداکنند، چون مسجد برای افراد سنی است...

أطلب مولاي نصحك وتسديديك؛ لأنك أعلم صلى الله عليك وعلى آبائك وأبنائك الطيبين الطاهرين.

المرسل: من اسبانيا

مولای من نصحیت و تایید شما را می‌خواهم، چون شما دانایتر هستید، خدابه شما و پدران پاک و فرزندان پاکت درود فرستد.

فرستنده: از اسپانیا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. إذا خارك الله فالخير فيما يختاره الله سبحانه، أما العقد وفقك الله فيمكنكما أنتما أن تتما العقد بينكما وتشهدا شاهدين أو تعلماً عدداً من الناس بعد أن تتما العقد، كأن تدعو بعض من تعرف إلى وليمة طعام ليعرف بعض الناس بزواجكما، وحتى إن أتممت العقد في المسجد المخالف لغرض التوثيق أو لعلت ما، فيمكنك أن تعيد صيغة العقد إن كان فيه خلل ما.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. اگر خداوند برای شما خیر خواسته و خیر در همان چیزی است که خداوند سبحان خواسته است، اما در مورد عقد - خدا به شما توفیق دهد - می‌توانید بین خودتان اجرا نمایید و دو شاهد بگیرید یا این که بعد از اتمام

عقد تعدادی از مردم را با خبر کنید به این صورت که بعضی از اشخاصی که می‌شناسید را به مراسم اطعامی دعوت کنید تا آن‌ها از ازدواج شما مطلع شوند، و حتی اگر مراسم عقد را به خاطر اعتماد سازی یا علت دیگری در مسجد مخالفین انجام دادید، و اگر صیغه عقد مشکلی داشت، می‌توانید صیغه عقد را تکرار نمایید.

والعقد يكفي فيه أن تقول لك هي: (زوجتك نفسي - بمهر قدره - كذا - وتذكر المهر)، وتقول أنت: (قبلت التزويج)، ولا داع لوجود طرف ثالث يستنطقكما، بل فقط لابد من وجود شاهدين حال العقد، فإن لم يمكن هذا فبعد العقد أشهر الأمر بتعريف عدد من الناس بأنك تزوجت من فلانة، ويمكنك الإشهار بأي طريقة تختارها مثل وليمة العرس أو الإعلان أو أي صورة تناسب حالكم. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

در عقد کفایت می‌کند که خانم به شما بگوید: (خودم را در قبال فلان مقدار مهریه به ازدواج تو در آوردم و مقدار مهریه را بگوئید)، و شما بگوئید: (قبلت التزويج) "ازدواج را قبول نمودم" و نیازی نیست که شخص سومی باشد تا از شما این موارد را بخواهد و شما به او پاسخ دهید^(۱) بلکه فقط باید دو شاهد هنگام عقد وجود داشته باشد، و اگر شاهد وجود نداشت، بعد از عقد باید این مسئله را آشکار نمایید به این صورت که به تعدادی از مردم این مسئله را بیان نمایید که با فلان خانم ازدواج نمودید، و می‌توانید آشکار نمودن را به هر صورتی که دوست داری انجام دهید، مثل مراسم (و ولیمه) عروسی یا کارت دعوت و یا هر صورتی که مناسب احوال شماست، و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٣٦: سوالی در مورد نماز شفع و وتر

السؤال / ٤٣٦: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

١ - (یعنی به عبارت دیگر نیاز به وکیل نیست، بلکه خود خانم و همسر می‌تواند این عبارات را بگویند). (توضیح مترجم)

سیدی، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سؤالی حول رکعتی الشفع والوتر:

- ۱- هل لا يوجد فيها قنوت؟ وإذا كان لا يوجد فما العلة من ذلك؟
 - ۲- ركعة الوتر ما العلة من وترها؟ والدعاء المستحب فيها الذي رتب على هذا الترتيب، استغفار لأربعين مؤمناً، والاستغفار سبعين مرة، وقول هذا مقام العائذ بك من النار سبع مرات، وطلب العفو ثلاث مئة مرة.
- ما العلة من هذه الأرقام، الأربعين، السبعين، السبعة، والثلاث مائة في الدعاء؟ راجي الدعاء لي ولأخوتي الأنصار.

المرسل: منذر أحمد - العراق

سؤال / ۴۳۶: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

مولايهم، السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

سؤالم در مورد دور كعت شفع و وتر است:

- ۱- آیا در آن قنوتی وجود ندارد؟ و اگر وجود ندارد، علت آن چیست؟
 - ۲- دلیل تک رکعت بودن نماز وتر چیست؟ هم‌چنین دعایی مستحبی که در آن خوانده می‌شود که ترتیب آن بدین صورت است؛ طلب آمرزش برای چهل مومن، و استغفار هفتاد مرتبه، و هفت مرتبه گفتن "هذا مقام العائذ بك من النار" این جایگاه فردی است که به تو پناه برده است" و سیصد مرتبه طلب آمرزش.
- دلیل این اعداد ۴۰، ۷۰، و ۷ و ۳۰۰ مرتبه در دعا چیست؟ امیدوارم برای من و برادران انصار دعا نمایید.
- فرستنده: منذر أحمد - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

يستحب القنوت في ركعة الوتر قبل الركوع وبعده وفقك الله. والسلام عليكم ورحمة الله

وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
در رکعت وتر، قبل از رکوع و بعد از رکوع، قنوت مستحب است - خدا شما را مُوفق نماید. و السلام عليكم
و رحمة الله و بركاته

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١ هـ



پرسش ٤٣٧: معامله قسطی جائز است؟

السؤال / ٤٣٧: بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
السلام عليكم سيدي ومولاي يمانى آل محمد ورحمه الله وبركاته، السلام عليكم أنصار
الله وأوليائه ورحمه الله وبركاته.
هل يجوز التعامل بالأقساط (تقطيع الأموال خلال فترة زمنية محددة أو غير محددة)، علماً
بأخذ مبلغ زائد عن مبلغ الحاجة المعروفة السعر؟؟ هل هنالك فرق بين التعامل بهذا القضية بين
الأنصار وغير الأنصار؟؟ جزاكم الله ألف خير.

المرسل: علي الصالحي - العراق

سؤال / ٤٣٧: بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
سلام عليكم و رحمة الله و بركاته آقا و مولاي يمانى آل محمد، سلام عليكم و رحمة الله و بركاته انصار
الله.
آيا معامله قسطی جایز است (تقطيع نمودن اموال در مدت زمان محدود و یا غیر محدود)، با توجه به این که
مبلغ بیشتری از قیمت واقعی کالا گرفته می شود؟ آیا در معامله کردن به این صورت در بین انصار و غیر انصار
فرقی هست؟ خداوند به شما جزای خیر دهد.

فرستنده: علی صالحی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
أخذ فائدة مالية لأجل تأخير دفع كل أو بعض القيمة المالية المترتبة على شراء شيء معين
يعتبر ربا محرم، والربا يكون بين المؤمنين أو بين مؤمن ومسلم ينتحل حب محمد وآل محمد
الأئمة والمهديين، فلا ربا بين مؤمن وناصبي أو بين مؤمن وغير مسلم. والسلام عليكم ورحمة الله
وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
گرفتن سود مالی، به خاطر تأخیر در دادن همه یا بخشی از قیمت متداول بر خرید یک چیز معین ربا و حرام
است، و ربا بین مومنین یا بین مومن و مسلمانی که دوستی محمد وآل محمد از ائمه و مهدیین را دارد، خواهد
بود، و بین مومن و ناصبی یا بین مومن و غیر مسلمان ربا نیست. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته..

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



**پرسش ۴۳۸: حکم فردی که نمی‌تواند در عرفه در وقت شرعی که از سمت امام معصوم تعیین شده
حضور پیدا کند.**

السؤال / ٤٣٨: ما حکم من لم يتمكن من الوقوف بعرفة في الوقت الشرعي المحدد من الإمام
المعصوم بمعنى أن يوم عرفة عند الإمام الحق بعدهم بيوم والأنصار لا يتمكنون من الذهاب إلى
عرفة بعد وقوفهم (جماعة الباطل) بعرفة قبل الوقت الشرعي؟

المرسل: ناصر أحمد - العراق

سؤال / ٤٣٨: حکم فردی که نمی‌تواند در عرفه در وقت شرعی که از سمت امام معصوم تعیین شده حضور
پیدا کند چیست، به این معنا که روز عرفه نزد امام حق روز بعد است و انصار بعد از وقوف جماعت باطل در
عرفه قبل از وقت شرعی نمی‌توانند به عرفه بروند؟

فرستنده: ناصر أحمد - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
يجب أداء العبادات المفروضة في أوقاتها بالممكن، ومن لم يمكنه الوقوف في عرفات في يوم
عرفة ولو في الليل يجزيه أن يقف في المشعر بعد الفجر. وإن لم يمكنه الوقوف في عرفات وفي
المشعر معاً بسبب صد الظالمين فهو مصدود ويعمل بعمل المصدود، وقد بيّنت هذه الأمور بالتفصيل
في الشرائع، فيمكنكم مراجعتها والعمل بحسبها وفقكم الله، وإن كان هناك شيء آخر غير
واضح لكم يمكنكم السؤال.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
انجام عبادات واجب در صورت امکان باید در وقت خودش انجام شود، و فردی که نمی تواند در روز عرفه
در عرفات حضور پیدا کند هر چند در شب کفایت می کند که بعد از فجر در مشعر حضور پیدا کند؛ و اگر به
خاطر مانع شدن ستم کاران - نمی تواند در عرفات و در مشعر با هم حضور پیدا کند، این چنین فردی مصدود
(و ممنوع) است و باید کارهای مصدود را انجام دهد، و این مسائل را به صورت تفصیلی در شرائع بیان نمودم،
می توانید به آن رجوع نمایید و به حسب آن عمل کنید - خدا شما را موفق نماید - و اگر در آن جا، برای شما
مطلب غیر واضحی بود، می توانید در مورد آن سؤال کنید.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٣٩: سولاتی در مورد ازدواج با زنی با اعتقاد متفاوت

السؤال / ٤٣٩: سؤالی الفقهي: هل يحق لأن يتزوج الرجل من الأنصار المؤمنين بكم زواجاً
منقطعاً من النساء المخالفين أو الكتابية، وهل يصح الزواج الدائم من المرأة الكتابية أم لا، حيث
سمعت بعض الكلام من الفقهاء الإخوة الأنصار بأنه لا يحل الزواج من المرأة غير المعتقدة باعتقادنا
بالأئمة والمهديين، ولكنني قرأت عكس ذلك في جوابكم الأخير فيه لأحد الأخوة بأنه يجوز

الزواج من المسلمة لكن الأفضل أن تكون يمانية إن صح التعبير نو (كذا) مؤمنة، فنحن سيدي بحاجة لكتاب فقهی فی الزواج غیر الذي لم يتعاطاه كتاب شرائع الإسلام.

سؤال / ۴۳۹: آیا برای مردان انصاری که به شما ایمان دارند جایز است که با خانم‌های مخالفین یا اهل کتاب ازدواج موقت کنند، و آیا ازدواج دائم با خانم اهل کتاب جایز است یا خیر، چون من از تفقهات بعضی انصار شنیدم که ازدواج با خانمی که به امامان و مهدیین اعتقاد ندارد، حلال نیست، ولی من در پاسخ اخیرتان به یکی از برادران برعکس این را شنیدم که ازدواج با خانم مسلمان جایز است ولی بهتر این است که یمانی باشد، به عبارت دیگر مومن باشد، و ما به کتاب فقهی در زمینه ازدواج نیازمندیم و آن بغیر از مسائلی که در شرائع باشد.

وأريد أن أسألكم سيدي هل يصح الزواج بأكثر من امرأة دون أن يأخذ الرجل رضا زوجته بهذا الأمر حيث لا يوجد امرأة الآن ممكن تقبل بذلك، وهل للزوجة رأي في هذا الأمر أم يصح شرعاً للرجل أن يتزوج دون الرجوع لزوجه؟ وهل يعتبر الإنسان عاقاً لوالديه وقاطعاً لرحمه إن تبرأ منهم إن لم يؤمنوا بالدعوة، أم ماذا عليه أن يفعل؟

المرسل: أنصاري - السويد

آقای من از شما می‌خواهم بپرسم که آیا ازدواج با بیشتر از یک خانم صحیح است درحالی که مرد رضایت خانمش را در این مسئله لحاظ ننماید، چون الان خانمی نیست که این مسئله را قبول نماید، و آیا خانم در این مسئله می‌تواند نظر بدهد، یا برای مرد جایز است که ازدواج نماید بدون این که به همسرش ارجاع نماید؟ و آیا انسان در صورتی که والدین او به دعوت ایمان نداشته باشند، عاق والدین می‌شود وقتی که قطع رجم کند و از آن‌ها برائت بجوید، یا چه باید بکند؟

فرستنده: أنصاری - السويد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

يجوز أن يتزوج المؤمن من المسلمة المخالفة والكتابية ولكن لا يجوز من الناصبية. ويجوز أن يتزوج دون أن يعلم زوجته الأولى بزواجه الثاني. والأولى بالمؤمن أن يُحسن لأرحامه ويحاول هدايتهم بكل ما أمكنه. أما الوالدان بالخصوص فلا بد من الإحسان لهما وإن لم يؤمنا، قال

تعالى: ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^(١).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 برای مومن جایز است که با خانم مسلمان مخالف و اهل کتاب ازدواج نماید، ولی ازدواج با خانم ناصبی جایز نیست؛ و ازدواج مجدد جایز است، بدون این که خانمش را از ازدواج دوم باخبر کند. و برای مومن بهتر است که به نزدیکان خود نیکی نماید و به هر وسیله‌ای که ممکن است برای هدایت آن‌ها تلاش نماید، اما در خصوص پدر و مادر، باید به آن‌ها نیکی شود هر چند ایمان نداشته باشند خداوند متعال فرمودند: (و اگر در مورد چیزهایی که به آن دانش نداری پدر و مادرت تلاش نمودند که برای من شریک قائل شوی، از آنان اطاعت نکن و در دنیا با آنان به خوبی رفتار کن و راه فردی که به سوی من توبه نموده است را پیش بگیر، بازگشت شما به سوی من است، شما را در مورد کارهایی که انجام می‌دهید، باخبر می‌سازم)^(٢).

وفتكم الله وسددكم لكل خير، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

خدا شما را بر انجام هر خوبی موفق نماید و به شما کمک کند، و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٤٠: فروش سی دی با محتوای فیلم خارجی

السؤال / ٤٤٠: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصل الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

١- لقمان: ١٥.

٢- لقمان: ١٥.

سؤال / ۴۴۰: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصل الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أخجل استحياءً من أن أناديك والدي؛ لأنني لا استحقه من تقصيري العظيم في الدعوة إلى الله،
لكنك رحمتك واسعة، والدي سؤالي فقهي:

خجالت می‌کشم که شما را پدر صدا کنم، چون بخاطر کوتاهی بزرگ در دعوت نمودن به سوی خدا
استحقاق این را ندارم ولی مهربانی شما فراوان است، پدرم سؤالم فقهی است:

وجد أحد الأخوة الأنصار مجموعة من السيديات أفلام أجنبية وأتاني بها على أساس أن
أبيعها لأناس يشتغلون بها؛ لأنه رأف لحالي المادي الصعب، فاحترت في أمرها نور عيني، ما أفعل بها
فديتك روعي؟

یکی از انصار تعدادی از سی دی‌های فیلم‌های خارجی را پیدا کرده و برایم آورده تا آن‌ها را به افرادی که
به این کار مشغولند (فروش فیلم‌های خارجی) بفروشم، چون وی به خاطر وضعیت سخت مالی من، به بنده
لطف نموده است، نور چشمانم، در این کار ماندم، با این‌ها چکار کنم؟ فدایتان شوم.

أعتذر منكم على الإطالة نفعنا الله بكم وبعلمكم الغزير، وسلامي الحار وأشواق
إليكم وإلى الغالي ابن الغالين الإمام المستحفظ من آل محمد؛ محمد بن الحسن عليكم أفضل
السلام والتحية.

به خاطر طولانی شدن از شما عذر می‌خواهم، خداوند ما را از شما و علم‌تان مستفید گرداند. گرم‌ترین
سلام‌ها و آرزوها را به عزیزترین عزیزان امام مستحفظ از آل محمد، محمد بن الحسن تقدیم می‌کنم.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وعجل الله لكم التمكين وعجل لي الشهادة تحت
لواء محمد وعلي(ص).

المرسل: أبو: ش م

و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، خدا تمکین شما را سریع محقق کند، و شهادت من زیر پرچم محمد
و علی(ع) را سریع محقق کن.

فرستنده: أبو: ش م

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير إذا كان فيها ما يثير الشهوة فلا يجوز بيعها، وأسأل الله أن يرزقكم
من الحلال ما يغنيكم به، وإذا كنت محتاجاً مادياً فيمكنك التواصل مع إخوتك الأنصار في
بيت المال، وإن شاء الله لا يقصرون بحقوقكم وفقكم الله لكل خير.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
خدا شما را برای انجام هر کار خیری موفق نماید، اگر در آنها چیزی باشد که باعث برانگیخته شدن
شهوة می شود، فروش آن جایز نیست، و از خداوند می خواهی که به شما روزی حلال که باعث بی نیازی شما
شود بدهد، و اگر از جهت مادی نیازمند هستید، می توانید با برادرانت در بیت المال در ارتباط باشید، و ان شاء
الله در حق شما کوتاهی نمی کنند، خدا شما را برای انجام هر (کار) خیری موفق نماید.
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٤١: احكام خمس اموال ذخيره و هديه

السؤال / ٤٤١: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سيدي ومولاي، أود أن أستفسر عن الخمس، لديّ بعض المال قمت بادخاره، فبعض منه هديّة
وبعض منه من مهري والبعض منه من معاشي، فبعضه قد مر عليه الحول والبعض لم يمر عليه،
فهل يجب أن استخرج منه الخمس؟ وهل يجب استخراج الخمس من معاشي الشهري؟

المرسلّة: فاطمة - الكويت

سؤال / ٤٤١: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

آقا و مولای من، می‌خواهم در مورد خمس بپرسم، من مقداری مال دارم که آن‌ها را جمع‌آوری نمودم، بخشی از آن هدیه و بخشی از آن مهریه من و بخشی از آن از حقوق شغلم می‌باشد، و بعضی از آن، یک سال گذشته، و بعضی از آن یک سال گذشته است، آیا واجب است، خمس این اموال را بدهم؟ و آیا می‌توانم از حقوق ماهیانه خود خمس بدهم؟

فرستنده: فاطمة - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

المال الفائض عن مؤنة السنة فيه الخمس، فيخرج خمسه مرة واحدة ولا يتكرر إخراج الخمس منه لو بقي لأعوام بعد إخراج خمسه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
در مالی که از مخارج سالیانه زیاد بیاید، خمس واجب است، و خمس یک بار داده می‌شود و خارج کردن خمس مجدد از آن تکرار نمی‌شود هر چند سال‌ها از اخراج خمس بگذرد.

أما ما تكسبينه كل شهر فلا يجب إخراج خمسه في كل شهر، بل يُخرج خمس الفائض في نهاية العام، أي حدي لك يوماً في العام، وفي هذا اليوم من كل عام قومي بإخراج خمس المال الفائض من مكسب العام، وفقكم الله لكل خير وثبتكم على الحق وجعلكم ممن ينتصر بهم لدينه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

اما اموالی که ماهیانه به دست می‌آورید، دادن خمس آن در هر ماه واجب نیست، بلکه خمس مال اضافه در پایان سال داده می‌شود، به این معنا که در سال، یک روز را تعیین کن، و در این روز از هر سال از مال اضافه که در یک سال جمع شده خمس را در بیاورید خدا شما را برای انجام هر(کار) خیری موفق نماید و بر حقّ ثابت بدارد، و شما را جزو افرادی قرار دهد که دینش را یاری می‌دهند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٤٢: سوالی در مورد امامت نماز جمعه

السؤال / ٤٤٢: بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على أشرف الخلق محمد وعلى آل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
السلام عليك يا سيدي ويا مولاي يا يمانى آل محمد عليهم وعليك أفضل الصلاة والسلام.

سؤال / ٤٤٢: بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات و سلام بر اشرف خلق محمد و على آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
آقا و مولای من، یمانی آل محمد، سلام علیکم و بر آل محمد و شما، بهترین درووها و سلامها باد.

سيدي، أول شيء أطلب العذر من الله ومنكم؛ لأنني أنا العبد المذنب المقصر لا أعرف ماذا أقول
والإنسان على نفسه بصيرة، نحن في المهجر ولله الحمد لقد أصبحنا خمسة أشخاص، ويجب
علينا صلاة الجمعة والإخوان يرشحوني أن أكون الذي يصلي فيهم، ولقد اعتذرت والله شاهد؛
لأنني لا أستحق ذلك، ويوجد من هو أكفء مني، فإني لا أعرف ماذا أفعل سيدي ومولاي، أرجو
إخباري، ومن الله التوفيق خادمكم بعون الله المذنب المقصر.

المرسل: أبو محمد - أمريكا

آقای من، قبل از هر چیز ابتداء از خدا و شما عذر خواهی می‌کنم، به این خاطر که من بنده گنه کار و
مُقصر، نمی‌دانم چه می‌گویم، و انسان بر نفس خودش آگاه است، ما مهاجر هستیم و خدا را شکر که پنج نفر
شدیم، و نماز جمعه بر ما واجب است، و برادران مرا به عنوان امام جماعت معرفی کردند که نماز به امامت من
برگزار شود ولی به درخواستشان پاسخ ردّ دادم، خداوند شاهد است، چون من مُستحقّ این کار نیستم، و
کسی هست که کفایتش از من بهتر است، آقا و مولای من، نمی‌دانم چکار کنم، تقاضا دارم جوابم را بدهید،
توفیق از آن خداست و به خواست خداوند این فرد گنه کار خدمت‌گذار شماست.

فرستنده: أبو محمد - أمريكا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير توكل على الله وصلِّ ياخوتك الأنصار صلاة الجمعة، وأسأل الله أن
يجعل لكم بركة في عملكم ويرزقكم خير الآخرة والدنيا.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خدا به شما توفيق انجام هر کار خیری را بدهد، به خداوند توکل کن و با برادران انصارت نماز جمعه بخوان،
و از خداوند می خواهی که به کار شما بَرَکت دهد، و خیر آخرت و دنیا روزیتان کند.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٤٣: سولاتی در مورد فرزند شبیهه

السؤال / ٤٤٣: بسم الله الرحمن الله الرحيم

السلام عليكم سيدي ومولاي الإمام أحمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي(ع).

سؤال / ٤٤٣: بسم الله الرحمن الله الرحيم

آقا و مولایم سید أحمد الحسن وصی و رسول امام مهدی(ع) سلام عليكم

يا محال معرفة الله .. سيدي خادمك ابنك في شدة وألم عميق لا يعلمه إلا الله ومحمد وآل
محمد(ص). إمامي كما علمت منكم أن الأمر الذي قمت أنا به هو حكم الشبهه نتيجة تبرعي
بحيامي المنوية إلى زوجة أخي، ولم يكن تبرعي هذا إلا بسبب أمرين:

ای جایگاه شناخت خداوند آقای من، فرزند خادم شما در سختی و درد زیادی به سر می‌برد که جز خدا و محمد و آل محمد (ص) آن را نمی‌دانند. امام من، همان‌طور که از شما دانستم، مسئله‌ای که من اقدام به تبرع اسپرم منی خود به همسر برادرم کردم حکم شبهه دارد، و این تبرع من به خاطر دو امر بوده است:

الأول كما بينت لك سيدي وهو خوفي وعاطفتي على عائلة أخي من الانفصال والحزن الشديد الذي رافق حياتهم بسبب عدم الأطفال .. عند ذلك تحركت عاطفتي ورحمة بهم أن أسأل الشرع هل من حقي أن أتبرع لهم بعد إخبار أخي الأطباء بأنه لا يمكن أن تكون له ذرية؛ لأن نسبة الحيامن عنده صفر .. واستمر هذا الأمر مع أخي فترة طويلة، فعندما وجدت أمرهم يرثي له عند ذلك قمت أن أسأل الشرع والمتمثل في وقته عندي فقهاء آخر الزمان؛ لأنه لسوء حظي ولظلم نفسي لم أعرف أن وصي ورسول الإمام المهدي (ع) قد ظهر، فكنت أبحث عن الإجابة من فقهاء آخر الزمان، وأنا أعيش في بلد غربي فوكلت الأمر إلى أحد رجال الدين الذي لنا ثقة بمعرفته وهو بدوره يسأل لنا عن حلية هذه القضية؛ لأن كنت أعلم له حظ من علم الدين حيث كان له اجتهاد متجزئ حسب تعبيراتهم الحوزية ..

اول: آقای من همان‌طور که بیان کردم، ترس و علاقه من نسبت به خانواده برادرم از جدایی و ناراحتی شدید به خاطر فرزند نداشتن که در زندگی آنها بود... حس عاطفهام مرا واداشت که از صاحب شرع سؤال بکنم که آیا حق دارم برای آنها تبرع و بخشش کنم، بعد از این که پزشکان برادرم را مطلع نمودند صاحب فرزندی نمی‌شود، چون نسبت اسپرم در نزد وی صفر است... این مسئله مدت زیادی با برادرم بود، وقتی دیدم زندگی آنها این‌گونه است، با خود گفتم از صاحب شرع بپرسم، که تمثیل کننده شرع در آن وقت فقهای آخر الزمان بودند، چون به خاطر بدبختی و ستم به خودم، نمی‌دانستم که وصی و فرستاده امام مهدی (ع) ظهور کرده است، و به دنبال یافتن پاسخ را از فقهای آخر الزمان بودم، درحالی که من در یکی از کشورهای غربی زندگی می‌کنم و پی‌گیری این مسئله را به یکی از مردان دینی (روحانیت) سپردم و من به خاطر شناختی که نسبت به او داشتم، به ایشان اعتماد کردم، و ایشان برای ما در مورد حلال بودن این قضیه سؤال می‌نمود، چون می‌دانستم ایشان بهره‌ای از علوم دینی دارد، و به حسب تعبیرات حوزوی ایشان، مجتهد متجزئ هستند.

وبدا الاتصال بيني وبين هذا الشخص لكي نتحقق من حلية هذا الأمر، واستمر الاتصال بيننا فترة طويلة ما يقارب الشهرين على هذا الأمر حيث يقوم هو بعرض سؤالي على من هم أهل الاختصاص من أهل البحوث والمراجع، وسأل أكثر من شخص عن هذا الأمر .. وأتذكر قوله لي

قال لا بد أن نتأني ونسأل حتى لا يولد لنا شخص مثل صدام .. أي لا بد من معرفة حليتها مئة بالمئة وأنا بدوري لم أستعجله .. وبعد الاستفسارات والأسئلة فيما بيننا عن طريق الهاتف واستمرت ما يقارب الشهرين واحتمال أكثر جاء لي بجواب الحلية بهذا العمل .. بعد ذلك توكلت على الله وقمت به .. وأصبحت زوجة أخي حامل بعد عناء طويل أيضاً لكي تصبح حاملاً ومن ثم أثناء الحمل أيضاً أصبحت لها متاعب. حتى أنها أي زوجة أخي أثناء الحمل رأت رؤيا أنها تأخذ سونار وكانت التي تأخذ السونار امرأة محجبة وقالت لها إنك سوف تمرين بشدة والذي يخلصك من هذه الشدة أن تدعو النبي عيسى ومريم(ع)، وتقول زوجة أخي فعلاً عندما ذهبت إلى الدكتورة بعد ذلك وجدت الضغط مرتفع .. وعندما ذهبت إلى السونار قالوا لي إن الطفل بخاطر ولم يصل له الدم واحتمال موته .. فظلمت أتوسل بالنبي عيسى ومريم(ع) وأدعو الله بهم .. وقد استجاب الله دعائي ونزلت الطفلة سالمة وإن كانت صغيرة جداً ووضعت في حاضنة في المستشفى لمدة أشهر، فكانت هذه الرؤيا من ضمن الأسباب الذي تجعل عندي الاطمئنان للعمل الذي قمت به من التبرع بالحيامن المنوية.

و تماس‌های من و این شخص شروع گردید تا از حلیت این مسئله مطمئن شوم، و تماس بین ما در مورد این مسئله مدت زیادی در حدود ۲ ماه طول کشید، و ایشان سؤال من را به افرادی که اهل تخصص و اهل تحقیق و مراجع بودند عرضه کرده بود، و از تعداد زیادی این مسئله را پرسیده بود... و سخنش را به یاد می‌آورم که می‌گفت: باید صبر کنیم و سؤال کنیم تا فردی مثل صدام برای ما متولد نشود، به این معنا که ۱۰۰ درصد یقین کنیم که این کار حلال است، و من نیز عجله نمی‌کردم... و بعد از استفتات و سؤال‌ها که بین ما از طریق تلفن رد و بدل می‌شد که در حدود دو ماه یا بیشتر طول کشید، و احتمال بیشتر به حلال بودن این عمل برای من آمد... بعد از توکل بر خدا شروع به انجام این کار نمودیم... همسر برادرم بعد از تحمل سختی‌های زیاد نیز حامله شد، و در اثناء حامله بودن سختی‌هایی برای او نیز بوجود آمد به طوری که همسر برادرم در اثناء حامله بودن، رؤیایی دید که سنوگرافی می‌کند و کسی که سنوگرافی می‌کرد یک زن محجبه بود، و به وی گفت: شما به زودی با مشکل سختی روبرو می‌شوید و کسی که شما را از این سختی نجات می‌دهد دعا کردن حضرت عیسی و مریم(ع) می‌باشد. و همسر برادرم می‌گوید: وقتی بعد از آن به دکتر رفتیم دیدم که فشار خونم بالاست و هنگامی که به سنوگرافی رفتیم به من گفتند که کودک در خطر است، و خون به او نمی‌رسد و احتمال دارد بمیرد.... اینجا بود که به عیسی پیامبر و مریم(ع) متوسل شدم و به واسطه آن‌ها به خدا متوسل شدم... و خدا دعایم را مستجاب نمود و کودک سالم متولد شد، هر چند خیلی کوچک بود، و چند وقت ماهی در دستگای در بیمارستان بود، و این رؤیا از جمله دلایلی بود که برای من اطمینان به وجود آورد که این کاری که اقدام به تبرع اسپرم منی کردم درست بوده است...

والرؤيا التي أنا شاهدتها بعد ولادة الطفلة بفترة من أني من أنصار الإمام المهدي (ع) وغيرها من الرؤى التي بها بشارة من آل البيت لي، كل هذه الأمور كانت تجعل في قلبي الاطمئنان للعمل الذي قمت به، ولكن سيدي ومولاي أحمد الحسن عليك وعلى آبائك الأئمة وأبنائك المهديين (ع)، بعد ورود جوابك لي قد تغيرت أموري كلها والآن أنا في حزن وتعب شديد لا أعرف ماذا أعمل لكي أكفر عن عملي القبيح ... أردت الخير لي وإلى أخي عند الله وإذا أنا أعمل عكس شرع الله.

و رؤيایی که بعد از ولادت کودک دیدم به این که من از انصار امام مهدی (ع) هستم و به غیر از این از رؤیایا که خود بشارتی از خاندان اهل بیت برای من است، تمام این مسائل این اطمینان را در قلبم بوجود آورد که کاری که انجام دادم درست بوده است، ولی آقا و مولایم احمد الحسن، که بر شما و پدران امامان و فرزندان مهدیین (ع) سلام باد، بعد از دریافت پاسخ شما تمام امور تغییر کرد و من الان در ناراحتی و سختی زیاد به سر می برم و نمی دانم چه کار کنم تا کار قبیحم را بیوشانم.... خوبی را برای خودم و برادرم در نزد خدا می خواستم اگر من بر عکس شرع خدا عمل می کنم.

سيدي ومولاي بالإضافة إلى ما ذكرته لك من الأمر أريد أن أعرف أمر الله به .. وكذلك

سيدي:

آقا و مولای من علاوه بر مطالبی که عرض نمودم که می خواهم دستور خدا را در این مورد بدانم... هم چنین:

١- ما معنى حكم الشبه، هل هو ابن حرام أم لا، وكيف نرفع هذه الشبه ونعلم بحقيقة

الأمر؟

١- معنی حکم شبهه چیست، آیا فرزند حرام است، یا نه، این شبهه را چگونه برطرف کنیم و حقیقت امر را بدانیم؟

٢- هل أعلم الطفلة عندما تكبر وكذلك أطفالی بالحقیقة وأعمام الأطفال، أم لا؟

٢- آیا وقتی کودک بزرگ شد، او را از این مسئله مطلع کنم، هم چنین کودکان خودم و عموهای کودکانم

را (مطلع کنم) یا این کار را انجام ندهم؟

٣- ما هو الواجب عليّ اتجاه الطفلة؟

٣- کاری که در قبال این کودک باید انجام بدهم چیست؟

۴- لا تنساني من دعائك سيدي ومولاي أحمد عليك السلام وأنت تری حالی وظلم نفسي.
 ۴- آقا و مولای من، احمد(ع) مرا در دعایت فراموش نکن، در حالی که شما حال من و ستم مرا به خودم می‌دانی.

۵- هل تقبلني خادم وابن لك بعد علمك بحالي هذا؟

۵- بعد از این که حال مرا دانستی، آیا مرا به عنوان خادم و فرزند خودت قبول می‌کنید؟

وفي الختام أعتذر منك سيدي؛ لأنني سببت لك أيضاً التعب والألم بسماع خبري هذا؛ لأن بطاعتكم وإطاعة شرع الله ندخل السرور على قلبك .. وإني بعملتي هذا قد أحزنتك، راجياً أن تسامحني يا سيدي ومولاي، وأتوسل لك سيدي أن تدعو لي بغفران عظيم جريرتي وذنبي وأن تقبلوني خادم أقبل تراب أقدامكم، وأسأل الله أن ينصركم ويمكنكم من عدوه وعدوكم.

در آخر از شما آقای من عذر خواهی می‌کنم، چون من نیز سختی و دردی به سبب شنیدن این خبر، برایتان ایجاد نمودم، چون با اطاعت از شما و اطاعت از شرع خداوند، دل شما را شاد می‌کنیم.. و من با این کارم شما را ناراحت نمودم، آقا و مولای من، امیدوارم که مرا ببخشید، و آقای من به شما متوسل می‌شوم تا برایم دعا کنید تا گناه بزرگ مرا ببخشد و قبولم کنید به این که خاک قدم‌های شما را ببوسم، و از خدا می‌خواهم که شما را یاری کند و بر دشمنان خود و دشمنان شما پیروز نماید.

أسأل الله وأترجاكم أن يكون الجواب سريعاً؛ لأن أخوكم إن قبلتموه أخواً لكم على أحر من الجمر في انتظار الجواب، ولكم مني كل الشكر والاحترام.

المرسل: أنصار الله

از خدا می‌خواهم و امیدوارم که پاسخ سریع به دست من برسد، چون برادر شما، اگر مرا به عنوان برادر قبول کنید، شدیداً در انتظار جواب شماست، و تمام احترام‌ها و تشکر از سوی من خدمت شما.

فرستنده: أنصار الله

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

ابن الشبهة ينسب إلى والديه وهو ليس ابن حرام وفقكم الله، ففي الحالة المذكورة يكون صاحب الماء هو والد الطفلة وصاحبة البويضة هي الأم وترثهما ويرثانها.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 فرزند شبيهه به والدينش مُنتسب می شود، و فرزند حرام نیست خدا شما را مُوفق نماید در این حالت مذکور، صاحب آب (و منی) پدر کودک و صاحب تخمک مادر است و او از آن‌ها به ارث می برد و آن‌ها از او به ارث می برند.

أما إعلام البنت عندما تتمكن من وعي الأمور فهذا أمر لا بد منه وفقكم الله، وهناك أيضاً أمر مهم، وهو أن أبناء أمها صاحبة البويضة هم أخوتها من الأم، وأبناء أبيها صاحب الماء هم أخوتها من الأب. أما واجبك تجاهها فهو واجب الأب تجاه ابنته.

اما خبر دادن دختر هنگامی که توانست امور را درک کند، این امر باید صورت گیرد خداوند شما را توفیق دهد و در این جا مسئله مهمی وجود دارد، این که فرزندان مادرش صاحب تخمک حکم برادرانش از جهت مادر هستند و فرزندان پدرش صاحب آب (منی) خواهر و برادران پدری او هستند، اما وظیفه شما در قبال وی همان وظیفه‌ای که پدر در قبال دخترش دارد می باشد.

وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوفِّقَكُمْ لْخَيْرِ الْآخِرَةِ وَالْدُنْيَا، وَأَنْ يُوفِّقَنِي لِأَدَاءِ حَقُوقِكُمْ وَفِقْكُمْ اللَّهُ.
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

و از خداوند می خواهم که برای انجام کارهای خوب آخرت و دنیا شما را مُوفق کند، و مرا برای اداء حقوق شما مُوفق کند خداوند شما را مُوفق نماید.
 و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۴۴: حکم استفاده از آب‌های مصرفی تصفیه شده

السؤال / ۴۴۴: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

والصلاة والسلام على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

عرفت أن بعض الدول الأوروبية يعيدون مياه الصرف الصحي إلى مياه صالحه للشرب، فهل هذا جائز؟ علماً أن بعض الأنصار يعيشون في تلك الدول وفقكم الله.

المرسل: وصفي التميمي - العراق

سؤال / ۴۴۴: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

والصلاة والسلام على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

باخبر شدم که بعضی از دولت‌های اروپایی آب‌های مصرفی را تبدیل به آب‌های قابل نوشیدن می‌کنند، آیا این کار جایز است؟ با توجه به این که بعضی از انصار در آن دولت‌ها زندگی می‌کنند خداوند شما را موفق کند.

فرستنده: وصفي تميمي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

يجوز تعديل المياه الثقيلة لتصبح صالحة للشرب، ولا إشكال في استعمال المياه بعد تعديلها.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

تبدیل آب‌های آلوده به آب‌های قابل نوشیدن، جایز است، و استفاده از این آب‌ها بعد از تبدیل آن‌ها مشکلی ندارد.

و السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ٤٤٥: حکم استفاده از گیاه ماریجوانا

السؤال / ٤٤٥: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

ما حکم أكل أو شرب أو تدخين نبتة القنب (الماریجوانا)؟ أرجو منكم عرض السؤال على السيد أحمد الحسن (حفظه الله). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

المرسل: علي - الإمارات

سؤال / ٤٤٥: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته

حکم خوردن یا نوشیدن یا کشیدن گیاه حشیش "ماری جوانا" چیست؟ از شما می خواهم که این سؤال را خدمت سید احمد الحسن - حفظه الله - عرضه بدارید.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

فرستنده: علی - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
المادة المخدرة التي تستخرج من نبتة القنب لا يجوز أكلها أو شربها أو تدخينها؛ لأنها مادة مخدرة تسبب السكر. ولكن يجوز استخدامها في مجال الطب لأغراض العلاج.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
ماده مُخدّرى که از گیاه حشیش به دست می آید، خوردن یا نوشیدن یا کشیدن آن جایز نیست؛ چون ماده مُخدّرى است که باعث مستی می شود. ولی برای درمان، می توان در بخش پزشکی از آن استفاده شود.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۴۶: حکم بستن لوله‌های رحم

السؤال / ۴۴۶: بسم الله الرحمن الرحيم

ما حکم العقد، أي إزالة وقطع المبايض بنية عدم الإنجاب إلى الأبد لإجهاد المرأة وعدم تحملها كما تزعم.

المرسل: عبد الرحمن - العراق

سؤال / ۴۴۶: بسم الله الرحمن الرحيم

حکم بستن (لوله)، یعنی از بین بردن و قطع تخمدان به نیت باردار نشدن تا ابد به علت سختی و عدم تحمل خانم همان گونه که خودش ادعا می‌کند، چیست؟

فرستنده: عبد الرحمن - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.
جائز، ولكن بالنسبة للمرأة المتزوجة لا بد من رضا وموافقة الزوج.

أحمد الحسن جمادى الأول / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.
جائز است، اما خانمی که ازدواج کرده باید رضایت و موافقت همسر خود را به دست آورد.

أحمد الحسن جمادى الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۴۷: احکام طهارت و نماز کسی که سکه مغزی کرده است؟

السؤال / ۴۴۷: بسم الله الرحمن الرحيم.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سؤال / ٤٤٧: بسم الله الرحمن الرحيم.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سؤال حول وضع أبي العبادي.. أصابت الوالد جلطة دماغية أثرت على جهته اليسرى، فهو لا يستطيع الحركة فأثر هذا الحال على وضعه النفسي كثيراً، فكان التالي: لإصابته السابقة بمرض السكري فهو كثير التبول قبل إصابته الأخيرة وعندما أصيب هبطت نفسيته إلى أن أصبحنا نستخدم له الحفاضات؛ لأنه لا يعلم متى يتبول، فعندما يكثر البول في المثانة لا يستطيع السيطرة عليه، وهذه الحالة لا تتطابق مع حالة المسلس الذي يعلم متى يتبول، فوالدي فاقد لحالة الشعور بوقت التبول تقريباً تماماً، فما هو تكليفه في هذه الحالة؟؟ أهو التيمم، أو الوضوء كما في المسلس، أم ماذا؟

سؤال من در مورد حالت عبادت پدرم است، پدرم دچار سکتہ مغزی شدہ و بر سمت راست وی اثر گذاشته و ایشان نمی‌تواند حرکت کند و این حالت بر وضع روانی وی تاثیر بسیاری داشته است، نتیجه اش این شده است: به خاطر ابتلای سابق وی به بیماری قند و قبل از این ابتلای اخیر وی زیاد ادرار می‌کنند و هنگامی که دچار گردید (سکتہ مغزی) حالت نفسانی وی خیلی پایین آمد بطوری که ما مجبور به استفاده از وسایل حفاظت کننده برای وی شدیم چون او نمی‌داند، چه موقعی ادرار می‌کند، وقتی که ادرار در مثانه زیاد می‌شود، نمی‌تواند بر آن تسلط پیدا کند، و این حالت با حالت عقلی، که می‌داند چه موقعی ادرار می‌کند، تطابق ندارد، و پدرم تقریباً به صورت کلی زمان ادرار نمودن را درک نمی‌کند، تکلیف او در این حالت چیست؟؟ تيمم، یا وضو همان طور که بی‌عقلی باید چنین کند تکلیف او چیست؟؟

والأمر الآخر: إن الوالد لديه مشكلتہ في الصلاة، فهو كثير الخطأ، إذ أنه لا يركز ولربما تكلم مع الأطفال أثناء صلاته ويتممها. الأمر الآخر إنه ينسى عدد الركعات، وأيضاً عدد السجودات فربما سجد مرتين أو ثلاث، وهو شديد الحساسية ولا يقبل إذا قلنا له إنك أخطأت فيها، فما هو تكليفه بالصلاة، وأيضاً تكليفنا تجاهه بالصلاة وأفعالها؟ أرجو من الله أن يكون الرد سريعاً؛ لأننا لا نعرف تكليفه ولا تكليفنا، ونحن الآن نستعمل التيمم له لأداء الصلاة.

مسئله دیگر: پدرم مشکلی در نماز دارد، اشتباهاتش در نماز زیاد است، به این خاطر که او تمرکز ندارد و چه بسا در وسط نماز با کودکان سخن می‌گوید و نمازش را به اتمام می‌رساند. قضیه بعدی این که ایشان تعداد رکعات را فراموش می‌کند، و هم‌چنین تعداد سجده‌ها، چه بسا دو الی سه بار سجده می‌کند، و حساسیت زیادی دارد و اگر به او بگوییم که در نماز اشتباه نمودی، سخن ما را قبول نمی‌کند، تکلیف او در نماز چیست، هم‌چنین تکلیف ما در قبال نماز و کارهای او چیست؟ از خداوند امید دارم که پاسخ سریع داده شود؛ چون ما تکلیف او و تکلیف خود را نمی‌دانیم، و الان ما برای اداء نمازش برای او تیمم می‌کنیم.

فرستنده: أبو علی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم وتسليماً.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

بالنسبة لمسألة عدم سيطرته على البول فهو يتطهر منه مع الإمكان ويتوضأ.

در مورد قضیه تسلط نداشتن بر ادرار، در صورت امکان خودش را از ادرار پاک (و تطهیر) کند و وضو می‌گیرد.

بالنسبة لكثرة نسيانه أو سهوه أو حتى فعله المنافي للصلاة مثل الكلام إذا كان الأمر خارجاً عن إرادته كأن يكون بسبب كبر السن وضعف الإدراك فلا شيء عليه، وإن شاء الله تقبل صلاته، فلا يكلف الله نفساً إلا وسعها، ولستم مكلفين بمراقبة صلاته وتذكيره بالنسيان أو السهو فيها. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

در مورد فراموشی بسیار یا غفلت یا حتی کار منافی با نماز مانند سخن، اگر این مسئله با اراده او نباشد مانند این که این موارد به خاطر زیادی سن و ضعیف بودن درک باشد، چیزی بر او نیست، و ان شاء الله نمازش قبول می‌شود، خداوند فردی را مگر به اندازه توانایش تکلیف ننموده است، و شما وظیفه‌ای ندارید که مراقب نمازش باشید و فراموشی یا غفلتش در نماز را به او یادآوری کنید.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٤٨: پرداخت بدهی به شخصی که در قید حیات نیست.

السؤال / ٤٤٨: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، أسأل الله أن تكون بخير وعافية أنت ومن تحب.

سؤال / ٤٤٨: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته، از خداوند می‌خواهم که شما و افرادی را که دوست داری، در خوبی و عافیت باشند.

في عام ١٩٨٠ تقريباً كان لدي مال ١٢٠ دينار عراقي لأحد الناس، ثم مات بالحرب آنذاك، ولم أعرف له أقارب، ولا أعرف الآن كيف لي أن أبرئ ذمتي من هذا المبلغ، وكيف أدفعه فهو الآن لا قيمة له.

أرجو أن لا تنسانا من دعائك المبارك.

المرسل: أبو ناظم - العراق

تقريباً در سال ١٩٨٠، ١٢٠ دينار عراقی پول یکی از مردم نردم بود، ولی در آن زمان در جنگ از دنیا رفت، و کسی از نزدیکانش را نمی‌شناسم، و الان نمی‌دانم چگونه دین خود را از این مبلغ بری و آزاد کنم، و چگونه آن را بپردازم، در حالی که الان آن، هیچ قیمتی ندارد. امیدوارم که ما را در دعای مبارک خود فراموش نکنید.

فرستنده: أبو ناظم - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم وتسليماً.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

إذا كان له ورثة تعرفهم فلا بد من إعطائها لهم، وإذا لم يكن له ورثة أو إنك لا تعرفهم، فتصدق بها نيابة عنه على المحتاجين من المؤمنين، وبالنسبة للمبلغ فتقيمه في هذا الوقت، أي كأن تنظر إلى المبلغ في ذلك الوقت كم يعادل من عملة أخرى مستقرة أو من الذهب وتقيمه في هذا الوقت.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

اگر وارثینی دارد که آن‌ها را می‌شناسید، باید آن مال را به آن‌ها بدهید، ولی اگر ورثه‌ای ندارد، یا شما آن‌ها را نمی‌شناسید، به نیابت از وی به نیازمندان مومنین صدقه بده، اما در مورد مبلغ، مبلغ همان موقع را در نظر بگیر، یعنی به مبلغ آن موقع نگاه کن که آن معادل چه چیزی یا قیمت طلا و بر اساس آن مقدارش را تعیین کن.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٤٩: حکم تراشیدن ریش برای تقيه

السؤال / ٤٤٩: جاءني سؤال من أحد الأخوة حول حلاقة اللحية تقيه، هل يجوز أم لا؟

المرسل: أبو هود

سؤال / ٤٤٩: یکی از دوستان از من در مورد تراشیدن ریش به صورت تقيه سؤال کرده که آیا جایز است یا خیر؟

فرستنده: أبو هود

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم وتسليماً.

بالموس غير جائز حتى وإن كان تقيّة، أما إذا كان يقصد بالمكنة ويبقى مسمى لحيّة فيجوز.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً.
تراشیدن با تیغ، حتی اگر به صورت تقيه ای باشد جایز نیست، اما اگر منظورش تراشیدن با ماشین ریش تراشی باشد به گونه ای که بگویند ریش دارد جایز است.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



المحور الثالث: الأجوبة المتفرقة

محور سوم : جواب های متفرقه

پرسش ۴۵۰: چه حکمتی در جهر و اخفات در نماز است؟

السؤال/۴۵۰: السلام عليكم.

ما الحكمة من ركعتين في صلاة الصبح وأربع ركعات في صلاة الظهر، وما الحكمة من عدم الإجهار في صلاة الظهر.

سيدي ومولاي أتمنى منك الدعاء لوالدي بالشفاء من مرض السكري والدعاء لنا والله يثبتنا على محبتكم، إمامي وسيدي ومولاي أنا ضايح ما بعرف ما هو تكليفي وأنا لست متعلم وأمي.

المرسل: علي - ألمانيا

سؤال / ۴۵۰: السلام عليكم

چه حکمتی در این که نماز صبح دو رکعت و نماز ظهر چهار رکعت است، و چه حکمتی در عدم اجهار در نماز ظهر است.

آقا و مولای من از شما تمنای دعاء برای شفاء پدرم از بیماری قند دارم، و دعاء برای ما و این که خداوند ما را بر محبت‌تان ثابت نگه دارد، امام و سید و مولایم من راه گم کرده‌ام و نمی‌دانم چه تکلیفی دارم و سوادى ندارم.

فرستنده: علی - ألمانيا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السؤال عن سبب الصلاة والجهر والإخفات قد أجبت سابقاً، وأسأل الله لكم التوفيق والتسديد، وأن يمن الله على والدك بخير الآخرة والدنيا وأن يشفيه ويمن عليه بالعافية، وأنت إن شاء الله لست بضائع بل الخير كله قد حزته بمعرفة الحق وفقك الله وسددك وجعلك ممن ينصر الحق دائماً وفي كل حال.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
 و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليمًا.
 سؤال از سبب نماز و جهر و اخفات را در گذشته پاسخ دادم، و از خداوند تقاضای توفیق و تسدید برای شما دارم، و از خداوند خواستارم که بر پدرتان با خیر آخرت و دنیا و شفای وی و با عافیت و سلامتی بر او منت نهد، و شما ان شاء الله گم شده نیستید، بلکه با شناخت حق به همه خیر رسیدید، خداوند شما را توفیق و تسدید کند و شما را از کسانی قرار دهد که همیشه و در هر حال حق را یاری می کنند.
 و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٥١: درخواست آمرزش

السؤال/٤٥١: طلب المغفرة من حبيب قلبي الإمام المهدي محمد بن الحسن وابنه البار أحمد الحسن (عليهما السلام). سيدي مولاي، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وسلامي الحار إلى أبيك وأبنائك الطاهرين.

سؤال / ٤٥١: درخواست بخشش از حبيب قلبم امام مهدي محمد بن الحسن و فرزند نيكويش احمد الحسن عليه السلام دارم، آقا و مولای من، السلام عليكم و رحمة الله و برکاته، و سلام گرم من بر پدر و فرزندان پاکت باد.

خادمكم الحقير (ج . غ) يطلب السماح والمغفرة وأنتم أعلم بما صدر مني اليوم من إجابة على سائل بجواب لم انتبه إليه حتى نبهني أحد الأخوة الأنصار حفظهم الله، ومنذ ذلك الحين وأنا غاضب على نفسي ولا أستطيع الدخول لغرفة الانسبيك لخدمتكم، خجلاً محتقراً نفسي الخبيثت على ما صدر منها عن غير ما انتبه إليه الأخ الأنصاري، لكنها كانت طعن طعنت بها على حضرتكم والله بدون ما انتبه سيدي، أطلب من موالي وساداتي الصفيح والمغفرة والرضا عني ولن يصدر مني ما صدر أبداً ما حييت، أعوذ بالله واستغفره وأتوب إليه.

خادم کوچکتان (ج.غ) از شما درخواست مغفرت دارد و شما نسبت به کاری که امروز از من صادر شده در خصوص جواب دادن به سؤالی به آن توجه نداشتیم، که یکی از برادران -خدا حفظشان کند- مرا متوجه کردند،

داناتر هستید و من از آن زمان نسبت به خودم خشمگینم و نمی‌توانم برای خدمت به شما وارد اتاق انسیبیک شوم، و خجالت می‌کشم به خاطر کاری که از نفس خبیثم صادر شده و به این خاطر که به نکته‌ای که برادر انصاری بدان تذکر دادند توجه نکردم، ولی این کار، طعنه‌ای بود که به محضر شما وارد کردم، آقای من، به خدا قسم بدون این که متوجه باشم، از مولاهایم و آقایانم می‌خواهم مرا ببخشند و از من خشنود باشند، تا ابد و تا زمانی که زنده هستم این کار از من صادر نمی‌شود. به خدا پناه می‌برم و از او طلب آمرزش می‌کنم و به سوی او توبه می‌کنم.

ساعد الله قلبكم مما يصدركم من المخالفين الجاحدين لحقكم ومما يصدركم من الصفا
الصفا الصفا ساداتي، وأستودعكم الله الذي لا تضيع ودائعه.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: ج. غ - اسبانيا

خداوند به دل شما نسبت به کاری که مخالفین و انکار کنندگان حق شما انجام می‌دهند و هر آنچه که از ما صادر می‌شود کمک نماید، و شما را به خداوندی می‌سپارم که امانت‌های خود را از بین نمی‌برد.
و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: ج. غ - اسبانيا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

جزاكم الله خيراً ووفقكم لكل خير، وأسأل الله أن يوفقني لأداء حقوقكم، وأن لا أكون
مقصراً معكم، ولا داعي وفقك الله للاعتذار مما لم تتقصده.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

خداوند به شما جزای خیر دهد و بر انجام هر خیری توفیق دهد، و از خداوند می‌خواهم که مرا برای اداء حقوق شما موفق کند، و این که در حق شما کوتاهی نکنم، و برای کاری که قصدی در آن نداشتی عذرخواهی لازم نیست خداوند شما را موفق نماید.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٥٢: حکم کار در ارتش

السؤال/٤٥٢: بسم الله الرحمن الرحيم

تحية طيبة إلى سيدي ومولاي أحمد(ع)، أما بعد ...

سيدي ومولاي:

سؤال /٤٥٢: بسم الله الرحمن الرحيم

درودی پاک به آقا و مولایم احمد علیه السلام، اما بعد...

آقا و مولای من:

- ١- أنا أعمل بالقطاع الحكومي بالجيش هل تأذن لي باستمرار بالعمل أم أقدم استقالي؟
- ٢- مولاي أريد التوبة ولكن ما أدري ليش ما أصلي أو أصوم، في شيء يخليني ما أصلي وفي شيء يخليني ما أصوم، مولاي أحتاج دعاءك جداً سيدي ومولاي إذا في دعاء اقرأه أرجوك أن تعطيني إياه.
- ١- من در بخش حکومتی ارتش کار می‌کنم، آیا به من اجازه ادامه کار می‌دهید یا استعفاء خود را تقدیم کنم؟
- ٢- مولایم، می‌خواهم توبه کنم اما نمی‌دانم چرا نماز نمی‌خوانم و روزه نمی‌گیرم، یک چیزی نمی‌گذارد نماز بخوانم و یک چیزی نمی‌گذارد روزه بگیرم، مولای و آقای من، واقعاً به دعای شما نیاز دارم، اگر که بواسطه دعا می‌خوانم تقاضا دارم آن را به من بدهید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته خادمک المقصر أبو حسین.

أرجوكم إخواني باللجنة العلمية أن توصلوا سؤالي للإمام أحمد الحسن(ع) وأرجو الإجابة تكون منه(ع).

المرسل: أبو حسين - الكويت

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته خادم مقصرشما أبو حسين.
از برادران در هیئت علمی می‌خواهم که سؤال مرا به امام احمد الحسن علیه السلام برسانند و امیدوارم که پاسخ از ایشان باشد.

فرستنده: أبو حسين - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
إذا كان عملك الآن ليس فيه إعانة لظالم على ظلمه ولا تقوم في عملك بإعانة الجيش الأمريكي فيمكنك الاستمرار لعل الله يجعل لك سبيلاً لنصرة الحق.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
اگر کار شما در حال حاضر وسیله کمک به ستم ستمکاران نباشد و در کار کمکی به ارتش آمریکا نباشد، می‌توانی ادامه بدهی، شاید خداوند شما را وسیله‌ای برای یاری حق قرار دهد..

أما الصلاة والصيام فاعلم يرحمك الله أن الشيطان إنما شغله فيكم، فغيركم من الناس قد كفوه أنفسهم بخروجهم عن الولاية، ووصيتي لك أن تصلي صلاة الليل ولو ركعتين تصليهما في كل ليلة فإن من بركة صلاة الليل أنها تكون لك حصن من الشيطان وتوفقك لأداء الفروض، وكذلك عليك بقراءة بعض الأذكار التي يمكنك أن ترددها حتى وأنت تسير أو تجلس في البيت وهي حصن من الشيطان، ابدأ بقول: (سبحانه هو الله الواحد القهار) وحاول أن ترددها ۱۰۰۰ مرة ومن الله التوفيق.

اما در مورد نماز و روزه؛ خداوند شما را رحمت کند، بدان که مشغولیت شیطان شما هستی، و بقیه افراد با بیرون رفتن از ولایت او را معاف کردند، وصیت من به شما این است که نماز شب بخوانید، هرچند دو رکعت هر شب باشد، و این که از برکت نماز شب این است که برایت حصار از شیطان و توفیقی برای انجام واجبات است، هم چنین بر شماست که بعضی از ذکرها را حتی در راه رفتن یا نشستن در خانه بخوانید، که این ذکرها

پناه گاهی از شیطان است، با این ذکر شروع کن: "سبحانه هو الله الواحد القهار" و سعی کن آن را ۱۰۰۰۰ مرتبه تکرار کنی، و توفیق از جانب خداوند است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

پرسش ٤٥٣: آفریده‌هایی در سیاره‌ای دیگر غیر از زمین

السؤال / ٤٥٣: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ...

سؤال / ٤٥٣: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته ...

سیدی و حجتی و حبیبی و نور قلبی، لا توجد هناك والله كلمات تعبر عن حبي لك، ولا أعرف والله كيف أعبر عن ما في نفسي. لك عليك السلام ورحمة الله وبرکاته، روجي فداك سيدي، أنا وأعوذ بالله من الأنا الذنب والشرك العظيم أتشرف والله وأتمنى والله من الله العلي العظيم أن أقبل وأخدم التراب الذي تطؤه قدمك الشريفة الطاهرة وآل بيتك الطيبون الطاهرون، مولاي قد اشتقت لرؤياك كثيراً، مولاي لا أريد سوى رضا الله ورضاكم يا أطهار يا كرام، مولاي سامحني على تقصيري وأخطائي وأتمنى من الله ومحمد وآل محمد (ص) أن تكون راضياً عني فقط رضا الله ورضاكم والحمد لله على كل حال ... مولاي عندي سؤال واحد فقط وأتمنى من سيادتكم الجواب عليه.

آقا و حجت و دوست و نور قلبم، به خدا قسم کلماتی نمی‌یابم که بتوانم با آن‌ها میزان دوست داشتن مرا به شما تعبیر نماید، و به خدا قسم نمی‌دانم چگونه از حسی که نسبت به شما دارم را بیان کنم، درود و رحمت خداوند و برکات او بر شما، آقایم، جانم فدای شما، من و از منیت، گناه و شرک بزرگ به خداوند پناه می‌برم و به خداوند بلندمرتبه و بزرگ قسم می‌خواهم که آرزوی بوسیدن و خدمت گذاری خاکی باشم که قدم شریف و پاک شما و اهل بیت پاک شما روی آن خاک راه رفته‌اند، مولایم، خیلی مشتاق دیدار شما هستم، مولای من، ای پاکان و ای کریمان، فقط خشنودی خداوند و خشنودی شما را می‌خواهم، مولایم، از کوتاهی و اشتباهاتم درگذر و از خداوند و محمد و آل محمد (ع) می‌خواهم که از من خشنود باشید فقط خشنودی خدا و خشنودی شما، و حمد در همه حالات مخصوص خداست... مولایم، فقط یک سؤال دارم و از محضرتان می‌خواهم که به آن پاسخ دهید.

س: هل هناك كوكب غير كوكب الأرض يوجد عليه ناس أو أي صنف آخر بعث فيهم
أنبياء ومرسلون ومحمد (ص) والأئمة (ع)؟

المرسل: خالد - الكويت

سوال: آیا سیاره دیگری غیر از زمین وجود دارد که مردم یا گروه دیگری روی آن باشند که در میان آنان پیامبران و فرستادگان و محمد و امامان (ع) مبعوث شده باشند؟

فرستنده: خالد - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
جزاك الله خير جزاء المحسنين ووفقكم الله لكل خير، يوجد كثير جداً من المخلوقات في الكواكب الأخرى، وبعضها يمكن أن نراه بأعيننا الأرضية إن تواجد بين أيدينا، وبعضها لا يمكن رؤيته لخروجه عن مستوى اللون والكثافة التي يمكننا إدراكها بأعيننا.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران عطا کند و شما را برای هر کار خیری موفق نماید، آفریده‌های زیادی در سیاره‌های دیگر وجود دارند، و بعضی از آن‌ها را می‌توانیم با چشمان زمینی مشاهده کنیم، البته اگر میان ما حضور پیدا کنند، و بعضی از آن‌ها را نمی‌توان مشاهده کرد، چون رنگ و غلظتی که بتوانیم با چشمان مان ببینیم در آنان وجود ندارد.

وبعض هذه المخلوقات مكلفون ويبعث الله فيهم رسلاً لينذروهم ويبشروهم تماماً كما بعث الله رسلاً للإنس والجن في هذه الأرض. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن أواخر صفر/ ١٤٣١ هـ

و بعضی از این آفریده‌ها مکلف هستند و خداوند در میان آنان فرستادگانی می‌فرستد تا به آنها انذار و بشارت دهد، دقیقاً مانند فرستادن فرستاده‌هایی توسط خداوند برای انسان و جن در این زمین. و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن أواخر صفر/ ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٥٤: درخواست دعا

السؤال/٤٥٤: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ﴾^(١). ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^(٢).

سؤال/٤٥٤: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، و صلى الله على محمد و آله الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم (و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند). (در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند؛ دست خدا بالای دست‌های آنان است. پس هر که پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد)^(٣).

١- النساء: ٦٤.

٢- الفتح: ١٠.

٣- فتح: ١٠.

السلام على المهدي أحمد، السلام على وصي حجة الله، السلام على رسول بقية الله، السلام على أول المؤمنين وزينة الأولين والآخرين، السلام على صاد ونهر بالجنة، السلام على اليماني الموعود، السلام عليك يا سيدي ومولاي أحمد الحسن ... ورحمة الله وبركاته.

سلام بر مهدي - احمد - سلام بر وصي حجت خداوند، سلام بر فرستاده بقية الله، سلام بر اولين مومنان وزينت اولين و آخرين، سلام بر صاد و نهري در بهشت، سلام بر يمانی موعود، سلام بر شما ای آقا و مولای من احمد الحسن... و رحمت و برکات خداوند بر شما.

السلام عليكم سيدي ومولاي، أحوالكم إن شاء الله بصحة وخير.

آقا و مولای من، سلام بر شما، ان شاء الله حال تان خوب و در خير باشيد.

سَيِّدِي، أَنَا وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْأَنَا أَحَدِ خِدَامِكَ وَكَثُرَتْ عَلَيَّ ذُنُوبِي جِئْتُكَ مُسْتَغْفِرًا مِنْهَا أَرْجُو أَنْ تَسَامِحَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَأَنْتُمْ وَسَيِّئِي إِلَى اللَّهِ (عزوجل) وهذا من توفيق الله حيث منّ علينا بكم.

آقای من، من و پناه می‌برم از منیت، یکی از خادمان شما هستم و گناهانم زیاد شده، و نزد شما آمدم تا از شما طلب آمرزش کنم، امیدوارم که با فضل خودتان از من درگذرید، که شما وسیله من نزد خداوند هستید، و این از توفیق خداوند است که به واسطه شما به ما منت نهاده است.

سَيِّدِي ٩ ... التوبة، التوبة، اغفر لي زلتي فأنا عبدك المقصّر، ولا حول ولا قوة إلا بالله عليه أتوكل وإليه أنيب.

آقایم احمد الحسن ... توبه، توبه، خطایم را ببخش، که من بنده مقصر در حق شما هستم، ولا حول ولا قوة الا بالله، به او توکل می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم.

أسألكم الدعاء والثبات معكم في عافية.

از شما درخواست دعا و ثابت قدم ماندن با شما به همراه سلامتی طلب می‌کنم.

وفدت على الكريم بغير زاد من الحسنات والقلب السليم
 وحمل الزاد أقبح كل شيء إذا كان الوفود على كريم
 بی توشه‌ای نزد بخشنده آمدم نه نیکوکاری و نه سالم است دلم
 اما چه زشت است توشه داشتتم وقتی بر بخشنده باشد وارد شدنم

في أمان الله وحفظه سيدي ومولاي، أسأل الله العلي القدير بالتمكين لكم ... وأسأله الثبات معكم بدعائكم سامحني على الإطالة.

المرسل: محمد الصفار - الكويت

آقا و مولای من، در پناه خداوند و محافظت وی باشید، از خداوند بلندمرتبه و توانا می‌خواهم که برای شما تمکین حاصل کند... و از او می‌خواهم که با دعای شما مَرّاً ثابت قدم بدارد... به خاطر طولانی شدن مَرّاً ببخش.

فرستنده: محمد الصفار - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
 جزاكم الله خيراً ووفقكم الله لكل خير وجعلكم الله ممن ينتصر بهم لدينه. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند به شما جزای خیر دهد، و شما را برای انجام هر کار خیری موفق نماید، و خداوند شما را جُزّو افرادی قرار دهد که به واسطه آنان دینش را یاری می‌دهد... والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۵۵: درخواست دعا برای موفقیت

السؤال/۴۵۵: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

سؤال/۴۵۵: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، إني من عشاق الله وعاشق محمد وآل محمد والمهدي والمهديين والإمام أحمد الحسن المنصور بالله، اللهم احفظ الإمام المهدي وولده السيد أحمد اليماني المنتجب الطاهر، وإني مؤمن بهم إلى يوم القيامة، وأرجو أن تصل رسالتي حصراً إلى الموعود اليماني المنصور سلام الله عليه، وأن يدعو لي دعاءً خاصاً وبالتوفيق، وأن لا يزغ الله قلوبنا بعد أن هدانا إلى هذا وما كنا نهدي لولا أن هدانا الله، وأن تدعو لوالدي بالهداية وإني والله مؤمن بكم منذ أول مره دعاني لها السيد إسماعيل الأنصاري وفقه الله وجزاه خير الجزاء، وأن لا تنسونا بالدعاء أقسم عليكم بالزهراء وأبيها وبعلمها وبنيتها والسر المستودع فيها والأئمة المعصومين والمهدين، وأقسم عليك بأب البنين الطاهرة وولدها واعذرني على تقصيري بالكتابة لكنكم باب الله، والسلام على بقية الله المنتجبين الأطهار وأنصار الله ولو أطلت الكتابة وشكري لأنصار هذا الموقع وخادم لكم ولهم وإلى التراب الذي تمشون عليه. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً برحمتك يا أرحم الراحمين، والسلام عليكم ما بقيت وبقي الليل والنهار وجعلنا من أنصاركم بحق آل محمد الأئمة والمهدين آمين يا رب العالمين.

المرسل: منتظر الأنصاري - العراق

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته، من از عاشقان خداوند و عاشق محمد و آل محمد و مهدی و مهديين و سيد احمدالحسن -یاری شده به واسطه خداوند- هستم، خداوندا امام مهدی و فرزندش سيد احمد اليماني فرد برگزیده و پاک را حفظ کن، و من تا روز قیامت به آنان ایمان دارم، و امیدوارم که نامه‌ام فقط به دست یمانی موعود و یاری شده برسد، و اینکه برایم دعای مخصوص در توفیق، و این که دل هایمان را بعد از هدایت شدن به این امر نلغزاند، و اگر خداوند ما را هدایت نمی کرد، هدایت نمی شدیم، و برای پدرم دعا کند که هدایت شود، و من به خدا قسم اولین باری که سيد اسماعيل انصاري -خداوند او را موفق نماید و بهترین پاداش را به او بدهد- مرا دعوت کرد به شما ایمان آوردم، و شما را قسم می‌دهم به زهراء و پدرش و شوهرش و فرزندان

و رازی که در آن به ودیعه گذاشته شده و امامان معصوم و مهدیین و شما را به أم البنین پاک و فرزندش قسم می‌دهم ما را در دعایتان فراموش نکنید، و از کوتاهی در نوشتن از شما عذر خواهی می‌کنم، ولی شما درب خداوند هستید، درود بر بقية الله افرادی که انتخاب شدند و پاک هستند، و هم‌چنین بر انصارالله، و از طولانی شدن در نوشتن عذر خواهی می‌کنم، و از انصار این سایت تشکر می‌کنم و خادم شما و آنان و خاکی که بر آن قدم می‌گذارید، والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته، و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً كثيراً برحمتک یا ارحم الراحمین، درود بر شما مادامی که شب و روز باقیست، و ما را از انصار شما قرار دهد، به حق آل محمد امامان و مهدیین، ای پروردگار جهانیان استجابت کن.

فرستنده: منتظر انصاری - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً.

جزاكم الله خيراً ووفقكم الله لكل خير وجعلكم الله ممن ينتصر بهم لدينه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً.

خداوند به شما جزای خیر دهد، و شما را برای انجام هر کار خیری موفق نماید، و خداوند شما را جزو

افرادی قرار دهد که به واسطه آنان دینش را یاری می‌دهد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۵۶: درخواست دعا

السؤال/۴۵۶: مولاي وسيدي أحمد الحسن رسول بقية الله محمد بن الحسن أدام الله فضله علينا وصل الله عليكما وآبائكما وأمكما فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين روعي لكم الفداء، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سؤال/۴۵۶: مولا و آقای من، احمد الحسن، فرستاده بقية الله محمد بن الحسن، خداوند فضل او را بر ما همیشگی نماید، و درود خداوند بر شما و پدران و مادر شما فاطمه زهراء خانم زنان جهانیان، روحم به فدای شما، سلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

سیدی، مکان الصحراء الغربية حوالي سنة ۱۹۷۸، بعد یاسی من الأوضاع التي علمت بعد بحثي عن الحقيقة سببها أحداث الانقلاب المشؤوم على رحمة الله المرسلتة من قبل رب العالمين صل الله عليه وآله الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين يوم السقيفة، رأيت رؤيا قبل طلوع الفجر وهي إني كنت متجهاً في طريق وحدي وعلى جنب باب بناية صنم أخذ ينشق على مخلوق بشع ظننت أنه إبليس (لعنه الله)، فانطلق لسان يهتف بأحد أحد أحد، وارتفعت أصوات من ورائي بنفس الاسم وتوحدت أصواتنا وارتفعت مدوية وإذا بالصنم تنسد شقوقه وعاد الصنم لحالته الأولى واختفى المخلوق البشع واستيقظت مذعوراً مع المؤذن ينادي لصلاة الصبح.

آقایم، در مکان صحرای غربی حوالي سال ۱۹۷۸، بعد از نا امید شدن از اوضاعی که بعد از تحقیق در مورد حقیقتی که سبب آن انقلاب شومی در روز سقیفه که بر رحمت خداوندی که از سمت پروردگار جهانیان فرستاده شد، که درود خداوند بر او و خاندان پاکش از امامان و مهدیین باد، قبل از طلوع فجر رؤیایی دیدم که من به تنهایی در راهی می‌رفتم، و در کنار درب ساختمانی بتی بود که کم داشت باز می‌شد و از آن موجودی بد قیافه خارج می‌شد گمان کردم که ابلیس لع است، و زبان شروع به گفتن "احد احد احد..." و صداها از پشت سرم با همین اسم نیز بلند شد و صداها یمان یکی شد و بالا گرفت که در این هنگام شکاف بت بسته شد و بت به حالت اولش برگشت و آن موجود زشت پنهان شد، و با حالت پریشان بیدار شدم و آن هنگامی بود که صدای مؤذن برای نماز صبح می‌آمد.

مولاي وسيدي، اعلموا أن هذه الرؤيا هي من الدوافع التي دفعني لتصديقكم والإيمان بما جئتم به، سيدي فادع الله لي سيدي بالتوفيق ويزقني مودتكم ومحبتكم والدعوة لكم

وخدمة أنصاركم سيدي، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، خادمكم والمقصر المذنب
مستغفر.

المرسل: أحمد - المغرب

مولا و آقای من، بدانید که این رؤیا یکی از دلایلی بود که باعث شد شما را تصدیق کنم و به آنچه آوردید
ایمان بیاورم، آقای من، از خداوند برایم توفیق بخواهید، و آقای من خداوند دوستی و محبت و دعوت به شما
و خدمت انصارتان را روزی من نماید، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، خادم شما و مقصر گناهکار که طلب
آمزش دارد.

فرستنده: أحمد - مغرب

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
جزاكم الله خيراً ووفقكم الله لكل خير وجعلكم الله ممن ينتصر بهم لدينه.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند به شما جزای خیر دهد، و شما را برای انجام هر کار خیری موفق نماید، و خداوند شما را جزو
افرادی قرار دهد که به واسطه آنان دینش را یاری می دهد. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته..

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٥٧: آیا اسلام عشق را حرام کرده است؟

السؤال/٤٥٧: السلام عليكم سيدي ومولاي وصي ورسول الإمام المهدي.

عفواً لهذا السؤال لکنی اود الإجابة عنه؛ لأنه ولّد صراع في داخلي، هل الدين الإسلامي حرم الحب بين المرأة والرجل إذا كانت نية زواج وارتباط رسمي، هل يجوز للمرأة أم أنه محرم؟ إني أعتذر لهذا السؤال وأترجاكم أريد السيد أحمد الحسن يجاوب على سؤالي.

المرسلة: الطالبة الجامعية - العراق

سؤال ۴۵۷/ سلام عليكم آقا و مولایم وصی و رسول امام مهدی (ع).
از پرسیدن این سؤال معذرت می‌خواهم، ولی دوست دارم به آن پاسخ دهید، چون در درون من درگیری به وجود آورده است، آیا دین اسلام عشق بین زن و مرد را حرام نموده است البته اگر نیت ازدواج و ارتباط رسمی باشد، آیا این کار برای خانم جایز است یا حرام؟ از این سؤال معذرت خواهی می‌کنم و می‌خواهم سید احمد الحسن به این سؤال پاسخ دهد.

فرستنده: دختر دانشجوی در دانشگاه - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

الله سبحانه وتعالى شرع قانوناً للعلاقة العاطفية والجنسية بين المرأة والرجل باعتبارهما ذكراً وأنثى، وهو عقد الزواج الذي يشترط فيه الشاهدان على العقد أو الإشهار بعد العقد إن لم يكن هناك شاهدان .. وهذا ليضمن حقوق المرأة وثمره الاتصال بين الأنثى والذكر البشريين ...
خداوند سبحان و متعال قانونی برای ارتباط عاطفی و جنسی بین زن و مرد به اعتبار این که مذکر و مؤنث هستند قرار داده و آن همان عقد ازدواج که شرط آن قرار دادن دو نفر شاهد بر عقد یا اگر دو شاهد نبود، بعد از عقد آن را علنی کنند... و این مسئله حقوق زن و نتیجه اتصال بین زن و مرد بشری را ضمانت می‌کند...

ويعلم الله إني سأحاول النصح لك ولكل فتاة مؤمنة لعلكم تضعون أقدامكم على سبيل صحيح يضمن لكم حياة طيبة وكريمة.

خداوند می‌داند که سعی من طلب نصیحت برای شما و هر دختر مومنی است، تا قدم‌هایتان را در راه صحیحی بگذارید، که تضمین کننده زندگی پاک و زیبایی برای شماست.

إن ما تسمينه أنت حب فهو في الحقيقة لا يتعدى مسألة الإعجاب بالشكل أو المظهر أو بعض التصرفات والكلمات التي معظمها غير حقيقية ومتكلفة وبعيدة عن واقع الشخصية الحقيقية للمرأة أو الرجل

هنا ما أن چه شما آن را عشق می نامید در حقیقت چیزی نیست جزء پسندیدن شکل یا ظاهر فرد یا بعضی از رفتارها و کلماتی که بیشترشان غیر واقعی بوده و از شخصیت حقیقی زن یا مرد به دور است

ولتعلمي أنه مجرد إعجاب بمظاهر بعضها غير حقيقي، انظري إلى الواقع الخارجي، فلا أريد أن أقول أكثر مما يقوله الواقع الخارجي، ومما قالته الأبحاث والدراسات الاستقرائية للواقع الخارجي، التي تبين ومن خلال استقراء الواقع الخارجي أن ما يسمى بالحب أو علاقة الحب بين المرأة والرجل تنتهي بعد الزواج بفترة ليست بطويلة أو بعد المعاشرة الزوجية كما في الغرب اليوم، وربما في أحسن الأحوال لا تتعدى سنوات قليلة

و بدان که آن ها فقط پسندیدن چیزهای ظاهری است که بعضی از آن ها واقعی نیستند، به واقعیت عملی نظر کن، نمی خواهم بیشتر از آن چیزی که واقعیت عملی می گوید، بگویم، و هر آن چه که مباحثات و دروس استقرایی برای واقعیت عینی گفته اند، که از خلال بررسی واقعیت عملی آن چه که عشق یا دوستی بین زن و مرد نامیده می شود این علاقه بعد از مدت نه چندان طولانی بعد از ازدواج یا بعد از زندگی زناشویی به پایان می رسد همان طور که امروزه در غرب می باشد و چه بسا در بهترین حالات از چند سالی هم عبور نمی کند.

بينما الحب الحقيقي لا يمكن أن ينتهي ليس بعد سنوات بل وحتى بعد الموت ومفارقة هذه الدنيا

در حالی که عشق حقیقی امکان ندارد که بعد از سال ها از بین برود، حتی بعد از مرگ و جدایی از این دنیا از بین نمی رود.

فالحب الحقيقي والحي والباقي هو حب الله سبحانه وتعالى؛ لأنه مرتبط بالحي الباقي سبحانه وتعالى، وبالتالي فكل حب مرتبط بهذا الحب سيكون حياً بحياة هذا الحب الحقيقي، فحب المرأة قرينها أو حب الزوج قرينته لأجل الله وطاعة لله، ولأجل أن قرينه قريباً من الله مطيعاً لله سيكون حياً حقيقياً؛

عشق حقیقی و زنده و ماندگار، همان عشق خداوند سبحان و متعال است؛ چون با خداوند سبحان زنده و ماندگار مرتبط است، و در آخر هر دوست داشتن که با این دوست داشتن مرتبط باشد، با زنده بودن این دوستی

حقیقی باقی خواهد ماند، دوستی زن با شریکش و یا دوست داشتن شوهرش به خاطر خدا و اطاعت از خداست، و به این خاطر که همراهش نزدیکی به خداوند و مطیع خداوند است، و این دوستی زنده و حقیقی خواهد بود؛

لأنه في الحقيقة نابع من حب الله ... ومن بيده القلوب ويقلبها كيف يشاء غير الله سبحانه وتعالى؟ فهو القادر أن يديم حباً بين زوجين بني على حبه هو سبحانه وتعالى.

چون در حقیقت از دوستی خداوند سرچشمه می‌گیرد... و کسی که در دستانش دل‌ها می‌باشد و آن را تغییر می‌دهد، چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال می‌خواهد؟ او تواناست تا دوستی بین زوجینی را که بر دوستی خداوند سبحان و متعال بنا نهاده شده را دائمی نماید.

ولهذا حث الرسول المؤمن أن يتحري صاحبة الدين ويقترب منها، وكذا حث المرأة أن تتحري صاحب الدين وتقترب منه، وفقك الله كوني كريمة عزيزة مطيعة لله سبحانه الكريم الذي لا يضيع أوليائه ويرحمهم في الدنيا والآخرة، فهو القادر أن يجعل من المؤمنة التي تتوجه إليه رغبة به سبحانه وتعالى أن تقترب من إنسان مؤمن وصاحب دين.

و به همین خاطر رسول اکرم(ع)، انسان مومن را تشویق نموده که دختر مؤمن را انتخاب کرده و با وی شریک شود، و هم‌چنین زن را تشویق نموده تا فرد مؤمن را انتخاب و همراه او باشد، خداوند شما را توفیق دهد، کریم و با عزت و مطیع خداوند سبحان و کریم باش، خداوندی که دوستانش را از بین نمی‌برد و در دنیا و آخرت به آنان رحمت و مهربانی می‌کند، او قادر است تا دختر مومنی را که به او -سبحانه و تعالی- توجه کرده، همراه با انسان مومن و صاحب دین نماید.

أما العلاقات التي تسمى بالحب قبل عقد الزواج والاقتران فهي في الحقيقة في كثير من الأحيان تكون سبباً لأن تفقد المرأة عزتها وكرامتها وعفتها، فالمفروض بالمؤمنة الكريمة العزيرة أن تتجنب هذا الأمر وتجعل عاطفتها وحبها تتوجه إلى الشخص المؤمن الصالح الذي تقترب به بالعقد الشرعي.

اما علاقه‌هایی که قبل از عقد ازدواج و همراهی، دوست داشتن نامیده می‌شود، در حقیقت در بیشتر اوقات علتی می‌شود که زن عزت و کرامت و عفتش را از دست بدهد، کاری که دختر مومن و کریم و عزیز باید انجام دهد این است که از این مسئله دوری کند و عاطفه و دوستی‌اش را متوجه فردی کند که مومن و شایسته و با عقد شرعی با او همراه شده است.

والمفروض أن تجعل المؤمنة ثققتها بالله وتوكل عليه وتطلب منه سبحانه أن يجعل من تقترن به إنساناً مرضياً عنده حقيقة، وبالتالي تعيش معه في الأيام التي قدرها الله لها في هذه الدنيا حياة كريمة عزيزة يحفها الحب والمودة.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

دختر مومن باید به خداوند اعتماد داشته باشد و به وی توکل نماید و از خداوند سبحان بخواهد که انسانی را که همراهش می‌کند به صورت حقیقی در نزدش مورد مقبول و رضایت است، و در آخر در روزهایی که خداوند برای وی در این دنیا مُقدر کرده یک زندگی با عزت و احترام به همراه عشق و مودت با همسرش داشته باشد.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

وهذه بعض النصوص التي تلخص ما توصل إليه بعض علماء الاجتماع من خلال دراسات استقرائية:

در این جا بعضی از متونی که خلاصه نتیجه تحقیقاتی است که بعضی از دانشمندان جامعه‌شناس از خلال بررسی‌های مداوم بدان رسیدند را قرار می‌دهم:

يقول عالم الاجتماع الأمريكي ويليام روبنسون مستنداً إلى استقراء مجموعة قصص حب: (أن العمر الافتراضي للحب هو ثلاث سنوات ليس أكثر بعد الزواج)، ويقول: (عندما يصل الحب إلى نهاية عمره الافتراضي يصبح نوره خافتاً، وقد يتطلب ما يقرب العام حتى يدرك طرفاً علاقة الحب هذه الحقيقة التي تغلفها الحياة المشتركة).

دانشمند جامعه‌شناس آمریکایی ویلیام روبنسون به استناد بررسی مجموعه‌ای از داستان‌های عشق می‌گوید: (عمر احتمالی برای عشق، سه سال و نه بیشتر بعد از ازدواج است)، و می‌گوید: (وقتی که عشق به اواخر عمر احتمالی می‌رسد، نور آن کم‌رنگ می‌شود؛ و به اندازه تقریباً یک سال زمان لازم است تا طرف مقابل درک نماید که علاقه عشق حقیقتی است که زندگی مشترک از آن غافل گشته است).

وقال: (أن كيمياء المخ المسيطرة على عملية الحب تظل تولد شحنات وشحنات حب وطاقات عواطف لمدة ثلاث سنوات ثم تتوقف تلك الشحنات وكأنها بطارية فرغت، ولا يمكن إطلاقاً إعادة شحنها، ثم تتحول العلاقة القائمة على الحب إلى علاقة دفء وإخلاص).

وی می‌گوید: (سیستم مغز که عملیات عشق را بر عهده دارد، تولید انرژی و انرژی عشق و نیروی عواطف را برای مدت سه سال تولید می‌کند، سپس آن انرژی‌ها متوقف می‌شوند و گویی همانند باتری خالی می‌ماند که نمی‌توان بار دیگر شارژ آن را برگرداند، سپس آن ارتباطی که بر مبنای عشق بنا شده به دوستی خالی و رهایی تبدیل می‌شود).

البروفیسور سیندی هازان من جامعه کورنیل بنیویورک أجرى دراسة استقرائية على عينة تضم خمسة آلاف رجل وامرأة ينتمون إلى ۳۷ ثقافة مختلفة على مستوى العالم المتقدم والمتخلف، والدراسة كانت عبارة عن مجموعة من الاختبارات النفسية والبيولوجية لقياس مستوى الحب بين كل اثنين متحابين، والنتيجة كانت: (أنه لا يوجد حب يمكنه الاستمرار مدى الحياة، حيث أكدت الدراسة أن الحب لا يعيش مع العلاقة الحميمة إلا لمدة أربع سنوات كحد أقصى، ثم يموت بعدها).

أحمد الحسن أواخر صفر / ۱۴۳۱ هـ

پروفیسور سیندی هازان از دانشگاه کورنیل نیویورک آزمایش زمینه‌ای بر عده‌ای که تعداد آن‌ها پنج هزار زن و مرد از ۳۷ فرهنگ مختلف در جهان در سطح جهان پیشرفته و توسعه‌نیافته انجام داد، و این تحقیق عبارت از مجموعه‌ای از آزمایشات روانی و بیولوژی، برای مقایسه میزان عشق بین هر دو فردی که یکدیگر را دوست دارند و نتیجه آن این که: (عشقی وجود ندارد که بتواند در طول مدت زندگی استمرار داشته باشد، و این تحقیق تاکید می‌کند که دوستی با علاقه عمیق فقط تا نهایت مدت چهار سال ادامه پیدا می‌کند، سپس بعد از این مدت از بین می‌رود).

أحمد الحسن أواخر صفر / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۵۸: درخواست دعا برای شفا یافتن

السؤال / ۴۵۸: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد والأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته. التمس من سيدي ومولاي أحمد الحسن (ع) أن يدعو الله بالشفاء لطفلي الصغير والذي لم يتجاوز الست سنين وقد أصابه مرض السكر أعاذكم الله منه وحرسكم بعينه التي لا تنام، صلوات الله وسلامه عليكم أهل البيت.

المرسل: خادم بن الجنوب - كندا

سؤال / ٤٥٨: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.
سلام عليكم و رحمة الله و بركاته. از آقا و مولایم احمد الحسن (ع) تقاضا دارم كه برای كودك كوچكم كه سن او از ٦ سال نگذشته دعا كند تا شفا یابد، وی به بیماری قند (دیابت) مبتلاء شده است، خداوند شما را از آن در امان بدارد و شما در پناهگاه او باشید، خواب به چشمانش نمی رود، درود خداوند و سلام او بر شما اهل بیت (ع).

فرستنده: خادم بن جنوب - كاناڢا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
جزاكم الله خيراً ووفقكم الله لكل خير وجعلكم الله ممن ينتصر بهم لدينه.
وأسأل الله أن يمن على ولدك بما يشاء سبحانه من العافية وفقكم الله وسددكم. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين و سلم تسليماً.
خداوند به شما جزای خیر دهد، و شما را برای انجام هر کار خیری موفق نماید، و خداوند شما را جزو افرادی قرار دهد که به واسطه آنان دینش را یاری می دهد.
و از خداوند می خواهم تا بر فرزندت به عافیتی که می خواهد منت بگذارد، و خداوند شما را موفق نماید و شما را مُحکم کند. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - أواخر صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۵۹: درخواست حرز یا دعا

السؤال/۴۵۹: السلام عليكم ورحمه الله

الشيخ الفاضل: بعد تحية الإسلام.. سمعت عنكم الكثير، أنا طالب علم اقتريت من الخامسة والأربعين ولي طلب لديكم أرجو من الله العلي القدير أن أفوز به؛ وهو (حرز أو دعاء تختصني به) على أن يكون هذا الحزب لفضيلتكم وليس يخص غيركم من المشايخ أو الأئمة، مع العلم أنني قد أفنيت أكثر من عشرين سنة من عمري في علوم آل البيت والأولياء والصالحين ولكني حتى الآن لم أصل لمبتغاي وعلى الله قصد السبيل.

المرسل: أمجد النجار - مصر

سؤال/ ۴۵۹: سلام عليكم ورحمه الله

شيخ فاضل: بعد از تحیت سلام... درباره شما زیاد شنیدم، من دانشجو هستم و به سن ۴۵ سالگی رسیدم و من از شما درخواستی دارم و از خداوند بلند مرتبه و توانا تقاضای رسیدن به آن را دارم؛ و آن همان (حرز یا دعایی است که فقط مختص من قرار دهید)، و آن این که حرز برای شما باشد و مختص کسی دیگر از شیوخ و یا ائمه نباشد، با توجه به این که من بیشتر از بیست سال از عمرم را در علوم اهل بیت و اولیاء و شایستگان گذراندم، ولی تا الان به هدفم نرسیدم، و راه صحیح از آن خداست.

فرستنده: أمجد نجار - مصر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير وكيف تصل دون أن تجد الطريق؟!

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند توفیق انجام هر کار خیر به شما دهد، چگونه می‌خواهی به هدف بررسی در حالی که راه را پیدا

نکردی؟!

فإن كنت تريد معرفة الطريق الذي يوصلك حالما تضع قدمك عليه فاذكر الله وبإخلاص بهذا الذكر في ثلاثة أيام إن أمكن أو أقل:

اگر می‌خواهی راهی که شما را می‌رساند بشناسی و در آن قدم بگذاری، در طول مدت سه روز یا کمتر در صورت امکان با اخلاص خداوند را با این ذکر یاد کن:

اقرأ سورة النور سبعين مرة، وقل: (تَبَّأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ) ۱۰۰۰۰ ألف مرة دون أن تنام وتقطعها، وفقك الله للإخلاص، ليعرفك الله الطريق فإن عرفت الطريق ستجد نفسك قد وصلت لمبتغاك وفقك الله.

سوره نور را ۷۰ مرتبه بخوان، و: (تَبَّأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ) ۱۰۰۰۰ مرتبه بگو بدون این که بخوابی و قطع کنی، خداوند شما را برای اخلاص موفق می‌کند، تا خداوند راه را برایت مشخص کند، و اگر راه را شناختی، می‌بینی که به هدف رسیده‌ای، خداوند شما را موفق نماید.

وإياك أن تواجه الله وتطلب منه الهداية باللسان فقط، فعليك أن تتجرد من أي معرفة سابقة لم تستقيها من الله أو من أوليائه الذين أرشد إليهم سبحانه وتعالى.

مبادا که فقط با زبان با خداوند روبرو شوی درحالی که از وی طلب هدایت می‌کنید، بر شماست که خود را از هر گونه شناخت قبلی که از خداوند یا از اولیائش که خداوند سبحان و متعال به آنان رهنمود کرده، رها کنی.

قف بين يديه بدون أفكار وأحكام مسبقة كما علمك هو سبحانه أن تحلق شعر رأسك وأنت تتوجه إلى بيته، فالشعر في الملكوت يرمز إلى الأفكار وما في عقل الإنسان.

بین دستان خداوند باید بدون افکار و احکام قبلی باشی، همان‌طور که خداوند سبحان به شما یاد داده که موی سرت را بتراشی وقتی که به سوی خانه او می‌روی، و موی در ملکوت به معنای افکار و آنچه در عقل انسان است می‌باشد.

تجرد من أي فكر وحكم مسبق، توجه إلى الله بإخلاص وستجد نفسك قد عرفت الطريق ووضعت قدمك عليه ووصلت بفضل الله عليك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

از هر فکر و حکم قبلی خود را رها کن، با اخلاص به خداوند رو کن، و خود را خواهی یافت که راه را شناختی و پا بر آن نهادی و به فضل خداوند بر شما به هدف رسیدی.
والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۶۰: معنی فرموده‌ی امام علی(ع) در حدیث(.. و اذا نقس في الناقوس..)

السؤال/ ۴۶۰: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم.

أريد الجواب من الوالد الإمام(ع) فقط، وإلا فلا.

سؤال / ۴۶۰: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم.

جواب را فقط از امام و پدرم(ع) می‌خواهم.

السلام على والدي مكلم موسى على الطور ورحمة الله وبركاته.

سيدي لا تطيل (كذا) علينا من خطبك وعلمك المزيد المزيد حفظكم الله وجعلنا من
أنصاركم حقاً وصدقاً اللهم آمين.

سلام و رحمت و بركات خداوند بر پدرم، متكلم موسى در كوه طور.

آقای من ما را از خطبه‌ها و علم بسیار زیادتان محروم نکنید، خداوند شما را حفظ کند و ما را از انصار واقعی
و راستین شما قرار دهد، خدایا استجابت کن.

أود منكم أن تفسر لي كل الحديث للإمام أمير المؤمنين يعسوب الدين إمامنا(ع) من إذا صاح
الناقوس وكبس الكابوس إلى نهاية حديث الإمام كله، والسلام عليك والدي وإمامي وسيدي
يا مكلم موسى يا شبيه موسى يا شبيه عيسى(ع)، لعن الله رافعي رأس الحسين(ع) في هذا العصر.

المرسل: أنصاري - السويد

دوست دارم شما همه‌ی حدیث امام امیر المؤمنین یعسوب الدین و امام ما را تفسیر نمایید: "إذا صاح الناقوس وكبس الكابوس" وقتی ناقوس به صدا در بیاید و کابوس چیره شود تا آخر حدیث امام، و سلام بر شما ای پدر و امام و آقای من، ای متکلم موسی، ای شبیه موسی، ای شبیه عیسی (ع)، خداوند افرادی که سر حسین (ع) را در این زمان بالای نیزه می‌کنند لعنت کند.

فرستنده: أنصاری - سويد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقكم الله لكل خير وسددكم وجعلكم ممن ينتصر بهم لدينه سبحانه وتعالى، وإن شاء الله عندما تكون هناك حاجة لتوجيه كلمة للناس وللأنصار فسأقوم بذلك بفضل الله عليّ، وأسأل الله أن يوفقني لخدمتكم بفضلله ومنه سبحانه وتعالى.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند به شما جزای خیر دهد، و شما را برای انجام هر کار خیری موفق نماید، و خداوند شما را جزو افرادی قرار دهد که به واسطه آنان دینش را یاری می‌دهد، و ان شاء الله وقتی احتیاجی به بیان سخنی برای مردم و انصار باشد، به فضل خداوند بر من، بیان خواهم کرد، و از خداوند سبحان و متعال می‌خواهم که مرا با فضل و منتش به خدمت کردن به شما موفق کند.

أما علامات الظهور وتفصيلها وفقكم الله فبعضها رمز له في الروايات لغايات وأغراض، فلا يمكننا أن نكشف منها إلا ما شاء الله لنا كشفه وفي الوقت الذي يشاءه سبحانه، أما ما تركناه فلکم أن تفهموه بما يوفقكم الله له، وإن شاء الله سينجلي لكم واضحاً جلياً في حينه، وفقكم الله لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

اما نشانه‌های ظهور و تفصیل آن، خداوند شما را توفیق دهد، بعضی از آن‌ها در روایات برای اهداف و خواسته‌هایی رمز گذاری شده‌اند، برای ما امکان ندارد که از آن‌ها پرده برداریم مگر همان مقداری که خداوند در زمانی که خود بخواهد از آن پرده برداریم، اما آن چه را که ترک کردیم، برشماست که با توفیق خداوند به

شما آن را بفهمید، و ان شاء الله در زمانش برای شما روشن و واضح می‌شود، خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۶۱: درخواست مشورت برای ازدواج

السؤال/۴۶۱: السلام علیکم یا سیدی ویا مولای.

في البداية أنا آسف لأنني أشغلك بمشاكلي الخاصة، لكن الله يعلم كم أنا متألم من هذا الموضوع، مشكلتي هي يا سیدی أني كلما أردت الزواج ووجدت الزوجة المناسبة تحصل معرقلات وتخرّب (الزيجة)، وحتى في بعض الأمور أخرج مع الأنصار بسبب هذا الموضوع ويقع اللوم عليّ لكن لا أعلم لماذا يحصل هذا معي، وفي بعض الأحيان أجد الزوجة المناسبة لكن الخيرة (موزينة) أو تكون الخيرة جيدة ولكن هي لا تصلح لي زوجة أو أهلي يرفضون، أو عندما أسعى تحصل هناك عراقيل.

سؤال / ۴۶۱: آقا و مولایم سلام علیکم.

در ابتدا متاسفم، چون با مشکلات خاص خودم مشغول شدم، ولی خداوند می‌داند که چقدر از این موضوع ناراحت هستم، آقای من، مشکل من این است که هر وقت اراده ازدواج می‌کنم و شخص مناسبی پیدا می‌کنم، مشکلاتی به وجود می‌آید و عقد ازدواج به هم می‌خورد، و حتی در بعضی امور به خاطر این موضوع با انصار کدورتی به وجود می‌آورد، و مرا سرزنش می‌کنند، ولی نمی‌دانم چرا این مسائل برای من اتفاق می‌افتد، و در بعضی اوقات همسر مناسب پیدا می‌کنم اما استخاره خوب نیست و یا این که استخاره خوب در می‌آید ولی آن شایسته همسری مرا ندارد و یا خانواده‌ام آن را رد می‌کنند، و یا وقتی نسبت به این موضوع تلاش می‌کنم، مشکلاتی ایجاد می‌شود.

وأنا محتار من هذا الموضوع و لا أعرف ما أفعله بين أي شاب وأرغب في الزواج وبين هذا الموضوع الذي لا يفارقني حتى قبل لا أدخل الدعوة المباركة، وأنا على هذا الحال وكأنها لعنة تلاحقني أو (معمولي سحر) أو ما شابه ذلك، حتى خطبت من غير الأنصار وهي بنت عمي فرفضوا تزويجي؛

لأنني من الأنصار، وهناك الكثير الكثير ... أما الآن أنا أتخوف من التقدم لأي امرأة خوف من نتيجتها ولكي لا أرح مشاعرها، وأما رسالتي هذه فأتمنى فيها معرفة ما يحصل لي.

و من در این موضوع سرگردانم، و نمی دانم چه کاری انجام دهم، بین این که من جوانم و علاقه ای به ازدواج دارم، و بین این موضوعی که مرا رها نمی کند حتی قبل از این که در این دعوت مبارک وارد شوم، و من بر این حالت هستم، انگار لعنتی است که دنباله روی من است، یا (جادو شده ام) یا چیزی شبیه آن، حتی از غیر از انصار [خانواده غیر انصار] خواستگاری کردم و آن دختر عمویم بود، و آن ها به خاطر انصاری بودنم قبول نکردند که دخترشان را بمن بدهند و مسائل بسیار دیگری وجود دارد... اما الان از خواستگاری هر خانمی می ترسم، چون از نتیجه آن می ترسم، و تا احساسات او را جریحه دار نکنم، اما این نامه ام به این خاطر است که می خواهم سرانجام کارم را بدانم.

والأمر الثاني هو أنه هناك إحدى الأنصاريات وجدت لي أنصارية وأنا محتار هل أتقدم للزواج منها، وما هو رأيك أنت يا أبتى، واسمح لي أن أناديك هكذا؛ لأنني لا أجد غيرك أباً لي، فكل ما أريده منك هو أن ترشدني ماذا أفعل. وآسف على الإطالة. في أمان الله ورعايته. الله يفرج عنك وعن آل محمد (ع) آمين.

المرسل: فيزياء - العراق

مسئله دوم این است که یکی از خواهران انصاری برایم دختر انصاری پیدا کرده و من سرگردان هستم، آیا برای ازدواج با وی اقدام کنم، پدرم نظر شما چیست؟ اجازه بدهید شما را این گونه صدا بزنم، چون غیر از شما پدری ندارم، همه چیزی که می خواهم این است که مرا راهنمایی کنید که چه کاری انجام دهم؟ و از طولانی شدن متاسفم، در پناه و امنیت خداوند باشید. خداوند برای شما و آل محمد (ع) فرج حاصل کند آمین.

فرستنده: فيزياء - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.
أسأل الله أن يوفقك لكل خير، وعليك قبل أن تقدم على الزواج أن تصلي ركعتين وتدعو الله أن يبسر لك امرأة صالحة تحفظك وتكون لك عوناً في مسيرتك إلى الله وإلى الحق وتعينك للثبات على طريق ذات الشوكية.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.
از خداوند می‌خواهم که توفیق انجام دادن هر کار خیر به شما بدهد، و بر شماست که قبل از این که اقدام به ازدواج، دو رکعت نماز بخوان و از خداوند بخواه که ازدواج با خانم شایسته‌ای را برایت آسان نماید، تا شما را حفظ کند و در مسیرت بسوی خداوند و به حق یاورت باشد، و شما را در ثابت قدم ماندن در راه بزرگ یاری ات کند.

والأفضل إن كانت صلاتك هذه في ضريح الإمام الحسين (ع) وتجعل الحسين (ع) شفيعك إلى الله سبحانه وتعالى، ومن ثم بعد أن ييسر الله لك امرأةً سالحةً بمنه سبحانه فصل ركعتي شكر لله بعد عقد الزواج، وادعُ بعدهما فإن الدعاء عند عقد الزواج مجاب بأذن الله، وفقك الله لكل خير ورزقك خير الآخرة والدنيا. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

و بهتر است که نمازت در کنار ضريح امام حسين عليه السلام باشد و حسين عليه السلام را نزد خداوند سبحان و متعال شفيع خودت قرار بدهی، و بعد از این که خداوند سبحان با منتش ازدواج یا خانم شایسته‌ای را برایت آسان کرد، بعد از عقد ازدواج ۲ رکعت نماز شکر خداوند بخوان، و بعد از آن دعا کن، چون دعا موقع عقد ازدواج با اذن خداوند مستجاب می‌شود، خداوند تو را برای انجام هر کار خیری موفق کند و خوبی آخرت و دنیا را نصیبت نماید. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۶۲: سوالی در مورد تبلیغ و رؤیت یمانی

السؤال/۴۶۲: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك سيدي ومولاي یماني آل محمد.

هل يجوز لأحد من الأنصار عندما يسأل: هل رأيت السيد أحمد الحسن (ع). أن يجيب بنعم؛

ويقصد أنه رآه بالرؤيا مثلاً؟

المرسل: إياد

سؤال / ٤٦٢: بسم الله الرحمن الرحيم
 آقا و مولایم یمانئ آل محمد (ع) سلام علیکم.
 آیا برای فردی از انصار جایز است، زمانی که از وی سؤال شود: آیا سید احمد الحسن (ع) را دیدید، به آن‌ها پاسخ دهد: بله، و منظور وی این باشد که مثلاً در رؤیا او را دیده‌است؟

فرستنده: ایاد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم
 والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
 وفقك الله وسددك لكل خير، في الصدق النجاة فقولوا الحقيقة كما هي ومن شاء الله له
 الإيمان سيؤمن وفقكم الله وسددكم وثبت خطاكم.
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
 والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را موفق کند و برای انجام هر کار خیری مُحکم نماید، نجات در راستگویی است، و حقیقت را همان‌طور که هست بگوئید، هر فردی که خداوند بخواهد ایمان بیاورد ایمان می‌آورد، خداوند شما را موفق کند و مُحکم نماید و قدم‌هایتان را مُحکم کند.
 و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٦٣: آیا خدا همه جا موجود است؟

السؤال / ٤٦٣: لا بد من البيعة علناً أم ممكن في القلب فقط (تقية)؟

وضعی فی مکانی لا یسمح لی أن أعلن عن مبايعتي، وعندی أسرة وأنا أعلیهم وعندی ثلاث بنات أطفال، فماذا أفعل؟؟

اللهم صل علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً كثيراً.
مشکورین.

المرسل: باسم - مصر

سؤال / ۴۶۳: آیا باید بیعت علنی باشد یا امکان دارد در قلب (تقیه) باشد؟
من در جایگاهی هستم که اجازه نمی‌دهد تا بیعتم را علنی کنم، و خانواده‌ای دارم و سرپرست آن‌ها هستم و سه کودک دختر دارم، چه کار کنم؟
اللهم صل علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً كثيراً.
متشکرم.

فرستنده: باسم - مصر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.
إذا كان وضعك لا يسمح لك بالإعلان فيمكنك أن تكتم إيمانك، فإن وجدت من تتوسم فيه خيراً يمكنك تبليغه أو حتى إرشاده للقراءة والاستماع من خلال السبل المتاحة.
وفتكم الله لكل خير وسددكم وثبت خطاكم على الحق.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً.
اگر وضعیت شما به گونه‌ای است که نمی‌توانید علنی کنید، می‌توانید ایمان‌تان را پنهان کنید، و اگر فردی را پیدا نمودید که امید خیر در او بود، می‌توانید او را تبلیغ کنید یا او را به خواندن و شنیدن طبق راه‌هایی که برایتان امکان دارد راهنمایی کنید.
خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند و قدم‌هایتان را بر حق ثابت بدارد.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ٤٦٤: درس خواندن یا ازدواج برای دختر مناسب است؟

السؤال/٤٦٤: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليك سيدي ومولاي يمانى آل محمد(ع) وعلى جميع الأنصار جعلنا الله من الثابتين على الولاية إن شاء.

سؤال /٤٦٤: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

آقا و مولایم یمانی آل محمد(ع) سلام بر شما و تمامی انصار، ان شاءالله خداوند ما را از افرادی که بر ولایت ثابت قدم بماند قرار دهد.

سيدي لدي سؤال أرجو الإجابة عليه إذا كنت ممن يستحقون أن تجيب عليهم.

وسؤالي: أيهما أفضل للبنات الزواج أو الدراسة؟ وإذا تقدم لخطبتها أحد الأنصار تترك الدراسة وتزوج أفضل أم تكمل دراستها؟

آقای من، سؤالی دارم که امیدوارم به آن پاسخ دهید، اگر جزو افرادی باشم که مستحق پاسخ به آنان باشم. و سؤالم: کدام یک برای دختر بهتر است، ازدواج یا درس خواندن؟ و اگر یکی از انصار برای خواستگاری او آمد، درس را رها کند و ازدواج کند بهتر است یا درسش را تکمیل کند؟

وإذا رفضت الزواج هل عليها إثم بسبب رفضها أولياء الله وهي ترفض؛ لأنهم لا يقبلون أن تكمل المرأة الدراسة، وهل يجوز لها أن تتزوج بغير الأنصار؟ وهل يجوز للرجل أن يتزوج من غير الأنصار؟ هذا سؤالي وأرجو أنت تجيبني سيدي وأن تدعو لي بما تراه صالحاً لي.

المرسلة: نرجس - العراق

و اگر ازدواج را رد نمود، آیا به خاطر رد کردن اولیاء خداوند گناهی مُرتکب شده درحالی که رد نموده است، چون آن‌ها قبول نمی‌کنند که زن درسش را تکمیل کند، و آیا جایز است با فردی غیر از انصار ازدواج کند؟ و

آیا برای مردی جایز است که با غیر انصار ازدواج کند؟ این سؤال است، و امیدوارم که شما آقایم پاسخ دهید، و آنچه که به صلاحم هست را برایم دعا کنید.

فرستنده: نرجس - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
إذا كان هناك تعارض بين الزواج والتعليم فالزواج أفضل بالنسبة للمرأة، ولكن يجوز لها أن تترك الزواج وتكمل تعليمها إذا كانت تفضل التعليم، أو أن تتزوج وتكمل تعليمها إذا لم يكن هناك تعارض بينهما.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
اگر بین ازدواج و آموزش تعارضی باشد، ازدواج برای زن بهتر است، و اما اگر تعلیم را برتر می‌داند برای وی جایز است که ازدواج را ترک کند و تعلیم را تکمیل کند، یا این که ازدواج کند و تعلیم را تکمیل کند، هرگاه بین این دو تعارضی نباشد.

والمرأة المؤمنة بالحق يجوز أن تتزوج مؤمناً بالأئمة والمهدين من أهل الحق، أو أن تتزوج مسلماً مخالفاً لا ينصب عداءً للأئمة أو المهديين.

برای زنی که به حق ایمان دارد جایز است تا با مردی از اهل حق که به ائمه و مهديين ایمان دارد ازدواج کند، یا این که با مرد مسلمان مخالف ولی با ائمه و مهديين دشمنی ندارد، ازدواج کند.

والزواج بغير المؤمن مكروه بالنسبة للمؤمنة، فخير لها أن تتجنب الاقتران بغير المؤمن.

به نسبت زن مومن، ازدواج با غیر مومن مکروه است، برای زن مومن بهتر است که از همراهی نمودن با مرد غیر مومن دوری نماید.

أما الرجل المؤمن فيجوز له الزواج من المؤمنة أو المسلمة المخالفة التي لا تنصب عداءً للأئمة أو المهديين، وأيضاً يجوز له الزواج من الكتابية مسيحية أو يهودية.

اما مرد مومن، برایش ازدواج با زن مومن یا زن مسلمانی که مخالف است ولی با ائمه یا مهدیین دشمنی ندارد جایز است، هم چنین برای مرد مومن جایز است تا با زن اهل کتاب مسیحی یا یهودی ازدواج کند.

وَأَسْأَلُ اللَّهَ لَكَ خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْدُنْيَا، وَأَنْ يَثْبِتَكَ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِنْتِصَارِ لِلْحَقِّ، وَأَنْ يَبْسُرَ أُمُورَكَ لِمَا يَحِبُّ وَيَرْضَى سَبْحَانَهُ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

خیر دنیا و آخرت را از خداوند برایت مسئلت می جویم و شما را بر حق و یاری حق ثابت قدم بدارد، و کارهایت وقف خواستهات و رضای خداوند آسان کند.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٦٥: سوالات فقهی و معنی آیهی (رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي)

السؤال / ٤٦٥: بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على أشرف الخلق محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَلِيِّ الْقَدِيرَ أَنْ تَكُونَ بِخَيْرٍ وَأَنْ يَحْفَظَكَ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَرِّ هَذِهِ الدُّنْيَا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. سَيِّدِي، أَنَا عِنْدِي عِدَّةٌ أَسْئَلُكَ لَوْ سَمَحْتَ الْإِجَابَةَ عَلَيْهَا:

سؤال / ٤٦٥: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود بسیار بر اشرف خلق حضرت محمد و بر خاندان پاکش از ائمه و مهدیین باد.
از خداوند بلند مرتبه سلامتی شما را خواهانم، و شما را از هر شر این دنیا محافظت کند، به حق لا اله الا هو الحي القيوم. آقای من، سوالاتی دارم که می خواهم به آن پاسخ دهید:

السؤال الأول: هل يجوز لشخص أن يعمل بمحل يباع فيه لحم خنزير رغم أنه لا يبيعه لمسلمين، وأيضاً المحل ليس ملكه وإنما هو مجرد عامل في المحل؟

سؤال اول: آیا برای فرد جایز است در محلی کار کند که در آن گوشت خوک خرید و فروش می‌شود، و گوشت را به مسلمانان نمی‌فروشد، همچنین مالک آن مکان نیست و وی فقط در آن جا کار می‌کند؟

والسؤال الثاني: لو كان شخص سائق شاحنة وفي الشركة التي يعمل بها ينقلون لحوم غير حلال أو غيرها، هل تكون عليه حرمة؟ مع العلم أن الشخص أيضاً مجرد سائق والشاحنة ليست ملكه.

و سؤال دوم: اگر فردی راننده ماشینی باشد و در شرکتی که کار می‌کند گوشت‌های غیرحلال یا غیر آن انتقال داده می‌شود، آیا بر وی حرامی است؟ با توجه به این که این فرد فقط راننده است و ماشین در ملکیت وی نیست.

والسؤال الثالث: هل يجوز التحايل على البنك غير الإسلامي وأخذ قرض منهم وبعدها إذا تمكن من استرداد هذا المبلغ سيرده لهم وإذا لم يستطع أن يرده؟

و سؤال سوم: آیا سپرده‌گذاری در بانک‌های غیراسلامی و گرفتن وام از آنان جایز است، و بعد از آن اگر توانست که این مبلغ را به آن‌ها برگرداند و اگر نتوانست آن را برگرداند؟

السؤال الرابع: ما تفسير قوله تعالى: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿وَإِخْلُ عُنْدَهُ مِّنْ لِّسَانِي﴾ وَيَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿وَاجْعَلْ لِّي وَاوِيًّا مِّنْ أَهْلِي﴾^(۱)؟

سؤال چهارم: تفسیر فرموده خداوند متعال چیست که فرمودند: (گفت: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان، و کارم را برای من آسان ساز، و از زبانم گره بگشای، (تا) سخنم را بفهمند، و برای من دستیاری از کسانم قرار ده)^(۱).

والسؤال خامس: ما هو تفسير الخطبة الكوثريّة؟

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: محمد السويضي - كندا

۱- طه: ۲۵-۲۹.

۲- طه: ۲۵-۲۹.

وسؤال پنجم: تفسیر خطبه کوثریه چیست؟
و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: محمد سوپفی - کانادا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
يجوز العمل في محل يبيع لحوماً لا يحل أكلها، مثل لحم الخنزير أو لحوم غير مذكاة بصورة شرعية، وكذا يجوز العمل كسائق شاحنة تحمل لحوماً لا يحل أكلها، ولكن لا يجوز أن يعمل في بيع الخمر أو كسائق شاحنة تحمل الخمر.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
کار کردن در محل خرید و فروش گوشت‌هایی که خوردنش حلال نیست جایز است، مانند گوشت خوک یا گوشت‌هایی که به صورت شرعی تزکیه نشده‌است، هم‌چنین کار کردن به عنوان راننده ماشینی که گوشت‌هایی که خوردنش حلال نیست را حمل می‌کند جایز است، ولی جایز نیست که در محل فروش شراب یا راننده ماشینی که شراب را حمل می‌کند کار کند.

وبالنسبة للمعاملات مع البنوك التي يملكها غير المسلمين أو يملكها نواصب ينصبون العداة للائمة أو المهديين فيجوز أن تأخذ منهم قروضاً بفائدة، أو أن تودع مالك عندهم وتأخذ فائدة منهم، حيث لا ربا بين مؤمن وغير مسلم أو بين مؤمن وناصب عداة.

و به نسبت معاملات با بانک‌هایی که در ملکیت غیر مسلمانان است یا در ملکیت نواصبی که با امامان یا مهدیین دشمنی دارند جایز است تا از آنان وام‌هایی با سود بگیرید، یا نزد آنان سپرده گذاری نمایید و از آنها سود بگیرید، چون ربایی بین مومن و غیر مسلمان نیست یا بین مومن و فردی که دشمنی دارد.

وإن أخذت من أمثال هؤلاء قرضاً ولم تتمكن من سداة لا إشكال وفقك الله.

و اگر از امثال این افراد وام گرفتی و نتوانستی پس بدهی، اشکالی ندارد، خداوند شما را موفق کند.

ج س ۴: قال تعالی: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ۖ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ۖ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ۖ يَفْقَهُوا قَوْلِي ۖ وَاجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي﴾.

ج س ۴: خداوند متعال می‌فرماید: (گفت: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان، و کارم را برای من آسان ساز، و از زبانم گره بگشای، (تا) سخنم را بفهمند، و برای من دستیاری از کسانم قرار ده).

وقال تعالی: ﴿وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ اتَّبِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۖ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلا يَتَّقُونَ ۖ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُون ۖ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ﴾^(۱).

و خداوند متعال می‌فرماید: (و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا در داد که به سوی قوم ستمکار برو: قوم فرعون؛ آیا پروا ندارند؟! گفت: پروردگارا، می‌ترسم مرا تکذیب کنند، و سینه‌ام تنگ می‌گردد، و زبانم باز نمی‌شود، پس به سوی هارون بفرست)^(۲).

دعاء موسی (ع) واضح بأنه طلب من الله الآتي:

دعای موسی (ع) واضح است که وی از خداوند موارد زیر را طلب نموده‌است:

اشْرَحْ لِي صَدْرِي.

سینه‌ام را گشاده گردان

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي.

وکارم را برای من آسان ساز

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي.

و از زبانم گره بگشای

يَفْقَهُوا قَوْلِي.

سخنم را بفهمند

۱- الشعراء: ۱۰-۱۳.

۲- شعراء: ۱۰-۱۳.

وَأَجْعَلْ لِّي وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِي.

و برای من دستیاری از کسانم قرار ده

وفي الآيات علل موسى (ع) طلبه (حل عقدة لسانه) بأنه ليفقهوا ما يقول. وأيضاً علل طلبه أن يشرح صدره؛ لأنه يخاف أن يضيق صدره ولا ينطلق لسانه.

در این آیات موسی (ع) علت درخواستش را -گره گشایی از زبانش - بیان می کند، به این که آن چه می گوید را بفهمند. هم چنین علت درخواستش را بیان کرده است که سینه اش گشاده شود، چون او می ترسد که سینه اش تنگ شود و زبانش به سخن نیاید.

النتيجة الواضحة؛ إن هناك مشكلة في النطق وإيصال المعلومة للآخرين عند موسى (ع)، وهذه المشكلة حلت جزئياً عند موسى (ع) بالخصوص، وحلت كلياً في رسالة موسى (ع) ببعث هارون (ع) كوزير له يعينه على إيصال الرسالة.

نتیجه روشن است؛ نزد موسی (ع) در سخن گفتن و رساندن معلومات به دیگران مشکل وجود داشت، و با فرستادن هارون به عنوان وزیر که به وی در امر رساندن رسالت کمک کند این مشکل را بخصوص به صورت جزئی برای موسی (ع)، و به صورت کلی در رسالت موسی (ع) حل نمود.

فاستجابة الله لدعاء موسى (ع) قد تمت وبغاية الحكمة، فموسى أراد أن تتحسن قدرته على تبليغهم، وطلب أن يبعث معه هارون كوزير، وقد حسن الله قدرة موسى (ع) على التبليغ بقدر معين، وأتمها بهارون (ع)، فبعث الله هارون (ع) استجابة لطلب موسى (ع)، وجعل بعثه في غاية الحكمة وهو أنه أتم به حل مشكلة موسى (ع) في تبليغ فرعون والقوم الذين أرسل إليهم موسى (ع)، ﴿قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى﴾^(١).

و مستجاب شدن دعای موسی (ع) توسط خداوند در نهایت حکمت تحقق یافت، و موسی خواست که قدرت بر تبلیغ نیکو شود، و درخواست کرد تا هارون را به عنوان وزیرش مبعوث کند، و خداوند قدرت موسی (ع) را بر تبلیغ به اندازه معین نیکو کرد، و با هارون (ع) به اتمام رساند، و خداوند هارون (ع) را به خاطر مستجاب کردن درخواست موسی (ع) مبعوث کرد، و مبعوث کردن او را در نهایت حکمت قرار داد، و ایشان مشکل موسی (ع)

را در تبلیغ فرعون و قومی که برای آن‌ها فرستاده شده را حل نمود، (فرمود: ای موسی، خواسته‌ات به تو داده شد)^(۱).

وقد بيّن تعالى أن هناك بقية من الخلل في بيان موسى (ع) لم ترفع عندما قص كلام فرعون: ﴿أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يَبِينُ﴾^(۲).

و خداوند متعال بیان می‌کند که در بیان موسی (ع) خللی وجود دارد که مُرتفع نشده، زمانی که سخن فرعون را تعریف می‌کند: (مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگویم برترم؟)^(۳).

وقال تعالى في قص قول موسى (ع): ﴿وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون﴾^(۴).

و خداوند متعال در مورد بیان سخن موسی (ع) می‌فرماید: (و برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ می‌ترسم مرا تکذیب کنند!)^(۵).

إذن موسى (ع) شخصياً بقي عنده شيء من الخلل في البيان، وهذه مشيئة الله ليكون هذا الخلل سبباً يتعلل به المدعون بالباطل من أمثال فرعون وجنده ومن استخفهم بأنهم أحق من موسى وبأنهم على الحق وأن موسى (ع) وحاشاه باطل: ﴿وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ * أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يَبِينُ * فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ * فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾^(۶).

بنابراین نزد خود موسی (ع) چیزی از خلل در بیان باقی ماند، و این خواست خداست که این خلل سببی باشد برای مدعیان باطل امثال فرعون و سربازان و مریدانشان وانمود کنند که از موسی حق‌تر هستند و این که آن‌ها بر حق هستند، و موسی (ع) (حاشاه) باطل است: (فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم

۱- طه: ۳۶.

۲- الزخرف: ۵۲.

۳- زخرف: ۵۲.

۴- القصص: ۳۴.

۵- قصص: ۳۴.

۶- الزخرف: ۵۱-۵۴.

من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟** مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی تواند فصیح سخن بگوید برترم؟** (اگر راست می گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده اند (تا گفتارش را تأیید کنند)؟! ** (فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند!)^(۱).

التفت إلى أن خطاب فرعون ديني لا يكاد يفرق عن خطاب فقهاء الضلال اليوم، فهو يقول الآتي: ﴿يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾: أي إنه يقول لقومه انظروا؛ إن الله نصرني ومكنني من حكم مصر ويسر أمور الحكم لي، فلو كان موسى (ع) هو الحق لكان الله مكنه ويسرها له. هذه هي المغالطة الدينية الأولى عند فرعون وفقهاء الضلال في كل زمان.

به خطاب دینی فرعون دقت کن که فرق چندانی با خطاب فقهای گمراه امروز ندارد، او این سخن را می گوید (ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟): یعنی او به قومش می گوید: نگاه کنید، خداوند مرا یاری کرده و حکومت مصر را به من داده، و امور حکومت را برای من آسان کرده است، و اگر موسی (ع) برحق بود، خداوند به او تمکین می داد و کارها را برای او آسان می کرد. این همان مغالطه دینی اول نزد فرعون و فقهای گمراه در هر زمان است.

﴿أَنَا خَيْرٌ مَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ﴾: فرعون يقول إن موسى (ع) لا يكاد يبين، فلو كان مع الله سبحانه وتعالى لأصلح الله لسانه بصورة كاملة، ولم يعد هناك خلل عنده في النطق. إذن النتيجة؛ فرعون يعتبر نفسه أنه أفضل؛ لأنه أقدر على البيان ولا يوجد خلل في لسانه، وهذه المغالطة الثانية، وقد تنكبها فقهاء الضلال ومن يطبل لهم اليوم، وكان فرعون إمامهم ومعلمهم، لا يكادون يفارقون أقواله وأفعاله.

(من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی تواند فصیح سخن بگوید برترم): فرعون می گوید: موسی (ع) نمی تواند درست صحبت کند، اگر با خداوند سبحان و متعال بود، خداوند زبانش را به صورت کامل اصلاح می کرد، و دیگر خللی در سخن گفتن نداشت، پس در نتیجه: فرعون خودش را بالاتر می داند، چون در صحبت کردن تواناست و خللی در زبانش ندارد، و این مغالطه دوم است، و فقهای گمراه و

افرادی که امروزه با آن‌ها هم نوا شدند و سخن فرعون گرفتند و گویی فرعون پیشوا و معلم آن‌هاست، و دقیقاً شبیه سخنان و کارهای او انجام می‌دهند.

﴿فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ﴾: فرعون قال وفقهاء الضلال ومن يتبعهم اليوم معه ويشاركونه في قوله: الذي يرسله الله والذي يرسله الإمام المهدي لابد أن يغنيه ويوفر له كل القدرة، من قدرة مالية وقدرة إعجازية يقهرنا بها على الإيمان.

(چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده‌اند): فرعون این سخن را گفت و فقهای گمراه و پیروان امروز آن‌ها در سخنش با وی مشارکت دارند (این گونه می‌گویند:) فردی که خداوند می‌فرستد و فردی که امام مهدی(ع) می‌فرستد باید او را بی‌نیاز کند و همه قدرت‌ها را برایش فراهم کند، از جمله قدرت مالی و قدرت اعجازی که ما را بر ایمان مجبور کند.

هل تلاحظ الآية بوضوح وكيف أن فرعون قال قبل آلاف السنين قولاً، أعاده نفسه تماماً فقهاء الضلال اليوم ﴿فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ﴾، معنى هذا فلياتٍ بشيء خارج عن العادة فلياتنا بمعجز، فليثبت بالمعجز القاهر الواضح إن الله معه والملائكة معه.

آیا آیه را به خوبی ملاحظه می‌کنی که چگونه فرعون قبل از هزاران سال پیش سخنی گفته که امروزه فقهای گمراه همین سخن را دوباره تکرار می‌کنند: (چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده‌اند)، معنى آن؛ چیزی که خارج از عادت باشد بیاورد و برای ما معجزه بیاورد، با معجزه قاهره روشن باید اثبات کند که خداوند و فرشتگان با او هستند.

هم یزیدون أن يقهروا على الإيمان، فلا تنفعهم عصا تحولت أفعى؛ لأن هناك كثيرين غير موسى يفعلون هذا، فإذا كانوا سحرة فهو ساحر، وإن غلبهم فهو كبيرهم وأمهر منهم، ولكن أبداً لا يمكن أن يكون رسولاً من الله.

آن‌ها می‌خواهند که مجبور به ایمان آوردن شوند، عصایی که تبدیل به افعی می‌شود برای‌شان فایده ندارد، چون افراد زیادی به غیر از موسی(ع) هستند که این کار را انجام می‌دهند، و اگر ساحرانی باشند، موسی ساحر است، و اگر بر آنان غلبه کند، او بزرگ‌ترین و ماهرترین آنان است، ولی اصلاً امکان ندارد که فرستاده‌ای از سوی خداوند باشد.

ولا تنفعهم يد بيضاء تشير لنقاء موسى (ع)، وكيف تنفعهم؟! ولو كانت تنفعهم لما احتاجوا لها، وهل طهارة ونقاء قلب موسى (ع) كان خفياً عليهم وهم قد عاشروه وعرفوه قبل أن يُرسل وبعد أن أرسل.

دست سفیدی که اشاره به پاکی موسی (ع) دارد برای شان فایده‌ای ندارد، و چگونه برای شان مفید است؟! اگر برای شان فایده‌ای داشت، به آن نیازی نداشتند، و آیا پاکی و طهارت دل موسی (ع) بر آنان پنهان بود، درحالی که با وی معاشرت داشتند و قبل و بعد از این که فرستاده شود او را می شناختند.

ولا ينفعهم نيل يتحول إلى اللون الأحمر، فيمكنهم الاحتجاج بسهولة أن هذا أمر طبيعي أن يصبغ النيل بالدم نتيجة معارك دموية حصلت على مجرى النيل قبل أن يصلهم، وببساطة يقولون وما علاقة موسى (ع) بهذا الأمر؟! فالنتيجة من كان يريد التكذيب يعلل كل شيء بأي شيء، فهم استحبوا العمى والضللال على الإبصار والهدى، ولهذا فلا يحتاج فرعون وفقهاء الضلال للكثير بل يكفي كلمات قليلة، يكفي أن يقول فرعون إن موسى (ع) عنده خلل في إيصال الكلام، وموسى (ع) لم يأت بمعجزة بينة لا لبس فيها، ليجد فرعون وفقهاء الضلال أكثر الناس قد اتبعوهم وبغباؤ منقطع النظير كما هم دائماً وللأسف.

رود نیل که تبدیل به رنگ سُرخ شد برای شان سودی ندارد، و می توانند به راحتی احتجاج کنند که این مسئله طبیعی که رود نیل بخاطر جنگ‌های خونین در مسیر رود، قبل از این که به آن‌ها برسد با خون رنگی شود، و به راحتی می گویند: ارتباط موسی (ع) با این مسئله چیست؟! در نتیجه هر فردی که می خواهد تکذیب کند، به هر چیزی را به هر چیزی مرتبط می کند، آنان کوری و گمراهی را بر بینایی و هدایت برتری دادند، به همین خاطر فرعون و فقهای گمراه به چیز زیادی نیاز ندارند، بلکه سخنان اندکی کفایت می کند، کافی است که فرعون بگوید: در نزد موسی (ع) خللی در رساندن سخن است، و موسی (ع) معجزه آشکاری که هیچ شبهه‌ای در آن نیست نیاورد، و فرعون و فقهای گمراه را می بابد که بیشتر مردم از آن‌ها - با غبار (و پنهانی) که شبیه آن نیست - تبعیت کرده‌اند، همان گونه که متأسفانه همیشه این گونه هستند.

﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾. ويا له من استخفاف مرير جعل
علياً (ع) يقول إنه يحس مرارته مغروسة كالنصل في فمه (وفي الحلق شجى)^(١).

(قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند). و چه استخفاف تلخی است که علی(ع) را به صورتی قرار داد که تلخی‌اش را این گونه احساس می‌کند، مانند تیری که در دهانش کاشته شده است (در حلق خار است)^(۱).

إنه لأمر مریح حقاً، إنك تجد الله سبحانه وتعالى يفضح الفراعنة وفقهاء الضلال على رؤوس الأشهاد ويبين باطلهم بأيديهم وبأفعالهم وبتناقضاتهم وبسلوكهم المنحرف وبتابعهم الأهواء وبطلبهم الدنيا ومع كل هذا يتبعهم الناس، ويعلون لهم بأعذار واهية تصرفاتهم وأقوالهم وسلوكياتهم المنحرفة المحرفة للشريعة.

والحمد لله رب العالمين.

واقعاً مسئله تلخی است، می‌بینی که خداوند سبحان و متعال فراغنه و فقهای گمراه را جلوی چشم همه مُفتضح می‌کند، و باطل آنان را به دست خودشان و کارها و تناقضات و سلوک منحرفشان و پیروی از هوا و هوس و طلب دنیا بیان می‌کند، ولی با همه این‌ها مردم از آن‌ها دنباله‌روی می‌کنند، و با عذرهای پوچ برای رفتار وسخنان و روش منحرف و تحریف کننده شریعت برای آن‌ها توجیه می‌کنند.

و الحمد لله رب العالمين.

أوصيك والمؤمنين أن تكونوا محسنين مع أزواجكم وأهلكم وفقكم الله، فالإحسان مع الزوجة المؤمنة يبسر الأمور لما فيه خير الآخرة والدنيا، وهو يدر الرزق ويدفع الفقر والشر، أسأل الله لكم خير الآخرة والدنيا وصلاح ذات بينكم، وفقكم الله لكل خير.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

شما و مومنین سفارش می‌کنم که با همسران و خانواده‌تان نیکوکار باشید، خداوند شما را توفیق دهد، و نیکوکاری با همسر مومن، امور را به سمتی که در آن خوبیِ آخرت و دنیا سوق می‌دهد، و این رفتار رزق را سرازیر می‌کند و فقر و شر را دفع می‌کند، از خداوند برای‌تان خوبی دنیا و آخرت و اصلاح بین خودتان را می‌خواهم، خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند.

و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ٤٦٦: چند سوال در مورد روایات

السؤال/٤٦٦: السلام عليك يا حجة الله وابن حجته.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته يا أهل بيت النبوة، ومعدن الرسالت، ومختلف الملائكة، وموضع الحكمة ورحمة الله وبركاته.

سؤال/٤٦٦: اي حجة الله و فرزند حجتش سلام عليكم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهدين الطيبين الطاهرين و سلم تسليماً كثيراً.

سلام و رحمت و بركات خداوند بر شما، اي اهل بيت نبوت، و معدن رسالت، و محل رفت و آمد فرشتگان، و محل حكمت.

السلام على كهف الله الحصين، وصراطه المستقيم، وقنطرة العبور لساحة قدسه، يا قائم آل محمد .. يا معلم موسى وشبيهه عيسى ودرع الأنبياء.

السلام عليكم أيها العبد الصالح يا حجة الله وابن حجته وأبو حججه، بكم ألوذ وأستجير يا ملجأ وملاذ ورحمة يا يماني آل محمد ورحمة الله وبركاته.

سلام بر پناه گاه امن خداوند، و راه مستقيم وى، و پُل عبور به ساحت قدس خداوند، اي قائم آل محمد... اي معلم موسى و شبيهه عيسى و زره پیامبران.

سلام و رحمت و بركات خداوند بر شما، اي بنده صالح، اي حجت خداوند و فرزند حجتش و پدر حجت هایش، به سمت شما می آیم و به شما پناه می آورم، اي پناهگاه و دژ و رحمت، اي يماني آل محمد.

سیدی، نترقب اليوم الذي يبرز فيه فجر دولة العدل الإلهي بخروجك المبارك بفارغ الصبر وعلى أحر من الجمر، والذي مهد له الأنبياء وانتظره الأولياء والصالحون منذ نبوة آدم (ع) وحتى اليوم .. ونسأل الله بحقك أن يرينا يوم اعتلائك منبر الكوفة لتخاطب البشرية بأسرها .. جعلني الله من خدامكم بحق آل محمد وهذا فضل عظيم ومنّة كبيرة لست أهلاً لها، فبركة دعائكم لعبد حقير ضعيف مثلي أنالها بإذنه سبحانه.

آقای من، با بی‌صبری منتظر روزی هستیم که با خروج مبارک شما فجر دولت عدل الهی در آن طلوع کند... روزی که برای آن پیامبران زمینه‌سازی کردند و اولیاء و شایستگان از زمان پیامبری آدم (ع) و تا به امروز منتظر آن هستند... از خداوند به حق شما می‌خواهیم که روز بالا رفتن شما بر منبر کوفه را به ما نشان دهد، تا همه‌ی بشریت را مورد خطاب قرار دهی... به حق آل محمد (ع) خداوند مَرا از خادمان شما قرار دهد، و این فضیلتی بزرگ و منتهی بزرگ است که لایق آن نیستیم، و به برکت دعای شما برای بنده حقیر و ضعیفی مثل من، به اذن خداوند سبحان به آن نائل می‌شوم.

سیدی وابن سیدی، فی قلبی وله وشوق عظیم لکم .. لا أجد كلمات مناسبة أعبر بها عما يجول بصدري لكن الله هو العالم سبحانه.

آقا و فرزند آقای من، در قلبم عشق و شوق بزرگی به شماست... کلمات مناسبی پیدا نمی‌کنم تا آن‌چه در سینه‌ام است را بیان نمایم، ولی خداوند سبحان خودش می‌داند.

ولولا أخشيمن الإطالة والإثقال عليك يا حجة الله لما انتهت من الكتابة .. لكن سیدی یا یمانی آل محمد صلوات الله عليك عندي أسئلت لا يجيبها إلا مثلك وأنتم أهل البيت لكم أن تجيبوا أو تمسكوا حسب الحاجة والمصلحة، فأنت سیدی أولى بی من نفسي.

ای حجت خداوند، اگر ترس از طولانی شدن و سنگینی بر شما نبود، از نوشتن دست بر نمی‌داشتیم... ولی آقای من، ای یمانی آل محمد (ع) سؤالاتی دارم که به غیر از امثال شما کسی به آن پاسخ نمی‌دهند، و شما اهل بیت (ع) می‌توانید پاسخ دهید یا به خاطر نیاز یا مصلحتی به آن پاسخ ندهید، شما ای آقای من بر خودم اولی‌ترید.

أولاً: أسألك بحق الصابر الشديد الصبر الذي صبر أكثر من ألف ومائة وخمسون سنة صلوات الله عليه إلا ما دعوت الله لي أن أكون مناصراً لكم في خروجكم، حاملاً السلاح للذود عنكم،

مقاتلاً من أجل إقامة دولة العدل الإلهي .. فأعلم أنه لا ترد لكم دعوة .. وأنا وأعوذ بالله من الأنا لا أستحق ذلك إلا برحمته ومنه سبحانه وأنتم كرام وأهل الفضل وكل الفضل.

أولاً: شما را به حق "صبرکننده صبرمحکم"، صبری که بیشتر از ۱۱۵۰ سال طول کشید، درخواست می‌کنم برایم دعا کنید تا در خروج‌تان یاور شما باشم، برای حمایت از شما سلاح حمل کنم، و به خاطر اقامه دولت عدل الهی بجنگم... و می‌دانم که دعای شما رد نمی‌شود... و من و پناه به خداوند از منیت، مستحق این نیستم مگر با رحمت و منت خداوند سبحان، و شما کریم و أهل فضل و همه فضل هستید.

ثانياً: أرجو منك يا عيبة علم الله ويا من علمت أنبياء من أولي العزم أن تعلمني ما يسلك بي محاسن الأخلاق الإلهية وما يعرفني ببعض الحقائق لث الخطي إليه سبحانه .. فما خاب من التجأ إليكم يا سادة الخلق وطلب منكم.

ثانياً: ای جایگاه علم خداوند و ای کسی که پیامبران اولوا العزم آموزش دادی، از شما تقاضا دارم آنچه با کمک آن بتوانم محاسن اخلاق الهی را سیر کنم را به من تعلیم دهید و آنچه بتواند مرا با بعضی از حقایق آشنا کند تا بتوانم خود را به سوی خداوند سبحان نزدیک نمایم ... و کسی که به شما پناه می‌آورد و از شما درخواست می‌کند زیان نمی‌بیند، ای آقای آفریده‌ها.

ثالثاً: سؤالي حول وصية رسول الله (ص) ليلة وفاته التي نحتج بها لإثبات حقكم .. أين كانت حينما خرج جدك أبو عبد الله الحسين (صلوات الله عليه) إلى كربلاء؛ لأن بعض الأخبار الواردة عن أجدادك (ع) تقول إن هناك وصية استودعها الحسين (صلوات الله عليه) عند أم سلمه (رضوان الله عليها)، ووصايا استودعها عند فاطمة الكبرى (سلام الله عليها) يوم الطف، فأين كانت الوصية المقدسة لرسول الله محمد (ص) عند خروج الإمام الحسين (صلوات الله عليه) إلى كربلاء؟

ثالثاً: سؤال در مورد وصیت رسول الله (ص) در شب وفاتش است، وصیتی که برای اثبات حق شما به آن احتجاج می‌کنیم... در زمانی که جد شما ابوعبدالله الحسین به سمت کربلا می‌رفت، کجا بود؟ چون بعضی از روایات وارده از اجداد شما (ع) بیان می‌کند که وصیتی وجود داشت که حسین (ع) آن را نزد أم سلمه قرار داد، و در روز طف (و عاشورا) وصیت‌هایی بود که آن را نزد فاطمه کبری (ع) قرارداد، و وصیت مقدسه محمد رسول الله (ص) به هنگام خروج امام حسین (ع) به سمت کربلا کجا بود؟

رابعاً: ورد عن آبائك (صلوات الله عليهم) أنهم قالوا: (فإذا ظهر السفیانی اختفی المهدي ثم يخرج من بعد ذلك).. سيدي يا بن رسول الله (ص)، هل أن الظهور للسفیانی هنا يحمل على معنى الغلبة؟؟ مثل قوله تعالى: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^(۱)؛ لأن الفترة التي كانت تمثل بداية غيبتكم وحيرة الناس سيدي والتي أخبر بها جدك رسول الله (ص) وجدك أمير المؤمنين (صلوات الله عليه) هي بالضبط فترة ظهوره وتمكنه من كل التيارات السياسية التي تنافسه على ملك لم يجعله الله إلا لأهله، فاتبعوا اثر أعداء الأنبياء (ص) بل زادوا أنهم لم تعرف الأرض ناس أشرف منهم .. فسؤالي: هل ممكن الاستدلال على أن إذا ظهر السفیانی الوارد في الخبر على تعيين شخصية السفیانی الأول وهو ...؟

رابعاً: از پدرانتان (ع) وارد شده که فرمودند: (وقتی سفیانی ظهور کند، مهدی پنهان می‌شود، وبعدها از آن خروج می‌کند). آقایم ای فرزند رسول الله (ع)، آیا ظهور سفیانی در این جا را می‌توان بر معنای غلبه حمل کرد؟ مانند فرموده خداوند متعال: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)^(۲) (تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند)؛ آقای من، چون فاصله زمانی که تمثیل کننده آغاز غیبت شما و سرگردانی مردم و امری که جد شما رسول الله (ص) وجدتان امیر المؤمنین (ع) بدان خبر دادند، آن همان زمان ظهورش و غلبه وی بر همه احزاب سیاسی که بر سر ملکی که خداوند جز برای اهلش برای آن‌ها قرار نداده با هم رقابت می‌کنند، و دنباله‌روی دشمنان پیامبران (ع) شدند، بلکه بیشتر از آن، زمین مردمی بدتر از آن‌ها به خود ندید... و سؤال این است: آیا امکان دارد استدلال کنیم که منظور از هرگاه سفیانی که در خبر وارد شده ظهور کند بر تعیین شخصیت سفیانی اول که خودش ... قرار دهیم...؟

خامساً: يا حجة الله في أرضه، ورد في الوصية المقدسة لرسول الله (ص) ليلة وفاته لأمر المؤمنين (ع) هذه الفقرة: (يا علي، أنت وصيي على أهل بيتي حيهم وميتهم، وعلى نسائي فمن ثبتها لقيتني غداً، ومن طلقها فأنا بريء منها، لم ترني ولم أرها في عرصة القيامة)، فسؤالي هو: هل طلقت المرأة التي خرجت على أمير المؤمنين (ع)؟

خامساً: ای حجت خداوند در زمین، در وصیت مقدس رسول الله (ص) در شب وفاتشان به امیر المؤمنین (ع) این مقطع وجود دارد: (ای علی، شما وصیم بر اهل بیتم زنده و مرده آن‌ها و بر زنانم هستید هر کدام از آن‌ها را ثابت نگه داشتی فردا مرا خواهد دید و هر کدام را که طلاق دادی و من از آن مبراء هستم و در عرضه

۱- التوبة: ۳۳.

۲- توبة: ۳۳.

قيامت نه او مرا می بیند و نه من او را، سؤالم این است: آیا زنی که بر امیر المؤمنین (ع) خروج کند طلاق داده شد؟

وفي الختام سيدي أسأل الله سبحانه أن يمكّن لك في الأرض وأن يعجل في يوم خروجك ويسهل الأمر عليك ويقبلني من خدامك ببركة دعائك لي، ويا له من يوم عظيم أن نرى قائم آل محمد أحمد الحسن (صلوات الله عليه) يخاطب العالم من مسجد الكوفة.

آقای من، در پایان از خداوند سبحان می‌خواهم که برای شما در زمین تمکین حاصل کند و روز خروجتان را نزدیک‌تر نماید، و امر را بر شما آسان کند، و به برکت دعای شما، مرا به عنوان خادم شما قبول کند، و چه روز بزرگی است که ببینیم قائم آل محمد احمد الحسن (ع) همه جهانیان را از مسجد کوفه مورد خطاب قرار می‌دهد.

وأنت أولى بي من نفسي. جعلت فداك .. سيدي سامحني يا بن رسول الله (ص)، سامحني يا بن علي بن أبي طالب (ع)، سامحني يا بن الإمام المهدي (ع) على تقصيري بحققكم، فإني والله مقصر بحققكم وأطلب العفو والسماح منكم وأنتم أهل الكرم يا خيرة خلق الله سبحانه.

فدایتان شوم، شما به نفسم اولی‌ترید... آقای من ای فرزند رسول الله (ص)، از من در گذر، ای فرزند علی بن ابی طالب (ع) از من در گذر، ای فرزند امام مهدی (ع) به حَقِّتان از کوتاهی من در گذر، به خدا قسم من در حق شما کوتاهی نمودم، و از شما درخواست بخشش و عفو می‌کنم، و ای بهترین آفریدگان خداوند سبحان، شما اهل بخشش هستید.

ملاحظة: أطلب من إخوتي أنصار الله (جعلني الله خادماً لكم) أن تسلم هذه الرسالة إلى الإمام أحمد الحسن (صلوات الله عليه).

المرسل: زياد - فنلندا

ملاحظه: از برادران انصار الله خود می‌خواهم - خداوند مرا خادم آنان قرار دهد - این نامه را به امام احمد الحسن (ع) تحویل دهند.

فرستنده: زياد - فنلاند

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
 وفقك الله لكل خير وسدد خطاك لما فيه خير الآخرة والدنيا وجعلك الله ممن ينتصر بهم
 لدينه، وجمعنا الله بكم بفضلِه ومَنِّه في الدنيا والآخرة، وأسأل الله لكم النجاة من القادم، وأن
 تكون لكم قدم صدق عند الله مع الحسين(ع) وأصحاب الحسين(ع) في كل زمان، وإن شاء الله
 أنتم بإيمانكم قد أصبتم الخير كله، وإنما فقط أعينونا على أنفسكم وأهوائكم يرحمكم
 الله فأبواب السماء مفتوحة فلا تنشغلوا عنها وفقكم الله.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر انجام هر کار خوبی موفق نماید، و قدم‌هایت را برای چیزی که خوبی آخرت و دنیا در آن
 است محکم کند، و خداوند شما را جزو افرادی قرار دهد که دینش را یاری می‌کنند، و با فضل و منتش ما را
 در دنیا و آخرت با شما جمع کند، از خداوند می‌خواهم که شما را از آن‌چه در حال آمدن هست نجات دهد، و
 اینکه نزد خداوند برای شما به همراه حسین(ع) و یاران حسین(ع) در هر زمانی قدم استواری داشته باشید،
 ان شاء الله شما با ایمان‌تان به همه خوبی رسیدید، ولی فقط به ما بر غلبه بر نفس‌ها و هواهای‌تان کمک
 کنید، خداوند شما را رحمت کند، درب‌های آسمان باز است، از آن چشم‌نپوشید، خداوند شما را موفق کند.

أما بالنسبة لما ذكر في الروايات أو ما يظهر على أرض الواقع، فیرحمكم الله إن علمت لكم
 نفعاً في بيان أمر إن شاء الله أئینه في وقته.

اما در مورد آن‌چه در روایات ذکر شده یا آن‌چه در واقع اتفاق می‌افتد، خداوند شما را رحمت کند، اگر برای‌تان
 در بیان این امر فایده‌ای دیدم، ان شاء الله آن را در وقتش بیان می‌کنم.

أسأل الله لكم النجاة من عذاب الله وأن يوفقكم لنصرة الحق. والسلام عليكم ورحمة
 الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

از خداوند می‌خواهم که از عذاب خداوند نجات پیدا کنید، و شما را برای یاری حق موفق کند. و السلام
 علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ٤٦٧: درخواست دعا برای فرزند بیمار

السؤال/٤٦٧: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، السلام عليك يا سيدي ويا مولاي يا يمانى آل محمد عليك وعليهم أفضل الصلاة والسلام.

سيدي أقسم عليك بواحد أحد وفرد لم يلد ولم يولد أرجو الدعاء إلى طفل مريض بمرض السكري، وأقسمت عليك بمريض كربلاء أن تدعولي يا سيدي ومولاي وأرجو المعذرة على جرأتي يا مولاي ولكن أعرف بأن صدور آل محمد كبيرة. والحمد لله رب العالمين، خادمكم إلى آخر نفس إن شاء الله.

المرسل: أبو محمد - أمريكا

سؤال/٤٦٧: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، سلام بر شما، ای آقایم، و ای یمانی آل محمد بر شما و بر آنان بهترین درودها و سلامها.

آقایم، شما را به خداوند یگانه و یکتا و تنها، خدایی که نه می‌زاید و نه زاده شده قسم می‌دهم، که خواهشا برای کودک مبتلا به بیماری قندی دعا کنید، و ای آقا و مولایم، شما را به بیمار كربلاء قسم می‌دهم که برایم دعا کنید، و مولایم از جراتم معذرت خواهی می‌کنم، ولی می‌دانم که سینه‌های آل محمد (ع) بزرگ است. و الحمد لله رب العالمین، ان شاءالله تا آخرین نفس خادم شما هستم.

فرستنده: أبو محمد - أمريكا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. وفقكم الله لكل خير وجعلكم الله ممن ينتصر بهم لدينه، وأسأل الله أن يمن على مريضكم بما هو أهله هو أهل التقوى وأهل المغفرة. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول/ ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر انجام هرکار خوبی موفق کند، و شما را جزو افرادی قرار دهد که دینش را یاری می‌دهند،
 و از خداوند می‌خواهم که به بیمار شما به آنچه حق اوست منت بپنهد، و اوست اهل تقوی و اهل امرزش
 است. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۶۸: سوالی در مورد روح

السؤال/۴۶۸: بسم الله الرحمن الرحيم

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
 وسلم تسليماً.

السلام عليك سيدي ومولاي إمام أحمد الحسن ورحمة الله وبركاته، صبرك الله أبي الغالي
 على الظلم والجور الذي ملأ البر والبحر وأعانك وأعانا الله الذي لا حول ولا قوة إلا به في نصرتك
 يا ابن رسول الله (ص).

سؤال/۴۶۸: بسم الله الرحمن الرحيم

و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم، اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم
 تسليماً.

آقا و مولایم امام احمد الحسن (ع)، سلام و رحمت و بركات خداوند بر شما، پدر عزیزم، خداوند به شما در
 برابر ستم و جورى که بیابان و دریا را پُر کرده صبر دهد، و ای فرزند رسول الله (ص)، خداوند به شما و به ما
 کمک کند، خداوندی که حول و نیروی برای فردی غیر از او نیست.

ورد في الصحيفة السجادية للإمام زين العابدين (ع) في الصلاة على حملة العرش وكل ملك
 مقرب: (وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ، وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى
 الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ). فإلى ماذا يشير الإمام علي بن الحسين (ع)؟

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: زينب - الإمارات

در صحیفه سجادیه امام زین العابدین (ع) در درود بر حمل کنندگان عرش وهر فرشته نزدیکی آمده است: (روحی که بر فرشتگان حجاب هاست، وروحی که از دستورات توست، بر آنان و بر روحانی های از فرشتگان درود بفرست). امام علی بن الحسین (ع) به چه چیزی اشاره می کند؟
و السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: زينب - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقكم الله لكل خير، هناك كتاب في الروح وفيه تفصيل كثير من الأمور المتعلقة
بمسألة الروح، وإن شاء الله عندما يحين وقته سينشر وتقرؤونه.
ولا تنسوني من دعائكم، سددكم الله ورزقكم خير الآخرة والدنيا.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر انجام هر کار خوبی موفق کند، کتابی در زمینه روح نوشته شده، و در آن تفصیل بسیاری
از مسائل متعلق به روح است، و ان شاء الله وقتی زمانش فرا برسد، منتشر می شود و آن را می خوانید.
و مرا از دعای تان فراموش نکنید، خداوند شما را محکم نماید و به شما خوبی آخرت و دنیا روزی دهد.
و السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۶۹: ادامه دادن در حوزه علمیه و تدریس در آن

السؤال/۴۶۹: بسم الله الرحمن الرحيم

وبه نستعين، وله الحمد أولاً وآخراً، والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعترته الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وبعد.. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، السلام على يمانى آل محمد، السلام على ابن بقرية الله في أرضه وحجته على عباده.

سؤال/۴۶۹: بسم الله الرحمن الرحيم

از وی مدد می‌جویم و شکر اول و آخر برای اوست و سلام و درود بر برترین خلقت حضرت محمد و خاندان پاکش از ائمه و مه‌دیین باد.

و بعد... سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، سلام بر یمانی آل محمد(ع)، سلام بر بقية الله در زمينش و حجتش بر بندگان.

سيدي، فخرألي أن أكتب إلى مقامكم، من العدم والظلمة والعصيان إلى نور الوجود الأبهى، إلى من تعلقت به قلوب المؤمنين، إلى سر الله المكنون. سيدي، والله إنني لأستحي أن أخاطبكم ولكن لا حيلة لي إلا ذلك، ولدي أسئلة فأرجو جوابها:

آقایم، برایم مایه افتخار است که برای‌تان می‌نویسم، از سوی فردی که وجودش عدم و تاریکی و گناه است به سوی فردی که وجودش نور وجود با ارزش است، خطاب به کسی که دل‌های مومنین گریبان وی شده، به کسی که راز پنهان خداست، آقای من به خدا قسم، خجالت می‌کشم که شما را مورد خطاب قرار می‌دهم، ولی چاره‌ای جز این ندارم، سؤالاتی دارم که امیدوارم به آن پاسخ دهید:

أولاً: إنني ممن آمن بدعوتكم وفخر لي عظيم وأدرس إلى الآن في الحوزة ولكن من دون قناعة في ذلك؛ لأنني سئمت من أخلاق الطلبة، ولعدم وجود العلوم المفيدة ووجودي فيها لإسقاط الفرض، ولأجل الراتب المشؤوم المذل للطلبة، وكذلك لأبعد الشبهة عني في الحوزة وفي المنطقة، فماذا يشير عليّ سيدي، هل أبقى أو لا؟

أولاً: من جزء افرادی هستم که به دعوت شما ایمان آوردم و برایم افتخار بزرگی است، و تا الان در حوزه مشغول هستم، ولی به آن قانع نیستم، چون از اخلاق طلبه‌ها و علوم مفیدی که در آن وجود ندارد، و به این

خاطر حقوق شوم و خوارکننده طلبه‌ها، خسته شده ام، و هم‌چنین شبهه از خودم در حوزه و منطقه دور کنم، آقايم به چه چیزی راهنمايم می‌کنيد، آیا باقی بمانم یا خير؟

ثانياً: كثيراً ما يسألني الناس عن الأحكام وأجيب على ما هو المتعارف في الرسائل العملية ولكن أخاف أن يكون ذلك مخالفاً لما هو موجود في كتاب شرائع الإسلام، فما المخرج سيدي؟
ثانياً: بیشتر اوقات مردم در مورد احكام از من سؤال می‌کنند و به چیزی که در رساله‌های عملیه متعارف است پاسخ می‌دهم، ولی می‌ترسم که مبادا این مخالف آن چه در کتاب شرايع الاسلام وجود دارد باشد، آقايم راه حل چیست؟

ثالثاً: يطلب مني بعض الطلبة تدريسهم الأصول أو العلوم العقلية وأتهرب من ذلك خوفاً من مخالفتكم سيدي؟

ثالثاً: بعضی از طلبه‌ها از من می‌خواهند که به آن‌ها اصول و علوم عقلیه آموزش دهم و بنده به خاطر ترس از مخالفت شما از آن فرار می‌کنم؟

وأخيراً وهو الأهم أرجو منكم سيدي يا بن بقية الله دعاء في صلاح آخرتي ودياي فإن لكم عند الله الجاه العظيم والمنزلة الرفيعة بحق من استأمنكم سره. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: روح الحق - العراق

در آخر و از همه مهم‌تر امیدوارم آقاي من، ای فرزند بقیة الله، به حق فردی که شما را بر رازش امین شمرده، دعایی در صلاح آخرت و دنیای من کنید، شما نزد خداوند آبروی زیاد و منزلت رفیعی دارید، و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: روح الحق - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

وفقكم الله لكل خير، اجتنبوا الباطل وأهله وعلى الله توكلوا ولن يضيعكم وهو الرؤوف الرحيم.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.
خداوند شما را بر انجام هر کار خوبی موفق کند، از باطل و اهل آن دوری کنید، و بر خداوند توکل کنید، خداوند شما را ضایع نمی‌کند، او مهربان و بخشنده است.

وفقك الله الإنسان يسأل عن عمره فيما أفناه فلا تضيع وقتك مع هؤلاء بل اعكف على قراءة ما روي عن أهل البيت (ع) في بيان الحق والقرآن.

خداوند شما را موفق کند، از انسان در مورد عمرش که در چه راهی صرف کرده سؤال می‌شود، وقت خودت را با این افراد ضایع نکن، بلکه بر خواندن آن چه که از اهل بیت (ع) در بیان حق و قرآن روایت شده بنشین مطالعه کن.

أما حاجتك المادية فيمكنك أن تتصل بالأنصار وتأخذ من بيت المال راتباً، باعتبار أنك طالب علم ومتفرغ لهداية الناس، وأسأل الله أن يجعل فيه بركة لك ويغنيك بالحق عن الظالمين. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

اما در مورد نیاز مادیات می‌توانی با انصار ارتباط برقرار کنی و از بیت‌المال حقوقی را دریافت کنی، از این جهت که شما طالب علم هستی و خودت را برای هدایت مردم آزاد نمودی، و از خداوند می‌خواهم که در آن برکتی به شما دهد و شما را به واسطه حق از ستم‌گران بی‌نیاز کند. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.
أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۷۰: درخواست مشورت برای ادامه درس خواندن

السؤال/۴۷۰: بسم الله الرحمن الرحيم

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

إلى الإمام أحمد الحسن (ع) مكن الله له في الأرض وعجل فرج محمد وآل محمد (ع).

سؤال / ٤٧٠: بسم الله الرحمن الرحيم

و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم. اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم
تسليماً.

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

خطاب به امام احمد الحسن (ع) كه خداوند ايشان را در زمين تمكين دهد و فرج محمد و آل محمد (ع) را
نزديك كند.

سيدي ومولاي، بعد أن عرفني الله الحق بمنه وفضله لا باستحقاق مني.. ملأت هذه الدعوة
جوارحي وصرت لا أفكر إلا فيها.. لا أنسى- فضل الله أبدأ في إدخالها بهذه الدعوة وأن أرسلك لنا
لتخرجنا من الظلمات إلى النور.. أسأل الله سبحانه أن يعجل تمكينك يا مولاي بأسرع وقت، بل
الآن.

آقا و مولای من، بعد از این كه خداوند با منت و فضلش حق را به من شناساند، نه با استحقاق من... این
دعوت تمام وجودم را فراگرفته بطوری كه جز به آن به چیزی دیگر فكر نمی كنم. فضل خداوند را به سبب
ادخالم در این دعوت را فراموش نمی كنم، و این كه شما را فرستاد تا ما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون...
مولای من، از خداوند می خواهم تا در تمكين شما در سریع ترین وقت تعجيل كند، بلکه الان اتفاق بیفتد.

محتاجه دعاءك يا والدي العزيز أن يغفر الله لنا تقصيرنا في التبليغ بدعوته ويغفر لنا
خطايانا..

پدر عزیزم، به دعای شما نیازمندم به این كه خداوند کوتاهی ما را در تبلیغ دعوتش ببخشد و اشتباهات ما
را ببوشاند....

أرسلت لك هذه الرسالة لكي أكمل مسيرتي في أن أضع كل ما عندي في خدمة هذه الدعوة.. فالآن أنا والعياذ بالله من نفسي- في الصف الثاني عشر وسأخرج إن شاء الله بعد نصف سنة تقريباً..

این نامه را برای شما فرستادم تا راهم را با و گذاشتن هر چیزی که دارم در خدمت این دعوت، کامل نمایم. و من و پناه بر خدا از من در حال حاضر، در کلاس دوازدهم هستم، و ان شاء الله بعد از تقریباً یک نیم سال درسم به اتمام می‌رسد...

فأحبت أن أسألك يا مولاي ما هو المجال الذي تريدني أن أدخل، أي شيء تريد فمشيئتك هي مشيئة الله.. وأسأل الله أن يجعل قلوبنا أوعية لمشيئته.. ولا يسعني إلا أن أتشرف بخدمتكم وأتمرغ بالتراب الذي تطأه أقدامكم.. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسله: زينب - الإمارات

ای مولای من، دوست دارم که از شما بپرسم: دوست دارید وارد چه مقطعی (رشته‌ای) شوم؟ چه چیزی می‌خواهید، که خواسته شما همان خواسته خداست... و از خداوند می‌خواهم که دل‌هایمان را ظرف‌هایی برای خواست خودش قرار دهد... و در توانم نیست که در خدمت شما باشم و خاکی که قدم‌هایتان بر آن رفته را ببوسم... و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: زينب - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير وسدد خطاك لما يرضيه سبحانه وتعالى.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند، و قدم‌هایت را برای آن‌چه مورد خشنودی خداوند سبحان و متعال است محکم کند.

بالنسبة لدراستك وفقك الله فالأفضل أن يكون المكان الأقرب إلى عائلتك لتكوني بينهم
سدد الله خطاك، والمؤمنون أو المؤمنات يمكنهم أن يخدموا دين الله وأن يكونوا ممن يحمل

الرسالة الإلهية للناس مهما كان اختصاصهم الدنيوي، وأرجو أن لا تنسيني من دعائك وفقك الله.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ١٤٣١ هـ

خداوند شما را موفق کند، در مورد درست بهتر است که مکان به خانواده‌ات نزدیک باشد تا در کنار آنان باشی، خداوند قدم‌هایت را استوار کند، و مردان و زنان مومن می‌توانند به دین خداوند خدمت کنند، و از کسانی باشند که رسالات الهی را به‌سوی مردم حمل می‌کنند، با توجه به توانایی دنیایی که دارند، خداوند شما را موفق کند، مرا از دعایت فراموش نکن. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٧١: چند سوال در مورد خلقت و جهان

السؤال/٤٧١: السلام عليكم إخواني أنصار الله.

أود طرح بعض الأسئلة للسيد فهو الكريم ابن الكريم. السلام على آل محمد السلام على اليماني.

الأسئلة العلمية:

سؤال / ٤٧١: برادران أنصار الله سلام عليكم.

دوست دارم بعضی از سؤالات را از سید(ع) بپرسم، که ایشان بخشنده و فرزند بخشنده است. سلام بر آل محمد، سلام بر یمانی.

سؤالات علمی:

١- هل الأرض مسطحة أم كروية، وهل الشمس والقمر بنفس الحجم، وهل هناك شمس واحدة وقمر واحد أم عدة منها، وكيف يكون في مكان ما نهار وفي مكان ليل، وأيضا الفصول

الأربعة ما تفسيرها، والمد والجزر، وإذا كانت الأرض مسطحة فما تفسير الأفق حيث نراه كروي، وهل السطح ممدود إلى ما لا نهاية أم له حد، وما تفسير رحلات الطائرات من جهة إلى جهة حول الكرة كما يزعمون أم هذا ليس صحيحاً ولا أحد يحلق هناك؟

۱- آیا زمین مسطح است یا کروی، و آیا خورشید و ماه به یک اندازه هستند، و آیا خورشید یکی است و ماه یکی است، یا چند مورد هستند، چگونه است که در مکانی روز و در مکانی دیگر شب است، همچنین تفسیر فصل‌های چهارگانه چیست، و تفسیر مد و جزر چیست، و اگر زمین مسطح است تفسیر افق چیست وقتی آن را کروی می‌بینیم، و آیا سطح تاحدی بی‌نهایت کشیده‌شده یا حدی دارد، و تفسیر سفر هواپیماها از یک جهت تا جهت دیگر دور کره همان‌طور که اذعان می‌کنند، چیست؟ یا این صحیح نیست و هیچ کس در آن‌جا پرواز نمی‌کند؟

۲- هل الماء الذي نشربه اليوم وهو يحتوي على أملاح معدنية مثل البوتاسيوم والفلورايد واليود وغيرها هل هذه العناصر من مكونات الماء حقاً أم أنها تضاف إليها وهي سموم شيطانية يضعها شياطين الإنس والجن عمداً؟

۲- آیا آبی که امروزه می‌نوشیم که خود حاوی املاح معدنی مانند پتاسیم و فلوراید و سدیم و غیره است، آیا این عناصر واقعا از مكونات آب هستند یا این که به آن اضافه شده‌اند و سم‌های شیطانی هستند که بطور عمد توسط شياطين انسان و جن به آن اضافه می‌شود؟

۳- هل هناك كريات دم بيضاء وحمراء وكرموزومات وحيوانات منوية وبويضات وجراثيم وميكروبات وبكتيريا وفيروسات، أم أنها كلها أكاذيب وهناك آليّة أخرى وحقائق أخرى لهذه الوظائف الحيوية أو الأشكال؟

۳- آیا گلبول‌های سفید و قرمز و کروموزوم و اسپرم‌ها و تخمک‌ها و میکروب‌ها و باکتری و ویروس‌ها وجود دارند و یا همه این‌ها دورغ هستند؟ و وسیله دیگر و حقایق دیگری برای این وظایف نشاط و یا اشکال وجود دارد؟

۴- هل هناك دورة دموية في الجسم أم أنها ليست دورة بل شيء آخر كأن يكون ضخ وإرسال أو ارتفاع منسوب؟

۴- آیا یک جریان خونی در جسم وجود دارد یا آن جریان خونی نیست بلکه چیز دیگری همانند پمپاژ و یا افزایش سطح وجود دارد؟

٥- هل التلفزيون يعمل في الاتجاهين بمعنى أنه يبث داخل المنزل وأيضاً يصور ويبث الإرسال والصورة للمحطة التلفزيونية؟

٥- آیا تلوزیون در دو جهت عمل می کند بدان معنا که در منزلی پخش می شود و همچنین فیلم برداری می شود و تصویر را به ایستگاه تلوزیون ارسال می کند؟

٦- هل سيكون هناك شيء في عام ٢٠١٢ ويوجد كوكب يسمي نيبورو أو كوكب أكس، ومتى سيظهر ليس من باب التوقيت ولكن من باب الحساب الرياضي؟

٦- آیا در سال ٢٠١٢ چیزی خواهد بود و سیاره ای به نام نیپورو یا سیاره ای ایکس وجود دارد، و چه زمانی آشکار می شود، نه از باب وقت تعیین کردن بلکه از باب حساب ریاضی؟

٧- هل القبقب (سرطان البحر) حلال أم حرام، وماذا عن أم الروبيان (وهو روبيان كبير ذو قشور صدفية)؟

٧- آیا صدف دریایی (خرچنگ دریایی) حلال یا حرام است، در مورد أم الروبيان^(١) (و آن روبيان بزرگ که دارای صدفی هاست)؟

٨- هل يمكن التنقل في الزمن كأن يعود المرء ويمنع قتل الحسين(ع)، أو هل ممكن السفر إلى المستقبل؟ وهل يمكن أن يفعل شيئاً أم فقط يراقب ويرى؟

٨- آیا سفر در زمان ممکن است، مانند این که فردی بازگردد و از کشتن حسین(ع) جلوگیری کند، یا سفر به آینده امکان دارد؟ و آیا می توان کاری انجام داد یا فقط نگاه و نظاره می کند؟

٩- يقال إن هناك عضواً في الإنسان إذا ترسب عليه الفلورايد فإنه يمنع الإيمان بالله والغيبات فهل هذا صحيح؟ وهل هذا هو سبب خلط الماء بالفلورايد؟

٩- گفته می شود که در انسان عضوی وجود دارد که اگر فلوراید در آن نفوذ کند آن از ایمان به خدا و غیبیات جلوگیری می کند، آیا این صحیح است؟ و آیا این به علت مخلوط شدن آب با فلوراید است؟

١ - گونه ای خرچنگ دریایی است. (توضیح مترجم)

۱۰- کیف ممکن اثبات وجود الله لشخص ملحد أو مادي؟

۱۰- چگونه می‌توان وجود خداوند را برای فرد ملحد یا مادی اثبات کرد؟

۱۱- هل الحمض النووي يحتوي على أسرار عالم الإنسان وحقيقته، وهل هو كامل أم ناقص، وما الذي سبب الخلل فيه؟ وكيف يمكن فك الشفرات فيه والتعلم منه؟

۱۱- آیا هسته‌ی اتمی در بردارنده رازهای عالم انسان و حقیقت آن است، و آیا کامل یا ناقص است، و دلیل خلل موجود در آن چیست؟ چگونه می‌توان لایه‌های موجود در آن را باز کرد و از آن آگاهی کسب کرد؟

۱۲- هل باشر آباؤك (ع) أو المهديون الخلق بأيديهم (خلق السماء والبشر وغيرها)؟

ولكم الشكر الجزيل.

المرسل: مسلم أنصاري

۱۲- آیا پدران یا مهدیین(ع) با دستان خودشان خلقی مانند (آفریدن آسمان و بشر و غیر آن را) آفریدند، از شما تشکر می‌کنم.

فرستنده: مسلم أنصاری

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير بالنسبة لأمر كروية الأرض وما يتعلق بالفلك والفيزياء والكيمياء
كتركيب بعض العناصر أو ما يتعلق بعلم الحياة فهذه أكثرها أمور تجريبية ملموسة ومرئية،
فهي ليست نظريات يُسأل عنها إن كانت واقعية أم لا.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شمارا برای انجام هر کار خوبی موفق کند، در مورد اموری مانند کروی بودن زمین و آنچه به فلک
مربوط است و فیزیک و شیمی، مانند ترکیب بعضی از عنصرها یا آنچه مربوط به علم زیست شناسی، همه
این‌ها امور تجربی و ملموس و قابل دیدن هستند، و نظریاتی نیست که در مورد آن بررسی که واقعی است یا
خیر.

أما نسب المعادن في جسم الإنسان فنعم هي مؤثرة وبشكل كبير على سلوكه ونفسه وأيضاً لها تأثير على انكشاف بعض الأمور الغيبية للإنسان.

أما به نسبت معادن موجود در جسم انسان، بله آن‌ها به شکل بزرگ بر رفتار و خوی انسان موثر هستند، و هم‌چنین تأثیری بر روشن شدن بعضی از مسائل غیبی برای انسان دارند.

أما حدوث حدث على الأرض ونزول عذاب بأهل الأرض فهذا أمر قد أنذرت منه ويفعل الله ما يريد، فله الأمر من قبل ومن بعد، وسواء كان هذا العذاب سببه اقتراب كوكب أو أن يصدم الأرض نيزك أو كويكب أو أي أمر كوني آخر، فهذا أمر الله وهذا هو الطوفان الثاني الذي ربما يسبب هلاك معظم أهل الأرض، ويفعل الله ما يشاء، أما موعد عام ٢٠١٢ فأقول لك ربما يكون أقرب من هذا بكثير، والله الأمر من قبل ومن بعد.

اما در مورد حدوث حادثه‌ای بر زمین و آمدن عذابی برای مردم زمین، این مسئله‌ای است که نسبت به آن انذار دادم و خداوند آن‌چه را بخواهد انجام می‌دهد، و امر از قبل و بعد در اختیار اوست، خواه این عذاب به خاطر نزدیک شدن سیاره یا این که با زمین شهاب سنگی یا سیاره‌ای برخورد کند، یا امر آسمانی دیگری باشد، و این امر خداوند است و این طوفان دومی که بیشتر مردم در آن می‌میرند، و خداوند آن‌چه را می‌خواهد به انجام می‌رساند، اما وعده‌ی سال ٢٠١٢ به شما می‌گویم شاید خیلی از آن نزدیک‌تر باشد، و امر قبل و بعد برای خداست.

ج س ٧: السرطان يحرم أكله، أما الروبيان فيجوز أكله.

ج س ٧: خرچنگ خوردنش حرام است، أما خوردن روبیان جایز است.

ج س ١٠: لو أنك دخلت إلى مكانين فيهما شجر، ووجدت أحدهما قد غرست به الأشجار المثمرة بصور منظمة على شكل مجموعات وفي أسطر مستقيمة، والثاني وجدت أن فيه أشجار متنوعة مختلطة مع بعضها ومغروسة بصورة عشوائية، فأنت ستحكم على الأول أنه بستان ونظمته قوة عاقلة، والآخر غابة لا يوجد إنسان عاقل قام بتنظيم غرس الأشجار فيها والتحكم بالأنواع المغروسة.

ج س ١٠: اگر شما وارد دو مکان شوی که در آن درخت وجود دارد، و در یکی از آن‌ها دیدی که در آن درختان میوه‌دار به صورت منظم و به شکل مجموعه‌ای و در یک خط مستقیم کاشته شده‌اند، و در دومی دیدی که در آن درختان متنوع که بعضی از آنان با بعضی دیگر مخلوط شده و به صورت پراکنده کاشته

شده‌اند، و شما در مورد اولی حکم می‌کنی که آن باغ است و یک نیروی عاقلی به آن نظم داده‌است، و دیگری جنگلی است که انسان عاقلی وجود نداشته که در منظم کردن درختان و تحکم در انواع درختان کاشته‌شده دست زده‌باشد.

والآن انتقل إلى الأرض لتجد فيها معظم المياه العذبة متحركة، ولو كانت ساكنة ملأتها الأوبئة والحشرات والعفونة، ولكن من الصعب الاستفادة منها إن لم تستحيل، وأما المياه التي تجمعت في تجمعات كبرى ساكنة على الأرض، مثل المحيطات والبحار، فتجدها مالحة ولو كانت عذبة ملئت بالأوبئة والأمراض ولكانت سبباً لهلاك أهل الأرض.

الآن به زمین منتقل شو که در آن بزرگ‌ترین آب‌های گوارای متحرک خواهی یافت، و اگر بی‌حرکت بودند از بیماری‌ها و حشرات و عفونت‌ها پُر می‌شد، و استفاده از آن سخت می‌شد اگر جریان نبودند؛ اما آب‌هایی که در جایگاه‌های بزرگ به صورت ساکن جمع شده‌اند، مانند اقیانوس‌ها و دریاها؛ آن‌ها را شور خواهی یافت و اگر گوارا و شیرین بودند از بیماری‌ها و دردها پُر می‌شد و باعث هلاک مردم زمین می‌شد.

انظر إلى تركيبة الغلاف الجوي، وكيف أتقن بصورة تحمي أهل الأرض من الإشعاعات الكونية، ولو لم يكن كذلك لأهلكت الإشعاعات الكونية أهل الأرض. انظر وانظر ... ستجد كل شيء منظم وبدقة وبقدر، هل يوجد إنسان يحترم عقله يقول إن هذا أمر عشوائي، أم إن هناك قوة حكيمّة مطلقة هي التي وضعت هذا النظام الدقيق؟ أعتقد أن هذا يكفي لمن يحترم عقله ولا يريد الاستمرار في التكبر على خالقه سبحانه. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ۱۴۳۱ هـ

به ترکیب پوسته جوی نگاه کن که چگونه به صورت استوار ساکنان زمین را از پرتوهای جوی حمایت می‌کند، و اگر این گونه نبود پرتوهای جوی ساکنان زمین را نابود می‌کردند. نگاه کن و نگاه کن... که همه چیز را منظم و دقیق و یک اندازه خواهی یافت، آیا انسانی که به عقلش احترام می‌گذارد یافت می‌شود که بگوید: که این امر بی‌هدف است، یا این که یک قدرت حکیم مطلق وجود دارد که این نظام دقیق را به وجود آورده‌است؟ فکرکنم این مقدار برای فردی که به عقلش احترام می‌گذارد و نمی‌خواهد تکبر نسبت به آفریننده سبحان را ادامه دهد کافی باشد. و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ٤٧٢: منظور از (عزائم الجان) چیست؟

السؤال/٤٧٢: بسم الله الرحمن الرحيم

ما المقصود (بعزائم الجان) الوارد بدعاء التاج؟؟ والله وليي وهو يتولى الصالحين، والسلام ختام.

المرسل: حسين - الكويت

سؤال /٤٧٢: بسم الله الرحمن الرحيم

مقصود (از عزائم الجان) که در دعای تاج آمده چیست؟ خداوند ولی من است و اوست که ولی شایستگان است، و السلام نامه تمام.

فرستنده: حسین - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

عزائم الجان أو الجن عموماً هي أذكار، ومنها مثلاً آية السخرة، قال تعالى: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^(١).

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين.

منظور از "عزائم جان" یا بطور کلی جن همان ذکرها هستند، یکی از آنها آیه سخره است، خداوند متعال می فرماید: (همانا پروردگار شما خداوندی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز سپس پرداخت به

عرش می‌پوشاند (فرامی‌گیرد) شب را به روز که در پی آن است به شتاب و مهر و ماه و ستارگان مسخّرنند به فرمانش همانا او راست آفرینش و امر بزرگ است خداوند پروردگار جهانیان^(۱).

أحمد الحسن - جمادی الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۷۳: درمان برخی از بیماری‌ها و کابوس‌ها

السؤال / ۴۷۳: بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على خير المرسلين محمد وآله الأئمة والمهدين الطيبين الطاهرين.

وبعد أن نخصك بالتحية والإكرام نشكو إليك الحال.

سؤال / ۴۷۳: بسم الله الرحمن الرحيم

و سلام و درود بر خدا به بهترین فرستنده‌گان حضرت محمد و آله و ائمه و مهديين پاكان

بعد از این که تحیت و اكرام تقدیم شما بكنیم، از حال خودم به شما شكایت می‌كنم.

أنا امرأة أعاني من الضغط والسكر والكولسترول العالي وآلام حادة في الركب والمفاصل،
كما أنني أعاني من ضعف في عصب الساقين فيعتريني ارتجاف أثناء وقوفي فلا أستطيع أداء صلاتي
وقوفاً.

من خانمی هستم که از فشار و بیماری قندی و کلسترول بالا و دردهای سخت در زانو و مفاصل رنج می‌برم،
همان‌طور من از ضعف در اعصاب پاها هم رنج می‌برم که به هنگام ایستادن ارتعاشی به من دست می‌دهد و
نمی‌توانم نماز را به‌صورت ایستاده ادا کنم.

كما أن الأحلام المزعجة تراودني بشكل مستمر، فأرى نفسي في مكان تنطفئ فيه الأضواء
وأستمر في الصراخ فيسمعني أبنائي ويحاولون إيقاظي إلا أنني أبقى محتبسة في أحلامي إلا أن يمن
عليّ الله واستجيب لنداء أبنائي.

همان طور که خواب‌های ترسناک دائماً مرا اذیت می‌کند، خودم را در مکانی می‌بینم که هیچ نوری در آن نیست، و به فریادزدن ادامه می‌دهم و فرزندانم می‌شنوند و سعی می‌کنند که مرا بیدار کنند، ولی من در خواب باقی می‌مانم، مگر این که خداوند بر من منت گذارد تا صدای فرزندانم را پاسخ دهم.

فأرجو منك يا سيدي نائب الإمام أن تمن عليّ بما وهبك الله من علم فتعالجني. كما أرجو منك الجواب الصريح: هل لي من علاج عندك؟ والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: خادمة أهل البيت - الكويت

ای آقایم و ای نائب امام، از شما می‌خواهم به واسطه علمی که خداوند به شما داده به من منت گذاری و مرا درمان نمایید. همان‌گونه که از شما پاسخ صریح می‌خواهم: آیا درمانی برایم نزد شما وجود دارد؟ و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: خادمة أهل البيت - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

وفقك الله لكل خير اقرني آية الكرسي قبل النوم سبع مرات، واقرني آية السخرة سبع مرات في اليوم، وهي: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي - اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.

خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند، قبل از خواب آیه‌الکرسی را هفت بار بخوان، و آیه سخره را در روز هفت بار بخوان، و آن این است: (همانا پروردگار شما خداوندی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز سپس پرداخت به عرش می‌پوشاند (فرامی‌گیرد) شب را به روز که در پی آن است به شتاب و مهر و ماه و ستارگان مسخرند به فرمانش همانا او راست آفرینش و امر بزرگ است خداوند پروردگار جهانیان).

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۷۴: چند سوال عقائدى

السؤال / ۴۷۴: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام على بقية آل محمد (ع). أرجو الله أن يكون مولاي بخير وعافية وأسأله الفرج لآل محمد (ص) عاجلاً عاجلاً إنه كريم مجيب.

سؤال / ۴۷۴: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

سلام بر بقیه آل محمد (ع). از خداوند می‌خواهم که مولایم در خوبی و سلامتی باشد، و از خداوند فرج خیلی زود و زود برای آل محمد (ع) درخواست می‌کنم، خداوند کریم و پاسخ‌گوست.

سیدی، أسأل الله أن يغفر لي تفريطي في جنبه وأن يتوب عليّ من تقصيري في حقكم عليّ.

آقای من، از خداوند می‌خواهم که زیاده روی مرا در کنارش ببخشد، و توبه مرا در کوتاهی من در حق شما بپذیرد.

تحدث أخونا محمد الصوفي إلى عدد من الأخوان في خصوص إنشاء "بيت مال" في كندا، على غرار ما سبق به بعض الأخوة في بعض البلدان الغربية، يخصص عائده لنشر الدعوة المباركة ومساعدة المحتاج. وقد كلفني أخي أن أكتب إليكم في طلب الإجازة.

برادر ما محمد صوفی به چند نفر از برادران مان در مورد ایجاد بیت‌المال در کانادا سخن گفت، بر اساس کاری که بعضی از برادران در کشورهای غربی انجام دادند، و سود آن برای نشر دعوت مبارک و کمک به نیازمند اختصاص داده‌شود. و برادرم مرا مکلف نموده تا برای دریافت اجازه به شما نامه‌ای بنویسم.

ولدي سيدي بعض الأسئلة فيما يلي:

پدرم و آقايم، بعضی از سؤالات اين است:

١- العالم الجسماني هل فيه متسع للتصحيح والتوبة أم هو تحصيل حاصل لعالم الذر، وفي الفرضين إلى أي حد هو كذلك؟

١- آیا در عالم جسمانی مجال تصحيح و توبه وجود دارد يا تحصيل حاصل عالم ذرّ است، و در هر دو فرض تا چه حدی است؟

٢- عندما قيل لنبي الله يعقوب (ع) إن ابنك سرق .. قال: بل سولت لكم أنفسكم أمراً، ماذا قصد بقوله وقد كان في هذا الحدث بشارة رجوع يوسف (ع)؟

٢- وقتی به پیامبر خدا يعقوب (ع) گفته شد: فرزندت دزدی کرد... فرمود: نفس شما، مسئله را چنین در نظرتان آراسته است!، منظور از سخن ایشان چه بود، و آیا در این حادثه بشارت بازگشت يوسف (ع) بود؟

٣- ﴿وَيَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ﴾^(١) .. التعريف على أي وجه؟

٣- (و آنها را در بهشت که اوصاف آن را برای آنان بازگو کرده وارد می کند)^(٢) تعریف به چه وجهی است؟

٤- ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولاً﴾^(٣) ما معناها؟

٤- (انسان بدی ها را طلب می کند آن گونه که نیکی ها را می طلبد؛ و انسان، همیشه عجل بوده است!)^(٤) معنای آن چیست؟

٥- ﴿فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ﴾^(٥) من هو الإنسان في هذه السورة، هل الكامل أم الجهل؟

١- محمد: ٦.

٢- محمد: ٦.

٣- الإسراء: ١١.

٤- اسراء: ١١.

٥- الطارق: ١٠.

۵- (و برای او هیچ نیرو و یاوری نیست!)^(۱) انسان در این سوره کیست، آیا همان انسان کامل است یا نادانی است؟

ولدي مسائل خاصة:

۱- هل النسب التالي صحيح:

(فهو الشيخ السلطان عبد الله بن محمد الباقر (الذي قدم إلى السودان من مكة المشرفة) بن السيد علي المدني (المتوفى بالمدينة المنورة في عام ۸۸۹هـ) بن شهبان الحسيني الجميلي بن عمران بن علي نور الدين بن محمد وفا أبو العباس (المتوفى في مصر عام ۷۶۸هـ) بن علي نور الدين بن السلطان حسين أبو علي بن السلطان حسن الأكبر بن الإمام علي المكي بن السيد إبراهيم (المتوفى في المغرب) بن الزاهد أبي القاسم محمد بن أبي بكر بن إسماعيل الذهبي بن عمر بن علي الفاسي بن عثمان بن حسين الأنور بن محمد الحسيني بن موسى بن يحيى بن عيسى- ابن علي بن محمد التقي بن حسن بن جعفر التواب بن الإمام علي الهادي بن محمد الجواد بن الإمام علي الرضا بن الإمام موسى الكاظم بن الإمام جعفر الصادق بن الإمام محمد الباقر بن الإمام علي زين العابدين بن الحسين بن علي بن أبي طالب.

و سؤالات خاصی دارم:

۱- آیا نسب زیر صحیح است:

(و ایشان شیخ سلطان عبد الله بن محمد باقر "فردی که از سودان به مکه مشرفه آمد" بن سید علی مدنی "فردی که در مدینه منوره و سال ۸۸۹هـ وفات یافت") بن شهبان حسینی جمیلی بن عمران بن علی نور الدین بن محمد وفا أبو العباس "فردی که در مصر و سال ۷۶۸هـ وفات یافت" بن علی نور الدین بن سلطان حسین أبو علی بن سلطان حسن اکبر بن امام علی مکی بن سید ابراهیم "فردی که در مغرب وفات یافت" بن زاهد ابي القاسم محمد بن ابي بكر بن إسماعيل ذهبي بن عمر بن علي فاسي بن عثمان بن حسين أنور بن محمد حسيني بن موسى بن يحيى بن عيسى ابن علي بن محمد تقى بن حسن بن جعفر تواب بن امام علي هادي بن محمد جواد بن امام علي رضا بن امام موسى كاظم بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام علي زين العابدين بن حسين بن علي بن أبي طالب(ع).

وهذا النسب منقول عن وثيقة السيد محمد الطاهر بن الأمين العبدلابي يقدر تاريخ كتابتها إلى أكثر من ۱۵۰ عام وهي منقولة عن نسب قديم كتب قبل أكثر من ۴۰۰ عام ولدي نص تلك

الوثيقة وأبناء عم الشيخ عبد الله وهم عائلة الشريف في فلسطين ارتحلوا من مكة أيضاً). انتهى النسب وأسأل لأنه النسب الذي يدعيه "العبدالاب" وهم أجدادي، وهناك رواية أخرى تنتهي إلى عبد الله بن عباس هي المشهورة.

این نسب از سند سید محمد طاهر بن امین عبدالابی نقل شده که تاریخ نوشتن آن به بیشتر از ۱۵۰ سال می‌رسد و آن از نسب قدیمی نقل شده که قبل از بیشتر از ۴۰۰ سال نوشته شده است، و نزد من متن آن سند است، و فرزندان عموی شیخ عبدالله که آنها از خانواده شریفی در فلسطین هستند که نیز از مکه کوچ نمودند، نسب به اتمام رسیده است، و سؤال می‌کنم: چون این نسبی است که عبدالاب آنرا ادعا می‌کند، و آنان اجداد من هستند، و روایت دیگری وجود دارد که به عبدالله بن عباس می‌رسد و آن مشهور است.

٢- أعاني من علة مزمنة فشلت كل أسبابي في معرفة أصلها وبالتالي معالجتها أسألك الدعاء أن يشفيني الله منها.

٢- من از علت مزمنی رنج می‌کشم، و همه اسباب من در شناخت اصل آن شکست خورده و در نتیجه درمان آنرا بفرمایید، از شما می‌خواهم که دعا نمایید که خداوند مرا از این بیماری شفادهد.

٣- توفي والداي على مذهب السنة ولا أستطيع إلا أن أدعو لهما ولجدي التي لها فضل علي يعلمه الله، وأجد في ذات الوقت حرجاً في ذلك .. هل علي حرج في الدعاء بالمغفرة لهؤلاء الثلاثة.

٣- والدین من بر مذهب اهل سنت از دنیا رفتند، و کاری جزء دعا نمی‌توانم برای آنها و برای مادربزرگم که فضلی از او برگردنم است که خدا آنرا می‌داند بکنم، و در عین حال و به خاطر آن سختی می‌بینم... آیا با دعا کردن برای آمرزش این سه فرد ضرری به من می‌رسد؟

فَرَجَ اللَّهُ عَنْكُمْ بِحَقِّ آبَائِكُمُ الطَّاهِرِينَ وَجَعَلَ فَرَجَنَا مِنْ فَرَجِهِ عَلَيْكُمْ .. وَأَسْأَلُكُمْ مَوْلَايَ دَعَاءَ كَمُ الَّذِي طَلَمَّا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ، فَادَعِ اللَّهُ لِي أَنْ يَشْرَحَ صَدْرِي وَيُبَيِّرَ أَمْرِي وَأَنْ يَقْبَلَنِي فِي الدَّعْوَةِ إِلَىٰ وَوَلِيهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أَرْضِهِ وَأَنْ يُوَفِّقَنِي فِي صَلَاتِهِ رَحْمِي وَدَعْوَتِهِمْ إِلَىٰ الْحَقِّ عَلَىٰ أَكْمَلِ مَا يَرِيدُ.

خداوند به حق پدران پاک و طاهرتان فرج شمارا برساند، و فرج ما را در فرج خداوند بر شما قرار دهد... مولای من، دعایتان را می‌خواهم که همیشه به آن نیاز دارم، از خداوند بخواهید که سینه مرا گشاده گرداند و کارم را آسان کند و مرا در دعوت به ولی و خلیفه او در زمین قبول کند، و مرا در صلح و رحمت و دعوتشان به حق موفق نماید، با کامل‌ترین صورتی که می‌خواهد.

والسلام على بقیة آل محمد (ع)، وأرجو أن تبلغ سلامي إلى مولاي بقیة الله وحجته صلوات الله عليه وآله وآبائه واعتذاري إليه (ع) من تقصيري وأن يتفضل عليّ بدعائه الشريف المبارك.

المرسل: السلّماني الذري

سلام بر بقیه آل محمد (ع)، تمنا دارم که سلام مرا به مولایم بقیة الله و حجتش که درود خداوند بر وی و خاندان و پدران‌ش برسانید، و عذرخواهی مرا به سبب کوتاهی‌ام، و این که با دعای شریف و مبارکش بر من تفضل نماید.

فرستنده: سلّمانی ذری

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم وتسليماً.
وفتكم الله لكل خير وسدد خطاكم.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شمارا برای انجام هرکار خوبی موفق کند و قدم‌هایتان را محکم نماید.

ج س ۱: هو أكيد فرصة أخرى وامتحان آخر، ولكن إن كنت تسأل عن النتيجة فيه فهي نفسها في الذر، ليس لأن الناس مجبورون على تحقيق نفس النتيجة، وإنما هم يعيدون نفس التصير.

ج س ۱: قطعاً فرصت دیگر و امتحان دیگری است، ولی اگر از نتیجه در آن می‌پرسی، و آن همان نتیجه در عالم ذر است، نه این که مردم مجبور هستند که همان نتیجه را تحقق کنند، بلکه آنان خود همان کوتاهی را تکرار می‌کنند.

ج س ۲: عندما فقد يعقوب (ع) بنيامين ﴿قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾^(۱) وهو يقصد الأمر الأول؛ أمر إلقائهم يوسف في الجب، فهو علم من الله أن فقدانه ابنه الثاني بنيامين سببه أيضاً فعلتهم الأولى، وهي

إلقائهم يوسف في الجب ﴿وَجَاؤُوا عَلَى فَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾^(١).

ج س ٢: وقتی یعقوب (ع) بنیامین را از دست داد: (نفس شما، مسئله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می‌کنم، صبری زیبا، امیدوارم خداوند همه آن‌ها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است!)^(٢) و منظورش امر اول است؛ امر انداختن یوسف (ع) توسط آنان در چاه گود، و او از سوی خداوند دانست که از دست دادن فرزند دومش بنیامین نیز سبب همان کار اول آنان است، و آن همان انداختن یوسف در چاه گود توسط آنان (و پیراهن او را با خونی دروغین آوردند؛ گفت: «هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل خواهم داشت؛ و در برابر آن چه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!»)^(٣).

ج س ٣: بالرؤيا والكشف عرفها لهم، فهم قد رأوا الجنة ورأوا مقاماتهم فيها بفضل الله عليهم، وهم في هذه الحياة الدنيا.

ج س ٣: با رؤیا و مکاشفه به آنان شناساند، آنان بهشت را دیدند، و جایگاه خودشان را در آن جا با فضل خدا برآنان دیدند، درحالی که آنان در این زندگی دنیا هستند.

ج س ٤: أي إن الإنسان يعجل بالحكم على ما يواجهه، فكم مرة تحكم على أمر أنه لو كان بهذه الصورة أفضل، ولكنك في النهاية تجد أن الخير فيما كان وليس فيما أردت. وكم مرة تحكم على أمر أنه كذا فتجد الحقيقة هي خلاف ما حكمت، وهكذا. فالإنسان بسبب عجلته ربما يقع منه الخطأ فلا يميز بسبب العجلة بين الخير والشر ولو أنه تأنى وتوكل على الله وطلب الهداية من الله لما هو أقرب رشداً لأرشدته الله ويبيّن له ما ينفعه وما يصلح حاله.

ج س ٤: یعنی انسان با حکم دادن به چیزی که با آن مواجه شده شتاب می‌کند، چه بسا بارها در مورد مسئله حکم می‌کنید که اگر به این شکل باشد بهتر بود، ولی در نهایت می‌بینی که خیر در آن چه اتفاق افتاد می‌باشد نه چیزی که اراده نمودی، و چه بسا بارها در مورد مسئله‌ای حکم نمودی که این‌گونه است، ولی می‌بینی که حقیقت برخلاف چیزی که حکم نمودی می‌باشد، و این چنین، و انسان به خاطر عجله‌اش چه بسا خطایی سر می‌زند و به سبب عجله‌اش نمی‌تواند بین خیر و شر تمییز قایل شود، ولی اگر ایشان صبر می‌کردند

١- یوسف: ١٨.

٢- یوسف: ٨٣.

٣- یوسف: ١٨.

و بر خداوند توکل می‌نمود و از خداوند هدایت به آنچه به رشد نزدیک‌تر است بخواهد، قطعاً خداوند او را هدایت می‌کند و آنچه به نفع و به صلاح حالش است را برایش معلوم می‌کرد.

ج س ۵: هی فی کل إنسان.

ج س ۵: این مسئله در همه انسان‌هاست.

جواب المسألة الخاصة:

ج س ۱: وفقکم الله لكل خیر بالنسبة لِنسبکم فهو إن شاء الله نسب شریف ولكن وفقك الله کن أنت نسباً ينتسب له ويفخر الناس من بعدك بالانتساب لك؛ لأنك نصرت الله سبحانه في زمن عز فيه الناصر للحق.

جواب سؤالات خاص:

ج س ۱: خداوند شما را برای هر کار خوبی موفق کند، در مورد نسب شما ان شاء الله نسب شریفی است، خداوند شمارا موفق کند، اما شما نسبی باش که به آن منتسب شوند و بعد از شما مردم به انتساب به آن افتخار کنند، چون شما در زمانی که یاران حق اندک است، و خداوند سبحان را یاری دادید.

ج س ۳: لا حرج عليك في الدعاء لهم وتقول في دعائك إن ختم لهم بخير، فأنتم لا تعلمون من شاء الله أن يختم له بالخير فجعل له أن يعدل إلى الحق في ختام حياته. وإن كنت تريد معرفة حالهم وما ألوا إليه فصم ثلاثة أيام متتالية وأقرأ في كل يوم فيها سورة يس ثلاث مرات وإذا شاء الله فسيعرفك حالهم في الرؤيا أو فيما يشاء سبحانه وتعالى.

ج س ۳: به خاطر دعایت بر آنان حرجی نیست، و در دعایت بگوی که عاقبتشان به خیر شود، و شما نمی‌دانید عاقبت چه کسی را خداوند به خیر نموده‌است، و خداوند در پایان زندگی اش وی را به سوی حق برگرداند، و اگر می‌خواهی حال آنان را بدانی و عاقبتشان را بدانی، سه روز متوالی روزه بگیر و در هر روز سوره یس را سه مرتبه بخوان، و اگر خداوند بخواهد حالت آنان را در رؤیا یا هراهی که خداوند سبحان و متعال می‌خواهد به شما نشان می‌دهد.

ج س ۲: أسأل الله أن يمن عليك ويرحمك ويفعل بك ما هو أهله هو أهل التقوى وأهل المغفرة.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ج س ٢: از خداوند می خواهیم که به شما منت بِنهد و به شما رحم کند و با شما رفتاری کند که اهل آن است، چون ایشان اهل تقوا و اهل آمرزش است.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - جمادی الأول / ١٤٣١ هـ



المحور الرابع: تأويل الرؤى

محور چهارم: تأویل رؤیا

پرسش ۴۷۵: خوابی در حرم امام حسین (ع)

السؤال / ۴۷۵: سلام الباري عليكم ورحمته وبركاته..

أود أن أعرف تفسيركم لحلم حلمته منذ فترة ليست بالطويلة..

وهو: حلمت بأنني في كربلاء ما بين الحرمين على ما أذكر (وأنا في الحقيقة لم أذهب إلى كربلاء المقدسة في حياتي)، وكنت أنظر إلى السماء والتقط صوراً.. وكانت السماء ليلاً وفيها سحب أبيض كثيف من بينه كنت أرى كتابته (يا صاحب الزمان أدركني) عليها.. وكنت أنظر إليها مراراً.. وكانت هناك فتاتين على ما أظن لا أعرف من يكونوا واقفين على مقربة مني.. سألوني فيما إذا كانوا في الصور التي صورتها.. وكانوا وكأنهم يقولون لي بأنهم لا يريدون أن يكونوا في الصورة أو شيئاً من هذا القبيل.. فكنت أحاول أن استرجع الصور التي صورتها وأشرح لهم بأنني كنت أصور السماء.. ولم ألتقط صوراً لهم.. وكنت شاكرة فيما إذا التقطت الكاميرا بالخطأ صوراً لهم..

سؤال / ۴۷۵: سلام عليكم ورحمه الله وبركاته.

دوست دارم تفسیر خوابی که قبل از مدتی نه چندان طولانی دیدم را بدانم و آن این است که: یادم می‌آید که خواب دیدم در کربلا بین الحرمين هستم (و در حقیقت تا به حال در طول زندگی‌م به کربلا نرفته‌ام) و داشتم به آسمان نگاه می‌کردم و عکس می‌گرفتم... شب بود و در آسمان ابرهای زیادی بودند که در بین آنها نوشته‌ای را می‌دیدم، و آن نوشته این بود: یا صاحب الزمان ادركني... و هم‌چنان محو تماشای آن بودم و آن را می‌دیدم... و در آنجا دو دختر جوان بود، به گمانم که از آنها شناختی نداشتم و در نزدیکی من ایستاده بودند... از من پرسیدند که نکند در عکسی که برداشتم ظاهر شده باشند؟ به من می‌گفتند که آنها نمی‌خواهند در عکسی که گرفتم ظاهر شوند و از این قبیل... و سعی بر آن داشتم که عکس‌ها را از اول مرور کنم و برایشان توضیح بدم که من از آسمان عکس برداری می‌کردم و هرگز از آنها عکس نگرفتم. و شک بر آن داشتم که مبادا دوربین به اشتباه از آنها عکس گرفته باشد

وفجأة حان وقت صلاة المغرب والعشاء.. وكانوا الخدمة يحاولون أن يغلقوا أبواب الحرم وكانت أبواباً بيضاء.. وكان الباب على وشك أن يغلق عليّ فلا أستطيع أن أكون في الحرم..

وكانت الناس تخرج من الحرم و وكأنها لا تريد الصلاة في الحرم.. وكان هناك عدد قليل جداً من الناس الذين بقوا في الحرم.. وكان الباب على وشك أن يغلق، وإذا بي أقول للخادم: "أقدر أدخل وأصلي في الحرم؟"

و ناگهان وقت نماز مغرب و عشاء فرا رسید ... و خادمان حرم سعی بر آن داشتند که درهای حرم که سفید رنگ بودند را ببندند ... و نزدیک بود که در حرم بر رویم بسته شود و نتوانم وارد حرم شوم. مردم از حرم خارج می شدند همانا که آنها نمی خواستند نماز را در حرم به جا بیاورند ... و تعداد بسیار اندکی از مردم در حرم باقی ماندند ... و در حرم نزدیک بود بسته شود که به خادم گفتم: آیا می توانم وارد حرم شوم و نماز را به جا بیاورم؟

و کنت لم أزر الإمام إلى الآن.. فسمح لي فدخلت وكان الباب أغلق من ورائي.. وحينما دخلت كنت ملهوفة للزيارة وفي شوق وتوجه وصلت إلى العتبات المقدسة للحرم.. سجدت على العتبة سجدة سريعة؛ لأنني كنت أخاف أن يروني الرجال وأنا ساجدة وهذا لا يجوز.. فنزعت "نعالي" وأخذته معي ودخلت الروضة.. أعتقد إنني كنت أسأل عن مكان الخاص بالنساء.. ودخلت وكان الحرم فاضي.. ناس قله جداً فيه.. دخلت الحرم وكنت على وشك أن أجزع باكية صارخة على مصيبة الإمام الحسين(ع)..

تا به حال هرگز امام را زیارت نکرده بودم... پس به من اجازه داد و وارد حرم شدم و ناگهان پشت من در حرم بسته شد ... و هنگامی که وارد شدم تشنه ی زیارت بودم و با شوق و توجه خاصی که در وجودم بود خودم را به عتبات یا چارچوب مقدس حرم رساندم. بر روی چارچوب در حرم سجده ی سریعی به جا آوردم، زیرا ترس از آن داشتم که مبادا آقایان مرا در حال سجده ببینند که این جایز نیست... پس کفشم را از پا در آوردم و آن را به همراه خود وارد روضه کردم... و به گمانم مکان مخصوص خانمها را سراغ گرفته بودم... وارد حرم شدم و حرم خالی بود... مردم بسیار کمی در آن بودند... وارد حرم شدم و نزدیک بود به خاطر مصیبت امام حسین(ع) گریه و فریاد کنم.

لم أكن مصدقة إنني وصلت إلى الحسين ودخلت حرمة الشريف.. وكانت الأجواء حمراء على ما أعتقد.. وأعتقد إنني دخلت غرفة المنحرف.. وكانت حيطانها حمراء.. على ما أعتقد إنني توجهت للدعاء حينها.. في اليوم الثاني (في اللحم) كان الحرم مزدحم.. ودخلت الحرم مع صديقتي لي في أيام الحج تدعى (دعاء) وأنصوّر امرأة كانت معنا أيضاً لا أذكر من ربما أمي.. دخلنا وكنا نصعد السلم في الحرم.. وأنا كنت أحمل معي "قدحين" من الزجاج.. والفتاة دعاء كانت تحمل اثنان أيضاً.. لكن واحداً من "القدحين" وقع مني وانكسر على عتبات سلم الحرم.. فنزلت على العتبات

لكي أجمع الزجاج المنثور لكي لا يجرح أرجل المارة على ما أعتقد.. وكنت أسمع صوت امرأة أخرى كانت معي أيضاً في أيام الحج تدعى (أم مرتضى) تقرأ لطمية عن فاطمة الزهراء سلام الله عليها تنعى الإمام الحسين روي له الفداء في الحرم الشريف..

المرسلة: عنایت - uk

هرگز باور نمی‌کردم که به مرقد امام حسین (ع) رسیده و وارد حرم آن بزرگوار شده‌ام... آسمان سرخ رنگ بود و به گمانم وارد قتل‌گاه شده‌ام... تمام دیوارهای آنجا رنگی سرخ به خود گرفته بودند و به نظر می‌رسید در آن موقع من رو به دعا ایستاده بودم. در روز دوم (در خواب) حرم شلوغ بود... و به همراه یکی از دوستانم که در ایام حج با آن آشنا شده بودم که دعاء نام داشت وارد حرم شدیم و در آن هنگام تصور می‌کنم زنی را دیدم که برایم ناشناس بود ولی حدس زدم که مادرم بود. پله‌های حرم را با هم بالا رفتیم... من دو جام شیشه‌ای به همراه داشتم... دعاء نیز دو جام در دست داشت و اما یکی از دو جامی که در دست داشتم بر روی پله‌های حرم افتاد و شکست... از پله‌ها پایین آمدم تا تکه شیشه‌های پراکنده شده را جمع کنم که مبادا پای رهگذران را زخمی کند. و هم‌چنین صدای زن دیگری که در ایام حج با من بود و مادر مرتضی نام داشت را می‌شنیدم که در حق فاطمه زهرا (ع) مداحی می‌کرد و نوحه امام حسین (ع) را در حرم آن بزرگوار می‌خواند.

فرستنده: عنایت - uk

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

الإمام الحسين (ع) يمثل الحسين في هذا الزمان، وخروج الناس من الضريح رغم أنهم كانوا فيه يعني كفرهم به وخروجهم من الولاية رغم أنهم سابقاً - وقبل أن يمتحنوا - كانوا على الولاية الظاهرية، ودخولك إلى الضريح قبل أن تغلق الأبواب يعني أنك إن شاء الله تؤمنين بداعي الحق والحسين في هذا الزمان، وأسأل الله لك خير الآخرة والدنيا، وأن تكون رؤياك حقاً، هو وليي وهو يتولى الصالحين. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة/ ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

دیدن امام حسین(ع) در خواب بیانگر دیدن حسین این زمان است. و خارج شدن مردم از حرم با وجود آن که داخلش بودند به معنای کفر آنها و خروجشان از دایره ولایت می باشد. هر چند که آنها قبل از اینکه مورد امتحان و آزمایش قرار بگیرند بر ولایت ظاهری به سر می بردند و ورود شما به حرم قبل از اینکه درها بر روی تو بسته شود به امید خدا حکایت از این دارد که شما به دعوت کننده ی حق و حسین این زمان ایمان خواهی آورد. از خداوند متعال برای شما خیر و برکت دنیا و آخرت را مسئلت دارم و از او می طلبم که خواب شما محقق شود همانا او سرپرستی نیکوکاران را عهده دار است. درود و رحمت خداوند بر شما باد.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٧٦: خواب دیدن امام مهدی(ع)

السؤال / ٤٧٦: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صل على محمد وآل محمد.

إنني بكل صراحة متحير على ما حلمته وكنت مرتعباً بدرجة كبيرة لا توصف، ذاك اليوم كنت ذهبت في سبات عميق حلمت في الإمام المهدي وأنه يدعو الناس، وقبل ذلك حلمت بقتل النفس الزكية أمام الركن في الكعبة وأن الناس بادروا بالصراخ والعيول، وشاهدت الإمام المهدي واقفاً ولكنني لم أرى وجهه.

سؤال / ٤٧٦: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صل على محمد و آل محمد.

حقیقت این است از خوابی که دیده ام واقعا سرگردان و حیران شده ام. بسیار ترسیده بودم به اندازه غیر قابل توصیف. آن روز به خواب عمیقی رفته بودم. خواب امام مهدی(ع) را دیدم در حالی که مردم را دعوت می کرد. و پیش از آن خواب قتل نفس زکیه را در مقابل رکن در کعبه دیدم و اینکه مردم شروع به جیغ و داد کردند. و امام مهدی(ع) را دیدم که ایستاده بودند، اما چهره ایشان را نمی دیدم

وقمت من النوم مفزعاً، وكان أمامي التلفزيون وكانوا يذكرون الإمام المهدي سلام الله عليه، وبعدها نمت أيضاً وحلمت في الإمام المهدي(ع) وهذه الأحلام في نفس اليوم واستيقظت من

النوم وكان على وقت صلاة الفجر وكان الوقت الثالثة و ١٣ دقيقة (٣١٣)، هل تفضل بتفسيرك لي هذا الحلم، مع العلم أن حلمت حلمين في نفس اليوم قبل مدة وكلما جلست من النوم شاهدت في التلفزيون ذكر الإمام المهدي والتوسل لله لتعجيل ظهوره الشريف؟ تحياتي.

المرسل: علي بن عبد الله - قطر

و پریشان از خواب بیدار شدم. تلویزیون مقابل من بود که در آن از امام مهدی (ع) یاد می‌کردند و بعد از آن نیز خوابیدم. و خواب امام مهدی (ع) را دیدم و این خواب‌ها همه در همان روز اتفاق افتاد. از خواب بیدار شدم درحالی که وقت نماز صبح رسیده بود و ساعت ١٣:٣ دقیقه بود. لطف می‌کنید این خواب را برای من تفسیر کنید. با اینکه خود می‌دانید که ٢ رؤیا را در همان روز قبل دیدم و هر وقت از خواب بیدار می‌شدم از تلویزیون یا مهدی (ع) و توسل به خداوند برای تعجیل در فرج ایشان را می‌دیدم؟ والسلام.

فرستنده: علی بن عبد الله - قطر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
رؤياك بشارة من الله لك بأن هذه هي ساعة الظهور قد حانت، فقد رأيت عند استيقاظك من رؤياك بالمهدي أن الساعة كانت تشير إلى العدة التي يظهر فيها وهي ٣١٣، وأسأل الله لك خير الآخرة والدنيا، هو وليي وهو يتولى الصالحين. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً.
این خواب شما بشارتی از خداوند برایتان، که وقت ظهور فرا رسیده است و اگر دقت کرده باشی ساعتی که در آن خواب ظهور امام مهدی (ع) را دیدی اشاره به تعداد یاران امام مهدی (ع) ٣١٣ دارد. از خداوند تبارک و تعالی خیر و برکت دنیا و آخرت را برایت می‌طلبم که همانا او ولی من و سرپرست نیکوکاران است. و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٧٧: خواب دیدن وارد شدن به مسجد سنی

السؤال / ٤٧٧: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أرجو تفسير هذا الحلم وفقكم الله:

وجدت نفسي واقفاً أمام أحد مساجد السنة مع اثنان من أصدقائي السنة، ولكنني كنت أرتدي جلابية ليست نظيفة بل فيها شيء من التراب، وفجأة لمحت اثنان من أعضاء البرلمان من السنة يدخلون الجامع وأعتقد أنهما (فلان وفلان)، ويبدو أنه كانت هناك وليمة إفطار فدعاني أصدقائي للدخول معهم إلى المسجد، فدخلت معهم وأثناء التفتيش قال لي أحد المسؤولين في المسجد الذين يفتشون: رجاءً عندما تأتي إلى الجامع (اكوي الجلابية)، وفهمت أنه يقصد أغسل الجلابية أو نظفها من التراب، ثم افترق أصدقائي عني، وشاهدت الجميع يأكل ويفطر إلا أنا لم أحصل على شيء، ثم خرج صديق آخر غير أصدقائي الاثنان وكان يحمل علبتين من الطعام فأعطاني أحدهما، وبعد ذلك شاهدت أصدقائي السابقين وعاتبتهم على تركي وحيداً. وشكراً لك.

المرسل: عدنان الزبيدي - العراق

سؤال / ٤٧٧: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اميدوارم كه اين رؤيا را تفسير كنيد، خداوند شما را موفق كند:

ديدم كه با دو نفر از دوستان اهل سنتم جلوی یکی از مساجد اهل سنت ایستادیم، و من پیراهنی پوشیدم كه پاک نیست، بلکه خاکی است، و ناگهان دو نفر از اعضای پارلمان اهل سنت را دیدم كه وارد مسجد جامع می شوند، و فكر كنم فلانی و فلانی باشند، و انگار ولیمه افطاری بود و دوستانم مرا برای ورود به مسجد دعوت کردند، با آنان وارد شدم و در خلال تفتیش یکی از مسئولین تفتیش در مسجد به من گفت: امیدوارم كه وقتی وارد مسجد جامع می شوی، پیراهنت را اتو بزنی، و از سخنش فهمیدم كه پیراهنت را بشویی یا آن را از خاك پاک كنی، بعد دوستانم از کنار من رفتند، و دیدم كه همه می خورند و افطار می كنند، ولی به من چیزی نرسید، بعد دوست دیگرم غیر از دو دوست دیگرم كه بیرون رفتند و مقداری غذا با خود داشتند و یکی از آنان به من غذا داد، و بعد از آن دوستان قبلی ام را دیدم و آنان رابه خاطر تنها گذشتنم سرزنش كردم. متشكرم از شما.

فرستنده: عدنان زبيدي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
الطعام هو العلم الذي يتعلمه الإنسان، قال تعالى: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾^(۱) أي إلى علمه من أين يأخذه، فيمكن أن يأخذ الإنسان علمه من أهل الحق فيكون حقاً، أو من أهل الباطل فيكون باطلاً.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
طعام همان علمی است که انسان می‌آموزد، خداوند متعال می‌فرماید: (پس بنگرد انسان بسوی خوراکش)^(۲) یعنی که علمش را از چه کسی می‌گیرد، پس انسان می‌تواند علم‌اش را از اهل حق بگیرد تا حق شود، یا از اهل باطل بگیرد تا باطل باشد.

وحضور الشخصين (فلان وفلان) إلى المسجد معناه: حضرا في الموضع الذي تواجدت فيه أنت، وهو ليس بناء بل موضع في (الانترنت)، مسجد السنة أي مكان لا يؤمن أهله بإمام زمانهم المفروض عليهم الإيمان به، فالشيعة الذين يشايعون المراجع أيضاً تراهم في الملكوت سنة؛ لأنهم لا يؤمنون بمن فرض الله عليهم طاعته، والثوب يمثل ما يستر حالك الحقيقي أي مثل اسم مستعار تواجه به الناس في (الانترنت)، والذي انتقد ثوبك أي انتقد اسمك المستعار ولم يكن نقده مباشراً بل هو بصورة غير مباشرة، ففي الرؤيا قال لك اكويه وأنت فهمت ما يريد بالحقيقة وهو تنظيفه، والذي أعطاك الطعام هو شخص تعلمت أنت منه شيئاً من العلم.

و معنای حضور دو شخص -فلان و فلان- به مسجد این است که: آن دو شخص در مکانی که تو بودی، حاضر شدند، و آن ساختمانی نیست بلکه مکانی در اینترنت است، و مسجد سنی‌ها یعنی مکانی که اهلش به امام زمان‌شان -که بر آنها اطاعت او واجب است- ایمان نیاوردند، هم‌چنین شیعیانی که همراه مراجع هستند در ملکوت به صورت سنی دیده می‌شوند؛ زیرا آنها به آن کسی که باید از او تبعیت کنند، ایمان نیاوردند، و پیراهن مثال چیزی است که حالت حقیقی تو را می‌پوشاند یعنی مثل اسم مستعار است که مردم با آن در اینترنت مواجه می‌شوند، فردی که از لباس انتقاد می‌کند، از نام مستعار تو انتقاد می‌کند، و نقد او مستقیم

۱- عبس: ۲۴.

۲- عبس: ۲۴.

نیست، بلکه غیر مستقیم است، در رؤیا به تو گفت: لباست را اتو کن، و تو از آن معنای حقیقی را فهمیدی، همان پاک نمودن آن، فردی که به تو طعام داد، کسی است که از او مقداری علم آموختی.

ورؤياك هي إخبار غيبي لحدث يحصل معك في (الانترنت). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣١ هـ

و رؤیای شما خبر غیبی است که با شما در اینترنت اتفاق می افتد. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٧٨: شنیدن منادی، صدا می زند: ای مردم، زهراء را یاری دهید.

السؤال / ٤٧٨: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسني (كذا)، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أرجو منكم تفسير هذا الحلم الذي رأيته في المنام:

سؤال / ٤٧٨: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسني (ابن جنين)، سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

از شما می خواهم این خواب را که دیدم تفسیر کنید:

لقد رأيت في المنام بأني في مبنى قديم وأرضيته على شكل منحدر حاد، ورأيتني أتفرج على نسوة من أهل السنة وهن يصلين هناك، فسمعت منادياً ينادي أن يا قوم انصروا الزهراء، فركضت باتجاه الباب وكان في أعلى المنحدر، ورأيت تلة ترابية عالية فصعدت التلة ورأيت جمع من الناس وكثيراً من أصحاب العمامات البيضاء المشايخ وكان الجميع يصرخ أن انصروا الزهراء ويشيرون بأياديهم إلى صديق لي بأن يصلي بهم إماماً للجماعة، فركضت باتجاه صديقي

و مسکته من یده و قلت له انتظر حتی أتوضأ، و رکضت باتجاه الماء فرأيت أربع جنود يهود مسلحين ولم أخف منهم وتوضأت، انتهى المنام هنا.

در رؤیا دیدم که در ساختمان قدیمی هستم و زمین آن به صورت سرایشی است، و دیدم که با زنان اهل سنت تفریح می‌کنم و آنان در آنجا نماز می‌خوانند، شنیدم منادی صدا می‌زند: ای مردم، زهراء را یاری دهید، به سمت درب دویدم و در بالای سرازیری بودم، تپه خاکی بزرگ دیدم و بالای آن تپه رفتم و جمعی از مردم را دیدم و بیشتر افرادی را دیدم که صاحب عمامه‌های سفید هستند و شیخ بودند، و همه صدا می‌زدند: زهراء را یاری کنید، و بادستان‌شان به دوست من اشاره می‌کردند و می‌گفتند: به عنوان امام جماعت با آنان نماز بخوان، به سمت دوستم دویدم و او را بادستانم گرفتم و به او گفتم: تا وقتی وضو می‌گیرم منتظر باش، و به سمت آب دویدم و چهار سرباز یهودی مسلح دیدم و از آنان نترسیدم و وضو گرفتم، خواب اینجا تمام شد.

أرجو من سيادتكم تفسير منامي هذا ولكم مني جزيل الشكر والامتنان.

المرسل: علي لبناني - ألمانيا

از محضرتان می‌خواهم که این خوابم را تفسیر کنید و از شما بسیار متشکرم و به من منت نمودید.
فرستنده: علی لبنانی - ألمانيا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
المكان هو موضع في (الانترنت)، وكونه منحدرًا وكونك لتنصر الزهراء ذهبت إلى أعلى المنحدر، يبين لك حالك وحال الموضع الذي كنت فيه قبل أن تلي النداء الإلهي، فقد كنت في منخفض نسبة للحال التي أقبلت عليها، فهي في أعلى المنحدر، ومن ثم صعدت إلى أعلى التلة، وعلو الموضع الذي ذهبت إليه إشارة إلى أنه الحق، فهو موضع عالٍ نسبة إلى الموضع المنخفض الذي كنت فيه، والنسوة من السنة أي ليسوا على ولاية الحق

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
مکان در خواب به معنای سایت اینترنتی است، و با توجه به سرایشی آن مکان، شما به سمت بالای سر آشیبی برای یاری فاطمه زهرا(ع) رفته بودی و این بیان‌گر موضع شما و آن سایت که تو قبل از ایمان به دعوت الهی در آن بودی. و شما در قسمت پایین آن مکان بودی و به طرف بالا حرکت کردی. سپس به بالای تپه

رفتی که بلندی مکان نشانه راه یابی به طرف حق و حقیقت است که آن محل نسبت به محل پایینی که در آن بودی در سطح بالاتری می باشد. و آن زنان اهل سنت که مشاهده کردی به ولایت حق اعتقاد ندارند،

فالإنسان حتى وإن ادعى مشايعة علي(ع) والأئمة السابقين(ع) ولم ينصر المهدي ويؤمن به عند ظهوره يكون حاله أنه مثل السنة الذين لم يؤمنوا بعلي(ع)، والمنادي الذي نادى انصروا الزهراء(ع) أي انصروا المهدي(ع)، فنصرة المهدي في هذا الزمان هي نصرة لفاطمة الزهراء(ع)؛ لأن المهدي هو من يأخذ بثأر الزهراء(ع) ممن ظلموها، وكونك كنت تريد التطهر والصلاة فهو إشارة إلى إقبالك على نصرة المهدي، والجنود اليهود هم ليسوا يهوداً أي بمعنى أن ديانتهم يهودية، بل هم يهود هذا الزمان، وإن كانوا يدعون الإسلام أو التشيع، فهم يحاربون المهدي كما حارب أسلافهم اليهود عيسى(ع)، وكونك رأيتهم في طريقك إلى الضوء أي إنهم أرادوا قطع طريق الله عليك ومنعك من نصرة المهدي(ع)، بإلقاء الشبهات ليصدوك عن الحق، أما وضوءك فهو يعني الطهارة، أما كون صديقك هو إمام الجماعة فانظر في اسمه وفقك الله لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ

چرا که هر انسانی که حتی اگر به ظاهر از شیعه امام علی(ع) و ائمه(ع) باشد ولی به امام مهدی(ع) ایمان نیاورد همانند اهل سنت است که به امام علی(ع) ایمان نیاوردند. و آن منادی که برای یاری فاطمه زهرا(ع) ندا کرد، به معنای طلب یاری برای امام مهدی(ع) است چرا که یاری امام مهدی(ع) همان یاری حضرت فاطمه زهرا(ع) است زیرا خود امام مهدی(ع) است که انتقام حضرت فاطمه(ع) را از ظالمان می گیرد و شما که خواستار وضو و طهارت بودی بیانگر آمادگی و قدوم شما برای یاری امام مهدی(ع) است! و اما آن سربازان یهودی که دیدی آن ها از دین یهود نیستند بلکه یهودی های این زمانند هر چند که ادعای اسلام و تشیع دارند. پس آن ها در حال مبارزه با امام مهدی(ع) هستند همان طور که گذشتگان شان با حضرت عیسی(ع) مبارزه کردند. و اینکه آن ها راه تو را برای وضو و طهارت بسته بودند یعنی آن ها می خواستند راه هدایت را بر روی تو ببندند و با طرح شبهاتی تو را از یاری امام مهدی(ع) جلوگیری کنند و وضوی شما به معنای طهارت بود اما اینکه دوستت که امام جماعت بود به اسم او دقت کن. خداوند تو را به هر خیری موفق گرداند. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ



پرسش ۴۷۹: خواب دیدن به دو درختی که منفجر شدند.

السؤال / ۴۷۹: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته..

قبل فترة سمعت من أحد الأنصار وفقهم الله أن الإمام أحمد الحسن (ع) قال بإرسال رؤانا له سلام الله عليه... هذه رؤية أراني إياها الله سبحانه اليوم (١٢ / ١٠ / ٢٠٠٩) فجراً:

سؤال / ٤٧٩: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين و سلم تسليماً.
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

مدتی پیش از یکی از انصار (خدا ایشان را موفق بگرداند) شنیدم که سید احمد الحسن (ع) فرمودند که: خواب‌های خودمان را نزد ایشان بفرستیم. و این رؤیایی است که خداوند متعال در صبح روز (١٢ / ١٠ / ٢٠٠٩) به من نشان داد:

رأيت أن شجرتين في أم القيوين (منطقة في الإمارات) قد انفجرتا بركاناً فأنبتت زرعاً جميلاً جداً وكان الناس متعجبين بها، فقلت: هنا فقط اثنين وأنبتت هذا الزرع الخصب المختلف ألوانه، لعد إذا بالعراق اللي انفجر بيه ١٦ (أو ١٢ لا أذكر الرقم بالضبط) شجرة بركاناً شلون؟ أكيد كل أنواع الزرع موجود بالعراق.

در منطقه ام القيوين که منطقه‌ای در امارات است دو درخت منفجر شدند و به صورت آتش‌فشانی درآمدند که انفجارشان پیدایش باغی بسیار زیبا به همراه داشت که تعجب همه را برانگیخت پس با خود گفتم: اینجا فقط دو درخت هست که اینقدر مزارع قشنگ با رنگ‌های مختلف ثمره دادند چه برسد به کشور عراق که در آن ۱۲ یا ۱۶ (عدد را به یاد ندارم) درختی به صورت آتش‌فشان درآمدند؟ حتماً از آن‌ها باغ و مزارعی با انواع و اشکال مختلف به وجود می‌آید....

فما رأيته هو أن الإمام أحمد الحسن (ع) أرسل وفداً إلى هناك كأن في ذلك المكان كنزاً أو ما شابه، والمكان كان كهفاً أظلم فيه الكثير الكثير من الجثث حيث أنه تحت الأرض، فلم أستطع الذهاب على أن المكان يحتاج إلى جهد، وفي الرؤية كان عندي مرض قلب أنا والسيد لاوي (بالحقيقة لا يوجد عندي مرض قلب، ولاوي هو اسم مستعار لأحد الأنصار في البالتوك)،

فكنا ممنوعين من الذهاب. والذي ذهب من ضمن هذا الوفد هو بنتين في صفي بالمدرسة وهما ليستا من الأنصار واسمهما بشرى ويسرى. فبشرى اجتهدت أكثر من غيرها وكانت تحاول حل اللغز وتبحث بين الجثث (كان هنالك الكثير من الجثث والهيكل العظمية واحدة فوق الأخرى)، كان لحل اللغز معادلة كان يجب العمل وفقها، فبشرى حلت الكثير منها ولكن نست كيف تكمل وانتهت الرحلة بأن لم يعرف أحد كشف اللغز.

پس در آن هنگام دیدم که انگار سید احمد الحسن (ع) گروهی را به آنجا ارسال کردند که گویا آنجا گنجی بود که باید پیدا کنند! آنجا شبیه به غاری تاریک و در زیر زمین بود و جسدهای زیادی در آنجا بودند. رفتن به آنجا برای من مقدور نبود زیرا رفتن به آنجا همت و تلاش زیادی می‌خواست که در خواب به دلیل داشتن بیماری قلبی توانایی رسیدن به آنجا را نداشتم پس من و دوستم لاوی نمی‌توانستیم به آنجا برویم (من در حقیقت بیماری قلبی نداشتم و لاوی، اسم مستعار یکی از انصار امام (ع) در پالتاک می‌باشد) پس ما از رفتن ممنوع شده بودیم. از بین آن گروهی که سید احمد الحسن (ع) برای جستجو فرستاده بودند دو دختر بنام بشری و يسرى بودند که از همکلاسی‌های من هستند و از پیروان امام (ع) نیستند. بشری تلاش بسیار زیادی برای حل معما می‌کرد و بین آن جسدها به جستجو می‌پرداخت. (آنجا اجساد بسیار زیادی بود که روی هم افتاده بود) گویا یک معادله‌ای وجود داشت که بر اساس آن باید پیش رفت، پس بشری خانم تلاش بسیار زیاد می‌کرد ولی انگار در نتیجه‌گیری این معادله مشکل داشت و توانایی تکمیل حل معما را نداشت و بالاخره هیچ کس نتوانست آن معما را حل کند،

فالإمام أحمد الحسن (ع) تكلم مع بشرى وأخبرها أنها نسيت جزء بسيط من عندها، لو عرفته لحلت المسألة التي اجتهدت فيها كله، فهز الإمام أحمد الحسن رأسه (باتجاه من فوق إلى الأسفل) وشرح لها كيف المفروض كان أن تكمل.

سپس امام احمد الحسن (ع) با بشری حرفی زد و به او فهماند که در حل معما یک چیز ساده را از یاد برده که اگر آن را می‌دانست براحتی می‌توانست معما را حل کند، سپس امام (ع) سر مبارک‌شان را به سمت پایین تکانی داد و برای او چگونگی تکمیل حل مسئله را شرح دادند.

ثم جاءت لي البنت الأخرى وهي يسرى وقالت لي عن الرحلة: المنظر كان فظيخ، جثث فوق بعضها، والريحة فظيعة ولكنهم ساعدونا (تقصد المشرفين هناك في المكان) حيث أنهم يشيلوا الجثث ولكن الريحة فظيعة، وأنها رأت أحد من أقاربها مات منذ فترة اسمه علي، وجدته بين الجثث، قالت إن الجثة تشبهه كثيراً يمكن أن يكون هو. انتهى.

سپس آن دختر خانم دیگر که یسری نام داشت پیش من آمد و گفت اجساد زیادی در آنجا بودند که از آنها بوی متعفن و نامطبوعی خارج می‌شود، به طور کلی منظره‌ای شگفت‌انگیز بود ولی بهرحال (منظورش مسئولین آنجا) در حمل اجساد به ما کمک می‌کردند، هم‌چنین گفت گویا یکی از بستگانش که اسم او علی بود و مدتی قبل فوت کرده، در بین آن اجساد است. و گفت که آن جسد، بسیار شبیه او بود و گمان می‌کنم که خود او باشد. رؤیا تمام شد.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. والحمد لله وحده وحده
وحده.. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل:

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. والحمد لله وحده وحده وحده.. و
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده:

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
الأشجار تمثل بعض المؤمنين وفقهم الله، وتفجر الأشجار وإنباتها الثمار المختلفة أي علم
يظهر من بعض الأنصار الذين يرزقهم الله العلم والمعرفة ويعلمون الناس.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
درختان مثال بعضی از مومنان است خداوند آنها را توفیق دهد، و شکفتن درختان و رویدن میوه‌ها یعنی
علمی که از بعضی انصار ظاهر می‌شود، علم و معرفتی که خداوند روزی آنها نموده است و مردم می‌دانند.

أما بالنسبة للكهف واللغز وبشرى ويسرى، فهذه الرؤيا تبين لكم أن تعجيل الفرج
بأيديكم ويعتمد على عملكم أنتم وإخلاصكم في العمل وصبركم، والأسماء بشرى ويسرى
المراد بها معنى الأسماء أي من التبشير والتيسير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ

اما نسبت به غار و معما و بشری و یسری، پس این رؤیا برای شما روشن می‌کند که تعجیل فرج در دستان شماست و بستگی به عمل شما و اخلاص شما در عمل و صبرتان دارد، و منظور از نام‌های بشری و یسری معنای آن نام‌هاست، که از بشارت و مزده و آسانی می‌آیند. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٨٠: خواب دیدن زیارت امام حسین (ع)

السؤال / ٤٨٠: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.

بعد آن آمنتُ بدعوة الإمام أحمد الحسن بدأت ببيان الدعوة إلى الآخرين من المؤمنين، وفي يوم من أيام رمضان تكلمت مع أحد الأصدقاء عن هذه الدعوة من الليل حتى السحور وبعد صلاة الصبح تكلمنا قليلاً ثم نمنا، وفي اليوم الثاني بعد الفطور قال لي عندما شرعنا في النوم قلت في نفسي (يا رب أنا لا أعتقد بهذا الشخص المسمى أحمد الحسن فأرني مناماً حول الحقيقة)، فقال: رأيت كأني مع أخي وابن عمي وقد ركبنا سيارة أجرة كبيرة مع عدد من الناس للذهاب إلى زيارة الحسين (ع)، فقال: عندما وصلنا كربلاء وبانت للجميع قبة ومنازة مرقد الإمام الحسين (ع) فنزلنا للتفتيش أو ما شابه ذلك وتأخرنا قليلاً عند هذه النقطة، فطلبت من أحد المفتشين أن يتركنا نذهب لزيارة الحسين (ع)، فقال المفتش: أمامك وقت طويل حتى تتمكن من الزيارة. انتهى المنام.

سؤال / ٤٨٠: بسم الله الرحمن الرحيم

و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

بعد از اینکه به دعوت سید احمد الحسن (ع) ایمان آوردم شروع به بیان این دعوت مبارک به مؤمنین دیگر کردم. در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان از اول شب تا دم سحری مشغول بحث در مورد دعوت بودم و هم‌چنین بعد از نماز صبح نیز دوباره کمی صحبت کردیم و بعد از آن به خواب رفتیم، روز دوم بعد از افطاری دوستم برایم تعریف کرد که: موقعی که به خواب رفتیم این‌گونه با خودم حرف زدیم که خدایا من به این شخص که احمد الحسن نام دارد اعتقاد ندارم، پس یک رؤیایی از حقیقت را به من نشان بده! سپس گفت در خواب دیدم که انگار من و برادرم و پسر عمویم سوار یک ماشین کرایه‌ای بزرگی شدیم که اشخاص

دیگری همراه ما بودند که قصد زیارت امام حسین (ع) را داشتیم، سپس گفت: وقتی به کربلا رسیدیم و گنبد و مناره‌ی امام حسین (ع) نمایان شد به یک جایی رسیدیم که انگار آنجا ایست بازرسی بود. در آن نقطه تاخیر کردیم، از یکی از مسئولان بازرسی خواستم اجازه دهد که به زیارت امام حسین (ع) برویم. بازرس گفت: وقت زیادی داری، و می‌توانی زیارت کنی. خواب تمام شد.

وبعد حوالي أسبوع قال لي نفس هذا الصديق أنه قد رأى في مناماً وهو: إني قد دخلتُ عليه في البيت وبعد السلام جلسنا فتغير المكان وأصبحنا في مكان رسمي وأنا جالس على كرسي وأمامي طاولة، وقد كانت هناك مقدمة برامج من أحد القنوات. وقال لي صديقي في المنام أنا أعرف هذه المقدمة والقناة التلفزيونية ولكن الآن لا أعرفهما.

تقریباً بعد از یک هفته دوباره همان دوست به من گفت که در مورد من خوابی دیده است که: انگار من وارد خانه‌ی او شدم و بعد از سلام و احوال‌پرسی با هم در آنجا نشستیم پس به طور ناگهانی آنجا به یک مکان رسمی تبدیل شد که گویا من روی یک صندلی نشسته بودم و جلوی من یک میز قرار داشت. هم‌چنین آنجا یک مجری خانم از شبکه‌های تلویزیونی بود. دوستم در خواب به من گفت که مجری و شبکه‌ی تلویزیونی برایم آشنا بود ولی الان آن‌ها را به یاد نمی‌آورم.

وبدأت هذه المقدمة التلفزيونية تريد أن تعمل معي مقابلة تلفزيونية، وفي هذه الأثناء دخل علينا علماء من أتباع الشهيد الصدر الثاني وعلماء من أتباع السيستاني ومن علماء آخرين ليناظروني، فجلسوا مقابلي وبيننا طاولة. فقلت: بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة و..... ونظرت في وجوههم فقال صديقي في نفسي قلت ستقول والمهدين، ولكن أستمريت في النظر إلى وجوههم فقاموا ليسلموا عليك وكان أولهم هو سيد من أتباع الصدر سلم عليّ ومسح على رأسي من خلفه ثم سلموا عليّ الباكون وخرجوا. انتهى المنام.

و این مجری خواستار انجام یک گفتگو با من بود. در آن زمان علمایی از پیروان شهید صدر دوم و علمایی از پیروان سیستانی و علمایی دیگر وارد آنجا شدند تا با من مناظره کنند. در مقابل من نشستند و بین ما میزی بود. پس گفتم: بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة و... به سمت آن‌ها نگاهی کردم. دوستم گفت: با خود گفتم که تو می‌خواهی (و المهدين) بگویی. من هم‌چنان به سمت آن‌ها خیره شده بودم. پس آن‌ها بلند شدند تا به تو سلام کنند. اول آن‌ها سیدی از پیروان صدر بود که به من سلام کرد و بر روی پشتِ سرم دست کشید سپس بقیه به من سلام کردند و خارج شدند. در این جا خواب به اتمام رسید.

الرجاء أريد تفسير المنام الثاني وأتمنى أن يفسره السيد أحمد الحسن. وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

المرسل: عبد الستار - إسبانيا

خواهش دارم که این دو خوابم را تفسیر کنید، به خصوص خواب دوم. امیدوارم که سید احمد الحسن (ع) آنرا برای من تفسیر کند و صل الله على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين.

فرستنده: عبد الستار - إسبانيا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
زيارة الإمام الحسين (ع) أي ولاية من فرض الله عليكم ولايته في زمانكم، ومعنى أن أمامه وقت ليزور أي إنه يتأخر إيمانه عن وقت رؤياه ولكنه قد تبين له صورة الحسين أي حسين زمانه بكل وضوح، فقد رأى القبة والمنارتين أي أن الحجة قد لزمته وتوضحت الأدلة لديه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
زيارت امام حسين (ع) يعنى ولاية كسى است كه، خداوند متعال ولايت آن را در زمان تان بر شما واجب كرد، و اينكه وقت زيادى براى اداى زيارت دارد يعنى ايمان آوردن او از زمان رؤيا تأخير دارد ولى اينكه نمادى از امام حسين (ع) را در خواب مشاهده نمود به معنای دیدن امام زمان خود به وضوح است و اينكه گنبد امام حسين (ع) و گل دسته هاى مرقد را دید بيانگر وضوح تمام حجت ها و دلائل ولايت و دعوت براى او مى باشد.

والرؤيا الثانية تحكي إخباراً غيبياً لحدث يحصل معك، سددك الله ووفقك لكل خير وجعلك ممن يثبتون على الحق ونصرة الحق. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

و خواب دوم حکایت از اخبار غیبی حادثه ای می کند که برایت اتفاق خواهد افتاد. خداوند پشتیبان تو باشد و تو را بر هر خیری موفق گرداند و تو را از کسانی قرار دهد که بر حق استوار بوده و حق را یاری نمایند. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ۴۸۱: خواب دیدن که صدایی که به تکرار می‌گوید (امام احمد الحسن الیمانی)

السؤال / ۴۸۱: بسم الله الرحمن الرحيم

في صباح اليوم الجمعة ۲۱ من شهر رمضان ۱۴۳۰ الساعة السادسة صباحاً تقريباً أي بعد شروق الشمس كنت نائماً وكانت الرؤيا إن صح التعبير بلا أي صورة فقط صوت جميل يتكرر يقول لي حرفياً (الإمام أحمد الحسن اليماني) وكانت تتكرر، وكنت أشعر براحة وسعادة لا توصف، وفجأة استيقظت وما زلت أشعر بتلك السعادة والراحة، وبعدها عدت لنومي مرة أخرى ورأيت شخصاً أو بالأحرى رأس شخص ومكرر أعني رأسيين متشابهين ومتطابقين ويلبس عمامة بيضاء وينظر لي من ناحية خده اليسار ولم أر جسمه وكان ينظر إليّ بنظرة غير مريحة وإن أحداً يقول لي إن هذا هو الإمام أحمد (ع)، ولكنني كنت أعتقد في نفسي أن هذا الشخص ليس الإمام؛ لأن شكله غير مريح ونظرته أيضاً ليست كذلك، وبعد ذلك استيقظت من منامي واستغفر الله لي ولكم.

سؤال / ۴۸۱: بسم الله الرحمن الرحيم

صبح امروز جمعه مصادف با ۲۱ رمضان سال ۱۴۳۰ ساعت ۶ صبح تقریباً بعد از طلوع آفتاب خوابی را دیدم، البته چنانچه تعبیر آن صحیح باشد من در خواب هیچ تصویری ندیدم و فقط تنها صدای دلنشینی بود که تکرار می‌شد و به صورت حرف حرف به من می‌گفت: (امام احمد الحسن (ع) این صدا تکرار می‌شد. که در لحظه احساس راحتی و خوشنودی عجیبی داشتم که قابل توصیف نبود. ناگهان از خواب بیدار شدم و من هم چنان احساس خشنودی و آرامش داشتم. بعد از آن دوباره به خواب برگشتم که در خواب دو سری شبیه به هم که از هر نظر مطابق هم بودند که بر این دو سر یک عمامه سفیدی بود ولی جسمی برای آن ندیدم، آن شخص نگاه عجیبی به من می‌کرد که نگاه او از جانب چپ صورتش بود. نگاه او به من نگاه نامطلوبی بود و شخصی به من می‌گفت: این همان امام احمد (ع) است! ولی من در درونم اعتقاد داشتم که ایشان امام احمد الحسن (ع) نیست، زیرا که شکل او عجیب و نامطلوب و نگاه او نیز نامطلوب است. بعد از آن از خواب بیدار شدم! و از خداوند متعال برای خودم و شما طلب مغفرت دارم...

ملاحظت: الشعور بالانشراح والسعادة الذي شعرت به لم أشعر به إلا ثلاث مرات بحياتي، الأول: اليوم عندما كان يتكرر الصوت باسم الإمام أحمد الحسن (ع)، والثاني: قبل عدة سنوات

صليت صلاة الليل وصحوت من نومي صباحاً بنفس الشعور، والثالثة: قبل خمسة عشر سنة تقريباً وكان شهر رمضان وكنت أيضاً أسمع الأذان وكان صوت مؤذن جميل جداً وكأنه من الجنة وقد وصل للشهادة الثالثة، وكان يقول أشهد أن علياً ولي الله، وعندها أيقظني والدي والمؤذن في المسجد يؤذن ويقول أشهد أن محمداً رسول الله. انتهى وثبتنا الله وإياكم.

المرسل: أبو الزهراء - الكويت

توضيح: أن احساس خوشبختی و خوشحالی که داشتیم را در طول عمرم تنها سه بار احساس کردم! اول: امروز هنگامی که صدای مکرری شنیدم و نام احمد الحسن (ع) را تکرار می کرد. دوم: سالها قبل که نماز شب را خواندم و صبح که بیدار شدم این احساس را داشتم، سوم: پانزده سال پیش بود که در ماه مبارک رمضان صدای اذان را با لحنی زیبا و دلنشین شنیدم که انگار صدایی از بهشت بود و تا اینکه به شهادت سوم رسیدم که می گفت: أشهد أن علياً ولي الله... پدرم مرا برای نماز بیدار کردند و ناگهان صدای مؤذن مسجد را شنیدم که شهادت دوم یعنی: اشهد أن محمد رسول الله... را تکرار می کرد... پایان. از خداوند تعالی می طلبم که ما و شما را ثابت قدم نگه دارد.

فرستنده: أبو الزهراء - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
رؤياك من الله سبحانه وتعالى، وهي تمثل الصيحتين اللتين ترافقان دعوة القائم، وهما صيحة جبرائيل وصيحة إبليس، أو صيحة الحق وصيحة الباطل التي تليها.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
این خواب شما از جانب خداوند حق تعالی است که بیانگر دو صیحه است که ظهور قائم (ع) را به همراه دارد و آنها ندای جبرئیل (ع) و صدای ابلیس ملعون یا همان ندای حق و فریاد باطل می باشند.

فهذه رؤياك فيها تأييد للحق وتحذير لك من صيحة الباطل التي تسمعها من أهل الباطل الذين يحاولون بكل صورة طمس صيحة الحق ومنع الإنسان من اتباع صيحة الحق بالشبهات ورسم صورة باطله لداعي الحق لينصروا سيدهم إبليس ويضلوا الناس ويبعدوهم عن الحق، فهذه الرؤيا هي بيان من الله لك أنك تسمع أولاً صيحة الحق التي توجهك إلى اتباع الحق وداعي الحق،

ثم أنك تسمع بعدها صيحة الباطل التي تحاول أن تشوه لك الصورة الحقيقية وتظهر لك داعي الحق بصورة مشوهة وهمية غير حقيقية، لتمنعك إن أمكن من اتباع الحق، فعليكم باتباع ما وجهكم إليه أهل البيت (ع) وهو أن تسمعوا لصيحة الحق الأولى وتجنبون صيحة إبليس والباطل الثانية، التي تسمعونها على لسان أوليائه من الإنس والجن.

این خواب شما دارای تأییدی از حق و هشداری برای تو از فریاد باطل است که از اهل باطل می‌شنوی که به هر طریق و نحوی می‌خواهند ندای حق را با ابهاماتی زیر سؤال ببرند و مردم را از پیروی حق گمراه می‌کنند و با استفاده از شبهات و ابهامات چهره‌ای باطل برای حق و حقیقت به ترسیم در آورند تا با این کار باطل خود به سرور خود یعنی ابلیس کمکی کرده باشند تا مردم را گمراه کرده و آن‌ها را از حق و حقیقت دور نمایند. پس این خواب یک برهانی از جانب خداوند متعال برای توست که ابتدا ندای حق را می‌شنوی که تو را به راه حقیقت و هدایت نزدیک می‌کند، سپس صدای فریاد باطل را خواهی شنید که با ترسیم چهره‌ی نادرست از حق برای تو نمایان می‌شود تا از رسیدنت به حقیقت جلوگیری کند. پس شما باید به سفارش‌های اهل بیت (ع) عمل کنید و همیشه تابع صدای اول یعنی همان ندای حق باشید و از پیروی صدای دوم یعنی فریاد باطل که همان صدای ابلیس است دوری جوید که شما صدای باطل را از زبان پیروان ابلیس (جن و انس تابع ابلیس) خواهید شنید.

وَأَسْأَلُ اللَّهَ لَكَ أَنْ تَحْقُقَ النَّصْرَ عَلَى نَفْسِكَ وَالشَّيْطَانَ، وَأَنْ تَتَّبِعَ صِيحَةَ الْحَقِّ وَتَثْبِتَ عَلَى الصِّرَاطِ، وَلَا تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ بِاتِّبَاعِ صِيحَةِ الْبَاطِلِ، أَعَاذَكَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ. فَاحْمَدُ اللَّهَ وَاشْكُرْهُ الَّذِي أَسْمَعُكَ صِيحَةَ الْحَقِّ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَفِي اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ الْمُبَارَكَةِ بِقَبُولِكَ صِيحَةَ الْحَقِّ وَرَفْضِكَ لَصِيحَةِ الْبَاطِلِ، لِيُزِيدَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ۱۴۳۰ هـ

و از خداوند متعال می‌طلبم تا تو را بر نفس درونت و ابلیس پیروز کند و تو را در پیروی از حق و ثبات بر راه مستقیم یاری نماید و با پیروان فریاد باطل از نابود شدگان نباشی و خداوند متعال تو را در پناه خود قرار دهد. پس خدا را سپاس می‌گویم که در ماه مبارک رمضان ندای حق را به گوش شما رساند تا در این شب‌ها و روزهای مبارک تابع حق باشی و هم‌زمان از باطل و پیروان آن دوری جویی، از خداوند متعال خواستارم تا از فضل و بخششش بر تو بیفزاید که او شنونده و داناست. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ۱۴۳۰ هـ



پرسش ٤٨٢: خواب دیدن ظهور امام مهدی (ع)

السؤال / ٤٨٢: السيد أحمد الحسن إمامي وابن إمامي، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته. لقد رأيت رؤيا منذ سنين عديدة وقبل أن أؤمن بدعوتكم وقبل سماعي بها حتى واسمكم الكريم، الرؤيا هي أنه وقع في قلبي يقيناً أن الإمام المهدي (ع) ظهر، ورحمت ادعو الناس أن يؤمنوا به ولكنني نسيت هذا، وبعد إيماني بالدعوة سلمت عليكم بيني وبين الله تعالى وتذكرت الرؤيا فوراً ورحت أبكي كثيراً، وفهمت أن الله يريد أن يقول لي إن المهدي الذي رأيته في المنام هو ذاته اليماني (ع) الذي آمنت وسلمت عليه توأ، فهل هذه الرسالة التي أراها الله سبحانه؟

سؤال / ٤٨٢: سيد احمد الحسن اى امام من و اى فرزند امامم، سلام عليكم و رحمة الله و بركاته. سالها قبل خوابی دیدم در حالی که به دعوت شما ایمان نیاورده بودم، و دعوت مبارک و حتی اسم مبارکتان را نشنیده بودم، خوابم این گونه بود که در قلبم یقین پیدا کردم که امام مهدی (ع) ظهور کرده است. من رفتم تا مردم را دعوت کنم تا به او ایمان بیاورند اما بعداً آن رؤیا را فراموش کردم. اما بعد از اینکه به دعوت مبارک ایمان آوردم و به شما سلام کردم، خوابم را بیاد آوردم و شروع به گریه کردم، پس فهمیدم که خداوند متعال خواست به من یاد آوری کند که این امام مهدی (ع) که در خواب دیدم همان یمانی است که به او سلام و درود فرستادم! آیا این پیام همان پیام خداوند است که می خواست آن را به من برساند؟

ومن ثم رأيت رسائل وصلت من الإمام المهدي (ع) لي وكنت بعد رؤيتي الأولى التي سردتها لكم رأيت أن السماء قد فتحت بأحرف من نور كتبت لا إله إلا الله محمد رسول الله، وقد شاهدت هذه الرؤيا مرتين بوضوح تام جلي في كلا المرتين.

سپس بعد از این خوابی که برای شما تعریف کردم چند باری پیام هایی از جانب امام مهدی علیه السلام را مشاهده کردم، از جمله برای دو بار بصورت مکرر دیدم که پرتوهایی از نور از وسط آسمان عبور می کردند و در آن ها نوشته شده بود (لا اله الا الله، محمد رسول الله) که در دو مرحله به طور وضوح این رؤیا را مشاهده کردم.

وقد كنت قد رأيت أنني في الكعبة رأيت اثنين سود قصار الطول يدخنون في البيت الحرام وقد طردتهم وصليت في باطن الكعبة الشريفة، وقد رأيت ليلة القدر بعد إحياي ليلة ٢٣

وكانت الملائكة من نور تنزل على الأرض، ورأيت في هذا الشهر في شهر رمضان أن روعي تصعدت في السماء ففتحت لي السماء الأولى أظن وهذه الرؤيا هي بعد إيماني بالدعوة الشريفة وأول مرة أرى السماء وأنا نائم وقلبي يخفق وروحي طائرة عالية في السماء حتى إنني رأيت نجوماً.

هم‌چنین در خواب دیده بودم که در کعبه شریف و مکرمه دو شخص سیاه پوستی با قدی کوتاه سیگار می‌کشیدند پس آن‌ها را از آنجا بیرون کردم و در داخل کعبه نماز خواندم، و در شب قدر بعد از احیای آن شب، فرشتگانی بصورت نور برایم نمایان شدند که در حال نزول به زمین بودند. و در همین ماه مبارک رمضان رؤیایی را دیدم که روحم در حال پرواز در آسمان بود و آسمان اول برای من باز شد. گمان می‌کنم این خوابم بعد از ایمانم به دعوت مبارک باشد. من برای اولین بار آسمان را در خواب می‌دیدم و قلبم به تپش افتاد و روحم در ارتفاع آسمان به پرواز در آمد تا جایی که حتی ستارگان را دیدم.

وقد رأيت أيضاً في شهر رمضان تابوت الإمام علي(ع) وقد كنت أحس في شهر رمضان بأحاسيس لم أشعر بها قبل هذه الدعوة، وقد كنت رأيت أيضاً يوم القيامة وأن السماء تمطر عذاباً ومذنبات.

هم‌چنین در ماه رمضان، تابوت امام علی(ع) را دیدم و در ماه مبارک رمضان احساس عجیبی پیدا کردم که تا به قبل از ایمانم به دعوت این‌گونه احساسی نداشتم، هم‌چنین روز قیامت را در خواب دیده بودم که آسمان در حال بارش عذاب و شهاب سنگ بود.

أريد لو سمحتم أن تفسروا الرؤيا لي وأن تدعو لأمي وأخوتي بالهداية، وأريد منكم أن تدعو لي أن يحرسني الله من همزات الشياطين، وكنت عندما قرأت كتاب رحلة موسى(ع) إلى مجمع البحرين فهمت إلهاماً من الله حسب ظني أنني معني بأمر ما، أرجو تفسير الرؤى سيدي يمانى آل محمد(ع).

از شما تقاضا دارم این خواب‌ها را برایم تفسیر کنید، هم‌چنین خواهش دارم تا برای هدایت برادرانم و مادرم دعا بفرمائید و از خداوند بخواهید که مرا از لغزش‌های شیطان بدور نگه دارد. هنگامی که کتاب (سفر موسی به مجمع بحرین) را خواندم احساس الهامی از جانب خداوند متعال کردم که به گمانم بیانگر اینکه من یک مسئولیتی به عهده دارم، خواهش دارم که مولایم یمان‌ی آل محمد(ع) این خواب‌ها را برایم تفسیر بفرمایند.

ولدي سؤال وهو الذي فهمته أنه المسلمین إلى الإمام الصادق(ع) هل كانوا مكلفين فقط بالإيمان بالاثني عشر إماماً(ع) دون المهديين، ولماذا لم يعتنق الشيعة الإيمان بالمهديين دون امهدين

(كذا)، وما هي ملابسات هذا الأمر؟ وأريد إيضاحاً لما كتم أمر المهديين وشفر أمر أولهم (ع). حماكم الله سيدي وأمد في عمرنا لنصرتكم حين خروجكم، وما هو السر أن الناس مثلي يروا رؤيا بالإمام المهدي (ع) دون أن يسألوا ذلك ولا يعرفون أنه قد ظهر.

در آخر سؤالی دارم که، مسلمانان تا زمان امام صادق (ع) آیا تنها مکلف به ایمان آوردن به دوازده امام (ع) بودند بدون اینکه به مهدیین (ع) ایمان داشته باشند؟ و چرا شیعیان از ایمان به مهدیین (ع) در غفلتند و به آنها روی نمی‌آورند؟ و ارتباط آنها (۱۲ امام و ۱۲ مهدی) در چیست؟ هم‌چنین توضیحی درباره دلیل پوشیده ماندن امر مهدیین (ع) و اولین آنها (ع) را از شما می‌طلبم. از خداوند متعال می‌خواهم که شما را در پناه خود قرار دهد و به ما عمر طولانی دهد تا شما را در هنگام خروج یاری نمایم. هم‌چنین دلیل اینکه مردمی مثل بنده خواب‌های عجیبی از امام مهدی (ع) می‌بینند بدون اینکه در مورد او سؤالی کنند، و حتی نمی‌دانند که او ظهور کرده است چیست؟

وآخر دعوانا أن الحمد لله وحده وحده وحده وحده وحده على نعمته إياك سيدي.

المرسل: عبد الله - السويد

در آخر، خداوند متعال را سپاس گزارم که نعمت وجود شما را به ما بخشید.

فرستنده: عبد الله - سويد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير، احمد الله سبحانه وتعالى أن عرفك الحق وأسمعك صيحة الحق بفضلته ومنه، ورزقك رؤية الحق في ملكوته، وجعلك ممن يسمعون كلماته سبحانه، ويعونها ويصدقونها.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
خداوند در هر کار نیکی تو را پیروز کند. خداوند متعال را شاکرم که شما را با دعوت حق آشنا ساخت و به فضل و بخشش او، ندای حق را به گوش‌تان رساند و تو را به رؤیت حق و حقیقت در ملکوتش موفق گردانید و تو را از کسانی قرار داد که به ندای حق گوش فرا دهند و کلام او را باور کنند و آن یاری دهند.

ورؤياك فتح السماء وكتابة شهادة لا إله إلا الله محمد رسول الله فيها، تعني رسالة جديدة كرسالة محمد (ص)؛ لأن المهدي هو رسول أيضاً، ومبشّر ومنذر كجده محمد (ص)، والمهدي أيضاً يعيد سنت جده محمد (ص)، بعد أن طمسها أهل الباطل والزيغ، وقد قال رسول الله محمد (ص): (إن الإسلام بدأ غريباً وسيعود غريباً كما بدأ فطوبى للغرباء)^(۱). وكانت بداية الإسلام غريباً بدعوة محمد (ص)، وعودة الإسلام غريباً تكون بدعوة المهدي، وفقك الله لكل خير.

اما شكافته شدن آسمان در رؤیا و نوشته شدن جمله لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) برای شما بیانگر پیام و دعوتی همانند دعوت حضرت محمد (ص) است، چرا که امام مهدی (ع) همانند جدش رسول الله (ص) یک رسول و هشدار دهنده و بشارت دهنده از جانب خداوند است. هم‌چنین امام مهدی (ع) سنت جدش رسول الله (ص) را برای جهانیان تکرار می‌نماید، بعد از اینکه اهل باطل این سنت مبارک را با پرده‌ای از باطل پوشانده‌اند. رسول خدا (ص) فرمودند: (اسلام به صورت غریبانه آغاز شد و در آینده به همان ناآشنایی و غربت باز خواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان)^(۲). دین اسلام با دعوت محمد (ص) شروع غریبی داشت و با آمدن دعوت امام مهدی (ع) به همان غربت باز خواهد گشت! خداوند متعال تو را برای هر کار خیر موفق بگرداند.

ورؤياك الاثنان القصار والسود ویدخون، ومن ثم طردتهم وصليت أنت في باطن الكعبة، تعني أن الناس الذين يسيطرون على بيت الله هم باطل؛ لأنهم سود قصار، وهذه إشارة إلى أنهم باطل، وأيضاً القصر يشير إلى ضعف إشكالهم وافترائهم على حق أهل البيت (ع)، والتدخين يشير إلى همّ يصيبهم ويظلمهم نتيجة أعمالهم والشر والأذى الذي يصدر عنهم، وإن شاء الله تكون أنت من أنصار المهدي الذين سيظردون هؤلاء من بيت الله، وفقك الله.

خواب شما از آن دو شخص سیاه‌پوست کوتاه‌قد که سیگار می‌کشیدند و تو آن‌ها را از آنجا راندی و در داخل کعبه نماز خواندی نشان می‌دهد، اشخاصی که مسئولیت کعبه را بر عهده دارند، از اهل باطل هستند چرا که آن‌ها سیاه‌پوست و قد کوتاه هستند که این نماد اهل باطل است. هم‌چنین کوتاه‌قدی و قامت به ضعف آن‌ها و دشمنی و افترای آن‌ها به حق اهل بیت (ع) اشاره دارد و اما سیگار کشیدن آن‌ها بیانگر این است که به مصیبتی مبتلا می‌شوند که آن‌ها را نابود می‌کند که نتیجه‌ی آزار و اذیت و اعمال دیگری که از آن‌ها صادر

۱- کمال الدین وتمام النعمة ب- ۲۰ ح ۴۵ ص ۲۰۱.

۲- کمال الدین وتمام النعمة ب- ۲۰ ح ۴۵ ص ۲۰۱.

می شود. ان شاء الله که تو از جمع یاران امام مهدی (ع) خواهی بود و آن ها را از خانه خدا بیرون خواهی کرد. خداوند تو را توفیق دهد.

ورؤاك الأخرى تقريباً واضحة، وتابوت الإمام علي(ع) يشير إلى علمه وما خلفه(ع) بين الناس، وهم أهل بيت محمد وعلي(ع).

رؤیای دیگر تو تقریباً واضح است، و تابوت امام علی (ع) حکایت از علم ایشان و آنچه بین مردم ترک کرد، می کند که آن ها همان اهل بیت حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) هستند.

وأسأل الله أن يوفقك لكل خير، وأن يمن عليك بهداية من كتب لهم الهداية من أهلك، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

و از خداوند متعال می خواهم که تو را در هر کاری موفق کند و تو را هدایت نماید و هم چنین هدایت خداوندی را برای افرادی از خانواده ی تو که هدایت خداوند برای آن ها نوشته شده خواستارم که او ولی و سرپرست من و افراد صالح است. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٨٣: خواب دیدن زن بارداری به پسری به نام عبدالرحمن

السؤال / ٤٨٣: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی رسولنا الکریم وعلی آله وأصحابه المنتجبین.

السلام علیکم ورحمة الله، أتقدم بطلب تفسیر رؤیا رأها رجل من عائلتي، هذا الرجل كانت زوجته حامل (كذا) بولد وكان سمي عبد الرحمن، وفي ليلة ولادته (كذا) ذلك الطفل رأى

أبوه في المنام أنه ولد له طفل وهو في يده في الكعبة يطوف به، وأثناء الطواف جاء عنده شيوخ يلبسون البياض قالوا له: من هذا؟ قال: هذا عبد الرحمن، فقالوا: لا هذا محمد. انتهى.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

المرسل: محمد - المغرب

سؤال / ۴۸۳: بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات خداوند بر پیامبر اکرم(ص) و خاندانش و یاران پاک و مطهرش.
سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. از شما تقاضا دارم خوابی که یکی از بستگانم دیده است را برایم تفسیر نمایی. این مرد دارای زنی است که مدتی چند باردار شده است و بار او (جنین او) پسر است. آن مرد، اسم پسر را عبد الرحمن گذاشته است. اما در شب ولادت آن نوزاد پدرش در خواب دید که، پسری برای او متولد شد و به همراه او مشغول طواف کعبه بود و در حین طواف چند پیرمرد، با لباس سفید پیش او آمدند و از او پرسیدند: این کیست؟! گفت: این عبد الرحمن است، پس آن‌ها گفتند: نه، این محمد است. پایان.
و آخرین دعای ما، حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.

فرستنده: محمد - مغرب

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
هذه الرؤيا هي بشرى من الله لكم بظهور المهدي، فالطفل هو بشرى من الله واسمه محمد والمهدي الأول اسمه في السماوات محمد وفي الأرض أحمد، والكعبة هي قبلة الناس إلى الله، وهي تشير إلى خليفة الله في كل زمان، فخليفة الله هو القبلة الحقيقية إلى الله، فقد أمر الله الملائكة أن يتخذوا آدم(ع) قبلتهم إلى الله. وفقكم الله لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ۱۴۳۰ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
این رؤیا یک بشارتی از جانب خداوند برای شما نسبت به ظهور حضرت مهدی(ع) است. نوزاد، خود بشارت از جانب خداست و نام او محمد بوده، که اسم مهدی اول(ع) در آسمان محمد و در زمین احمد است. و کعبه قبله‌ی مردم به سوی خداست و اشاره به خلیفه‌ی خدا در هر زمان است، پس خلیفه‌ی خدا خود قبله‌ی حقیقی

به سوی خدا می باشد، همان طور که خداوند فرشتگان را امر کرد که آدم (ع) را قبله ی خود قرار دهند. از خداوند برای تو در هر کار نیکی آرزوی موفقیت دارم. و السلام علیکم و رحمة الله .

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٨٤: خواب دیدن به آنفولانزای خوکی

السؤال / ٤٨٤: رأيت رؤيا في المنام كتابة مكتوب إنفلونزا الخنازير عملية مفتعلة من قبل القوات الأمريكية، ومكتوب (يم) - أي بجانبها - الكتابة السيد أحمد الحسن، يعني هذه الكتابة من السيد، ومن شفت هذه الرؤيا أخذت أدعو الله في منامي وأقسم على الله بمحمد وأهل بيته أن يظهر لي أحقية هذه الدعوة وجسمي كله يختض من أدعو وكنت أدعو بكل صوتي.

مع كل احترامي ما معنى هذه الرؤيا؟؟

المرسل: الغائب المنتظر - العراق

سؤال / ٤٨٤: در خواب نوشته ای دیدم که: آنفولانزای خوکی یکی از عملیات نیروهای آمریکایی که در کنار آن نام احمد الحسن نوشته شده بود، یعنی این نوشته از سید احمد الحسن نقل شده است . و بعد از اینکه این خواب را دیدم شروع به دعا کردن نمودم و خداوند را به مقام حضرت محمد (ص) و اهل بیت ایشان (ع) قسم دادم که حقیقت این دعوت را برای من نمایان سازد، درحالی که تمام جسمم به لرزه در آمده بود و با صدای بلند مشغول دعا بودم!... با کمال احترام، تعبیر این رؤیا چیست؟؟

فرستنده: غائب منتظر - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً .
وفقك الله لكل خير وسدد خطاك وجعلك ممن يطلبون الحق بإخلاص، وأسأل الله أن يبين لك الحق حقاً ويرزقك اتباعه، ويبين لك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ۱۴۳۰ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
 خداوند شما را در انجام هر کار خیری یاری دهد و خطاهای تو را ببخشد و تو را در جمع طالبان مخلص حق قرار دهد و از او خواستارم که حق را همان‌طور که هست به تو نشان دهد و تو را در پیروی از آن یاری نماید و باطل را همان‌طور که هست برای تو نمایان سازد و در اجتناب از آن به تو کمک کند. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ۱۴۳۰ هـ



پرسش ۴۸۵: خواب دیدن جوانی که اذان می‌گوید.

السؤال / ۴۸۵: لقد رأيت رؤيا وأنا في مكان كبير لا أذكره ويوجد أناس كثير والإمام أحمد واقف بمكان عالٍ وأنا رأيت من الخلف، وكان طويل القامة ونحيف وظهره طويل وهو جالس، وكان يؤشر بيديه للناس، وقد أشر بيديه نحو شاب وناداه باسمه وقال: يا أحمد أذن وأنت مؤذن، وعندها صعد أحمد وأذن بالناس.

المرسل: عاملي - ألمانيا

سؤال / ۴۸۵: در خواب دیدم که در یک جای وسیع و بزرگی بودم که در آن جا مردم زیادی حضور داشتند که امام احمد علیه‌السلام بر روی یک جای بلندی ایستاده بود که من توانستم او را از پشت سر، مشاهده کنم که قامت بلندی داشتند و جسم نحیف و لاغر با کمری کشیده بود و در حالی که آنجا نشسته بودند با دست به مردم اشاره می‌کردند که به یک جوانی اشاره نمود و او را با اسم صدا کرد و گفت: ای احمد اذان بگو، تو مؤذن من هستی. در آن هنگام احمد بالا رفت و برای مردم اذان گفت.

فرستنده: عاملي - آلمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
المؤذن هو الذي يعلن وينشر دعوة الحق، والأذان هو الدعوة إلى الحق.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
مؤذن كسى است كه دعوت را اعلام و منتشر مى كند واذان نماد دعوت بسوى حق است .
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٨٦: خواب دیدن خواندن آیه الکرسی

السؤال / ٤٨٦: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً
كثيراً.

سؤال / ٤٨٦: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

طلب مني إرسال هذا الاستفسار عن معنى هذه الرؤيا لمولاي أحمد (ع)، وهي رؤيا لبنت تبلغ من
العمر ١٢ تقريباً.

از من درخواست شده كه تعبیر خواب يك دختر ١٢ ساله ای را از مولایم احمد الحسن ع پپرسم.

رأت الدنيا مظلمة فشرعت في قراءة آية الكرسي، ولما بلغت الحي القيوم سمعت صوتاً جميلاً يكمل معها الآية الشريفة فانتبهت من نومها.

وسلامي لمولاي وسلامي لابن مولاي، والسلام عليكم جميعاً ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: خاكزاد - الإمارات العربية

و خواب اینگونه بود که : تمام دنیا را تاریک دیده بود. پس شروع به تلاوت آیه کرسی کرد و تا اینکه به ایه مبارکه (الحی القيوم ...) رسید ناگهان صدای زیبایی را شنید که همراه او تلاوت می کرد، و از خوابش بیدار شد . و سلام و درود به مولا و سرورم و فرزند مولایم علیه السلام باد . والسلام عليكم جميعاً و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: خاكزاد - امارات عربية

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

الدنيا مظلمة أي ملئت ظلماً وجوراً وضلالاً، ولم تكن هي تعرف الهدى والنور في هذا الظلام، وقراءتها آية الكرسي يعني أنها رأته الحق وتقدمت خطوة إلى الإيمان بالحق والهدى والنور، فأعانها الله سبحانه بأوليائه؛ وهو الصوت الذي أكمل معها آية الكرسي.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

اینکه دنیا را به شکل تاریک دیده بیانگر این است که جهان و دنیا پر از ظلم و ستم شده است و او راه هدایت و روشنایی را در این تاریکی نمی شناخت . اما اینکه شروع به تلاوت آیه کرسی نمود، به این معناست که توانست حق و حقیقت را ببیند و بسوی ایمان و هدایت گامی بردارد، پس خداوند متعال در این امر به او کمک کرد و اولیای خود را جهت یاری او فرستاد و این همان صدایی بود که ایه کرسی را همراه او کامل نمود

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ



پرسش ٤٨٧: خواب دیدن فرمانده ارتشی و درجه پنج ستاره و تاج

السؤال / ٤٨٧: السلام عليكم.

رأيت في الرؤيا ضابط جيش وسط تجمع من الناس وهو يلقي أهازيج (هوسات) وهو برتبة غربية خمسة نجوم وتاج.

المرسل: علي جمال - العراق

سؤال / ٤٨٧: السلام عليكم.

در رؤيا يك فرمانده نظامی بین جمعیتی از مردم دیدم كه او برای آن ها یزله می گفت ! او درجه ی نظامی عجیبی داشت كه پنج ستاره و يك تاج بود.

فرستنده: علی جمال - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
ضابط جيش تأويله ملك من الملائكة، وهم الملائكة الذين ينصرون المهدي لإقامة دولة العدل الإلهي، أما الرتبة فالنجوم الخمسة فيها تشير إلى الخمسة أصحاب الكساء اليماني؛ وهم محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين(ع)، والتاج يشير إلى - الملك الإلهي - ملك المهدي، أي إن الرتبة تشير إلى اليماني وملك المهدي وإقامة حاكمية الله؛ لأن الخمسة صلوات الله عليهم جمعهم الكساء اليماني الذي تغطوا به، والرسول محمد(ص) شفي بعد أن تغطى بالكساء اليماني، وهذا الشفاء إشارة إلى أن صلاح الدين الإسلامي المحمدي بعد خرابه يتمه الله باليماني، فما رأيت أنت في رؤياك هو فرح ملائكة الله وسكان السماوات بظهور اليماني والتهيئة للقيام وإقامة دولة العدل الإلهي وحاكمية الله وإظهار فضل محمد وآل محمد(ع)، وخصوصاً الخمسة أصحاب الكساء(ع).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.
تأويل فرمانده نظامی، فرشته‌ای از فرشتگان است که امام مهدی علیه السلام را یاری می‌دهند تا دولت عدل را بر پا نماید اما درجه پنج ستاره‌ای اشاره به اصحاب کساء یمانی دارد، که آن‌ها (محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام) هستند. و تاج پادشاهی اشاره به - خلافت الهی - خلافت مهدی علیه السلام است. یعنی درجه فرمانده اشاره به یمانی و فرمانروایی امام مهدی علیه السلام و برپایی حاکمیت خداوند است. چرا که پنج تن علیهم السلام در زیر پوشش (کساء) یمانی جمع شدند و حضرت محمد ﷺ بعد از قرار گرفتن زیر کساء شفا پیدا کرد و این شفا و درمان اشاره به اصلاح اسلام محمدی بعد از خرابی و ویرانی توسط یمانی دارد. و آنچه که تو در رؤیای خودت دیدی همان خشنودی ملائکه و تمام ساکنان ملکوت نسبت به ظهور یمانی و آمادگی جهت قیام و برپایی حکومت عدل الهی و حاکمیت خداوند و نمایان شدن فضل و برکت محمد و آل محمد علیهم السلام به خصوص اهل کساء (ع) است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ



پرسش ۴۸۸: خواب دیدن حضرت زهرا (ع)

السؤال / ۴۸۸: أخي وهو نائم بيته قبل ولادة زوجته بشهرين رأى رؤيا أنه نائم على كرسي بالمستشفى جنب زوجته ظهرت الزهراء (ع) وقالت له: إن الله يقربك السلام فنظر إلى قلبك ولم يجد أفضل منك أن يرزقك مولوداً فيكون له شأن عظيم بالإسلام وقائد عند ولدي الإمام المهدي (ع)، عندها تقدمت الزهراء إلى زوجتي وقامت بعملية الولادة لها بنفسها ورفعت المولود إلى السماء ودعت، ويقول إن هذه الرؤيا كانت بنصف من شهر شعبان.

المرسل: عاملي - ألمانيا

سؤال / ۴۸۸: برادرم در خانه خوابیده بود و رؤیایی دید که این رؤیا دو ماه قبل از فارغ شدن همسرش بود، برادرم دید که در بیمارستان در کنار همسرش روی تختی خوابیده بود که ناگهان فاطمه زهرا (ع) ظاهر شد و به او گفت: خداوند به تو درود می‌فرستد. او به قلب تو نگاه کرد و بهتر از تو کسی را نیافت، پس فرزندی به تو خواهد داد که شأن و منزلت بزرگی خواهد داشت و نزد فرزندم امام مهدی (ع) فرمانده خواهد شد، آن هنگام

حضرت فاطمه (ع) به زخم نزدیک شد و در زایمان به همسرم کمک نمود سپس نوزاد را به طرف آسمان گرفت و خداوند متعال را دعا کرد ... برادرم اشاره دارد که این خواب در نیمه ماه مبارک شعبان بود.

فرستنده: عاملی - آلمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

الرؤيا واضحة لكم إن شاء الله، فقط المولود ليس ابنه بل أخوه، أي إن المولود هو أنت وفقك الله لكل خير، وأما معنى ولادتك وأنت مولود؛ فهو إن من يهتدي إلى ولاية الله سبحانه يكون كيوم ولدته أمه بلا ذنب، وأما أن الزهراء (ع) هي القابلة فهذا يعني إنها سبب هدايتك ومعرفتك الحق، ومعنى إنها رفعتك إلى السماء؛ أي إنها ستكون سبباً لرؤيتك ملكوت الله سبحانه، وأيضاً المولود هو بشرى فيكون في الرؤيا معنى أنك تنقل بشرى لأخيك الذي رأى أنه ولد له مولود، وفي الرؤيا أنك تنقل له بشرى ظهور المهدي؛ لأنه أخبر في الرؤيا أن المولود من أنصار المهدي، وأيضاً فليأمل أخوك من فضل الله أن يجعل في ذريته صالحين من أنصار المهديين في المستقبل، وفقكم الله لكل خير.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

تفسير این رؤیا ان شاء الله واضح و آشکار است، اما تعبیر نوزاد به معنای فرزند برای برادرت نیست بلکه به معنای برادر اوست، در واقع این نوزاد شما هستی، اما اینکه شما در خواب متولد شده‌ای درحالی که تو الان در دنیا هستی بر این حدیث صدق دارد که هرکسی که به ولایت خداوند متعال هدایت شود مانند کسی شود که تازه به دنیا آمده و هیچ گناهی مرتکب نشده است و دیدن حضرت زهرا (ع) به عنوان قابله به این معناست که ایشان سبب و دلیل هدایت شما به حق است و اینکه تو را به طرف آسمان بلند کرد این است که او سبب و دلیلی خواهد شد تا تو بتوانی ملکوت آسمان را ببینی، همچنین دیدن نوزاد در خواب یک بشارت است و اینکه برادرت در خواب دیده که صاحب فرزندی می‌شود بیانگر این است که تو بشارتی به او خواهی رساند و این بشارت همان ظهور امام مهدی (ع) می‌باشد. چرا که او در خواب دیده بود که این نوزاد از یاران امام مهدی (ع)

خواهد بود، پس برادر تو هم به فضل خداوند امیدوار باشد که فرزندی نیکو کار از یاران امام مهدی (ع) به او بدهد. خداوند متعال تو را در امور خیر و نیک موفق نماید.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ



پرسش ۴۸۹: خواب دیدن آنچه حضرت موسی (ع) به قومش گفت.

السؤال / ۴۸۹: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

سيدي ومولاي يا بن رسول الله صلوات ربي عليك وعلى آبائك الطاهرين والمهدين من ولدك (ع).

سؤال / ۴۸۹: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

مولا و سرورم، ای فرزند رسول خدا درود خداوند بر شما و پدران مطهرت و صلوات خداوند بر مهديين عليهم السلام از فرزندان.

سيدي ومولاي، رأيت رؤيا في المنام عجزت عن تفسيرها وأخذ العبرة منها، فوجهت وجهي لكم سيدي لأفهم المقصود من رؤيائي: وجدت يا سيدي أنني مع مجموعة من الزملاء في بعثة دراسية لبلد أجنبي، ولكن حين وصلنا لهذه البلدة وجدناها لا تروق لنا ونريد الخروج منها، فكان من معي من الإخوة مختلفين في ما بينهم على الطريقة الأمثل وشرح سبب مناسب لمن أرسلنا لهذه البلد، فوجدت نفسي أقول لهم: اجمعوا أمركم على قول واحد وقولوا بما قال نبي الله موسى لقومه.

مولای من، رؤیایی دیدم که توانایی تفسیر و عبرت گرفتن از آن را نداشتم لذا به شما روی آوردم تا مقصود رؤیا را بفهمم: در خواب خودم را همراه تعدادی از همکلاسی‌هایم دیدم که به یک کشور خارجی رفته بودیم تا یک تحقیق آموزشی انجام دهیم، اما وقتی به آن منطقه رسیدیم انگار منطقه مورد نظر ما نبود، پس تصمیم

گرفتیم که از آنجا خارج شویم، سپس هنگام خروج، از همکلاسی‌هایم می‌شنیدم که هر کدام دلیلی را مرور می‌کردند تا برای آن شخصی که ما را به آنجا فرستاده بود بیان کنند، در آن لحظه من لب به زبان گشودم و گفتم: یک اتفاق نظر داشته باشیم و بگذارید آنچه که حضرت موسی (ع) برای قومش گفت را بگوئیم.

فما كان قول نبي الله موسى لقومه المناسب لمثل حالنا هذا؟ وهل لهذا القول علاقة بقضية الإمام المهدي سلام الله عليه؟ وبماذا توجهني وتنصحي به في مثل هذه المواقف؟

المرسل: يوسف - العربية السعودية

سخن حضرت موسی (ع) به قومش که مناسب با حکایت ما باشد چیست؟ آیا این قول و اقوال ارتباطی با قضیه امام مهدی (ع) دارد؟ نصیحت و پند شما برای من چیست؟

فرستنده: یوسف - عربستان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
اعلم وفقك الله أن صيحة جبرائيل (ع) تتبعها صيحة إبليس، وكل صيحة حق تتبعها صيحة باطل، فكما تسمع بدعوة الحق وداعي الحق لا بد أن تمر بالامتحان وتسمع من شياطين الإنس والجن الشبهات التي يريدون أن يغطوا بها الحق ويضلوا بها الخلق عن الصراط المستقيم، فهذه رؤياك تبين لك الرد المناسب على شيعة المراجع أو أعوانهم والمنتصرين لهم، الذين يوجبون تقليد غير المعصوم بأهوائهم ونصبوا لأنفسهم عاجلاً وسامرياً وضلوا عن سواء السبيل، فالله يبين لك أن الرد المناسب عليهم عندما يدعونك إلى الابتعاد عن الحق هو ما قاله موسى (ع) لأشباههم: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فَتُوبُوا إِلَيَّ يَا بَارِئِكُمْ فَاذْكُرُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^(١).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
از خداوند برای تو آرزوی موفقیت دارم، بدان که ندای جبرئیل (ع)، صدا و دعوت ابلیس ملعون را به دنبال دارد، پس در مقابل هر ندای حق یک صدای باطلی وجود دارد که آن را همراهی می‌کند، پس همان طور که دعوت حق را می‌شنوی، خودت را برای امتحان آماده کن چرا که شیاطین جن و انس با طرح شبهاتی از

باطل سعی بر این دارند که دعوت حق را بیوشانند و دیگران را از راه مستقیم گمراه کنند. پس این خواب، جواب مناسبی برای طرفداران مراجع تقلید را بیان می‌کند که تقلید از غیر معصوم را بر دیگران واجب می‌دانند و با نصب و ساختن گوساله‌ی سامری، دیگران را از راه هدایت به دور می‌کنند، پس خداوند متعال با این رؤیا خواسته است جواب مناسبی برای کسانی که تو را از راه حق و حقیقت دور کنند بیان کند و این با کلامی که حضرت موسی (ع) به امثال همین اشخاص در آن زمان داد تناسب دارد: (و حضرت موسی به قوم خود گفت که: ای قوم، شما از جهالت و نادانی گوساله‌پرست شدید و به نفس خود ستم کردید، اکنون به سوی خدا باز گردید و به کیفر جهالت و نادانی خود به کشتن یکدیگر تیغ بر کشید این در پیشگاه خداوند بهترین کفاره عمل شماست، آنگاه از شما درگذشت و توبه‌تان را پذیرفت که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است)^(۱).

بل وأيضاً قول موسى (ع) لقومه: ﴿يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَ لَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾^(۲) مناسباً لأن تنصحهم به وتذكرهم بوصية رسول الله محمد (ص) إذ نصب فيهم الأئمة والمهديين (ع) ﴿إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَ لَكُمْ مُلُوكًا﴾، فالمفروض أن تشكروا نعمة الله الكبرى عليكم وفيكم باتباع الحق والأخذ بوصية الرسول الكريم محمد (ص)، فالله قد آتاكم ما لم يؤت أحداً من العالمين، أنتم بالخصوص في هذه الأمة حيث جعل لكم قادة هم خيرة خلقه سبحانه، وهم محمد وآل محمد (ع) الأئمة والمهديون ﴿يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَ لَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - صفر/ ۱۴۳۱ هـ

و هم‌چنین حضرت موسی (ع) به قوم خود گفت: (ای قوم، نعمت خدا را به خاطر بیاورید آنگاه در میان شما پیامبرانی فرستاد و شما را پادشاهی و فرمانروایی داد و به شما آنچه را که به هیچ‌یک از اهل جهان نداد، عطا کرد)^(۳) این دو آیه جواب مناسبی است که می‌توانی آن‌ها را یادآوری کنی و به‌وسیله آن‌ها وصیت رسول خدا (ص) که ائمه (ع) و مهدیین را بعد از خود به عنوان جانشین معرفی نمود: (هنگامی که بین شما پیامبرانی فرستاد و به شما فرمانروایی و پادشاهی داد)، و بر شما واجب است که خداوند را شکر کنید که نعمت پیروی از حق را به شما عطا نمود و وصیت رسول خدا (ص) را در بین شما قرار داد، پس خداوند آن چیزی را که به تمام عالم نداد، به شما داد به‌خصوص شما که در جمع این امت هستید و بهترین رهبران و فرماندهان را برای

۱- بقره: ۵۴.

۲- المائدة: ۲۰.

۳- مائدة: ۲۰.

هدایت شما قرار داد و آن‌ها (حضرت محمد(ص) و اهل بیت ایشان و مهدیین(ع) هستند (ای قوم نعمت خداوند را به یاد بیاورید که در بین شما پیامبرانی قرا داد و به شما پادشاهی عطا کرد و چیزی به شما داد که به تمام جهانیان نداده بود).
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٩٠: خواب دیدن فلجی که از برکه آب خارج می شود.

السؤال / ٤٩٠: رؤیا رأها صديق لي:

كنا صاحب الرؤيا وأنا في مكان كنا نتحدث في موضوع هام، وأثناء التحدث كان أمامنا بركة خرج منها شخص مشلول خرج من البركة وصار أمامنا، كان به قطعة مثل التي بالسّمك شقه مع ظهره مكتوب على جزأ السمك لفظ الجلالة، انبهرنا واعتقدنا فيه أنه ولي من أولياء الله، وكان بادياً أنني أنا أيضاً اعتقدت بذلك فرحبنا به ترحيباً كبيراً، تحدثنا معه، أثناء تحدثنا معه كنا متشوقين للحديث معه نتظر منه كل كلمة، صار يسألنا أسئلة، فكان يسألنا عن كم شخص نعرف؟ ومن نعرف؟ لأول وهلة لم يشك صاحب الرؤيا فيه ولكن بعد وقت شك فيه أنه يخدعنا ليجرنا لمكيدة، أخذني صاحب الرؤيا بعيداً وحدثني وقال لي: لا تخبره بأي شيء؛ لأنني أشعر أن في الأمر خدعة، وأنه يخدعنا وأنه ليس بولي، وقال لي: لا تفتح له قلبك ولا تصدقه، فأجبتة بإيماءة بنعم، كنت أتكلم مع ذلك الخارج من الماء وأنا مسرور مبتهج به، وأثناء ما كان صاحب الرؤيا يتحدث معي أنا ويحذرنى منه وكنت أنا أهز رأسي وأقول موافق، أولاد الشيخ الذي يتبعه صاحبي كانوا بأسفل القطار فانشغل صاحب الرؤيا عني وصار يجري وراءهم طلباً لإنقاذهم، ثم انتهت الرؤيا.

المرسل: أبو محمد - فلسطين

سؤال / ٤٩٠: رؤیایی که دوستم دیده است:

من و صاحب رؤیا در یک جایی بودیم که مشغول گفتگو درباره یک موضوع مهمی بودیم، در این حین برکه‌ی آبی در کنار ما بود که از آن یک شخصی که فلج بود خارج شد و در مقابل ما قرار گرفت. یک شباهتی

به شکل ماهی داشت که در پشت او شکافی بود که روی آن لفظ جلاله (الله) نوشته شده بود که این امر تعجب و شگفتی ما را برانگیخت و معتقد شدیم که این شخص از اولیای خداست پس خود شروع به سخن کرد و گفت که من نیز چنین اعتقادی دارم پس ما یک خوش آمد گویی با او کردیم و با اشتیاق با او هم‌صحبت شدیم و به تمام حرف‌هایش خوب گوش می‌دادیم. پس او شروع به سؤال کردن نمود که چند نفر و چه کسانی را می‌شناسیم؟ در مرحله‌ی اول بیننده‌ی خواب هیچ شکی به او نداشت اما کمی بعد به او شک کرده بود که نیرنگی در کار او می‌باشد و می‌خواهد ما را فریب دهد. صاحب رؤیا من را به جایی دورتر برد و گفت: چیزی به او نگو. چون من احساس می‌کنم که یک حيله‌ای در کار است و او دارد ما را گول می‌زند و گمان کنم که از اولیا نیست! سپس گفت اسرار قلبت را برای او بازگو نکن و من با اشاره به او گفتم: چشم. من با خوشحالی و شوق با آن شخصی که از برکه خارج شده بود صحبت می‌کردم و در حالی که صاحب رؤیا من را هشدار می‌داد و من هم‌چنان با اشاره‌ی سر، حرف او را تأیید می‌کردم که فرزندان یک پیرمردی که با هم در یک قطار بودیم در قسمت پایین بودند، دوستم بیننده رؤیا را مشغول خود کردند که به آن‌ها کمک کند و مرا به حال خودم گذاشت که در این لحظه خواب به پایان می‌رسد.

فرستنده: أبو محمد - فلسطین

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله، رؤيا صاحبك من الله سبحانه، وواضحة أنها منذرة من شخص تنبهرن به، أما
أولاد هذا الشيخ الذين حاول صاحبك إنقاذهم فهم بعض من يتبعون هذا الشيخ ويسمعون منه.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - صفر / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
خداوند تو را موفق بگرداند. خواب دوستت از جانب خداوند متعال است و یک هشدارى واضح برای شما نسبت به شخصی که زیاد به آن اهمیت می‌دهید، اما فرزندان شیخی که دوستت سعی در کمک و نجات آن‌ها داشت بعضی از پیروان آن شیخ و تابع کلام او هستند.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - صفر / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ٤٩١: خواب دیدن ماه گرفتگی و پنهان شدن آن

السؤال / ٤٩١: السلام على أنصار الله ورحمة الله وبركاته.

رأيت قبل فترة رؤيا وأرجو تفسيرها:

سؤال / ٤٩١: سلام و درود خدا بر انصار الله.

مدت ها پیش یک خوابی دیدم که تقاضای تفسیر آن را دارم.

رأيت كان الوقت أذان الفجر حسب ما أتذكر، وسمعت صوت الأذان أنا وأمي، فخرجنا لننظر فرأينا القمر وكأنه يخسف، فاختفى القمر كلياً تقريباً وظهرت أربعة أقمار من أربع جوانب حول القمر المختفي، وفجأة بدأت أحس كأن الأرض بدأت تغلي من تحتنا، فقلت لأمي: إن الأرض تفور، فقالت لي: لا، لا يوجد شيء، وهذا ما أتذكره من الرؤيا.

در خواب دیدم که وقت اذان صبح بود، دقیقاً یادم نیست، من و مادرم صدای اذان را شنیدیم. هر دو خارج شدیم و ماه را در حال خسوف دیدیم، پس کم کم ماه به طور کامل پنهان شد و چهار عدد ماه در اطراف ماه پوشیده شده ظاهر شدند و ناگهان احساس کردم که زمین در زیر پاهایمان داغ شد، به مادرم گفتم: زمین دارد می جوشد، مادرم گفت: نه، چیزی نیست ... این چیزی است که از رؤیا به یاد دارم.

جزاكم الله ألف خير، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

المرسلته: نرجس - العراق

خداوند به شما اجر فراوان بدهد. وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

فرستنده: نرجس - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

الأذان هو دعوة الحق، والقمر هو الوصي، واختفاؤه واضح، والأقمار الأربعة حوله وهو مختفي أي مؤمنون يتصلون به، وفوران الأرض هو عذاب من الله، إذا لم يحدث البداء سينزل بأهل الأرض ويهلك أكثرهم، والعذاب لا ينزل إلا بعد أن يكون هناك رسول منذر لأهل الأرض الذين ينزل بهم العذاب، قال تعالى: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^(۱).

اذان در خواب به معنای دعوت حق است و ماه بیانگر وصی است اما پنهان شدن آن، امری واضح و روشن است و ظهور چهار ماه در اطراف آن از اتصال و ارتباط اشخاص مؤمن به وصی حکایت می‌کند، و اما فوران زمین به معنای عذاب الهی است که اگر بداء (تغییر) اتفاق نیفتد بر اهل زمین نازل می‌شود و بیشتر آن‌ها را به هلاکت می‌رساند و عذاب الهی هیچ وقت نازل نمی‌شود مگر اینکه رسول یا هشدار دهنده‌ای برای ساکنان زمینی که عذاب بر آن‌ها نازل خواهد شد وجود داشته باشد. که خداوند می‌فرماید: (هیچ وقت عذابی را نازل نکرده‌ایم مگر قبل از آن رسولی را به آنجا فرستاده باشیم)^(۲).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - صفر / ۱۴۳۱ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - صفر / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۹۲: خواب دیدن امام خمینی (رحمه الله) در حال استغاثه به حضرت زهرا (ع)

السؤال / ۴۹۲: كنت ماشي أنا وصاحب قديم لي سني ودخلنا مكان فرأينا الإمام الخميني قاعد على كوم لحم بقر ويمعس به ويبيكي ويستغيث بالزهراء ويرش على اللحم برغل، فقعدت

۱- الإسراء: ۱۵.

۲- اسراء: ۱۵.

بوجه الإمام وصرت أعمل مثله امعس اللحم وأرش عليه برغل وأبكي واستغيث بالزهراء، فأشرت إلى صاحبي أن يصعد معي فلم يصعد

سؤال / ٤٩٢: من به همراه یک دوست قدیمی که سنی بود در حال رفتن به یک مکانی بودیم، وارد مکانی شدیم و امام خمینی را دیدیم که روی تپه‌ای از گوشت گاو نشسته بود و با گوشت ور می‌رفت و گریه می‌کرد و به حضرت زهرا(ع) پناه می‌برد و یاری می‌جست و بر گوشت‌ها گندم می‌پاشید، پس من هم در مقابل او نشستم و همانندش شروع به گریستن کردم و روی گوشت گندم می‌پاشیدم و به حضرت زهرا(ع) پناه می‌بردم و از او یاری می‌طلبیدم، در آن لحظه به دوستم اشاره کردم که همراه ما بیاید ولی او قبول نکرد.

فالإمام الخميني أعطاني طابطة (كرة) من اللحم وقال لي: إذا هذا اللحم فسد فهو ليس إمام وهذا اللحم لن يفسد، وأخذت طابطة اللحم وأنا متعجب وصرت أدور بها على الناس وأقول لهم: إن السيد أحمد هو الإمام، وصرت أتحدثهم إن هذا اللحم لن يفسد، ثم قال لي: إن في السيد أحمد (شغلته) لا توجد في جميع العالم ولكني نسيتها.

المرسل: عاملي - ألمانيا

سپس امام خمینی یک تکه‌ی گردی از گوشت برداشت و به من داد و گفت: اگر این گوشت فاسد شد، او امام نیست و این گوشت، هرگز خراب و فاسد نمی‌شود! پس من با تعجب آن تکه گوشت را گرفتم و بین مردم دور می‌زدم و به آن‌ها می‌گفتم که: سید احمد(ع) امام است و با آن‌ها شرط می‌بستم که این گوشت فاسد نمی‌شود، در آن هنگام به من گفت: در وجود سید احمد(ع) یک رازی است که در تمام جهان همانند آن وجود ندارد ولی من آن را فراموش کردم.

فرستنده: عاملي - آلمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير، وأسأل الله أن يجعل رؤياك حقاً، وتراها تتحقق بفضل الله عليك وعلى الناس، وأن يهدي الله الناس إلى الحق ويعرفهم الحق ويجعلهم يتبعون الحق بفضل الله عليهم سبحانه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
از خداوند متعال برای شما آرزوی موفقیت دارم، و از خداوند خواستارم که این خواب شما را واقعیت قرار دهد و با فضل و بخش خداوند بر تو و دیگران تحقق رؤیای خودت را در حقیقت ببینی، و از او می‌طلبم که مردم را به راه حق و حقیقت هدایت کند و شما را از پیروان حق قرار دهد.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - صفر / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۹۳: خواب دیدن مردن بعد از اتمام دوره لیسانس

السؤال / ۴۹۳: رأيت أن زوجة عمي التي توفيت إلى رحمة الله من شهر رأيتها بعد وفاتها تتكلم معنا وتقول لنا بالرؤيا أنها حلمت (زوجة عمي الله يرحمها تقول إنها شافت حلم رغم أنها ماتت)، تقول المرحومة إنها حلمت أن هناك ناس تموت بعد انتهاء البكالوريوس وأن البتول ستموت بعد البكالوريوس، وكأنني بالرؤيا في طريقي للصف الثالث من البكالوريوس وباقي لي الصف الثالث والرابع لإنهاء البكالوريوس، مع العلم بأنني في الحقيقة أنهيت البكالوريوس من سنوات طويلة، مع العلم أن زوجة عمي ذكرت بالرؤيا شيئاً غريباً عجيباً حيث قالت إن البتول خريجة مدرسة السادات ستموت بعد البكالوريوس ولم تقل على غيري أنه خريج مدرسة السادات؛ لأنني بالفعل أنا الوحيدة في بلدي التي أنتمي لمدرسة أهل البيت سادات البشر.

المرسلة: البتول محمد - الكويت

سؤال / ۴۹۳: در خواب زن عمویم که ماه‌ها پیش از دنیا رفت، را دیدم که با ما صحبت می‌کرد و از یک خوابی که او دیده بود برایمان می‌گفت، که (زن عمویم می‌گفت: با اینکه او از دنیا رفته بود ولی یک خوابی را دیده بود!) آن مرحومه می‌گفت: خواب دیده بودم که مردم بعد از فارغ التحصیلی از دوره لیسانس از دنیا می‌رفتند و همانا بتول بعد از پایان دوره لیسانس خواهد مرد! و گویا من در خواب در سال سوم دوره لیسانس بودم و نیمی از سال سوم و سال چهارم مانده تا لیسانس را بگیرم، درحالی که در حقیقت من دوره لیسانس را مدت‌ها پیش به پایان رسانده بودم. هم‌چنین زن عمویم چیزی شگفت‌انگیز و عجیب را یادآور شد و گفت که: بتول فارغ التحصیل مدرسه‌ی سادات بعد از لیسانس خواهد مرد اما به غیر از من اشاره‌ای نکرد که فارغ

التحصيل مدرسة سادات بود! چرا که بین اهالی منطقه من تنها کسی بودم که در مدرسه اهل بیت (سادات بشر) عضو هستم.

فرستنده: بتول محمد - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

وفتكم الله لكل خير، الرؤيا في مسألة تمام العقل والسماء الكلية السابعة. فالملائكة عندما يريدون أن يبينوا لكم أمراً يبينوه من رموز هذا العالم التي تعرفونها ويمكنكم إدراكها، وأيضاً هي منطبعة في نفوسكم فيسهل على الملائكة إظهارها لكم.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد، موضوع رؤیا، تمام شدن عقل و آسمان کلی هفتم است. فرشتگان هنگامی که می خواهند برای تو امری را روشن نمایند، از رمزهای این عالم که شما می شناسید و می توانید درک کنید، تبیین می کنند، و هم چنین این رمز در نفس های شما نقش بسته، پس ظاهر نمودن آن برای فرشتگان آسان می شود.

فالدراسة الابتدائية مثلاً ترمز في الدين إلى معرفة العقائد والعبادات معرفة ظاهرية، أما الدراسة الثانوية أي الست سنوات التي تلي الدراسة الابتدائية فترمز إلى السماوات الست الملكوتية، والتي يعرج إليها الإنسان ويرتقي فيها بتطبيق ما تعلم والعمل به ليعرف الحقائق أي العمل بالعبادات ومجاهدة النفس والشيطان والدنيا وزخرفها، وبالتالي تكون نتيجة العمل هي الارتقاء في السماوات الست الملكوتية المثالية الجزئية، وهذا تماماً كما كنت تفعلين بعد إنهائك الابتدائية حيث استخدمت في التعليم الثانوي ما تعلمتيه فيها - وهو كيف تقرأين وتكتبين - في قراءة الكتب وحل المسائل والتعرف على العلوم وتحصيل المعلومات منها.

پس رمز آموزش ابتدایی در دین مثلاً معرفت ظاهری عقاید و عبادات است، اما رمز آموزش ثانوی یا همان شش سال دوم که بعد از درس ابتدایی است، اشاره به آسمان های شش گانه ملکوتی دارد، که انسان به آن عروج می کند و با تطبیق آن چه می داند و بدان عمل می کند، در آن ارتقاء می یابد، تا حقایق را بشناسد، یعنی

عمل با عبادات و جهاد با نفس و شیطان و دنیا و زینت‌های آن، و نتیجه عمل، ارتقای در آسمان‌های شش گانه ملکوتی مثالی و جزئی می‌شود، و این دقیقاً مانند کاری بود که بعد از انتهای ابتدایی انجام دادی، وقتی در آموزش دومی آن‌چه در خواندن کتاب‌ها و حل مسائل و یادگیری علوم و تحصیل مقدمات آن یادگرفتی استفاده نمودی. اینکه چگونه بخوانی و بنویسی.

أما في الكلية فقد كنت تتعلمين للتطبيق أي كنت تتهيئين من خلال التعلم في الكلية إلى تعليم الغير أو إفادة الغير بما هو عاجز عن فعله، وهذا الأمر مطابق تماماً للمعرفة التي يحصلها الأنبياء في السماء السابعة الكلية؛ ليكونوا مهئين للإرسال الذي هو أيضاً مطابق لما يفعله من تخرج من الكلية، أي إن الأنبياء أيضاً عندما يُرسلون يعلمون الغير أو ينفعونهم بما هم عاجزون عن فعله، وتعليم الأنبياء للغير معروف، أما نفعهم للغير فأيضاً ربما يتوضح لك إن رجعت إلى العمل الاقتصادي ليوسف (ع) أو السياسي والاجتماعي له ولغيره من الأنبياء المرسلين (ع).

اما در کلیه (دانشکده) در آموزش تطبیق کردن را آموختی، یعنی اینکه در خلال یادگیری در دانشکده که به دیگران آموختی یا کاری که دیگری از انجام آن ناتوان است را به دیگری آموزش دادی، و این مسئله دقیقاً مطابق با شناختی است که پیامبران در آسمان هفتم کلی آن را به دست می‌آورند، تا آماده ارسال شوند، چیزی که مطابق با کاری که برای خروج از دانشگاه انجام می‌دهند، یعنی وقتی پیامبران فرستاده می‌شوند، به دیگران آموزش می‌دهند یا نسبت به کاری که از انجام آن ناتوان هستند به آنان فایده می‌رسانند، آموزش پیامبران به دیگران معروف است، اما منفعت آنان به دیگران شاید برایت روشن شود، وقتی به کار اقتصادی یوسف (ع) یا سیاسی و اجتماعی ایشان و بقیه پیامبران فرستاده (ع) مراجعه کنی.

وبالنسبة لرؤياك بالخصوص؛ فمعناها أنك بإخلاصك لله وبتوفيق الله لك من أهل السماء السابعة الكلية، والرؤيا بشرى لك بإتمامها بفضل الله عليك، أما الموت فهو بمعناه الحقيقي إن شاء الله، أي الانقطاع إلى الله والآخرة بعد معرفة الحقيقة، قال علي (ع): (إنما كنت جارا جاوركم بدني أياماً)^(۱).

اما در مورد رؤیایات بالخصوص: معنایش این است که با اخلاص و توفیق خداوند به تو از اهل آسمان هفت کلی هستی، رؤیا با به اتمام رسیدن آن با فضل خداوند بر تو- بشارتی برای توست، اما مرگ ان شاء الله به معنای حقیقی آن است، یعنی قطع شدن (از همه چیز) به سوی خداوند و آخرت بعد از شناخت حقیقت،

علی (ع) فرمود: (همانا من یک همسایه‌ای برای شما بودم که برای مدت کوتاهی جسمم همسایه شما بود)^(۱).

وقال محمد (ص): (من أراد أن يرى ميتاً يسير على الأرض فليُنظر إلى علي بن أبي طالب).

حضرت محمد (ص) فرمودند: (هر کسی که بخواهد شخص مرده‌ای را ببیند که روی زمین راه می‌رود به علی بن ابی طالب بنگرد).

وسأوضح لك المسألة أكثر:

این مسئله را بیشتر برای شما شرح خواهم داد:

أولاً: الأرض = المدرسة الابتدائية.

أي ما ترينه بالعين وتسمعيه بالأذن و .. و .. و ..، هذه كلها لا تتعدى إلى الملكوت بدون عمل، ويبقى الإنسان أرضياً لا يتعدى علمه هذه الأرض، ولا تتعدى معرفته هذه الحياة الدنيا، وإن قرأ ألف ألف كتاب في الدين والعقائد والعبادات، انظري - سددك الله ووفقك إلى كل خير - إلى قوله تعالى: ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾^(۲)، هؤلاء المخاطبون بهذه الآية لم يكونوا تجاراً ألتهتهم التجارة، بل هم علماء دين منشغلون بدراسة الدين وتدريسه، ولكن الله يقول لهم أنتم لا تعرفون شيئاً، وعلمكم فقط دنيوي لا علاقة له بالآخرة.

أول: زمین = مدرسه ابتدایی

یعنی اموری که با چشم دیده می‌شود و با گوش شنیده می‌شود. و...و...و...، که همه‌ی این امور بدون عمل، هیچ‌وقت به عالم ملکوت نخواهد رسید، یعنی انسان هم‌چنان زمینی خواهد بود و علم او از حیطة سطح زمین فراتر نمی‌رود، حتی اگر هزاران کتاب دینی و عقاید و عبادات را مطالعه کند. - خداوند تو را موفق بگرداند - به این کلام خداوند متعال توجه کن که می‌فرماید: (آن‌ها در واقع به امور ظاهری دنیوی عمل می‌کنند درحالی‌که از آخرت در غفلتند)^(۳)، مخاطبین این آیه تاجرانی نیستند که تجارت آن‌ها را مشغول کرده است، بلکه اینها عالمان دین هستند که مشغول یادگیری و تدریس دین و مسائل عقایدی هستند ولی خداوند به

۱- کافی ج ۱ ص ۲۹۹.

۲- الروم: ۷.

۳- روم: ۷.

آن‌ها می‌گویند: شما هیچ چیزی نمی‌دانید. و عمل شما تنها دنیوی و مادی است و هیچ ارتباطی به جهان آخرت ندارد!

فإنَّ الإنسان إذا علم لا بد له من العمل، والعمل لا بد له من الإخلاص؛ ليرتقي الإنسان وتكون معرفته حقيقية، فأنت إن تعلمت القراءة والكتابة كما هو الحال في الابتدائية ولم تعلمي بما تعلمتي لتزاد معرفته، فما هو الفرق بينك وبين الأمي الذي لا يقرأ ولا يكتب؟ بل ربما يكون الأمي أفضل حالاً منك إن كان مستمعاً جيداً للمعلم. أليست الحجارة أفضل من القلوب القاسية التي لا تسمع في بعض الأحيان، ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^(۱).

انسان اگر چیزی بداند بر او واجب است که به آنچه می‌داند عمل کند و شرط عمل باید اخلاص در آن باشد تا انسان بتواند ارتقاء یابد و شناختش حقیقی باشد، و شما اگر خواندن و نوشتن را در دوره‌ی ابتدایی یاد گرفتید و هیچ‌گونه عملی جهت شناخت در این زمینه نداشته باشید، فرق تو با یک شخص بی‌سواد که خواندن و نوشتن را نمی‌داند چیست؟ بلکه شاید آن بی‌سواد، اگر خوب به حرف معلم گوش دهد خیلی بهتر از تو خواهد بود. مگر سنگ بهتر از دل‌های سنگی نیست گاهی اوقات که نمی‌شنوند (سپس دل‌های شما بعد از این [واقع] سخت گردید همانند سنگ یا سخت‌تر از آن چرا که از برخی سنگ‌ها جوی‌هایی بیرون می‌زند و پاره‌ای از آن‌ها می‌شکافد و آب از آن خارج می‌شود و برخی از آن‌ها از بیم خدا فرو می‌ریزد و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست)^(۲).

ثانياً: الملكوت = المدرسة الثانوية.

سأضعها لك في معادلات ليتضح أكثر سبب أن المراحل الست الثانوية ترمز للسموات الست الملكوتية.

دوم: ملكوت = مدرسه متوسطه

که آن‌ها را به شکل معادلاتی برایتان شرح خواهیم داد که بیشتر برای تو واضح گردد که این مراحل شش‌گانه نماد شش آسمان ملکوتی است.

۱- البقرة: ۷۴.

۲- بقره: ۷۴.

ست سنوات = ست سماوات.

شش سال = شش آسمان

ست مراحل واحدة أعلى من الأخرى وبعدها = ست سماوات واحدة أعلى من الأخرى وبعدها.
شش مرحله‌ای که هر کدام بالاتر و بعد از دیگری است = شش آسمانی که هر کدام بالای دیگری و بعد از آن قرار گرفته است.

تطبيق تعليم سابق لزيادة المعرفة = العمل بعلم سابق لزيادة المعرفة.

تطبيق آموزش قبلی برای شناخت بیشتر = عمل به علم قبلی برای زیاد کردن شناخت.

لهذا تجدین من الطبيعي أن الملائكة يرمزون إلى السماوات الست الملكوتية أو الارتقاء فيها أو إنهاء الارتقاء فيها بالتعليم الثانوي أو السنوات الست من التعليم التي تعقب الابتدائي، بل ومن الحكمة البالغة أن يرمزوا لها بهذا الرمز فهم يريدون تعريفكم بها، فمن الحكمة أن يكون الرمز لها قريباً منها ليُعرّف بها بصورة واضحة.

به همین خاطر بسیار طبیعی است که فرشتگان نمادی از شش آسمان ملکوتی و پیشرفت و ارتقاء در آنها هستند و یا پایان بخشی از مرحله‌ی تعلیم در شش سال متوسطه، که بعد از مرحله ابتدایی می‌باشد، بلکه حتی این نماد از حکمت است تا فرشتگان به این صورت و به این شکل، شناخت و معرفت عالم ملکوت را برای شما به صورت واضحی نمایان سازند.

وأيضاً ليتبين مدى القرب الرمزي.

هم‌چنین تا مقدار نزدیکی رمزی روشن شود.

انتبهي إلى أنك في الدراسة الثانوية كنت تستخدمين الآلة التي حصلتي عليها في الابتدائية؛ وهي القراءة والكتابة، ولكن هل كانت لوحدها تكفي للنجاح والانتقال من مرحلة إلى مرحلة أعلى، أم كنت تحتاجين إلى التركيز وفهم ما تقرئين وتكتبين، أكيد أنك كنت تحتاجين إلى التركيز للفهم، وإلا فلا تحصل المعرفة ولا يكون هناك نجاح وانتقال إلى مرحلة أعلى من التي أنت فيها، كذلك الأمر في ارتقاء السماوات الست الملكوتية، فالعمل بما تعلمتي

سابقاً لا يكفي لوحده للانتقال إلى مرحلة أعلى أو سماء أعلى وأرقى من التي أنت فيها، بل لابد من الإخلاص، فالعمل دون إخلاص لا قيمة له ولا يزيد المعرفة، تماماً كالقراءة بدون تركيز.

توجه کن، تو در هنگام درس خواندن در مقطع متوسطه از ابزاری که در مقطع ابتدایی کسب کردی، استفاده می‌کنی که آن‌ها همان خواندن و نوشتن است، اما آیا این ابزار برای پیشرفت و ارتقاء تو به پایه‌ی بالاتر کافی است یا اینکه احتیاج به دقت بیشتری برای فهم آن‌چه را که می‌خواندی و می‌نوشتی، لازم بود. به تأکید که به درک و فهم بیشتری نیازمند بودی در غیر این صورت دستیابی به شناخت و انتقال به مرحله بالاتر از مرحله‌ای که در آن بودی امکان‌پذیر نیست، بنابراین ارتقاء و پیشرفت در آسمان‌های شش‌گانه‌ی عالم ملکوت نیز همان‌گونه است. پس عمل کردن به چیزی که قبلاً آموختی به تنهایی برای ارتقاء به مرحله‌ی بالاتر و آسمانی بالاتر از آن‌چه که در آن بودی، کافی نیست بلکه باید در عمل اخلاص داشت چون عمل بدون اخلاص هیچ اعتباری ندارد، همان‌گونه که خواندن بدون دقت و فهم هیچ ثمره‌ای ندارد.

فمثلاً ربما كنت في يوم ما تمسكين بيدك كتاباً وتقرئين فيه، ولكن فكرك مشغول في مشكلة عائلية، فتجدين نفسك بعد غلق الكتاب كأنك لم تكوني قد فتحتيه.

مثلاً شاید روزی یک کتابی در دست داشته باشی و مشغول خواندن آن باشی ولی فکر و ذهن تو مشغول یک مشکل خانوادگی باشد بنابراین در موقع بستن کتاب متوجه این می‌شوی که گویا اصلاً کتاب را باز نکرده‌ای.

التفتي إلى القرب الرمزي بينهما، وكم هي الحكمة بالغة عندما يرمز الملائكة للارتقاء في السماوات الست بالدراسة الثانوية مثلاً.

به این قرب و نزدیکی رمزی بین آن‌ها دقت کن و ببین که چقدر حکمت‌آمیز است که ارتقاء ملائکه در آسمان‌های شش‌گانه مثلاً به دوره‌ی تحصیلی متوسطه تشبیه شده است.

ثالثاً: الكلية أو الدراسة العليا في الجامعات = السماء الكلية السابعة.

سوم: دانشکده یا تحصیلات عالی در دانشگاه = آسمان کلی هفتم

والرمز هنا لتطابق الاسم؛ فالسماوات السابعة هي سماء كلية، وليست سماء جزئيات ومتنافيات وملائمات، وأيضاً الدراسة العليا بعد التعليم الثانوي تتم في مدرسة الشائع أنها تسمى كلية، ولا إشكال في كون أصل الاسم غير عربي، المهم أنه الاسم المعروف لهذه المدارس التي

تختص بالتعليم العالي، وأيضاً كما بينت سابقاً في مسألة أن التعليم في الكلية عادة للتطبيق في أرض الواقع، أي أن الإنسان يقدم إلى الكلية من المجتمع الإنساني ليتعلم فيها، ويعود بعد أن يكمل دراسته فيها إلى المجتمع الذي قدم منه، ليُعلم أو لينفع المجتمع الإنساني بما تعلم وعرف، أو على الأقل نقول أنه قد أصبح مهياً لهذا الأمر بعد تخرجه من الكلية.

در اینجا رمز به دلیل مطابقت بین اسمها می باشد. آسمان هفتم همان آسمان کلی است و شامل جزئیات و امور متنافی و مخالف نیست و هم‌چنین آموزش عالی که بعد از دوره‌ی متوسطه است همان‌طور که شایع است (کلیه = دانشکده) نامیده می‌شود. هر چند اشکالی ندارد بر اینکه اصل این اصطلاح از زبان عربی نیست، آن‌چه که اهمیت دارد اینکه درس خواندن در مقاطع بالاتر به این اسم معروف است، هم‌چنین همان‌طور که در بحث گذشته شرح داده‌ام، تعلیم در دانشکده در حقیقت مطابق امری با واقعیت است یعنی اینکه انسان از یک جامعه انسانی برای یادگیری بیشتر وارد دانشکده می‌شود و بعد از اینکه درس خود را به پایان برساند به سوی همان جامعه‌ای که از آن آمده باز خواهدگشت تا از آن‌چه که آموخته به دیگران یاد دهد و به مجتمع انسانی سود برساند. یا حداقل می‌توان گفت که این شخص بعد از فارغ التحصیلی آماده این امر (انتقال علوم به دیگران) شده است.

وكذا الإنسان بعد أن يرتقي إلى السماء السابعة الكلية يكون مهياً لتعليم غيره، وليكون نافعاً للمجتمع الإنساني بما يؤدي إلى كماله وصلاحه، أو ليتبين الأمر بوضوح أقول: إن خريجي السماء الكلية السابعة هم أنبياء يمكن أن يرسلوا إلى الناس، ويمكن أن لا يرسلوا للناس، ولكن في كلا الحالين سيكونون نافعين ومصلحين للمجتمع الإنساني، وفي كلا الحالين سيكونون دعاة إلى الله، نعم هناك فرق كبير بين نبي غير مرسل ونبي مرسل، وهذا يمكن أن يتبين لك من قراءة كتاب النبوة الخاتمة.

و این گونه است که انسان بعد از پیشرفت و شناخت و معرفت از عالم آسمان کلی هفتم توانایی این را خواهد داشت که علوم خود را به دیگران منتقل کند تا بتواند یک شخص مفیدی برای اصلاح جامعه انسانی خود باشد. برای توضیح بیشتر بگویم: همانا فارغ التحصیلان آسمان هفتم همان پیامبرانی هستند که ممکن است از جانب خداوند به سوی مردم ارسال شوند و یا ممکن است فرستاده نشوند ولی در دو حالت برای دیگران مفید هستند و برای مجتمع انسانی مثمر ثمر می‌باشند و در دو حالت مردم را به سوی خدا هدایت می‌کنند. آری، تفاوت زیادی بین پیامبر فرستاده شده و نوع دیگر از پیامبران که فرستاده نشده‌اند وجود دارد. که برای فهم و درک بیشتر این تفاوت می‌توانی به کتاب (ختم نبوت) مراجعه کنی.

و بقی سؤال ربما سیتبادر إلى ذهن أي إنسان؛ وهو هل أن كل إنسان سواء كان ذكراً أم أنثى يمكن أن يكون نبياً، بمعنى أن له مقام النبوة ويرتقي إلى السماء الكلية السابعة ويحصل تلك المعارف التي يسر الله لبني آدم تحصيلها؟

و اما سؤالی که ممکن است به ذهن انسان خطور کند که: هر انسانی چه مرد و چه زن باشد، آیا می‌تواند پیامبر باشد، یعنی مقام نبوت داشته باشد و به آسمان کلی هفتم ارتقا پیدا کند و علومی را که خداوند متعال یادگیری آن علوم را آسان نموده، به دست بیاورد؟

والجواب نعم، فالنبوة ليست مقتصرة على الرجال، بل المقتصر على الرجال هو الإرسال فقط، فباب الارتقاء مفتوح للجميع لا فرق بين إنسان وآخر، فلا فرق بين ذكر وأنثى، ولا فرق بين عربي وأعجمي، ولا فرق بين أبيض وأسود، الباب مفتوح للجميع ضمن قانون: الدنيا كلها جهل إلا مواضع العلم، والعلم كله حجة إلا ما عمل به، والعمل كله رياء إلا ما كان مخلصاً، والإخلاص على خطر عظيم حتى ينظر المرء ما يختم له.

در پاسخ باید گفت: آری نبوت محدود به مردان نیست و آن‌چه که به مردان اختصاص دارد، فقط ارسال از جانب خداست. و درهای ارتقاء و پیشرفت بر روی هر انسانی باز است و تفاوتی بین شخصی با دیگری نیست. پس تفاوتی بین مرد و زن، عرب و غیر عرب، سفید و سیاه وجود ندارد. این باز بودن درها برای همه انسان‌ها مطابق با قانونی صورت می‌پذیرد و آن قانون: (تمام دنیا جهل و نادانی است مگر جایگاه‌های علم، و همه‌ی علم حجت است مگر چیزی که به آن عمل شود، و همه‌ی علم ریا و تظاهر است مگر اینکه با اخلاص باشد، و اخلاص همیشه در معرض خطر بسیار بزرگی است که شخص چگونه آن را به پایان برساند).

الجميع متساوون في هذا القانون.

همه‌ی مردم در این قانون مساوی هستند.

طوبى لمن يسمعون ويعون بتوفيق الله لهم.

خوشا به حال کسانی که می‌شنوند به لطف خداوند پند می‌گیرند و اندیشه می‌کنند.

وفتكم الله وسددكم، وأرجو أن تذكروني في دعائكم جزاكم الله خيراً.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

از خداوند متعال برای شما آرزوی موفقیت دارم و از شما تقاضا دارم که در دعاهایتان مرا به یاد بیاورید، خداوند در کارهایتان به شما پاداش دهد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - صفر / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٩٤: خواب دیدن زنی که می گوید: سید احمد در بین شماست.

السؤال / ٤٩٤: بعد أن جاءت لي زوجة أبي العلوية في الرؤيا وقالت لي: لماذا أنت متحير وتبكي هل أنت باحث عن السيد أحمد، فقلت: نعم، فقالت لي العلوية: السيد أحمد موجود بينكم، وفقت من الرؤيا. ومن حينها أنا أبكي وأريد أن أعرف ما قول السيد في هذه الرؤيا، وما عليّ أن أفعل، وكيف لي أن أسير في حياتي بعد اليوم وأنا رجل سياسة ومقبل على انتخابات وغيرها ومعروف لدى الدولة والعشيرة، وأرجو من السيد أن يشرح لي بدليل أنني معه وأن الرؤيا كانت هي الدليل قد اختارني الله أن أكون من جند الإمام الحجة عجل الله تعالى فرجه الشريف.

المرسل: سلام الأسدي - ماليزيا

سؤال / ٤٩٤: در خواب دیدم که زن پدرم که سیده بود پیش من آمد و گفت چرا متحیر هستی و دلیل گریهات چیست؟ آیا به دنبال سید احمد هستی؟ گفتم: آری، پس سیده به من گفت: سید احمد (ع) در بین شماست. که در این لحظه از خواب بیدار شدم و من از همان لحظه تا حالا گریه می کنم و آرزو دارم بدانم که سید احمد الحسن (ع) چه نظری درباره ی این خواب دارد؟ و می خواهم بدانم که تکلیف من چیست و باید چه کار کنم؟ چگونه زندگی را ادامه دهم و من شخصی سیاسی هستم و انتخابات را پیش رو دارم و در دولت و قبیله ام معروف هستم، از سید احمد الحسن (ع) خواهش دارم تا به من اشاره ای در این باره بدهد که آیا ممکن است خداوند من را از سربازان امام حجت ابن الحسن عجل الله تعالى فرجه الشريف انتخاب کرده باشد؟

فرستنده: سلام اسدی - مالزی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

وفقك الله لكل خير وسدد خطاك لما يرضيه سبحانه وتعالى، نحن لم نأتِ إلى هذه الدنيا إلا لنخوض الامتحان الأول الذي خاضته الملائكة(ع).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.
خداوند تورا در هر کار خیری که مورد رضایت اوست موفق کند و گناهان تورا ببخشد. ما در این دنیا نیامدیم مگر برای گذراندن امتحانی که فرشتگان آن را سپری نمودند.

قال تعالى: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^(۱).

خداوند متعال فرمود: (ما رسولان خود را با دلیل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که از آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی آن که او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است)^(۲).

فالامتحان إذن بنصرة الله ورسله، وطوبى لمن يقتحم العقبة ويكون من الساجدين، وممن ينصرون خليفة الله في زمانهم.

پس امتحان با یاری خداوند و رسولش امکان‌پذیر است و خوشا به حال کسانی که سرانجام موفق می‌شوند و تکبر نمی‌کنند و از جمع سجده‌کنندگان می‌باشند و خلیفه‌ی خدا در خود را یاری می‌دهند.

أما سؤالك وفقك الله، إن كان الله قد اختارك لأن تكون من جنده، فاعلم أن الله يختار من يختاره، فعليك وفقك الله أن تقرر قراراً حقيقياً؛ أنك تختار الله سبحانه وتعالى وأن تكون على استعداد لأن تقدم كل شيء لله وطلباً لرضاه سبحانه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول/ ۱۴۳۱ هـ

۱- الحديد : ۲۵.

۲- حديد: ۲۵.

اما سؤال شما، خداوند شمارا موفق بگرداند: اگر خداوند تورا انتخاب نمود که از سربازان او خواهی شد پس بدان که خداوند متعال آن که را می خواهد انتخاب می کند پس بر تو است که با لطف الهی تصمیم حقیقی و واقعی بگیری که خداوند متعال را برگزینی و این استعداد را خواهی داشت که هرچه داری را در راه خداوند تقدیم کنی و تنها رضای او را بطلبی.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٩٥: خواب دیدن زن حائض

السؤال / ٤٩٥: هل رؤيا الحائض من الله أم أضغاث أحلام؟ وأتمنى أن الرؤيا التي رأيتها أنني من الخمسين امرأة تكون حقيقة، فهذه أعلى أمنية أن أنصر حسين الزمان، وأتمنى الدعاء لي بالشفاء أنا وزوجي وأن التوفيق لابنتي ولأولادي، وابنتي أهم سيدي ادعو لها سيدي أن الله يعطيها الصحة والقوة والثقة بالنفس ويكفيها الأمراض هي وأخواتها ووالديها وكل الأنصار.

و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: بتول - الكويت

سؤال / ٤٩٥: آیا خواب زن حائض از خداوند است یا خواب غیر صادق می باشد؟ آرزو دارم خوابی را که دیدم، که من از پنجاه زن یاران امام هستم واقعیت باشد و این آرزوی من است که حسین زمان (ع) را یاری نمایم. امیدوارم که برای شفای من و همسرم دعانمایی و هم چنین برای موفقیت دخترم و پسرانم دعا کنی. سرورم، دخترم مهم تر است، برایش دعا کنید که خداوند سلامتی و قدرت بدنی و اعتماد به نفس به او بدهد و بیماری ها را از او و خواهرانش و والدینش و تمام انصار به دور کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: بتول - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

الحائض ممکن آن تری رؤیا صادقته من ملکوت السماوات، وأسأل الله أن يوفقكم جميعاً
لخير الآخرة والدنيا هو وليي وهو يتولى الصالحين.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
زن حائض می‌تواند رؤیایی صادقته از ملکوت آسمان ببیند، و از خداوند خواستارم که همه شما را بر خیر
آخرت و دنیا موفق بدارد او ولی من است و او نیکوکاران را سرپرستی می‌کند.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۴۹۶: خواب دیدن امام مهدی (ع)

السؤال / ۴۹۶: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أما بعد.. السلام على بقية الله، السلام على محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والسجاد
والباقر والصادق والكاظم والرضا والجواد والهادي والعسكري والمهدي المنتظر والإمام الخلف
الهام، وصل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

سؤال / ۴۹۶: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اما بعد... سلام بر بقية الله، سلام و درود بر حضرت محمد و على و فاطمه و حسن و حسين و امام سجاد
و امام باقر و امام جعفر صادق و امام كاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادي و امام حسن عسكري و امام
مهدی منتظر و امام دلیر و قدرتمند (قائم آل محمد) (ع) و سلام و درود بر محمد و آل محمد ائمه و مهديين
و سلم تسليماً كثيراً.

وسلامي إلى أنصار الله ومحمد وآل محمد الأئمة والمهديين أنصار أحمد اليماني المبايع بين
الركن والمقام.

و سلام و درود من برانصار خداوند و یاران حضرت محمد و آل بیتش ائمه و مهدیین که همان یاران احمد یمانی می باشند که بین رکن و مقام بالو بیعت می شود.

سیدی ومولای احمد، ولو أني أطلت الرسالة إني أتوجه بك عند الله اشفع لنا عند الله وآل البيت الكرام، سؤالي: ما هي أسرار مثلث برمودة، واحد.

سرور و ملایم احمد، با این که پیام مرا طولانی کردم خواستم بگویم که من با نام و ذکر تو به درگاه خداوند متعال پناه می برم پس نزد پروردگارت و آل بیت پاک و مطهر برای ما شفاعت کن. و اما سؤال بنده: اول: راز مثلث برمودا چیست؟

اثنان: في يومی هذا وهو يوم الخميس المبارك المصادف ١٤ / محرم / ١٤٣١، ٣١ / ١٢ / ٢٠٠٩ كنت أدعو الله وآل البيت أن لا يخرجني من هذه الدنيا قبل أن يرضى عنا، وإني أقاتل مع الإمام المهدي واليماني (ع)، وأقسم بالله على ذلك وإني بعد صلاة الصبح كأنما بجيشين كبيرين وأتى بقربي وأعطاني لباس أسود جميل، وأعطى الفرقة الثانية لباس أبيض

دوم: امروز که پنجشنبه مصادف با ١٤ محرم ١٤٣١ و ٣١ / ١٢ / ٢٠٠٩ می باشد، خداوند متعال و اهل بیت پیامبر (ع) را دعا می کردم، که تا رضای خداوند را جلب نکنم از دنیا نروم و همراه امام مهدی (ع) و یمان (ع) بر علیه ظالمان بجنگم. به خداوند متعال قسم می خورم، که بعد از نماز صبح خود مرا بین دو لشکر بسیار بزرگ دیدم که پیش من آمد و یک لباس سیاه قشنگی به من داد در حالی که به گروه دوم لباس سفید داد

وقال: إن الذي يقاتل مع الإمام المهدي لباسه أسود هذه، وكانت رؤيا طويلة ولكن لم أتذكر إلا هذا منها والله العلي العظيم على ما أقوله شهيد، ليست هذه رؤيا الأولى بعد إيماني بدعوة الإمام أحمد الموعود بل عدة رؤى، ومنهن: منذ مدة وكأنما يأتي الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه) ومعه السيد أحمد اليماني، لكن لم أر وجههما كان الاثنان نور على نور، وكأنما الإمام المهدي يضع بيده اليماني على كتف السيد أحمد الحسن اليماني ويقول لي: هذا المبايع بين الركن والمقام، هذا أحمد الحسن اليماني (ع).

و گفت: کسی که همراه امام مهدی (ع) بجنگد لباسش همین لباس های سیاه است، رؤیا طولانی بود ولی به جز این مواردی که ذکر کردم چیز دیگری به یاد ندارم و خداوند عظیم و متعال شاهد کلام من است. این خواب اولین خوابی نیست که من بعد از ایمان آوردنم به دعوت امام احمد موعود (ع) می بینم بلکه خواب های متعددی مشاهده نمودم که از جمله ی آنها: قبل از مدتی امام مهدی (ع) و امام احمد الحسن یمان (ع) همراه

او بود ولی نتوانستم چهره‌ی آنها را ببینم و چون هردو صورت نورانی و درخشان بود. گویا که امام مهدی (ع) دست راستش را بر روی کتف احمدالحسن (ع) می‌گذاشت و می‌گفت: این بیعت شده‌ی بین رکن و مقام است، این احمدالحسن یمانی (ع) است.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته، وسلامي واحترامي إلى أنصار السيد، وإني والله خادم نعلهم، وسلامي وامتناني إلى السيد أحمد، وشكري الدائم أولاً إلى الله وآل البيت الكرام وإلى أحمد الموعود وولده، وادع لي يا سيدي أن أكون من أنصاركم إلى يوم الدين، وأن أتوفق، وشكري وسلامي ختامي، اللهم صل على محمد وآل محمد، وصلي يا ربي على الأئمة والمهديين، واشهد أن المهدي والمهديين حجج الله.

و سلام و درود خداوند بر شما باد. هم‌چنین سلام و احترام من به یاران سید احمدالحسن (ع). قسم به خداوند من خودم را خادم کفش آنها می‌دانم و سلام و درود من بر سید احمد (ع) و در مرحله اول خدا را شاکرم، سپس از اهل بیت (ع) و احمد موعود (ع) و پدرانش (ع) سپاس‌گذارم. مولای من از شما می‌خواهم برایم دعا کنی که تا روز قیامت از یاران شما خواهم بود و خداوند مرا در این امر موفق سازد و در پایان سخن، باز سلام و درود می‌فرستم و تشکر می‌کنم. سلام و درود خداوند بر محمد و آل محمد و صلوات خداوند بر ائمه و مهدیین و شهادت می‌دهم که مهدی و مهدیین (ع) حجت‌های خدا هستند.

أرجو أن تصل رسائلي بأسرع وقت للسيد أحمد (ع) وشكراً لكم.

المرسل: منتظر - سوريا

امیدوارم که پیام‌های من در اسرع وقت به دست سید احمدالحسن (ع) برسد با تشکر و سپاس.

فرستنده: منتظر - سوريا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. أسأل الله أن يجعلكم ممن ينتصر بهم لدينه، وأن يوفقكم ويثبتكم على الحق والانتصار للحق.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم
 و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 از خداوند متعال خواستارم که شمارا در جمع کسانی قرار دهد که به وسیلهی آنها دین خودرا پیروز گرداند و
 تورا موفق کند که بر حق ثابت قدم باشی و یار و پیرو حق گردی.
 و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٩٧: خواب دیدن حضرت عیسی (ع)

السؤال / ٤٩٧: السلام علیکم.

شاهدت منذ بضع سنوات خلت رؤيا في صحراء ومجموعة نفر وفرسان وكنت أنتظر مجيء
 جدي الإمام علي (ع) على فرسه، ولكن بدا لي في نهاية الأمر بأنه السيد المسيح عيسى (ع) وكان
 طبقاً لمواصفاته المذكورة وحسنه، عند رؤيته وقعت ساجداً على أرض الصحراء مبللاً بالدموع
 والغشيان، فنزل عيسى (ع) من على جواده مقبلاً نحوي رافعاً إياي من على الأرض وأنا راكع،
 وقلدني بسيف ودرع وأنا ناظر إلى حسنه وجماله.

سؤال / ٤٩٧: السلام علیکم.

سالها قبل در رؤيا دیدم که من همراه تعدادی افراد دیگر و چند اسب سوار در یک صحرا منتظر آمدن جدم
 امام علی (ع) بودم، ولی در نهایت امر برایم مشخص شد که او حضرت عیسی (ع) با مشخصات وصف شده در
 روایات بود. با دیدن ایشان بر روی زمین صحرا به سجود رفتم و در حالی که چشمانم با اشک هایم خیس شده
 بود بی هوش شدم. پس حضرت عیسی (ع) از اسب خود فرود آمده و به سوی من حرکت کرد و من را از زمین
 بلند کرد در حالی که من در رکوع بودم و به من یک زره و شمشیر داد و من مشغول تماشای زیبایی او بودم.

أما الرؤيا الثانية فكانت لحبيبي وجدي الإمام المهدي، بدا لي في هذه الرؤيا مع مجموعة من
 الأطفال يحوطونه من كل جانب ويرتدون اللباس الأبيض النقي والخالص اللون، نظر إليّ
 مبتسماً كان يبدو لي طويل القامة، أبيض الوجه، رفيع الجسم، لون شعره يميل إلى اللون البني.

رؤیای دوم مربوط به محبوب من و جدم امام مهدی (ع) بود، در این رؤیا من به همراه گروهی از کودکان از تمام اطراف دور او جمع شده بودیم که لباس سفید خالص و پاک به تن داشتند. با لبخندی به من نگاه کرد. چنین برایم وانمود شد که بلند قد و چهره‌ای سفید داشت و جسم او تنومند و رنگ مویش خرمایی بود.

أما الرؤيا الثالثة فكنت واقفاً على ماء البحر وقرص الشمس بين عيناى تطلع من مغربها مشرقة.

خواب سوم این بود که: من بر روی آب دریا ایستاده بودم و در مقابل دیدگانم قرص از سمت مغرب طلوع کرد.

أما الرؤيا الرابعة فكانت لوالدتي عندما شاهدت سيدة نساء العالمين العذراء مريم (ع) كانت أمي حبلى بي آنذاك، فجلست السيدة العذراء عند فراشها وهي تحمل ابنها المسيح في المهد، وقالت لأمي: سوف تلدين صبي فاسمه عيسى لمدة وقدرها ثلاثة أيام ثم اسمه محمد، وهكذا حصل.

خواب چهارم مربوط به مادرم می باشد که حضرت مریم عذراء (ع) را مشاهده کرد و در آن زمان به من باردار بود (من در شکمش بودم). حضرت مریم (ع)، آن زن پاک دامن در کنار مادرم نشست در حالی که فرزندش حضرت مسیح (ع) را در گهواره‌ای حمل می کرد. به مادرم گفت: پسری را به دنیا خواهی آورد که برای مدت سه روز اسم او عیسی خواهد بود، سپس اسم او محمد می شود و این امر اتفاق افتاد.

أرجو من سيدي وابن عمي السيد أحمد الحسن أن يفسر لي هذه الرؤى؛ لأنني أشعر به أنه من الصالحين، أنا كثير التأمل بحاله ونصرته لصاحب زماننا، اللهم إن كان صادقاً بأنه اليماني فاثبت خطاه، وأيده بنصرك، واجعلني ممن يقتدون به لنصرة وليك صاحب العصر والزمان (ع)، وادع لي بأن أكون من أول المناصرين لله ولكم في حربنا مع السفيناني ومجنناً للإمام المهدي، ولكم والسلام.

المرسل: السيد محمد حيدر - الصين

از سرورم (ع) و فرزند عمویم سید احمد الحسن (ع) خواستارم که این خوابها را برای من تفسیر کند چرا که من احساس می کنم او از نیکوکاران است و من به او و یاری ایشان به امام زمانمان بسیار امیدوارم. خداوندا؛ اگر ادعای یمانی بودن او درست باشد من را در یاری رساندن به او کمک کن و من را در یاری رساندن به خلیفه‌ات صاحب العصر و الزمان ثابت قدم نگه دار. برای من دعا کن که از اولین یاران و سربازان خداوند و امام مهدی (ع) بر علیه سفینانی باشم. و السلام.

فرستنده: سید محمد حیدر - چین

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
الرؤيا الأولى مبشرة لك إن شاء الله، بأنك إذا وفقك الله للإخلاص فأنت تكون من أصحاب المهدي الذي هو يمثل الإمام علي (ع) وهو أيضاً شبيهه عيسى (ع)، لذلك أنت في الرؤيا كنت تنتظره على أنه علي (ع) وأيضاً رأيت أنه عيسى (ع).
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادي الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
خواب اول بشارتي برای شماست که اگر خداوند متعال به شما توفيق و اخلاص بدهد از ياران امام مهدي (ع) خواهی بود که او هم چون امام علي (ع) و شبيهه حضرت عيسى (ع) است بنابراین شما در خواب منتظر او (ع) با هيئت امام علي (ع) بودی ولی او را در هيئت حضرت عيسى (ع) دیدی.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - جمادی الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٤٩٨: خواب دیدن سجده کردن

السؤال / ٤٩٨: كنت ساجداً و بجواري رجل يدعو لي بقوة، بعدها قال لي: لم لا استجيب لك، عد مسلكك عد إلى الله.

المرسل: لؤي الهاشمي - هولندا

سؤال / ٤٩٨: سجده می کردم و در کنارم مردی بود که با شدت برایم دعا می کرد، بعد از آن به من گفت: چرا دعایت مستجاب نمی شود، روش ترا تغییر بده، به سوی خداوند بازگرد.

فرستنده: لؤی الهاشمی - هلند

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
هذه رؤيا مبشرة ومنذرة لك في نفس الوقت، فعليك أن تتوجه إلى الله لمعرفة الحق منه سبحانه وتعالى دائماً وأبداً، وأن تخلص العمل لله سبحانه، وتنصر أوليائه وحججه؛ ليستجيب لك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
این خواب همزمان بشارت‌دهنده و هشداردهنده برای شماست. پس باید همیشه و در هر حال برای شناخت حق به خدا پناه ببری و در عمل در راه خدا اخلاص داشته باشی و یار و یاور اولیاء حجت خدا باشی تا برای تو اجابت کند.

و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ۴۹۹: خواب دیدن آسمانی که روشن می شود.

السؤال / ٤٩٩: سيدي وإمامي، لقد رأيت في عالم الرؤيا السماء على هيئتها الطبيعية وفجأة بدأت كأنها مصباح (لايت) تضيء وتارة أخرى تعود إلى طبيعتها عدة مرات.

سؤال / ٤٩٩: سرورم و امامم، در عالم رؤيا آسمان را به شکل طبیعی اش دیدم که ناگهان به شکل یک چراغ نورانی درآمد که چندین بار نورانی می شد و دوباره به شکل طبیعی خود بازمی گشت.

وبعدها بأيام معدودة رأيت مثل هذه الرؤية (مشابهه لها) ولكن هذه المرة أضاءت لي السماء ولم يطفأ نورها، فقلت في منامي: هي كذلك؟ لا أعلم لما قلت هي كذلك؟

چند روز بعد، خوابی شبیه به این رؤیارا دیدم ولی این بار آسمان که روشن گشت دیگر نور آن خاموش نشد. پس در خواب به خود گفتم: این همان گونه است. نمی دانم چرا جمله ی (این همان گونه است) را گفتم.

هذا وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

المرسل: خالد - الكويت

و صلوات بر محمد و آل محمد امامان و مهديين و سلم تسليماً

فرستنده: خالد - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
هذه الرؤيا هي فضل من الله عليك، وإن شاء تكون فاتحة خير لك ليعرفك الله بفضله عليك ملكوته وسماواته وملائكته.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
این خواب از فضل و بخشش خداوند برای شماست و إن شاء الله يك نقطه شروع خیری باشد که خداوند شمارا با عالم ملکوت و آسمانها و عالم فرشتگان آشنا سازد.
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ۵۰۰: خواب دیدن پیامبر (ص) در حالی که برای احمد شهادت می‌دهد.

السؤال / ۵۰۰: رأيت في إحدى الليالي رؤيا بعد قراءة دعاء الرؤيا عن الوصي (ع) وهي كما يلي: (رأيت شخصاً جالساً أمامي على مكتب أو ما يشابه وكانت المسافة الفاصلة بيني وبينه هي نصف متر، فراودني شعور بأن هذا الشخص هو رسول الله (ص)، فسألته: هل أنت محمد رسول الله؟ فأوماً لي برأسه: نعم، فسألته أنا وبعض الأخوة آمنا بدعوة السيد أحمد الحسن: فهل هو من ولدك ورسول من عندكم؟ فأوماً برأسه ثانية: نعم، وابتسم ابتساماً وخرج من وجهه نور كأنه شعاع الشمس أو أقوى بكثير، فأغمضت عيني من شدة الضوء ولما فتحتهما وجدت نفسي مستيقظاً، والله على ما أقول شهيد)، أرجو تفسير رؤيائي بوضوح أكثر وفقكم الله.

المرسل: حسين الأسدي - العراق

سؤال / ۵۰۰: شبی از شبها بعد از قرائت دعای رؤیا به نقل از وصی (ع) خوابی دیدم که این گونه بود: (شخصی را دیدم که در مقابل من روی صندلی یا چیزی شبیه آن نشسته بود که فاصله بین من و آن شخص نیم متر بود و من احساس کردم که این شخص رسول خدا (ص) است. از او پرسیدم: آیا تو محمد رسول الله (ص) هستی؟ با اشاره با سر خود به سؤالم جواب بلی داد. از او پرسیدم: من و بسیاری از برادران به دعوت سید احمد الحسن (ع) ایمان آورده‌ایم، آیا او از فرزندان شما و فرستاده‌ای از جانب شماست؟ پس بار دیگر با تکان دادن سر جواب سؤالم را، بله پاسخ داد. سپس یک لبخندی زد که در آن لحظه نوری هم چون اشعه‌ی نور خورشید و یا قوی‌تر، از چهره‌ی ایشان درخشید که من به خاطر نور شدید، چشمانم را بستم. هنگامی که دوباره چشمانم را باز کردم خودم را بیدار دیدم. (و خداوند بر این کلامم گواه شاهد است).
از شما خواهش دارم که خوابم را به‌طور واضح توضیح دهید. خداوند شمارا توفیق دهد.

فرستنده: حسین اسدی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وفقك الله لكل خير، رؤياك بينة وواضحة، وفيها بشرى لك وهي أنك رأيت رسول الله محمداً (ص)، ومن يراه (ص) فهو إن شاء الله من خيرة الله من خلقه، إن وفق للإخلاص وختم له بخير.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
 و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند تورا در امور خیر موفق کند. خواب شما بسیار واضح و آشکار است و در آن بشارتی برای توست، که
 تو حضرت محمد(ص) را دیده‌ای و هرکس ایشان(ص) را ببیند ان شاءالله از بهترین خلق خدا می‌باشد اگر
 خداوند او را در اخلاص موفق کند و عاقبت او را به خیر خاتمه دهد.
 و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٥٠١: خواب دیدن به فرمان خداوند، باید همسرم را سر بپریم.

السؤال / ٥٠١: إلى سيدي ومولاي السيد أحمد الحسن(ع)، إلى يمانی آل محمد صلوات الله عليه
 وعلى أهله وسلم، أرواحنا لك الفداء مني ومن أهلي وأولادي جميعاً.
 سؤال / ٥٠١: خطاب به آقا و مولایم سید احمد الحسن(ع)، به یمانی آل محمد(ع)، درود و سلام خداوند
 برایشان و خانواده اش، روح‌های ما و خانواده و همه‌ی فرزندانم فدای شما.

سيدي ومولاي، لقد شاهدت رؤيا وإذا بأمر من الله أن أذبح زوجتي، فذهبت إلى زوجتي وهي معي
 في الدار وقلت لها إن الله قد أمرني بأن أذبحك وكان بيدي سكين، عندما سمعت زوجتي بما قلت
 لها على الفور استسلمت واستلقت وعقفت رأسها وأظهرت لي رقبتها، وقالت لي: اذبحني، ولكني
 لم أستطع أن اذبحها، وأنا أحمل السكين بيدي أبكي وأقول: لا أستطيع أن أذبحك.

آقایم و مولایم، رویایی دیدم: خداوند به من دستور داد که همسرم را ذبح کنم، به سمت همسرم رفتم و ایشان
 همراه من در خانه بودند، و به او گفتم: خداوند به من دستور داده است تا تورا ذبح کنم، و در دستانم چاقویی
 بود، وقتی همسرم این سخنم را شنید، فوراً تسلیم شد و روی زمین خوابید و سرش را کج کرد و گردنش را برای
 من آشکار نمود، و به من گفت: مرا ذبح کن، ولی من نتوانستم او را ذبح کنم، و چاقو در دستانم بود و گریه
 می‌کردم و می‌گفتم: نمی‌توانم تورا ذبح کنم.

سیدی ومولای ما هو تفسیر هذه الرؤیة؟

المرسل: محمد التیمی

سرور و مولای من تفسیر این خواب چیست؟

فرستنده: محمد تیمی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
الرؤيا تأويلها هو أنها أمر لك بأن تأمر زوجتك باتباع الحق دائماً، وبالعبادة وطاعة الله والإخلاص لله، وأداء ما يمكنها أدائه من المستحبات؛ مثل صلاة الليل، فذبحها يعني قتل الأنا والهوى وحب الدنيا في نفسها.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
تأويل روياء اين است كه او به تو امر نموده كه دائماً همسر خود را به تبعيت از حق امر نمايي، و به عبادت و طاعت خدا و اخلاص براي خدا امر نمايي، و هم چنين انجام آن چه كه از مستحبات مقدور است؛ مثل نماز شب، پس ذبح او يعنى كشته شدن منيت و هواي نفس و حب دنيا در نفس.
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ۵۰۲: خواب دیدن اینکه سید احمد الحسن (ع) وصی است.

السؤال / ٥٠٢: سيدي الفاضل.. إني رأيت في المنام أنك الوصي وبحثت عليك، أريد أن أكون من

أتباع الوصي، أخبرني.

والسلام على محمد وآل محمد وأوصيائه العترة الشرفاء.

المرسل: علي علي - البحرين

سؤال / ٥٠٢: مولاي كريم و بخشندهام... من در خواب ديدم كه شما وصي هستي و در مورد شما جستوجو كردم، من مي خواهم از پيروان وصي باشم، مرا خبر كن.
و السلام على محمد و آل محمد و أوصيائه العترة الشرفاء.

فرستنده: علي علي - البحرين

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
أسأل الله أن يوفقك لمعرفة الحق واتباعه دائماً، وأن يجنبك الباطل واتباعه.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
از خداوند خواستارم كه شمارا بر شناخت حق و تبعيت از آن موفق دارد، و شمارا از باطل و تبعيت از آن دور كند.
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٣١ هـ



پرسش ٥٠٣: خواب ديدن امام حسين (ع) است.

السؤال / ٥٠٣: سلام عليكم.

سیدی ومولای، رأیت فی المنام رجلاً طویلاً لیس لهو ملامح والناس واقفة حول الرجل بشکل نصف دائرة وأنا قادم من بعيد وسمع صوت من السماء یقول لی: اخبّر الناس هذا هو الحسین (ع) والناس لا تصدق ما أقول، وسلام علیکم مولای.

المرسل: میثم - اسبانيا

سؤال / ۵۰۳: سلام علیکم.

سرور و مولای من، در خواب مرد بلند قامتی را دیدم که چهره‌ی واضحی برای او دیده نمی‌شد و مردم به شکل نیم‌دایره به دور او جمع شده بودند. من از دور می‌آمدم و صدایی از سوی آسمان می‌شنیدم که به من می‌گفت: به مردم خبر بده و بگو که ایشان امام حسین (ع) است، ولی مردم آن‌چه را که می‌گفتم باور نمی‌کردند. درود خداوند بر شما باد سرورم.

فرستنده: میثم - اسبانيا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
الحسین (ع) في هذا الزمان هو المهدي.
وفقك الله لكل خير، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
حسین (ع) در این زمان همان مهدی (ع) است.
خداوند تورا بر هر خیری موفق دارد.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ٥٠٤: خواب دیدن حضرت رقيه (ع) كه عبا خود را به زنى مى دهد.

السؤال / ٥٠٤: رأيت في المنام أني ذاهبة إلى بيت يعملون فيه تشابيه عن الإمام الحسين (ع) وكان مكان فيه نساء فقط، وكانوا يمثلون دور السيدة رقيه (ع)، وكان باب البيت مفتوحاً وكان أمامه ساحة فارغة، وبعدين جاءت فتاة لابسة أسود بأسود حتى وجهها ما مبين، فواحدة من النساء قالت: هذه السيدة رقيه جاءت، وبعدين وحدة من النساء قالت لي: لماذا لا تمثلين دور السيدة رقيه؟ فأجبتها: أنا ما أحب التشابيه جئت لأتفرج فقط، وبقيت إلى حد ما السيدة رقيه أعطتني عباؤها، كانت العباة ثقيلة جداً حتى آذت رأسي، وقلت: الله يساعد السيدة رقيه شلون كانت حاملتها.

المرسلة: أم علي - العراق

سؤال / ٥٠٤: در خواب دیدم كه در حال رفتن به خانه ای بودم كه در آن مراسم شبیه خوانی امام حسین (ع) اجرا می شد، و در آن مكان فقط زن بود كه داشتند نقش حضرت رقيه (ع) را بازی می كردند. درب آن خانه باز بود و در جلوی منزل فضایی باز و خالی بود، سپس يك دختر جوانی با لباس مشكی آمد كه حتی چهره اش واضح و نمایان نبود. یکی از آن زنان به من گفت: این حضرت رقيه (ع) است، كه آمده. سپس زن دیگری به من گفت: چرا تو نقش حضرت رقيه (ع) را بازی نمی کنی؟ پس به او جواب دادم كه: من به شبیه خوانی علاقه ای ندارم فقط آمده ام تماشا كنم و هم چنان در آنجا ماندم تا حضرت رقيه (ع) عبايش را به من داد ولی عبا آن قدر سنگین بود كه احساس كردم سرم درد گرفت. با خود گفتم: خداوند به كمك حضرت رقيه (ع) برسد، چگونه توانسته بود سنگینی آن را تحمل كند؟

فرستنده: أم علي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

الرؤيا مبشرة لتي أعطتها السيدة رقيه عباؤها، وهي إن شاء الله في خير ومقام رفيع إن وفقها الله للإخلاص وحسن العاقبة.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادي الأول / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.
این خواب بشارت برای آن کسی است که حضرت رقیه (ع) عباى خود را به او داد، ان شاء الله که او در یک
جایگاه و مقام بلندمرتبه‌ای قرار بگیرد اگر خداوند به او توفیق اخلاص و عاقبت خیری دهد.
و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۳۱ هـ



القسم الثاني: أجوبة أنصار الإمام المهدي (ع)

قسمت دوم: پاسخهای أنصار امام مهدي (ع)

پرسش ٥٠٥: صاحب ياسين كيست؟

السؤال / ٥٠٥: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

سؤال / ٥٠٥: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليكم يا أهل بيت الرحمة و معدن العلم و موضع الرسالة.

السلام عليكم يا أهل بيت الرحمة و معدن العلم و موضع الرسالة.

عن ابن عباس، عن النبي (ص)، أنه قال: (السبق ثلاثة، فالسابق إلى موسى يوشع بن نون، والسابق

إلى عيسى صاحب يس، والسابق إلى محمد علي بن أبي طالب). فمن هو صاحب يس؟

المرسلة: زينب - UAE

ابن عباس، از پیامبر اکرم (ص)، روایت می کند که حضرت فرمودند: (افرادى که سبقت گرفتند، سه نفر

هستند: فردى که به سمت موسى سبقت گرفت یوشع بن نون بود، و فردى که به سمت عيسى سبقت گرفت

صاحب يس بود، و فردى که به محمد سبقت گرفت على بن ابى طالب بود). صاحب يس کیست؟

فرستنده: زينب - UAE

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

الوارد في روايات أهل البيت (ع) إن صاحب ياسين هو حبيب النجار (ع).

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له فی الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - شعبان الخير / ۱۴۳۱ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

آن چه که در روایات أهل بیت (ع) آمده این که صاحب یاسین همان حبیب نجار است.

هیئت علمی - انصار امام مهدی مکن الله له فی الارض

شیخ ناظم عقیلی - شعبان الخير ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۵۰۶: خواب دیدن امام کاظم (ع)

السؤال / ۵۰۶: السلام على أنصار الله.

في يوم الأربعاء المصادف زيارة الكاظم (ع) وبعد رجوعي من الزيارة رأيت الإمام الكاظم (ع) كان يصلي ويقول في الصلاة: (اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً).

المرسل: سلوان الشمري - العراق

سؤال / ۵۰۶: سلام بر أنصار الله.

در روز چهارشنبه مصادف با زیارت امام کاظم (ع) و بعد از بازگشت از زیارت، امام کاظم (ع) را در عالم رؤیا دیدم که گویی نماز می‌خواند و در نمازش می‌فرمود: (اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً).

فرستنده: سلوان شمري - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

رؤيا مباركة بارك الله فيك، هذه نعمة من الله تعالى أن يكون الله هو الشاهد لكم على أحقية عقيدتكم، ويكلمكم في منامكم، فالحمد لله على فضله ونسأل الله الثبات والنصر والفرج العاجل لجميع أنصار الله تعالى. وأسألك الدعاء رجاء.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - شعبان الخير / ١٤٣١ هـ

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

رؤياى مباركى است، خداوند به شما بركت دهد، اين نعمتى از خداوند است كه خداوند بر حقانيت عقیده تان شهادت بدهد، و در خوابتان با شما سخن بگويد، خداوند را به خاطر فضيلتى كه به شما ارزاني كرده شكر گذار باشيد و از خداوند ثبات قدم و يارى و فرج سريع را براى تمامى انصار خداوند متعال بخواه و تمنای دعا از شما داريم.

هيئت علمى - أنصار امام مهدي (مكن الله له فى الأرض)
شيخ ناظم عقيلي - شعبان الخير / ١٤٣١ هـ



پرسش ٥٠٧: نظر شما در مورد بن لادن و گروه‌های جنگجو

السؤال / ٥٠٧: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين، ولا عدوان إلا على الظالمين.

أما بعد.. من النبراس إلى أحمد الحسن اليماني البصري.. على حسب ما قرأت وعرفت عنكم أنكم اليماني الموعود من آل بيت النبوة وإمام معصوم من الله ومبعوث الإمام المهدي عليه من (كذا) السلام إلى كافة البشر منذر ومبشر، وبالنسبة لسؤالي هو إنني أريد أن أعرف رأيكم في الشيخ أسامة بن لادن، هل هو مجاهد حقاً أم عميل أمريكي، أم هو السفيناني المذكور في الأحاديث.

سؤال / ٥٠٧: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

الحمد لله رب العالمين، و عاقبت برای متقیان و دشمنی نیست مگر بر ظالمان.
 اما بعد... از نبراس به احمدالحسن (ع) یمانی بصری... بر اساس آن چه مطالعه کردم و درباره شما فهمیدم، شما همان یمانی موعود از اهل بیت، و امام معصوم از جانب خداوند و فرستاده شده از جانب امام مهدی (ع)، سلام به همه بشر بعنوان انذاره و بشارت دهنده هستید اما در مورد سؤالم، می‌خوام دیدگاه شما را در مورد شیخ أسامه بن لادن را بدانم؟ آیا این فرد مجاهد حقی است یا مُزدور آمریکایی است، یا همان سفیانی مذکور در احادیث است؟

وما رأيكم في الجماعات المقاتلة في العالم الإسلامي مثل الصومال ودولة العراق الإسلامية والمقاتلين في الجزائر وفي الشيشان وكشمير. وبصفة عامة تنظيم القاعدة. وهل الطالبان هم الرايات السود المذكورة في أحاديث النبي (ص)، وهل هم على الحق أم على باطل؟
 نظر شما در مورد گروهک‌های مبارز در جهان اسلام مانند سومال و دولت عراق اسلامی و جنگجویان در الجزائر و در چین و کشمیر، به طور کلی گروه القاعده چیست؟ و آیا گروه طالبان همان صاحبان پرچم‌های سیاه مذکور در احادیث پیامبر (ص) است، و آیا آنان برحق هستند یا باطل؟

يدور كلام عبر الفضائيات وكتب المفكرين وفي المنتديات على زوال أمريكا بعذاب رباني، هل أنت مع هذا الرأي أم لديك قول آخر؟
 سخنی در شبکه‌های ماهواره‌ای و کتاب‌های متفکرین و سایت‌ها وجود دارد، مبنی بر این که آمریکا با عذاب خدایی از بین می‌رود، آیا شما همین نظر را دارید یا نظر دیگری؟

وأيضاً بعض الباحثين في الإعجاز العلمي في القرآن يقولون بقرب زوال إسرائيل على يد الإمام المهدي، منهم من يقول ٢٠١٢، ومنهم من يقول ٢٠٢٨، وهذا ليس كلامي ولا أؤمن به؛ لأنه لا يعلم الغيب إلا الله (عزوجل).

المرسل: النبراس القریشی - المغرب العربي

هم چنین بعضی از محققین در إعجاز علمی قرآن به نزدیکی زوال اسرائیل به دست امام مهدی (ع) می‌گویند، و بعضی‌ها می‌گویند: ۲۰۱۲، بعضی‌ها می‌گویند: ۲۰۲۸، و این سخن من نیست و به آن اعتقاد ندارم، چون غیب را فقط خداوند می‌داند.

فرستنده: نبراس قریشی - مغرب عربی

الجواب: سم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً. وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

أسامة بن لادن ضال عليه أن يؤمن باليماني وبالأوصياء من آل محمد، أما تنظيم القاعدة فهو تنظيم شيطاني. ويمكنك أن تقرأ كتب الأخوة الأنصار لتعرف حقيقة الرايات السود، وعلى أي حال ليست هي من ذكرت.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً. وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

اسامه بن لادن گمراه است و بر اوست كه به يمانى و اوصياى آل محمد(ع) ايمان بياورد، اما گروه القاعده يك گروه شيطاني است. و مى توانى كتابهاى برادران انصار را مطالعه كنى تا حقيقت پرچم هاى سپاه را بشناسى، در هر حال چيزى كه تو ذكر كردى نيست.

أما أمريكا فمصيرها الزوال و عما قريب تتطهر الأرض من كل الدول الشيطانية، واعلم أن آل محمد لا يوقتون، وقد ورد ما مضمونه: (كذب الوقاتون)^(١).

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)
الأستاذ أبو محمد الأنصاري شعبان / ١٤٣١هـ

اما مسير أمريكا زوال و نابودى است و به زودى زمين از همه دولت شيطاني پاك مى شود، و بدان كه آل محمد(ص) وقت تعيين نمى كنند، و مضمون حديث است كه: (كذب الوقاتون)^(٢)؛ افرادى كه وقت تعيين مى كنند دروغگو هستند).

هيئت علمى - أنصار امام مهدي (مكن الله له في الأرض)
استاد أبو محمد انصارى - شعبان / ١٤٣١هـ

١- الكافي ج ١ باب كراهية التوقيت.

٢- كافي ج ١ باب كراهت توقيت.



پرسش ۵۰۸: اسم ظاهر و باطن شما چیست؟

السؤال / ۵۰۸: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ما هو اسمكم الظاهر وما هو الباطن؟ وهل أنا من ۳۱۳؟

المرسل: أحمد علي - اليمن

سؤال / ۵۰۸: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

نام ظاهر و باطنی شما چیست؟ آیا من جزو ۳۱۳ نفر هستم؟

فرستنده: احمدعلی - یمن

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً. اسم السيد كما ذكرته وصية رسول الله (ص): أحمد وعبد الله والمهدي، وهذا هو المهم بالنسبة لك، فمن خلاله يمكنك أن تعرف أنه حجة من حجج الله ووصي من أوصياء رسول الله. وقد ذكر السيد أحمد الحسن في أحد كتبه بأن اسم المهدي الأول في الأرض (أحمد) وفي السماء (محمد).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً. اسم سيد همان طور که وصیت رسول الله (ص) ایشان را ذکر کردند: احمد و عبد الله و مهدی است، این چیزی است که برای تو مهم است، و از خلال این می توانی بفهمی که او حجتی از حجت های خداوند و وصی از اوصیاء رسول الله است. و سید احمد الحسن (ع) در یکی از کتاب هایش ذکر کرده که نام مهدی اول در زمین احمد و در آسمان محمد است.

أما الـ (۳۱۳) فهو مقام ويمكن لمن يسعى ويعمل بعد أن يؤمن بحجج الله تعالى أن يصل له.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)
الأستاذ أبو محمد الأنصاري - شعبان / ١٤٣١ هـ

اما برای ٣١٣ مقامی است که هر فردی که بعد از ایمان به حجت‌های خداوند متعال سعی کند و عمل کند می تواند به آن دست پیدا کند.

هیئت علمی - أنصار امام مهدي (مکن الله له فی الأرض)
استاد أبو محمد أنصاری - شعبان / ١٤٣١ هـ



پرسش ٥٠٩: چرایی عدم حضور امام مهدی (ص) و سؤالی درباره انتخابات

السؤال / ٥٠٩: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

تحية طيبة وأطال الله بعمرکم إن شاء الله.

أنا حابه أطرح مشكلتي: أي شخص أتناقش معه عن الدعوة يوصلني لسؤال لماذا لم يظهر الإمام بنفسه، لماذا أرسلك لنا؟؟

سؤال / ٥٠٩: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

درود نیکو و ان شاء الله خداوند عمر شما را طولانی کند.

من دوست دارم مشکلم را بیان کنم: با هر شخصی که در مورد دعوت مناقشه نمودم، سؤالی بر من مطرح می کنند که چرا امام مهدی (ع) خودش ظهور نمی کند، چرا شما را برای ما فرستاد؟؟

وسؤال آخر: لماذا خطأ أن ننتخب رئيس للدولة العراقية، هل نترك العراق هكذا بدون رئيس؟ وأنا لا أعرف الإجابة على هذين السؤالين، ولا أستطيع إقناعهم، أتمنى منكم الرد على أسئلتني وأكون جداً شاكراً.

المرسلة: راوية المعموري - العراق

و سؤال دیگر: چرا انتخاب رئیسی برای دولت عراق برای ما اشتباه است، آیا عراق را این چنین بدون رئیس رها کنیم؟ و من پاسخ این دوسؤال را نمی‌دانم، و نمی‌توانم آن‌ها را قانع کنم، از شما تمنا می‌کنم که پاسخ سؤالاتم را بدهید و واقعاً متشکرم.

فرستنده: راویه معموری - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.
وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.
وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

بالنسبة للسؤال الأول: فهو لا شك يستبطن تمرداً على الحق من قبل سائله، فالواقع الآن هو أن الإمام المهدي (ع) أرسل السيد أحمد الحسن، فعلى السائل أن يطلب الدليل على هذه الحقيقة الخارجية الواقعة، أما السؤال لماذا لم يظهر الإمام نفسه وأرسل ابنه، فيكفي أن نعلم أن الإمام (ع) حكيم وعالم وما يفعله هو عين الصواب، ثم ماذا إن كانت هذه هي إرادة الله تعالى، هل نعترض على الله؟ علينا أن نناقش الواقع ونتأكد أنه واقع وحقيقة، أما افتراض واقع من عند أنفسنا والسؤال بالتالي لماذا لم يتحقق هذا الواقع الذي افترضناه نحن، فلا أظنه إلا من تسويلات الشيطان ليصرف الناس عن الحق.

در مورد سؤال اول: و آن بدون شک از آن، تمرد بر حق از جانب سؤال کننده استنباط می‌شود، و در واقع الان امام مهدی (ع) سید احمد الحسن (ع) را فرستاده است، و بر فرد سؤال کننده است که دلیلی در مورد این حقیقت خارجی که واقع شده طلب کند، اما این سؤال که چرا امام خودش ظهور نکرد و فرزندش را فرستاد، کافی است که بدانیم: امام (ع) حکیم و داناست و آنچه انجام می‌دهد عین صواب است، سپس اگر اراده خداوند متعال این بوده چه کار کنیم؟ آیا به خداوند اعتراض کنیم؟ بر ماست که واقعیت را مناقشه کنیم و مطمئن شویم که آن واقعیت و حقیقت است، اما فرض کردن واقعیت در نزد خودمان و بعد سؤال از این که چرا این واقعیتی که ما فرض کردیم تحقق نیفتاده است، فکر کنیم آن از وسوسه های شیطانی است که می‌خواهد مردم را از حق باز دارد.

أما السؤال الثاني: فالجميع يعلم أن حجة الله تعالى موجود قبل دخول قوات الاحتلال وفقهاء النجف وغيرهم يعلمون هذا، فما كان أحراهم أن يلتفوا حوله إن كانوا مؤمنين، وكذلك فإن أصل الانتخاب واختيار الناس للحاكم باطل شرعاً، ومنه يُعرف أن السيد أحمد الحسن والدعوة الشريفة ليس هما من قال ببطلان اختيار الناس للحاكم بل الله تعالى قال هذا، فهل الله أعلم وأحكم أم الناس؟

اما در مورد سؤال دوم: همه می دانند که حجت خداوند متعال قبل از ورود نیروهای احتلال وجود داشت و فقهای نجف و غیر آنها این مطلب را می دانستند، اگر ایمان داشتند برای آنها سزاوار بود باید دور او جمع می شدند، هم چنین اصل انتخابات و اختیار حاکم توسط مردم از نظر شرعی باطل است، و از آن سید احمد الحسن (ع) و دعوت شریفش شناخته می شود و ایشان نیستند که به بطلان انتخاب حاکم توسط مردم قایل باشند، بلکه خداوند متعال این را می گوید، و آیا خداوند دانا تر و حکیم تر است یا مردم؟

إن أهم وأثمن ما في هذه الحياة هو الدين كما يعرف المؤمنون، والدين كامل لا نقص فيه، فهل يصح أن نتذرع بحجج واهية من قبيل إننا لا يمكن أن نترك بلادنا من غير حاكم ونتنصل من تعاليم ديننا؟ وسبحان الله لقد اخترهم الله بعد سقوط ديكتاتورية صدام، هل يسارعون إلى اتباع شهواتهم وأهوائهم ويختارون لهم حاكماً، أم يتمسكون بحجة الله ويأبون إلا حكمه وحكم من أرسله، وفشلوا فشلاً ذريعاً، وما قولهم هل نترك العراق دون حاكم إلا تمادياً منهم في باطلهم وغشاً منهم لأتباعهم.

همان طور که مومنین می دانند، دین مهم ترین و گران بهاترین چیزی که در زندگی است، و دین کامل است و کمبودی در آن نیست، آیا صحیح است که دلیل های واهی بیاوریم که ما نمی توانیم کشورمان را بدون حاکم رها کنیم، و از آموزه های دینمان جدا شویم؟ سبحان الله، خداوند آنان را بعد از سقوط صدام دیکتاتور سنجید، آیا دنباله روی شهوات و هوای نفس خود می روند و برای خودشان حاکم انتخاب می کنند یا به حجت خدا چنگ می زنند و فقط حکمش و حکم فردی که او را فرستاده است می گیرند، و شکست بدی خوردند، و سخن آنان که عراق را بدون حاکم ترک کنیم؟ این سخن برای فرو رفتن در باطل خودشان است و اینکه اتباع خودشان را فریب دهند.

وأخيراً هذا الرئيس أو الحاكم الذي يختارونه بأي علم سيحكمهم، هل يطبق فيهم تعاليم الإسلام؟ وكيف والإسلام لا يطبقه سوى حجة الله في أرضه؟ إذن بالنتيجة لن يكون الحاكم الذي يختارونه سوى نسخة أخرى من الطواغيت، وتكون النتيجة خسران الدنيا والآخرة، وها هي النتيجة أمامنا، فما الذي جنوه من اختيارهم سوى الخسران المبين؟

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)
الأستاذ أبو محمد الأنصاري - شعبان/ ١٤٣١ هـ

در آخر می گویم: این رئیس یا حاکمی که انتخاب می کنند براساس چه علمی بر آنان حکومت می کند، آیا مطابق آموزه های اسلامی عمل می کند؟ و چگونه، در حالی که اسلام را فقط حجت خداوند بر روی زمین تطبیق می دهد؟ پس در نتیجه حاکمی که انتخاب می کنند فقط نمونه ای دیگر از طاغوت هاست، و نتیجه زیان دنیا و آخرت است، و نتیجه ی آن روبروی ماست، و به غیر از خسران آشکار از انتخابشان به چه چیزی رسیدند؟

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (ممكن الله له في الأرض)
استاد أبو محمد انصاری - شعبان/ ١٤٣١ هـ



پرسش ۵۱۰: ازدواج موقت

السؤال/ ٥١٠: كلامك كله غير صحيح وغير ثابت عندنا، نحن نعرف أن النبي صلى الله عليه وسلم حرم المتعة في خير، ونعلم كذلك وكلنا يقيناً بأن الأئمة سلام الله عليهم يحرمون المتعة، وكمان أقول لكم: عيب عليكم استحووا من الله ما هذا الافتراء على الصحابة (أبو بكر وعمر) ابتدعوا في الدين احرقوا السنة كلام لا يقبله عقل لكن هذا دليل حقدكم عليهم، نسأل الله لكم السلامة والهداية.

لكن أسألکم: إذا امرأة تزوجت متعة أكثر من شخص في مدة شهر مثلاً وحملت لمن ينسب الولد؟

سؤال / ٥١٠: تمام سخنان شما صحیح نیست و نزد ما ثابت نشده است، ما می دانیم که پیامبر (ص) متعه را در روز خیبر حرام کرده است، هم چنین می دانیم و یقین داریم که ائمة سلام الله عليهم متعه را حرام می کنند،

همان طور به شما می گویم: برای شما زشت است، از خداوند حیا کنید، چرا بر صحابه -ابوبکر و عمر- دروغ می بندید؟ در دین بدعت ایجاد کردند و سنت را سوزاندند، این سخنی است که عقل آن را قبول نمی کند، اما این دلیلی بر کینه توزی شما بر آنان است، از خداوند برای شما سلامت و هدایت را خواستاریم. ولی از شما می پرسیم: اگر خانمی مثلاً در مدت یک ماه بیشتر از یک ازدواج موقت کند و باردار شود، این فرزند برای کیست؟

جواب اللجنة السابق:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

زواج المتعة (الزواج المنقطع) هو زواج شرعي بنص الكتاب والسنة، وهذا ثابت في مصادر المسلمين سنة وشيعة ولا ينكره إلا مكابر، أما تحريم زواج المتعة فلم يأت لا من الله سبحانه ولا من رسوله (ص)، وقد رحل رسول الله (ص) عن هذا العالم وهذا التشريع قائم، وجاء أبو بكر وهذا التشريع قائم ولم يقل بشأنه كلمة واحدة، ولما جاء عمر قام بتحريم متعتي الحج والنساء، فهل عمر أدرك خلافاً في شريعة محمد (ص) فأتاه؟؟

پاسخ قبلی هیئت علمی:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

ازدواج متعه "ازدواج موقت" به نص کتاب و سنت ازدواج شرعی است، و این در منابع مسلمانان -اهل سنت و شیعه- ثابت است و فقط فرد لجوج آن را انکار می کند، اما تحريم متعه نه از سوی خداوند سبحان و نه از نزد رسولش (ص) نیامده است، و رسول الله (ص) از این جهان رحلت کردند در حالی که این تشريع پا برجا بود، و ابوبکر آمد و این تشريع پا برجا بود و در مورد آن یک کلمه هم نگفت، وقتی عمر آمد دو متعه حج و خانم ها را حرام کرد، آیا عمر در شریعت محمد (ص) خللی دید که آن را تکمیل کرد؟؟

إذا تقولين (نعم) فقد كذبك القرآن بقوله تعالى: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾^(١)، وإذا قلت (لا) فهذا يعني أن عمر ابتدع بدعة في الدين وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار، وهذا الحديث لديكم من الثوابت، ومسألته كون الأئمة (ع) هل تمتعوا أم لا وأسماء أولادهم من المتعة؟

هذا سؤال يدل على سفاهة السائل، فزواج الأئمة (ع) أمر خاص بهم، فهل من الأدب أن نسأل في الخصوصيات؟؟

اگر بگویی بله، به سخن خداوند متعال در قرآن که فرموده: (امروز دین شما را کامل کردم...)^(۱) دروغ بستی، و اگر بگویی خیر، این بدین معناست که عمر در دین بدعتی ایجاد کرد و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است، و این حدیث نزد شما از مطالب ثابت است، و این سؤال که ائمه (ع) متعه می‌کردند یا خیر و نام فرزندان متعه‌ای آنان چیست؟ این سؤال دلیلی بر سفاهت سؤال کننده است، و ازدواج ائمه (ع) مسئله‌ای است که مختص آنان است، آیا از ادب است که در مورد مسائل خصوصی سؤال کنیم؟

أما كون الزواج شرعياً فهو شرعي بنص الكتاب والسنة، وتحريم عمر له بدعة من بدع عمر التي لا تعد ولا تحصى، فهو أول من ابتدع رص صفوف المصلين بالدرة، وهو أول من ابتدع حرق بيت النبي (ص) وأهله فيه، وهو وصاحبه أبو بكر أول من ابتدعا حرق السنة النبوية المطهرة، حيث حرق أبو بكر بحسب ما ذكرت ذلك ابنته عائشة ما يقرب من الخمسمائة حديث من أحاديث النبي (ص) بدعوى الشك فيها وهو غريب، كيف يشك في حديث النبي (ص) من تدعون أنه أقرب الناس للنبي (ص).

اما این که ازدواج شرعی است، این ازدواج به نص کتاب و سنت شرعی است، و حرام کردن ازدواج موقت توسط عمر، جزء بدعت‌هایی است که عمر به وجود آورده و بدعت‌های او قابل شمارش نیست، او اولین فردی بود که صفوف مسلمانان را به واسطه تازیانه به هم متصل کرد، او اولین فردی بود که بدعت آتش زدن خانه پیامبر (ص) در حالی که خانواده‌اش در آن بودند را ایجاد نمود و او ودوستش ابوبکر اولین افرادی بودند که آتش زدن سنت پاک نبوی را بدعت نهادند، و ابوبکر بر اساس آن چه دخترش عایشه می‌گوید: نزدیک ۵۰۰ حدیث از احادیث پیامبر (ص) را به ادعای شک در آن که آن مایه تعجب است به آتش کشید، چگونه به حدیث پیامبر (ص) شک می‌کند کسی که ادعا می‌کنید که وی از نزدیک‌ترین مردم به پیامبر اکرم (ص) بود؟

أما عمر فزاد على صاحبه وجمع كل ما روي عن رسول الله (ص) وصيره تلا من الرقاع وحرقتها وأعلن أنه يعاقب كل من يقول قال رسول الله (ص)، وهناك من بدع عمر ما يعجز المحصون عن عدده ولك أن تراجع صحاحكم ومصادركم لتري بأمر عينك صدق ما نقول، هذا لو كنت تطالبين الحق ولست من الذين استهوتهم لعبة الجاهلية في التنازع والتباغض والتناحر.

نسأل الله سبحانه الهداية للجميع، والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية لأنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)
الأستاذ الدكتور زكي الأنصاري، جمادى الآخرة/١٤٣١هـ
المرسلة: ريماس الخطيب - اليمن

اما عمر بیشتر از دوستش عمل کرد، و تمام آن چه که رسول الله (ص) روایت شده را جمع نمود و آن را به صورت تپه‌ای از کاغذها در آورد و آن را به آتش کشید و اعلام کرد که: هر فردی که بگوید: رسول الله (ص) فرمود، مورد عقاب قرار می‌دهد، و بدعت‌هایی هستند که عمر آن‌ها را ابداع نمود که کسی نمی‌تواند آن‌ها را بشمارد، و می‌توانی به کتاب‌ها صحاح و مصادر خودتان مراجعه کنید، تا با چشم خودت صدق آن چه که می‌گوییم را ببینید، این در صورتی است که بدنبال حق باشی، و جزو افرادی نیستی که بازی جهالت در تنازع و بغض و دشمنی او را فریب داده است.

از خداوند سبحان هدایت را برای همه خواستاریم، والحمد لله وحده وحده وحده..

هیئت علمی - انصار امام المهدي (ممكن الله له في الأرض)
استاد دکتر زکی انصاری، جمادى الآخرة/١٤٣١هـ
فرستنده: ريماس الخطيب - يمن

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.
اتق الله ولا تتقولي على الرسول ما لا تعلمين، راجعي كتبكم وتأكدي قبل أن تتكلمي،
وإليك هذه الأحاديث من أصح كتبكم كما تزعمون لتعرفي الحقيقة:

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.
تقوای الهی پیشه کن و بر رسول (ص) چیزی که نمی‌دانی نگو، به کتاب‌های خودتان مراجعه کنید و قبل از سخن گفتن تحقیق کن، و این احادیث از صحیح‌ترین کتاب‌های شماست، همان‌طور که گمان می‌کنید، تا حقیقت را بشناسی:

ورد في البخاري: عن عمران بن الحصين أنه قال: (نزلت آية المتعة في كتاب الله ففعلناها مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ولم ينزل قرآن يحرمه ولم ينه عنها حتى مات، قال رجل برأيه ما شاء، قال محمد (أي البخاري): يقال عمر رضي الله عنه)^(۱).

در بخاری آمده است: عمران بن حصین می گوید: (آیه متعه در کتاب خداوند فرستاده شد، و به همراه رسول الله (ص) انجام می‌دادیم و در قرآن نیامده که آن را حرام کند، و از آن تا این که فوت کند نهی نکرده بود، مردی با نظرش آن چه خواست گفت، محمد بخاری می گوید: گفته شد عمر رض بود^(۲)).

هذا ما أخرجه البخاري في صحيحه، وهو أصح الكتب بعد القرآن بإجماع من يعتد به من علماء أهل السنة، فقد نص بصريح العبارة التي لا تقبل التأويل على إباحة المتعة واستمرار هذه الإباحة إلى يوم القيامة، كما أن هذا الحديث نص على عدم نزول قرآن يحرمها، وأنه نص في عدم نهى النبي (ص) عنها حتى التحق بالرفيق الأعلى، كما أنه صريح أيضاً في أن المحرم لها هو الخليفة عمر بن الخطاب.

این حدیثی است که بخاری در صحیحش آورده است، و علمای اهل سنت به اجماع آن را بعد از قرآن صحیح ترین کتاب می‌دانند، و با عبارت صریح که قابل تاویل نیست، بیان می‌کند که متعه مباح است و این مباح بودن تا روز قیامت ادامه دارد. همان‌طور که این حدیث تصریح به این دارد که قرآن بر حرمت آن فرستاده نشده است، و آن تصریح می‌کند که پیامبر (ص) از آن نهی نکرده است تا اینکه به ملکوت اعلی رفت، همان‌طور که آن تصریح می‌کند که فردی که آن را حرام کرده است خلیفه عمر بن خطاب بود.

وأما إمام الحديث عند أهل السنة الإمام مسلم، فقد أخرج في صحيحه في باب نكاح المتعة: عن إسماعيل، عن قيس، قال: (سمعت عبد الله يقول: كنا نغزو مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس لنا نساء، فقلنا: ألا نستخصي، فنهانا عن ذلك ثم رخص لنا أن نكح المرأة بالثوب إلى أجل، ثم قرأ عبد الله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾^(۳).

۱- صحیح البخاری، باب قوله تعالى: (وأنفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة) من كتاب التفسير من جزئه الثالث ص ۷۱.

۲- صحیح بخاری، باب فرموده خداوند: (وأنفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة) از کتاب تفسیر از جزء سوم ص ۷۱.

۳- المائدة: ۸۷.

اما پیشوای حدیث در نزد اهل سنت امام مسلم، وی در صحیح خودش در باب نکاح متعه حدیثی آورده است: إسماعیل از قیس روایت می کند که می گوید: (از عبدالله شنیدم که می گفت: "با رسول الله (ص) به جنگ می رفتیم و خانم ها با ما نبودند، عرض کردیم: آیا استمناء کنیم؟ ایشان ما را از این کار باز داشتند، و به ما اجازه داد تا خانم را تا مدت معلوم با لباس نکاح کنیم، بعد عبدالله این آیه را خواند: (ای کسانی که ایمان آورده اید، چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای (استفاده) شما حلال کرده، حرام مَشمارید و از حدِّ مگذرید، که خدا از حدِّ گذرندگان را دوست نمی دارد) (۱).

وفي رواية أخرى كما في صحيح مسلم أيضاً: عن أبي نضرة، قال: (كنت عند جابر بن عبد الله، فأتاه آت فقال: ابن عباس وابن الزبير اختلفا في المتعتين، فقال جابر: فعلناهما مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم نهانا عمر فلم نعد لهما) (۲).

روایت دیگری که نیز در صحیح مسلم آمده است: أبي نضرة می گوید: (نزد جابر بن عبدالله بودیم، فردی نزد او آمد، گفت: ابن عباس و ابن زبیر در مورد دو متعه اختلاف کردند، جابر گفت: به همراه رسول الله (ص) انجام می دادیم، سپس عمر ما را نهی نمود و دیگر بدنبال آن ها نرفتیم (۳).

وأخرج الإمام مسلم أيضاً: (... كان ابن عباس يأمر بالمتعة، وكان ابن الزبير ينهي عنها، قال: فذكر ذلك لجابر بن عبد الله، فقال: على يدي دار الحديث، تمتعنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم، فلما قام عمر قال: إن الله كان يحل لرسوله ما شاء بما شاء، وإن القرآن قد نزل منازلهم فأتوا الحج والعمرة لله كما أمركم الله، وأبوتوا نكاح هذه النساء، فإن أوتي برجل نكح امرأة إلى أجل إلا رجتمه بالحجارة) (۴).

هم چنین امام مسلم حدیثی آورده است: (... ابن عباس به متعه دستور می داد و ابن زبیر از آن نهی می کرد، گفت: این مطلب را به جابر بن عبدالله گفتند، گفت: حدیث را من می دانم، با رسول الله (ص) متعه می کردیم، و وقتی عمر بلند شد گفت: خداوند برای رسولش آن چه را خواست حلال کرد، و قرآن منازلش را فرستاد، حج

۱- مائدة: ۸۷.

۲- صحیح مسلم ج ۴ باب إهلال النبي صلى الله عليه وسلم وهدية.

۳- صحیح مسلم ج ۴ باب إهلال النبي صلى الله عليه وسلم وهدية.

۴- صحیح مسلم ج ۴ باب حجة النبي صلى الله عليه وسلم.

و عمره را همان‌طور که خداوند به شما دستور داد به اتمام برسانید، و با این خانم‌ها ازدواج نکنید، و اگر مردی نزد شما آوردند که با خانمی ازدواج موقت کرد، او را با سنگ رجم کنید^(۱).

أما بشأن منع عمر وأبي بكر من كتابة السنة وإحراقها فإليك هذه الأحاديث من كتبكم: اما در مورد منع عمر و ابوبکر از نوشتن سنت و به آتش کشیدن آنها، این احادیث را از کتاب‌هایتان برای ما آوریم:

قال عمر بن الخطاب لأبي هريرة: (لتركن الحديث عن رسول الله أو لألحقنك بأرض دوس)^(۲).
عمر بن الخطاب به ابی هریره می‌گوید: (حدیث از رسول الله (ص) را ترک می‌کنی یا اینکه تو را به سرزمین دوس (قبیله‌ای که ابوهیره از آن بود) می‌فرستم (۳)).

وقال له أيضاً: (لتركن الحديث عن رسول الله أو لألحقنك بأرض الفيح يعني قومه)^(۴).
وهم چنین باو گفت: (حدیث از رسول الله (ع) را ترک می‌کنی یا اینکه تو را به سرزمین فیح می‌فرستم، یعنی سرزمین قومش)^(۵).

وقال يحيى بن جعدة: (إن عمر بن الخطاب أراد أن يكتب السنة، ثم بدا له أن لا يكتبها ثم كتب في الأمصار من كان عنده منها شيء فليمحه)^(۶).

و يحيى بن جعدة می‌گوید: (عمر بن خطاب خواست که سنت را بنویسد، بعد تصمیم گرفت که نباید آن را بنویسد، سپس به شهرها نوشت که هر فردی نزدش چیزی از احادیث است، آن را از بین ببرد)^(۷).

وقال القاسم بن محمد بن أبي بكر: (إن عمر بن الخطاب بلغه أنه قد ظهر في أيدي الناس كتب، فاستنكرها وكرها وقال: أيها الناس، إنه قد بلغني أنه قد ظهرت في أيديكم كتب،

۱- صحیح مسلم ج ۴ باب حجة النبي صلى الله عليه وسلم.

۲- المحدث الفاضل: ص ۵۵۴ رقم ۷۴۶، والبداية والنهاية - لابن كثير: ج ۸ ص ۱۶۰، وتذوين السنة الشريفة: ص ۴۳۱.

۳- محدث لفاضل: ص ۵۵۴ رقم ۷۴۶، والبداية والنهاية - ابن كثير: ج ۸ ص ۱۶۰، وتذوين السنة الشريفة: ص ۴۳۱.

۴- أخبار المدينة المنورة - لابن شيبه: ج ۳ ص ۸۰.

۵- أخبار المدينة المنورة - ابن شيبه: ج ۳ ص ۸۰.

۶- كنز العمال ج ۱۰ باب في آداب العلماء - فصل في رواية الحديث رقم (۲۹۴۷۶).

۷- كنز العمال ج ۱۰ باب در آداب علماء - فصل در روایت حدیث رقم (۲۹۴۷۶).

فأحبها إلى الله أعدلها وأقومها، فلا يبقين أحد عنده كتاباً إلا أناني به، فأرى فيه رأيي، فظنوا أنه يريد أن ينظر فيها ويقومها على أمر لا يكون فيه اختلاف، فأتوه بكتبهم فأحرقها بالنار ثم قال: أمنيّة كأمنيّة أهل الكتاب^(١)، وفي بعض القول: (مثناة كمثناة أهل الكتاب)^(٢).

و قاسم بن محمد بن أبي بكرمی گوید: (به عمر بن خطاب خبری رسید که در دستان مردم کتاب های است، و منکر آنها شد و از آنها بدش آمد، و گفت: ای مردم، به من خبر رسید که به دستان شما کتاب های رسیده است، به خاطر خدا دوست دارم آنها را درست و استوار گردانم، فردی نزدش کتابی نباشد، مگر اینکه ان را برایم بیاورد، تا نظرم را در موردش را بدهم، و آنان گمان کردند که می خواهد در آن نگاه کند و آنان را به صورتی قرار دهد که اختلافی در آنها نباشد، و کتاب هایشان را برایش آوردند و او آنها را در آتش سوزاند، سپس گفت: آرزوی همانند آرزوی اهل کتاب^(٣)، در بعضی از سخنان این گونه آمده است: "کجی همانند کجی اهل کتاب"^(٤)).

وصفت عائشة ابنة الخليفة حالته بقولها: (... جمع أبي الحديث عن رسول الله (ص)، وكانت خمسمائة حديث، فبات ليلته يتقلب كثيراً، قالت: فضمني، فقلت: أتتقلب لشكوى أو لشيء بلغك؟ فلما أصبح قال: أي بنيت، هلمي الأحاديث التي عندك، فجئت بها، فدعا بنار فأحرقها!! فقلت: لم أحرقتها؟ قال: خشيت أن أموت وهي عندي فتكون فيها أحاديث عن رجل قد ائتمنته ووثقت ولم يكن كما حدثني فأكون قد نقلت ذلك)^(٥) انتهى النص.

عایشه دختر حالت خلیفه را با سخنش توصیف نموده است: (... پدرم از رسول الله (ص) حدیث جمع کرد و ۵۰۰ حدیث بود، یک شب بسیار مُتقلب بود و عایشه گفت: مرا در آغوش کشید، به وی گفتم: آیا به خاطر شکایتی پریشان هستی یا به خاطر مطلبی که به تو رسیده است؟ وقتی شب را به صبح رساند گفت: دخترم، احادیثی که نزد توست بیاور، آنها را نزد او آوردم، آتشی خواست و آنها را در آتش سوزاند! گفتم: چرا آن را

١- تقييد العلم: ص ٥٢.

٢- الطبقات الكبرى - لابن سعد: ج ١ ص ١٤٠ طبعة ليدن.

٣- تقييد العلم: ص ٥٢.

٤- طبقات كبرى - ابن سعد: ج ١ ص ١٤٠ چاپ ليدن.

٥- تذكرة الحفاظ: ج ١ ص ٥، وكنز العمال: ج ١٠ ص ٢٨٥، وتدوين القرآن: ص ٣٧٠.

سوزاندی؟ گفت: ترسیدم که بمیرم و آن احادیث نزد من باشد و در آن احادیثی از فردی باشد که مورد اعتماد و وثوق من است ولی آن طور که حدیث کردم نباشد و من آن‌ها را نقل کرده باشم^(۱) متن بیان یافت).

وقال الذهبي: (إن أبا بكر جمع أحاديث النبي(ص) في كتاب، فبلغ عددها خمسمائة حديث، ثم دعا بنار فأحرقها)^(۲).

ذهبی می گوید: (ابوبکر احادیث پیامبر(ص) را در کتابی جمع کرد، و تعداد آن به ۵۰۰ حدیث رسید، بعد آتشی خواست و آن را سوزانید^(۳)).

روى القاسم بن محمد أحد أئمة الزيدية، عن الحاكم، بسنده إلى عائشة، قالت: (جمع أبي الحديث عن رسول الله، فكانت خمسمائة حديث فبات ليله يتقلب، فلما أصبح قال: أي بنيت، هلمي الأحاديث التي عندك، فجئت بها فدعا بنار فأحرقها)^(۴).

حاکم از عایشه نقل می کند که گفت: ("پدرم حدیث از رسول الله(ص) را جمع کرد، و ۵۰۰ حدیث شد و در یک شب منقلب شد، وقتی شب را به صبح رساند گفت: دخترم، احادیثی که نزد توست را بیاور، آن را آورد و آتشی خواست تا آن را به آتش بکشد (۵)؛).

أما سؤالك: إذا امرأة تزوجت متعة أكثر من شخص في مدة شهر مثلاً وحملت لمن ينسب الولد؟

اما سؤال: اگر خانمی در مدت مثلاً یک ماه ازدواج موقت کند و باردار شود، فرزند برای کیست؟

فجوابه: لو أنك تعلمين حقيقة زواج المتعة وشروطه ما سألتني هذا السؤال، فمن جملة شروط زواج المتعة إنه إذا انقضى أجلها بعد الدخول فعدتها حيضتان، وإن كانت لا تحيض ولم تئس

۱- تذكرة الحفاظ: ج ۱ ص ۵، وكنز العمال: ج ۱۰ ص ۲۸۵، وتدوين القرآن: ص ۳۷۰.

۲- تذكرة الحفاظ - للذهبي: ج ۱ ص ۵، وعلوم الحديث: ص ۳۹.

۳- تذكرة الحفاظ - ذهبي: ج ۱ ص ۵، وعلوم الحديث: ص ۳۹.

۴- الاعتصام بحبل الله المتين: ج ۱ ص ۳۰، وتدوين السنة الشريفة: ص ۲۶۴، وتذكرة الحفاظ: ج ۱ ص ۵، وكنز العمال: ج ۱ ص ۲۸۵.

۵- الاعتصام بحبل الله المتين: ج ۱ ص ۳۰، وتدوين السنة الشريفة: ص ۲۶۴، وتذكرة الحفاظ: ج ۱ ص ۵، وكنز العمال: ج ۱ ص ۲۸۵.

فخمسة وأربعون يوماً. وتعتد من الوفاة ولو لم يدخل بها بأربعة أشهر وعشرة أيام إن كانت حائلاً، وبأبعد الأجلين إن كانت حاملاً.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)
الأستاذ أبو محمد الأنصاري - ٢٠ / رجب / ١٤٣١

پاسخش این است: اگر حقیقت ازدواج متعه و شروط آن را می دانستی این سؤال را نمی پرسیدی، و یکی از شروط متعه این است که عده اش دو حیض بعد از اتمام آمیزش است، و اما اگر حائض نمی شود و یائسه نیست، عده اش ۴۵ روز است. وعده وفات اگر آمیزش نکرده باشد و باردار نباشد چهار ماه و ده روز است، و اگر باردار باشد دورترین مدت است.

هیئت علمی - أنصار امام مهدي (مکن الله له فی الأرض)
استاد أبو محمد انصاری - ٢٠ / رجب / ١٤٣١



پرسش ۵۱۱: آیا امام ازدواج کرده است؟

السؤال / ٥١١: هل الإمام متزوج؟

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

هل هناك أدلة صحيحة السند تثبت أن لإمام المهدي عجل الله فرجه له ذرية؟

لو سمحتم أريد أدلة صحيحة من كتبنا. وشكراً.

المرسل: أسير - السعودية

سؤال / ٥١١: آیا امام ازدواج کرده است؟

سلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

آیا دلایل صحیح السندی وجود دارد که ثابت کنند که برای امام مهدی عجل فرزندانی است؟

اگر لطف کنید دلایل صحیحی از کتاب هایمان می خواهیم، متشکرم.

فرستنده: اسیر - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.
وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً كثيراً.
وعليكم السلام ورحمة الله و بركاته.

ورد عن رسول الله(ص) ما مضمونه: (الزواج سنتي فمن اعرض عن سنتي فليس مني)^(۱).

از رسول الله(ص) حدیثی به این مضمون آمده است: (ازدواج سنت من است، هر فردی از سنت من روی گردان شود از من نیست)^(۲).

ويمكنك أن تستدل من الروايات التي سأسردها عليك الآن وهي غيضة من فيض أن الإمام متزوج، إذ كيف تكون له ذرية دون زواج، وإليك الروايات:

و می توانی به این روایاتی که الان برای می آورم استدلال کنی، و این بخشی از آنهاست که امام ازدواج کرده است، پس چگونه برای وی نسلی هست بدون این که ازدواج کرده باشد؟ برای روایات زیر است:

الدليل الأول:

روى الشيخ النعماني (تلميذ ثقة الإسلام الكليني) في كتاب الغيبة، والشيخ الطوسي في كتاب الغيبة بسندي معتبرين: عن الفضل بن عمر، قال: (سمعت أبا عبد الله يقول: إن لصاحب هذا الأمر غيبتين، أحدهما تطول حتى يقول بعضهم مات، ويقول بعضهم قتل، ويقول بعضهم ذهب، حتى لا يبقى على أمره من أصحابه إلا نفر يسير لا يطلع على موضعه أحداً من ولده ولا غيره إلا المولى الذي يلي أمره).

دليل أول:

۱- وردت بهذا المضمون وبألفاظ مختلفة أحاديث كثيرة انظر على سبيل المثال: جواهر الكلام ج ۲۹ ص ۱۲.
۲- با این مضمون وبا الفاظ مختلف احاديث زيادی وارد شده است برای مثال به کتاب: جواهر الكلام ج ۲۹ ص ۱۲ نگاه کنید.

شیخ نعمانی (دانش آموز موثق اسلام شیخ کلینی) در کتاب غیبت خود، و شیخ طوسی در کتاب غیبت با دو سند معتبر از مفضل بن عمر که می گوید: (از امام صادق (ع) شنیدم که می فرماید: برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آن ها طولانی تر از دیگری است. تا آن جا که گفته می شود از دنیا رفته است و بعضی می گویند: کشته شده است، پس فقط عده کمی از یاران حضرت بر امر او ثابت قدم باقی می مانند و هیچ کس از فرزندان او و غیر آن به مکان و امور او مطلع و آگاه نخواهد شد، بجزء غلامی که امور و کارهای حضرت را انجام می دهد).

الدلیل الثانی:

روی الشیخ الطوسی و جماعته بأسانید متعددة عن یعقوب بن الضراب الأصفهانی: (أنه حج في سنة إحدى وثمانون ومائتين، فنزل بمكة في سوق الليل بدار تسمى دار خديجة، وفيها عجز كانت واسطة بين الشيعة وإمام العصر (ع) - والقصة طويلة - وذكر في آخرها أنه أرسل إليها دفترًا وكان مكتوباً فيه صلوات على رسول الله وباقي الأئمة وعليه صلوات الله عليه، وأمره إذا أردت أن تصلي عليهم فصلي عليهم هكذا وهو طويل، وفي موضع منه:

دلیل دوم:

شیخ طوسی و گروهی با اسناد متعدد از یعقوب بن ضراب اصفهانی روایت می کنند که ایشان در سال ۲۸۱ به حج رفتند و شبی در مکه و در بازار به منزلی که به منزل خدیجه معروف است رفتند، که در آن جا پیر زنی زندگی می کرد و این زن واسطه بین امام عصر (ع) و شیعیان می باشد - و داستان طولانی است - که در آخر آن آورده است که ایشان (ع) برای وی مکتوبی ارسال کردند که در آن صلواتی بر رسول الله (ص) و بقیه ائمه (ع) نوشته بود، و به ایشان امر داده بود که هرگاه خواستی بر آن ها صلوات بفرستید و این گونه بر آن ها صلوات بفرستید و آن طولانی است، و در یک جای آن آمده است:

"اللهم أعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه، وجميع أهل الدنيا ما تقر به عينه"، وفي آخره هكذا: "اللهم صل على محمد المصطفى، وعلي المرتضى، وفاطمة الزهراء، والحسن الرضا، والحسين المصطفى، وجميع الأوصياء مصابيح الدجى وأعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم، وصل على وليك وولادة عهده والأئمة من ولده، ومد في أعمارهم وزد في آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم دنياً وديناً وأخراً إنك على كل شيء قدير".

خداوندا، در مورد خودش و فرزندانش و پیروانش و زیردستانش و نزدیک ترها و دورترهایش و دشمنانش و همه اهل جهان، آن چه که چشمش را روشن کند؛ و در آخرش می‌فرماید خداوندا، درود بفرست بر محمد مصطفی، علی مرتضی، فاطمه زهرا، حسن پسندیده، حسین برگزیده و همه جانشینان او، آنان که چراغ‌های روشن‌گر تاریکی و نشانه‌های هدایت و مشعل‌های تقوی، و دستگیره‌ی استوار و رشته‌ی ناگسستگی و راه راست به سوی تو هستند. و بر ولی خودت، و والیان عهد او، و پیشوایان از فرزندانش درود فرست، و عمر آنان را طولانی و بر مدت زندگی شان بیفزای و در دین و دنیا و آخرت به آخرین آروزهایشان برسان، حقا که تو برهر چیز توانایی).

الدلیل الثالث:

في زيارته المخصوصة التي تقرأ في يوم الجمعة، ونقل السيد رضي الدين علي بن طاووس في كتاب (جمال الأسبوع): (صلى الله عليك وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين)، وفي موضع آخر منها: (صلوات الله عليك وعلى آل بيتك هذا يوم الجمعة)، وفي آخرها قال: (صلوات الله عليك وعلى آل بيتك الطاهرين).

دلیل سوم:

در زیارت مخصوص که در روز جمعه خوانده می‌شود، آمده است که سیدرضی الدین علی بن طاووس در کتاب خود (جمال الاسبوع) (زیبایی هفته) نقل می‌کنند: (خداوند بر شما و اهل بیت پاک و طاهرتان درود بفرستد) و در بخش دیگری از آن: (درود خداوند بر شما و اهل بیت شما، امروز جمعه است) و در آخرش: (درود خداوند بر شما و اهل بیت پاکتان).

الدلیل الرابع:

ونقل في آخر كتاب (مزار) بحار الأنوار عن كتاب (مجموع الدعوات) لهارون موسى التلعكبري: (سلاماً وصلاة طويلاً من رسول الله واحد واحد من الأئمة، وبعد ذكر السلام والصلاة على الحجة (ع) ذكر سلاماً وصلاة خاصة على ولاة عهد الحجة (ع) وعلى الأئمة من ولده ودعا لهم، "السلام على ولاة عهده، والأئمة من ولده، اللهم صل عليهم، وبلغهم آمالهم، وزد في آجالهم، وأعز نصرهم، وتمم لهم ما أسندت من أمرهم، واجعلنا لهم أعواناً وعلى دينك أنصاراً، فإنهم معادن كلماتك، وخزان علمك، وأركان توحيدك، ودعائم دينك، وولاة أمرك، وخلصاؤك

من عبادك، وصفوتك من خلقك، وأولياؤك وسلائل أوليائك، وصفوة أولاد أصفياك، وبلغهم منا التحية والسلام، وردد علينا منهم السلام، والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته".

دليل چهارم:

در آخر کتاب مزار بحار الانوار از کتاب مجموع الدعوات هارون موسی تلکبری سلام و درود طولانی از رسول الله - یکی یکی از امامان - ذکر می کند، بعد از ذکر سلام و درود بر حجت علیه السلام سلام و درود مخصوصی بر والیان حجت علیه السلام و بر امامان از فرزندان نقل می کند و برای آنان دعا می کند: (سلام بر والیان عهدش و امامان از فرزندان، خدایا بر آنان درود بفرست و آنان را به آرزوهایشان برسان، و اجل هایشان را زیاد کن، و یاریشان بده، و امرشان را به اتمام برسان، و ما را یاران آنها قرار بده و بردینت یارانی قرار بده، چون آنها معدن های کلمات تو هستند و نگهبانان علمت هستند، و ارکان توحیدت، و ستون های دینت و والیان امرت، و بندگان خالص تو هستند، و آفریده های برتر تو هستند، و سرپرستان و فرزندان سرپرستان هستند، و برگزیدگان فرزندان برگزیدگان هستند، و درود و سلام ما را به آنان برسان، و پاسخ سلامشان را از سوی ما بده، درود و رحمت و برکات خداوند بر آنان).

الدليل الخامس:

نقل السيد ابن طاووس (رحمه الله) في جمال الأسبوع ص ٣٠٦ وغيره زيارة له كان في إحدى فقراتها هذا الدعاء بعد صلاة تلك الزيارة: (اللهم أعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع أهل الدنيا ما تقر به عينه، وتسره به نفسه...).

دليل پنجم:

سیدین طاوس ره در جمال الاسبوع ص ٣٠٦ و غیر آن زیارتی برای ایشان نقل می کند و در یکی از بخش های این دعا بعد از نماز این زیارت این گونه است: (خدایا به او و فرزندان شیعیان و مردم و خواص و عوام و دشمنش و همه اهل دنیا چیزی بده که به واسطه آن چشمش روشن می شود و نفسش خوشحال می شود...).

الدليل السادس:

قصة الجزيرة الخضراء التي نقلها العلامة المجلسي في بحار الأنوار، وفيها: (فسألته عن ميرة أهل بلده من أين تأتي إليهم، فأني لا أرى لهم أرضاً مزروعة، فقال: تأتي إليهم ميرتهم من الجزيرة الخضراء من البحر الأبيض، من جزائر أولاد الإمام صاحب الأمر (ع)، فقلت له: كم تأتيكم

میرتکم فی السنّة؟ فقال: مرتین، وقد أتت مرة وبقيت الأخرى، فقلت: کم بقي حتی تأتیکم؟ قال: أربعة أشهر).

دلیل ششم:

داستان جزیره خضراء (سبز) که علامه مجلسی آن را در بحار الانوار نقل می‌کنند و در آن آمده است: (من کیفیت معاش اهل آن بلد را از ایشان سؤال کردم و پرسیدم که: (روزی ایشان از کجا می‌آید؟ زیرا که من مزرعه‌ای برای ایشان ندیده بودم).

او گفت: (روزی اهل این بلد از جانب جزیره خضراء و دریای سفید که از جزیره‌های اولاد حضرت صاحب الامر علیه السلام است، می‌آید).

گفتم: (در هر چند مدّت می‌آید)؟

گفت: (در سال دو مرتبه . یک مرتبه این سال آمد، مرتبه دیگرش باقی است).

گفتم: (چقدر باقی است تا وقت آمدن ایشان)؟

گفت: (چهار ماه).

الدلیل السابع:

روی السيد الجليل علي بن طاووس في كتاب (عمل شهر رمضان): عن أبي قرّة دعاء لا بد أن يقرأ في جميع الأيام لحفظ وجود الإمام الحجة(ع)، ومن فقرات هذا الدعاء: (وتجعله وذريته من الأئمة الوارثين).

دلیل هفتم:

سید بزرگوار علی بن طاووس در کتاب (عمل شهر رمضان) به نقل از اَبی قرّة دعایی که باید در همه روزها برای حفظ وجود امام حجت خوانده شود، را روایت می‌کند که بخش‌هایی از این دعا: (ایشان و فرزندانشان را از امامان وارث قرار بده).

الدلیل الثامن:

رواية الوصية التي رواها الشيخ الطوسي، وقد مر ذكرها في روايات المهديين، وفيها قال: (فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المقربين ... الخ)، أي إذا حضرت الوفاة الإمام المهدي(ع) فليسلمها إلى ابنه أول المهديين.

دلیل هشتم:

روایت وصیت که شیخ طوسی آن را روایت می کند که ذکر آن در روایات مهدیین گفته شده که در آن حضرت فرمودند: (هرگاه زمان مرگش فرا برسد آن را به فرزندش اولین نزدیکان وی ... تسلیم نماید ... الخ؛)، یعنی هنگامی که زمان وفات امام مهدی علیه السلام فرا برسد آن را به فرزندش اولین مهدیین تسلیم نماید.

الدلیل التاسع:

المروي في مزار محمد بن المشهدي: عن الإمام الصادق (ع) أنه قال لأبي بصير: (كأنی أرى نزول القائم (ع) في مسجد السهلة بأهله وعياله ...)^(١).

دلیل نهم:

در مزار محمد بن مشهدی از امام صادق علیه السلام روایت است که ایشان به ابی بصیر فرمودند: (گویا نزول حضرت قائم به همراه خانواده اش در مسجد سهله را مشاهده می کنم ...)^(٢).

الدلیل العاشر:

نقل العلامة المجلسي في مجلد الصلاة من البحار في أعمال صبح يوم الجمعة عن أصل قديم من مؤلفات قدمائنا دعاءً طويلاً يقرأ بعد صلاة الفجر، ومن فقرات الدعاء للإمام الحجة (ع) هناك هو: (اللهم كن لوليك في خلقك ولياً وحافظاً وقائداً وناصراً حتى تسكنه أرضك طوعاً، وتمتعه منها طويلاً، وتجعله وذريته فيها الأئمة الوارثين ...).

دلیل دهم:

علامه مجلسی در جلد نماز بحار در اعمال صبح روز جمعه از اصل قدیمی از مولفات قدمای ما دعای طولانی نقل می کند، و آن بعد از نماز صبح خوانده می شود، یکی از بخش های آن دعا برای امام حجت (ع) است: (خدایا برای ولی ات در میان آفریده هایت ولی و نگهدار و فرمانده و یاری گر باش، تا اینکه او را در زمین به آسانی سکونت دهی، و او را در مدت طولانی بهره من سازی، و او و فرزندانش را از امامان وارث قرار دهی ...).

الدلیل الحادي عشر:

١- المزار: محمد بن المشهدي: ص ١٣٤

٢- مزار: محمد بن مشهدی: ص ١٣٤

ذكر الشيخ عباس القمي (رحمه الله) في مفاتيح الجنان في الدعاء لصاحب الزمان (ع) وتسلسله بعد دعاء العهد الشريف. وجاء في إحدى فقراته: (اللهم أعطه في نفسه وأهله ووَلَدِهِ وذريته وأُمَّته وجميع رعيته ما تقربه عينه وتسربه نفسه ...). وهذا الدعاء يهتم بذكر ولد واحد للإمام المهدي (ع) وبعده يذكر الذرية مما يدل على أن لهذا الولد مقاماً خاصاً.

دلیل یازدهم:

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان دعایی برای امام صاحب زمان (ع) نقل می‌کند که این دعا بعد از دعای عهد آمده است. در جایی از آن آمده است: (خدایا به او و خانواده و فرزندش و فرزندانش و مردمش و همه مردمش چیزی عطا کن که چشمانش نورانی شود و خوشحال شود). و این دعا به ذکر یکی از فرزندان امام مهدی (ع) اهتمام می‌کند و بعد از آن ذریه (نسل) امام را ذکر می‌کند که خود دلالت می‌کند این فرزند مقام خاصی دارد.

الدلیل الثانی عشر:

قول الإمام المهدي (ع) في خطبته بين الركن والمقام عند قيامه: (... فقد أخفنا وظلمنا وطرردنا من ديارنا وأبنائنا، وبغي علينا ودفعنا عن حقنا ...) ^(۱). وهذا إعلان وبيان من الإمام المهدي (ع) في أول قيامه بأنه طرد من داره وأبنائه بسبب مطاردة الظالمين له، والبحث عن آثاره (ع) في كل مكان وزمان.

دلیل دوازدهم:

فرموده امام مهدی علیه السلام در خطبه‌ای که به هنگام قیام خود بین رکن و مقام بیان می‌کند: (... ما مورد وحشت و ستم قرار گرفتیم و از شهرها و فرزندانمان رانده شدیم و بر ما ستم شد و از حقمان کنار زده شدیم ^(۲)). و این اعلان و بیان از طرف امام مهدی (ع) در ابتدای قیامش می‌باشد به این که ایشان از منزل و فرزندانش رانده شده و آن به سبب مطاردت ایشان توسط ظالمان، و جست و جوی ایشان در هر مکان و زمان است.

الدلیل الثالث عشر:

۱- الغيبة للنعماني: ص ۲۹۰.

۲- غيبت نعماني: ص ۲۹۰.

عن أبي الحسن الرضا: (كأنني برايات من مصر مقبلات، خضر مصبغات، حتى تأتي الشامات، فتهدى إلى ابن صاحب الوصيات)^(١). فدلالة هذه الرواية واضحة على أن قبل قيام القائم تهدى الرايات (أي تباع) إلى ابن صاحب الوصيات، وصاحب الوصيات هو وارث الأئمة المعصومين وخاتمهم ومن انتهت إليه الوصية وهو الإمام محمد بن الحسن العسكري صاحب الزمان (ع) وهو المستحفظ من آل محمد. والرواية تنص على أن الرايات تهدى إلى ابن صاحب الوصيات أي ابن الإمام المهدي (ع).

دليل سيزدهم:

از أبي الحسن الرضا عليه السلام که می فرماید: (گویا پرچم های سبز رنگ را که از مصر رو آورده می بینم که بشامات آید و به فرزند صاحب وصیت ها هدایت کند)^(٢). و دلیل این روایت واضح است به این که قبل از قیام قائم پرچم ها به فرزند صاحب وصیت ها هدایت می شوند (یعنی بیعت می شود). و صاحب وصیت ها همان وارث ائمه معصومین و خاتم آن ها و کسی که وصیت به وی منتهی می شود و ایشان همان امام محمد بن حسن عسکری علیه السلام صاحب زمان است و ایشان هستند که از خاندان محمد محفوظ مانده است. و روایت بیان می کند که پرچم ها به فرزند صاحب وصیت ها یعنی فرزند امام مهدی علیه السلام هدایت می شود.

الدليل الرابع عشر:

ورد ذكر ذرية الإمام المهدي (ع) في (دعاء يوم الثالث من شعبان) يوم ولادة الإمام الحسين (ع).

عن أبي القاسم ابن علاء الهمداني وكيل الإمام العسكري (ع) إن الحسين (ع) ولد يوم الخميس لثلاث خَلُون من شعبان فصمه وأدع بهذا الدعاء: (اللهم إني أسألك بحق المولود بهذا اليوم قتيل العبرة، وسيد الأسرة، الممدود بالنصرة يوم الكرة، المعوض من قتله إن الأئمة من نسله، والشفاء في تربته، والفوز معه في أوبته، والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته، حتى يدركوا الأوتار، ويثأروا الثار، ويرضوا الجبار، ويكونوا خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار ...) (٣).

دليل چهاردهم:

ذكر فرزندان امام مهدی علیه السلام در دعای روز ۳ ماه شعبان روز ولادت امام حسین (ع) آمده است.

١- المعجم الموضوعي: ص ٤٥١.

٢- معجم موضوعي: ص ٤٥١.

٣- بحار الأنوار: ج ٥٣ ص ٩٤.

ابوالقاسم ابن علا همدانی وکیل امام عسکری (ع) می‌گوید: حسین (ع) در پنج شبه سوم شعبان به دنیا آمده است، این روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان: (خدایا از تو به حق مولود این روز درخواست می‌کنم... کشته اشک، و آقای خاندان، فردی که در روز رجعت یاری می‌شود، عوض کشته شدنش این است که امامان از نسل ایشان هستند، و شفاء در تربت ایشان است، و رستگاری با او و بازگشت اوست، و اوصیاء از عترت ایشان بعد از قائم آنان و غیبت اوست، تا اینکه آنان را درک کنند و خون خواهی کنند، و خداوند جبار را خوشحال کنند، و بهترین یاران شوند، درود خداوند بر آنان با رفت و آمد شب و روز...^(۱)).

الدلیل الخامس عشر:

مدح الإمام الحسن العسکری (ع) لأسباطه من ذریة القائم: عن المجلسي، قال: وجد بخط الإمام أبي محمد العسکری (ع) على ظهر الكتاب: (قد سعدنا ذری الحقائق بأقدام النبوة والولاية، وذرنا سبع طرائق بأعلام الفتوة والهداية، ونحن ليوث الوغى، وغيث الندى، وفينا السيف والقلم في العاجل، ولواء الحمد في الآجل، أسباطنا خلفاء الدين القويم، ومصايح الأمم، ومفاتيح الكرم...) ^(۲). وهنا أشار الإمام الحسن العسکری إلى أسباطه (أسباطنا خلفاء الدين القويم)، والسبط ابن الابن، ولا يوجد ابن للإمام الحسن العسکری (ع) غير الإمام المهدي (ع)، فتعين أن يكون هؤلاء الأسباط من ذریة الإمام المهدي وخلفاءه في الأمة. وأيضاً هذا الخبر يعضد روايات ذریة الإمام المهدي الذين يحكمون بعده.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الأستاذ أبو محمد الأنصاري - ۲۰/ رجب/ ۱۴۳۱

دلیل پانزدهم:

امام حسن عسکری علیه السلام اسباط خود را از نسل حضرت قائم علیه السلام را مدح می‌کند: مجلسی می‌گوید: به خط امام حسن عسکری علیه السلام در پشت کتاب نوشته شده بود: (بی‌گمان قلّه‌های حقیقت را با گام‌های نبوت و ولایت فتح کردیم و هفت (طبقه) آسمان را با چراغ‌های فتوت روشن نمودیم. ما شیران کارزار و باران رحمتیم، در این دنیا، شمشیر و قلم و در آن دنیا، پرچم ستایش و دانش به دست ماست، فرزندانمان خلفای دین، هم پیمان یقین، چراغ امت‌ها و کلید کرامت‌اند...^(۳)). امام حسن عسکری (ع) در اینجا به نواده‌های خود اشاره دارد، (نواده‌های ما خلفای دین استوار هستند) نوه فرزندی فرزندی است، و فرزندی غیر از امام

۱- بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۹۴.

۲- إلزام الناصب ج ۲ ص ۱۴۳، بشارة الإسلام: ب ۱۲ ص ۱۶۸.

۳- إلزام الناصب ج ۲ ص ۱۴۳، بشارة الإسلام: ب ۱۲ ص ۱۶۸.

مهدی (ع) برای امام حسن عسکری (ع) نبود، مشخص می‌شود که این نواده‌ها از نسل امام مهدی (ع) هستند و آنان خلفای او در میان امت هستند. همچنین این روایت را روایات فرزندان امام مهدی که بعد از ایشان حکومت می‌کنند محکم می‌کنند.

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له فی الأرض)

استاد أبو محمد أنصاری - ٢٠ / رجب / ١٤٣١



پرسش ٥١٢: تعامل با بدگویان به سیداحمد الحسن (ع)

السؤال / ٥١٢: بسم الله الرحمن الرحيم

كيف أتصرف مع الذي يتكلمون بسوء على السيد أحمد اليماني (ع)؟؟

المرسل: أمير الدين - استراليا

سؤال / ٥١٢: بسم الله الرحمن الرحيم

با افرادی که نسبت به سیداحمد یمانی (ع) سخن بد می‌گویند، چگونه رفتارکنم؟؟

فرستنده: امیرالدين - استراليا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

ورد بهذا الخصوص البيان التالي للسيد أحمد الحسن (ع):

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

در این مورد بیان ذیل از سیداحمد الحسن (ع) آمده است:

س/ ما هو حکم من یسب نبی أو وصی، ویوجد بعض الجهلة یسبون السید أحمد الحسن وصی ورسول الإمام المهدي(ع)، فكیف یكون التصرف مع هؤلاء؟

س / حکم فردی که به پیامبر یا وصی فحاشی می‌دهد چیست، بعضی از نادانان هستند که به سید احمد الحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی(ع) فحاشی می‌کنند، برخورد با این افراد چگونه باید باشد؟

ج/ حکم من یسب نبیاً أو وصیاً أو السیده الزهراء(ع) أو من هو فی مقامهم كالعباس بن علی(ع) وزینب(ع) هو القتل بعد التأكد من إصراره علی السب.

ج / حکم فردی که به پیامبر یا وصی یا سیده زهراء(ع) یا فردی که در مقام آنان مانند عباس بن علی علیه السلام و زینب(ع)، فحش دهد، قتل بعد از قطعی شدن بر اصرار وی به فحش دادن است.

أما من یسبني بالخصوص فأنا أعفو عنه، فهو سب بسب أو إعفاء عن ذنب، وقد سب أحد الجهلة أم أحد المعصومین(ع) فقال(ع): (إن كنت صادقاً غفر الله لها، وإن كنت كاذباً غفر الله لك)^(۱).

اما فردی که بالخصوص به من فحش می‌دهند، من از این فرد می‌گذرم، و دشنام را با دشنام باید پاسخ داد یا بخشیدن از گناه، یکی از نادان‌ها، به مادر یکی از معصومین(ع) فحش داد، ایشان علیه السلام فرمود: (اگر راست می‌گویی خداوند او را بیامرزد، و اگر دروغ می‌گویی خداوند تو را بیامرزد)^(۲).

وسب أحد الجهلة الإمام الحسن(ع) فعفا عنه وأحسن إليه الإمام الحسن(ع)، وتكرر هذا الأمر مع الإمام الكاظم(ع) فقابله بالإحسان.

یکی از نادان‌ها به امام حسن(ع) فحش داد و ایشان او را بخشید و امام حسن(ع) به او نیکی نمود، و این مسئله با امام کاظم(ع) تکرار شد و ایشان به او احسان کرد.

فالعفو والإحسان سجیتهم(ع) وسجیة الأنبياء والأوصیاء وأرجو من الله أن أكون كذلك.

۱- مناقب آل أبي طالب ج ۳: ابن شهر آشوب: ص ۳۳۷. وبحار الأنوار ج ۴۶ ص ۲۸۹.

۲- مناقب آل أبي طالب ج ۳: ابن شهر آشوب: ص ۳۳۷. وبحار الأنوار ج ۴۶ ص ۲۸۹.

بخشش و احسان اخلاق آنان و اخلاق پیامبران و اوصیاء (ع) است، و امیدوارم که من نیز آن گونه باشم.

قال الصادق (ع): (إن في التوراة مكتوباً: يا ابن آدم، اذكرني حين تغضب أذكرك عند غضبي، فلا أمحكك فيمن أمحك، وإذا ظلمت بمظلمة فارض بانتصاري لك، فإن انتصاري لك خير من انتصارك لنفسك)^(١)، وقد رضيت بانتصار الله لي فهو نعم المولى ونعم النصير.

امام صادق علیه السلام فرمودند: (در تورات نوشته شده است: موقع خشم مرا به یاد بیاور تا موقع خشمم تو را به یاد بیاورم، و به تو آسیبی نمی‌رسانم، و زمانی که ستمی به تو کردند، به یاری من نسبت به خودت خشنود باش، یاری من برای تو بهتر از یاری خودت برای خودت می‌باشد^(٢)). و نسبت به یاری خداوند به من خشنودم، ایشان بهترین مولا و بهترین یاور است.

واعلموا أيها الإخوة إن هؤلاء الجهلة يعلمون إن هذه الدعوة حق ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾^(٣)، ووجدوا أنفسهم عاجزين تمام العجز عن رد أدلتها الدامغة وهي من الثقلين القرآن وأهل البيت (ع) ومن ملكوت السموات، فلم يجدوا إلا زعيق الشياطين وهرير الكلاب رداً ورداء تجلببوا به بعد أن أخذ الحسد من نفوسهم كل مأخذ.

ای برادران بدانید که این نادانان می‌دانند که این دعوت حق است (و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود)^(٤). و خود را ناتوان تر از ناتوان دیدند در رد کردن دلایل محکم که از ثقلین قرآن و اهل بیت (ع) و از ملکوت آسمان‌ها می‌باشد، و به غیر از روپوشی از ترس شیاطین و روزه سگان ردی نیافتند و با آن خود را پوشاندند بعد از این که حسد دل‌هایشان را گرفت.

١- الکافی: ج ٢ ص ٣٠٤.

٢- کافی: ج ٢ ص ٣٠٤.

٣- النمل: ١٤.

٤- نمل: ١٤.

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾^(۱)، فمثلهم ﴿كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۲). ونحن آل محمد وآل إبراهيم ونحن القوم المحسودون، وأقول لكم ما قاله الإمام المظلوم علي بن أبي طالب (ع) لعمار بن ياسر لما رآه يكلم أحد الذين أنكروا إمامته (ع): (دعه يا عمار، فإنه على عمد جعل الشبهات عاذراً لسقطاته)^(۳).

(بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند، در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم)^(۴) و مثل آن‌ها (مثل او همچون سگ است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می‌آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند؛ این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را بازگو کن، شاید بیندیشند)^(۵)! ما خاندان محمد و خاندان ابراهیم هستیم و ما قومی هستیم که به ما حسادت شده است، و به شما سخنی را می‌گویم که امام ستمدیده علی بن ابی طالب (ع) به عمار بن یاسر فرمود، وقتی دید که عمار با فردی که امامت امام علی (ع) را انکار می‌کند سخن می‌گوید: (ای عمار، او را رهاکن، او عمداً شبهات را عذری برای سقوط خود قرار داده است)^(۶).

فلا ترهقوا أنفسكم مع هؤلاء الظلمة، فليفتروا وليكذبوا وليشبهوا بما يشاءون وليتفرقوا ما هم مقترفون، ونعم الحكم الله والموعود القيامة.

خودتان را با این ستمکاران خسته نکنید، بگذارید دروغ ببندند و افترا بزنند و آنچه را می‌خواهند معروف کنند و آنچه می‌خواهند را بگیرند، بله خداوند چه حاکم خوبی است و وعدگاه قیامت است.

وَأني لقيت وسألقي وسيلقى أبناي (ع) من بعدي أشد مما لقي أبائي (ع) ﴿فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾^(۷).

۱- النساء: ۵۴.

۲- الأعراف: ۱۷۶.

۳- نهج البلاغة ج ۴ ص ۹۵.

۴- نساء: ۵۴.

۵- اعراف: ۱۷۶.

۶- نهج البلاغة ج ۴ ص ۹۵.

۷- يوسف: ۱۸.

من دیدم و خواهم دید و فرزندانم (ع) بعد از من بدتر از آن چه پدرانم (ع) دیدند می بینند (من صبر جمیل خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می گوئید، از خداوند یاری می طلبم)^(۱)!

قال أبو عبد الله (ع): (إن قائمنا إذا قام استقبل من جهل الناس أشد مما استقبله رسول الله (ص) من جهال الجاهلية، قلت: وكيف ذاك؟ قال: إن رسول الله (ص) أتى الناس وهم يعبدون الحجارة والصخور والعيان والخشب المنحوتة، وإن قائمنا إذا قام أتى الناس وكلهم يتأول عليه كتاب الله يحتج عليه به، ثم قال: أما والله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر)^(۲).

أبو عبد الله (ع) می فرماید: (قائم ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا درحالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوبهای تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و بر او بدان احتجاج می نمایند، سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت)^(۳).

فالحوض بالباطل دیدنهم ولا حيلة لهم سواه بعد أن أصابهم الحق في مقاتلهم، فليقتفوا سيرة أسلافهم الذين اتهموا داوود (ع) بالنظر إلى امرأة عاريت، واتهموا زكريا (ع) بالزنا، واتهموا مريم (ع) بالزنا، واتهموا محمداً (ص) بالنظر إلى زوجة ريبه زيد بن حارثة، واتهموه بالاهتمام بالأغنياء والإعراض والعبوس في وجه الفقراء، واتهموه بالتهاون في طاعة الله وتطبيق الشريعة حتى قام مغضباً وخطب بهم، واتهموا علياً (ع) بالجهل بالحروب مع أنه خاض في غمراتها ولم يبلغ العشرين، واتهموه بشرب الخمر، واتهموه ... واتهموه ...

فرورفتن در باطل روش آن هاست، و زمانی که حق میدانگاه آن ها رسید، چاره ای به جز این ندارند، به رفتار گذشتگان خود رفتند کسانی که داود (ع) را متهم کردند که به خانمی برهنه نگاه کرد، وز زکریا (ع) را به زنا متهم کردند، و مریم (ع) را به زنا متهم کردند، و محمد (ص) را به نگاه کردن به همسر فرد تربیت شده اش زید بن

۱- یوسف: ۱۸.

۲- غيبة النعماني: ص ۲۹۷.

۳- غيبة نعماني: ص ۲۹۷.

حارثه متهم کردند، و او را به توجه به ثروتمندان متهم کردند و اینکه در صورت فقراء بد نگاه می‌کند و از آنان دوری می‌کند، و او را متهم کردند که در اطاعت خداوند و تطبیق شریعت سستی می‌کند، تا اینکه با حالت خشم برخاستند و برایشان خطبه‌ای خواند، و علی (ع) را به جهل در جنگ‌ها متهم کردند با اینکه در امواج جنگ فرو رفته بود با این که هنوز به بیست سالگی نرسیده بود، و او را به نوشیدن شراب متهم کردند، او را متهم به ... کردند، و او را متهم به ... کردند.

فلا یخطئون اقتفاء آثار أسلافهم (لعنهم الله) كما لا أخطأ سيرة آبائي (ع)، فلست بدعاً من الرسل ﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاءٍ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾^(۱).

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)
الأستاذ أبو محمد الأنصاري - ۲۰ / رجب / ۱۴۳۱

آنان در دنباله روی سیره گذشتگان‌شان (لعنهم الله) اشتباه نمی‌کنند، همان‌طور که من در سیره پدرانم (ع) اشتباه نمی‌کنم، من چیزی جدیدی نسبت به فرستادگان نیستم (بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم؛ و نمی‌دانم با من و شما چه خواهد شد؛ من تنها از آنچه بر من وحی می‌شود پیروی می‌کنم، و جز بیم‌دهنده آشکاری نیستم»)^(۲).

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مكن الله له في الأرض)
استاد أبو محمد انصاری - ۲۰ / رجب / ۱۴۳۱



پرسش ۵۱۳: حکم حلال و حرام بودن سرکه و مرغ وارداتی

السؤال / ۵۱۳: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

۱- الأحقاف: ۹.

۲- احقاف: ۹.

أحب أن أعرف رأي السيد أحمد (ع) في حلية أو حرمة الخل بنوعيه الحامض والمدبس، هل هو حلال أو حرام، وأحب أن أعرف رأي السيد بحلية الدجاج المذبوح بالبرازيل والذي تبنت ذبحه جهات دينية مثل مكتب السيد الشهيد الصدر، هل هو حلال أو حرام؟

المرسل: عبد الله المذنب - العراق

سؤال / ٥١٣: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

می خواهم نظر سید احمد (ع) را در مورد حلیت یا حرمت سرکه هر دو نوع آن ترش و شیرین بدانم، آیا حلال است یا حرام است، و دوست دارم نظر سید را در مورد حلال بودن مرغ هایی که در برزیل ذبح می شود بدانم، مرغ هایی که موسسات دینی مانند دفتر سید شهید صدر بر آن نظارت می کند، آیا حلال است یا حرام؟
فرستنده: عبدالله مذب - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.
بالنسبة للخل المصنوع للأكل لا إشكال فيه ما دام غير مسكر.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.
در مورد سرکه ای که برای خوردن ساخته شده اشکالی در آن نیست، البته مادامی که مست کننده نیست.

وبالنسبة للدجاج المذبوح، إن كان ذبحاً وفق الشرائط الشرعية من إسلام الذابح والتوجه للقبلة والتسمية وقطع الأوداج الأربعة فهو حلال ... وإلا فهو حرام. فيجب التأكد من ذلك، وفقكم الله لكل خير.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

و در مورد مرغ ذبح شده، اگر ذبح بر وفق شرایط شرعی از اسلام و رو به قبله بودن و بسم الله گفتن و بریدن چهار رگ باشد، حلال است... و گرنه حرام است. و واجب است که در این مورد تحقیق شود، خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند.

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له فی الأرض)
 شیخ ناظم عقیلی - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۵۱۴: خطاب به مدعی احمد

السؤال / ۵۱۴: مناصحة

إلى المدعي أحمد..

خاف الله ولا تكذب على الناس واعلم أن الكذب على الرسول عليه الصلاة والسلام مكانه في النار والعياذ بالله. وإني قد سمعت تلاوتك للقرآن فأيقنت بجهلك وبعذك عن الدين. وأسأل الله أن يهديك أو أن يأخذك أخذ عزيز مقتدر. اللهم لا تجعلنا فتنة للقوم الكافرين.

المرسل: المهدي عثمان - السعودية

سؤال / ۵۱۴: نصيحت خطاب به مدعی احمد...

از خداوند بترس و به مردم دروغ نگو، و بدان که فردی که بر رسول (ص) دروغ بزند جای وی در آتش است، پناه به خدا، من تلاوت قرآن شما را شنیدم و به نادانی و دور بودن شما از دین یقین حاصل کردم. از خداوند می‌خواهم که تو را هدایت کند یا خداوند با عزت و با اقتدار عمرت را بگیرد، خدایا ما را فتنه‌ای برای گروه کافر قرار نده.

فرستنده: مهدی عثمان - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد المرسلين محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم
 تسليماً.

كان الخوارج يتلون القرآن وتسمع لهم دويّاً كدوي النحل ولكنه لم يكن يتجاوز تراقيهم، واليوم أعدتم سنتهم حذو النعل بالنعل .. فلا لقوله تعقلون، ولا من أوليائه تقبلون، حكمة بالغت فما تغني النذر.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد المرسلين محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. خوارج قرآن می خواندند و قرآن خواندن شان را همانند صدای زنبور می شنیدی، ولی قرآن از گلوهایشان بالاتر نمی رفت، امروز دقیقاً سنت آنان مو به مو تکرار می شود... نه به سخن ایشان (خدا) تعقل می کنی، و نه از اولیای خداوند می پذیری، حکمتی که به کمال رسیده؛ اما انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی دهد.

اتق الله واعرف الحق تعرف أهله، فما يغني عنك غداً أن تقول: إنا وجدنا آباءنا على أمة .. أولياء الله لا يأتون بحسب ما يشتهي الناس، ومعرفتهم وضع الله لها قانوناً اعرفه من القرآن والسنة تهدي.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له فی الأرض)
الأستاذ أبو محمد الأنصاري - أواخر ذي القعدة / ١٤٣٠ هـ

از خداوند بترس، حق را بشناس تا اهل حق را بشناسی، فردا این سخن برایت فایده ندارد: ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم،... اولیای خدا به حسب چیزی که مردم دوست دارند نمی آیند، و برای شناخت آنان خداوند قانونی قرار داده است که آن را از قرآن و سنت بشناس تا هدایت شوی.

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له فی الأرض)
استاد أبو محمد أنصاری - أواخر ذی القعدة / ١٤٣٠ هـ



پرسش ٥١٥: آیا تایید کننده عرب یا وهابیت هستید؟

السؤال / ٥١٥: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

إلى من يقرأ رسالتي هذه أن يوصلها إلى السيد الحسن.

في ظل هذه الفتنة التي تحدث في العراق وبالذات ضد الشيعة من قبل العرب والتكفيريين، أنا برأيي حضرتكم تكثر من سواد الذين يقتلون بالناس الأبرياء لسبب تشيعهم.
سؤالي هو: هل أنتم مؤيدين (كذا) للعرب أو الوهابية؟ إذا كان جوابكم نعم فأنا لست معكم حتى لو صحت دعوتكم.

المرسل: الفراتي - ألمانيا

سؤال / ۵۱۵: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته

فردی که نامه مرا می‌خواند آن را به سیدحسن برساند.

در سایه این فتنه‌ای که در عراق به وجود آمده، به خصوص بر ضد شیعه از سوی عرب و تکفیری ها، به نظرم شما نیروهای افرادی که مردم بی‌گناه را به خاطر شیعه بودنشان می‌کشند زیاد کردید.
سؤالم این است: آیا شما عرب یا وهابیت را تأیید می‌کنید؟ اگر پاسختان بله است، من با شما نیستم هر چند دعوت شما صحیح باشد.

فرستنده: فراتی - آلمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.
سبحان الله .. كم كان يليق بك وأنت تتحسس الفتنة التي تحدث عنها أن تتبين أسبابها،
وكم كان لائقاً بك أن تنعطف بتفكيرك إلى الوجهة الصحيحة فتحدث نفسك أن هذه الفتنة
لا يخرج الشيعة منها سوى قائم آل محمد (ع) وتسارع في البحث عن أدلة هذه الدعوة المباركة
وتتحقق منها فالفرج كل الفرغ فيها.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.
سبحان الله ... چقدر سزاوار شماست وقتی فتنه‌ای که درباره آن سخن می‌گوئید را احساس می‌کنید، که
باید اسباب آن مشخص شود، و چقدر سزاوار شما بود که بافکرت به روش صحیح متوجه شوید، و با خود سخن
بگو که از این فتنه کسی شیعه را بیرون نمی‌آورد، غیر از قائم آل محمد (ع)، و در جست‌وجوی دلایل این
دعوت مبارک بشتابید و در مورد آن تحقیق کنید، که تمامی فرج در آن است.

اقرأ هذا المقتطف من الرسالة الموجهة من الإمام المهدي (ع) إلى الشيخ المفيد: (... أنا غير مهملين لمراعاتكم، ولا ناسين لذكركم، ولولا ذلك لنزل بكم اللأواء واصطلمكم الأعداء ... الخ). هذه الفقرة من الرسالة الشريفة تنص بوضوح على أن مراعاة الإمام المهدي (ع) وذكره الدائم لشييعته هما السبب في عدم نزول اللأواء، وعدم تمكن الأعداء من إلحاق الأذى بهم (واصطلمكم الأعداء).
 اين فرازی از نامه ای که امام مهدی (ع) به شیخ مفید نوشته است را بخوان: (... ما در مراعات شما را إهمال نمی کنیم (و مراقب شما هستیم)، و یاد شما را فراموش نمی کنیم، اگر این طور نبود سختی ها به شما می رسید و دشمنان شما را از بین می بردند ... الخ؛). این بخش از نامه شریف به روشنی بیان می کند که مراعات امام مهدی (ع) و یاد دائمی ایشان نسبت به شیعه شان علت نیامدن عذاب است، و اینکه دشمنان نمی توانند بر آنان مسلط شوند و آنان را اذیت کنند (و دشمنان شما را از بین می بردند)

والآن الشيعة كما تعترف أنت يصطلمهم الأعداء، وتنزل بهم اللأواء، وتسفك دماءهم وتنتهب حرمااتهم على يد الأمريكان والعصب الأموية، أليس في هذا دليل على أن الإمام المهدي (ع) لم يعد يراهم ولم يعد يراهم شيعة له؟ نعم، فهم وللأسف الشديد تنصلوا من مبدأ حاكمية الله والتنصيب الإلهي للحاكم ودخلوا في ديمقراطية أمريكا (مبدأ تنصيب الناس للحاكم).

در حال حاضر همان طور که اعتراف می کنید دشمنان بر شیعه مسلط شده اند، و سختی ها به آنان رسید، و خون هایشان ریخته می شود، و حرمت های آن ها به دست آمریکا و لشکر اموی از بین رفته است، آیا در این دلیلی نیست که امام مهدی (ع) مراقب آنان نیست و آنان را شیعه خودش نمی داند؟ بله، متأسفانه از مبدا حاکمیت خدا و تنصیب الهی برای حاکم دور شدند، و در دمکراسی آمریکایی وارد شدند (اصل تنصیب حاکم توسط مردم).

فسبحان الله، هل نحن من يكثر سواد من وصفت أم غيرنا ممن اتبع طريقهم؟؟ وهل نطلب إلا نجاتكم ودعوتكم إلى الالتفاف حول إمامكم .. ابحث أخي عن الحق وتأمل أدلة هذه الدعوة المباركة لتنجو في الدنيا والآخرة بإذن الله.

سبحان الله، آیا ما افراد آنان را زیاد کردیم یا غیر ما که از روش آنان پیروی می‌کنند؟؟ آیا جزء نجات شما طلب نمی‌کنیم و شما را به جمع شدن به دور امامتان دعوت نمی‌کنیم... برادرم در مورد حق جست و جو کن، و در مورد دلایل این دعوت مبارک دقت و تأمل کن، تا به اذن خدا در دنیا و آخرت نجات پیدا کنید.

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له فی الأرض)

استاد أبو محمد انصاری - أواخر ذی القعدة / ۱۴۳۰ هـ



پرسش ۵۱۶: چرا امام علی (ع) برای خلافت بعد از پیامبر نجاتید؟

السؤال / ۵۱۶: تساؤل حول خلافة علي كرم الله وجهه.

باسم الله العلي العظيم. سؤالي هو: لماذا لم يقاتل علي (كرم الله وجهه) من أجل الخلافة بعد وفاة النبي (ص)؟؟

المرسل: ياسر - المغرب

سؤال / ۵۱۶: سؤالی در مورد خلافت علی کرم الله وجهه

به نام خداوند بزرگ و والا. سؤالم این است: چرا علی کرم الله وجهه به خاطر خلافت بعد از پیامبر (ص) نجاتید؟

فرستنده: ياسر - مغرب

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

اعلم يرحمك الله أن عدم قتال الإمام علي (ع) من أجل استرداد حقه المغتصب لم يكن جبناً منه وحاشاه من الجبن وهو المعروف بشجاعته وقوته واستبساله في ذات الله سبحانه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

خداوند رحمتت کند، بدان که نجنگیدن امام علی(ع) به خاطر گرفتن حق غصب شده اش به خاطر ترس ایشان نبود، و ایشان از ترس بدورند و ایشان به شجاعت و نیرو و خشم به خاطر ذات خداوند سبحان معروف است.

فالشجاعة وحدها ليست هي دائماً السبيل إلى ردع الباطل وإقامة الحق، فقد يكون المؤمن في غاية الشجاعة والإقدام ولكنه مأمور بالسكون والسكوت حتى يقضي الله أمراً كان مفعولاً. و شجاعت به تنهایی راه کنارزدن باطل و برپا داشتن حق نیست، و گاهی اوقات مومن در انتهای شجاعت و اقدام است ولی مأمور به آرامش و سکوت است، تا این که خداوند کاری که می خواهد را انجام دهد.

فالإمام علي(ع) قد أخبره الرسول محمد(ص) بأنه سيظلم ويغتصب حقه و... وأمره بالصبر إن لم يجد أنصاراً... لحكمة علمها الرسول محمد(ص).

محمد رسول(ص) به امام علی(ع) خبر داد که به زودی به وی ستم می شود و حقیقت غصب می شود و... و به ایشان دستور داد که اگر یاری پیدا نکرد، صبر کنند... به خاطر حکمتی که محمد رسول(ص) می دانست.

إذن فعدم مبادرة الإمام علي(ع) للقتال هو امتثال لأمر الله تعالى ولأمر رسوله الكريم(ص) وهو من مناقب الإمام علي(ع) لا كما يتوهمه النواصب، بل إنه لو خالف وصية الرسول محمد(ص) لكان ذلك منقصة وحاشا أمير المؤمنين ويعسوب الدين من النقص ومخالفة الله ورسوله.

بنابراین عدم مبادرت امام علی(ع) به جنگ به خاطر انجام دادن دستور خداوند متعال و دستور پیامبر کریم(ص) بود، و آن از مناقب امام علی(ع) است، نه همان طور که ناصبی ها توهم می کنند، بلکه اگر ایشان با وصیت محمد رسول(ص) مخالفت می کرد این نقص و کمبودی برای ایشان بود، و امیرالمومنین و یعسوب (فرمانده) دین از نقص و مخالفت با خداوند و رسولش بدور است.

وإن أردت شاهداً لكلامي هذا من القرآن الكريم، فأقول لك: هذا هو نبي الله هارون وصي نبي الله موسى(ع) عندما غاب موسى(ع) واستخلفه على بني إسرائيل لم يقاتل عندما أضل السامري بني إسرائيل واخرج لهم العجل ليضلهم عن عبادة الله(عز وجل)، في حين أن نبي الله هارون لم تغتصب

منه الخلافة فقط بل لم يبق السامري من الدين شيئاً ولو ظاهراً حيث أدخل الناس بالكفر بالله جهاراً! إذن فالمبادرة للقتال ليست هي الحل الناجع دائماً عند الله تعالى وعند أوليائه.

اگر شاهدی از قرآن کریم برای سخنم می‌خواهید، به شما می‌گویم: این پیامبر خدا هارون است که وصی پیامبر خدا موسی (ع) است، وقتی موسی (ع) غائب شد و ایشان را جانشین خود در بنی اسرائیل قرار داد، وقتی سامری بنی اسرائیل را گمراه کرد و برایشان گوساله‌ای بیرون آورد تا آنان را از بندگی خداوند متعال گمراه کند، ایشان نجنگید، در حالی که پیامبر خدا هارون فقط خلافت از ایشان غصب نشد، بلکه سامری از دین چیزی - حتی ظاهر آن - باقی نگذاشت، چون مردم را به کفر آشکاری خداوند وارد کرد! بنابراین مبادرت به جنگ همیشه نزد خداوند متعال و نزد اولیایش راه حل اصلی نیست.

ثم إنه ليس كل ما يسمى خوفاً فهو جبن، فالخوف على دين الله لا يعد جبناً، فهذا القرآن ينص على أن نبي الله موسى (ع) خرج من مدينة فرعون خائفاً يترقب: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفاً يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^(۱).

هر چیزی که به آن "خوف" می‌گویند ترس نیست، خوف (ترس) بر دین خداوند ترس شمرده نمی‌شود، و این قرآن تصریح می‌کند که پیامبر خدا موسی (ع) از شهر فرعون به صورت ترسان و مراقب بیرون رفت: (موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت گفت: پروردگارا، مرا از گروه ستم‌کاران نجات بخش)^(۲).

فهل خوف موسى (ع) جبن وحاشاه؟! كلا وألف كلا ... بل لم يكن خوف موسى (ع) على نفسه بما هي هي ... بل كان خوفاً على نفسه؛ لأن الله كلفه بأداء الرسالة، فلا بد أن يحافظ على نفسه ويخاف عليها من أجل أداء هذا التكليف الإلهي على أتم وجه. وإلا فنحن نجد الأنبياء والأوصياء لا يترددون أبداً في امتثال أمر الله تعالى في القتال من أجل الدين الإلهي.

آیا خوف موسی (ع) ترس بود، حاشاه؟! اصلاً و اصلاً این طور نیست... بلکه خوف (ترس) موسی (ع) از جهت خودش نبود. بلکه بر خودش می‌ترسید، چون خداوند او را به رساندن رسالتش مکلف کرده بود، در نتیجه باید مراقب خودش باشد و به خاطر انجام این تکلیف الهی به صورت کامل مواظب خودش باشد. و گرنه ما می‌بینیم که پیامبران و اوصیاء اصلاً در انجام دستور خداوند متعال در جنگ به خاطر دین الهی تردید نمی‌کنند.

۱- القصص: ۲۱.

۲- قصص: ۲۱.

وأخيراً الروايات عن الرسول محمد (ص) وعن أهل بيته التي تذكر وصية الرسول (ص) لعلي (ع) بالصبر كثيرة إن أحببت أسردها لك في مناسبة أخرى إن شاء الله. وفقك الله لكل خير وصلاح.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ

و در پایان روایات از محمد رسول (ص) و اهل بیتش که وصیت رسول (ص) را به علی (ع) به صبر را ذکر کرده‌اند، زیاده‌اند، اگر دوست داشتید ان شاء الله در مناسبات دیگر آن‌ها را می‌آورم. خداوند تو را برای انجام هر کار خوب و صلاحی موفق کند.

هیئت علمی - أنصار إمام مهدي (ممكن الله له في الأرض)

شيخ ناظم عقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ



پرسش ٥١٧: چند سوال از روایات

السؤال / ٥١٧: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

السيد الوالد الإمام الثالث عشر.. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أود أن تجيبني عن الأسئلة ولو كان قد شرحها بعض الأخوة الأنصار سددهم الله تعالى فإنني

أحب أن أشرب من النبع الصافي.

سؤال / ٥١٧: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

پدر و سید و امام (...) سلام علیکم و رحمة الله وبركاته.

دوست دارم که به سؤالاتم پاسخ دهید، هر چند برخی از برادران انصار - خداوند متعال قدم‌هایشان را محکم

کند- آن را شرح دادند، ولی دوست دارم که از چشمه صاف علم شما بنوشم.

أول سؤال هو: عن الحديث الوارد عنهم(ع): (كذلك غيبة القائم(ع) فإن الأمة تنكرها " لطلوها" فمن قائل بغير هدى بأنه لم يولد، وقائل يقول إنه ولد ومات، وقائل يكفر بقوله إن حادي عشرنا كان عقيماً، وقائل يمرق بقوله إنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً، وقائل يعصي الله (عزوجل) بقوله: إن روح القائم(ع) ينطق في هيكل غيره^(۱).

اولین سؤال این است: در حدیثی که از آنان(ع) رسیده آمده است: (و غیبت قائم نیز چنین است، زیرا این امت به واسطه طول مدتش آن را انکار می‌کند، پس گوینده‌ای به هذیان گوید او متولد نشده است، و گوینده‌ای دیگر گوید: او مرده است، و گوینده‌ای دیگر این کلام کفرآمیز را گوید که یازدهمین ما ائمه عقیم بوده است، و گوینده‌ای دیگر با این کلام از دین خارج شود که تعداد ائمه به سیزده و یا بیشتر رسیده است، و گوینده‌ای دیگر به نافرمانی خدای تعالی پرداخته و گوید روح قائم در جسد دیگری سخن می‌گوید)^(۲).

فما تأولوها؛ لأنها فيها متشابه، لأنها إن عرضت على المحكم وهي الوصية ففيها شيء من التعارض على الأقل في فهمنا لأننا غير معصومين.

تاویل آن چیست، چون آن متشابه است، چون اگر به محکم که همان وصیت رسول الله(ص) عرضه شود، تعارضی در آن است، حداقل در فهم ما، چون ما غیر معصوم هستیم.

وأخرى: (ألا وإن لخروجه علامات عشرة، أولها طلوع الكوكب ذي الذنب، ويقارب من الحادي، ويقع فيه هرج ومرج وشغب، وتلك علامات الخصب، ومن العلامة إلى العلامة عجب، فإذا انقضت العلامات العشرة إذ ذاك يظهر منا القمر الأزهر، وتمت كلمة الإخلاص لله على التوحيد. فقام إليه رجل يقال له عامر بن كثير فقال: يا أمير المؤمنين، لقد أخبرتنا عن أئمة الكفر وخلفاء الباطل فأخبرنا عن أئمة الحق وألسنة الصدق بعدك، قال: نعم، إنه لعهد عهده إلي رسول الله(ص) وإن هذا الأمر يملكه اثنا عشر إماماً تسعة من الحسين، ولقد قال النبي(ص): لما عرج بي إلى السماء نظرت إلى ساق العرش فإذا مكتوب عليه: "لا إله إلا الله محمد رسول الله أيدته بعلي ونصرته بعلي"، ورأيت اثني عشر نوراً، فقلت: يا رب، أنوار من هذه؟ فنوديت: يا محمد، هذه أنوار الأئمة من ذريتك، قلت: يا رسول الله، أفلا تسميهم لي؟ قال: نعم، أنت الإمام والخليفة بعدي، تقضي ديني وتنجز عاداتي، وبعديك ابناك الحسن والحسين، وبعدي الحسين ابنه علي زين العابدين، وبعدي علي ابنه

۱- کمال الدین - الشیخ الصدوق ص ۳۵۴-۳۵۵. غیبة الطوسی ۱۷۰.

۲- کمال الدین - شیخ صدوق ص ۳۵۴-۳۵۵. غیبت طوسی ۱۷۰.

محمد يدعى بالباقر، وبعد محمد ابنه جعفر يدعى بالصادق، وبعد جعفر ابنه موسى يدعى بالكاظم، وبعد موسى ابنه علي يدعى بالرضا، وبعد علي ابنه محمد يدعى بالزكي، وبعد محمد ابنه علي يدعى بالنقي، وبعده ابنه الحسن يدعى بالأمين، والقائم من ولد الحسين سمى وأشبهه الناس بي، يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، لماذا لم يذكر الإمام علي(ع) المهديين(ع) حيث طلب منه أن يذكر أئمة الحق؟

و دیگری: (برای خروج مهدی(ع) ده علامت خواهد بود: طلوع ستاره دنباله دار که از مجاری، نزدیک خواهد شد و بعد از آن فتنه و آشوبهایی بپا می شود این اول آن علامت ها بود، و از آن علامت تا علامت دیگری عجائبی به وجود می آید و ماه نورانی در بین انقضاء این علائم ده گانه خواهد بود و کلمه اخلاص بر توحید به اتمام می رسد). مردی که به او عامر بن کثیر می گفتند بلندشد و عرض کرد: ای امیرالمومنین، امامان کفر و خلفای باطل را به ما فرمودی، امامان حق و زبان های راستی بعد از خودت را بفرماید، فرمود: (بله، این عهدی است که رسول الله(ص) از من گرفته است، و این امر را دوازده امام از نسل حسین فرمان دهی می کنند، پیامبر(ص) فرمود: وقتی خداوند مرا به آسمان برد در ساق عرش نگاه کردم و در آن نوشته شده بود: لا إله إلا الله محمد رسول الله، او را باعلی تایید و یاری دادم، و دوازده نور دیدم، عرض کردم: پروردگار من، این ها نورهای کیست؟ نداداده شد: ای محمد، این نورهای ائمه از فرزندان هستند، عرض کردم: ای رسول الله، آیا آنان را برایم نام نمی ببری؟ فرمود: بله، شما امام و خلیفه بعد از من هستی، دین مرا آدا می کنی و وعده های مرا عملی می کنی، و بعد از شما فرزندان حسن و حسین است، و بعد از حسین فرزندش علی زین العابدین، و بعد از فرزندش علی، فرزندش محمد که به او باقر می گویند، و بعد از محمد فرزندش جعفر که صادق نامیده می شود، و بعد از جعفر فرزندش موسی که به کاظم خوانده می شود، و بعد از موسی فرزندش علی که رضا خوانده می شود، و بعد از علی فرزندش محمد که به آن زکی گفته می شود، و بعد از محمد فرزندش علی که به او نقی گفته می شود، و بعد از او فرزندش حسن که به امین خوانده می شود، و قائم از فرزندان حسین هم نام من و شبیه ترین مردم به من است، همان طور که از ستم و جور پرشده است، آن را پر از عدل و داد می کند).

چرا امام علی(ع) مهديين(ع) را ذکر نکرد، چون از ایشان درخواست شد تا ائمه حق را ذکر نماید؟

وأيضاً هذا الحديث: (يا محمد، هذه أنوار الأئمة من ذريتك، قلت: يا رسول الله، أفلا تسميهم لي؟ قال: نعم، أنت الإمام والخليفة بعدي تقضي ديني وتنجز عدااتي، وبعدهك ابناك الحسن والحسين، وبعد الحسين ابنه علي زين العابدین، وبعد علي ابنه محمد يدعى بالباقر، وبعد محمد ابنه جعفر يدعى بالصادق، وبعد جعفر ابنه موسى يدعى بالكاظم، وبعد موسى ابنه علي يدعى

بالرضا، وبعد علي ابنه محمد يدعى بالزكي، وبعد محمد ابنه علي يدعى بالنقي، وبعده ابنه الحسن يدعى بالأمين، والقائم من ولد الحسين سمّي وأشبه الناس بي، يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً).

هم چنین این حدیث: (ای محمد، این نورهای ائمه از فرزندان است، عرض کردم: ای رسول الله، آیا آنان را برای نام می‌بری؟ فرمود: بله، شما امام و خلیفه بعد از من هستی، دین مرا می‌دهی و وعده مرا عملی می‌کنی، و بعد از شما دو فرزندت حسن و حسین هستند، و بعد از حسین فرزندش علی زین العابدین، و بعد از علی فرزندش محمد که باقر نامیده می‌شود، و بعد از محمد فرزندش جعفر که صادق نامیده می‌شود، و بعد از جعفر فرزندش موسی که کاظم نامیده می‌شود، و بعد از موسی فرزندش علی که رضا نامیده می‌شود، و بعد از علی فرزندش محمد که زکی نامیده می‌شود، و بعد از محمد فرزندش علی که به نقی نامیده می‌شود، و بعد از او فرزندش حسن که به امین نامیده می‌شود، و قائم از فرزندان حسین هم نام من و شبیه ترین مردم به من است، همان طور که زمین از جور و ستم پر شده است، آن را پر از عدل و داد می‌کند).

وأيضاً هذا الحديث وهو نص: أبو المفضل الشيباني، عن جعفر بن محمد الحسيني العلوي، عن أحمد بن عبد المنعم الصيداوي، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر (ع)، قال: قلت له: يا ابن رسول الله، إن قوماً يقولون: إن الله تبارك وتعالى جعل الإمامة في عقب الحسن والحسين، قال: كذبوا الله، أولم يسمعوا الله تعالى ذكره يقول: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾^(۱)، فهل جعلها إلا في عقب الحسين (ع)؟ ثم قال: يا جابر، إن الأئمة هم الذين نص عليهم رسول الله (ص) بالإمامة، وهم الذين قال رسول الله (ص): لما أسري بي إلى السماء وجدت أساميهم مكتوبة على ساق العرش بالنور اثني عشر اسماً، منهم علي وسبطاه، وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم، فهذه الأئمة من أهل بيت الصفوة والطهارة، والله ما يدعيه أحد غيرهم إلا حشره الله تبارك وتعالى مع إبليس وجنوده)^(۲).

و هم چنین این حدیث که: أبو المفضل شيباني، از جعفر بن محمد حسینی علوی، از احمد بن عبد منعم صيداوی، از عمرو بن شمر، از جابر، از ابی جعفر (ع) می‌گوید: جابر می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول الله، گروهی می‌گویند: خداوند تبارک و تعالی امامت را در فرزندان حسن و حسین قرار داد، ایشان فرمود: (به خداوند دروغ بستند، آیا نشنیدند که خداوند متعال می‌فرماید: (آن را کلمه‌ای باقی در فرزندان او

۱- الزخرف: ۲۸.

۲- بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۵۷.

قرار دادیم" ^(١)، و آیا آن را به غیر در فرزندان حسین (ع) قرار داد؟ سپس فرمود: ای جابر، ائمه همان افرادی هستند که رسول الله (ص) به امامت آن هانص کرده است، و آنان افرادی هستند که رسول الله (ص) فرمود: زمانی که مرا به آسمان بردند، نام‌های آنان را در ساق عرش با نور نوشته شده دیدم که دوازده نام بودند، و از آنان علی و دو فرزندش بودند، و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم هستند، و این ائمه از اهل بیت برگزیده و پاک هستند، به خدا قسم فردی غیر از آنان آن را ادعا نمی‌کند مگر این که خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و سربازانش محشور می‌کند ^(٢)..

فهنا يقول إن ما يدعي أحد غيرهم إلا حشرهم الله مع إبليس، كيف يقال بهم ولا يقال بالمهديين والوصية تقول بالمهديين (ع)؟ ما تفسيركم لهذه الأحاديث؟ وخاصة الحديث الأخير حيث يوضحوا أن من يدعي هذا الأمر غير هؤلاء الاثنا عشر (ع) فهو مع إبليس (لعنه الله)، ألا يوجد تناقض بين هذا الحديث والوصية، وكيف تجمعوا بين هذا الحديث وغيره من الذين ذكرت لاحقاً (كذا)؟؟ حيث ذكروا أنوار الأئمة الاثنا عشر (ع) ولم يذكروا غيرهم من الأنوار وهي أنوار المهديين (ع)، حيث ذكروا القرآن حينما أتى موسى (ع) ليصطلي ناراً؟

در این جا می‌فرمایند که فردی غیر از آنان ادعا نمی‌کند، مگر این که خداوند او را با ابلیس محشور می‌کند، چطور نام آنان (ع) گفته می‌شود ولی مهدیین (ع) را نگفته است، و وصیت در مورد مهدیین (ع) می‌گوید؟ تفسیر شما از این احادیث چیست؟ به خصوص حدیث آخر که بیان می‌کند که هر فردی به غیر از این دوازده (ع) نفر ادعای این امر کند با ابلیس ملعون است، آیا بین این حدیث و وصیت تناقضی است، چگونه بین این حدیث و بقیه احادیثی که جلوتر نقل می‌کنم جمع می‌کنید؟ چون فقط انوار دوازده ائمه (ع) را ذکر کردند و بقیه انورها که انوار مهدیین (ع) هستند را ذکر نکردند، و قرآن آنان را ذکر می‌کند زمانی که موسی (ع) می‌آید تا آتشی بگیرد؟

أريد شرحاً مفصلاً يملأ الروح والعقل، وهذه الأحاديث ذكرها لي بعض الأخوة الأنصار وقال لي إنه يساوره شيء من الشك بسبب هذه الأحاديث التي تقول بأن من يدعي غير هؤلاء الاثنا عشر إماماً (ع)، ويقولوا (ع) إنه لا يدعيها أحد غيرهم إلا حشره الله.

١- زخرف: ٢٨.

٢- بحار الأنوار ج ٣٦ ص ٣٥٧.

شرح مفصلی می‌خواهم که روح و عقل را پُر کند، و این احادیث را بعضی از برادران انصار برایم ذکر کردند و به من گفتند: این احادیث حالتی از شک ایجاد می‌کنند، احادیثی که می‌گوید: هر فردی به غیر از این دوازده (ع) نفر ادعای امامت کنند خداوند آنان را با ابلیس محشور می‌کند.

سیدی ووالدی الإمام أحمد (ع)، أرجو منكم تأليف كتاب بیدکم لتفسير أحاديث آل البيت (ع)، وخاصة ما يتعلق بالظهور المقدس.

آقایم و پدرم اما احمد (ع)، امیدوارم که بادستان شما کتابی در مورد تفسیر احادیث اهل بیت (ع) تألیف شود، به خصوص مسائلی که در مورد ظهور مقدس است.

سیدی، قال أبي علي (ع): (منهومان لا يشبعان، طالب مال وطالب علم)، فإنني لا أشبع من علومكم الشريفة ومن كتبكم، فهل من مزيد المزيد، فإننا نردكم ورود الهيم العطاش فهلا رویتم ظمأی بعلمكم الثقيل الدسم یا شجرة الزيتون، وإنی أعتقد أن هناك ما يجب أن نعلمه أول بأول، فإنني أحس بأننا نريد المزيد من سماع خطبكم الصوتية، فلا تبخلوا علينا منها ومن غيرها. آقای من، پدرم علی (ع) می‌فرماید: (دو فرد هستند که سیر نمی‌شوند، طالب مال و طالب علم) من از علوم شریف شما و از کتاب‌هایتان سیر نمی‌شوم، آیا بیشتر و بیشتر نمی‌شود، ای درخت زیتون، ما مانند شترهای تشنه وارد آب‌شخور شدیم، آیا تشنگی ما را با علم سنگین‌تان سیراب می‌کنید، من اعتقاد دارم که چیزهایی است که در آغاز و قبل از هر چیزی باید بدانیم، من حس می‌کنم که شنیدن خطبه‌های صوتی شما را می‌خواهیم، ما و غیر ما را از آن بازندارید.

لدي سؤال حول أنه هل يملي الله لجميع الخلق ومنهم المؤمنين والمخلصين الذين يريدون أن يعبدوه من حيث أمرهم وهو خليفة الله، حيث يقول (عزوجل): يمدهم في طغيانهم يعمهون، وحوار العجل الذي جعله الله فتنة لبني إسرائيل، فهل من الممكن أن يزيد الله من يؤمن بدعوة يعتقد بأنها حق بأن يزيدة ويكيد له ويمده في طغيانه ولو بدرجة أن يأتي الرسول ويخبره أنه على حق ولكن هو على باطل كحوار العجل والإمداد بالطغيان ونملي لهم إن كيدي متين، فهل هذا ممكن من هذا الباب؟

سؤالی دارم، در این مورد که آیا خداوند به همه آفریده‌ها فرصت می‌دهد، مومنین و مخلصینی که از جایی که دستور داده شده‌اند می‌خواهند او را بپرستند، و ایشان همان خلیفه خداست، آنجایی که می‌فرماید: آنان

را در طغیان‌شان نگه می‌دارد، و صدای گوساله که خداوند آن را فتنه‌ای برای بنی اسرائیل قرار داد، آیا امکان داد که خداوند فردی را به دعوتی ایمان دارد که اعتقاد دارد حق است ایمانش را زیاد نماید، و او را بفریبید، و او را در طغیانش نگه دارد، تادرجه‌ای که رسول بیاید و به او خبر دهد که او حق است ولی در حالی که در باطل باشد، مانند صدای گوساله و نگه داشتن در طغیان، و به آنان فرصت می‌دهیم که فریب من استوار است، و آیا این از این باب امکان دارد؟

وكيف تفسر لنا أن من النصارى يشفون وينالون كرامات على حسب اعتقادهم الضال في المسيح(ع) وبعض أهل العوام ممن ليس على ولاية آل البيت(ع)، ورغم ذلك يرى البعض منهم الرسول(ص) ونحن رأينا رؤيات في ما يؤوّل ويفسر لصدق دعواكم، ولكن هل ممكن أن الله يمدنا بطغياننا من منطلق ما ذكرت لكم إن الله سبحانه يملئ لهم إن كیده متين ونملي لهم ليزدادوا إثماً؟ وكيف يفرق الإنسان بين هذا الإمداد من الله على أساس أن الإنسان يحمل دعوة باطل وهو يعتقد أنها حق والله يمدّه ويزيده ضلالاً وكيداً، وآخر يعتقد بأنه حق مثلنا نحن المؤمنون بكم جميعاً أقصد الأئمة والمهديين(ع)، وكيف نميز بين ذلك الكيد الرباني حيث إنني أعتقد بوجود أناس من أهل المخالفين الذين لا يوالون العترة الطاهرة(ع) ويحبون الله ويخافونه، ألا ينبغي أن يهديهم الله لولاية آل البيت(ع)؟

این مطلب را چگونه برای ما تفسیر می‌کنید که بعضی از مسیحی‌ها شفا می‌شوند و به کراماتی دست پیدا می‌کنند، با این که بر حسب اعتقاد آنان در مورد مسیح(ع) است، و(هم چنین) بعضی از عوامی که بر ولایت اهل بیت(ع) نیستند، به رغم این بعضی از آنان رسول(ص) را می‌بینند و ما نیز رؤیاهایی دیدیم که تاویل و تفسیر آن این‌گونه است که دعوت شما راست است، ولی آیا امکان داد که خداوند ما را با طغیانمان نگه دارد، طبق منطقی که برایتان ذکر کردم که خداوند سبحان به آنان فرصت می‌دهد، و فریب او استوار است، و به آنان فرصت می‌دهد تا گناهشان افزایش پیدا کند؟ انسان چگونه بین این امداد از سوی خدا جدایی بیندازد، بر اساس این که انسان دعوت باطلی را بردوش می‌کشد ولی اعتقاد دارد که آن حق است و خداوند به او فرصت می‌دهد تا گمراهی و فریبش افزایش پیدا کند، و فردی دیگری مانند ما اعتقاد دارد، چون ما به امامان و مهدیین(ع) ایمان آوردیم، و چگونه بین آن کید خداوندی جدایی بیندازیم، چون من فکر می‌کنم مردمی از مخالفین وجود دارند، افرادی که عترت پاک(ع) را دوست دارند و خداوند را دوست دارند و از او می‌ترسند، آیا بهتر نیست که خداوند آنان را به ولایت اهل بیت(ع) هدایت کند؟

ولما هذا الملاء والمد بالطغيان، وكيف نميز أننا على الحق والله تعالى يخبرنا بالرؤيا إنكم حق وأنه لا يمدنا في طغياننا نعمه؟ اعذرني سيدي فإنني لا أشكك بكم والعياذ بالله؛ لأنني مؤمن بأن النبي(ص) قال: (إنني تارك فيكم ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي أبداً، كتاب الله وعترتي أهل بيتي).

این فرصت و باقی ماندن در طغیان برای چیست، چگونه تشخیص دهیم که بر حق هستیم، و خداوند متعال در رؤیا به ما خبر می‌دهد که بر حق هستید، و این‌گونه نباشد که ما در طغیانمان ننگه می‌دارد؟ آقای من از شما معذرت‌خواهی می‌کنم، پناه بخدا به شما شک نمی‌کنم، چون ایمان دارم که پیامبر(ص) فرمود: (من چیزی در میان شما به جا گذاشتم که اگر به آن دو چنگ بزنید، بعد از من هرگز گمراه نمی‌شوید، کتاب خدا و عترتم اهل بیتم).

وقال: (قربوا لي لأكتب لكم كتاباً لا تضلوا بعده أبداً) وهي الوصية، وهذا يعني أنه أي الوصية لن يصيبها التحريف ولن يدعيها مدع، وإلا كيف يقول كتاب لن تضلوا بعدي أبداً وهو يحتمل كل هذا، وإن كنت مخطئاً بهذا فقومي وهذا ما قلته لأحد الأخوة الأنصار حينما عرض عليّ هذه الأحاديث وكانت مدعاة لنوع من الريبة جراء هذه الأحاديث وخاصة الحديث الأخير الذي ذكرته لكم ورأيت أن أسألكم عنه.

و فرمودند: (برایم بیاورید، تا برایتان نوشتاری بنویسم که بعد از آن هرگز گمراه نشوید). آن وصیت است، و این بدین معناست که در وصیت تحریفی رخ نمی‌دهد و مدعی(باطلی) آن را ادعا نمی‌کند، و گرنه چگونه می‌فرماید: نوشتاری که بعد از من هرگز گمراه نمی‌شوید، و این احتمال همه چیز را دارد، و اگر در این مطلب اشتباه کردم، به من بگوئید و این مطلبی است که به یکی از برادران انصار گفتم، زمانی که این احادیث را بر من عرضه کرد، و نقل کننده این احادیث و به خصوص حدیث آخری که برایتان ذکر کردم در وی نوعی از شک بود، و خواستم که از شما در این مورد بپرسم.

ولماذا يرى بعض الناس رؤيا بالنبي(ص) يقول له ويهديه لإمامه دون غيره، أهذا ينطبق عليه قول الله (ولو علم الله فيهم خيراً لأسمعهم ولو أسمعهم لتولوا).

چرا بعضی از مردم رؤیای پیامبر(ص) را می‌بینند که به او می‌گوید و او را به امامش نه فرد دیگری هدایت می‌کند، آیا بر این مطلب سخن خداوند قابل انطباق نیست (اگر خداوند در آن‌ها خیری می‌دید، آنان را شنوا می‌کرد و اگر آنان را شنوا می‌کرد، روی بر می‌گرداندند).

نريد منكم شخصياً أن تكتبوا كتاباً يشرح كيفية التعامل من الرسول (ص) إلى آخر إمام (ع) مع وحول (كذا) الإمام المهدي الأب والابن (عليهما السلام)، أي المهدي واليماني، وكيف ولماذا سكتوا حيناً وقالوا حيناً آخر؟ نريد منكم ذلك لا أن يكتب الإخوة الأنصار مع احترامنا لهم وتقديرنا لجهدهم.

المرسل: أنصاري - السويد

از شخص شما می خواهیم که کتابی بنویسید که در آن چگونگی تعامل از رسول (ص) تا امام آخر (ع) در مورد امام مهدی پدر و پسر (ع) آمده باشد، یعنی مهدی و یمانی، و چگونه و چرا گاهی اوقات ساکت ماندند و گاهی سخن گفتند؟ از شما می خواهیم نه اینکه برادران انصار بنویسند، با اینکه به آنان احترام می گذاریم و تلاش شان را تقدیر می کنیم.

فرستنده: انصاری - سوئد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ج س ١: بالنسبة إلى الرواية التي تسأل عنها وهي: (... كذلك غيبة القائم (ع) فإن الأمة تنكرها (لطولها)، فمن قائل بغير هدى بأنه لم يولد، وقائل يقول إنه ولد ومات، وقائل يكفر بقوله إن حادي عشرنا كان عقيماً وقائل يمرق بقوله إنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً، وقائل يعصي الله (عزوجل) بقوله: إن روح القائم (ع) ينطق في هيكل غيره).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ج س ١: در خصوص روایتی که از آن سؤال کردید و آن همان روایت: (و غیبت قائم نیز چنین است، زیرا این امت به واسطه طول مدتش آن را انکار می کند، پس گوینده ای به هذیان گوید او متولد نشده است، و گوینده ای دیگر گوید: او مرده است، و گوینده ای دیگر این کلام کفرآمیز را گوید که یازدهمین ما ائمه عقیم بوده است، و

گوینده‌ای دیگر با این کلام از دین خارج شود که تعداد ائمه به سیزده و یا بیشتر رسیده است، و گوینده‌ای دیگر به نافرمانی خدای تعالی پرداخته و گوید روح قائم در جسد دیگری سخن می‌گوید).

فإليك جواب سابق أجبت به أحد الإخوة:

بغض النظر عن ضعف سند هذه الرواية وبغض النظر عن إلزام القوم بما يلزمون به أنفسهم ... فكلام الإمام (ع) منصب على الذين ينكرون وجود الإمام المهدي (ع) وإمامته وبقائه ... فقولته (ع): (... وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً...) أي إنه يقول بالثالث عشر فصاعداً مع القول بموت الإمام المهدي (ع) في الغيبة الصغرى أو الكبرى، وليس مجرد القول بذرية وخلفاء للإمام المهدي (ع) يكونون خلفاء له بعد قيامه المقدس وأولهم يكون ممهداً له (ع).

جواب آن را به شما می‌دهم که قبل از آن به یکی از برادران داده‌ام:

با چشم پوشی از ضعف سند این روایت و با چشم پوشی از مُلزم کردن گروه به آنچه خودشان را به آن مُلزم کردند. و سخن امام (ع) در مورد افرادی است که وجود امام مهدی (ع) و امامت و بقایش را انکار می‌کنند و فرموده‌اش: (وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً) یعنی ایشان قائل به سیزدهمی و بیشتر است، با این سخن که امام مهدی (ع) در غیبت صغری یا کبری از دنیا رفته است، و منظور صرف سخن در مورد فرزندان و خلفای امام مهدی (ع) نیست که بعد از قیام مقدس ایشان خلفاء هستند و اولین آنان زمینه سازشان (ع) است.

والدليل على ذلك أن الإمام (ع) يتكلم عن غيبة الإمام المهدي (ع)، وارتداد الناس وانحرافهم عنه، فالمنوع هنا هو القول بموت الإمام المهدي (ع) في الغيبة وتنصيب حجة ثالث عشر بعده، وهذا القول يعني أن الإمام المهدي (ع) لم يبق إلى أن يظهر ويقوم ليملاً الأرض قسطاً وعدلاً بعدما ملئت ظلماً وجوراً كما نطقت بذلك عشرات أو مئات الروايات، وأما القول بأن هناك أوصياء للإمام المهدي (ع) مع الاعتقاد بوجود الإمام المهدي وحياته إلى أن يؤسس دولة العدل الإلهي فهذا لم تنفه هذه الرواية بل نصت وأشارت إلى هذا المعنى عشرات الروايات، أي نطقت عشرات الروايات بوجود المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع)، وإن شئت راجع كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم (ع) أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع).

و دليل آن این که (ع) در مورد غیبت امام مهدی (ع) سخن می‌گوید، و اینکه مردم مُرتد می‌شوند و از ایشان مُنحرف می‌شوند، چیزی که این‌جا ممنوع شده، این سخن است که امام مهدی (ع) در غیبت از دنیا رفته و

نصب حجت سیزدهمی بعد از ایشان است، و این سخن به این معناست که امام مهدی(ع) تا زمان ظهور و قیام باقی نمی ماند، تا این که زمین را پر از عدل و داد کند، همان طور که از ستم و جور پر شده است، همان گونه که ده ها یا صدها روایت در این مورد سخن گفته اند، اما این سخن که برای امام مهدی(ع) اوصیایی وجود دارد با این اعتقاد که امام مهدی(ع) وجود دارد وزنده است، تا اینکه دولت عدل الهی را تاسیس کند، این مسئله را این روایت نفی نمی کند، بلکه به این معنا ده ها روایت تصریح و اشاره می کند، یعنی ده ها روایت به وجود مهدیین از فرزندان امام مهدی(ع) اشاره می کند، اگر خواستی به کتاب (پاسخ کوبنده به منکران فرزندان قائم(ع)) مراجعه کن که آن یکی از کتاب های منتشر شده از انصار امام مهدی(ع) است.

إذن، فالروایة تتحدث عن موضوع غير موضوع أوصياء الإمام المهدي(ع)، أي إنها تتحدث عن عقيدة الذين يقولون بموت الإمام المهدي(ع) في غيبته ويعتقدون بإمام ثالث عشر، أي إن الاعتقاد الباطل ليس هو الإيمان بوجود أوصياء للإمام المهدي(ع) بل هو الإيمان بالأوصياء زائداً القول بموت الإمام المهدي(ع) في غيبته، وهذا خارج تخصصاً أي موضوعاً عن موضوع الاعتقاد بالأوصياء الاثني عشر من ذرية الإمام المهدي(ع)؛ لأننا نعتقد بهم ولكن نعتقد بإمامة الإمام المهدي(ع) في الغيبة الكبرى وإنه الحجة الأصل إلى أن يقوم فيملاً الأرض قسطاً وعدلاً... فنحن لا نقول بموت الإمام المهدي(ع) في غيبته حتى ينطبق علينا هذه الرواية... فأين هذا من ذلك؟! وفي الحقيقة إن الذين يعترضون علينا بهذه الرواية هم في غاية الجهل والوهم.

بنابراین، این روایت از موضوعی غیر از موضوع اوصیاء امام مهدی سخن می گوید، یعنی از عقیده ای سخن می گوید که قائل به مرگ امام مهدی در غیبتش هستند و به امام سیزدهمی اعتقاد دارند، یعنی اعتقاد باطل ایمان به وجود اوصیایی برای امام مهدی نیست، بلکه سخن باطل، ایمان به اوصیاء علاوه بر مرگ امام مهدی در غیبتش است، و این مورد به طور تخصصی یعنی موضوعی از موضوع اعتقاد به اوصیای دوازده گانه از فرزندان امام مهدی(ع) بیرون است، چون ما به آن ها اعتقاد داریم اما به امامت امام مهدی علیه السلام در غیبت کبری هم معتقد هستیم و اینکه ایشان حجت اصلی تا این که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد کند. و ما قائل به این نیستیم که امام مهدی علیه السلام در غیبتش از دنیا رفته است تا این روایت بر ما انطباق کند. این کجا و آن کجا؟! در حقیقت افرادی که با این روایت به ما اعتراض می کنند، در انتهای نادانی و وهم هستند.

ويدل على ما قلته أيضاً أن الأقاويل الباطلة التي ذكرها الإمام الصادق(ع) كلها تعني القول بعدم وجود الإمام المهدي(ع) أو وفاته ... فانظر إلى الأقوال التي وردت في الرواية: هم چنین دلیل سخن من به این که سخنان باطلی که امام صادق علیه السلام آن‌ها را ذکر می‌کند، همه آن‌ها به این معناست که امام مهدی علیه السلام وجود ندارد یا این که از دنیا رفته است. به سخنانی که در روایت آمده دقت کن:

(فمن قائل بغير هدى بأنه لم يولد)، أي إنهم يقولون بعدم ولادة الإمام المهدي(ع) أصلاً.
(فمن قائل بغير هدى بأنه لم يولد) یعنی آن‌ها قائل هستند امام مهدی(ع) اصلاً متولد نشده است.

(وقائل يقول إنه ولد ومات)، وهؤلاء أيضاً يقولون بعدم وجود الإمام المهدي(ع) في غيبته.
(وقائل يقول إنه ولد ومات)، و هم چنین آن‌ها به عدم وجود امام مهدی(ع) در غیبتش قائلند.

(وقائل يكفر بقوله أن حادي عشرنا كان عقيماً)، أي إن الإمام الحسن العسكري كان عقيماً ولم ينجب الإمام المهدي(ع)، والنتيجة أيضاً عدم وجود الإمام المهدي(ع) في غيبته.
(وقائل يكفر بقوله أن حادي عشرنا كان عقيماً)، یعنی امام حسن عسکری(ع) عقیم است، و امام مهدی(ع) به وجود نیامده است، و نتیجه آن نیز عدم وجود امام مهدی علیه السلام در زمان غیبتش است.

(وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً)، وهنا أيضاً يعني أن الإمامة تعدت إلى ثالث عشر وهكذا، أي النتيجة أيضاً إنكار وجود وإمامة الإمام المهدي(ع) في غيبته، فالرواية كلها منصبة على من ينكرون الإمام المهدي(ع) في غيبته.

(وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً)، و در این جا نیز بدین معناست که امامت از سیزدهم گذشته و به صورت تصاعدی رفته است، یعنی نتیجه آن نیز انکار وجود و امامت امام مهدی(ع) در غیبتش است، و تمام مفهوم روایت بر افرادی است که امام مهدی(ع) را در غیبتش انکار می‌کنند.

(وقائل يعصي الله (عزوجل) بقوله أن روح القائم (ع) ينطق في هيكل غيره)، وهذا أيضاً يعني أن روح القائم حلت أو تنطق في بدن غيره، وهذا القول أيضاً باطل، ويعني أن الحجة غير الإمام المهدي (ع) أي إن الحجة الذي تنطق روح القائم به.

(وقائل يعصى الله بقوله أن روح القائم عليه السلام ينطق في هيكل غيره)، واين نیز به اين معنا که روح قائم حُلُول کرده یا در بدن دیگری سخن می گوید، این سخن نیز باطل است، و بدین معناست که حجت فردی غیر از امام مهدی (ع) است، یعنی حجت فردی است که روح قائم در آن سخن می گوید.

ثم إن هذه الرواية في بعض الكتب جاءت بلفظ: (وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر وما عدا)، وهذا يعني أن الإمامة في غيبة القائم (ع) لم تنتقل منه وتعدت إلى ثالث عشر، وأكد أن الذي يقول بأن الإمامة تعدت إلى غير الإمام المهدي (ع) وأنه مات في غيبته فهو مارق.

هم چنین این روایت در بعضی از کتابها با این لفظ آمده است: (وقایلی خارج می شود با این سخنش که وی از سیزده و بعد از آن گذشت می کند)، و این یعنی امامت در غیبت قائم (ع) از ایشان منتقل نشده و به سیزدهمی سرایت کرده است، و بطور قطع فردی که قائل به این که امامت به فردی غیر از امام مهدی (ع) منتقل شده و ایشان در غیبتش از دنیا رفته از دین بیرون رفته است.

فقوله: (وما عدا) أي إن الإمامة ما زالت منوطة بالإمام المهدي (ع) في غيبته وأنه الحجة الأصل على الخلائق، وطبعاً هذا لا يعني منع أن يكون له نائباً أو وصياً؛ لأن القول بالوصي لا يعني أن الإمامة انتقلت أو تعدت منه إلى وصيه، فقد كان علي بن أبي طالب (ع) وصياً للرسول محمد في حياته ولم يقل أحد بأن الحجية على الخلق تعدت للإمام علي (ع) إلا بعد موت رسول الله (ص)، وهكذا الحسن والحسين فهما أوصياء للإمام علي (ع) في حياته، ولكن هذا لا يعني بتعدي الإمامة من الإمام علي (ع) إليهما، إلا من بعد وفاة الإمام علي (ع)، وهكذا بقية الأئمة (ع) فقد كان أوصياؤهم موجودين ولكن هذا لا يعني بتعدي الإمام والحجية من السابق إلى اللاحق، إلا من بعد وفاة السابق. واعتقد أن هذا الأمر من الواضحات المستغنية عن الشرح والتفصيل.

و فرموده اش: (وما عدا) (و بعد از آن) به این معناست که امامت در غیبت امام مهدی (ع) منوط به ایشان است، و ایشان حجت اصلی بر آفریده هاست، و طبعاً این بدین معنا نیست که برای ایشان نائب یا وصی نباشد، چون سخن به وصی داشتن به معنای این نیست که امامت منتقل شده یا از ایشان به وصی اش منقل شده

است، و علی بن ابی طالب (ع) وصی محمد رسول (ص) در زمان زندگی اش بود، و فردی قائل به این نشده که حجیت بر مردم به امام علی (ع) منقل شده مگر بعد از وفات رسول الله (ص)، و این چنین حسن و حسین در زمان زندگی امام علی علیه السلام اوصیای ایشان بودند، و این به این معنا نیست که امامت از امام علی علیه السلام به آن دو منتقل شده، مگر بعد از وفات امام علی (ع)، و این چنین بقیه ائمه (ع)، اوصیائشان موجود بودند و این بدان معنا نیست که امامت و حجیت از فرد قبلی به فرد بعدی منتقل شده است، مگر بعد از وفات فرد قبلی. فکر کنم این مسئله از مسائلی است که روشن است و از شرح و تفصیل بی‌نیاز است.

فنحن الآن لا نقول بأن الإمامة انتقلت وتعدت من الإمام المهدي (ع) إلى وصيه السيد أحمد الحسن (ع)، بل نقول إن الحجّة على السيد أحمد الحسن وعلى كل الخلق هو الإمام المهدي الحجّة بن الحسن (ع)، وأن حجّية السيد أحمد الحسن هي لأنه رسول ووصي الإمام المهدي (ع) والمبعوث من قبله (ع)، وأن السيد أحمد الحسن لا يمكن أبداً أن يخالف أمر أو نهى الإمام المهدي (ع)، بل إن السيد أحمد الحسن صرح بأنه ناقل عن الإمام المهدي (ع) ويدعو الناس إليه والتمهيد لقيامه المقدس.

الآن ما قائل نیستیم که امامت از امام مهدی (ع) به وصی اش سید احمد الحسن (ع) منتقل شده و از ایشان گذشته است، بلکه قائل هستیم که حجّت بر سید احمد الحسن (ع) و همه آفریده‌ها امام مهدی حجت ابن الحسن (ع) است، و حجیت سید احمد الحسن به این خاطر که وی فرستاده و وصی امام مهدی (ع) است، و از طرف ایشان (ع) مبعوث شده‌اند، و این که اصلاً امکان ندارد که سید احمد الحسن (ع) با دستور و نهی امام مهدی (ع) مخالفت کند، بلکه سید احمد الحسن (ع) تصریح نمودند که وی ناقل از امام مهدی (ع) است، و مردم را به سوی ایشان دعوت می‌کند و برای قیام مقدس ایشان مقدمه‌سازی می‌کند.

فمن المعلوم أن الحسين (ع) كان وصياً وإماماً في زمن الرسول محمد (ص) وفي زمن الإمام علي (ع) وفي زمن الإمام الحسن (ع)، لقول الرسول محمد (ص) ما معناه: (الحسن والحسين إمامان إن قاما وإن قعدا)^(۱)، ولكن القول بإمامة الحسين لا يعني انتقال الحجّية على الخلق من الرسول محمد أو من الإمام علي أو من الإمام الحسن (ع) إلى الإمام الحسين (ع)، بل لم تنتقل الحجّية إلا في حالتين فقط: إما أن تكون بعد وفاتهم (ع)، أو عندما يكلف الإمام الحسين (ع) كنائب ورسول عن الرسول محمد (ص) أو عن الإمام علي (ع) أو عن الإمام الحسن (ع).

آن چه که معلوم هست این که امام حسین (ع) وصی و امام در زمان محمد رسول الله (ص) و در زمان امام علی و در زمان حسن (ع) بودند، به خاطر فرموده محمد رسول الله (ص) که مضمون آن: (الحسن والحسين إمامان إن قاما وإن قعدا)^(۱)، (حسن و حسین چه قیام کنند و چه بنشینند امام هستند) اما قائل شدن به امامت حسین (ع) به معنای انتقال حجیت بر خلق از محمد رسول الله (ص) یا از امام علی یا از امام حسن به امام حسین (ع) نیست، بلکه حجیت در دو حالت فقط منتقل می شود یا بعد از وفات آنان (ع)، یا زمانی که امام حسین (ع) به عنوان نائب یا فرستاده ای از سوی محمد رسول (ص) یا از سوی امام علی (ع) یا از سوی امام حسن (ع) مکلف شود.

ومن المعلوم أيضاً إن علي بن أبي طالب (ع) قد كان حجة في زمن الرسول محمد (ص) وذلك عند غياب الرسول (ص) أو عندما يكلفه في أمر معين كإرساله إلى أهل اليمن. ولكن هذا لا يعني تعدي أو انتقال الحجية من الرسول محمد (ص) إلى الإمام علي (ع) كلياً، بل هي على نحو النيابة. ولا تنتقل كلياً إلا بعد وفاة الرسول محمد (ص).

هم چنین چیزی که معلوم هست این که علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان محمد رسول (ص) حجت بود، و این مسئله در زمان غیاب رسول (ص) بود یا در زمانی بود که ایشان را در مسئله مشخصی مکلف کرده بود، مانند ارسالش به یمن. و این به این معنا نیست که حجیت به صورت کلی از محمد رسول (ص) به امام علی علیه السلام منتقل شده است، بلکه آن به صورت نیابتی است. و به صورت کلی بعد از وفات محمد رسول (ص) منتقل می شود.

ثم إن الفرقة التي قالت بأن الإمام المهدي (ع) قد مات وانتقلت الإمام إلى ولده قد انقضت منذ زمن بعيد، أي إنها تقريباً بعد الغيبة الصغرى مباشرة، وقد نص الشيخ الطوسي في كتابه (الغيبة: ص ۲۲۸) بأن هذه الفرقة قد انقضت وانتهت.

سپس فرقه ای که قائل است که امام مهدی علیه السلام از دنیا رفته و امامت به فرزندش منتقل شده، در زمان های خیلی دور منقرض شده است، یعنی آن تقریباً مستقیماً بعد از غیبت صغری، شیخ طوسی در کتابش (غیبت ص ۲۲۸) تصریح می کند که این فرقه منقرض شده و به پایان رسیده است.

فیکون کلام الإمام الصادق(ع) قد تحقق وهو ناظر إلى هذه الفرقة التي تعتقد بموت الإمام المهدي(ع) وانتقال الإمامة إلى ابنه في عصر الغيبة، ولا علاقة لكلام الإمام الصادق(ع) بنفي ذرية أو أوصياء الإمام المهدي(ع).

و سخن امام صادق(ع) محقق شده است و آن ناظر به این فرقه است که اعتقاد دارند که امام مهدی(ع) از دنیا رفته و امامت در عصر غیبت به فرزندش منتقل شده است، و سخن امام صادق(ع) به نفی فرزندان یا اوصیای امام مهدی(ع) ارتباطی ندارد.

وإلى هذا الحد أعتقد أن الأمر أصبح واضحاً كوضوح الشمس في وضح النهار.
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

و فکر کنم تا این حد مسئله مانند روشنی خورشید در روشنی روز روشن شده است.
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

ج س ۲: قوله(ع): (... فهذه الأئمة من أهل بيت الصفوة والطهارة، والله ما يدعيه أحد غيرهم (غيرنا) إلا حشره الله تبارك وتعالى مع إبليس وجنوده...).

ج س ۲: فرموده اش(ع): (فهذه الأئمة من أهل بيت الصفوة والطهارة، والله ما يدعيه أحد غيرهم (غيرنا) إلا حشره الله تبارك وتعالى مع إبليس وجنوده).

لا يعني هذا الحديث نفي الإمامة أو الوصاية عن المهديين من ذرية الإمام المهدي(ع) أبداً، وللتوضيح أذكر عدة نقاط:

این حدیث اصلاً به معنای نفی امامت یا وصایت از مهدیین از فرزندان امام مهدی(ع) نیست، برای توضیح چند نکته را ذکر می‌کنم:

أ- يجب الالتفات إلى أن ذكر الأئمة الاثني عشر(ع) لا يعني نفي الأوصياء غيرهم، وخصوصاً إذا كانوا منصوباً عليهم في كلام الأئمة(ع)، وكما يقال: (إثبات شيء لا يدل على نفي ما عداه). فقد جاء في كثير من الروايات تفسير العترة بعلي وفاطمة والحسن والحسين، ولكن هذا لا يعني

أن الأئمة من ذرية الحسين (ع) ليس من العترة أو ليس من آل بيت الرسول محمد (ع) الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً.

الف- باید دقت شود که ذکر ائمه دوازده گانه (ع) به معنای نفی اوصیایی به غیر از آنان نیست، به خصوص وقتی در سخنان ائمه (ع) به آنان تصریح شده باشد، همان طور که گفته می شود: (اثبات چیزی نفی غیر آن را نمی کند). در بسیاری از روایات آمده که عترت به علی و فاطمه و حسن و حسین تفسیر شده اند، و این به این معنا نیست که ائمه از فرزندان حسین (ع) از عترت نیستند یا از اهل بیت محمد رسول الله (ص) نیستند، افرادی که خداوند پلیدی را از آنان برده و آنان را پاک نموده است.

عن أبي بصير، قال: (قلت لأبي عبد الله (ع): من آل محمد (ع)؟ قال: ذريته. فقلت: أهل بيته؟ قال: الأئمة الأوصياء. فقلت: من عترته؟ قال: أصحاب العباء. فقلت: من أمته؟ قال: المؤمنون الذين صدقوا بما جاء به من عند الله (عزوجل)، المتمسكون بالثقلين اللذين أمروا بالتمسك بهما: كتاب الله (عزوجل)، وعترته أهل بيته الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً، وهما الخليفةان على الأمة بعده (ع)^(١).

أبي بصير می گوید: (به امام صادق (ع) عرض کردم: آل محمد چه کسانی هستند؟ فرمود: فرزندان من، عرض کردم: اهل بیت ایشان؟ فرمود: امامان، اوصیاء، عرض کردم: عترتش چه کسانی هستند؟ فرمود: اصحاب عبا، عرض کردم: امتش چه کسانی هستند؟ فرمود: مومنینی که آن چه از نزد خداوند آمده را تصدیق نمودند، کسانی که به ثقلین چنگ می زنند، ثقلینی که دستور به چنگ زدن به آن شده اند: کتاب خدا و عترتش، اهل بیت ایشان کسانی که خداوند از آنان پلیدی را برده و آنان را پاک نموده است، و آن دو خلیفه بعد از وی بر امتش هستند)^(٢).

ففي الرواية السابقة نجد أن الإمام الصادق (ع) قد نص على أن العترة هم أصحاب العباء، و فرق بينهم وبين آل التي تنطبق على كل الأئمة والأوصياء، بل حتى أنه فسر آل أو أهل البيت (ع) بأنهم الأئمة الأوصياء بدون النص على فاطمة الزهراء (ع) والتي هي في مقدمة آل وأهل البيت قطعاً، فهل هذا يعني أن فاطمة (ع) ليس من أهل البيت مثلاً؟

١- معاني الأخبار: ص ٩٤.

٢- معاني الأخبار: ص ٩٤.

می‌بینیم که در روایت قبلی امام صادق (ع) تصریح کرده که عترت همان اصحاب عبا هستند، و بین آنان و بین آل (خاندان) که بر همه امامان و اوصیاء منطبق می‌شود، فرق قائل شده است، بلکه حتی اگر ایشان خاندان یا اهل بیت (ع) تفسیر نموده که آنان ائمه اوصیاء هستند بدون این که بر فاطمه زهراء (ع) نص کرده باشد، فاطمه‌ای که قطعاً در مقدمه خاندان و اهل بیت است، و آیا این به این معناست که مثلاً فاطمه (ع) از اهل بیت نیست؟

ونرجع إلى العترة التي فسرت بالرواية السابقة بأنهم أصحاب العبا (علي وفاطمة والحسنان)، ونرى هل إنها بهم فقط، أم إنها تصدق أيضاً على كل الأئمة من ذرية الحسين (ع)؟
به عترتی که در روایت قبلی به اصحاب عبا (علی و فاطمه و حسن و حسین) تفسیر شده بر می‌گردیم، و ببینیم آیا فقط در خصوص آنان است یا بر همه ائمه از فرزندان حسین (ع) نیز صدق می‌کند؟

عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي، عن أبيه علي بن أبي طالب (ع)، قال: (قال رسول الله (ص): إني مخلف فيكم الثقلين: كتاب الله، وعترتي أهل بيتي. وإنهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض كهاتين - وضم بين سبابتيه - فقام إليه جابر بن عبد الله الأنصاري، فقال: يا رسول الله، ومن عترتك؟ قال: علي، والحسن والحسين، والأئمة من ولد الحسين إلى يوم القيامة)^(۱).

از امام صادق جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی، از پدرش علی بن حسین، از پدرش حسین بن علی، از پدرش علی بن ابی طالب (ع) که فرمودند: (رسول الله (ص) فرمود: من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم اهل بیتم، این دو از هم جدا نمی‌شوند تا این که بر حوض نزد من باز گردند، مانند این دو و دو انگشت سبابه‌اش را کنار هم قرار داد، جابر بن عبد الله انصاری بلند شد و عرض کرد: ای رسول الله، عترت شما چه افرادی هستند؟ فرمود: علی و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین تا روز قیامت)^(۲).

فهل يصح لأحد أن يقول إن بين الحديثين تعارضاً؟! حيث إن الأول فسر العترة بأصحاب العبا والثاني فسرها بهم وبالأئمة من ذرية الحسين (ع) إلى يوم القيامة!

۱- معاني الاخبار: ص ۹۱.

۲- معاني الاخبار: ص ۹۱.

آیا برای فردی درست است که قائل شود که بین این دو حدیث تعارض وجود دارد؟! چون حدیث اول عترت را به اصحاب عباة تفسیر کرده و حدیث دوم آن را به ائمه از فرزندان حسین (ع) تا روز قیامت تفسیر کرده است!

طبعاً لا یصح، و سیأتي الجواب للمعتز، بأن تفسیر العترة بأصحاب العباة لا یعنی اختصاصها بهم فقط، وإثبات صفة لشيء لا یعنی نفيها عن غيره، بل إن لكلام أهل البيت (ع) حكَم وغايات وإرادات ومناسبات وحالات وإجمال وتفصيل وظروف من تقيّة وابتلاء ومراعاة حال المستمع ومراعاة لصون الأسرار إلا عن أهلها ... الخ.

طبعاً درست نیست، پاسخ به فرد اعتراض کننده این گونه می آید: تفسیر عترت به اصحاب عباة به معنای اختصاص آن فقط به آنان نیست، و اثبات ویژگی برای چیزی به معنای نفی آن از غیرش نیست، بلکه برای سخن اهل بیت (ع) حکمتها و هدفها و ارادهها و مناسبتها و حالتها و اجمال و تفصیل و ظروفی دارد، از جمله تقيّة و ابتلاء و رعایت حال شنونده و مراعات به خاطر نگهداری اسرار از غیراهلش... الخ می باشد. اینها به عنوان مثال بود و شواهد اجمال و تفصیل در سخن اهل بیت (ع) بسیار است.

هذا كمثل والشواهد كثيرة على الإجمال والتفصيل في كلام أهل البيت (ع).

ب- لا يخفى على المطلع على مسألة أوصياء الإمام المهدي (ع) أنها من الأسرار التي تعمد الرسول محمد (ص) وأهل بيته (ع) إخفاءها، لحكمة بالغة، والسر لا يمكن أن يذاع في كل أوان ومكان وإلا لما كان سراً، بل إن دعت الضرورة إلى الإلماح إليه فيلمح إليه بالإشارة واللحن والتمويه والإخفاء... الخ.

ب- بر فردی که به مسئله اوصیای امام مهدی (ع) آگاه است پنهان نیست که آن از اسراری است که محمد رسول الله (ص) و اهل بیتش (ع) قصد پنهان کردن آن را داشتند، به خاطر حکمتی که خود می دانند، و راز را نمی توان در هر زمان و مکانی پخش کرد، وگرنه دیگر راز نیست، بلکه اگر ضرورتی به اشاره کردن به آن باشد به آن با اشاره و پنهان کردن و... الخ اشاره می شود.

ولذلك نجد أهل البيت قد ذكروا المهديين لإقامة الحجّة على منكريهم أو على أهل زمانهم ولكن طبعاً على نحو الإشارة والتمويه والإخفاء تارة، والتصريح غير المفضوح تارة أخرى؛ لأن زمان الابتلاء بهم لم يأت حينئذ، ولأن الأمة حينئذ لم تؤمن بالأئمة الاثني عشر فكيف بغيرهم، بل لم

تؤمن بخلافت امیر المؤمنین (ع) ! وإذا التفتنا إلى أن مسألة أوصياء الإمام المهدي (ع) تقع ضمن الابتلاء والامتحان الذي يتعرض له أهل آخر الزمان فأكد أن يكون هذا الامتحان والابتلاء مخفياً حتى يصح، وإلا لما كان ابتلاء واختباراً، فلا أحد يعطي الأسئلة الإمتحانية ويعطي أجوبتها بصورة صريحة لا يشوبها شك أو غموض.

به همین خاطر می‌یابیم که اهل بیت (ع) مهیدین را به خاطر اتمام حجت بر منکرین شان یا بر اهل زمان شان ذکر می‌کنند، ولی طبعاً به صورت اشاره و ایما و پنهان کردن و گاهی به صورت غیر آشکار تصریح می‌کردند، چون زمان امتحان به آنان در آن وقت نبوده است، و چون مردم به دوازده ائمه ایمان نداشتند، چه برسد به غیر آنان، بلکه به خلافت امیرالمومنین (ع) ایمان نداشتند، و اگر دقت کنیم به این که مسئله اوصیای امام مهدی (ع) در ضمن بلا و امتحانی که برای مردم آخرالزمان است، قطعاً باید این امتحان و بلا برای اینکه صحیح باشد پنهان باشد و گرنه بلا و امتحان نبود، فردی این کار را نمی‌کند که سؤالات امتحانی را بدهد و پاسخ‌های آن را به صورت صریح بدهد، که هیچ‌گونه شک یا اغمازی در آن نباشد.

وهذا الامتحان قد حذر منه أهل البيت (ع) في روايات عديدة وأرشدوا شيعتهم إلى الحذر من احتمالات معينة قد تحصل، فإن حصلت لا ينبغي إنكارها، وأذكر بعض الروايات وأترك شرحها للقارئ اللبيب:

از این امتحان اهل بیت (ع) در روایات زیاد بر حذر داشتند و شیعیان شان را از احتمالات معینی که حاصل می‌شود بر حذر می‌داشتند، و اگر اتفاق بیفتد نباید آن را انکار کرد، و بعضی از روایات را ذکر می‌کنم و شرحش را برای خواننده دانا می‌گذارم:

عن الفضيل بن يسار، عن أبي جعفر (ع)، قال: (قال: قلت له: لهذا الأمر وقت؟ فقال: كذب الوقتون، كذب الوقتون، إن موسى (ع) لما خرج وافداً إلى ربه واعدتهم ثلاثين يوماً، فلما زاده الله على الثلاثين عشرًا، قال له قومه: قد أخلفنا موسى، فصنعوا ما صنعوا، فإذا حدثناكم بحديث فجاء على ما حدثناكم به، فقولوا: صدق الله، وإذا حدثناكم بحديث فجاء على خلاف ما حدثناكم به، فقولوا: صدق الله، تؤجروا مرتين)^(۱).

فضیل بن یسار از ابی جعفر علیه السلام روایت می‌کند و می‌گوید: (به آن حضرت عرض کردم: آیا این امر وقت معینی دارد؟ فرمود: «کسانی که وقت معین می‌کنند دروغ می‌گویند، کسانی که وقت تعیین می‌کنند دروغ

می‌گویند، همانا موسی (ع) هنگامی که به دعوت پروردگار خود بیرون شد به قومش سی روز وعده داد، و هنگامی که خداوند بر آن سی روز ده روز افزود، قوم او گفتند: موسی با ما خلاف وعده کرد، پس کردند آنچه کردند، پس هر گاه ما حدیثی را برای شما بازگو کردیم و طبق آنچه برای شما گفته‌ایم پیش آمد بگوئید: خداوند راست فرموده است، و هر گاه حدیثی را برای شما بازگو کردیم و خلاف آنچه گفته‌ایم پیش آمد باز شما بگوئید، خداوند راست فرموده است، که دو بار پاداش داده خواهید شد»^(۱).

عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (ع)، قال: (إن الله تعالى أوحى إلى عمران أني واهب لك ذكراً سوياً مباركاً، يريئ الأكمه والأبرص ويحيي الموتى بإذن الله، وجاعله رسولاً إلى بني إسرائيل، فحدث عمران امرأته حنة بذلك وهي أم مريم، فلما حملت كان حملها بها عند نفسها غلام، فلما وضعتها قالت: رب إنني وضعتها أنثى وليس الذكر كالأنثى، أي لا يكون البنت رسولاً، يقول الله (عزوجل): والله أعلم بما وضعت، فلما وهب الله تعالى لمريم عيسى - كان هو الذي بشر به عمران ووعدته إياه، فإذا قلنا في الرجل منا شيئاً وكان في ولده أو ولد ولده فلا تنكروا ذلك)^(۲).

أبي بصير از ابی عبد الله علیه السلام روایت می‌کند که می‌فرماید: (خدای تعالی به عمران (پدرم مريم مادر عیسی (ع) وحی کرد که من به تو پسری می‌بخشم، سالم و مبارک که به اذن خدا کور مادر زاد و پیس را درمان کند و مردگان را زنده کند و پیغمبر بنی اسرائیلش قرار دهم، عمران این مطلب را به همسرش حنة که مادر مريم است گزارش داد، چون به مريم حامله گشت، فکر می‌کرد که حملش پسر است، چون او را زائید (و دید دختر است) گفت: پروردگارا! «من دختر زائیدم و پسر مانند دختر نیست» یعنی دختر که پیغمبر نمی‌شود. خدای عز و جل (در باره او) می‌فرماید: خدا به آنچه او زائیده داناتر است، سپس چون خدای تعالی عیسی را به مريم بخشید، او همان پیغمبری بود که به عمران بشارت داده شده بود و به او وعده کرده بودند. پس هر گاه ما درباره مردی از خاندان خود چیزی گفتیم. و در فرزند یا فرزند زاده او پیدا شد آن را انکار نکنید)^(۳).

عن أبي عبد الله (ع)، قال: (إذا قلنا في رجل قولاً، فلم يكن فيه وكان في ولده أو ولد ولده فلا تنكروا ذلك، فإن الله تعالى يفعل ما يشاء)^(۴).

۱- غیبت - نعمانی: ص ۳۰۵.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

۳- کافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

۴- الکافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

أبي عبد الله (ع) می‌فرماید: (هر گاه درباره مردی سخنی گوئیم و در او نباشد و در فرزند یا نوه او باشد، انکار نکنید، زیرا خدای تعالی هر چه خواهد می‌کند)^(۱).

عن أبي خديجة، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (قد يقوم الرجل بعدل أو يجور وينسب إليه ولم يكن قام به، فيكون ذلك ابنه أو ابن ابنه من بعده، فهو هو)^(۲).

أبي خديجة می‌گوید: از ابا عبد الله (ع) شنیدم که می‌فرماید: (گاهی انسان با صفت عدالت یا ستم سنجیده می‌شود و به آن سنجش نسبتش می‌دهند، در صورتی که خودش آن صفت را دارا نیست، بلکه پسرش یا پسر پسرش بعد از او دارای آن صفت می‌باشد، پس او همانست (که آن صفت درباره‌اش گفته شده)^(۳)).

عن أبي حمزة الثمالي، قال: قال أبو جعفر وأبو عبد الله (عليهما السلام): (يا أبا حمزة، إن حدثناك بأمر أنه يجيء من هاهنا فجاء من هاهنا فإن الله يصنع ما يشاء، وإن حدثناك اليوم بحديث وحدثناك غداً بخلافه فإن الله يمحو ما يشاء ويثبت)^(۴).

أبي حمزة ثمالی می‌گوید: أبو جعفر و أبو عبد الله (ع) فرمودند: (ای ابو حمزه، وقتی در مورد مسئله‌ای به شما گفتیم که از این‌جا می‌آید، ولی از آن‌جا آمد خداوند هر کاری بخواهد انجام می‌دهد، و اگر امروز به شما حدیثی گفتیم و فردا بر خلاف آن گفتیم، خداوند آن‌چه بخواهد محو و اثبات می‌کند)^(۵).

أليست هذه الأخبار وأمثالها توحى بإنذار عن شيء سيقع في آخر الزمان وفي خصوص مسألة الإمام المهدي (ع) حرص أهل البيت (ع) على الإشارة إليه دون التصريح لحكمة معينة يعلمونها، وهل بعد هذا الإنذار عذر لمعتذر في أن ينظر لدين الله برأيه، أو أن يريد مجيء الإمام المهدي (ع) وفق ما يفهم أو ما عرف وإلا فلا يصدق ولا يطع أمره؟!

آیا این اخبار و امثال آن هشدار به چیزی که در آخر الزمان واقع می‌شود اشاره نمی‌کنند، و در مورد مسئله امام مهدی (ع) اهل بیت (ع) حریص بودند که به آن اشاره کنند بدون این که بدان تصریح نمایند، به خاطر حکمت مشخصی که آنان می‌دانند، آیا بعد از این انذار عذری برای عذر آورنده‌ای باقی می‌ماند تا در دین خداوند

۱- کافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

۳- کافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

۴- بحار الأنوار: ج ۴ ص ۱۱۹.

۵- بحار الأنوار: ج ۴ ص ۱۱۹.

با نظرش بنگرد، یا این که می خواهد امام مهدی (ع) بر اساس آن چه می فهمد یا می شناسد بیاید، و گرنه ایشان را تصدیق نمی کند و از دستور ایشان اطاعت نمی کند!؛

ومسألة تعمد إخفاء مسألة أوصياء الإمام المهدي (ع) وأنها من الأسرار فنستطيع أن نعرفها مما يلي: عن عبد الله بن الحارث، قال: (قلت لعلي (ع): يا أمير المؤمنين، أخبرني بما يكون من الأحداث بعد قائمكم، قال: يا ابن الحارث، ذلك شيء ذكره موكلول إليه، وإن رسول الله صلى الله عليه وآله عهد إلي أن لا أخبر به إلا الحسن والحسين عليهما السلام)^(۱).

مسئله پنهان کردن عمدی موضوع اوصیای امام مهدی (ع) و اینکه آن جزو رازهاست، این موضوع را می توانیم از مطلب زیر بفهمیم: عبد الله بن حارث می گوید: (به علی (ع) عرض کردم: ای امیر المؤمنین! از رخدادهای پس از امام قائم (ع) مرا مطلع گردان. فرمود: ای پسر حارث! این چیزی است که ذکر آن موکل به خود اوست و رسول خدا (ص) به من سفارش کرده است که آن را جز به حسن و حسین (ع) نگویم)^(۲).

وفي حديث عن أمير المؤمنين (ع) يذكر فيه بعض علامات قيام القائم (ع): (فعند ذلك ترفع التوبة، فلا تقبل توبة ولا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً، ثم قال (ع): لا تسألوني عما يكون بعد هذا، فإنه عهد إلي حبيبي رسول الله (ص) أن لا أخبر به غير عترتي)^(۳).

و در حدیثی از امیر المؤمنین (ع) که در آن بعضی علامات قیام قائم (ع) ذکر می کند آمده است: (در این هنگام توبه برداشته شود و هیچ توبه ای پذیرفته نشود و عملی بالا نرود و فردی ایمانش مورد پذیرش نیست، مگر این که از قبل ایمان آورده باشد یا در ایمانش خیری کسب کرده باشد. سپس فرمود: دیگر از من نپرسید که بعد از آن چه خواهد شد زیرا حبیبم رسول خدا (ص) از من پیمان گرفته است که آن را جز به خاندانم نگویم)^(۴).

۱- کمال الدین وتمام النعمة: ص ۷۷.

۲- کمال الدین وتمام النعمة: ص ۷۷.

۳- التفسیر الصافی - للفیض الکاشانی: ج ۴ ص ۷۵.

۴- تفسیر صافی - فیض کاشانی: ج ۴ ص ۷۵.

ولم یصرح بذکر ذریة الإمام المهدي (ع) بصورة واضحة إلا بعد مقتل الإمام الحسين (ع) أو قبله بقليل، فحتى وصية الرسول (ع) بالمهديين (ع) لم ترَ علناً إلا في زمن الإمام الصادق (ع)، وهذا ما اقتضته حكمة الله تعالى للحفاظ على هذا السر العظيم.

ذکر فرزندان امام مهدی (ع) به صورت واضح اشاره نشده مگر بعد از کشته شدن امام حسین (ع) یا اندکی قبل از آن بوده است، و حتی وصیت رسول الله (ص) به مهدیین (ع) به صورت علنی جزء در زمان امام صادق (ع) برای ما روایت نشده است، و این حکمت خداست که برای حفظ این راز بزرگ اقتضاء کرده است.

فلذلك نجد بعض الروايات تذكر الأوصياء وتعدد لهم إلى القائم (ع)، وبعضها تكتفي بقولها: (إلى يوم القيامة)، وبعضها تنص على الأوصياء بعد القائم (ع) وهم ذريته، وهذا من تخطيط الله تعالى وحكمته في ستر هذه المسألة حتى يحين وقتها ويبينها صاحبها، ولكي لا يدعيها أحد غير صاحبها، فقد ورد في كثير من الروايات إن القائم (ع) إذا قام يدعو إلى أمر قد خفي وضل عنه الجمهور، وأنه يدعو إلى أمر جديد على العرب شديد.

به همین خاطر بعضی از روایات اوصیاء را می‌یابیم که اوصیاء را ذکر می‌کنند و آن‌ها را تا قائم (ع) به حساب می‌آورد، و بعضی‌ها به سخن (تاروز قیامت) کفایت کرده‌اند، و بعضی از آن‌ها به اوصیای بعد از قائم (ع) اشاره دارد نه اینکه آنان فرزندان او هستند، و این نقشه خداوند متعال و حکمت ایشان در پنهانی این مسئله است تا این که وقتش برسد و صاحبش آن را بیان کند، و تا فردی غیر از صاحبش آن را ادعا نکند، در بسیاری از روایات وارد شده که (وقتی قائم (ع) قیام کند، به امر پنهانی دعوت می‌کند که جمهور از آن بی‌خبر هستند، و ایشان به مسئله جدیدی که بر عرب شدید است دعوت می‌کند).

عن أبي جعفر (ع)، قال: (إن قائمنا إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله (ص)، وإن الإسلام بدأ غريباً وسيعود غريباً فطوبى للغرباء)^(۱).

أبي جعفر عليه السلام می‌فرماید: (قائم ما چون قیام کند مردم را به امر نوینی دعوت خواهد نمود همان گونه که رسول خدا (ص) دعوت فرمود، و اسلام غریبانه آغاز شد و باز همچنان که شروع شده غریب خواهد گردید، و خوشا بحال غریبان)^(۲).

۱- غيبة النعماني: ص ۳۳۶.

۲- غيبة نعماني: ص ۳۳۶.

وعن مالك الجهني، قال: قلت لأبي جعفر(ع): (إنا نصف صاحب هذا الأمر بالصفة التي ليس بها أحد من الناس. فقال: لا والله لا يكون ذلك أبداً حتى يكون هو الذي يحتج عليكم بذلك ويدعوكم إليه)^(١).

مالك جهني گوید: «به امام باقر(ع) عرض کردم: (ما صاحب این امر را به گونه ای وصف می کنیم که احدی از مردم بدان گونه نیست، فرمود: نه به خدا قسم [هرگز] این نخواهد شد تا آنکه او خود بر شما بدان احتجاج کند و شما را به سوی آن بخواند)^(٢).

وعن أبي جعفر(ع): (... وإنما سمي المهدي مهدياً؛ لأنه يهدي إلى أمر خفي...) ^(٣).

أبي جعفر(ع) می فرماید: (مهدی به این خاطر مهدی نامیده می شود، چون به مسئله پنهانی هدایت می کند)^(٤).

وعن الصادق(ع)، قال: (إذا قام القائم جاء بأمر غير الذي كان)^(٥).

و امام صادق(ع) می فرماید: (وقتی قائم قیام کند، امری می آورد که قبلاً نبوده است)^(٦).

وعن أمير المؤمنين(ع) في خطبة طويلة جداً قال: (... ويظهر للناس كتاباً جديداً وهو على الكافرين صعب شديد، يدعو الناس إلى أمر من أقر به هُدي، ومن أنكره غوى، فالويل كل الويل لمن أنكره.....)^(٧).

١- غيبة النعماني: ص ٣٣٧.

٢- غيبت نعماني: ص ٣٣٧.

٣- غيبة النعماني: ص ٢٤٢ - ٢٤٣.

٤- غيبت نعماني: ص ٢٤٢ - ٢٤٣.

٥- غيبة الطوسي: ص ٣٠٧.

٦- غيبت طوسی: ص ٣٠٧.

٧- إلزام الناصب: ج ٢ ص ١٧٤ - ١٩٠.

و أمير المؤمنين (ع) در خطبة خيلي طولانی می‌فرماید: (کتاب جدیدی آشکار می‌کند، و آن بر کافرین سخت و شدید است، مردم را به امری دعوت می‌کند که هر فردی به آن اقرار کند، هدایت می‌شود، و هر فردی آن را انکار کند گمراه می‌شود، وای و وای بر فردی که او را انکار کند)^(۱).

ومع ذلك نجد أن أهل البيت صرحوا بذكر المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع) في روايات كثيرة؛ لإقامة الحجة على المنكرين والجاحدين، وكذلك أشاروا والمحو إلى ذلك، ومن موارد الإشارة ما يلي:

با این حال می‌یابیم که اهل بیت در روایات زیادی به ذکر مهدیین از نسل امام مهدی (ع) تصریح کردند، برای این که بر منکرین و انکار کنندگان حجت اقامه کنند، هم‌چنین به آن به صورت غیر مستقیم اشاره کردند، مواردی که در آن‌ها اشاره شده مانند موارد زیر است:

- عن أمير المؤمنين عليه السلام، عن رسول الله (ص) في حديث طويل عن المعراج: (... فنوديت: يا محمد، فقلت: لبيك ربي وسعديك تباركت وتعاليت، فنوديت: يا محمد، أنت عبادي وأنا ربك فأياي فاعبد، وعليّ فتوكل، فإنك نوري في عبادي ورسولي إلى خلقي وحجتي في بريتي، لمن تبعك خلقت جنتي، ولن خالفك خلقت ناري، ولأوصيائك أوجبت كرامتي، ولشيعتك أوجبت ثوابي، فقلت: يا رب، ومن أوصيائي؟ فنوديت: يا محمد، (إن) أوصيائك المكتوبون على ساق العرش، فنظرت - وأنا بين يدي ربي - إلى ساق العرش فرأيت اثني عشر نوراً، في كل نور سطر أخضر مكتوب عليه اسم كل وصي من أوصيائي، أولهم علي بن أبي طالب وآخرهم مهدي أمّتي، فقلت: يا رب، أهؤلاء أوصيائي من بعدي؟ فنوديت: يا محمد، هؤلاء أوليائي وأحبائي وأصفيائي وحججي بعدك على بريتي، وهم أوصياؤك وخلقاًؤك وخير خلقي بعدك.

- أمير المؤمنين (ع)، عن رسول الله (ص) في حديث طويل عن المعراج: (فنوديت: (ای محمد! گفتم: ای پروردگار من! تبارکت و تعالیت، ندا رسید: ای محمد تو بنده من و من پروردگار توأم، مرا پرستش کن و بر من توکل نما، تو نور من در میان بندگان من و فرستاده من به سوی خلقم و حجت من در بین مردمانی، بهشت من برای کسی است که از تو پیروی کند و آتش من برای کسی است که با تو مخالفت کند، و کرامتم را برای اوصیای تو لازم گردانیدم و ثوابم را برای

شیعیان تو مقرر داشتیم، گفتیم: پروردگارا! اوصیای من چه کسانی هستند؟ ندا رسید ای محمد! اوصیای تو بر ساق عرش نوشته شده است و من، در حالی که در مقابل پروردگارم بودم، به ساق عرش نگریستم و دوازده نور دیدم و در هر نوری سطری سبز بود که نام هر یک از اوصیای من بر آن نوشته شده بود، اول ایشان علی بن ابی طالب و آخر آنها مهدی امتم بود، گفتیم: پروردگارا! آیا آنها اوصیای پس از من هستند؟ ندا آمد که ای محمد! آنها اولیا و دوستان و برگزیدگان و حجت‌های من بر خلائق پس از تو هستند و آنها اوصیا و خلفای تو و بهترین خلق من پس از تو می‌باشند،

وعزتي وجلالي لأظهرن بهم ديني، ولأعلنن بهم كلمتي، ولأظهرن الأرض بآخرهم من أعدائي، ولأملكه مشارق الأرض ومغاربها، ولأسخرن له الرياح، ولأذلنن له الرقاب الصعاب، ولأرقينه في الأسباب، ولأنصرنه بجندي، ولأمدنه بملائكتي حتى يعلن دعوتي ويجمع الخلق على توحيدي، ثم لأديمن ملكه ولأداولن الأيام بين أوليائي إلى يوم القيامة^(۱).

به عزت و جلالم سوگند که به واسطه ایشان دینم را چیره و کلمه‌ام را بلند می‌نمایم و توسط آخرین آنها زمین را از دشمنانم پاک می‌گردانم و مشرق و مغرب زمین را به تملیک او در می‌آورم و باد را مسخر او می‌کنم و گردن کشان سخت را رام او می‌سازم و او را بر نردبان ترقی بالا می‌برم و با لشکریان خود یاریش می‌کنم و با فرشتگانم به او مدد می‌رسانم تا آنکه دعوتم را آشکار کند و مردمان را بر توحیدم گرد آورد، سپس ملکش را تداوم بخشم و روزگار را در اختیار اولیای خود قرار دهم تا روز قیامت فرا رسد^(۲).

فبمن سيدوم ملك الإمام المهدي (ع) ودولته، ومن هم الأولياء الذين سيداول الله أيام دولة العدل الإلهي بينهم إلى يوم القيامة؟ مع ملاحظة أن الإمام المهدي (ع) يموت أو يستشهد بعد مدة قصيرة من ملكه، وأيضاً مع ملاحظة أن الله قال: (ثم لأديمن ملكه) ولا يخفى أن (ثم) تفيد العطف مع التراخي، ثم عطف الله تعالى القول بمداولة الأيام بين الأولياء.

با چه فردی فرماندهی امام مهدی (ع) و دولت ایشان دائمی می‌شود، و منظور از اولیایی چه افرادی هستند؟ که خداوند روزگار دولت عدل الهی بین آنان تا روز قیامت می‌چرخد؟ با توجه به این که امام مهدی (ع) بعد از مدت کوتاهی از فرماندهی‌اش از دنیا می‌رود یا به شهادت می‌رسد، هم‌چنین با توجه به این که خداوند

۱- کمال الدین وتمام النعمة: ص ۲۵۴-۲۵۶.

۲- کمال الدین وتمام النعمة: ص ۲۵۴-۲۵۶.

فرمود: (ثم لأدبمن ملكه) "سپس فرماندهی را تداوم می‌بخشم" و پنهان نیست که (ثم) (سپس) عطف با فاصله را می‌رساند، بعد خداوند متعال این سخن را آورده است که روزگاران بین اولیای ایشان می‌چرخد.

ومن المعلوم أن مذهب آل محمد (ع) قائم على أن الله لا يقيم على الناس حجة إلا أن يكون معصوماً ومن ذرية الإمام الحسين (ع)، إذن لا يمكن أبداً أن يكون هؤلاء الأولياء غير المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع) المنصوص عليهم في وصية الرسول محمد (ص) عند وفاته وغيرها من روايات أهل البيت (ع).

و چیزی که معلوم است این که مذهب خاندان محمد (ع) برای این استوار است که خداوند بر مردم حجتی را بر پا نمی‌کند مگر این که وی معصوم و از نسل امام حسین (ع) باشد، پس اصلاً ممکن نیست که این اولیاء غیر از مهدیین از نسل امام مهدی (ع) باشند که در وصیت رسول الله محمد (ص) در شب وفاتش بر آنان منصوص شده، و غیر از آن در روایات اهل بیت (ع) ذکر شده‌اند.

- وجاء في خبر بيهس - رسول الجن الى أمير المؤمنين (ع) - وسؤاله عن تفسير سورة القدر: (... فلما أن هبط آدم (ع) إلى الدنيا كانت الدنيا مظلمة، فقال آدم (ع): يا ذن ربهم، أتدري أي إذن كان؟ قال: لا، قال: أنزل الله تعالى إلى جبرائيل يا رب بحق محمد وعلي إلا رددت عليّ النور الذي كان لي، فأهبطه الله تبارك وتعالى إلى الدنيا فكان آدم يستضيء بنورنا، فلذلك سمي ليلة القدر، فلما بقي آدم (ع) في الدنيا وعاش فيها أربعمائة سنة أنزل الله عليه تابوتاً من نور له اثنا عشر باباً، لكل باب وصي قائم يسير بسيرة الأنبياء، قال: يا رب، من هؤلاء؟ قال الله (عزوجل): يا آدم، أول الأنبياء أنت، والثاني نوح، والثالث إبراهيم، والرابع موسى، والخامس عيسى، والسادس محمد خاتم الأنبياء، وأما الأوصياء أولهم شيث ابنك، والثاني سام بن نوح، والثالث إسماعيل بن إبراهيم، والرابع يوشع بن نون، والخامس شمعون الصفا، والسادس علي بن أبي طالب (ع)، وآخرهم القائم من ولد محمد الذي أظهر به ديني على الدين كله ولو كره المشركون، قال: فسلم آدم التابوت إلى شيث وقبض آدم، فلذلك قال الله تعالى: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿ لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿^(۱) . وإن نورنا أنزله الله إلى الدنيا حتى يستضيء بنورنا المؤمنون ويعمى الكافرون.

• و در خبر بیهس، رسول جن بسوی امیر المؤمنین (ع)، و سؤالش از تفسیر سوره قدر آمده است: (وقتی آدم (ع) به دنیا هبوط نمود، دنیا تاریک بود، آدم (ع) گفت: با اجازه پروردگارشان، آیا می‌دانی چه اجازه‌ای بود؟ گفت: خیر، فرمود: خداوند متعال به جبرئیل فرستاد، ای پروردگار من، به حق محمد و علی، نوری که برایم بوده را بازگردان، خداوند تبارک و تعالی او را به دنیا هبوط نمود و آدم با نور ما روشنی می‌گرفت، به همین خاطر شب قدر نامیده شد، وقتی آدم (ع) در دنیا باقی ماند و در آن چهار صد سال زندگی کرد، خداوند بر او تابوتی از نور فرستاد که دوازده درب داشت، برای هر دربی وصی قائمی است که با سیره پیامبران رفتار می‌کند، عرض کرد: پروردگار من، این‌ها چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود: ای آدم، اولین پیامبران تو هستی، و دومی نوح، و سومی ابراهیم، و چهارمی موسی، و پنجمی عیسی، و ششمی محمد خاتم الانبیاء است، اما اوصیاء اولین آنان فرزندان شیث، و دومی سام بن نوح، و سومی اسماعیل بن ابراهیم، و چهارمی یوشع بن نون، و پنجمی شمعون صفاست، و ششمی علی بن ابی طالب (ع) است، و آخرین آنان قائم از فرزندان محمد است، فردی که توسط وی دینم را بر تمام دین‌ها آشکار می‌کنم، هر چند مشرکین آن را ناپسند بدانند، فرمود: آدم تابوت را به شیث داد و آدم از دنیا رفت، به همین خاطر خداوند متعال فرمود: (ما در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر، چه آگاهت کرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است)^(۱) نور ما را خداوند به دنیا فرستاد، تا بانور ما مومنین نور بگیرند و کافرین کور شوند.

وأما قوله: ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ﴾^(۲) فإنه لما بعث الله محمد (ص) ومعه تابوت من در أبيض له اثنا عشر باباً فيه رق أبيض فيه أسامي الاثني عشر فعرضه على رسول الله (ص) وأمره عن ربه أن الحق لهم وهم أنوار. قال: ومن هم يا أمير المؤمنين؟ قال: أنا وأولادي الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي ومحمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليهم أجمعين، وبعدهم أتباعنا وشيعتنا المقرون بولایتنا المنكرون لولایتنا أعدائنا...^(۳).

اما فرموده‌اش: (فرشتگان فرستاده می‌شوند)^(۴) خداوند وقتی محمد (ص) را مبعوث کرد، با ایشان تابوتی از دُر سفید بود که برایش دوازده درب بود و در آن صحیفه‌ای سفید است که در آن نام‌های دوازده نفر است، و آن

۱- قدر: ۱-۳.

۲- القدر: ۴.

۳- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب: ج ۱ ص ۱۰۰-۱۰۲.

۴- قدر: ۴.

را بر رسول الله (ص) عرضه کردند و دستورش از پروردگارش این بود که حق برای آنان است و آنان انوارند، عرض کرد: ای امیرالمومنین، آنان چه افرادی هستند؟ فرمود: من و فرزندانم هستیم، حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن حسن صاحب الزمان (ع)، و بعد از آنان اتباع ما هستند، و شیعیان ما که به ولایت ما اقرار می‌کنند و ولایت دشمنان ما را انکار می‌کنند^(۱).

فهنا سأل بيهس عن الذين لهم الحق وهم أنوار والذين تنزل عليهم الملائكة في ليلة القدر، فكان الجواب أنهم الأئمة الاثني عشر (ع) وبعدهم: (وبعدهم أتباعنا وشيعتنا المقرون بولایتنا المنكرون لولایت أعدائنا).

در این جا بیهس از افرادی سؤال می‌کند که صاحب حقند، و آنان انوار هستند، و کسانی هستند که فرشتگان در شب قدر بر آنها نازل می‌شوند، پاسخ آمد که آنان دوازده امام (ع) هستند و بعد از آنان این افراد هستند: (و بعد از آنان دنباله‌روهای ما هستند، و شیعیان ما که به ولایت ما اقرار می‌کنند و ولایت دشمنان ما را انکار می‌کنند).

ومن المعلوم أن المقصود من الحق هنا هو حق الإمامة والخلافة والحجیة على الخلق، ومن المعلوم أيضاً أن تنزل الملائكة في ليلة القدر لا تكون إلا على حجة معصوم من آل محمد (ع)، فمن هم الذين بهذه الصفة بعد الأئمة الاثني عشر (ع) غير المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع).

چیزی که معلوم است مقصود از حق در این جا همان حق امامت و خلافت و حجیت بر آفریده‌هاست، و هم‌چنین معلوم است که فرشتگان در شب قدر فقط بر حجتی معصوم از آل محمد (ع) فرستاده می‌شوند، چه کسانی بعد از دوازده امام (ع) این ویژگی را دارند، غیر از مهدیین از فرزندان امام مهدی (ع)؟

فإن قيل إن هؤلاء في هذه الرواية موصوفون بأنهم شيعة لأهل البيت فكيف يكونون هم أوصياء؟

اگر گفته شود: این افرادی که در روایت به شیعه اهل بیت (ع) توصیف شدند، چگونه می‌توانند اوصیاء باشند؟

۱- إلزام الناصب در إثبات حجت غائب: ج ۱ ص ۱۰۰-۱۰۲.

أقول: إن لفظ (الشيعة) مأخوذ من (المشايعة)، وهو بمعنى المتابعة والاقتران والمناصرة، وهي مفهوم مشكك أي يصدق على مصاديقه بالتفاوت وكل بحسبه، وهو صفة عظيمة بحيث وصف بها نبي الله إبراهيم (ع)، قال تعالى: ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ﴾^(١)،^(٢).

می گویم: لفظ شيعه از مشايعت و همراهی گرفته شده، و به معنای همراهی و اقتداء و یاری کردن است، و مفهومی مُشكک است، یعنی بر مصادیقش هر کدام به حسب خود و با تفاوت صدق می کند، و آن صفت بزرگی است که پیامبر خدا ابراهیم (ع) به آن توصیف شده است، خداوند متعال می فرماید: (و ابراهیم جزو شیعیان اوست)^(٣)،^(٤).

إذن فالأئمة (ع) كلهم شيعة لأمر المؤمنين (ع) وهكذا المهديون وهكذا سائر الشيعة وكل بحسبه؛ لأن الأئمة (ع) على منهاج وسيرة علي بن أبي طالب (ع)، فهم شيعة له في أعلى مراتب المشايعة والمتابعة والمناصرة.

بنابراین همه ائمه (ع) شیعه امیرالمومنین (ع) هستند، هم چنین مهدیین و بقیه شیعیان و هرکدام به حسب خودشان، چون ائمه (ع) بر روش و رفتار علی بن ابی طالب (ع) هستند، و آنان در بالاترین مرتبه های همراهی و دنباله روی و یاری جزو شیعیان او هستند.

ونجد المهديين قد وصفوا بأنهم قوم من شيعة آل محمد في غير هذا المورد:

در موارد دیگر می یابیم مهدیین توصیف شدند که گروهی از شیعه خاندان محمد (ص) هستند:

عن أبي بصير، قال: قلت للصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام): (يا ابن رسول الله، إني سمعت من أبيك (ع) أنه قال: يكون بعد القائم اثنا عشر مهدياً، فقال: إنما قال: اثنا عشر مهدياً، ولم يقل: إثنا عشر إماماً، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى موالاتنا ومعرفة حقنا)^(٥).

١- الصافات: ٨٣.

٢- راجع بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٨٠.

٣- صافات: ٨٣.

٤- بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٨٠.

٥- كمال الدين وتمام النعمة: ص ٣٥٨.

ابو بصیر گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: (ای فرزند رسول خدا! من از پدر شما شنیدم که می‌فرمود: پس از قائم دوازده مهدی خواهد بود، امام صادق (ع) فرمود: دوازده مهدی گفته است نه دوازده امام آنها قومی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و معرفت حق ما می‌خوانند)^(۱).

ولا يخفى أن مقام الأئمة غير مقام المهديين (ع) من حيث الفضل، وأن وصية الرسول محمد (ص) قد أحكمت المسألة، بتقسيمها للأوصياء بعد الرسول محمد (ص) إلى اثني عشر إماماً واثني عشر مهدياً، فهنا مقامان: مقام الإمامة، ومقام الهداية، ولكن هذا لا يعني أن الأئمة الاثني عشر (ع) ليسوا بمهديين، وكذلك لا يعني أن المهديين الاثني عشر ليسوا بأئمة، فقد نص أهل البيت (ع) في رواياتهم أن الأئمة الاثني عشر (ع) كلهم مهديون، وكذلك ورد عنهم (ع) أن المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع) كلهم أئمة:

مخفی نماند که مقام ائمه از جهت فضیلت غیر از مقام مهديين (ع) است، و وصیت محمد رسول الله (ص) این مسئله را مُحکم نموده است، و اوصیای بعد از محمد رسول الله (ص) را به دوازده امام و دوازده مهدی تقسیم نموده است، در این جا دو مقام وجود دارد: مقام امامت و مقام هدایت، و این به این معنا نیست که دوازده امام (ع) مهديين نیستند، و هم چنین به این معنا نیست که مهديين دوازده گانه (ع) ائمه نیستند، و اهل بیت (ع) در روایات‌شان تصریح کردند که ائمه دوازده گانه (ع) مهديين هستند، و هم چنین از آنان (ع) وارد شده که همه مهديين از فرزندان امام مهدی (ع) امام هستند:

روي عن الإمام المهدي (ع) في كيفية الصلاة على الأوصياء: (.... وصل على وليك، وولاية عهده، والأئمة من ولده، ومد في أعمارهم، وأزد في آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم [دينياً دنيا و آخره، إنك على كل شيء قدير)^(۲).

از امام مهدی (ع) در چگونگی درود بر اوصیاء روایت شده است: (و بر ولیت و والیان عهدش و امامان از فرزندان درود بفرست، و به عمرهایشان مدت ببخش، و در آجل‌هایشان زیاد کن، و آنان را به بهترین آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی آنان برسان، تو بر هر چیزی توانا هستی)^(۳).

۱- کمال الدین و تمام النعمة: ص ۳۵۸.

۲- الغيبة - للشيخ الطوسي: ص ۲۸۰.

۳- غيبة - شيخ الطوسي: ص ۲۸۰.

وروي عن الإمام الرضا في الدعاء لصاحب الأمر (ع): (... اللهم، صل على ولاة عهده، والأئمة من بعده، وبلغهم آمالهم، وزد في آجالهم، وأعز نصرهم، وتمم لهم ما أسندت إليهم من أمرك لهم، وثبت دعائمهم، واجعلنا لهم أعواناً وعلى دينك أنصاراً، فإنهم معادن كلماتك، وخزان علمك، وأركان توحيدك، ودعائم دينك، وولاة أمرك، وخالصتك من عبادك، وصفوتك من خلقك، وأولياؤك وسلائل أوليائك، وصفوة أولاد نبيك، والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته)^(۱).

از امام رضا (ع) در دعای برای صاحب الامر (ع) روایت شده است: (خدایا بر والیان عهدش و امامان ما بعدش درود بفرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان، و یاریشان نما، و امرشان را به اتمام برسان، و ستونهایشان را ثابت کن، و ما را یاور آنان قرار بده، و یاران دینت قرار بده، آنان معدنهای کلمه‌های تو هستند، و نگهبانان علمت، و ارکان توحیدت، و ستونهای دینت، و والیان امرت، و بندگان خالصت، و برگزیدگان آفریده‌هایت، و اولیای تو نواده‌های اولیایت، و برگزیده‌های فرزندان پیامبرت هستند، والسلام علیه و علیهم و رحمة الله و برکاته)^(۲).

ومما تقدم نعرف أن الأوصياء بعد الإمام المهدي (ع) إن نسبتهم أو قرنتهم بالأئمة الاثني عشر فهم مهديون، للتفريق بين مقام الإمامة والهداية، وإن نظرنا إلى الأوصياء بعد الإمام المهدي (ع) من حيث هم هم، فهم مهديون وأئمة؛ لأنهم من أوصياء الرسول محمد والحجة على أهل الأرض بعد الإمام المهدي (ع).

از مطالبی که گذشت می‌فهمیم: اگر اوصیای بعد از امام مهدی (ع) را به ائمه دوازده گانه منصوب و مقرون کنیم، آنان مهدیین هستند، به خاطر اینکه بین مقام امامت و هدایت جدایی بیندازیم، و اگر به اوصیای امام مهدی (ع) از جهت خودشان نگاه کنیم، و آنان مهدیین و ائمه هستند، چون آنان جزو اوصیای محمد رسول (ص) هستند و بعد از امام مهدی (ع) حجت بر مردم زمین هستند.

• عن مفضل بن عمر، قال: (قلت لأبي عبد الله (ع): قول الله تعالى: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾^(۳)، قال لي: إن الله خلق السنة اثني عشر شهراً،

۱- مصباح المتعبد - للشيخ الطوسي: ص ۴۱.

۲- مصباح المتعبد - شيخ طوسي: ص ۴۱.

۳- الفرقان: ۱۱.

وجعل الليل اثنتي عشرة ساعة، وجعل النهار اثنتي عشرة ساعة، ومنا اثنا عشر محدثاً، وكان أمير المؤمنين (ع) ساعة من تلك الساعات^(۱).

- مفضل بن عمر گوید: (به امام صادق (ع) عرض کردم: این فرمایش خداوند عز و جل معنایش چیست که می‌فرماید: (بلکه آن ساعت را دروغ شمردند و ما نیز شعله‌های آتش را برای کسی که قیامت را دروغ شمرد آماده ساختیم)^(۲) آن حضرت در پاسخ فرمود: همانا خدای عز و جل سال را به شکل دوازده ماه آفرید و شب را دوازده ساعت و روز را نیز دوازده ساعت قرار داد، از ما اهل بیت نیز دوازده نفر آفرید که فرشتگان با آنان حدیث می‌کنند، و امیر المؤمنین (ع) یکی از آن ساعت‌ها است^(۳).

وعن أبي السائب، قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد (ع): (الليل اثنا عشر ساعة، والنهار اثنا عشر ساعة، والشهور اثنا عشر شهراً، والأئمة اثنا عشر إماماً، والنقباء اثنا عشر نقيباً، وإن علياً ساعة من اثني عشر ساعة، وهو قول الله (عزوجل): ﴿وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعيراً﴾^(۴).

از ابی سائب نقل شده که: امام صادق (ع) فرموده: (شب دوازده ساعت است و روز نیز دوازده ساعت می‌باشد و ماه‌ها نیز دوازده ماه است، و ائمه نیز دوازده امام هستند، و نقباء نیز دوازده نقيب‌اند، و علی خود ساعتی از آن دوازده ساعت است، و آن همان گفتار خداوند عز و جل است که می‌فرماید: (و ما شعله‌های آتش را برای کسی که ساعت موعود را دروغ شمارد آماده ساخته‌ایم)^(۵).

والإشارة إلى المهديين في هاتين الروايتين واضحة وجليّة، فانظر إلى قوله (ع) في الرواية الأولى: (وجعل الليل اثنتي عشرة ساعة، وجعل النهار اثنتي عشرة ساعة، ومنا اثنا عشر محدثاً، وكان أمير المؤمنين (ع) ساعة من تلك الساعات)، أي إنه ساعة من ساعات الليل وكذلك الأئمة من بعده إلى الإمام الحجة محمد بن الحسن (ع)؛ لأنهم عاشوا في دولة الباطل. بقي أن نعرف من هم الذين يمثلون ساعات النهار الاثني عشر، وما المقصود بالنهار؟

۱- غيبة النعماني: ص ۸۶- ۸۷ باب ۴ ح ۱۳.

۲- فرقان: ۱۱.

۳- غيبته نعماني: ص ۸۶- ۸۷ باب ۴ ح ۱۳.

۴- غيبة النعماني: ص ۸۷ باب ۴ ح ۱۵.

۵- غيبته نعماني: ص ۸۷ باب ۴ ح ۱۵.

اشاره به مهديين در اين دو روايت روشن و واضح است، به فرموده ايشان(ع) در روايت اول دقت كن: (و شب را دوازده ساعت قرار داد، و روز را دوازده ساعت قرار داد، و از ما دوازده مُحدث است، و اميرالمومنين(ع) يكي از اين ساعات است)، يعنى ايشان ساعتى از ساعت‌هاى شب است و ائمه بعدش تا امام حجت محمدبن الحسن(ع) نيز اين گونه هستند، چون آنان در دولت باطل مى‌زيستند. فقط بايد افرادى كه دوازده ساعت روز را تشكيل مى‌دهند را بشناسيم و اينكه مقصود از روز چيست؟

الرواية الثانية توضح الأمر أكثر، فانظر إلى قوله(ع): (الليل اثنا عشر ساعة، والنهار اثنا عشر ساعة... والأئمة اثنا عشر إماماً، والنقباء اثنا عشر نقيباً، وإن علياً ساعة من اثني عشر ساعة...) فمن هم هؤلاء النقباء الاثني عشر الذين جاء ذكرهم بعد الأئمة الاثني عشر؟ والذين هم في قبال ساعات النهار الاثني عشر، في حين أن الأئمة(ع) في قبال ساعات الليل الاثني عشر.

روايت دوم مسئله را بيشتتر توضيح مى‌دهد، به سخن ايشان(ع) دقت كن: (شب دوازده ساعت است و روز دوازده ساعت است و ائمه دوازده امام هستند، و نقيب‌ها دوازده نقيب (برگزیده) هستند، و على يكي از ساعات دوازده ساعت است) اين دوازده نقيب كه ذكر آنان بعد از دوازده امام شده چه كسانى هستند؟ كسانى كه مقابل دوازده ساعت روز هستند، درحالى كه ائمه(ع) در مقابل دوازده ساعت شب هستند.

من الواضح أن ساعات النهار في الحديثين وكذلك النقباء الاثني عشر في الرواية الثانية المقصود بهم هم المهديون الاثني عشر من ذرية الإمام المهدي(ع)، وخصوصاً إذا دعمنا ذلك بالروايات الناصية على المهديين الاثني عشر وذرية الإمام المهدي(ع)، فإن أهل البيت(ع) أرشدونا إلى التمعن في كلامهم:

واضح است كه ساعت‌هاى روز در دو حديث و هم‌چنين منظور از دوازده نقيب در روايت دوم، همان دوازده مهدي از فرزندان امام مهدي(ع) هستند، و به خصوص وقتى اين مطلب را با رواياتى كه بر دوازده مهديين و از نسل امام مهدي(ع) پشتيبانى كنيم، واهل بيت(ع) ما را به دقت نمودن در سخن‌شان راهنمايى كردند:

عن أبي عبد الله(ع): (خبر تدرية خير من عشر ترويه، إن لكل حق حقيقة، ولكل صواب نوراً، ثم قال: إنا والله لا نعد الرجل من شيعتنا فقيهاً حتى يلحن له فيعرف اللحن...) (۱).

امام صادق (ع) فرمود: (شب دوازده ساعت است و روز نیز دوازده ساعت می‌باشد و ماه‌ها نیز دوازده ماه است، و ائمه نیز دوازده امام هستند، و نقباء نیز دوازده نقیب‌اند، و علی خود ساعتی از آن دوازده ساعت است، و آن همان گفتار خداوند عز و جل است که می‌فرماید:)^(۱).

وإذا رجعنا إلى روايات أهل البيت (ع) لمعرفة الليل والنهار المرتبط بهم وبدولتهم (ع) يتضح الأمر بأجلى صورة:

وقتی به روایات اهل بیت (ع) برای شناخت شب و روز که به آنان و دولت‌شان (ع) مربوط است مراجعه کنیم مسئله به بهترین صورت روشن می‌شود:

عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (ع)، قال: (سألته عن قول الله (عز وجل): ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾، قال: الشمس رسول الله (ص) أوضح الله به للناس دينهم، قلت: ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾، قال: ذلك أمير المؤمنين (ع)، قلت: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾، قال: ذلك أئمة الجور الذين استبدوا للأمر دون آل رسول الله وجلسوا مجلساً كان آل رسول الله (ص) أولى به منهم، فغشوا دين رسول الله (ص) بالظلم والجور، وهو قوله: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾، قال: يغشى ظلمهم ضوء النهار، قلت: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾، قال: ذلك الإمام من ذرية فاطمة (ع) يُسأل عن دين رسول الله فيجلى لمن يسأله، فحكى الله قوله: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾، وقوله: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾، قال: خلقها وصورها، وقوله: ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ أي عرفها وألهمها ثم خيرها فاختارت، ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ يعني نفسه طهرها، ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^(۲) أي أغواها^(۳).

ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت می‌کند و می‌گوید: (در مورد فرموده خداوند پرسیدم که فرموده: (قسم به خورشید و نورش)، فرمود: (خورشید رسول الله (ص) است که به واسطه آن برای مردم دین‌شان را روشن کرده است)، عرض کردم: (قسم به ماه وقتی بعد از آن بیاید)، فرمود: (آن امیرالمومنین (ع) است)، عرض کردم: (و شب زمانی که آن را بپوشاند) فرمود: (این‌ها ائمه جور و ستم هستند که به غیر از خاندان رسول الله (ص) در امر استبداد کردند، و در مکانی نشستند که خاندان رسول الله (ص) از آنان به آن سزاوارتر است، در نتیجه دین رسول الله (ص) را با ستم و جور پوشیدند، و آن سخن خداوند است)، (و قسم به شب زمانی که آن را می‌پوشاند) فرمود: (ستم آنان نور روز را می‌پوشاند)، عرض کردم: (و قسم به روز زمانی که آن را روشن کند)

۱- غیبت - نعمانی: ص ۱۴۳-۱۴۴ باب ۱۰ ج ۲.

۲- الشمس: ۱-۱۰.

۳- تفسیر القمی: ج ۲ ص ۴۲۴، الکافی: ج ۸ ص ۵۰ بلفظ متقارب جداً.

فرمود: (این امامی از فرزندان فاطمه (ع) است که از دین رسول الله (ص) از او پرسیده می شود و برای فردی که از او بپرسد تجلی می کند، و سخن خداوند را حکایت نمود: (و قسم به روز زمانی که آن را روشن کند) و سخن خداوند: (و قسم به نفس و آنچه او را وسوسه کند) فرمود: آن را آفرید و شکل داد، و سخن خداوند: (و کارهای بد و نیکش را به او الهام کرد) (یعنی به او شناساند و به او الهام نمود، بعد او را مُخیر کرد و انتخاب نمود) (فردی که آن را پاک کند رستگار شد) (یعنی نفسش را پاک کرد) (و فردی که او را فریب داد زیان نمود)^(۱) (یعنی او را فریب داد)^(۲).

وعن محمد بن مسلم، قال: (سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله (عز وجل): ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾، قال: الليل في هذا الموضع فلان غشي أمير المؤمنين في دولته التي جرت له عليه، وأمير المؤمنين (ع) يصبر في دولتهم حتى تنقضي، قال: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾^(۳)، قال: النهار هو القائم (ع) منا أهل البيت، إذا قام غلب دولته الباطل، والقرآن ضرب فيه الأمثال للناس وخاطب الله نبيه به ونحن، فليس يعلمه غيرنا)^(۴).

محمد بن مسلم می گوید: (از امام باقر (ع) در مورد سخن خداوند پرسیدم: (قسم به شب زمانی که در برگردد) فرمود: "شب در این جا فلانی است که امیرالمومنین (ع) را در دولتی که برای او، و علیه حضرت جاری شد در بر گرفت، و امیرالمومنین (ع) در دولت آنان تا زمانی که به اتمام برسد صبر کرد، عرض کرد: ("و روز وقتی تجلی نماید)^(۵) (فرمود: منظور از روز قائم (ع) ما اهل بیت است، وقتی قیام کند دولتش بر باطل غلبه پیدا کند، و در قرآن ضرب المثل هایی برای مردم زده شده است و خداوند به واسطه قرآن پیامبرش و ما را مورد خطاب قرار داده است، و فردی غیر از ما آن را نمی داند)^(۶).

إذن، فالليل هو دولة الباطل بعد الرسول محمد (ص) وساعات الليل الاثني عشر هنا هم الأئمة الاثني عشر أولهم أمير المؤمنين (ع) وآخرهم الإمام المهدي (ع)؛ لأنهم عاشوا حياتهم في تلك الدولة.

۱- شمس: ۱-۱۰.

۲- تفسیر قمی: ج ۲ ص ۴۲۴، کافی: ج ۸ ص ۵۰ بالفظ خیلی نزدیک.

۳- اللیل: ۱-۲.

۴- تفسیر قمی: ج ۲ ص ۴۲۵.

۵- لیل: ۱-۲.

۶- تفسیر قمی: ج ۲ ص ۴۲۵.

والنهار هو دولة الإمام المهدي (ع) ودولة العدل الإلهي، وساعاتها هم النقباء المهديون الاثنا عشر أولهم (أحمد) وصي الإمام المهدي (ع) وآخرهم الذي لا عقب له ويخرج عليه الحسين بن علي (ع).

بنابراین شب همان دولت باطل بعد از محمد رسول الله (ص) است، و منظور از دوازده ساعت شب همان دوازده امام هستند که اولین آنان امیرالمومنین (ع) و آخرین آنان امام مهدی (ع) است، چون آنان زندگی خود را در آن دولت گذراندند. و منظور از روز همان دولت امام مهدی (ع) و دولت عدل الهی است، و منظور از ساعت‌های آن همان دوازده نقیب مهدیین هستند، که اولین آنان احمد وصی امام مهدی (ع) و آخرین آنان کسی که فرزندی ندارد و حسین بن علی (ع) بر او خروج (و رجعت) می‌کند.

والإمام المهدي (ع) بما أن عمره في دولة العدل قصير جداً إذا قسناه إلى ما عاشه في دولة الباطل فهو من ساعات الليل من هذه الجهة، ولكن من جهة أخرى هو النهار نفسه وساعاته الاثنا عشر هم أوصياؤه المهديون؛ لأنهم امتداد لحكمه ودولته وملكه ونهجه، بل وحتى اسمه (المهدي).

و از آن جایی که عمر شریف امام مهدی (ع) در دولت عدل الهی خیلی کوتاه است هرگاه آن را با مدت زمان زندگی ایشان در دولت باطل مقایسه کنیم، ایشان از این جهت جزو ساعت‌های شب است، ولی از جهت دیگر خود ایشان روز است، و دوازده ساعت آن همان اوصیای مهدیین ایشان هستند، چون آنان ادامه حکومت و دولت و فرماندهی و روش ایشان هستند، حتی نام ایشان (مهدی) است.

فإن قلت: على هذا ينبغي أن لا يوجد المهدي الأول (أحمد) أي أول أوصياء الإمام المهدي (ع) لا يوجد إلا بعد قيام الإمام المهدي (ع) لأنه من ساعات النهار، وساعات النهار لا تبدأ إلا بعد شروق شمس الإمام المهدي (ع).

و اگر بگویید: بر این اساس شایسته است که مهدی اول (احمد) یعنی اولین اوصیای امام مهدی (ع) وجود نخواهد داشت مگر بعد از قیام امام مهدی (ع)، چون ایشان جزو ساعت‌های روز است، و ساعت‌های روز بعد از تأییدن خورشید امام مهدی (ع) آغاز می‌شوند.

أقول: إن أول ساعة من ساعات النهار - شرعاً - هي ساعة الفجر أي من طلوع الفجر إلى شروق الشمس، وهذه الساعة في حقيقتها هي برزخ بين الليل والنهار، وخصوصاً من ناحية اختلاط الضوء والظلمة فيها، فيصح أن تصفها بأنها نهار من جهة أنها أول ساعاته، ويصح أن تصفها بأنها ليل من

جهة عدم انكشاف الظلام التام فيها، بل روي بأنها لا من ساعات الليل ولا من ساعات النهار وإنما من ساعات الجنة:

می گویم: اولین ساعت از ساعات روز از جهت شرعی همان ساعت فجر است، یعنی از زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید، و این ساعت در حقیقت برزخ و حد فاصلی بین شب و روز است، به خصوص از جهت مخلوط بودن نور و تاریکی با یکدیگر، در نتیجه از یک جهت صحیح است که آن را توصیف به روز کنیم، چون اولین ساعت آن است، و از یک جهت صحیح است که آن را توصیف به شب کنیم، چون تاریکی به صورت کامل از آن از بین نرفته است، بلکه روایت شده که این ساعت نه از ساعات‌های شب است و نه از ساعات‌های روز، و آن ساعتی از ساعات‌های بهشت است.

فقد جاء في حوار عالم النصارى مع أبي جعفر (ع): (... فقال النصراني: أسألك أم تسألني؟ فقال أبو جعفر (ع): سألني، فقال النصراني: يا معشر النصارى، رجل من أمة محمد يقول: سألني، إن هذا ملئ بالمسائل، ثم قال: يا عبد الله، أخبرني عن ساعة ما هي من الليل ولا من النهار أي ساعة هي؟ فقال أبو جعفر (ع): ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس. فقال النصراني: فإذا لم تكن من ساعات الليل ولا من ساعات النهار فمن أي الساعات هي؟ فقال أبو جعفر (ع): من ساعات الجنة وفيها تفيق مرضانا...^(١).

در گفت‌وگوی دانشمند مسیحی با امام باقر (ع) آمده است: (نصرانی عرض کرد: من از تو بپرسم یا تو از من می‌پرسی؟ فرمود: تو از من بپرس. نصرانی رو به نصاری کرده گفت: ای گروه نصاری مردی از امت محمد به من می‌گوید: تو از من بپرس! شایسته است چند مسئله از او بپرسم، سپس عرض کرد: ای بنده خدا بگو: آن ساعتی که نه از شب است و نه از روز چه ساعتی است؟ امام باقر (ع) فرمود: ما بین سپیده دم تا زدن خورشید. نصرانی گفت: اگر نه از ساعات‌های شب است و نه از ساعات‌های روز پس از چه ساعتی است؟ امام (ع) فرمود: از ساعات‌های بهشت است، و در آن ساعت است که بیماران ما بهبودی یابند)^(٢).

وهنا يقف المتأمل في كلام أهل البيت مبهوراً من الترابط العجيب في كلامهم (ع)، حيث تجد أول أوصياء الإمام المهدي (ع) الذي يمثل أول ساعات النهار برزخاً بين دولة الباطل وبين دولة الحق - بين الليل والنهار -، فهو أول ساعات النهار من جهة أنه أول وصي للإمام المهدي (ع) والمعاصر له وأول

١- الكافي: ج ٨ ص ١٢٢-١٢٣.

٢- كافي: ج ٨ ص ١٢٢-١٢٣.

حکام دولة العدل الإلهي بعد أبيه (ع)، ومن جهة أخرى تجده شبيهاً بساعات الليل من حيث أنه يظهر في نهاية دولة الظلم ممهداً لأبيه - النهار -، حيث ما زال ظلام الليل لم ينكشف تماماً بل يبدأ انكشاف الليل تدريجياً به - الفجر -، فهو من هذه الجهة ينظر إليه الناظر على أنه من ساعات الليل أو شبيهاً بها بل هو أقرب إليها من ساعات النهار، وبالتدرج يكون شبيهاً بساعات النهار حتى ينظر إليه الناظر على أنه منها بل أقرب إليها من ساعات الليل.

اینجاست که فرد متأمل در کلام اهل بیت (ع) از ربط عجیب در سخن‌شان شگفت زده می‌شود، وقتی که می‌بیند که اولین اوصیای امام مهدی (ع) که اولین ساعت روز را تمثیل می‌کند، برزخ و حد فاصلی بین دولت باطل و بین دولت حق (بین شب و روز) است، و ایشان اولین ساعت روز از یک جهتی که اولین وصی برای امام مهدی (ع) و معاصر ایشان و اولین حاکم دولت عدل الهی بعد از پدرش (ع) هستند، و از جهت دیگر می‌بیند که ایشان شبیه ساعت شب است، چون در پایان دولت ستم ظهور می‌کند، و مقدمه ساز پدرش (روز) است، چون تاریکی شب به صورت کامل از بین نرفته است، بلکه شب (فجر) به تدریج از بین می‌رود، و ایشان از این جهت به او نگاه می‌شود که جزو ساعت‌های شب است یا شبیه آن است، بلکه بیشتر از ساعت‌های روز به ساعت شب نزدیک‌تر است، و به تدریج شبیه ساعت روز می‌شود، تا اینکه از این جهت که جزو ساعت شب است به او نگاه می‌شود، بلکه از ساعت‌های شب به ساعت روز نزدیک‌تر است.

وهذا دليل أو مؤيد على أن أول أوصياء الإمام المهدي (ع) لابد أن يكون هو الممهد له ولا بد أن يكون موجوداً قبل قيامه المقدس، ولا يفوتنا الإشارة إلى الارتباط العجيب لهذا الكلام مع وصية رسول الله (ص) ليلة وفاته التي وصف بها أول وصي للإمام المهدي (ع) — (وهو أول المؤمنين) أي أول المؤمنين بالإمام المهدي (ع) عند ظهوره وأول مصدق وناصر له، وقد تم تفصيل ذلك في كتب أخرى فلا أعيد.

این دلیل یا مویدی است که اولین اوصیای امام مهدی (ع) باید مقدمه‌ساز ایشان باشد و باید قبل از قیام مقدس ایشان وجود داشته باشد، و این اشاره را از دست ندهیم که این سخن با وصیت رسول الله (ص) در شب وفاتش ارتباط عجیبی دارد، وصیتی که اولین وصی امام مهدی (ع) را به اولین مومنان توصیف کرده است، اولین مومنین به امام مهدی (ع) در هنگام ظهور ایشان و اولین تصدیق‌کننده و یاری‌گر ایشان، و تفصیل این مطلب در کتاب‌های دیگر وجود دارد و آن را تکرار نمی‌کنم.

بل ونجد أن المهدي الأول (أحمد) هو أفضل أوصياء الإمام المهدي (ع)، أي إنه أفضل ساعات النهار، ونجد هذا متطابقاً مع كلام أهل البيت (ع) عن أول ساعة من ساعات النهار، كما في كلام الإمام الباقر (ع) حيث وصف ساعة الفجر بأنها من ساعات الجنة بقوله: (من ساعات الجنة وفيها تفيق مرضانا).

بلکه می بینیم که مهدی اول (احمد) از افضل ترین اوصیای امام مهدی (ع) است، یعنی ایشان با فضیلت ترین ساعت روز است، و این مطابق با سخن اهل بیت (ع) است که او اولین ساعت از ساعات روز است، همان طور که در سخن امام باقر (ع) وجود دارد و ساعت فجر را به یکی از ساعات بهشت توصیف کرده است، با این فرموده اش: (از ساعات بهشت است، و بیماران ما در آن خوب می شوند).

وأيضاً لا يفوت اللبيب الانتباه إلى قوله (ع): (وفيها تفيق مرضانا)، والإفاقة من المرض هو الصحة والتماثل للشفاء، فشيعة آل محمد في دولة الظلم وفي فترة غياب الحجة وانغمار الناس في الفتن والانحراف هم مرضى إن لم يكن قد أصابهم بعض ما أصاب الناس من حيث يعلمون أو من حيث لا يعلمون، فيكون ظهور وصي الإمام المهدي (ع) - أول ساعات النهار والفجر - إيقاظاً لهم من نوم الغفلة، وانتشالاً لهم من التيه والحيرة، ويبدأون يبصرون الحقائق شيئاً فشيئاً - وكل بحسبه - إلى أن تشرق الشمس فلا يبقى خفاء أبداً.

هم چنین فرد خردمند نباید توجه به این سخن ایشان (ع) را از دست بدهد: (و بیماران ما در آن خوب می شوند) ، خوب شدن از بیماری، همان صحت و نماد شفا پیدا کردن شیعه آل محمد (ع) در دولت ستم است، و در مدت غیبت حجت و فرورفتن مردم در فتنه ها و انحراف، آنان بیمار هستند. اگر مقداری از چیزی که به مردم رسیده از جایی که می دانند یا نمی دانند، به آنان نرسیده باشد، در نتیجه ظهور وصی امام مهدی (ع) (اولین ساعات روز و فجر است)، بیدار نمودن آنان از خواب غفلت، و نجات آنان از سرگردانی و حیرت است و هرکدام در حد خودشان کم کم شروع به دیدن حقایق می کنند تا این که خورشید طلوع کند و اصلاً پنهانی نباشد.

وروي وصف الإمام الباقر لهذه الساعة في جوابه للنصراني بلفظ آخر هكذا: (هي الساعة التي بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس، يهدأ فيها المبتي، ويرقد فيها الساهر، ويفيق فيها المغمی

عليه، جعلها لله في الدنيا رغبة للراغبين، وفي الآخرة للعاملين لها، وجعلها دليلاً واضحاً وحجة بالغة على الجاحدين المتكبرين التاركين لها ...^(۱).

از امام باقر(ع) در توصیف این ساعت در پاسخش به نصرانی به لفظ دیگری آمده است: (این ساعتی بین طلوع فجر تا طلوع خورشید است و فرد مصیبت‌دیده در آن آرام می‌شود و فرد سحرخیز در آن می‌خواهد و فردی که به اغماء رفته است در آن افاقه پیدا می‌کند، خداوند آن را در دنیا رغبتی برای راغبان قرار می‌دهد و در آخرت برای افرادی که برای آن کار می‌کردند و آن را دلیل روشن و حجت رساننده‌ای بر انکارکنندگان و متکبران و ترک‌کنندگان آنان قرار داده است)^(۲).

وعلى هذا اللفظ لا أدري حقيقةً على أي فقرة أعلق: (يهدأ فيها المبتلي)، (ويرقد فيها الساهر)، (ويضيق فيها المغمى عليه)، (جعلها لله في الدنيا رغبة للراغبين)، (وفي الآخرة للعاملين لها)، (وجعلها دليلاً واضحاً وحجة بالغة على الجاحدين المتكبرين التاركين لها)، فالكلام يطول في الوقوف على أسرارها.

و بر اساس این لفظ، در حقیقت نمی‌دانم بر کدام‌یک از این فقره تعلیق بزنم: (و فرد مصیبت‌دیده در آن آرام می‌شود)، (و فرد سحرخیز در آن می‌خواهد)، (و فردی که به اغماء رفته است در آن افاقه پیدا می‌کند)، (خداوند آن را در دنیا رغبتی برای راغبان قرار می‌دهد)، (و در آخرت برای افرادی که در آن کار می‌کردند)، (و آن را دلیل روشن و حجت رساننده‌ای بر انکارکنندگان و متکبران و ترک‌کنندگان آنان قرار داده است) سخن در بیان اسرار آن طولانی می‌شود...

وتفضيل أو ساعة من ساعات النهار على سائر ساعات النهار ليس في الروايات فقد، بل ورد ذلك حتى في القرآن الكريم، قال تعالى: ﴿... وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً﴾^(۳)، وقد روي أن وقت الفجر يشهده ملائكة الليل وملائكة النهار.

۱- مدینه المعجز: ج ۵ ص ۷۳، دلائل الإمامة: ص ۲۳۶ وما بعدها.

۲- مدینه المعجز: ج ۵ ص ۷۳، دلائل الإمامة: ص ۲۳۶ و بعد از آن.

۳- الإسراء: ۷۸.

فضیلت داشتن ساعتی از ساعات روز بر بقیه ساعات فقط در روایات نیست، بلکه حتی در قرآن کریم هم وارد شده است، خداوند متعال می‌فرماید: (قرآن فجر را برپا دار؛ چراکه قرآن فجر، مشهود است!)^(۱)، و روایت شده که فرشتگان شب و فرشتگان روز هنگام فجر را مشاهده می‌کنند.

وقال تعالی: ﴿كَأَلَا وَالْقَمَرِ ۖ وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ ۖ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ۖ إِنَّهَا لَأِخْدَى الْكُبْرِ ۖ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ۖ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ۖ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ ۖ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾^(۲).

و خداوند متعال می‌فرماید: (این چنین نیست که آن‌ها تصوّر می‌کنند، سوگند به ماه، و به شب، هنگامی که پشت کند و به صبح هنگامی که چهره بگشاید که آن از مسائل مهم است! هشدار و اندازی است برای همه انسان‌ها، برای کسانی که از شما که می‌خواهند پیش افتند یا عقب بمانند، هر کس در گرو اعمال خویش است، مگر «اصحاب یمین»)^(۳).

وروی محمد بن الفضیل، عن أبي الحسن (ع) أنه قال: (كل من تقدم إلى ولايتنا تأخر عن سقر، وكل من تأخر عن ولايتنا تقدم إلى سقر)^(۴).

محمد بن فضیل از ابوالحسن (ع) روایت کرده است که ایشان فرمود: (هرکسی به سمت ولایت ما بیاید، از آتش جهنم دور می‌ماند و هرکسی از ولایت ما دور بماند، به سوی آتش جهنم می‌رود)^(۵).

وعن محمد بن الفضیل، عن أبي الحسن الماضي (ع): (... قلت: ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ﴾؟ قال: نعم ولايته علي (ع). قلت: ﴿إِنَّهَا لِأِخْدَى الْكُبْرِ﴾، قال: الولاية. قلت: ﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ﴾؟ قال: من تقدم إلى ولايتنا أخرج عن سقر، ومن تأخر عنا تقدم إلى سقر. ﴿إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾، قال: هم والله شيعةنا. قلت: ﴿لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾؟ قال: إنا لم نتول وصي

۱- اسراء: ۷۸.

۲- المدثر: ۳۲ - ۳۹.

۳- مدثر: ۳۲ - ۳۹.

۴- بحار الأنوار: ج ۸ ص ۲۷۳.

۵- بحار الأنوار: ج ۸ ص ۲۷۳.

محمد والأوصیاء من بعده - ولا یصلون علیهم - . قلت: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ﴾؟ قال: عن الولاية معرضین. قلت: ﴿كَأَلَّا إِنَّهُ تَذْكَرَةٌ﴾^(۱)؟ قال: الولاية^(۲).

محمد بن فضیل گوید: از حضرت ابوالحسن (ع) روایت می‌کند: (عرض کردم: این جز یادآوری برای بشر نیست؟ فرمود: آری، ولایت علی (ع) است. عرض کردم: آن یکی از حوادث بزرگ است؟ فرمود: یعنی ولایت. عرض کردم: برای هر کس از شما که بخواهد جلو رود یا عقب افتد؟ فرمود: یعنی کسی که به ولایت ما جلو رود از دوزخ عقب افتد و آنکه از ما عقب کشد، به دوزخ جلو رود. عرض کردم: جز اصحاب یمین؟ فرمود: آن‌ها به خدا شیعیان ما می‌باشند. عرض کردم: ما از نمازگزاران نبودیم؟ فرمود: یعنی ما وصی محمد (ص) و اوصیاء پس از او را دوست نداشتیم، و بر آن‌ها درود نمی‌فرستادند. عرض کردم: آن‌ها را چه شده که از این تذکر روی گردانند؟ فرمود: یعنی از ولایت روی گردانند. عرض کردم: نه این یادآوری است؟^(۳) فرمود: یعنی ولایت^(۴).

وعن جابر، عن أبي جعفر (ع) في قوله (عزوجل): (.....) وقوله: ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾، ﴿لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ﴾، قال: يعني اليوم قبل خروج القائم (ع) من شاء قبل الحق وتقدم إليه، ومن شاء تأخر عنه ﴿وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾، قال: يوم الدين خروج القائم (ع). وقوله: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ﴾ يعني بالتذكرة، والآية أمير المؤمنين صلوات الله عليه ثم قال الله تعالى: ﴿بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنشَرَةً﴾، قال: يريد كل رجل من المخالفين أن ينزل عليه كتاب من السماء، ثم قال تعالى: ﴿كَأَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ﴾^(۵) هي دولة القائم (ع) (...)^(۶).

جابر از امام باقر (ع) در مورد فرموده خداوند پرسید: (و فرموده‌اش: آن تنها تذکری برای مردم است، برای فردی از شما که بخواهد جلو بماند یا عقب بماند. فرمود: یعنی روزی پیش از خروج قائم (ع)، هرکسی می‌خواهد حق را قبول کند و به سمت آن برود و هرکسی بخواهد از آن عقب بماند. و روز دین را تکذیب می‌کردیم، فرمود: روز دین روز خروج قائم (ع) است، و فرموده خداوند: آنان را چه شده که از تذکر روی گردان هستند. یعنی با تذکر و آیه امیرالمؤمنین (ع)، سپس خداوند متعال فرمود: بلکه هرکدام از آنان می‌خواهد که نامه‌ای باز شده برایشان

۱- المدثر: ۳۱، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۳، ۴۹، ۵۴.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۴۳۲ - ۴۳۴.

۳- مدثر: ۳۱، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۳، ۴۹، ۵۴.

۴- کافی: ج ۱ ص ۴۳۲ - ۴۳۴.

۵- المدثر: ۳۱، ۳۷، ۴۶، ۴۹، ۵۲، ۵۳.

۶- بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۲۵ - ۳۲۷.

بباید، فرمود: هرکدام از افرادی مخالفین می‌خواهند که کتابی از آسمان برای آنان فرستاده شود، سپس خداوند متعال فرمود: خیر، از آخرت نمی‌ترسند^(۱) آن دولت قائم (ع) است^(۲).

ومن تأمل هذه الروايات يتضح له عظيم ما تبينه وترشد إليه، والتفصيل لا يسعه هذا المختصر، فأرجو قبول العذر.

هرکسی که در این روایات بیندیشد، آنچه برایش معلوم و به‌سوی آن راهنمایی شده مشخص می‌شود، و در این مختصر، تفصیل دادن نمی‌گنجد، امیدوارم معذرت‌خواهی را قبول کنید.

إذن فأول ساعات النهار هو أول المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع) وهو شبیه بساعات الليل، أو قل إنه برزخ بين الليل والنهار، أو قل إنه برزخ بين دولة الكفر ودولة العدل، أو قل إنه برزخ بين مقامي الإمامة والهداية، فكلها بمعنى واحد.

بنابراین اولین ساعات روز همان اولین مهديين از نسل امام مهدی (ع) است و ایشان شبیه ساعات شب است، یا بگو: ایشان برزخ و حد فاصلی بین شب و روز است، یا بگو: ایشان برزخ یا حد فاصلی بین دولت کفر و دولت عدل است، یا بگو: ایشان برزخ و مانعی بین مقام امامت و هدایت است، همه این‌ها به یک معناست.

عن محمد بن الحسن بن ميمون، عن أبي هاشم، قال: (قلت لأبي الحسن الماضي (ع): لم جعلت الصلاة الفريضة والسنة خمسين ركعة لا يزداد فيها ولا ينقص منها؟ قال: إن ساعات الليل اثنتا عشرة ساعة، وفيما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ساعة، وساعات النهار اثنتا عشرة ساعة، فجعل لكل ساعة ركعتين، وما بين غروب الشمس إلى سقوط القرص غسق)^(۳).

محمد بن حسن بن ميمون از أبي هاشم روایت می‌کند: (به امام علی النقی (ع) گفته: چرا نماز واجب و نافله در شبانه‌روز پنجاه رکعت است و کم و زیاد نمی‌شوند؟ فرمود: شب دوازده ساعت دارد و میانه سپیده‌دم تا برآمدن

۱- مدثر: ۳۱، ۳۷، ۴۶، ۴۹، ۵۲، ۵۳.

۲- بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۲۵-۳۲۷.

۳- الخصال - للشيخ الصدوق: ص ۴۸۸.

خورشید نیز ساعتی است و روز نیز دوازده ساعت است؛ و برای هر ساعتی دو رکعت نماز نهاده شده و از فروشدن آفتاب تا زهن شدن روشنی آن غسق گفته شده است^(۱).

وقال الشيخ الصدوق: حدثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد العسكري، قال: أخبرني عمي، قال: أخبرنا أبو إسحاق، قال: أملى علينا ثعلب: (ساعات الليل: الغسق، والفحمة، والعشوة، والهدأة، والجنح، والهزيع، والفقد، والعقر، والزلفة، والسحرة، والبهرة.

شیخ صدوق می گوید: حسن بن عبدالله بن سعید عسکری از عموی خود نقل می کند که ابواسحاق گفت: ثعلب برای ما ساعات شب را چنین املا کرد: غسق، فحمة، عشوه، هدأة، جنح، هزيع، فقد، عقر، زلفة، سحرة، بهرة.

وساعات النهار: الراد، والشروق، والمتوع، والترحل، والدلوك، والجنوح، والهجير، والظهيرة، والأصيل، والطفل)^(۲).

و ساعات روز را چنین املا کرد: راد، شروق، متوع، ترحل، دلوك، جنوح، هجير، ظهيرة، اصيل و طفل^(۳).

وحتى تسمية أول ساعات النهار بـ (الراد) لعل لها علاقة بأول المهديين، أي إنه الراد لدين الله إلى أصوله، أو الراد على أهل البدع والانحراف والظلم والجور ... الخ.

حتی نامیدن اولین ساعات روز به (راد) شاید به اولین مهدیین ارتباطی داشته باشد، یعنی ایشان برگرداننده دین خداوند به اصولش است، یا اهل بدعت‌ها و انحراف و ستم و جور را رد می کند... الخ.

أو يكون مأخوذاً من (الردء) أي المعين والناصر - وأيضاً يعني الكهف -، كما في قوله تعالى حكاية عن لسان نبي الله موسى (ع): ﴿وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءاً يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ﴾^(۴).

۱- خصال - شیخ صدوق: ص ۴۸۸.

۲- الخصال - للشيخ الصدوق: ص ۴۸۸.

۳- خصال - شیخ صدوق: ص ۴۸۸.

۴- القصص: ۳۴.

يا از (ردء) گرفته شده، یعنی یاور و یاری گر، هم‌چنین یعنی پناهگاه، همان‌طور که در فرموده خداوند متعال و از زبان پیامبر خدا موسی (ع) است: (و برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ می‌ترسم مرا تکذیب کنند!)^(۱).

وقال الزبيدي في تاج العروس ج ٤ ص ٤٥٠ - ٤٥٣ مادة (ردد): (وقوله تعالى: ﴿فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي﴾ فيمن قرأ به يجوز أن يكون من الاعتماد، وأن يكون على اعتقاد التثقيل في الوقف، بعد تخفيف الهمزة).

زبیدی در تاج العروس ج ۴ ص ۴۵۰-۴۵۳ در ماده (ردد) می‌گوید: (و فرموده خداوند متعال: (او را به‌عنوان پشتیبان من بفرست تا مرا تصدیق کند) کسی که این‌گونه آیه را بخواند، جایز است که از اعتماد باشد؛ و به معنای اعتقاد سنگین است، در صورتی که آیه را با وقف و مخفف کردن همزه بخواند).

• عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام)، قال: (سألته عن قول الله (عزوجل): ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾^(۲)، ما هذه الكلمات؟ قال: هي الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب الله عليه وهو أنه قال: "أسألك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين إلاتيت علي" فتاب الله عليه إنه هو التواب الرحيم. فقلت له: يا ابن رسول الله، فما يعني (عزوجل) بقوله: ﴿فَأَتَمَّهُنَّ﴾؟ قال: يعني فأتمهن إلى القائم اثني عشر إماماً تسعة من ولد الحسين (ع). قال المفضل: فقلت: يا ابن رسول الله، فأخبرني عن قول الله (عزوجل): ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾^(۳)، قال: يعني بذلك الإمامة، جعلها الله تعالى في عقب الحسين إلى يوم القيامة. قال: فقلت له: يا ابن رسول الله، فكيف صارت الإمامة في ولد الحسين دون ولد الحسن (عليهما السلام) وهما جميعاً ولدا رسول الله (ص) وسبطاه وسيدا شباب أهل الجنة؟ فقال (ع): إن موسى وهارون كانا نبيين مرسلين وأخوين، فجعل الله (عزوجل) النبوة في صلب هارون دون صلب موسى (عليهما السلام)، ولم يكن لأحد أن يقول لم فعل الله ذلك، وإن الإمامة خلافة الله (عزوجل) في أرضه وليس لأحد أن يقول لم جعله الله في صلب

١- قصص: ٣٤.

٢- البقرة: ١٢٤.

٣- الزخرف: ٢٨.

الحسین دون صلب الحسن (عليهما السلام)؛ لأن الله تبارك وتعالى هو الحكيم في أفعاله ﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ﴾^(۱) (۲).

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق (ع) روایت می‌کند: (از این قول خدای سبحان سؤال کردم: (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ)^(۳)، که این چه کلماتی است؟ فرمود: همان کلماتی است که آدم آن را از پروردگارش دریافت کرد و بر زبان جاری نمود و خداوند توبه‌اش را پذیرفت و ایشان این‌ها را گفتند: «خداوند بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین توبه مرا بپذیر». و خداوند توبه او را پذیرفت که او باز پذیر و بخشنده است. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! مراد از (فَأَتَمَّهُنَّ) چه بوده است؟ فرمود: فرمود: یعنی آنها را تا قائم (ع) ذکر کرده و تمام کرد و آنان دوازده امام هستند که نه تن از ایشان از امام حسین (ع) هستند. مفضل گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! مرا از معنی این کلام الهی که می‌فرماید: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ)^(۴)، آگاه کنید، فرمود: مقصود از آن امامت است که خدای تعالی آن را تا روز قیامت در نسل حسین (ع) قرار داد. گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا امامت اختصاص به فرزندان حسین (ع) یافت نه فرزندان حسن (ع)، در حالی که آنها هر دو فرزندان رسول خدا (ص) و دو سبط او و سید جوانان بهشت هستند؟ فرمود: موسی و هارون دو پیامبر مرسل و دو برادر بودند و خدای تعالی پیامبری را در سلاله هارون قرار داد نه در سلاله موسی، هیچ یک از آن دو پیامبر را نگفتند: چرا خداوند چنین کرده است؟ و امامت، خلافت حق تعالی در زمین است و هیچ کس را شایسته نیست که بگوید: چرا آن را در سلاله حسین (ع) قرار داده است و نه حسن (ع)، زیرا خدای تعالی در جمیع افعالش حکیم است، از کردارش پرسش نشود اما از افعال آنها پرسش شود از کاری که می‌کند بازخواست نمی‌شود، و از آنان سؤال و بازخواست می‌شود (لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ)^(۵) (۶).

ففي هذه الرواية بين أبو عبد الله (ع) أولاً بأن الله أتم الكلمات من ذرية الحسين (ع) إلى القائم (ع)، ثم أردف في جوابه الآخر بأن الله جعل الإمامة في عقب الحسين (ع) إلى يوم القيامة، ونفهم من هذا أن الله تعالى جعلها كلمة باقية في عقبه أي الإمام بعد الإمام المهدي (ع) التي تمت به (ع)، أي إمامة المهديين، أو قل مقام الهداية الذي يأتي بعد مقام الولاية أو الإمامة، ويكون هذا الفهم أقرب وأوضح إذا تحرر لنا أن القيامة لا تكون بعد موت الإمام المهدي (ع) مباشرة بل أن عمره

۱- الأنبياء: ۲۳.

۲- کمال الدین وتمام النعمة: ص ۳۵۸ - ۳۵۹.

۳- بقره: ۱۲۴.

۴- زخرف: ۲۸.

۵- انبياء: ۲۳.

۶- کمال الدین وتمام النعمة: ص ۳۵۸ - ۳۵۹.

الشریف فی دولة العدل الإلهی قصیر جداً كما بینته الروایات، وسیکون من بعده أئمة وحجج یقودون دولة العدل الإلهی التي وعد الله بها البشرية.

در این روایت امام صادق(ع) بیان کرده است: اولاً: خداوند کلمات را در فرزندان حسین(ع) تا روز قائم(ع) به اتمام رسانده است، سپس در پاسخ دیگرش بیان می کند: خداوند امامت را تا روز قیامت در فرزندان حسین(ع) قرار داده است، و از این می فهمیم که خداوند متعال آن را کلمه باقی در فرزندان قرار داده است، یعنی در امام بعد از امام مهدی(ع) که به واسطه ایشان(ع) به اتمام می رسد، یعنی امامت مهدیین، یا بگو: مقام هدایت که بعد از مقام ولایت و امامت می آید، و این فهم نزدیکتر و روشن تر است، زمانی که برای ما مشخص شد که قیامت مستقیم بعد از مرگ امام مهدی(ع) نیست، بلکه عمر ایشان در دولت عدل الهی واقعاً کوتاه است، همان طور که روایات آن را بیان می کند، و بعد از ایشان امامان و حجت های است که دولت عدل الهی را که خداوند بشریت را به آن وعده داده است، رهبری می کنند.

فلا یتصور أن تكون دولة الإمام المهدي(ع) مرهونة بوجوده في الحياة فقط والذي روي أنه تسع أو تسعة عشرة سنة أو ما يقارب ذلك، في حين أن البشرية عاشت آلاف السنين في دولة الظلم والطاغوت، بل إن الروایات تفيد أن دولة الإمام المهدي ستستمر إلى أزمان متطاولة جداً:

تصور نشود که دولت امام مهدی(ع) مرهون به وجود زندگی شریف ایشان فقط خواهد بود، مدتی که روایت شده نه سال یا نوزده سال یا نزدیک به این مدت است، درحالی که بشریت هزاران سال در دولت ستم و طاغوت زندگی کردند، بلکه روایات بیان می کند که دولت امام مهدی(ع) تا زمان های خیلی طولانی ادامه دارد:

عن یونس بن رباط، قال: سمعت أبا عبد الله(ع) یقول: (إن أهل الحق لم یزالوا منذ كانوا في شدة أما إن ذلك إلى مدة قليلة وعافية طویلة)^(١).

یونس بن رباط گوید: شنیدم امام صادق(ع) می فرمود: (همانا اهل حق از آن هنگام که در سختی و شدت بوده اند پیوسته در آن به سر خواهند برد، هان بدانید این کار تا مدت کوتاهی است، اما به عافیتی طولانی خواهد انجامید.)^(٢).

١- الکافی: ج ٢ ص ٢٥٥.

٢- کافی: ج ٢ ص ٢٥٥.

بل يستفاد من الروايات أن آخر المهديين الاثني عشر من ذرية الإمام المهدي (ع) يحكم (۳۰۹) سنة وبعد ذلك تكون الرجعة وتبدأ بخروج الإمام الحسين (ع):

بلکه از روایات استفاده می‌شود: که آخرین مهدیین از فرزندان امام مهدی (ع)، ۳۰۹ سال حکومت می‌کند و بعد از آن رجعت واقع می‌شود و با خروج امام حسین (ع) آغاز می‌شود:

عن جابر الجعفي، قال: (سمعت أبا جعفر (ع) يقول: والله ليملكنا أهل البيت رجل بعد موته ثلاثمائة سنة يزداد تسعاً. قلت: متى يكون ذلك؟ قال: بعد القائم (ع). قلت: وكم يقوم القائم في عالمه؟ قال: تسع عشرة سنة ثم يخرج المنتصر فيطلب بدم الحسين (ع) ودماء أصحابه، فيقتل ويسبي حتى يخرج السفاح) (۱).

جابر بن یزید جعفی گوید: (شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت سیصد سال به‌اضافه نه حتماً و بدون تردید حکومت خواهد کرد، گوید: به آن حضرت عرض کردم: این کی خواهد شد؟ فرمود: پس از وفات قائم (ع)، به آن حضرت عرض کردم: قائم (ع) چقدر در عالم باقی می‌ماند تا از دنیا برود؟ فرمود: نوزده سال، بعد منتصر خروج می‌کند و خون خواهی حسین (ع) و یارانش را می‌کند، می‌کشد و به اسارت می‌گیرد تا اینکه سفاح خروج کند) (۲).

وهنا المنتصر هو الإمام الحسين (ع) والسفاح هو أمير المؤمنين (ع)، والإمام الحسين (ع) يخرج بعد حكم المهديين الاثني عشر من ذرية الإمام المهدي (ع)، أي إن الرجعة تبدأ بعد نهاية حكم المهدي الثاني عشر من أوصياء الإمام المهدي (ع)، وهذا المهدي الثاني عشر تكون مدة حكمه هو فقط (۳۰۹) فضلاً عن آبائه المهديين الأحد عشر، وهذا المهدي الثاني عشر يكون بلا عقب أي لا يكون له ولد؛ لأن الإمامة قد انتهت ويبدأ عالم الرجعة وهو عالم يختلف عن عالم حياتنا الدنيوية الآن:

منظور از منتصر در اینجا امام حسین (ع) و منظور از سفاح امیرالمؤمنین (ع) است، و امام حسین (ع) بعد از حکومت دوازده مهدیین از نسل امام مهدی (ع) خروج می‌کند، یعنی رجعت بعد از انتهای حکومت دوازدهمین مهدی از اوصیای امام مهدی (ع) می‌باشد، و این دوازدهمین مهدی مدت حکومتش فقط ۳۰۹ سال است، و

۱- الغيبة - للشيخ الطوسي: ص ۴۷۸- ۴۷۹ ح ۵۰۵.

۲- غيبه - شيخ طوسي: ص ۴۷۸- ۴۷۹ ح ۵۰۵.

این جدا از آبائش یازده مهدیین بوده، و دوازدهمین مهدی بدون فرزند است، یعنی برایش فرزندی نیست، چون امامت به پایان رسیده و رجعت آغاز شده است، و رجعت عالمی است که با عالم دنیوی الآن ما تفاوت دارد:

عن الحسن بن علي الخزاز، قال: (دخل علي بن أبي حمزة علي أبي الحسن الرضا(ع) فقال له: أنت إمام؟ قال: نعم، فقال له: إني سمعت جدك جعفر بن محمد (عليهما السلام) يقول: لا يكون الإمام إلا وله عقب. فقال: أنسيت يا شيخ أو تناسيت؟ ليس هكذا قال جعفر(ع)، إنما قال جعفر(ع): لا يكون الإمام إلا وله عقب إلا الإمام الذي يخرج عليه الحسين بن علي (عليهما السلام) فإنه لا عقب له. فقال له: صدقت جعلت فداك هكذا سمعت جدك يقول^(١).

حسن بن علی خزاز می‌گوید: (علی بن ابی حمزه بر امام رضا(ع) وارد شد و به ایشان عرض کرد: شما امام هستی؟ فرمود: بله، به ایشان عرض کرد: من از جدتان جعفر بن محمد(ع) شنیدم که امام نیست مگر اینکه فرزند داشته باشد، فرمود: ای شیخ آیا فراموش کردی یا خود را به فراموشی زدی؟ جعفر(ع) این‌گونه نفرمود، جعفر(ع) فرمود: امام نیست مگر اینکه فرزند دارد، مگر امامی که حسین بن علی(ع) بر او خروج می‌کند، و ایشان فرزند ندارد. به ایشان عرض کرد: فدایتان شوم، راست گفتید، از جدتان این‌چنین شنیدم که فرمود^(٢).

ويتضح معنى ذلك أكثر من خلال رواية أخرى في محاورة لعلی بن أبي حمزة البطائي مع الإمام الرضا(ع)، فقال البطائي للإمام الرضا(ع) في كلام طويل: (... إنا روينا أن الإمام لا يمضي حتى يرى عقبه، قال: فقال أبو الحسن(ع): أما رويتم في هذا الحديث غير هذا؟ قال: لا. قال: بلى والله لقد رويتم، إلا القائم، وأنتم لا تدرون ما معناه ولم قيل. قال له علي: بلى والله إن هذا لفي الحديث. قال أبو الحسن(ع): ويلك، كيف اجترأت على شيء تدع بعضه^(٣).

این معنا از خلال روایت دیگر بیشتر روشن می‌شود، و آن گفتگوی علی بن ابی حمزه با امام رضا(ع) است، بطائنی به امام رضا(ع) در سخن طولانی می‌گوید: (... ما روایت کردیم که امام از دنیا نمی‌رود مگر اینکه فرزندش را ببیند، ابوالحسن(ع) فرمود: آیا در این حدیث مطلبی غیر از این نقل کردید؟ عرض کرد: خیر، فرمود: بله به خدا قسم این روایت را نقل کردید، مگر قائم(ع)؛ و شما معنای آن را نمی‌دانید و اینکه برای چه

١- الغيبة - للشيخ الطوسي: ص ٢٢٤ ح ١٨٨.

٢- غيبة - شيخ طوسي: ص ٢٢٤ ح ١٨٨.

٣- بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ٢٧٠.

گفته شده است، علی به ایشان عرض کرد: بله به خدا قسم این در حدیث است، ابوالحسن (ع) فرمود: وای بر تو، چگونه به چیزی جرئت کردی که بعضی از آن را ترک کردی؟^(۱)

فانتبه وفقك الله إلى قول الإمام الرضا(ع): (وأنتم لا تدرون ما معناه ولم قيل)، فلو كان المقصود به هو الإمام المهدي لما خفي ذلك على رجل كعلي بن أبي حمزة البطائي الذي يمتاز بكثرة حفظه وروايته لحديث أهل البيت(ع)، وكيف يخفى عليه وأغلب الناس في ذلك الزمان تعرف أن المقصود بالقائم هو الإمام المهدي(ع)، إذن فما دام هذا المعنى (لا عقب له) قد خفي على علي بن أبي حمزة وغيره من الرواة فلا بد أن يكون المقصود به غير الإمام المهدي(ع) وهو آخر المهديين من ذرية الإمام المهدي(ع)، وهذا هو الأمر الذي قصده الإمام الرضا(ع) بقوله: (وأنتم لا تدرون لما قيل وما معناه).

خدا تو را موفق کند، به فرموده امام رضا(ع) دقت کن: (و شما معنای آن را نمی‌دانید و اینکه برای چه گفته شده است)، اگر منظور امام مهدی(ع) بود، این مطلب بر مردی مانند علی بن ابی حمزه بطائنی پنهان نمی‌شد، فردی که به زیادی حفظ و روایت حدیث اهل بیت(ع) متمایز شده است، چگونه بر او پنهان بود درحالی که بیشتر مردم در آن زمان می‌دانستند که منظور از قائم امام مهدی(ع) است، بنابراین مادامی که این معنا (فرزندی ندارد) بر علی بن ابی حمزه و بقیه راویان پنهان بود، پس باید منظور از این فرد شخصی غیر از امام مهدی(ع) باشد، و این فرد آخرین مهدیین از فرزندان امام مهدی(ع) است. این مسئله‌ای است که منظور امام رضا(ع) بود، با این فرموده‌اش: (و شما معنای آن را نمی‌دانید و اینکه برای چه گفته شده است).

ونرجع إلى مسألة: (وجعلها كلمة باقية في عقبه) ودلالاتها على المهديين من ذرية الإمام المهدي(ع)، وأذكر رواية أخرى تؤيد هذا الفهم:

به مسئله (و آن را کلمه باقی در فرزندان قرار دادیم) و دلالت آن بر مهدیین از فرزندان امام مهدی(ع) بازمی‌گردیم، و روایت دیگری ذکر می‌کنم که این فهم را تأیید می‌کند:

عن هشام بن سالم، قال: (قلت للصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام): الحسن أفضل أم الحسين؟ فقال: الحسن أفضل من الحسين. [قال:] قلت: فكيف صارت الإمامة من بعد الحسين في عقبه دون ولد الحسن؟ فقال: إن الله تبارك وتعالى أحب أن يجعل سنة موسى وهارون جارية في

الحسن والحسين (عليهما السلام)، ألا ترى أنهما كانا شريكين في النبوة كما كان الحسن والحسين شريكين في الإمامة، وإن الله (عزوجل) جعل النبوة في ولد هارون ولم يجعلها في ولد موسى وإن كان موسى أفضل من هارون (عليهما السلام)، قلت: فهل يكون إمامان في وقت واحد؟ قال: لا، إلا أن يكون أحدهما صامتاً مأموماً لصاحبه، والآخر ناطقاً إماماً لصاحبه، فأما أن يكونا إمامين ناطقين في وقت واحد فلا. قلت: فهل تكون الإمامة في أخوين بعد الحسن والحسين (عليهما السلام)؟ قال: لا، إنما هي جارية في عقب الحسين (ع) كما قال الله (عزوجل): ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾^(١)، ثم هي جارية في الأعقاب وأعقاب الأعقاب إلى يوم القيامة^(٢).

هشام بن سالم مى گوید: (به امام صادق (ع) گفتم: حسن افضل است يا حسين؟ فرمود: حسن (ع) از حسين (ع) افضل است. گوید گفتم: پس چگونه است که امامت پس از حسين (ع) در فرزندان وی است و نه در فرزندان حسن (ع)؟ فرمود: خدای تعالی خواسته است که سنت موسی و هارون را در حسن و حسين (ع) جاری سازد. آیا نمی بینی که آن دو در نبوت شریک بودند هم چنان که حسن و حسين (ع) در امامت شریک بودند و خدای تعالی نبوت را در فرزندان هارون (ع) قرار داد نه در فرزندان موسی (ع)، گرچه موسی (ع) افضل از هارون (ع) بود، گفتم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ فرمود: خیر، مگر آنکه یکی از آن دو خاموش باشد و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود، گفتم: آیا می شود پس از حسن و حسين (ع) دو برادر امام باشند فرمود: خیر و امامت در عقب حسين (ع) جاری است، همچنان که خدای تعالی فرموده است: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾^(٣)، بعد از آن نیز در فرزندان و فرزندان فرزندان او تا روز قیامت جاری است^(٤).

وعن عبد العلي بن أعين، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إن الله (عزوجل) خص علياً (ع) بوصية رسول الله (ص) وما يصيبه له، فأقر الحسن والحسين له بذلك، ثم وصيته للحسن وتسليم الحسين للحسن ذلك حتى أفضى الأمر إلى الحسين لا ينازعه فيه أحد له من السابقة مثل ماله،

١- الزخرف: ٢٨.

٢- كمال الدين وتمام النعمة: ص ٤١٦ - ٤١٧.

٣- زخرف: ٢٨.

٤- كمال الدين وتمام النعمة: ص ٤١٦ - ٤١٧.

واستحقها علي بن الحسين لقول الله (عزوجل): ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾^(۱)، فلا تكون بعد علي بن الحسين إلا في الأعقاب وأعقاب الأعقاب^(۲).

عبدالعلى بن اعین می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: (خداوند عز و جل، علی (ع) را به وصیت رسول (ص) اختصاص دادند و آنچه از آن حضرت به آن جناب رسید مال او می‌باشد یعنی اموال رسول خدا و ماترک و آثار نبوت جملگی بعد از پیامبر (ص) از آن علی (ع) می‌باشد و امام حسن و امام حسین (ع) نیز به این معنا اقرار نمودند، سپس علی (ع) وصیت فرمودند که آن‌ها از آن امام حسن (ع) بوده و امام حسین (ع) نیز آن‌ها را بدون هیچ‌گونه معارضه‌ای تسلیم امام حسن (ع) نمودند، تا وقتی که امر ولایت و امامت منتقل به حضرت سید الشهداء (ع) گردید در این هنگام تمام اموال و ودایع مذکور منتقل به آن جناب شد و احدی با حضرتش در آن به منازعه برنخاست و پس از آن حضرت اموال به حضرت علی بن الحسین (ع) منتقل گردید و آن جناب مستحق آن‌ها شدند نه دیگری، به دلیل فرموده حق: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾^(۳)، و پس از علی بن الحسین (ع) ودایع نبوت و امامت صرفاً در فرزندان و فرزندان فرزندان است^(۴).

فلنا أن نسأل لماذا قال الإمام الصادق (ع): (في الأعقاب وأعقاب الأعقاب) حيث كرر كلمة الأعقاب مرتان! فإن كلمة الأعقاب جمع (عقب) وهي تصدق على التسعة المعصومين (ع) فلا يحتاج أن تكرر مرة ثانية، لكي يصح الكلام!! فلا بد من وجود فائدة ومعنى آخر لكلمة (الأعقاب) الثانية؛ لأن الأئمة (ع) لا يتكلمون بكلام زائد (وحاشاهم) وهم سادة البلاغة والفصاحة، وكما يقولون: (خير الكلام ما قل ودل). ومن تأمل في الرواية مع مقارنتها ببعض الروايات يجد أن معنى ذلك أن الإمامة بعد الحسين (ع) ستمر بمرحلتين تختلف أحدهما عن الأخرى بعض الشيء في الفضل، هما: مرحلة الإمامة، ومرحلة الهداية، أي أعقاب الأئمة وأعقاب المهديين بعد الإمام المهدي (ع)، ولذلك كرر الإمام الصادق (ع) كلمة الأعقاب مرتين (الأعقاب وأعقاب الأعقاب).

بر ماست که بی‌سیم: چرا امام صادق (ع) این سخن را فرمود: (فی الأعقاب وأعقاب الأعقاب) (در فرزندان و فرزند فرزندان). چون کلمه اعقاب دو بار تکرار شده است، و کلمه اعقاب جمع عقب است، و آن بر نه معصوم (ع) صدق می‌کند، و برای این که سخن واضح شود نیازی نیست که دوباره تکرار کنم! در نتیجه باید

۱- الأنفال: ۷۵.

۲- علل الشرائع: ج ۱ ص ۲۰۷.

۳- انفال: ۷۵.

۴- علل الشرائع: ج ۱ ص ۲۰۷.

فايده و معنای ديگري برای کلمه اعقاب دومی باشد، چون ائمه (ع) با سخن اضافه سخن نمی فرمایند، (حاشاهم) و آنان سروران بلاغت و فصاحت هستند، همان طور که می فرمایند: (بهترین سخن کلامی است که اندک و رساننده باشد). هرکسی که در این روایت دقت کند و آن را با بعضی از روایات مقایسه کند درمی یابد که معنای آن این است که امامت بعد از حسین (ع) در دو مرحله استمرار دارد و یکی از آنان با دیگری در مقداری فضیلت تفاوت دارند: آن دو مرحله امامت و مرحله هدایت است، یعنی اعقاب ائمه و اعقاب مهديين بعد از امام مهدي (ع) هستند، به همین خاطر امام صادق (ع) کلمه اعقاب را دو مرتبه تکرار کرد (الأعقاب وأعقاب الأعقاب).

واكتفي بهذا القدر حول هذا الشاهد.

به همین مقدار به عنوان شاهد کفایت می کنم...

• عن عمرو البكائي، عن كعب الأحبار، قال في الخلفاء: (هم اثنا عشر، فإذا كان عند انقضائهم وأتى طبقة صالحه مد الله لهم في العمر كذلك وعد الله هذه الأمة، ثم قرأ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾^(۱)، قال: وكذلك فعل الله بني إسرائيل، وليست بعزیز أن تجمع هذه الأمة يوماً أو نصف يوم، ﴿وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾^(۲) (۳).

• عمرو بکائی از کعب الاحبار نقل می کند که درباره خلفا گفت: (آنان دوازده نفرند که وقتی به پایان رسیدند و طبقه شایسته ای سرکار آمدند، خداوند عمر آنان را طولانی می کند، خداوند به این امت چنین وعده داده است، سپس این آیه را خواند: (خداوند به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده که آنان را جانشینان زمین کند، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشینان کرده بود) (۴)، او گفت: خداوند با بنی اسرائیل هم چنین کرد و دشوار

۱- النور: ۵۵.

۲- الحج: ۴۷.

۳- خصال الصدوق: ص ۴۷۴ - ۴۷۵.

۴- نور: ۵۵.

نیست که این امت را یک روز و یا یک نصف روز یکجا جمع کند ، (و همانا یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمرند)^(۱)(۲).

واخرج ابن أبي حاتم الرازي في تفسيره هذا الخبر باختلاف يسير بسنده عن عمرو البكالي، عن كعب الأخبار، قال: (هم اثنا عشر، فإذا كان عند انقضائهم فيجعل مكان اثني عشر اثنا عشر مثلهم، وكذلك وعد الله هذه الأمة، فقرأ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ وكذلك فعل بني إسرائيل. قوله تعالى: ﴿وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾^(۳).

ابن ابی حاتم رازی در تفسیرش این خبر را با کمکی اختلاف آورده که با اسنادش از عمرو بکالی که از کعب الأخبار نقل می‌کند: (آنان دوازده نفر هستند، وقتی مدت آنان به پایان برسد خداوند به جای آن دوازده نفر، دوازده نفر مثل آنان قرار می‌دهد، و خداوند این امت را این چنین وعده داده است و (این آیه را) خواند: (خداوند به افرادی از شما که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند وعده داده است: همان طور که افراد قبلشان را به خلافت رساند، آنان را در زمین به خلافت می‌رساند) و با بنی اسرائیل این چنین رفتار نمود، سخن خداوند متعال: (و دینی که از آن خشنود است را برای آنان تمکین می‌بخشد))^(۴).

وهذا الخبر وإن كان مروياً عن كعب الأخبار إلا أنه موافق لما روي عن أهل البيت (ع) ، وهو يدل - بلفظ الصدوق - على وجود طبقةٍ صالحَةٍ من الخلفاء بعد الإمام المهدي (ع)، والخلفاء والحجج على الناس لا بد أن يكونوا معصومين، ومن أوصياء الرسول (ص) وبالخصوص من ذرية الإمام الحسين (ع) وبالأخص من ذرية الإمام المهدي (ع)؛ لأن الإمامة في الأعقاب وأعقاب الأعقاب إلى يوم القيامة كما نصت روايات متواترة، إذن فلا يمكن أن يكونوا غير المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع) المنصوص عليهم بوصية الرسول محمد (ص) وبروايات متواترة معني عن أهل البيت (ع).

هرچند این روایت از کعب الاخبار روایت شده، ولی با روایات اهل بیت (ع) موافق است، و آن بر لفظ صدوق (روایت اول) دلالت می‌کند که گروه شایسته‌ای از خلفا بعد از امام مهدی (ع) وجود دارند، و خلفا و حجت‌های بر مردم باید معصوم باشند، و از اوصیای رسول (ص) و به خصوص از نسل امام حسین (ع) و به خصوص از نسل

۱- حج: ۴۷.

۲- خصال صدوق: ص ۴۷۴ - ۴۷۵.

۳- تفسیر ابن ابی حاتم: ج ۸ ص ۲۶۲۸ ح ۱۴۷۶۹.

۴- تفسیر ابن ابی حاتم: ج ۸ ص ۲۶۲۸ ح ۱۴۷۶۹.

امام مهدی (ع) باشند، چون امامت تا روز قیامت در فرزندان و فرزند فرزندان است، همان طور که روایات متواتر به آن تصریح می‌کند. بنابراین امکان ندارد که آنان افرادی غیر از مهدیین از نسل امام مهدی (ع) باشند، افرادی که با وصیت رسول الله (ص) و روایات متواتر معنوی از اهل بیت (ع) به آنان تصریح شده است.

وأما بلفظ - الرازي - فهو ينص على مجيء اثني عشر خليفة بعد الأئمة الاثني عشر وأنهم وعد الله تعالى.

اما با لفظ رازی (روایت دوم) و آن برآمدن دوازده خلیفه بعد از دوازده ائمه (ع) تصریح می‌کند، و این که آنان وعده خداوند متعال هستند.

وإلى هنا أكتفي من إيراد الأخبار التي تشير إلى المهديين من أوصياء الإمام المهدي (ع)، وإلا فهي كثيرة، وأعرضت عن ذكر الروايات التي تنص على المهديين وعلى ذرية الإمام المهدي (ع)؛ لأنها معلومة عند الإخوة الأنصار، ولأنها مسطرة ومشروحة في عدة كتب من إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع).

تا اینجا به آوردن روایات اشاره‌کننده به مهدیین از اوصیای امام مهدی (ع) کفایت می‌کنم وگرنه آن‌ها زیاد هستند، و از ذکر روایاتی که بر مهدیین و بر نسل امام مهدی (ع) تصریح می‌کند خودداری کردم، چون آن‌ها در نزد برادران انصار مشخص است، و آن‌ها در تعدادی از کتب انصار امام مهدی (ع) نوشته و شرح داده شده است.

ج: وأما الرواية التي ربما توهم بأنها تتعارض مع روايات المهديين (ع) والتي نصها: (... وهم الذين قال رسول الله (ص): لما أسري بي إلى السماء وجدت أساميهم مكتوبة على ساق العرش بالنور اثني عشر اسماً، منهم علي وسبطاه، وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم، فهذه الأئمة من أهل بيت الصفوة والطهارة، والله ما يدعيه أحد غيرنا إلا حشره الله تبارك وتعالى مع إبليس وجنوده...).

ج: اما روایتی که پنداشته شده که با روایات مهدیین (ع) در تعارض است، متن آن عبارت است از: (... و آنان افرادی هستند که رسول الله (ص) فرمود: زمانی که مرا به آسمان بردند، نام‌های آنان را در ساق عرش با نور نوشته شده دیدم، دوازده نام بود، یکی از آنان علی و دو فرزندش بودند، و علی و محمد و جعفر و موسی و علی

و محمد و علی محسن و حجت قائم هستند، این ائمه از اهل بیت برگزیده و پاک هستند، به خدا قسم فردی غیر از آنان آن را ادعا نمی‌کند مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و سربازانش محشور می‌کند...).

فالكلام عنها كالتالي:

سخن از آن مانند روایت زیر است:

- قوله (ع): (... لما أسري بي إلى السماء وجدت أساميهم مكتوبة على ساق العرش بالنور اثني عشر اسماً، منهم علي وسبطاه، وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم...).
- و فرموده‌اش: (زمانی که مرا به آسمان بردند، نام‌های آنان را در ساق عرش با نور نوشته شده دیدم، دوازده نام بود، یکی از آنان علی و دو فرزندش بودند و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم هستند).

بغض النظر عن أي شيء فالرواية إلى هنا لا تختلف عن الروايات التي تعدد الأئمة الاثني عشر إلى القائم على أنهم أوصياء الرسول (ص)، وقد تقدم أن هكذا روايات عندما تثبت الأئمة الاثني عشر فهذا لا يعني نفي المهديين الاثني عشر، وكما تقدم أن أثبات شيء لا يعني نفي ما عداه. بدون در نظر گرفتن هر چیزی، روایت تا اینجا با روایاتی که دوازده ائمه (ع) را تا قائم (ع) می‌شمارد و این که آنان اوصیای رسول الله (ص) هستند تفاوتی ندارد و قبلاً بیان کردیم که این چنین روایاتی، زمانی که ثابت می‌کنند ائمه دوازده نفرند، به معنای نفي دوازده مهديين نیست، همان طور که گذشت: اثبات چیزی نفي مطالب غیر آن را نمی‌کند.

- وقوله (ع): (... فهذه الأئمة من أهل بيت الصفة والطهارة...)، تقدم أن مقام الإمامة غير مقام الهداية، وإثبات عدد الأئمة لا يعني نفي عدد المهديين فلا تعارض في المقام. أي عندما يكون الكلام عن الأئمة وعددهم لا يعني هذا نفي المهديين أو إن الأوصياء والحجج هؤلاء لا غيرهم.

• و فرموده‌اش (ع): (این ائمه از اهل بیت برگزیده و پاک هستند)، بیان شد که مقام امامت غیر از مقام هدایت است، و اثبات عدد ائمه به معنای نفی تعداد مهدیین نیست، در نتیجه تعارضی در اینجا نیست؛ یعنی وقتی سخن در مورد ائمه و تعداد آنان است، این به آن معنا نیست که مهدیین نفی می‌شوند یا اوصیاء و حجت‌ها فقط آن‌ها هستند و غیر از آنان نیستند.

• و قوله (ع): (... والله ما يدعيه أحد غيرنا إلا حشره الله تبارك وتعالى مع إبليس وجنوده...)، هكذا وردت في دلائل الإمامة الذي نقل عنه العلامة المجلسي: (غيرنا) وليس (غيرها) ولا (غيرهم)، وكذلك في إلزام الناصب ومعجم أحاديث الإمام المهدي (ع) وموسوعة الإمام الجواد (ع). فهي بلفظ (غيرها) في البحار فقط والمصدر الذي ينقل عنه صاحب البحار، العبارة بلفظ (غيرنا) كما قدمت عن كتاب كفاية الأثر. وعلى هذا فهي لا تنفي المهديين (ع)؛ لأن الكلام ناظر إلى نفي الإمامة عن ذرية الإمام الحسن (ع) كما في صدر الرواية، ورداً على من يزعم أن الإمامة تستمر في عقب الحسن والحسين ولا تختص بعقب الحسين (ع)، وحتى لو عممنا الكلام فهو في مقام نفي الإمامة عن غير أهل الصفوة والطهارة من أوصياء الرسول محمد (ص)، وكما هو معلوم أن المهديين من أهل الصفوة والطهارة ومن أوصياء الرسول محمد (ص) المنصوص عليهم بوصيته ليلته وفاته وفي غيرها من الروايات المتواترة معني، وهم من أوصياء الإمام المهدي (ع) والحجج على الناس بعده.

• و فرموده‌اش (ع): (به خدا قسم فردی غیر از آنان آن را ادعا نمی‌کند مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و سربازانش محشور می‌کند)، در کتاب دلائل الامامه که علامه مجلسی از آن نقل کرده نیز چنین آمده است: (غیرنا) (غیر ما) و نه (غیرها) (غیر آن) و نه (غیرهم) (غیر آنان). هم‌چنین در کتاب الزام الناصب و معجم احادیث امام مهدی (ع) و موسوعه امام جواد (ع) نیز این چنین است. روایت با لفظ (غیرها) (غیر آن) فقط در بحار و منبعی که صاحب بحار از آن نقل کرده، عبارت با لفظ (غیرنا) (غیر ما) همان طور که از کتاب کفاية الاثر بیان کردم؛ بنابراین روایت، مهدیین (ع) را نفی نمی‌کند، چون سخن ناظر به نفی امامت از نسل امام حسن (ع) است، همان طور که در آغاز روایت است، و پاسخی است به فردی که گمان می‌کند امامت در فرزندان حسن و حسین (ع) ادامه دارد و به فرزندان حسین (ع) اختصاص ندارد. حتی اگر سخن را عمومیت ببخشیم این روایت در مقام نفی امامت از افرادی به غیر از اهل برگزیده و پاکی از

اوصیای رسول الله (ص) می‌باشد، کسانی که در وصیت شب وفات ایشان (و در غیر آن در روایات متواتر معنوی به آنان تصریح شده است و آنان اوصیای امام مهدی (ع) و حجت‌های بر مردم بعد از ایشان هستند.

هذا فضلاً عن ما تقدم ذكره من أن أهل البيت (ع) تعمدوا إخفاء ذكر مسألة المهديين (ع) واعتمدوا الإشارة والتلميح والنص الغير ملفت للنظر بصورة جلية ... لحكمة بالغة - كما تقدم تفصيله - .

این مطلب علاوه بر چیزی است که گذشت، به اینکه اهل بیت (ع) به صورت عمدی خواستار پنهان کردن مسئله مهدیین (ع) بودند و بر اشاره کردن و کنایه و نص اعتماد کردند تا به صورت آشکار به آنان جلب توجه نشود. به خاطر حکمت مشخصی که تفصیل آن گذشت.

وحتى لو قلنا إن معنى الكلام: لا يدعيه أحد غير هؤلاء الاثني عشر ...، فهو أيضاً ناظر إلى مقام الإمامة لا الهداية، وإلا فمقام الهداية ثابت بروايات عديدة لا يمكن ردها أبداً، وعلى أقل تقدير لا بد أن نرجع متشابه كلام أهل البيت (ع) إلى محكمه، ولا تتبع المتشابه فقط، وروايات المهديين صريحة ومحكمة وواضحة الدلالة بأن بعد الإمام المهدي (ع) اثنا عشر مهدياً حجج على الخلق.

اگر بگوییم معنای سخن این است که: فردی غیر از این دوازده فرد ادعا نمی‌کنند، و آن نیز ناظر به مقام امامت است و نه هدایت، وگرنه مقام هدایت با روایات بسیاری ثابت است که اصلاً نمی‌توان آن را رد کرد، حداقل باید کلام متشابه اهل بیت (ع) را به محکم آن برگردانیم و فقط از متشابه دنباله‌روی نکنیم و روایات مهدیین صریح و محکم هستند و دلالتشان روشن است به این که بعد از امام مهدی (ع) دوازده مهدی حجت‌های بر خلق هستند.

فعن الإمام الرضا (ع) أنه قال: (من رد متشابه القرآن إلى محكمه فقد هدي إلى صراط مستقيم، ثم قال (ع): إن في أخبارنا محكماً كمحكم القرآن، ومتشابهاً كمتشابه القرآن، فردوا متشابهها إلى محكمها ولا تتبعوا متشابهها دون محكمها فتضلوا)^(۱).

امام رضا (ع) فرمود: (فردی که متشابه قرآن را به محکم آن برگرداند به راه مستقیم هدایت یافته است، سپس فرمود: در خبرهای ما روایات محکمی مانند محکم قرآن است و روایات متشابهی مانند متشابه قرآن

است، متشابه آن را به محکم آن برگردانید و از متشابه (به غیر از محکم) آن دنباله روی نکنید، چون گمراه می شوید^(۱).

أما اللفظ الذي أورده أخى في سؤالك وهو (فلا يدعيه أحد غيرهم) فلم أجده في شيء من المصادر أبداً. وهو أيضاً لا يعارض المهديين؛ لأنه عائد على مقام الإمامة، وهذا المقام للإمامة الاثني عشر كما نصت وصية الرسول (ص): (يا علي، إن من بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً).

برادرم لفظی که در سؤال آوردم: (فردی غیر از آنان ادعا آن را نمی کند) اصلاً آن را در هیچ یک از منابع نیافتم. هم چنین آن با مهدیین تعارضی ندارد، چون به مقام امامت باز می گردد، و این مقام برای دوازده ائمه (ع) است، همان طور که وصیت رسول (ص) به آن تصریح می کند: (ای علی، بعد از من دوازده امام و پس از آنان دوازده مهدی هستند).

وملخص القول: إن الرواية في صدد نفي أن تكون الإمامة في عقب الإمام الحسن أو عقب غيره وتحصرها في عقب الحسين (ع)، وأوصياء الإمام المهدي (ع) من عقب الحسين ومن أهل البيت (ع)، فالرواية أصلاً لا علاقة لها بنفي إمامة المهديين (ع).

خلاصه سخن: روایت در صدد نفی امامت در فرزندان امام حسن (ع) یا فرزندان غیر اوست، و آن را فقط محصور در فرزندان حسین (ع) می کند و اوصیای امام مهدی (ع) از فرزندان حسین (ع) و از اهل بیت (ع) هستند، اصلاً این روایت ارتباطی به نفی امامت مهدیین (ع) ندارد.

ج ٣: قولك: (لدي سؤال حول أنه هل يملي الله لجميع الخلق ومنهم المؤمنين والمخلصين الذين يريدون أن يعبدوه من حيث أمرهم وهو خليفة الله، حيث يقول (عزوجل): يمدهم في طغيانهم يعمهون، وخوار العجل الذي جعله الله فتنه لبني إسرائيل، فهل من الممكن أن يزيد الله من يؤمن بدعوة يعتقد بأنها حق بأن يزيده ويكيد له ويمده في طغيانه ولو بدرجة أن يأتي الرسول ويخبره أنه على حق ولكن هو على باطل كخوار العجل والإمداد بالطغيان ونملي لهم أن كيدي متين، فهل هذا ممكن من هذا الباب؟)

١- وسائل شيعه (آل البيت): ج ٢٧ ص ١١٥ ح ٣٣٥٥.

ج س ۳: سخن شما: (سؤالی دارم، در این مورد که آیا خداوند به همه آفریده‌ها فرصت می‌دهد، از جمله‌ی مؤمنین و مخلصینی که از جایی که دستور داده شده و می‌خواهند او را بپرستند، و او خلیفه خداست، آنجایی که می‌فرماید: آنان را در طغیان‌شان نگه می‌دارد، و صدای گوساله که خداوند آن را فتنه‌ای برای بنی‌اسرائیل قرار داد، آیا امکان دارد خداوند فردی را که به دعوتی ایمان دارد و معتقد است که آن حق است و اعتقادش را زیاد نماید و او را بفریبید و او را در طغیانش نگه دارد تا درجه‌ای که رسول بیاید و به او خبر دهد که او برحق است با اینکه وی در باطل باشد، مانند صدای گوساله و نگه‌داشتن در طغیان و آنان را در طغیان نگه می‌داریم فریب من محکم است، آیا این مورد، امکان دارد؟)

الجواب:

أ- قال تعالى: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^(۱).

جواب:

أ- خداوند متعال می‌فرماید: (خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد، و سنت کسانی را که پیش از شما بوده‌اند به شما بنمایاند، و بر شما ببخشد، و خدا دانای حکیم است)^(۲).

وقال تعالى: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۳).

خداوند متعال می‌فرماید: (افرادی که در مورد ما جهاد می‌کنند، آنان را به راه‌هایمان هدایت می‌کنیم، و خداوند با نیکوکاران است)^(۴).

فالله تعالى عند حسن ظن عبده المؤمن وهو أحن عليه من أمه وأبيه، ورحمته سبقت غضبه، وحاشاه أن يضل من استهداه أو يخيب من رجاه، وقد ورد في أدعية أهل البيت (ع): (يا دليل المتحيرين)، (يا دليل من لا دليل له)، (يا عماد من لا عماد له)، (يا سند من لا سند له).

۱- النساء: ۲۶.

۲- نساء: ۲۶.

۳- العنكبوت: ۶۹.

۴- عنكبوت: ۶۹.

خداوند متعال نزد حُسن ظن بنده مؤمنش است و ایشان از مادر و پدر به او مهربان‌تر است و رحمتش بر خشمش سبقت گرفته است، از خداوند به دور است که کسی که طلب هدایت کند را گمراه نماید و یا فردی که به او امیدوار است را ناامید کند، در دعاهای اهل بیت (ع) آمده است: (ای راهنمای سرگردانان)، (ای راهنمای فردی که راهنمایی ندارد)، (ای تکیه‌گاه فردی که تکیه‌گاه ندارد)، (ای اعتماد فردی که اعتمادی ندارد).

فَنَحْنُ الْمَذْنِبِينَ إِن تَعْلُقَ بِنَا تَائِهٍ وَبِرِيدِ مَعْرِفَةِ الطَّرِيقِ فَلَا نَتَعَمَّدُ غِشَاهُ وَإِضْلَالَهُ، فَكَيْفَ بِاللَّهِ تَعَالَى، وَكَمَا قَالَ نَبِيُّ اللَّهِ عِيسَى (ع) مَا مَعْنَاهُ: (مَنْ مِنْكُمْ يَطْلُبُ مِنْهُ ابْنَهُ خَبِزاً فَيُعْطِيهِ حَجْراً.... فَإِذَا كُنْتُمْ أَنْتُمْ الْخَاطِئُونَ لَا تَفْعَلُونَ ذَلِكَ فَكَيْفَ بِاللَّهِ تَعَالَى؟).

اگر کسی از ما گناه‌کاران شناخت راه را بخواهد، سعی در فریب و گمراهی او نمی‌کنیم، چه برسد به خداوند متعال، همان‌طور که مضمون سخن پیامبر خدا عیسی (ع) است: (کدام یک از شما فرزندش از او نان می‌خواهد ولی به او سنگ می‌دهد؟ وقتی شما خطا‌کاران این‌گونه نیستید، چگونه خداوند متعال این کار را می‌کند؟).

وَإِذَا قُلْنَا خِلَافَ ذَلِكَ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَثِقُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَهَدَايَتِهِ، بَلْ لَا يَثِقُ أَحَدٌ بِكَلَامِ الْمَعْصُومِ فَأَيْضاً تَوَسَّوسَ النَّفْسِ لَعَلَّه أَرَادَ ضَلَالِي وَبَلِيْسَ هِدَايَتِي!!

اگر خلاف این را بگوییم، فردی نمی‌ماند که به خداوند متعال و هدایت او اعتماد داشته باشد، بلکه فردی به سخن معصوم نیز اعتماد نمی‌کند و نفس دچار وسوسه می‌شود که شاید قصد گمراهی مرا دارد و قصد هدایت مرا نداشته است!

نعم، مَنْ تَرَكَ حِجَّةَ اللَّهِ الظَّاهِرِ وَتَرَكَ الْحَقَّ الْبَيْنَ وَاتَّبَعَ الْهَوَى وَالضَّلَالَ، فَهَذَا يُمْكِنُ أَنْ يَضْلَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى؛ لِأَنَّهُمْ قَدْ أَقِيمَتْ عَلَيْهِمُ الْحِجَّةَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فِي إِتْبَاعِ النَّبِيِّ أَوْ الْإِمَامِ الْفُلَانِيِّ... ثُمَّ تَرَكَوْا هَذَا الْحَقَّ الْوَاضِحَ وَاتَّبَعُوا الشَّبَهَاتِ اسْتِجَابَةً لِلْهَوَى وَابْلِيسَ وَجَنَدَهُ مِنَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ.

بله هر فردی که حجت آشکار خدا و حق آشکار را ترک کند و از هوا و گمراهی دنباله‌روی کند، در اینجا امکان دارد خداوند متعال آنان را گمراه کند، چون حجت بر آنان از سوی خداوند متعال در تبعیت از پیامبر یا فلان امام تمام شده است. سپس این حق روشن را ترک کردند و به خاطر استجابت هوا و هوس و ابلیس و سربازانش از جن و انسان، از شبهات تبعیت نمودند.

وموضوع السامري والعجل وبنو إسرائيل هو من هذا القبيل؛ لأنهم تركوا خليفة موسى (ع) المنصب عليهم ونسوا أو تناسوا الحجج والبراهين والمعاجز التي رأوها بأعينهم من موسى وهارون (عليهما السلام) واتبعوا السامري وعجله، فهم حينئذ يستحقون زيادة الإضلال؛ لأنهم في حقيقتهم قد ضلوا بعد إقامة الحجة عليهم، وتركوا طاعة نبي الله وخليفته، بل وخالفوا حتى فطرتهم وعقلهم، فالله تعالى أصلاً لم يضل بني إسرائيل ولن يضل أحداً أبداً وحاشاه من ذلك، بل إن بني إسرائيل هم الذي أضلوا أنفسهم فجاءتهم العقوبة بزيادة ضلالهم ... فالعقاب منه دنيوي ومنه أخروي، أي خزي في الدنيا قبل خزي الآخرة.

موضوع سامری و گوساله و بنی اسرائیل از این قبیل است، چون آنان موسی (ع) خلیفه خدا فردی که برای آنان نصب شده بود را ترک کردند، و فراموش کردند، یا خود را نسبت به حجت‌ها و برهان‌ها و معجزه‌هایی که با چشمانشان از موسی و هارون (ع) دیدند به فراموشی زدند، و از سامری و گوساله‌اش دنباله‌روی کردند، آنان در این هنگام مستحق زیادی گمراهی هستند، چون آن‌ها در حقیقت بعد از اقامه حجت بر آنان گمراه شدند و اطاعت از پیامبر خدا و خلیفه‌اش را ترک کردند، بلکه حتی با فطرت و عقلشان مخالفت کردند. اصلاً خداوند متعال بنی اسرائیل را گمراه نکرد و ابداً فردی را گمراه نکرد و خدا از این مطلب به دور است، بلکه این بنی اسرائیل بودند که خودشان را گمراه کردند و با زیاد شدن گمراهی‌شان عقوبت برای آنان آمد. برخی از عذاب‌های خدا دنیوی و برخی اخروی هستند، یعنی خواری در دنیا قبل از خواری آخرت است.

أما عند مجيء نبي عن الله تعالى أو إمام، أو كما في زماننا عندما يأتي شخص مرسلًا عن الإمام المهدي (ع)، فلا يمكن ولا يتوقع أن يضل الله المؤمنين عندما يلجئوا إليه ليهديهم إلى صدق أو كذب هذا، فهل هؤلاء المساكين تركوا حجة الله المنصب عليهم، أم أن الرسول دعاهم إلى إنكار إمام الزمان وحجة الله على الخلق حتى يستحقوا الإضلال، وكيف يقبل العاقل أن يقبس هؤلاء ببني إسرائيل الذين تركوا نبين من أنبياء الله واتبعوا السامري وعبدوا جماداً لا يضر ولا ينفع بعد أن رأوا المعاجز بأعينهم؟!!!!

اما هنگام آمدن پیامبر یا امامی از سوی خداوند متعال، یا همان‌طور در زمان ما، فردی از سوی امام مهدی (ع) می‌آید، امکان ندارد که خداوند مؤمنین را گمراه کند، زمانی که به او پناه می‌برند تا آنان را به راستی یا دروغ بودن او راهنمایی کند. آیا این افراد مسکین، حجت منصوب شده خداوند بر خودشان را ترک کردند، یا این‌که فرستاده، آنان را به انکار امام و حجت خداوند بر مردم دعوت کرد تا مستحق گمراهی شوند؟ چگونه عاقل قبول می‌کند که این افراد را با بنی اسرائیلی مقایسه کند که پیامبری از پیامبران خدا را ترک نمودند و از

سامری دنباله‌روی کردند و از جمادی دنباله‌روی کردند که نه زیان و نه نفعی می‌رساند، بعد از این که آنان معجزه‌ها را با چشمانشان دیدند؟!

وهل على هذا الحال يبقى عندنا ضابطة لمعرفة هداية الله من وساوس الشيطان!!!

بنابراین ، آیا ملاکی برای شناخت هدایت خداوند از وسوسه‌های شیطان باقی می‌ماند؟!

فالقول بأن الله يضل أحداً يلجأ إليه غير صحيح أبداً، بل هو كفر صريح بالله تعالى، قال تعالى: ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^(۱)، بل حتى الذين يضلون أنفسهم لا يؤاخذهم الله تعالى إلا بعد أن أقيمت عليهم الحجة البالغة من الله تعالى، قال تعالى: ﴿مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولاً﴾^(۲).

این سخن که خداوند فردی را که به او پناه برده را گمراه می‌کند، اصلاً صحیح نیست، بلکه کفر آشکار به خداوند متعال است؛ خداوند متعال فرمود: (قدر خدا را چنان که درخور اوست نشناختند. در حقیقت، خداست که نیرومند شکست‌ناپذیر است)^(۳)، حتی افرادی که خودشان را گمراه می‌کنند، خداوند متعال آنان را مؤاخذه نمی‌کند، مگر بعد از این که حجت بالغه بر آنان از سوی خداوند متعال اقامه شود؛ خداوند متعال می‌فرماید: (هر کس به راه آمده تنها به سود خود به راه آمده و هر کس بیراهه رفته تنها به زیان خود بیراهه رفته است؛ و هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی‌پردازیم)^(۴).

فالله(عزوجل) لا يريد لعباده الكفر والضلال ولا يرتضيه، وإنما الناس هم من يعرضون عن الله ويحاربونه، وهاك أخي هذه الآيات الكريمة التي يجب أن نتدبرها بتأمل:

خداوند عزوجل از بندگانش کفر و گمراهی را نمی‌خواهد و از آن خشنود نیست، مردم هستند که از خدا دوری می‌کنند و با او دشمنی می‌کنند. برادرم با دقت در این آیات کریمه تدبر کن:

۱- الحج: ۷۴.

۲- الإسراء: ۱۵.

۳- حج: ۷۴.

۴- اسراء: ۱۵.

قال الله تعالى: ﴿... نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^(۱).

خداوند متعال می‌فرماید: (خدا را فراموش کردند، پس فراموش‌شان کرد. در حقیقت، این منافقانند که فاسق‌اند)^(۲).

﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾^(۳).

(خدا ریشخندشان می‌کند و آنان را در طغیان‌شان فرو می‌گذارد تا سرگردان شوند)^(۴).

﴿وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾^(۵).

(و نقشه کشیدند؛ و خداوند چاره‌جویی کرد؛ و خداوند، بهترین چاره‌جویان است)^(۶).

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ...﴾^(۷).

(با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد)^(۸).

﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾^(۹).

(با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند؛ ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند)^(۱۰).

﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(۱۱).

۱- التوبة: ۶۷.

۲- توبة: ۶۷.

۳- البقرة: ۱۵.

۴- بقره: ۱۵.

۵- آل عمران: ۵۴.

۶- آل عمران: ۵۴.

۷- النساء: ۱۴۲.

۸- نساء: ۱۴۲.

۹- النساء: ۹.

۱۰- نساء: ۹.

۱۱- التوبة: ۷۹.

(آن‌هایی که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقات‌شان عیب‌جویی می‌کنند و کسانی را که جز به مقدار توانائی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آن‌ها را مسخره می‌کند و برای آن‌ها عذاب دردناکی است!)^(۱).

ولنغترف من معین آل محمد(ع) في بيان هذه الآيات في الرواية الآتية:

جهت بیان این آیات از چشمه زلال خاندان محمد(ع) در روایت ذیل استفاده می‌کنیم:

علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن أبيه، عن الرضا علي بن موسى (عليهما السلام)، قال: (سألته عن قول الله (عزوجل): ﴿سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ﴾، وعن قول الله (عزوجل): ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ﴾، وعن قوله: ﴿وَمَكْرُؤًا وَمَكَرَ اللَّهُ﴾، وعن قوله: ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ﴾، فقال: إن الله تبارك وتعالى لا يسخر ولا يستهزئ ولا يمكر ولا يخادع، ولكنه (عزوجل) يجازيهم جزاء السخرية وجزاء الاستهزاء، وجزاء المكر والخديعة، تعالى الله عما يقول الظالمون علواً كبيراً^(۲).

علی بن حسن بن علی بن فضال از پدرش، از رضا علی بن موسی(ع) روایت می‌کند و می‌گوید: (از امام رضا(ع) در مورد سخن خداوند پرسیدم: (خداوند آنان را مسخره می‌کند)، و از سخن خداوند: (خداوند آنان را به استهزاء می‌گیرد)، و از سخن خداوند: (آنان حيله کردند و خداوند حيله نمود)، و از سخن خداوند: (خدا را می‌فریبند و او آنان را می‌فریبد)، فرمود: خداوند تبارک و تعالی مسخره نمی‌کند و به استهزاء نمی‌گیرد و فریب نمی‌دهد و خُده نمی‌کند، اما در قبال مسخره و سبک‌شماری و مکر و نیرنگ و فریب‌بندگان ناشایست خویش پاسخی مطابق کردارشان داشته، خداوند از سخنانی که ستمکاران در مورد او می‌گویند منزّه و والاتر است)^(۳).

ولنطلع على مدى رحمة الله تعالى بعباده وحرصه على قلوبهم من العجب والرياء ... الخ:

و به مقدار رحمت خداوند متعال به بندگان و حرص و عجب و ریای ایشان بر دل‌هایشان می‌نگریم. الخ.

۱- توبة: ۷۹.

۲- التوحيد - للشيخ الصدوق: ص ۱۶۳.

۳- توحيد - شيخ صدوق: ص ۱۶۳.

عن أبي عبيدة الحذاء، عن أبي جعفر(ع)، قال: (قال رسول الله(ص): قال الله(عزوجل): إن من عبادي المؤمنين لمن يجتهد في عبادتي فيقوم من رقادته ولذيد وساده فيتهجد في الليالي ويتعب نفسه في عبادتي فأضربه بالنعاس الليلة والليلتين نظراً مني له وإبقاء عليه فينام حتى يصبح ويقوم وهو ماقت لنفسه زار عليها، ولو أخلي بينه وبين ما يريد من عبادتي لدخله من ذلك العجب فيصيره العجب إلى الفتنة بأعماله ورضاه عن نفسه حتى يظن أنه قد فاق العابدين، وجاز في عبادته حد التقصير فيتباعد مني عند ذلك وهو يظن أنه يتقرب إليّ)^(۱).

أبي عبيدة حذاء از ابي جعفر(ع) روایت می‌کند که حضرت فرمودند: (رسول الله(ص) فرمود: خداوند فرمود: بعضی از بندگان من در پرستش من تلاش می‌کنند و از رختخوابشان برمی‌خیزند و از لذت خوابش می‌گذرد، شب‌زنده‌داری می‌کند و بدنش را در عبادت من به‌سختی می‌اندازد، و یک شب یا دو شب خواب‌آلودگی می‌کشد، به خاطر نگاه کردن من به او و باقی گذاشتن او، می‌خوابد تا اینکه صبح می‌شود و بلند می‌شود، درحالی که به خودش خشمگین است، اگر من اجازه می‌دادم مرا عبادت نماید، از این عبادت عجب وارد او می‌شد و این عجب باعث فتنه در کارهایش می‌شد و اینکه از خودش خشنود باشد تا اینکه گمان می‌کند از عبادت‌کنندگان شده است و در عبادت از حد کوتاهی عبور می‌کند و در نتیجه در آن زمان از من دور می‌شود، ولی خودش فکر می‌کند که به من نزدیک می‌شود)^(۲).

عن النبي(ص)، عن جبرئيل، عن الله(عزوجل)، قال: (قال الله تبارك وتعالى: من أهان ولياً لي فقد بارزني بالمحاربة، وما ترددت في شيء أنا فاعله مثل ما ترددت في قبض نفس المؤمن يكره الموت وأكره مساءته ولا بد له منه، وما تقرب إلي عبدي بمثل أداء ما افترضت عليه، ولا يزال عبدي يتنفل لي حتى أحبه، ومتى أحبته كنت له سمعاً وبصراً ويداً ومؤيداً، إن دعاني أجبتة، وإن سألني أعطيته، وإن من عبادي المؤمنين لمن يريد الباب من العبادة فأكفه عنه لئلا يدخله عجب فيفسده ذلك، وإن من عبادي المؤمنين لمن لا يصلح إيمانه إلا بالفقر ولو أغنيته لأفسده ذلك، وإن من عبادي المؤمنين لمن لا يصلح إيمانه إلا بالغناء ولو أفقرته لأفسده ذلك، وإن من عبادي المؤمنين لمن لا يصلح إيمانه إلا بالسقم ولو صححت جسمه لأفسده ذلك، وإن من عبادي المؤمنين لمن لا يصلح إيمانه إلا بالصحة ولو أسقمته لأفسده ذلك، إنني أدبر عبادي لعلمي بقلوبهم، فإنني عليم خبير)^(۳).

۱- التوحيد - للشيخ الصدوق: ص ۴۰۴-۴۰۵.

۲- توحيد - شيخ صدوق: ص ۴۰۴-۴۰۵.

۳- التوحيد - للشيخ الصدوق: ص ۳۹۹-۴۰۰.

پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل از الله روایت می‌کند: (خداوند تبارک و تعالی فرمود: هر فردی به ولی من اهانت کند، با من به جنگ پرداخته است و در انجام دادن چیزی مردد نمی‌شوم مانند مردد شدن در قبض نفس مؤمن که از مرگ بدش می‌آید و من از بدی او کراهت دارم، ولی باید او از دنیا برود و بندهام به واسطه چیزی مانند انجام چیزی که بر او واجب کردم به من نزدیک نشده است و بندهام دائماً مستحبات را انجام می‌دهد تا اینکه او را دوست می‌دارم و هر زمانی او را دوست بدارم گوش و چشم و دست و تأییدکننده او می‌شوم، اگر مرا بخواند پاسخش را می‌دهم و اگر از من درخواست کند به او عطا می‌کنم و بعضی از بندگان مؤمن من هستند که درخواست گونه‌ای از عبادت را می‌نمایند، ولی من او را از آن باز می‌دارم، تا عجب وارد او نشود، و عجب او را فاسد کند و بعضی از بندگان مؤمن من هستند که ایمانش فقط با فقر نیکو می‌شود و اگر او را بی‌نیاز کنم باعث فساد او می‌شود و بعضی از بندگان مؤمن من هستند که ایمانش فقط با بی‌نیازی نیکو می‌شود و اگر او را فقیر کنم باعث فساد او می‌شود و بعضی از بندگان مؤمن من هستند که ایمانش فقط با بیماری نیکو می‌شود و اگر جسمش را صحت ببخشم باعث فساد او می‌شود و بعضی از بندگان من هستند که ایمانش فقط با صحت نیکو می‌شود و اگر او را بیمار کنم باعث فساد او می‌شود، من بندگانم را تدبیر می‌کنم، چون به دل‌های آنان آگاهی دارم، من دانا و خُبره هستم.)^(۱)

بل حتی صاحب الذنوب والمعاصي بل حتی صاحب الضلال إذا توجه لله بقلب سليم وطلب منه الهداية فهيهات أن يضلّه الله تعالى أو أن يغشه ويريه الباطل على أنه حق، تعالى الله عن ذلك علواً كبيراً.

حتی صاحب گناهان و معاصی و حتی صاحب گمراهی اگر به خداوند با دل سلیم توجه کند و از او درخواست هدایت کند، محال است خداوند متعال او را گمراه کند یا او را فریب دهد و باطل را به‌عنوان حق به او نشان دهد، خداوند واقعاً از آن به دور است.

ثم إن المؤمن يرى بعين الله تعالى أو لا بد أن يكون له طريقاً له مع الله تعالى، والذي يفرع إلى الله تعالى عند الشدائد والملمات فهذا دليل ثقته بالله تعالى واعتماده عليه، والذي يثق بالله ويتقي الله يجعل له فرقاناً يفرق به بين الحق والباطل، وإلا فلنترك عبادة الله ونعبد الأحجار - والعياذ بالله - .

هم‌چنین انسان مؤمن با چشم خداوند متعال نگاه می‌کند، باید راهی برای او با خداوند متعال باشد و فردی که در زمان شدائد و سختی‌ها به خداوند پناه می‌برد، این دلیل تکیه و اعتماد وی به خداوند متعال است و فردی که به خداوند اعتماد دارد و از او می‌ترسد، خداوند برایش فرقانی برای شناخت حق از باطل قرار می‌دهد، وگرنه عبادت خداوند را باید ترک کنیم و سنگ‌ها را بپرستیم، پناه بر خدا.

قال تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^(۱).

خداوند متعال می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!)^(۲).

قال علي بن إبراهيم في تفسيره: (قوله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا﴾ يعني العلم الذي تفرقون به بين الحق والباطل)^(۳).

علی بن ابراهیم در تفسیرش می‌گوید: (قوله: (فرموده‌اش: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد. یعنی علمی که با آن بین حق و باطل جدایی انداخته می‌شود) یعنی العلم الذی تفرقون به بین الحق والباطل)^(۴).

وعن ابن عباس: (قرأ رسول الله (ص): ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾^(۵)، قال: من شبهات الدنيا، ومن غمرات الموت، وشدائد يوم القيامة)^(۶).

۱- الأنفال: ۲۹.

۲- انفال: ۲۹.

۳- تفسیر القمی: ج ۱ ص ۲۷۲.

۴- تفسیر قمی: ج ۱ ص ۲۷۲.

۵- الطلاق: ۲.

۶- تفسیر مجمع البیان: ج ۱۰ ص ۴۳.

و ابن عباس می گوید: (رسول الله ص) (این آیه را) خواند: (هر کس تقوای الهی داشته باشد برای او محل خروجی قرار می دهد.)^(۱)، فرمود: از شبهات دنیا و از سختی های مرگ، و شاید روز قیامت)^(۲).

وعن الإمام علي(ع): (اعلموا أنه من يتق الله يجعل له مخرجاً من الفتن، ونوراً من الظلم)^(۳).

و امام علی (ع) می فرماید: (بدانید هر فردی تقوای الهی داشته باشد برای او محل خروجی از فتنه ها و نوری از تاریکی قرار می دهد)^(۴).

والطرق إلى الله بعدد أنفاس الخلائق، والله لا بخل بساحته، وما على العبد إلا أن يطرق الباب بإخلاص وخضوع وصدق، وصاحب الدار كريم جواد لا يغلق بابه في وجه قاصديه ولا تزيد كثرة العطاء إلا جوداً وكرماً، والإنسان على نفسه بصيرة وإن ألقى معاذيره، كما قال الله (عزوجل).

راه های رسیدن به خداوند به اندازه آفریده هاست، در ساحت خداوند بخلی نیست، فقط بر بنده است که درب را با اخلاص و خضوع و راستی بزند و صاحب خانه کریم و بخشنده درب منزلش را بر روی فردی که قصد ایشان کرده را نمی بندد و زیادی بخشش فقط به بخشش و کرم او می افزاید و انسان بر خودش داناست، هرچند عذر بیاورد، همان طور که خداوند فرمودند.

ب- وقولك: (وكيف تفسر لنا أنه من النصارى يشفون وينالون كرامات على حسب اعتقادهم الضال في المسيح(ع).

ب- سخن شما: (چگونه برای ما تفسیر می کنید که مسیحیان شفا می دهند و به کراماتی دست پیدا می کنند، برحسب اعتقاد گمراهشان در مورد مسیح(ع).

أقول: لا يمكن أن تجري كرامات الله تعالى ومعجزاته وآياته على أيدي المنحرفين، وأقول (كرامات ومعجزات وآيات) لا سحر ولا شعوذة ولا مكر الله بالذين تركوا حجج الله وبيناته

۱- طلاق: ۲.

۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۱۰ ص ۴۳.

۳- بحار الانوار: ج ۸ ص ۱۶۳.

۴- بحار الانوار: ج ۸ ص ۱۶۳.

وآياته ... كخوار عجل بني إسرائيل، ولا فضح الله للمبطلين كما حصل لمسيلمة الكذاب حيث تفل في البئر فغار ماؤه.

می‌گوییم: امکان ندارد که کرامات و معجزات و آیات خداوند متعال به دست منحرفین جاری شود، و می‌گوییم: (کرامات و معجزات و آیات) نه سحر و شعبده و نه مکر خداوند به افرادی که حجت‌ها و بینات و آیات خداوند را ترک کردند، می‌باشد، مانند صدای گوساله بنی اسرائیل و نه مُفتضح کردن افراد باطل، همان‌طور که برای مسیلمه کذاب رخ داد و در چاه آب دهان انداخت و آبش خشک شد.

ولو كانت كرامات الله ومعجزاته وآياته تظهر على أيدي المبطلين لكان إضلال للناس وخطا للحق بالباطل، تعالى الله عن ذلك علواً كبيراً.

اگر کرامات خدا و معجزات و آیات او به دست افراد باطل آشکار شود، گمراه نمودن و مخلوط نمودن حق با باطل پیش می‌آید، خداوند از آن بسیار بالاتر است.

ولنقرأ هذه القصة، ففيها موعظة عظيمة:

عن الإمام الحسن بن علي(ع): (لما كاعت اليهود عن هذا التمني وقطع الله معاذيرهم، قالت طائفة منهم - وهم بحضرة رسول الله(ص) وقد كاعوا وعجزوا - يا محمد، فأنت والمؤمنون المخلصون لك مجاب دعاؤكم، وعلي أخوك ووصيك أفضلهم وسيدهم؟ قال رسول الله(ص) بلى. قالوا: يا محمد، فإن كان هذا كما زعمت فقل لعلي يدعوا الله لابن رئيسنا هذا، فقد كان من الشباب جميلاً نبيلاً وسيماً قسماً لحقه برص وجذام وقد صار حمى لا يقرب، ومهجوراً لا يعاشر، يناول الخبز على أسنة الرماح.

این داستان را می‌خوانیم، در آن پندی بزرگ است:

امام حسن بن علی(ع) می‌فرماید: (زمانی که یهود از این آرزو دست برداشتند و خداوند عذر آنان را قطع کرد، گروهی از آنان درحالی که در محضر رسول الله(ص) بودند و ترسیدند و ناتوان شدند، عرض کردند: ای محمد، آیا شما و مؤمنان مخلص دعایتان مستجاب است، و علی برادر و وصی تو بهترین آنان و آقای آنهاست؟ رسول الله(ص) فرمود: بله، عرض کردند: ای محمد، اگر این‌گونه است که گمان می‌کنی، به علی بگو برای این فرزند رئیس ما دعا کند، و از جوانان زیبا و نیکو بود، مخصوصاً اینکه برص و جذام داشت، و فردی بود که به او نزدیک نمی‌شدند، و مهجوری که با او معاشرت نمی‌شد، و با سرنیزه به او نان می‌دادند.

فقال رسول الله (ص): ايتوني به، فأتي به، فنظر رسول الله (ص) وأصحابه منه إلى منظر فظيع سمج قبيح كريه، فقال رسول الله (ص): يا أبا حسن، ادع الله له بالعافية، فإن الله يجيبك فيه. فدعا له فلما كان بعد (عند) فراغه من دعائه إذا الفتى قد زال عنه كل مكروه وعاد إلى أفضل ما كان عليه من النبل والجمال والوسامة والحسن في المنظر. فقال رسول الله (ص) للفتى: يا فتى، آمن بالذي أغاثك من بلائك. قال الفتى: قد آمنت - وحسن إيمانه -، فقال أبوه: يا محمد، ظلمتني وذهبت مني بابني، يا ليته كان أجذم أبرص كما كان ولم يدخل في دينك، فإن ذلك كان أحب إليّ.

رسول الله (ص) فرمود: او را برای من بیاورید، او را آوردند، رسول الله (ص) نگاه کرد و یارانش منظره ترسناک و قبیح می دیدند، رسول الله (ص) فرمود: ای ابوالحسن، از خداوند درخواست عافیت برای او کن، خداوند پاسخ تو را می دهد، برای او دعا کرد، زمانی که از دعا فارغ شد، ناگهان آن جوان هر چیز ناپسندی از او برطرف شد، و به بهترین حالات زیبایی و نیکویی و قشنگی چهره شد، رسول الله (ص) به جوان فرمود: ای جوان، به فردی که تو را از مصیبت نجات داد ایمان بیاور، جوان گفت: ایمان آوردم، و ایمانش نیکو شد، پدرش عرض کرد: ای محمد، به من ستم کردی و پسر مرا از من گرفتی، ای کاش جذام داشت و برص داشت و در دین تو وارد نمی شد، من این مسئله را بیشتر دوست دارم.

قال رسول الله (ص): لكن الله (عزوجل) قد خلصه من هذه الآفة وأوجب له نعيم الجنة. قال أبوه: يا محمد، ما كان هذا لك ولا لصاحبك، إنما جاء وقت عافيته فعوفي، فإن كان صاحبك هذا - يعني علياً - مجاباً في الخير فهو أيضاً مجاب في الشر، فقل له يدعو عليّ بالجذام والبرص، فإنني أعلم أنه لا يصيبني، ليتبين لهؤلاء الضعفاء الذين قد اغتروا بك أن زواله عن ابني لم يكن بدعائه.

رسول الله (ص) فرمود: خداوند او را از این آفت نجات داد و نعمت بهشت را برای او واجب کرده است، پدرش عرض کرد: ای محمد، این در اختیار تو و همراهت (علی) نبود، زمان عافیت او رسید و عافیت پیدا کرد، اگر این همراهت (علی) دعای خیرش مستجاب می شود، همچنین دعای شرش مستجاب می شود، به او بگو: برایم دعا کند که جذام و برص بگیرم، من یقین دارم که ضرری به من نمی رسد، تا برای این ضعیفان که فریب تو را خوردند روشن شود که از بین رفتن آن از فرزندم به دعای او نبوده است.

فقال رسول الله (ص): يا يهودي، اتق الله وتنهأ بعافية الله إياك، ولا تتعرض للبلاء ولما لا تطيقه، وقابل النعمة بالشكر، فإن من كفرها سلبها، ومن شكرها امتري مزيدها.

رسول الله (ص) فرمود: ای یهودی، از خداوند بترس و درخواست عافیت کن، و در مسیر مصیبت و آنچه در توانت نیست قرار نگیر، و در برابر نعمت شکر کن، هر فردی کفر نعمت کند، از او برداشته می‌شود، و هر فردی شکر نعمت نماید، بیشتر می‌شود.

فقال اليهودي: من شكر نعم الله تكذيب عدو الله المفتري عليه، وإنما أريد بهذا أن أعرف ولدي أنه ليس مما قلت له وادعيته قليل ولا كثير، وأن الذي أصابه من خير لم يكن بدعاء علي صاحبك.

یهودی عرض کرد: یکی از مصادیق شکر نعمت‌های خداوند تکذیب کردن دشمن خداوند است که به او دروغ می‌بندد و به واسطه این می‌خواهم به فرزندم بفهمانم که آنچه به او گفتم نیستی، و آنچه ادعا کردی اندک است و زیاد نیست و آنچه از خوبی به او رسیده است، با دعای علی همراهت نبود.

فتبسم رسول الله (ص) وقال: يا يهودي، هبك قلت إن عافية ابنك لم يكن بدعاء علي (ع)، وإنما صادف دعاؤه وقت مجيء عافيته، رأيت لو دعا علي (ع) عليك بهذا البلاء الذي اقترحته فأصابك، أتقول إن ما أصابني لم يكن بدعائه، ولكنه صادف دعاؤه وقت بلائي؟

رسول الله (ص) تبسم کرد و فرمود: ای یهودی، گفتم که عافیت فرزندت به دعای علی (ع) نبوده است، و دعای او اتفاقی و در زمان رسیدن عافیت او مستجاب شد، آیا فکر می‌کنی اگر علی (ع) علیه تو این دعا که به تو رسیده است را انجام دهد و به تو این مصیبت برسد، آیا می‌گویی که این مصیبتی که به من رسیده است با دعای او نبوده است و دعای او به صورت اتفاقی در زمان مصیبت من اتفاق افتاده است؟

قال: لا أقول هذا؛ لأن هذا احتجاج مني على عدو الله في دين الله واحتجاج منه عليّ، والله أحكم من أن يجيب إلي مثل هذا فيكون قد فتن عباده ودعاهم إلى تصديق الكاذبين.

عرض کرد: این مطلب را نمی‌گویم: چون این احتجاج از من علیه دشمن خدا در دین خدا و احتجاج از او علیه من است، و خداوند با حکمت‌تر است که به مانند این مسئله پاسخ دهد و بندگانش را مورد آزمایش قرار دهد و آنان را به تصدیق دروغ‌گویان دعوت نموده است.

فقال رسول الله (ص): فهذا في دعاء علي (ع) لابنك كهو في دعائه عليك، لا يفعل الله تعالى ما يلبس به على عباده دينه ويصدق به الكاذب عليه. فتحير اليهودي لما بطلت عليه شبهته، وقال: يا محمد، ليفعل علي هذا بي إن كنت صادقاً.

رسول الله (ص) فرمود: این دعای علی (ع) برای فرزندان مانند دعای او علیه توست، خداوند متعال کاری انجام نمی دهد که بر بندگانش باعث اشتباه شود و دروغ گو بر او تصدیق شود، یهودی زمانی که شبهه اش علیه او باطل شد سرگردان شد، و عرض کرد: ای محمد، اگر راست می گویی این کار را در مورد من انجام بده.

فقال رسول الله (ص) لعلي (ع): يا أبا حسن، قد أبى الكافر إلا عتواً وتمرداً وطغياناً، فادع عليه بما اقترح، وقل: اللهم ابتله ببلاء ابنه من قبل، فقالها فأصاب اليهودي داء ذلك الغلام مثل ما كان فيه الغلام من الجذام والبرص، واستولى عليه الألم والبلاء، وجعل يصرخ ويستغيث ويقول: يا محمد، قد عرفت صدقك فأقلني.

رسول الله (ص) به علی (ع) فرمود: ای ابو حسن، کافر از روی تمرد و طغیان و سرپیچی ابا کرد، به آنچه می خواهد دعا کن و بگو: خدایا، او را به بلای فرزندش که داشت دچار کن، حضرت آن سخن را گفت و به آن یهودی درد آن جوان رسید، دردی مانند آنچه برای آن جوان از جذام و برص بود، و درد و مصیبت بر او مستولی شد، و فریاد می زد و کمک می خواست و عرض کرد: ای محمد، راستی تو را فهمیدم پس از من درگذر.

فقال رسول الله (ص): لو علم الله صدقك لنجاك، ولكنه عالم بأنك لا تخرج عن هذا الحال إلا ازددت كفراً، ولو علم أنه إن نجاك آمنت به لجاد عليك بالنجاة، فإنه الجواد الكريم^(١).

رسول الله (ص) فرمود: اگر خداوند راستی تو را می دانست، تو را نجات می داد، ولی خداوند می داند که تو از این حالت بیرون نمی آیی مگر اینکه کفرت افزایش می یابد، و اگر خداوند می دانست که با نجات دادن تو به او ایمان می آوردی، با نجات به تو جود می نمود، چون او بخشنده و کریم است^(٢).

والشاهد من هذه القصة أن الله تعالى لا يفعل ما يلبس على الناس دينهم ويؤيد الكاذبين المفترين.

١- بحار الأنوار: ج ٩ ص ٣٢٣-٣٢٦.

٢- بحار الأنوار: ج ٩ ص ٣٢٣-٣٢٦.

و شاهد این داستان این است که خداوند متعال کاری که باعث اشتباه شود و باعث از بین رفتن دین آنان و تأیید دروغ‌گویان افترا زنده شود انجام نمی‌دهد.

نعم قد يستجيب الله لدعاء أهل الباطل والكفرة وأمثالهم أو يقضي حوائجهم، ولكن هذا من باب إعطائهم جزاءهم على ما فعلوا من خير أو إحسان وما لهم في الآخرة من نصيب.

بله گاهی خداوند دعای اهل باطل و کافران و مانند آنان را مستجاب می‌کند و نیازهایشان را برطرف می‌کند، ولی این از باب دادن پاداش کار خوب یا احسان آنان است و در آخرت بهره‌ای ندارند.

عن أبي عبد الله (ع)، قال: (قال رسول الله (ص): قال الله (عز وجل): وعزتي وجلالي لا أخرج عبداً من الدنيا وأنا أريد أن أرحمه حتى أستوفي منه كل خطيئة عملها، إما بسقم في جسده، وإما بضيق في رزقه، وإما بخوف في دنياه، فإن بقيت عليه بقية شددت عليه عند الموت. وعزتي وجلالي لا أخرج عبداً من الدنيا وأنا أريد أن أعذبه حتى أوفيه كل حسنة عملها، إما بسعة في رزقه، وإما بصحة في جسده، وإما بأمن في دنياه، فإن بقيت عليه بقية هونت عليه بها الموت)^(۱).

أبي عبد الله (ع) می‌فرماید: (رسول الله (ص) فرمود: خداوند متعال فرمود: قسم به بزرگی و جلالم بنده‌ای را از دنیا بیرون نمی‌برم، درحالی که قصد دارم به او مرحمت کنم تا اینکه تمام اشتباهاتی که انجام داده است را از او می‌گیرم، یا با بیماری در جسدش، یا با تنگی در روزی‌اش، و یا با ترس در دنیایش، اگر با او باقی بماند، هنگام مرگ بر او شدید می‌گیرم و قسم به بزرگی و جلالم بنده‌ای را از دنیا بیرون نمی‌برم، درحالی که قصد دارم او را عذاب کنم تا اینکه تمام کارهای نیکی که انجام داده است را می‌گیرم، یا با وسعت در روزی، و یا با صحت در جسمش، و یا با امنیت در دنیایش، اگر با او باقی ماند، هنگام مرگ بر او راحت می‌گیرم)^(۲).

ج- قولك: (وبعض أهل العوام ممن ليس على ولاية آل البيت (ع) ورغم ذلك يرى البعض منهم الرسول (ص)، ونحن رأينا رؤيات في مايوول ويفسر لصدق دعواكم).

ج- سخن شما: (بعضی از اهل عوام که بر ولایت اهل بیت (ع) نیستند، با این وجود بعضی از آنان رسول الله (ص) را می‌بینند، و ما نیز رؤیاهایی دیدم که تأویل و تفسیر آن در تصدیق دعوت شماست).

۱- الکافی: ج ۲ ص ۴۴۴.

۲- کافی: ج ۲ ص ۴۴۴.

أقول: رؤية الرسول محمد (ص) وأهل بيته في المنام ليست مقتصرة على أهل الحق، ولكن لا يمكن أن يتناقض ملكوت الله تعالى، فلا يمكن أن يشهد الله تعالى مثلاً للسيد أحمد الحسن بأنه صاحب الحق وكذلك يشهد لأعدائه بأنهم على الحق، نعم قد تكون هناك رؤى متشابهة يفهمها صاحبها على أنها تؤيده ولكنها في الحقيقة خلاف ما فهمه أي إنها غير صريحة ومحكمة، يعني مثلاً أنا سمعت رؤيا من أحد أتباع الفقهاء بأنه رأى رؤيا: كأن أمير المؤمنين (ع) موجوداً في مكان ما وكان وقت صلاة والناس جاءت إليه ليصلوا خلفه فلم يقبل وأشار إليهم أن يذهبوا ويصلوا خلف شخص كان موجوداً في ذلك المكان وهو أحد العلماء - أحد مدعي العلم - .

می گویم: دیدن رسول الله (ص) و اهل بیتش (ع) در خواب، فقط مختص اهل حق نیست، ولی امکان ندارد که ملکوت خداوند متعال متناقض شود، امکان ندارد که خداوند متعال مثلاً شهادت دهد که سید احمد الحسن (ع) صاحب حق است و هم چنین شهادت دهد که دشمنانش بر حق هستند؛ بله گاهی اوقات ممکن است رؤیای متشابه باشد که صاحبش از آن می فهمد که او را تأیید می کند ولی در حقیقت برخلاف فهم اوست، یعنی آن غیر صریح و محکم است، یعنی مثلاً من از یکی از اتباع فقها شنیدم که رؤیایی دید: امیرالمؤمنین (ع) در یک مکانی بود، و وقت نماز بود و مردم آمدند تا پشت سر ایشان نماز بخوانند ولی ایشان به آنان اشاره کرد تا بروند و پشت سر آن فردی که در آن مکان بود نماز بخوانند، و او یکی از علماء بود، یکی از مدعیان علم.

فهم صاحب الرؤيا أن هذه الرؤيا تؤيد ذلك العالم، في حين أنها ليست هكذا؛ لأن الناس لو كانت مستحقة للصلاة خلف أمير المؤمنين (ع) لما منعهم وحرّمهم منها، والصلاة ترمز للولاية، ولو كان ذلك العالم موالياً لأمير المؤمنين (ع) حقاً فلماذا هو منعزل في صلاته ولم يأتهم بأمر المؤمنين (ع)، فيتبين أن الناس متبعة للعلماء لا لأهل البيت (ع)، يعني الإمام علي (ع) يقول لهم أنتم من أتباع العلماء وليس من أتباعي، فذهبوا وصلوا خلف من اتبعتم - والله العالم -، وإلا كيف يكون أمير المؤمنين موجوداً ويصلي في مكان معين وتعدّد صلاة جماعة بإمامة غيره في نفس المكان؟! وهو أمير المؤمنين وإمام المتقين، فلو كان هؤلاء الناس متقين لكان أمير المؤمنين إمامهم - نعوذ بالله من الضلال والإضلال - .

برداشت صاحب رؤيا این بود که این رؤيا آن عالم را تأیید می کند، درحالی که این گونه نیست، چون اگر مردم مستحق نماز خواندن پشت سر امیرالمؤمنین (ع) بودند، ایشان آن ها را منع و محروم نمی کرد، و نماز رمز ولایت است، و اگر آن عالم از دوستان واقعی امیرالمؤمنین (ع) بود، چرا جداگانه نماز می خواند و به

امیرالمؤمنین (ع) اقتدا نکرد، و مشخص می‌شود که مردم از علماء دنبال‌رو می‌کنند و نه از اهل‌بیت (ع)، یعنی امام علی (ع) به آنان می‌گوید: شما از اتباع علماء هستید و از اتباع من نیستید، و بروید و پشت سر فردی که پیرو او هستید نماز بخوانید، خداوند دانایتر است، وگرنه چگونه امیرالمؤمنین (ع) باشند و در یک مکان مشخصی نماز بخوانند و نماز جماعتی با امامت غیر ایشان در همان مکان برگزار شود؟! و ایشان امیرالمؤمنین و امام متقیان است، و اگر این افراد مُتقی بودند امیرالمؤمنین (ع) امام آنان می‌شد، پناه بر خدا از گمراهی و گمراه نمودن.

ولكن لو قال لهم الإمام علي(ع) مثلاً: إن هذا العالم وكيلى أو نائبي أو ممثلي أو إنه الحق فصلوا خلفه أو اتبعوه لكانت الرؤيا محكمة و صريحة في أن هذا العالم حق وعادل.

ولی اگر امام علی (ع) به آنان مثلاً این‌گونه می‌فرمود: این عالم وکیل من یا نایب من نماینده من است. یا ایشان حق است و پشت سرش نماز بخوانید یا از او پیروی کنید، رؤیا محکم و صریح بود به این‌که عالم حق و عادل است.

أما الرؤى التي منَّ الله بها على المؤمنين الأنصار فهي إعجاز بحد ذاتها، فهي بالمئات إن لم نقل بالآلاف ومن مختلف الناس، بل حتى من أشخاص كانوا محاربين للدعوة المباركة، بل منها من أشخاص لم يعلموا بالدعوة أي قبل أن يسمعوا بدعوة السيد أحمد الحسن، ورؤى صريحة ومحكمة بل في غاية الصراحة والإحكام ولا تحتمل التأويل، فلو جاز للإنسان أن يشكك في رؤيا أو رؤيتين أو عشر أو عشرين ... فكيف يجوز له أن يشكك في هذا الكم الهائل من الرؤى الصادقة بالمعصومين والتي تنص صراحة على أن السيد أحمد الحسن حق وأنه وصي ورسول الإمام المهدي (ع) واليمني الموعود ... الخ، أضف إلى ذلك أن بعض الرؤى تحتوي على كرامات و اخبارات تحققت في أرض الواقع، وكما يقول الشهيد محمد صادق الصدر (رحمه الله) إن هكذا رؤى تعتبر من قبيل المعجزات.

اما رؤیاهایی که خداوند به واسطه آن بر مؤمنین انصار منت گذاشته، در حد خودش معجزه است، آن‌ها صدها رؤیاست، اگر نگوئیم هزاران، و از سوی مردم مختلف است، بلکه حتی از افرادی که دشمن دعوت مبارک هستند، بلکه از افرادی که جریان دعوت را نمی‌دانستند، یعنی قبل از این‌که دعوت سید احمد الحسن (ع) را بشنوند، و رؤیاهای صریح و محکم است بلکه در انتهای صراحت و محکم بودن است و احتمال تأویل ندارد. برای انسان امکان دارد که در یک رؤیا یا دو رؤیا یا ده رؤیا یا بیست رؤیا شک کند. ولی چگونه می‌تواند در این تعداد

بسیار از رؤیاهای صادق به معصومین شک نماید، رؤیاهایی که تصریح می‌کند که سید احمدالحسن (ع) حق است و ایشان وصی و فرستاده امام مهدی (ع) و یمانی موعود است، الخ. علاوه بر این بعضی از رؤیاهای دربردارنده کرامات و خبرهایی است که در واقع اتفاق افتاده است، همان طور که شهید محمد محمد صادق صدر ع می‌گوید: این قبیل رؤیاهای از جمله معجزات است.

د- قولك: (حيث إنني أعتقد بوجود أناس من أهل المخالفين الذين لا يوالون العترة الطاهرة (ع) ويحبون الله ويخافونه ألا ينبغي أن يهديهم الله لولاية آل البيت (ع)، ولما هذا الملاء والمد بالطغيان، وكيف نميز أننا على الحق والله تعالى يخبرنا بالرؤيا أنكم حق وأنه لا يمدنا في طغياننا نعمه).

د- سخنت: (من اعتقاد دارم که مردمی از مخالفین هستند که ولایت عترت پاک (ع) را ندارند، و خدا را دوست دارند و از او می‌ترسند، آیا شایسته نیست که خداوند آنان را به ولایت اهل بیت (ع) هدایت کند، چرا این نگه‌داشتن و استمرار در طغیان وجود دارد، چگونه تشخیص دهیم که بر حق هستیم و خداوند متعال در رؤیا به ما خبر داده که بر حق هستید، و ما را در طغیانمان در نعمت‌هایش نگه نداشته است؟).

أقول: الذين لا يوالون أهل البيت (ص) لا يحبون الله تعالى حقيقة، قال الله تعالى: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۱).

می‌گویم: افرادی که ولایت اهل بیت (ع) را ندارند در حقیقت خداوند متعال را دوست ندارند، خداوند متعال می‌فرماید: (بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است)^(۲).

فالذي لا يتبع الرسول محمد (ص) لا يحب الله تعالى، والرسول (ص) قد أمر بموالاتة أهل البيت (ع) ومعاداة أعدائهم، فالمخالفين صنعوا العكس حيث والوا أعداء أهل البيت (ع) وعادوا أهل البيت (ع) من حيث يعلمون أو من حيث لا يعلمون، منهم تقليداً واتباعاً لدين الآباء والأجداد، ومنهم تعصباً وحسداً وحقداً ... الخ.

۱- آل عمران: ۳۱.

۲- آل عمران: ۳۱.

فردی که از رسول الله (ص) پیروی نمی‌کند، خداوند متعال را دوست ندارد و رسول الله (ص) به ولایت اهل بیت (ع) و دشمنی با دشمنان آنان دستور داده است و مخالفین برعکس آن عمل کردند، وقتی که دشمنان اهل بیت (ع) را دوست دارند و دانسته یا ندانسته با اهل بیت (ع) دشمنی می‌کنند، بعضی از آنان به خاطر تقلید و پیروی از دین پدران و اجدادشان و بعضی از آنان به خاطر تعصب و حسد و کینه الخ.

وَإِذَا عَلِمْنَا بِأَنَّ اللَّهَ عَادِلٌ وَلَا يُوْجِدُ فِي سَاحَتِهِ ظَلْمٌ وَلَا بَخْلٌ، فَنَعْلَمُ أَنَّهُ قَدْ أَقَامَ الْحُجَّةَ عَلَى كُلِّ الْخَلْقِ سِوَاءَ كَانَ إِجْمَالًا أَوْ تَفْصِيلًا، وَأَمَّا الَّذِينَ عَلِمَ اللَّهُ بِأَنَّهُمْ لَا يَسْتَجِيبُونَ وَلَا يُؤْمِنُونَ فَالْأَمْرُ بِيَدِهِ تَعَالَى سِوَاءَ أَوْصَلَ لَهُمُ التَّفَاصِيلَ أَمْ لَا.

اگر بدانیم که خداوند عادل است و در ساحتش ستم و بخل نیست، می‌فهمیم که حجت را بر همه آفریده‌ها خواه اجمالی یا تفصیلی تمام کرده است، اما افرادی که خداوند می‌داند که پاسخ نمی‌دهند و ایمان نمی‌آورند، مسئله به دست خداوند متعال است، می‌خواهد تفصیل را به آنان برساند یا خیر.

قال تعالى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^(۱).

خداوند متعال می‌فرماید: (کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد)^(۲).

وقال تعالى: ﴿وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^(۳).

و می‌فرماید: (برای آنان یکسان است: چه اندازشان کنی یا نکنی، ایمان نمی‌آورند!)^(۴).

والله سبحانه إذا كان في علمه أن أحداً طالباً للحق بصدق فيقيناً أنه سيمد له يد العون لهدايته، قال تعالى: ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا...﴾^(۵).

۱- البقرة: ۶.

۲- بقره: ۶.

۳- یس: ۱۰.

۴- یس: ۱۰.

۵- الرعد: ۱۷.

خداوند سبحان اگر بداند که فردی به‌راستی طالب حق است، قطعاً دست کمک برای هدایت او دراز می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: (خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه‌ای به‌اندازه آن‌ها سیلابی جاری شد)^(۱).

ففيض الله هاتل في كل آن، ولكن القلوب أوعية وخيرها أوعاها، وكل يأخذ على قدر وعائه، وأما إذا كان الوعاء منكوساً فلا يأخذ شيئاً، وخير ما يصعد إلى السماء الإخلاص وخير ما ينزل منها التوفيق.

فیض خداوند پیوسته و دائمی است، ولی دل‌ها ظرف‌هایی است و بهترین آن‌ها با ظرفیت‌ترین آن‌هاست و هر فردی به‌اندازه ظرفش می‌گیرد، اما اگر ظرف برعکس باشد، چیزی نمی‌گیرد و بهترین چیزی که به آسمان می‌رود اخلاص است و بهترین چیزی که فرستاده می‌شود، توفیق است.

وفي الحديث القدسي: (من تقرب إليّ شبراً تقربت إليه ذراعاً، ومن تقرب مني ذراعاً تقربت منه باعاً، ومن أتاني مشياً أتيته هرولت)^(۲).

و در حدیث قدسی آمده است: (هر فردی به من به‌اندازه یک انگشت نزدیک شود، به‌اندازه یک ذراع (تقریباً نیم متر) به او نزدیک می‌شود و هر فردی به من به‌اندازه یک ذراع نزدیک شود، به‌اندازه یک باع به او نزدیک می‌شوم و هر فردی با پای پیاده به سمت من بیاید، به هروله به سمتش می‌آیم)^(۳).

وعن أبي عبد الله (ع)، قال: (ما أمر العباد إلا بدون سعتهم، فكل شيء أمر الناس بأخذه فهم متسعون له، وما لا يتسعون له فهو موضوع عنهم، ولكن الناس لا خير فيهم)^(۴).

۱- رعد: ۱۷.

۲- عوالی اللئالی - لابن ابي جمهور الأحسائي: ج ۱ ص ۵۶.

۳- عوالی اللئالی - ابن ابي جمهور احسائي: ج ۱ ص ۵۶.

۴- التوحيد - للشيخ الصدوق: ص ۳۴۷ باب ۵۶ ح ۶.

و ابی عبدالله (ع) می‌فرماید: (خداوند به بندگانش بدون وسعت‌شان دستور نداده است، هر چیزی که مردم به گرفتن آن دستور داده شده‌اند، در وسع آنان است و آنچه در وسع آنان است، برایشان قرار داده شده است، ولی در مردم خیری نیست)^(۱).

والمؤمن أخذ دينه عن الله تعالى وعن حجه لا عن الرجال فهو لا يزول ويعلم أنه على الحق وغيره على الباطل، قال تعالى: ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ﴾^(۲).

مؤمنی که دینش را از خداوند متعال و از حجت‌هایش می‌گیرد و نه از مردان، سست نمی‌شود و می‌داند که بر حق است و افراد غیر او بر باطل هستند، خداوند متعال فرمودند: (همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده و بر فراز آن موج دیگری و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمت‌هایی است یکی بر فراز دیگری، آن‌گونه که هرگاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست!)^(۳).

﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ﴾^(۴).

(و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟!)^(۵).

والذين من الله يسمعون كلام الله ويعرفون كلام الله ... كما قال السيد أحمد الحسن (ع).

افرادی که از خداوند هستند، سخن خداوند را می‌شنوند و می‌شناسند. همان‌طور که سید احمد الحسن (ع) فرمود.

۱- توحید - شیخ الصدوق: ص ۳۴۷ باب ۵۶ ح ۶.

۲- الطارق: ۴۰.

۳- نور: ۴۰.

۴- الطارق: ۳۷.

۵- زمر: ۳۷.

هـ - (وهل يعتبر الإنسان عاقاً لوالديه وقاطعاً لرحمه إن تبرأ منهم إن لم يؤمنوا بالدعوة، أم ماذا عليه أن يفعل، وهل يصح أن أساعد أمي وأختي مايا وأخي وهم ليسوا على عقيدتي، مع العلم أن والدتي آمنت بكم دون إخوتي، فهم في طور البحث وأرجو لهم الهداية حيث قلت لهم سيدي أنه لا أب لي سوى محمد وعلي وهؤلاء رحمي ولا أصل رحم من قطع رحم رسول الله ولو كان أهلي، فهل أنا قاطع رحم، وهل يجب أن أود أهلي وهم على غير عقيدتي بالأئمة والمهديين(ع)، أم ماذا أفعل).

هـ- (اگر والدین شخصی به دعوت ایمان نیاورند و ایشان از آنان برائت بجوید، آیا عاق والدین و قاطع رحم آنان شده است. یا چه رفتاری باید انجام دهد؟ آیا درست است که مادرم، خواهرم و یا برادرم را یاری دهم، درحالی که آنان بر عقیده من نیستند، با توجه به اینکه مادرم به غیر از برادران و خواهرانم به شما ایمان آورده است، آنان در حال تحقیق هستند و برایشان امید هدایت دارم، چون آقا، به آنان گفتم: پدری برایم غیر از محمد(ص) و علی(ع) نیست و اینها رحم من هستند و با رحم فردی که با رحم رسول الله(ص) قطع رحم کرده است متصل نمی شوم، هرچند خانواده من باشند. آیا من قطع رحم کردم؟ آیا واجب است که خانواده ام را دوست بدارم، درحالی که آنان بر عقیده من به امامان و مهدیین(ع) نیستند، چه کار کنم؟).

أقول: قال الله تعالى: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^(١). فالذين لا يحاربون الدعوة الحقّة لا مانع من برهم ومساعدتهم ... الخ، بل على المؤمن أن ينقل أخلاق آل محمد(ع) إلى الناس ويجسدها في أقواله وأفعاله وسكناته، لكي يكون زيناً لآل محمد(ع) لا شيناً عليهم.

می گویم: خداوند متعال می فرماید: (خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد)^(٢)، افرادی که با دعوت حق دشمنی نمی کنند، مانعی از نیکی و یاری به آنان نیست، الخ؛ بلکه بر فرد مؤمن واجب است که اخلاق آل محمد(ع) را به مردم انتقال دهد و آن را در سخنان و کارها و سكناتش به عمل برساند تا زینت خاندان محمد(ع) باشد، نه مایه زشتی آنان.

وليكن المؤمن حريصاً على هداية أهله أشد الحرص؛ لأن النهاية شديدة وعصيبة لمن لا يؤمن ويتبع الحق، وهي جهنم - أعاذنا الله تعالى -، قال تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ

١- الممتحنة: ٨.

٢- ممتحنة: ٨.

وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿١﴾

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ

مؤمن باید بر هدایت خانواده‌اش بیشتر حریص باشد، چون عاقبت فردی که ایمان نمی‌آورد و از حق پیروی نمی‌کند شدید و بد است و آن جهنم است، پناه به خداوند متعال از آن. خداوند متعال می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند اجرا می‌نمایند!)^(۲).

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

هیئت علمی - أنصار امام مهدي (مکن الله له في الأرض)
شيخ ناظم عقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ



پرسش ۵۱۸: آیا امام مهدی (ع) در علم فقه و قرآن از همه مردم داناتر است؟

السؤال / ۵۱۸: (هل المهدي سيكون أعلم الناس بعلوم الفقه والقرآن، أم أنه قائد للمسلمين؟). وهذا ما نحتاج في رأيي القول إن المرجع الشيعي غير السني، أو إن هناك مرجعيات خاطئة وأخرى صحيحة غير صحيح. والسبب بسيط؛ لأن الاختلاف منهجي وليس عقائدي.

سؤال / ۵۱۸: (آیا مهدی داناترین مردم نسبت به علوم فقه و قرآن خواهد بود، یا وی رهبری برای مسلمانان است؟) وآن چه به نظرم بدان احتیاج داریم، این که مرجع شیعی است و نه سنی، یا این که مرجعيات اشتباهی

۱- التحریر: ۶.

۲- تحریر: ۶.

وجود دارد و بعضی از صحیح‌ها غیر صحیح است. و علت ساده است، چون اختلاف در روش است و در عقاید نیست.

كلنا نصلي ونصوم ومن زاد فله أجره ولا نعرف أحد من العلماء اختلف في هذا لهذا القول إن المهدي سيكون المرجع الوحيد أو الفقيه الذي سيفسر لنا القرآن وما خفى منه وتكون حجة على الناس كلام غير باطل. نحن نحتاج لقائد .. فقط لا غير.

همه ما نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم و هر فردی که بیشتر انجام دهد پاداشش برای اوست، و کسی از علما را نمی‌شناسیم که در این به این که قائل باشد که تنها مرجع و یا فقیهی خواهد بود که قرآن را برای ما تفسیر کند و آن چه که از آن مخفی است و بر مردم حجت خواهد بود این سخن باطلی نیست. ما فقط به رهبر نیاز داریم نه چیز دیگر.

القول إن أعلم الناس أولاهم بالخلافة، غير صحيح. والقول إن الإمام أو المهدي سيكون عالم وبعلمه يحكم غير صحيح .. والدليل إن من سبقوه من أجداده لم يستطيعوا حتى تفسير القرآن. أولى ترین مردم به خلافت داناترین آنهاست یک سخن غیر صحیح است. و این که امام و یا مهدی یک عالم خواهد بود و با علمش حکومت می‌کند یک سخن نادرستی است... دلیلش این که اجداد قبل از وی حتی نتوانستند قرآن را تفسیر کنند.

سمعنا من بعض الإخوة المجتهدين أن لهؤلاء الناس إلهام أو ما يسمي محدثون .. والصوفية لهم اجتهادات، يقول ابن خلدون إن الفرق بين الساحر أو المنجم وبين الصالح أن الأخير يعطى بركة من السماء، أما المنجم أو الساحر يسرقها من السماء .. وفي كلا الحالتين لا قيمة لها. والشياطين كانت تسرق الأخبار، ولا تدل على أن هناك قوة وراء هذا الكون .. ورب فوق العباد.

از بعضی از برادران مجتهد شنیدیم که برای این مردم إلهام است یا آن چه محدث نامیده می‌شوند... صوفیه اجتهاداتی دارند، ابن خلدون می‌گوید: فرق بین ساحر یا منجم و فرد صالح این که فرد آخری برکتی از آسمان می‌دهد، اما منجم یا ساحر از آسمان سرقت می‌کنند... و در هر دو حالت برای آن ارزشی نیست. و شیاطین خبرها را به سرقت می‌بردند، و دلالت نمی‌کند که یک نیروی پشت این جهان باشد ... و پروردگاری بالاتر از بندگان.

اختلفت المذاهب الدينية والأديان، واختلافها لم يكن بقصد التقرب لله مع الأسف بل لطلب الدنيا. الناس تقرأ آية الكرسي وياسين والمعوذات والأدعية وتتقرب لقبور الصالحين لأمر دنيوي لا قيمة لها، عندما ابتلى الله أيوب (ع) لم يطلب أيوب من الله أن يرفع عنه العذاب ... وعندما ألقى بإبراهيم بالحفرة ليحرقوه لم يطلب إبراهيم من الملائكة التي عرضوا عليه أن يساعده، وعندما قال أهل مكة لمحمد عليه الصلاة والسلام اقلب لنا الصفاء ذهب ونؤمن بك جاءه جبريل وقال إن أردت أن أقلبها ذهباً فعلت لكنه رفض.

ادیان و مذاهب دینی با یکدیگر اختلاف دارند، و اختلاف آن‌ها متأسفانه به قصد نزدیکی به خداوند نیست، بلکه برای طلب دنیا است. مردم آیه الكرسي و یاسین و معوذات و دعا را می‌خوانند و به قبور شایستگان نزدیک می‌شوند، همه این کارها برای امور دنیوی است و هیچ ارزشی ندارد، وقتی خداوند ایوب (ع) را به بلا دچار نمود، ایوب از خداوند درخواست نکرد تا عذاب را از او بردارد... و زمانی که ابراهیم را در حفره‌ای انداختند تا وی را بسوزانند، ابراهیم از فرشتگانی که خدمت او رسیدند نخواست تا به وی کمک کنند، و زمانی که اهل مکه به محمد (ص) گفتند: صفا را برایمان تبدیل به طلا کن تا به شما ایمان بیاوریم، جبرئیل نزد ایشان آمد و عرض کرد: اگر می‌خواهی آن را به طلا تبدیل می‌کنم، ولی ایشان نپذیرفت.

الفرق بين الدين الإسلامي والدين اليهودي أن الإسلام مدعوم من الملائكة، لهذا نحن لا نعلق الصور بمجالسنا، أما الدين اليهودي ومعجزاته كانت مدعومة بالجن والشياطين وكان لسليمان مملكة بقوه الجن بأمر الله، كان الهدف أن نعرف جميعنا قوة الجن والشياطين من ثم نعرف قوة الملائكة ونعرف أن الله أقوى منهم، لكن هؤلاء الجن والشياطين وأغلبهم كفرة والكثير منهم على دين موسى عندما رأوا الملائكة تنصر محمد عليه الصلاة والسلام هربوا إلى غير رجعة.

فرق بین دین اسلام و دین یهودی این که اسلام از سوی فرشتگان پشتیبانی می‌شود، به همین خاطر ما در مجالس خود عکس نصب نمی‌کنیم، اما دین یهود و معجزات آن را جن و شیاطین پشتیبانی می‌کردند و برای سلیمان به دستور خداوند با نیروی جن مملکتی بود، هدف این است که همه ما نیروی جن و شیاطین را بشناسیم، و سپس نیروی فرشتگان را بشناسیم و بدانیم که خداوند از آنان نیرومندتر است، ولی بیشتر این جن‌ها و شیاطین کافر هستند و بیشتر آنان به دین موسی هستند، و زمانی که دیدند فرشتگان محمد (ص) را یاری می‌دهند، بدون اینکه بازگردند فرار کردند.

الإيمان بالله وتوحيده وترك أمور الدنيا وعدم الدعاء لأغراض دنيوية تبعد الإنسان عن الله، الله يعطي هؤلاء وهؤلاء وما كان عطاء ربك محضوراً (كذا). أفضل الدعاء طلب رضا الله، وأقبحها طلب الدنيا، الله خلق الموت والحياة ليبولونا أيما أحسن عملاً.

إيمان به خداوند و توحیدش و ترک امور دنیا و عدم دعا برای اهداف دنیوی، انسان را از خداوند دور می کند، خداوند هم به آنان می دهد و هم به این ها. و بخشش پروردگارت تمامی ندارد، بهترین دعا کسب رضای خداوند است، و ناپسندترین آن طلب دنیا است، خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا ما را بیازماید که کدام یک از ما بهتر کار می کنیم.

لقد فتن الجن والإنس؛ لأنه يريد أن يصطفي خيار البشر، لا فضل لعربي ولا عجمي (كذا) ولا انسي- ولا جني، بل هي مشيئة الله يعطيها من يشاء. التوحيد والحنفية هي عامود الدين والصلاة عبادة ومن صلى لندياه فهو عبد لندياه .. لن يغير الله ما في قوم حتى يغيروا ما في أنفسهم.

جن و انس مورد آزمایش قرار گرفتند، چون خواستند که بهترین بشر را انتخاب کنند، فضیلتی برای عرب و عجم نیست، و نه انسان و نه جن، بلکه این خواسته خداوند است که به هر فردی بخواهد می دهد. توحید و یگانه پرستی ستون دین است و نماز عبادت است و هر فردی برای دنیایش نماز بخواند بنده دنیا است... خداوند عاقبت گروهی را تغییر نمی دهد، مگر اینکه آنان خودشان تغییر دهند.

الصوفية لا بأس بها، لكنها دنيوية. وبركتها مسروقة من السماء .. يفتخر الصوفية بأن علمائهم يمشون على الماء، ما الفائدة؟

اشکالی بر صوفیه نیست، ولی آنان دنیوی هستند، و برکت آنان از آسمان دزدیده شده است... صوفیه افتخار می کنند که علمایشان روی آب راه می روند، فایده اش چیست؟

سؤالی: أين توحيد الله في رسالتك، ما تقوم به هو إثبات لذاتك، لقد قالها موسى أنا أعلم الناس فاخرج الله له الخضر(ع). والخضر ليس أعلم من في الأرض وقد صرح بهذا، وقال ما أتيت هذا بعلم من عندي. العلم بشيء ليس نهاية المطاف .. والهدف منه معرفة الله .. والإيمان به والسعادة لا تكون بالعلم بل السعادة بمعرفة الحقيقة، وكل من قرب منها ابتلاه الله وأبعده عنها وفتنه.....

ولا ینجح إلا القلیل القلیل .. والنجاح أمر عظیم، ویعنی أن الله سیکون یده التي یبطش بها وسمعه وبصره وکل ما یطلب من الله یعطیه ... وبمعنی آخر یقبله الله.

سؤال: توحید خداوند در رسالت شما کجاست، آنچه بیان نمودی برای اثبات خودت است، موسی این سخن را گفت که من اعلم‌تر از مردم هستم و خداوند خضر(ع) را برای او بیرون آورد، و خضر داناترین مردم روی زمین نبود و خودش بدان تصریح کرد، و گفت: و من این مطلب را از روی علم خود نیاوردم. علم به چیزی آخرین مرحله نیست ... و هدف از آن شناخت خداوند است... و ایمان به آن و سعادت با علم نیست، بلکه سعادت با شناخت حقیقی است. هرفردی به آن نزدیک شود خداوند او را مورد آزمایش قرار می‌دهد و او را از آن دور می‌کند و او را می‌آزماید... و فقط عده اندک و اندک پیروز می‌شوند... پیروزی مسئله بزرگی است، یعنی: خداوند دست او می‌شود که به واسطه آن ضربه می‌زند، و گوشش و چشمش می‌شود، و هرچه از خداوند درخواست کند خداوند به او می‌دهد... و به معنای دیگر خداوند او را قبول می‌کند.

سؤال الثاني: بعید عن التوحید .. إن أجت علیہ فأنت صاحب رسالت. عندما یتوفی الله الأنفس فی منامها ویقبض أرواحها ما الذي یبقی بالجسد، الروح أمره عند الله لكن أنا أسألك عن الجسد، ما هو الفرق بین المیت والنائم کلاهما بلا روح فكيف یعیش الأول ویموت الثاني بقدرة الله.

المرسل: عبد الله آل حقیل - السعودیة

سؤال دوم: دور از توحید است... اگر پاسخ دهید شما صاحب رسالت هستید، زمانی که خداوند نفس‌ها را در خواب می‌گیرد و روح‌های آنان را می‌گیرد، چه چیزی در جسد باقی می‌ماند، مسئله روح نزد خداوند است، ولی من از جسد از شما سؤال می‌کنم، فرق بین مرده و فرد خواب چيست، هر دوی آنان بدون روح هستند، پس چگونه فرد اول زندگی می‌کند و دومی به قدرت خداوند می‌میرد.

فرستنده: عبد الله آل حقیل - عربستان.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

۱- الإمام المهدي(ع) إمام وقائد أهل الأرض جميعاً، والإمام والقائد لا بد أن يكون أعلم الناس في القرآن والعقائد والفقہ وسياسة البلاد والعباد ...، فلا يمكن التفريق بين الإمامة والأعلمية، فالإنسان كلما كان عالماً بمهنته ما يكون رجاء نجاحه في مهنته أكثر، فأنت عندما تريد بناء

بيت لعيالك يكون مأوى لهم في بقية حياتهم تكون حريصاً على أن تختار أمهر البنائين بنظرِكَ، ولا أعتقد أنك تستطيع أن تقنع حتى طفلك الصغير بحكمتك عندما تختار غير الأمهر ويزداد الطين بلة عندما ينهار البيت بسبب قلة خبرة البنا.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

١- امام مهدي (ع) امام و رهبر همه زمين است، و امام و رهبر بايد از همه مردم در قرآن و عقايد و فقه و اداره شهرها و بندگان آگاهتر باشد... و نمی توان بين امامت و اعلميت جدایی انداخت، و هر گاه انسانی میزان دانایی اش به حرفه ای بیشتر باشد، امیدواری پیروزی وی در حرفه اش بیشتر خواهد بود، شما وقتی می خواهید برای خانواده ات ساختمانی بسازید محل مناسبی در طول زندگی آنان باشد، آیا به نظرت در انتخاب ماهرترین بناها حریص نخواهید بود، و فکر نکنم توانایی قانع کردن حتی کودک کوچک را نسبت به حکمت خود در انتخاب بنای غیر ماهر را داشته باشید، و وقتی ساختمان به خاطر کمبود آگاهی بنا خراب شود، کار بدتر می شود.

هذا على مستوى بيت صغير فكيف بمملكة الله تعالى، ما هي الحكمة المتوخاة عندما يوكلها إلى ملك جاهل ويترك أعلم خلقه؟!

این درمستوای خانه کوچک، چه برسد به مملکت خداوند متعال، حکمت چیست زمانی که خداوند آن را به پادشاه نادان بدهد و داناترین آفریده هایش را ترک نماید؟!

قال الله تعالى: ﴿... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾^(١).

خداوند متعال می فرماید: (... (بگو: آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟) تنها خردمندانند که پندپذیرند)^(٢).

١- الزمر: ٩.

٢- زمر: ٩.

وقال تعالى: ﴿... أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^(۱).

و خداوند متعال می‌فرماید: (... (پس، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟)^(۲).

وأما قولك بأن أجداد الإمام المهدي (ع) لم يفسروا القرآن فهو من أغرب الغرائب، كيف لا وهم عدل القرآن وترجمانه وأحد الثقلين الذي خلفهما رسول الله (ص) لهداية الأمة، فراجع مثلاً كتاب البرهان في تفسير القرآن، وكتاب تفسير القمي، وغيرها، تجد الكم الهائل لروايات أهل البيت (ع) في تفسير القرآن الكريم رغم قلت أعمارهم والظلم الذي تعرضوا له وكم الأفواه من قبل الطواغيت ومحاربتهم ومحاربة أتباعهم في كل مكان وزمان، والإمام المهدي (ع) هو من سيتم تفسير وتأويل القرآن ويطبقه على أرض الواقع كما بشر بذلك الرسول محمد (ص) وأهل بيته (ع).

ما این سخن شما که اجداد امام مهدی (ع) قرآن را تفسیر نکردند، جزء مطالب عجیب است، چگونه این طور نباشد، درحالی که آنان هم تراز قرآن و ترجمان آن و یکی از ثقلین هستند که رسول الله (ص) برای هدایت مردم آن‌ها را به جای گذاشت. برای مثال به کتاب "البرهان فی تفسیر القرآن" و کتاب "تفسیر قمی" و غیر آن‌ها مراجعه کن، مقدار بسیاری از روایات اهل بیت (ع) را در مورد تفسیر قرآن کریم می‌یابید، به رغم این که عمر آنان کوتاه بود و ستم به آنان رسیده است، و مهرسکوت که از سوی طاغوت‌ها علیه آنان بوده و مبارزه با آنان و مبارزه با اتباع آنان در هر زمان و مکانی بوده است، امام مهدی (ع) فردی است که تفسیر و تاویل قرآن را به اتمام می‌رساند و آن را عملاً انجام می‌دهد، همان‌طور که محمد رسول الله (ص) و اهل بیت (ع) ایشان به آن بشارت دادند.

۲- أجب السيد أحمد الحسن أحد الأسئلة المتعلقة بسؤالك في كتاب المتشابهات ج ۳ سؤال

رقم ۱۱۹:

۲- سيد احمد الحسن (ع) در یکی از سؤالات كتاب متشابهات ج ۳ سؤال شماره ۱۱۹ که مربوط به سؤال شماست به آن پاسخ داده است:

۱- یونس: ۳۵.

۲- یونس: ۳۵.

هل للروح قابليتان وقسمان بأن قسم يبقى في الجسد أثناء النوم أو أثناء صلاة المؤمن، والقسم الآخر في السماء؟

آيا برای روح دو قابليت است، به اين كه قسمتي از آن در هنگام خواب يا هنگام نماز مومن در جسد باقى مى ماند، و قسم ديگر آن در آسمان است؟

وكان جواب السيد أحمد الحسن كالتالي: (الروح كالشمس، فإذا صعدت إلى السماء أو توفاهها الله في النوم بقي شعاعها متصلاً بالجسد يدبره) انتهى.

پاسخ سيد احمد الحسن (ع) اين است: (الروح كالشمس، فإذا صعدت إلى السماء أو توفاهها الله في النوم بقي شعاعها متصلاً بالجسد يدبره). (روح مانند خورشيد است، وقتی به آسمان صعود می کند يا خداوند آن را در خواب می گیرد، شعاعی از آن متصل به جسد می ماند تا آن را اداره کند). پاسخ به پایان رسید.

ومنه نعرف أن الروح عند النوم لا تنقطع نهائياً عن الجسد، وأما عند الموت فهي تنقطع نهائياً ويبقى الإنسان جثة هامدة.

از اين سخن می فهميم: روح موقع خواب به صورت کلی از جسد منقطع نمی شود، اما موقع مرگ به صورت کلی منقطع می شود و انسان مانند جثه ای خاموش می شود.

وفقك الله لمعرفة الحق ونصرته والثبات عليه.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ

خداوند شما را برای شناخت حق و یاری و ثبات بر آن موفق نماید.

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له في الأرض)
شيخ ناظم عقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ



پرسش ۵۱۹: مطلب جدیدی نیارودی.

السؤال / ۵۱۹: السلام عليكم ورحمته وبركاته.

قبل حوالي شهرين دعاني أحد الإخوة إلى البحث في دعوة الإمام أحمد الحسن اليماني روي له الفداء، وشجعتني بأن الموضوع يستحق القراءة، وغير ذلك هو واجب شرعي على جميع المؤمنين، ولقد انشددت بالآونة الأخيرة للقراءة والتمحيص والتفكير ولم أصل إلى شيء، السبب أن جميع الأدلة والبراهين والروايات قد قرأنا عنها وقد سمعنا بها كثيراً ولم تأت بشيء جديد ما عدى ضريح مولاتنا فاطمة الزهراء(ع)، وأيضاً ما مدى مصداقية هذا القول فأستطيع أنا مثلاً أن أقول إن قبرها بجوار قبر عم الرسول حمزة(ع)، وما يثبت ذلك، نريد شيئاً ملموساً حسيّاً سمعياً بصريّاً لا نريد كلاماً فقط، هذا لا يكفي، ثم على الأقل لماذا لا توجد ولو صورة واحد لشخص الإمام، ما الذي يمنع من ذلك لو سلمنا بأنه مطارد فقد تظهر الصورة أشياء لا يظهرها الكلام، فكثيراً من المسلمين آمنوا بالرسول لمجرد رؤيته، أرونا صورة له وفقكم الله هل به شبه من العترة الطاهرة، هل به النور المحمدي، أظن أن طلبي ليس بكثير ولا بمعجزة مع أنني أعلم أن الكثيرين طلبوا هذا الطلب دون جدوى، ودمتم.

المرسل: رزاق الجاروش - السويد

سؤال / ۵۱۹: سلام عليكم ورحمته وبركاته.

قبل از حدود دو ماه یکی از برادران مرا به تحقیق در مورد دعوت امام احمدالحسن یمانی -روحم فدایش- و تشویق کرد، و بیان کرد که این موضوع ارزش خواندن را دارد، و به غیر از آن بر همه مومنین واجب شرعی است، و در مدت اخیر مطالعه و بررسی و تفکر نمودم، ولی به چیزی نرسیدم، دلیل این بود که همه دلایل و برهان‌ها و روایات را قبلاً مطالعه کردم و در موردشان زیاد شنیدم، و چیز جدیدی نیارودی، به غیر از (مشخص کردن مکان) دفن مولایمان فاطمه زهراء(ع)، هم چنین میزان صدق این سخن چه مقدار است؟ چون مثلاً من می‌توانم بگویم که قبر ایشان کنار قبر عموی رسول -حمزه(ع)- است، و راه اثبات آن چیست؟ یک چیز ملموس حسی شنیدنی و بینایی است نه فقط کلامی، این کافی نیست، هم چنین حداقل چرا حتی یک عکس هم برای شخصیت امام وجود ندارد؟ دلیل انجام ندادن این کار چیست؟ اگر قبول کنیم ایشان مورد تعقیب است ولی عکس چیزهایی را نشان می‌دهد که سخن آن را آشکار نمی‌کند، بسیاری از مسلمانان به رسول به مجرد دیدن ایشان ایمان آوردند، عکسی از ایشان به ما نشان دهید، خداوند شما را موفق کند، آیا ایشان به

عترت پاک شباهتی دارد، آیا نور محمدی در ایشان است، فکر کنم درخواست من زیاد نیست و معجزه هم نیست، با اینکه می دانم خیلی ها این درخواست را مکرر کرده اند، پایدار باشید.

فرستنده: رزاق جاروش - سوید

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

أخي العزيز، تقول إن الروايات التي احتج بها السيد أحمد الحسن موجودة وقرأتها، فهل تريد من السيد أحمد الحسن (ع) أن يأتي بروايات غير موجودة مثلاً؟!

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

برادر عزیز، می گوید روایاتی که سید احمد الحسن (ع) با آن احتجاج کرده موجود است و شما آن را مطالعه کردید، آیا از سید احمد الحسن (ع) می خواهید مثلاً روایاتی که وجود ندارد را بیاورد؟!

فإذا كانت الناس لا تصدق الروايات الموجودة فكيف ستصدق بالسيد أحمد الحسن إذا قال لهم مثلاً: قال رسول الله (ص) كذا، أو قال الإمام علي (ع) كذا، أو قال الإمام المهدي (ع) كذا... أم إنهم سيقولون له إننا أصلاً لا نصدق دعوتك فكيف نقبل كلامك وهو غير موجود في المصادر، فكيف تثبت أنه صحيح!!

و اگر مردم روایات موجود را تصدیق نمی کنند، چگونه سید احمد الحسن (ع) را تصدیق می کند و وقتی مثلاً به آنان بگوید: رسول الله (ص) این چنین فرمود، یا امام علی (ع) چنین فرمود، یا امام مهدی (ع) چنین فرمود... یا آنان می گویند: ما اصلاً دعوت شما را قبول نداریم، چگونه سخت را که در منابع وجود ندارد تصدیق کنیم، و چگونه ثابت می کنید که آن صحیح است!!

أخي .. ألم يحتج الرسول محمد(ص) على اليهود والنصارى بأنه موجود ومذكور ومبشر به في كتبهم؟ قال تعالى: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۱).

برادرم... آیا محمد رسول الله(ص) بر یهود و نصارا احتجاج نکرد که در کتاب‌های آنان موجود و مذکور است و به ایشان بشارت داده شده است؟ خداوند متعال فرمود: (همانها که از فرستاده، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد؛ چیزهای پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند)^(۲).

فأراك قد عكست المسألة، وأرجو أن تنتبه لذلك، فإن من أقوى الحجج أن يحتج الإنسان على غيره بما يلتزمون به وما موجود وثابت عندهم.

می‌بینم شما مسئله را برعکس کردید، امیدوارم که به آن دقت کنید، به این که یکی از قوی‌ترین برهان‌ها این است که انسان بر غیرش با چیزی احتجاج کند که به آن ملزم است و آن چه نزد آنان موجود و ثابت است.

وأما إن كنت مصراً على سماع أو قراءة شيء جديد فهذا كتاب المتشابهات مملوء بالجديد، هل تدبرته أم لا؟

اما اگر اصرار داری چیز جدیدی بشنوید یا مطالعه نمایند، این کتاب متشابهات است که پر از مسائل جدید است، آیا در آن تدبر کردید یا خیر؟

وهذه حاكمة الله تعالى التي يدعو إليها السيد أحمد الحسن والتي تركها فقهاء آخر الزمان وأقروا بمشروع نهاية التاريخ (ديمقراطية أمريكا).

۱- الأعراف: ۱۵۷.

۲- اعراف: ۱۵۷.

این حاکمیت خداست که سید احمدالحسن (ع) به آن دعوت می‌کند و چیزی که فقهای آخرالزمان آن را ترک کردند و به قانون آخر تاریخ - دُمکراسی آمریکایی - اقرار کردند.

وأما بالنسبة إلى قبر الصديقة الزهراء (ع) فهل تريد مثلاً أن تنبش قبرها لكي تصدق ... افرض أنه ليس السيد أحمد الحسن هو من أخبر بمكان قبرها بل الإمام المهدي (ع) نفسه، فهل ستشترط عليه من أجل تصديقه أن ينبش لك القبر - والعياذ بالله -؟!

اما در مورد قبر زهراى صديقه (ع)؛ آیا مثلاً می‌خواهید نبش قبر کنید تا باور کنید... فرض کن که سید احمدالحسن (ع) فردی نبود که قبر ایشان را مشخص کرده، بلکه خود امام مهدی (ع) به مکان قبر ایشان خبر داده است، آیا برای تصدیق ایشان شرط می‌گذارید که برایت قبر را نبش کند؟! پناه بر خدا

فقد أخبر السيد أحمد الحسن (ع) عن قبر الزهراء (ع) وقال من يريد أن يتأكد فليذهب إلى القبر وليسأل الله عنده قضاء حوائجه وليرى إجابة الله تعالى إن شاء الله تعالى. أم إنك لا تتعامل إلا بحواسك الخمسة وكل ما عداها لا وجود له؟!

سید احمدالحسن (ع) در مورد قبر زهرا (ع) خبر داده است و فرمود: هر فردی می‌خواهد در این مورد یقین حاصل کند به نزد قبر برود و در آن جا برای برآوردن حاجات خود از خداوند درخواست کند، وان شاء الله تعالى پاسخ دادن خداوند متعال را می‌بیند. اما شما فقط با حواس پنجگانه رفتار می‌کنی و هر چیزی غیر از آن، وجود ندارد؟!

وأما الصورة فهي لا يتوقف عليها الإيمان، فأنت مكلف بالاعتقاد بالإمام المهدي (ع) مع أنك لم تره أبداً، بل ثبت لك ذلك من خلال الروايات التي تقرأها أنت الآن وكما تقول أنت هي ليست بالأمر الجديد، فافرض أن الإمام المهدي (ع) ظهر الآن واحتج عليك بتلك الروايات فهل ستقول له أن هذه الروايات قد قرأناها وهي ليست بالأمر الجديد؟!

اما عكس ایمان بر آن متوقف نیست، و شما مکلف به اعتقاد به امام مهدی (ع) هستید با اینکه ایشان را اصلاً ندیدید، بلکه از خلال روایاتی که در حال حاضر می‌خوانید برایت این مسئله ثابت شده است، و همان طور که می‌گویید که آن‌ها مسئله جدیدی نیستند، فرض کن الان امام مهدی (ع) ظهور کرده و با آن روایات بر شما احتجاج نمود، آیا به ایشان می‌گویید: این روایات را مطالعه کردیم ولی مسئله جدیدی نیستند؟!

أخي .. قال الله تعالى: ﴿... وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾^(۱).

برادرم... خداوند متعال فرمود: (... (و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود)^(۲)).

والسيد أحمد الحسن يقول: اطلبوا الهداية من الله تعالى وليس من أحمد الحسن.

سید احمدالحسن(ع) می‌فرماید: هدایت را از خداوند متعال درخواست کنید و از احمدالحسن درخواست نکنید.

وأخيراً أسأل الله لك التوفيق لمعرفة الحق ونصرته والثبات عليه إنه سميع مجيب.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - محرم الحرام / ۱۴۳۱ هـ

در آخر از خداوند می‌خواهم به شما برای شناخت حق و یاری آن و ثبات بر آن توفیق دهد، او شنوای پاسخ‌گوست.

هیئت علمی - أنصار امام مهدي (مکن الله له في الأرض)
شيخ ناظم عقيلي - محرم الحرام / ۱۴۳۱ هـ



پرسش ۵۲۰: آیا خشم الهی فقط بر عراق است؟

السؤال / ۵۲۰: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

۱- النور: ۴۰.

۲- النور: ۴۰.

وبعد، السلام عليك أيها السيد الجليل والمحترم مولاي ومولى كل مسلم ومسلمة السيد أحمد الحسن.

مولاي، أنا عندي سؤال وهو يختص بالغضب الإلهي الذي هو على الناس الآن بالعراق، هل العراق فقط عليه هذا الغضب، أنا أرى يا مولاي أن أكثر الأحداث واقعة بالعراق وأرى الدول الباقية مرفهة وكأنهم ليسوا مسلمين مثلنا، سؤال: لماذا العراق فقط كل هذه المصائب على رأسه؟ هل هو أثر دعاء الإمام الحسين (ع)، أم ماذا؟ أرجو الرد على سؤالتي.

أشكرك جزيل الشكر وأعتذر منك وأطلب السماح إن كنت قصرت بكلمتي، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسلتة: نورة السويفي - كندا

سؤال / ٥٢٠: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

بعد سلام برشما ای سید جلیل و محترم، مولایم و مولای هر مرد و زن مسلمان سید احمد الحسن (ع). مولایم، سؤالی دارم در خصوص خشم خداوند که الان شامل مردم عراق شده است، آیا این خشم فقط بر عراق است، مولایم، من می بینم که بیشتر اتفاقات در عراق اتفاق می افتد و می بینم بقیه دولت ها در رفاه هستند، انگار مانند ما مسلمان نیستند، سؤالم این است: چرا فقط تمام این مصیبت ها برعراق وارد می شود؟ آیا آن تحت تاثیر دعای امام حسین (ع) است، یا چیز دیگری است؟ امیدوارم که پاسخ سؤالم را بدهید. از شما تشکر بسیار می کنم، و از شما معذرت خواهی می کنم، و اگر در کلمه ای کوتاهی کردم می خواهم که از من در گذرید، و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: نوره سويفي - كندا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

قال الله تعالى: ﴿... وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^(١).

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
 وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.
 خداوند متعال می‌فرماید: ... (و عذاب نمی‌کنیم تا اینکه فرستاده‌ای بفرستیم)^(۱).

فالعراق قد بعث الإمام المهدي (ع) فيه وصيه ورسوله وكذبوه واستهزؤوا به وشردوه وهدروا دمه وهدموا حسينيّاته وقتلوا أنصاره ومثلوا بأجسادهم الطاهرة شر تمثيل والبقية بين مشرد عن أهله وعياله وبين مسجون يتعرض لعذاب المنافقين الذين فاقوا الملعون صدام بتجبرهم وظلمهم، وأنت الآن ترين أن كل الناس في العراق فرحت بما فعلته حكومة الزوراء بأنصار الإمام المهدي (ع) بل ويبارك بعضهم البعض الآخر بمناسبة قتل أنصار الإمام المهدي (ع).

امام مهدی (ع) به عراق وصی و فرستاده‌اش را فرستاد، ولی او را تکذیب کردند و به استهزاء گرفتند، و او را طرد کردند، و خونس را حلال شمردند، و حسینیه‌های او را منهدم کردند، و انصارش را کشتند، و جسدهای پاک‌شان را به بدترین نوع مثله کردند، و بقیه آنان از خانواده‌شان طرد شده‌اند، و یا در زندان هستند که منافقین آنان را عذاب می‌کنند، آنان که با ستم و جورشان از صدام ملعون سبقت جستند، شما الان می‌بینید که همه مردم در عراق نسبت به کاری که حکومت بغداد با انصار امام مهدی (ع) انجام دادند خشنود هستند، بلکه بعضی از آنان به خاطر کشتن انصار امام مهدی (ع) به بعضی دیگر تبریک می‌گویند.

فهل هذا غير كاف لكي يبدأ العذاب الإلهي بالعراق وأهله الذين لم ينصروا نبياً ولا إماماً بل كثرت قبور الأولياء في العراق؛ لأنهم كلما يأتيهم إمام يخذلوه ويقتلوه ... الخ.

آیا این کفایت نمی‌کند تا عذاب الهی به عراق و اهل آن برسد، مردمی که نه پیامبری را یاری دادند و نه امامی را، بلکه قبرهای اولیاء در عراق افزایش پیدا کرده است، چون هر زمانی امامی برایشان می‌آمد او را خوار می‌کردند و می‌کشتند... الخ.

وأما بقية العالم فأنت الآن ترين ما يصيبهم من كوارث وأمراض وأزمة مالية وحروب وقلقل

...

اما بقيه عالم الان زلزلهها وبيمارىها و مشكلات مالى و جنگها و مشكلاتى كه به آنان رسیده است را مشاهده مى كنيد...

والآتي أعظم وأشد وهذه مقدمة العذاب لا غير. والعراق إلى الآن لم ينزل به العذاب الأكبر وأن هذا هو العذاب الأدنى، كما قال الله تعالى: ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^(١).

آن چه مى آید بزرگ تر و شدیدتر است، و این به غیر از مقدمه عذاب چیز دیگری نیست. و عراق تا الان عذاب بزرگ بر آن نازل نشده و این عذاب پایین تر است، همان طور که خداوند متعال فرمود: (به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند!)^(٢).

نستجير بالله من غضبه ونسأله العفو عن ذنوبنا وتقصيرنا.
وفقكم الله لكل خير، وأسألكم الدعاء.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ

از خشم خداوند به او پناه می بریم و گذشت از گناهان و کوتاهی مان را از وی می خواهیم.
خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند، التماس دعا.

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له في الأرض)
شيخ ناظم عقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ



پرسش ٥٢١: چگونه انسان از نتیجه امتحان اولش باخبر شود؟
السؤال / ٥٢١: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

١- السجدة: ٢١.

٢- سجدة: ٢١.

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

سیدی ومولای یمانی آل محمد، أسأل الله لكم السداد والتوفيق، حضرتکم ذکرتم فی کتاب الجواب المنیر عبر الأثیر بأن الإنسان الآن فی الامتحان الثانی وهو امتحان الحیاة الدنیا، الامتحان الأول كان فی عالم الذر، کیف یعرف الإنسان أنه نجح بالامتحان الأول؟ هل الذی نجح بالامتحان الأول سینیجح بالامتحان الثانی؟ أم ماذا مولای یمانی آل محمد؟ أشکرک وأشکر وسع صدرك لنا.

سؤال / ۵۲۱: سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

آقا و مولایم یمانی آل محمد، از خداوند برای شما پشتیبانی و توفیق می خواهم، شما در پاسخ‌های روشننگرانه از راه اینترنت ذکر کردید که انسان در حال حاضر در امتحان دوم است و آن امتحان زندگی دنیاست، امتحان اول در عالم ذر بوده است، چگونه انسان بفهمد که در امتحان اول پیروز شده است؟ آیا فردی که در امتحان اول پیروز شده در امتحان دوم پیروز می‌شود؟ مولایم یمانی آل محمد چگونه است؟ از شما متشکرم و به خاطر وسعت سینه شما برای ما متشکرم.

وسؤال الثانی: ما قولك عن مثلث برمودا، وما السرفیه؟ حفظکم الله من كل سوء یا مولای، وأرجو منك یا سیدی بالدعاء لی فأنا امرأة مسکینه وحقیره وملیئة بالذنوب. استودعکم الله سیدی.

المرسلة: نورة السويقي - كندا

سؤال دوم این است: در مورد مثلث برمودا چه می‌گویید و راز آن چیست؟ مولایم خداوند شما را از هر بدی محافظت کند، آقایم از شما می‌خواهم که برایم دعا کنید، من خانم فقیر و حقیر و پر از گناهان هستم. آقایم، خدا نگهدار شما.

فرستنده: نوره سوییقی - کانادا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

أختي الفاضلة .. إن الله تعالى لا يعزب عن علمه شيء في السموات والأرض، فهو يعلم من ينجح في الامتحان الأول من خلقه ويعلم من سيفشل منهم، وكذلك يعلم أنه من نجح في الامتحان الأول سينجح في الامتحان الثاني وأن الذي فشل في الامتحان الأول سيفشل في الثاني. وأن هذا الامتحان لإقامة الحجة على الناس أكثر ... ورغم ذلك فإن الكافرين سيطلبون في الآخرة أن يرجعهم الله ويمتحنهم مرة ثالثة لكي يعملوا صالحاً، والله تعالى يرد عليهم بأنهم لو ردوا لعادوا إلى كفرهم وعصيانهم.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

خواهر با فضیلتم... از علم خداوند چیزی در آسمانها و زمین پنهان نیست، و او آفریده هایش که در امتحان اول پیروز شدند را می داند و می داند کدامیک از آنان شکست می خورد، و هم چنین می داند فردی که در امتحان اول پیروز شده، در امتحان دوم پیروز می شود، و فردی که در امتحان اول شکست خورده، در دومی شکست می خورد، و این امتحان برای اقامه بیشتر حجت بر مردم است... و با همه این کافریں در آخرت می خواهند که خداوند آنان را بازگرداند و برای بار سوم آنان را امتحان کند، تا کار شایسته انجام دهند، و خداوند متعال به آنان پاسخ می دهد: اگر باز می گشتند، به کفر و سرپیچی خود باز می گردند.

قال تعالى: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿١﴾ بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢﴾.

خداوند متعال می فرماید: (و ای کاش هنگامی که بر آتش عرضه می شوند، می دیدی که می گویند: کاش بازگردانده می شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم. بلکه آن چه را پیش از این نهان می داشتند، برای آنان آشکار شده است. و اگر هم بازگردانده شوند قطعاً به آن چه از آن منع شده بودند برمی گردند و آنان دروغگویند) (۲).

۱- الأنعام: ۲۷ - ۲۸.

۲- انعام: ۲۷ - ۲۸.

وقال تعالى: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿۱﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۲﴾﴾^(۱).

و خداوند متعال می‌فرماید: (تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرارسد، می‌گوید: پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آن‌چه وانهادهام کار نیکی انجام دهم. نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاییش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد)^(۲).

وعن أبي جعفر(ع)، قال: (لو علم الناس كيف ابتداء الخلق ما اختلف اثنان، إن الله (عزوجل) قبل أن يخلق الخلق قال: كن ماء عذباً أخلق منك جنتي وأهل طاعتي، وكن ملحاً أجاجاً أخلق منك ناري وأهل معصيتي، ثم أمرهما فامتزجا، فمن ذلك صار يلد المؤمن الكافر والكافر المؤمن، ثم أخذ طيناً من أديم الأرض فعرکه فعرکه عرکاً شديداً فإذا هم كالذر يدبون، فقال لأصحاب اليمين: إلى الجنة بسلام، وقال لأصحاب الشمال: إلى النار ولا أبالي، ثم أمر ناراً فأسعرت، فقال لأصحاب الشمال: ادخلوها، فهابوها، فقال لأصحاب اليمين: ادخلوها، فدخلوها، فقال: كوني برداً وسلاماً، فكانت برداً وسلاماً، فقال أصحاب الشمال: يا رب، أقلنا، فقال: قد أقلتكم فادخلوها، فذهبوا فهابوها، فثم ثبتت الطاعة والمعصية فلا يستطيع هؤلاء أن يكونوا من هؤلاء، ولا هؤلاء من هؤلاء)^(۳).

و ابي جعفر(ع) می‌فرماید: (اگر مردم می‌دانستند آفرینش چگونه آغاز شده است حتی دو نفر هم با یکدیگر اختلاف نداشتند، خداوند قبل از اینکه آفریده‌ها را بیافریند فرمود: آب شیرین باش تا بهشتی و اهل اطاعتی را بیافرینم، شور باش تا آتشی و اهل معصیت را بیافرینم، سپس دستور داد و با یکدیگر ممزوج شدند، به این خاطر مومن کافر می‌زاید و کافر مومن می‌زاید، سپس گلی از روی زمین گرفت و آن را به شدت با هم مخلوط کرد، ناگهان آنان مانند ذره‌ای شدند که به آرامی شروع به حرکت کردند، به اصحاب یمین فرمود: با سلام به سمت بهشت روید، و به اصحاب شمال فرمود: به سمت آتش بروید و من ابایی ندارم، سپس دستور داد آتشی روشن کنند و آن خروشان شد، به اصحاب شمال فرمود: وارد آن شوید، از آن ترسیدند، و به اصحاب یمین فرمود: وارد آن شوید، وارد آن شدند و فرمود: سرد و به سلامت باش، و آتش سرد و به سلامت شد، اصحاب

۱- المؤمنون: ۹۹-۱۰۰.

۲- مؤمنون: ۹۹-۱۰۰.

۳- الکافی: ج ۲ ص ۶-۷.

شمال گفتند: پروردگارا، از ما درگذر، فرمود: درگذشتم، وارد آتش شوید، رفتند ولی از آن ترسیدند، از همین جا بود که اطاعت و معصیت ثابت شد، نه آنان توانستند که از آنان شوند و آنان نیز نتوانستند از آنان شوند^(۱).

وأما بالنسبة إلى سؤالك عن مثلث برمودا فالسيد أحمد الحسن لم يقل شيئاً بخصوصه الآن.
وفقك الله لكل خير، وأسألك الدعاء.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له فی الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ

اما در مورد مثلث برمودا سيد احمد الحسن (ع) در مورد آن الان چیزی نفرموده است.
خداوند شما را برای هر خیری توفیق دهد، و از شما مسألت دعا دارم.

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له فی الأرض)
شيخ ناظم عقيلي - محرم الحرام / ١٤٣١ هـ

